

تاریخ تشیع در کرمانشاه از آغاز تا امروز بانضمام پیشینه اعتقادی در غرب ایران

نویسنده: سلطانی، محمد علی

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: [بی نا]

مکان چاپ: تهران

سال چاپ: ۲۰۰۱ م

نوبت چاپ: اول

##PAGE=1##

فهرست مندرجات

* پیشینه اوضاع اعتقادی در منطقه کرمانشاهان صفحه ۹-۱۷

مغان مهرپرستی (میتراثیزم)، دین مزدیسنی (زردشت)، مانویت، آئین زروانی، مزدکیان

اسلام- تشیع؛ پیشینه؛ شیعیان، مکتب جعفری، صفحه ۱۸-۲۳

امامت، شیعیان امامیه، ائمه اثنی عشریه، فقه جعفری

شیعه در کرمانشاه- روند سیاسی، اجتماعی و علمی مکتب تشیع در کرمانشاهان، صفحه ۲۴-۳۱

کرمانشاهان و روات آن، آل بویه و رواج تشیع در کرمانشاهان، تصنیف نخستین شرح نهج البلاغه در کرد کرمانشاهان،

تشیع و صفویه در کرمانشاهان، ملا محمد زکی کرمانشاهی مشاور نادر شاه افشار، شیخ احمد احسائی در کرمانشاه

* خاندانهای مذهبی شیعی در کرمانشاه صفحه ۳۲-۴۴

خاندان آل آقا، منابع و مآخذ مکتوب و مستند و مصور در پژوهش خاندان آل آقا، آیت الله آقا محمد علی کرمانشاهی؛
اوایل حیات، تحصیلات، مرتبه علمی آقا محمد علی در آثار اعلم علماء شیعی، مهاجرت به ایران، ورود به کرمانشاه و

اقامت، شیوع وبا و عزیمت به گیلان، سفر به قم، وساطت الله قلی خان زنگنه در نزد علی مراد خان زند، مبارزه با صوفیه، غروب آفتاب عمر آقا محمد علی، ماده تاریخ از میرزا محمد نامی کرمانشاهی، تألیفات آقا محمد علی بهبهانی

آیت الله آقا محمد جعفر کرمانشاهی ۴۸-۴۵

اوایل حیات، تحصیلات، تألیفات، وفات

آیه الله آقا محمود کرمانشاهی صفحه ۵۲-۴۸

اوایل حیات، تحصیلات، تألیفات، هجرت، تصوف صفحه ۵۲-۴۸

آیه الله آقا احمد کرمانشاهی صفحه ۵۳-۵۹

##PAGE=2##

اوایل حیات، تحصیلات، هجرت، رحلت، تألیفات

آیه الله آقا عبد الله کرمانشاهی صفحه ۶۱-۵۹

اوایل حیات، مقام علمی، تألیفات، رحلت

آیه الله آقا اسد الله کرمانشاهی صفحه ۶۳-۶۱

اوایل حیات، تحصیلات، مقام علمی و اجتماعی، رحلت

آیه الله آقا ابو علی کرمانشاهی صفحه ۶۳

مقام علمی و اجتماعی و اخلاقی، رحلت

* سایر برجستگان خاندان آقا صفحه ۶۳-۸۰

آقا عبد الحسین بن محمد باقر بهبهانی / آقا محمد صادق بن آقا محمد جعفر بن آقا محمد علی کرمانشاهی / آقا عبد
المحمد بن آقا عبد الله بن آقا محمد جعفر بن آقا محمد علی کرمانشاهی / آقا عبد الله بن آقا عبد المحمد / آقا علم الهدی
بن آقا عبد المحمد / آقا محمد تقی بن آقا محمد جعفر بن آقا محمد علی / حاج آقا اکبر بن آقا محمد تقی / آقا محمد
کریم بن حاج آقا اکبر بن آقا محمد تقی / آقا غلامحسین بن آقا محمد کریم بن حاج آقا اکبر بن آقا محمد تقی / آقا
محمد بن حاج آقا نبی بن آقا محمد تقی / آقا ابو القاسم رئیس العلماء / علامه وحیدی / حاج اقا محمد بن آقا محمود بن
آقا محمد علی / حاج آقا احمد آل آقا کرمانشاهی / حاج آقا عبد الله آل آقا / آقا اسمعیل بن آقا محمد علی / آقا محمد
علی بن محمد اسمعیل بن آقا محمد علی / آقا محمد صالح بن آقا محمد اسمعیل بن آقا محمد علی / آقا رحیم بن آقا

محمد هادی بن آقا محمد صالح / آقا ابو تراب بن آقا شمس الدین بن آقا محمد هادی / آقا احمد آل آقا (کرمانشاهی -
نهادندی)

آلبوم - اسناد - شجره صفحه ۸۱ - ۱۲۸

✽ خاندان جلیلی صفحه ۱۲۹ - ۲۶۷

آیت الله آخوند ملا عبد الجلیل؛ تحصیلات، ورود به کرمانشاه، مقام آخوند در منابع علمی و تاریخی و آثار علماء شیعی،
ماده تاریخ رحلت آخوند از ناطق. فرزندان آخوند

آیت الله آقا عبد الاحد کرمانشاهی صفحه ۱۳۱ - ۱۳۲

اوایل حیات، تحصیلات، احوال و مرتبه علمی، وفات

آیت الله آقا عبد الصمد کرمانشاهی صفحه ۱۳۲

اوایل حیات، تحصیلات، احوال و مرتبه علمی، وفات

آیت الله حاج شیخ عبد الرحیم کرمانشاهی صفحه ۱۳۳ - ۱۳۵

اوایل حیات، تحصیلات، مقام علمی و فقهی، تألیفات، وفات

آیت الله حاج شیخ عبد العلی جلیلی کرمانشاهی صفحه ۱۳۵

اوایل حیات، مراتب علمی و فقهی، تحصیلات، وفات

##PAGE=3##

اوایل حیات، تحصیلات، سلسله سیادت، وفات، بازماندگان و وابستگان، تألیفات.

اسناد صفحه ۳۰۴ - ۳۰۷

خاندان شهرستانی کرمانشاهی صفحه ۳۰۸

آیت الله آقا میرزا جعفر شهرستانی؛ احوال و آثار صفحه ۳۰۸، ۳۰۹

آیت الله العظمی آقا سید محمد حسین شهرستانی صفحه ۳۰۹

منشاء، ولادت و اوایل حیات در کرمانشاه، تحصیلات، تألیفات، خاندان و فرزندان

یک حرکت تاریخی خاندان شهرستانی در کرمانشاه صفحه ۳۱۲-۳۱۵

مهاجرت یا تبعید، اوضاع ایران در آن ایام، آغاز حرکت، ورود به کرمانشاه، احمد شاه و سردار سپه، رقابت روس و انگلیس، حرکت بسوی همدان، نقش برادر کهنتر، اشتباه تاریخی بهار، هبت الدین شهرستانی، پایان کار، مخالفت آیت الله شهرستانی با توافق، عزیمت به مشهد، تلگراف محمد حسن میرزا ولیعهد، انگلستان باید عذرخواهی کند، دو سند تاریخی دیگر، آیت الله حاج سید ابو طالب شهرستانی

اسناد صفحه ۳۲۶-۳۳۴

خاندان شیخ الاسلام کرمانشاهی صفحه ۳۳۵-۳۳۷

مولانا عاشور کرمانشاهی؛ مرتبه علمی، مهاجرت، اشتها/ آقا ملا رضا کرمانشاهی، مرتبه علمی، موقعیت اجتماعی، اشتها، مقام علمی آقا ملا رضا در آثار علماء و رجال، وفات/

آقا شیخ جعفر کرمانشاهی، مرتبه علمی، تدریس، وفات/ علامه ملا محمد کرمانشاهی، اوایل حیات، اقامه و تدریس، وفات، فرزندان از علماء/

حیات علمی شیخ الاسلام محمد بن عاشور کرمانشاهی تالیفات شیخ الاسلام محمد بن عاشور کرمانشاهی

اسناد صفحه ۳۳۸، ۳۳۹

خاندان صدوقی کرمانشاهی (یزدی) صفحه ۳۴۰-۳۴۲

مولانا ملا محمد مهدی کرمانشاهی، اوایل حیات، تحصیلات، ازدواج، تبعید، وفات

حیات علمی مولانا ملا محمد مهدی فقیه کرمانشاهی،

بازماندگان مولانا ملا محمد مهدی کرمانشاهی؛ ملا محمد رضا مجتهد کرمانشاهی، میرزا ابو طالب کرمانشاهی، آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی، حجة الاسلام میرزا محمد کرمانشاهی.

خاندان محمدی عراقی کنگاوری صفحه ۳۴۳-۳۶۰

پیشینه، مولی محمد باقر کهرودی، مقام علمی و فقهی، اوایل حیات، تحصیلات، وفات، تألیفات

آیت الله حاج شیخ محمد کنگاوری؛ مقام علمی و فقهی، تدریس و اقامه، وفات

آیت الله حاج شیخ حبیب الله کنگاوری، اوایل حیات، مرتبه علمی، مبارزات سیاسی

آیت الله حاج شیخ مجتبی عراقی، اوایل حیات، مقام علمی و فقهی، تدریس و اقامت جماعت در

کنگاور، مهاجرت به قم، عضویت جلسات استفتاء تصدی کتابخانه مسجد اعظم قم، تألیفات

آیت الله حاج آقا بزرگ محمدی عراقی، اوایل حیات، مقام علمی و فقهی، مرتبه ایشان در آثار علماء و رجال، مبارزات سیاسی، وفات

بازماندگان؛ حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ بهاء الدین عراقی، حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمود مهدی عراقی

اسناد، شجره صفحه ۳۵۲، ۳۶۰

اشاره

خدا

بدنبال تالیف و ارائه مؤثر و موفق مجموعه جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان که بعنوان نخستین دائرة المعارف منطقه‌ای در ایران و مربوط به این محدوده جغرافیایی تایید گردید و اشتهار یافت بمنظور تثبیت محتوایی این عنوان، ادامه تألیف و پژوهش و تدوین و تنظیم مورد نیاز ضرورتی حتمی بود، که عنایت خداوندی و عشق به زادگاه و تعهد به ارائه هرچه کاملتر این مجموعه با وجود انبوه امورات زندگی و تدریس و پژوهش و تألیف آثار جنبی، موجب نیل به سرمنزل توفیق گردید، بقول میر عبد الطیف شوشتری در تحفة العالم، کرمانشاهان که هندوستان ایران خوانده می‌شود از لحاظ تنوع آراء و عقاید و حضور ادیان و مذاهب الهی و فرق مختلف سیمایی دیدنی و شنیدنی دارد و نمونه بارز تمدن و فرهنگی کهن سال است که در بطن مسائل اجتماعی آن، مکاتب اعتقادی گوناگون در کمال آزادی فراغ بال رشد و بالندگی داشته‌اند و با احترام به مقدسات و اندیشه‌های دینی و مذهبی یکدیگر قرن‌هاست به زندگی مسالمت‌آمیز اشتغال دارند، و در مراسم و آئین و اعیاد و عزای یکدیگر بی‌تعصب شرکت فعال داشته‌اند، تا جایی که به یاد دارم در سالیان پیشین برادران اهل سنت در این شهر بهنگام مراسم سوگواری سالار شهیدان در ایام محرم الحرام دسته‌های عزاداری داشتند و همچنین سالکان خانقاه‌ها و تکایا با آئین خاصی بیرون آمده عزاداری می‌کردند و همچنین در زاد روز ولادت حضرت مولی الموحدین علی علیه السلام در تمامی مساجد و معابد و تکایا و ... بدون استثناء مراسم جشن برگزار می‌شد، که شهر کرمانشاه در این جلوه‌های پیوند اعتقادی و همبستگی دینی و مذهبی شاید در ایران نمونه و گزیده و یگانه باشد، از آنجا که اکثریت ساکنان کرمانشاهان را پیروان مذهب شیعه اثنی عشریه تشکیل می‌دهند، در این مجلد که در واقع مجلد ششم جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان است به بررسی سابقه تاریخی و شناخت رجال این نحله پرداخته‌ایم، و ابتدا برای آشنایی خوانندگان و علاقه‌مندان و دانشجویان

به سیر تطور ادیان و مذاهب منطقه، قبل از ظهور اسلام اشاره شده است.

نگاهی به محتوی و نمایه و اسناد و تصاویر و منابع و مآخذ و مصاحبه‌ها و بهره‌یابی از آرشیو و آلبوم‌های منحصر که عنایت و بزرگواری و حمیت و غیرت فرهنگی بیوت علمای اعلام منطقه در این راه طولانی همواره شامل حال کمترین بوده است، نمایانگر حسن نیت و اعتماد عزیزان و اعتناء بدین مهم و توجه به عظمت تلاش ارائه شده و دیگر نمودار پای پربله و دستان سبز از وصال این آرزومند اعتلای فرهنگی کرمانشاهان همیشه سربلند است، که بی‌اعتناء و اتکاء به هرکس و هرچیز جز خدای عزیز، آزاده و سربلند، و خدمتگزار و شاکرم.

در پایان از همسر و همکار ارجمند سرکار خانم فریبا مقصودی و فرزندانم سما و سها که در طی انجام کندوکاوهایی پایان‌ناپذیر برای اعتلای فرهنگ شهر مألوف و محبوبشان کرمانشاه تحمل زندگانی قلندروار و بی‌آسایش و آرامش همسر و پدر را تقبل کرده و می‌کنند، سپاسگزارم و جز این جبرانی ندارم و از تمامی بزرگواری که با ارسال نامه‌های متعدد و تماس‌های مکرر و ابراز سپاس حضوری توان گام‌های این راهرو بوده‌اند، تشکر می‌کنم.^۱

در این مجلد تا آخرین جلد از مجموعه حاضر بخاطر صرفه‌جویی در میزان صفحات کتاب و به تبع رعایت توان تهیه‌کنندگان و علاقه‌مندان با استفاده از حداکثر فضای ممکن برای صفحه‌بندی مطالب از بازخوانی اسناد بصورت مجلدات پیشین خودداری شده است و با اینکه تمامی مراحل بازخوانی و تصحیح و تنظیم آن انجام شده بود در مرحله آخر از درج مطالب مزبور منصرف که در غیر اینصورت تعداد صفحات این جلد به بالغ بر یک‌هزار می‌رسید، بنابراین به کلاسه‌بندی و معرفی موضوعی اسناد بسنده گردید امید که علاقه‌مندان و دانشجویان عزیز در صورت نیاز با استفاده از الگوی بازخوانی مجلدات پیشین بر استنساخ اسناد لازم فایق آیند. ان شاء الله.

محمد علی سلطانی

بهار ۸۰ تهران

##PAGE=9##

پیشینه اوضاع اعتقادی در منطقه کرمانشاهان

کرمانشاهان از مناطق مهم در قلمرو جغرافیایی ماد بزرگ است که در فصل جغرافیای تاریخی (ج ۱) این مجموعه بطور مفصل به موقعیت و مشخصات آن اشاره شده است، سرزمین ماد بزرگ در غرب ایران به سبب پیوند ریشه‌ای با فرهنگ و تمدن بین النهرین و سرزمین بابل که زادگاه تمدن‌های فراگیر جهانی ما در روزگاران پیشین بوده‌اند، آئین و آداب‌های اصیل و نشأت گرفته از استعدادهای خلاق و اندیشه‌های شگرف به طول تاریخ تمدن‌های بشری در این سرزمین وجود داشته و همچنان استمرار یافته است. نخستین آیین کهن که آثار و اسناد موجود و رسوبات فکری آن در آئین‌های حاضر، دلیل واضح بر رواج و اعتلای آن در سرزمین کرمانشاهان به عهد ایران قبل از اسلام است؛ آئین مغان می‌باشد.

^۱ (۱) - بسیاری از همشهریان با ارسال مدارک و یادداشت و نمونه‌ها و نوارهایی، از استفاده غیرمجاز و بدون ذکر مآخذ از این مجموعه توسط افراد در مراکز پژوهشی و سعی و بصری استان شکوا نموده و خواستار اقدام شده‌اند، از آنجا که مرا همواره سخن این بوده که بار کج به منزل نخواهد رسید و افراد مزبور نیز از این طریق معیشتی دارند و ... بنابراین برای تشفی خاطر عزیزان بررسی کیفیت این موارد را با استفاده از مدارک ارسالی و نمونه‌های تهیه شده به کتاب (موریانه‌های فرهنگی) حواله می‌دهم.

که مستشرقین آنرا آئین توده‌های مردم غرب ایران، پیش از ظهور زرتشت در اوایل هزاره اول قبل از میلاد، یعنی؛ پیش از آوردن اوستا و تأسیس کیش مزدیسنی و قبل از تشکیل سلطنت (ماد) می‌دانند، آئین مغان در جامعه بومیان غیر آریایی ایران، رواج داشته است.

کلمه مغ - مگوش بزبان فرس قدیم؛ مگاوا vagma در اوستا (یسنا، فصل ۷/۴۵) در تلو کلام فقط در یکجا ذکر شده و آنرا به معنی (خادم) و (چاکر) استعمال کرده است و از اینجا معلوم می‌شود که

##PAGE=10##

بعد از غلبه آریان‌های شمالی مهاجم ساکنین اصلی بومی را مانند؛ دیگر ممالک، که مورد حمله و هجوم آریانها شدند، مسخر خود کرده و آنها را به فرمانبرداری و چاکری خود گماشته بودند. ظاهرا مغها مانند عیلامی‌ها از سکنه قدیم ایران بوده‌اند، و به هیچیک از دو نژاد آریائی و سامی، تعلق و بستگی نداشته‌اند، به ظن قوی آنان با سکنه قدیم هند؛ دراویدیان - snaidivarD، ظاهرا از یک نژاد می‌باشند. یکی از اسناد معتبر ایرانی راجع به (مغان) همانا کتیبه داریوش در بیستون (در حومه کرمانشاه) است که در آنجا از مغها، یاد کرده و می‌گوید؛ گواماتاG atamua از جماعت مغها بوده و می‌خواسته است، سلطنت را غصب کند و خانواده هخامنشی پارس را براندازد و شاهنشاه بر او غلبه یافت و جمعی کثیر از مغها را بقتل رسانیده، خاندان خود را از خطر آنان نجات داد. ولی این کتیبه از رسوم و عادات ایشان ذکری نمی‌کند.

در منابع عبری و صحف انبیاء بنی اسرائیل که قبل از اسارت بابل و یا در همان ازمه به تحریر آمده، در چند مکان اجمالا و بطور ضمنی از مغها یا مگوش‌ها - ذکری رفته است، از آن جمله در کتاب ارمیاء نبی (۳۹/۱۳) بوجود یک صاحب منصب مجوسی در دستگاه نبوکدنصر (بخت النصر) پادشاه بابل اشاره می‌کند (در حدود ۶۰۰ ق م) معلوم می‌شود که آن جماعت در آن ازمه، قبل از طلوع دولت پارسیان نفوذ و پیشرفتی در تختگاه بابل داشته‌اند.

همچنین در انجیل متی: ۲/ ۱ آنجا که می‌گوید: «مقارن تولد عیسی چند مرد (مغ) از مشرق زمین به اورشلیم آمده گفتند: کجاست آن مولود که پادشاه یهود است؟ زیرا که ستاره او را در مشرق دیده‌ایم و برای پرستش او آمده‌ایم ...» و نیز در کتاب اعمال رسولان که در قرن اول میلادی نگارش یافته (باب ۱۳/ ۶ و باب ۸) مغ به معنای «جادوگر» استعمال شده است.

در قرآن مجید؛ کلمه (المجوس) آمده است در این آیت: (إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ...) (الحج ۲۲/ ۱۷) در این آیه آنها را در عرض یهود و نصاری قرار داده و از صف مشرکین خارج فرموده است.

هرچند غالب مفسرین کلمه مجوس را به معنای زردشتی «گبر» تفسیر کرده‌اند، ولی مسلما آن کلمه معرب مگوش hsugaM فرس قدیم و مگاوا اوستایی و مگوسیا پهلوی است که در زبان فارسی امروزه صورت «مغ» گرفته است. علاوه بر قرآن در اشعار عرب جاهلی نیز کلمه (المجوس) کمابیش دیده می‌شود.

چون منابع شرقی اطلاع کاملی از این طایفه و رسوم و آداب دینی و معتقدات ایشان بدست نمی‌دهد، ناگزیر باید به آنچه مورخین و نویسندگان (کلاسیک) در باب آن گروه و عقاید آن فرقه نوشته‌اند، اکتفا نمود.

در منابع یونانی از همه بهتر کتاب هرودوت است (فصل اول، ۱۰۱) از این نوشتجات چنین بر می‌آید که فرقه مگوش یا مغان قبل از تهاجم آریائیان ریاست مذهبی بر سر سکنه بومی قدیم ایران

##PAGE=11##

داشته‌اند و همچنین در دوران سلطنت «ماد» گروه یا فرقه برگزیده و نیرومندی بوده‌اند، اما چون نوبت پادشاهی به پارس رسید از نفوذ و اقتدار ایشان کاسته گشت، لیکن پس از ظهور زردشت و انبساط دین مزدیسنی بسیاری از اصول عقاید آنان با معتقدات آریائیان آمیخته و مخلوط گردید و مقدار فراوانی از مبادی آنان در جامعه دین زردشتی باقی ماند که از آن جمله است؛ احترام به عنصر - آذر - یا - آتش که پارسیان نیز آنرا مورد احترام و پرستش قرار دادند. هرودوت می‌گوید: که مغان در ایران عناصر اربعه یعنی؛ آتش و خاک و آب و باد را مورد عبادت و تقدیس قرار داده و معبد مخصوص - آذر - آتشکده داشته که آنها را در محل مرتفعی در شهر و بلد می‌ساخته‌اند و شعله آنرا دائماً و اتصالاً در شب و روز فروزان نگاه می‌داشته‌اند. از آنجاست که حافظ در اشعار خود که غالباً تلمیح به (مغان) کرده است. در بیتی لطیف چنین می‌گوید:

«از آن به دیر مغانم عزیز می‌دارند که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست»

برای آنکه چهار عنصر مقدس طبیعت آلوده و نجس نشوند، مغان اجساد اموات را که نزد ایشان شیئی ناپاک و مورد رعب یعنی «تابو» بوده است، در خاک دفن نمی‌کرده و مانند؛ هنود آنرا نمی‌سوزانده، بلکه کالبد مرده را در معرض هوا می‌گذاشته‌اند تا طیور و درندگان لاشخوار آنرا ببلعند.

رسم ساختن (برج خاموشان) در آغاز از ایشان معمول گردیده، این رسم هم‌چنان در نزد زرتشتیان نیز بعدها متبع و متداول گشت.

بعضی از محققین جدید برآنند که مبدأ اعتقاد به دوگانه‌پرستی یعنی ایمان به خدای خیر و نور، در برابر خدای شر و ظلمت، عقیده‌ایست که از مغان باستانی باقی مانده است. زیرا در گاتاه‌ها که قدیمترین قسمت اوستا و صرفاً ایرانی الاصل است، کمتر تصریح به مبدأ ثنویت و دوگانگی دیده شده است و حتی از نام اهرمن بر سبیل اتفاق و ندرت در آن کتاب ذکری رفته است (پسنا ۴۵ / ۲) ولی مغها اهریمن را در برابر اهورامزدا فاعلی مستقل و نیرویی قادر و جاوید می‌دانسته‌اند. پلوتارک؛ مورخ یونانی ذکر می‌کند، که آنان به نام اهرمن قربانی‌ها می‌گذرانیده و عقیده ثابت و صریحی برای قدرت و توانایی دو فاعل و خالق خیر و شر متساویا در عالم هستی قائل بوده‌اند. این با عقیده قدیم زرتشتی که همه چیز را مخلوق خدای نیکی (اهورمزدا) می‌داند و در پایان کار نیز او را بر اهرمن پیروز می‌شمارد، مابینت واضح دارد.

همچنین بر حسب روایات یونانی عقیده به «رستاخیز» یعنی بحث بعد الموت که پس از آن ارواح دارای وجودی جاودانی می‌شوند، از اصول و مبادئی بوده است که نزد مغان رواج داشته و بعداً به ادیان دیگر سرایت نموده است.

یکی از مبادی قدیمه ایشان که نزد زرتشتیان نیز متداول شده مسئله - عبادت آفتاب است و مخصوصاً آن رسم که در هنگام ستایش آفتاب شاخه‌های سبزی در برابر چهره و بینی خود نگاه می‌داشته‌اند. ظاهراً مراسم معروف به «برسوم» mosraB که نزد زرتشتیان معمول است. از این عبادت

##PAGE=12##

قدیم ناشی شده. در کتاب حزقیال نبی (۱۷ / ۸) به همین رسم (برسوم) یعنی گذاشتن شاخه‌های برگ سبز برابر بینی اشاره شده است.

دیگر از خصائص مغان که منابع قدیمه «کلاسیک» یونانی همه وجود آنها نزد ایشان تأکید می‌کنند؛ داشتن علوم غریبه و مخصوصاً مهارت در فنون جادوگری و ساحری است. هرودوت می‌گوید: مغان را افسون‌ها و اوراد است و کارهای غریب می‌کنند و نیز اعتقاد به تأثیر کواکب و نجوم و سعد و نحس ستارگان از معتقدات ایشان است که اجرام علوی را مؤثر در سرنوشت انسانی می‌دانند، چه بسا که این علم خرافی (نجوم) را از بابلیان آموخته و خود نیز بر آن خرافات دیگر مزید ساخته بوده‌اند، همچنین اعتقاد بر مؤثریت خواب و رؤیا در عالم بیداری از مبادی ایشان است و علم «تعبیر رؤیا» و تأویل منام میراثی از ایشان می‌باشد.

بهرحال در سحر و جادو مغ‌ها یا مگوش‌ها بقدری معروف و علم شده‌اند که رفته‌رفته در زبان یونانی این کلمه مرادف با جادوگر شده است. در کتب مقدسه نیز چنانکه گفتیم کلمه مجوس به معنی ساحر استعمال گردیده. از اینجا کلمه ماژی eigaM به معنی (سحر) و ماژیسیان necigaM به معنی «ساحر» از السنه کلاسیک به السنه زنده امروزی اروپا سرایت کرده و اکنون لغتی متداول است.

یکی از هنرهای خاص مغان صنعت ساختن شراب و انداختن باده ناب است. از آنزمان که پرتو آفتاب درخشان و خاک بارور فلات ایران در آن سرزمین بهترین انواع تاک را پرورش می‌داده، صنعت شراب‌سازی در نزد دهقانان ایران بظهور رسیده و تکامل حاصل کرده است. در کتب تواریخ باستان اکتشاف شراب را بزمان افسانه (جمشید) منسوب می‌داند.

ظاهراً این صنعت را پیشوایان مغ به حد کمال رسانیده و از انگورهای چون یاقوت رمانی و گوهر عمانی شراب لعلگون مشکبو می‌ساخته‌اند از اینروست که شاعر گفته:

مغان، که دانه انگور آب می‌سازند ستاره می‌شکنند، آفتاب می‌سازند.

یکی از ادیان دیرین و عقاید کهن که در ازمنه باستانی در نزد قبایل قدیم آریان بظهور رسید و در طی مرور ایام تکامل بسیار حاصل کرد، آئین مهرپرستی یا پرستش میترا است که خدای نور ازلی و آسمانی می‌باشد. در اوستا میترا مانند خدایی مقتدر و قهار و جنگ‌آور نام برده شده که به اورمزد یاری می‌کند تا بر اهرمن پیروز گردد.

چون ابتدای ظهور میترا در غاری از کوه بود، از این‌رو، از آن پس پیروان میترا *smuirhtiMi* معبد‌ها برای خود در مغازه‌های جبال یا دردل دخمه‌ها برپا می‌کنند و در آنجا به مراسم عبادت او قیام می‌نمایند.

##PAGE=13##

ترویج و پیشروی آئین مهر در اروپا تا مدت‌ها و تأثیر و تأثرات آئین مهری و مسیحیت به ویژه در اروپا فصلی مفصل دارد که عاقبت به سبب غلبه مسیحیت و با پذیرش عمده آداب و آئین مهری به رواج و اوج‌گیری میترائیسم پایان داده شد و میتراپرستان یا دین مسیح اختیار کردند یا پیرو مذهب مانی شدند.

در ایران عصر هخامنشی، میترا را بصورت یکی از همراهان و یاوران اهورمزدا می‌پرستیده‌اند، و بتدریج بصورت خدائی مستقل به نام (مهر) الاهی آفتاب درآمد. در اوستا (یسنا) نیز سرود و اشعاری در مدح میترا آمده است. ر. ک *aisreP fo* *ycageL* لندن، ص ۱۸۱

میترائیسم تأثیر مستقیم بر تصوف داشته و به ویژه در منطقه کرمانشاهان، رسوبات فکری و تأثیرات آئینی ماندگار برجای نهاده است، در آداب و رسوم و سنن و فرهنگ اعتقادی این‌سو، پیوندهای دیرینه‌ای از جمیع جهات با آئین میترائیسم وجود دارد و در واقع کرمانشاهان یکی از مراکز بنیادی کیش مهر بوده است.

دین مزدیسنی (زردشت)

نظر به پیوستگی‌های فکری و آئینی غرب ایران با دین مزدیسنی که با ظهور زردشت و اصلاح آئین اولیه مغان بدو (زردشت) گرویدند، پژوهشگران اخیر زردشت را متولد غرب ایران و آذربایجان جنوبی که سرزمین کردستان کنونی باشد، می‌دانند و معتقدند که واژه (سردشت) دگرگون شده (زردشت) است و قصبه سردشت کردستان را زادگاه زردشت می‌دانند و معتقدند که از این‌سو به مشرق ایران و سرزمین خراسان مهاجرت کرده و آئین خویش را از آن سرزمین گسترش داده است، و سپس مردم این‌سو به دنبال پیروی از آئین مغان و میترائیسم چون چهره کامل و منطقی و فلسفی آن دو آئین را در کیش جدید (مزدیسنی) یافتند، بدان گرویدند.

دین زردشتی در ایران افزون از ده قرن رواجی کامل داشت و آتشکده آن خاموش نشد. از ایران به ممالک مجاور نیز سرایت کرد. در اثنای این مدت تنها حمله اسکندر در ۳۳۰ ق. م برای آتشکده زردشت ضربتی قاطع بوده و می‌گویند؛ کتاب اوستا را که در قصر سلطنتی استخر (پرس پولیس) نگاهداشته و بر روی یکصد و سی چرم گاو نبشته بودند، طعمه حریق ساخت، پس از آن زمان یکدوره وقوف و انحطاط برای آن دین پیش آمد که معاصر با زمان اشکانیان است، گرچه آنها نیز غالباً پیروان مزدا بوده‌اند ولی گویا در عهد ایشان آن دین رونقی نداشته و آئین میترا (مهرپرستی) معمول بوده است.

همین‌که نوبت سلطنت به ساسانیان رسید در ۲۲۶ م اردشیر بابکان، جانی از نو بقالب افسرده دین بهی (زرتشتی) دمیده، آنرا بر اساس نوین احیا کرد و کتابهای دینی را از گوشه و کنار جمع آورد و اوستا را به پهلوی ترجمه کردند و آنرا «زند» نامیدند، و از آن پس آن کتاب به «زند و اوستا» معروف

##PAGE=14##

شد و ترجمه و شرح آنرا «پازند» گفتند.

در عصر دولت ساسانیان، مؤبدان مؤبد که رئیس روحانیان زردشتی بود با قدرت و جلالی تمام در شهر ری مقام و مقرر داشت و بعد از شاهنشاه ساسانی شخص دوم کشور شمرده می‌شد. نقش تصویر مؤبدان مؤبد زمان شاپور اول و بهرام دوم در کتیبه کعبه زردشت، نقش رجب هم‌اکنون موجود است.

در زمان ایشان مبادی اخلاقی و تعالیم دینی زردشت آنچنان در خور حال و فراخور حوائج هیئت اجتماع بود که مدت چهار قرن مردم ایران احکام و دستورهای آن پیمبر باستانی را در زندگانی خویش رعایت کرده و روزگاری به سعادت و خرمی می‌گذرانیدند. بقول نظامی گنجوی:

که بادا زین مسلمانی ترا شرم

جهان ز آتش پرستی شد چنان گرم

گر این گبری، مسلمانی کدام است؟

مسلمانیم ما او گبر نام است

که مرغ پند را تلخ آمد آواز...

نظامی، بر سر افسانه شو باز

کرمانشاهان که از مراکز مهم اداری و سیاسی ساسانیان بود، قرن‌های متوالی در سیطره تبلیغ و ترویج آئین مزدیسنا قرار داشت، یادگارهایی چون سنگ برجسته‌های طاق بستان، سنگواره‌های هنری و وجود سراب نیلوفر و بسیاری از این دست، نشانه‌های برجسته‌ای از رواج آئین مزدیسنا را در این‌سو آشکار می‌سازد.

از احیاء مجدد دین بهی (زردشت) تا طلوع آفتاب اسلام، دو آئین قابل بحث، یکی مانوی و دیگر مزدکی در این‌سو ظهور کردند که بدانها اشاره خواهیم داشت.

مانویت

مانی senaM که به رومی مانیکوس *sucinaM* گویند، نام مردی است که بقول قریب به یقین در ۲۱۶ م در روستایی در نزدیکی شهر بابل قدیم و حوالی کوه‌پایه‌های زاگرس متولد شد، در نوروز سال ۲۴۲ م هنگامی که جوانی بیست و شش ساله بود، خود را به پیامبری معرفی کرد و دین خویش را در دربار شاپور اول پادشاه ساسانی عرضه کرد و سپس به سیاحت و تبلیغ آراء و اندیشه خویش در جهان متمدن آن روزگار پرداخت و از آسیای مرکزی تا نواحی شرقی هندوستان و ترکستان چین را مسافرت کرد، و در حدود ۲۷۲ م به ایران بازگشت.

آئین مانوی یا msieahcinaM بیش از یک هزار سال (ده قرن) در کشورهای خاورمیانه و آسیای مرکزی و چین غربی و ترکستان شمالی و ایران و بین‌النهرین و آسیای صغیر و شام و روم و اروپا به صور و اشکال مختلف ادامه داشت.

در بازگشت (مانی) به ایران، جمعی کثیر از مردم ایران و ممالک همجوار به او ایمان آوردند، تا آنکه به امر بهرام اول پادشاه ساسانی به فجیع‌ترین صورتی او را به قتل رسانیدند، پوست از بدن او

##PAGE=15##

کنده از کاه آکنده بدروازه شهر مدائن آویختند.

آئین مانوی تا قرن‌ها بعد با تمام تفتیش عقاید دوران پس از مرگ مانی و بعد از ظهور اسلام در دوره عباسیان، همچنان در بین ساکنان کوه‌پایه‌های زاگرس و فاصله دشت (ماد) تا شهر بغداد رواج تمام داشت و به ویژه در ایام آزادی عقاید دوران بعضی از خلفای عباسی، مورخین به جمعیت آنان در شهر بغداد و اطراف اشاره کرده‌اند - ر. ک (قیام و نهضت علویان زاگرس، محمد علی سلطانی، ج ۱) درباره آئین مانی، منابع بسیار از کتب و آثار شرق و غرب در دست است، اگر چه از دین او اثری مستقل بجا نیست، اما رسوبات اندیشه و آئینی او را می‌توان در حرکات‌های فکری بازمانده در منطقه کرمانشاهان، بازیابی نمود.

زمانی که دین مانی در ایران نابود شد مردم ایغور sruhgiU در ترکستان چین و آسیای مرکزی همچنان بآن آئین پایدار مانده و پادشاهان آنان، آنرا دین رسمی خود قرار دادند و در پایتخت ایشان شهر چتجو ohctahC است، که قسمتی از کتاب ارزنگ با تصاویر و نقوش بدست آمد که در قرون دوم و سوم هجری نگاشته شده بوده است و بالاخره آن کتاب مصور را انجیل مانی یا «انگلیون» نیز گفته‌اند.

این نکته حائز اهمیت است و در ریشه‌یابی آراء برجای مانده در منطقه کرمانشاهان، و پیوند زیربنایی عقاید ماندگار در کوه‌پایه‌های زاگرس راهی روشن فراروی ما می‌گشاید؛ که پدر مانی، پاتک از جماعت صابئان (مغتسله) و تابع فلسفه گنوستی citsonG (عرفان) بوده است که در جنوب بین‌النهرین میزیسته‌اند و بقایای آنان در سرزمین خوزستان هنوز باقی و اغلب به شغل زرگری مشغول و به (یحیایی) اشتها دارند، دین صابئان در آنزمان انتشاری بسیار داشته است، پدر مانی بزبان آرامی تکلم می‌کرده است. مانی در وطن خود از بعضی فرق مبتدعه نیز آگاهی حاصل نموده است. خلاصه از مذاهب مختلف عبرانی و بابلی و زردشتی و فلسفه گنوستیستها (گنوسی‌ها) و صابئان و دین عیسوی اطلاع یافته و پس از مسافرت به چین نیز مقداری زیاد از مبادی برهمنان هند و شمنان بودایی اقتباس کرده و دین او ممزوجی است از معتقدات اسرارآمیز که با قوه تصویری خود آنرا بصورت مبادی پیچ‌درپیچ عجیبی درآورده است.

در زمان دولت خلفای اسلام گرچه ولید دوم خلیفه اموی (۱۲۵ هـ) به مانویان تمایلی داشته، ولی از زمان مهدی خلیفه عباسی و در طول مدت خلافت بنی عباس این جماعت را زندیق (زندیک یا تأویلیون) شناخته و آثار و نوشتجات

ایشان را در ممالک اسلامی محو و نابود کردند ظاهراً از کتاب - انجیل مانی - در عهد غزنویان نسخه‌ئی وجود داشته است. مانی؛ شش کتاب نوشته است که پنج کتاب آن بزبان آرامی است و بخط سریانی و یکی بزبان فارسی پهلوی.^۲

##PAGE=16##

آئین زروانی

آئین زروانی مکتب فلسفی، عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان است. پس از ظهور زرتشت همانند سایر ادیان به سبب عقاید و آراء مختلف و متفاوت و برداشتهای متعدد از پیام‌های او، مکاتب منشعب و متفرق فراوانی در دین زرتشت بوجود آمد؛ از جمله اندیشه ثنوی در میان مزدایرستان غالب شد و به جای اینکه به مصدری واحد و آفریننده‌یی یگانه برای کل موجودات قائل شوند، به دوین (خیر و شر) اعتقاد یافتند، پس این فکر پیش آمد که آن دوین از چه بوجود آمده‌اند. ظاهر این است که تعلیم ثنویت خالص ذهن متفکران را خشنود نساخت و به جستجوی یک مبدأ اعلی همت گماردند. یکی از طرق‌هایی از این معضل فکری؛ بازگشت به تعلیم اصیل زرتشت بود. بنابر قرآینی که از ادوار جدیدتر در دست است، این راه‌حل بگونه‌ئی مطرح شده بود و گروهی وجود داشت که خدای واحد (اهرمزد) را واجد کیفیات متضاد می‌دانست، بعلاوه می‌دانیم که گروهی دیگر نیز بود که؛ هستی اهریمن را نشأت گرفته از ذات مزدا می‌پنداشت. متفکران فرقه اخیر کوشیدند تا نظریه خود را با افکار موجود درباره اهمیت و تأثیر اهریمن در این جهان موافق سازند و درواقع تلفیقی از تعلیم اساسی زرتشت و نظریات متأخر بوجود آورند که در مکتبی کلامی فراهم آمد.

ظاهراً این مکتب را به گیومرث نسبت می‌دادند.

گروهی دیگر در جستجوی مصدری ثالث برای دوین برآمدند و بنابر شواهد موجود، لااقل در اواخر دوران هخامنشی گروهی وجود داشت که منشأ اصلین را دهر یا زمان لایتناهی (زروان) می‌پنداشت. معلوم است که مکتب طرفداران زمان بتدریج رشد کرد و اینان با جذب نظر بعضی گروههای مخالف در درون مکتب خود (از جمله با وحدت بخشیدن به مکان و زمان، ضمن حفظ اصالت زمان) نظریه‌ی واحد و مقبولی پدید آوردند. به این ترتیب زروان یا زمان پاسخ مطلوب ذهن وحدت طلب ایرانیان شد و با آن مکتب بسیاری از مشکلات فکری ایشان برطرف گردید. زمانی را که ایشان مبدأ کل وجود انگاشتند؛ زمان بیکران بود، دهر، جاودانگی، یا سرمدیتی که با قدمت خود مقدم بر کل موجودات می‌شود، در عین اینکه هرشیء و هرامری را دربر می‌گیرد. در این مکتب، زمان حقیقت وجود گرفته شد، زمان بیکرانه حقیقت وجود لایتناهی و زمان کرانمند حقیقت موجودات محدود و فانی - و همو است که تقدیر وجود و موجودات را تعیین می‌کند.

آئین زروانی در دوران اشکانی نفوذ داشته و ظاهراً در عصر ساسانی نیز این مکتب در حوزه‌های فکری مزدایی از قدرت قابل توجهی برخوردار بوده است - ... دین رسمی بیشتر حاکمان ساسانی مزدائی سنتی بوده، اما مذهب زروانی مذهب عامه مردم بود - همان مردمی که مانی در میانشان تبلیغ می‌کرد. مذهب مغانی، که بیرون از قلمرو حکومت ساسانی (در غرب) میزیستند، نیز زروانی بود ... منطقه‌ی مزدائیان سنتی که در شمال ایران و قلمرو پارت قرار داشت، توانست آئین خود را

^۲ (۱) - تاریخ ادیان، صص ۱۴۶ - ۱۵۰ - ۱۵۴ - ۱۶۶ - ۱۷۱

حفظ کند، در حالی که غرب و جنوب ایران که زروانی بودند؛ بسرعت تغییر مذهب دادند ...^۳

مزدکیان

آئین دیگری که متعاقب مرگ فجیع مانی در غرب ایران، ظهور کرد، و اندیشه منشعب و برگرفته‌ای از آئین مانوی بود، مزدکیان بودند. مقارن حکومت ساسانیان، مردی به نام مزدک فرزند بامدادان از اهالی شوش، به نام پیشوای دینی مبادی و اصولی که بسیار شبیه به «شیوعیه» قرون معاصر است، بنیاد نهاد و در ایران آنروز ترویج داد، نخستین کسی این اصول اشتراکی را ابداع نمود، شخصی بود، به نام زردشت فرزند خورکان که مزدک از او نمایندگی می‌کرده، ولی او شهرت و عظمتش بر استاد فزونی یافت. در آنوقت قباد ساسانی (سال ۴۸۸ م) در مدائن سلطنت می‌کرد و اوضاع سیاسی و اجتماعی کشور دچار اختلال و آشفتگی عظیم بود.

مرزبانان و موبدان با قباد به مخالفت برخاستند. ولی گروه مزدکیان به حمایت او قیام کرده و او به پشتیبانی ایشان اعتماد نمود و دین مزدک را پذیرفت، بزرگان و پیشوایان دین بقدری نیرومند بودند که قباد را عزل کرده و برادرش جاماسپ را بجای او به سلطنت برگزیدند.

چون قباد دیگر بار بر دشمنان خود پیروزی یافت، بر رونق و قدرت مزدکیان بیفزود. پس از آن کشمکش و جدال سختی در باب انتخاب ولیعهد در میان آمد، موبدان زردشتی می‌خواستند که خسرو فرزند شاه را به جانشینی او انتخاب کنند، ولی مزدکیان شاهزاده دیگر را که پیرو آئین ایشان بود و کیوس نام داشت؛ نامزد کرده بودند. این اختلاف عاقبت به مجادله و نزاع کشید و بقتل عام مزدک و چندین هزار تن پیروان او در مدائن و حلوان و کوه‌پایه‌های زاگرس انجامید. باین ترتیب که یکی از سرداران قباد به امر او مزدک و جمعی از پیروان آن طایفه را دعوت کرد که در مجلسی عام قباد از سلطنت کناره‌گیری کند و جانشین خود را اعلام نماید. خسرو نهانی تهیه‌ای دیده و ناگهان بر آنها تاخته آن جماعت را سراسر از دم شمشیر بگذرانید. سپس فرمان داد تا در تمام کشور هرکجا مزدکی یافتند، هلاک سازند و اموال ایشان را ضبط کنند. پس از این فتح نمایان خسرو به (انوشک روان) یعنی؛ (صاحب روح جاودانی) ملقب گشت و از آن پس مزدکیه در ایران بکلی برافتادند.

مورخین تاریخ حدوث این واقعه را به سال ۵۲۸ م ثبت کرده‌اند. چون فرقه مزدکی به امر نوشروان بکلی منقرض شدند و اندکی برنیامد که دین اسلام به ایران سایه افکند و خورشید جان ز مشرق ایمان طلوع کرد. (۶۵۰ م) که درباره پیشینه مذاهب اسلامی در منطقه کرمانشاهان اگر چه بر پژوهندگان اظهر من الشمس است اما در آغاز هرفصل در بخش مربوط به اسلام درباره پیشینه تاریخی آن و ظهور اسلام در منطقه کرمانشاهان سخن خواهیم گفت.

اسلام تشیع

^۳ (۱) - آئین زروانی، دکتر مسعود جلالی مقدم، صص ۲ - ۶۹ - ۸۳

شیعیان علوی کسانی هستند که پس از حضرت علی بن ابیطالب (ع) و دو فرزند او امامین هم‌امین حسن و حسین (ع)، حضرت علی بن حسین (ع) و پس از وی حضرت امام محمد باقر (ع)، و پس از او امام جعفر صادق (۸۳-۱۴۸ ه) را به امامت شناختند.

پس از درگذشت امام ششم، شیعیان علوی به شش فرقه انقسام پذیرفتند [که شرح آن فرق ارتباطی به موضوع بحث ما ندارند]. فرقه ششم از شیعیان علوی به امامت حضرت موسی بن جعفر کاظم (ع) (۱۲۸-۱۸۳ ه) درآمدند، و پس از رحلت آن حضرت باز به فرقی تقسیم گشتند. فرقه‌ای از ایشان به رحلت امام هفتم قطع و یقین کرده و امامت را پس از آن حضرت، از آن امام ابو الحسن علی بن موسی الرضا (ع) (۱۵۵-۲۰۳ ه) دانستند. پس از شهادت حضرت رضا (ع) باز شیعه به چند قسم منقسم شدند، یکی از آن فرق فرزند آن حضرت امام ابو جعفر محمد بن علی الجواد (ع) (۱۹۵-۲۲۰ ه) را امام نهم و فرزند او ابو الحسن علی بن محمد الهادی (ع) (۲۱۴-۲۵۴ ه) را امام دهم، و سپس فرزند او امام ابو محمد حسن بن علی عسکری (ع) (۲۳۲-۲۶۰ ق) را امام یازدهم شناختند. پس از رحلت امام یازدهم به ۱۴ فرقه تقسیم شدند، ولی هیچکدام جز یک فرقه که امامیه اثنی عشریه باشند؛ پابرجا نمانده و دوام نکردند و بجز آن فرقه که منتظر ظهور امام محمد بن الحسن مهدی آل محمد (ع) هستند، دیگران از میان رفتند.

بنابراین امامیه بطور عموم نام کلی فرقه‌هایی است که علی بن ابیطالب (ع) را جانشین منصوب و بلا فصل پیغمبر می‌دانند و اعتقاد دارند؛ گیتی از امام تهی نتواند بود و بخصوص این نام بر طایفه اثنی عشریه یعنی دوازده امامیان اطلاق می‌شود.^۴

امامت در شیعه اثنی عشریه بنابر نص جلی و لطف خداوند است. درباره لطف، گویند؛ بر خداوند واجب است که در هر عصری امام معصوم و راهنمایی که جانشین رسول او باشد، برای ارشاد مردمان تعیین فرماید، و وظیفه امام ولایت عامه بر مردم و اقامه عدل در بین ایشان و رفع ظلم و ستم از آنها است. در باب امامان دوازده‌گانه، علامه حلی در کتاب کشف الحق و نهج الصدق، روایت کرده که پیغمبر فرمود: (فاطمه مهجه قلبی و ابناها ثمره فؤادی و بعلها نور بصری و الائمه من

##PAGE=19##

ولدها امناء ربی) یعنی؛ فاطمه خون و جان قلب من است و دو پسرش (حسن و حسین) میوه دل من هستند و شوهرش (علی) نور چشم من است و امامانی که فرزند اویند امناء پروردگار من هستند.

و نیز در آن کتاب از قول پیغمبر آورده است که در خطاب به حضرت حسین بن علی (ع) فرمود:

(انت السید بن السید اخو السیاده، انت الامام ابن الامام اخو الامام ابو الائمه، انت الحجة بن الحجة اخو الحجة ابو الحجج التسع، من صلبک تا سهم قائمهم) یعنی؛ ای حسین تو آقا، پسر آقا و برادر آقا و پدر آقایان هستی، تو امام پسر

^۴ (۱) - درباره زندگینامه امامان دوازده‌گانه - ر. ک: شمس الدین محمد بن طولون، الائمه الاثنی عشر، طبع بیروت ۱۹۵۸، و نیز علی بن محمد احمد المالکی معروف به ابن الصباغ الفصول المهمة فی معرفة الائمه علیهم السلام، طبع نجف، ۱۹۵۰؛ و سبط ابن الجوزی، تذکرة الخواص، طبع نجف، ۱۳۶۹ ه.

امام برادر امام و پدر امامانی، تو حجت پسر حجت برادر حجت و پدر حجت‌های [امامان] نه‌گانه‌ای، و نهمین ایشان که از پشت تو است قائم آنان می‌باشد.^۵

و اما بقیه ائمه شیعه امامیه؛ امام ابو جعفر محمد بن علی ملقب به باقر (ع) در سال ۵۷ ه در مدینه متولد شد و سه ساله بود که جدش حضرت حسین (ع) شهید شد. در زمان رحلت پدرش علی بن الحسین امام زین العابدین (ع) نوزده سال داشت. وی به تعلیم و ارشاد مسلمانان پرداخت و صدها راوی از رواة حدیث در محضر درس او حضور می‌یافتند و دانشمندان عامه و خاصه به مناظره می‌پرداختند. چنانکه وی را (باقر العلوم) به معنی شکافنده علوم لقب دادند. محدثان شیعه روایت کرده‌اند؛ که لقب باقر را رسول خدا (ص) به وی داد و ظهور آن حضرت را پیش‌بینی فرمود، و آن لقب را توسط جابر بن عبد الله انصاری از اصحاب خود که در ۷۸ ه ق درگذشت؛ به او رسانید.

حضرت امام باقر (ع) در ۵۷ سالگی در روزگار هشام بن عبد الملک و به قولی در زمان یزید بن عبد الملک در سال ۱۱۴ ه در حمیمه از بلاد شام رحلت فرمود و جسد او را به مدینه آورده در گورستان بقیع در [کنار] قبر پدرش علی بن حسین (ع) به خاک سپردند. تاریخ وفات آن حضرت در بعضی از مآخذ ۱۱۳، ۱۱۷، ۱۱۸ نیز آمده است.^۶

پس از آن حضرت پسرش، حضرت جعفر بن محمد ملقب به صادق [که مادرش ام‌فروه، از زنان بزرگوار و برجسته جهان اسلام دختر قاسم بن محمد بن ابو بکر صدیق رضی الله عنه] بود، به امامت نشست. وی در سال ۸۰ یا ۸۳ ه تولد یافت و مدت امامتش ۳۵ سال بود.

آن حضرت معاصر آخرین خلفای بنی امیه و عبد الله سفاح و ابو جعفر منصور از خلفای بنی عباس بود، در مدینه می‌زیست و اصول فقه شیعه مستفاد از آن حضرت است.

اهل علم در آن زمان او را (عالم مطلق) می‌خواندند، محضر او مجمع اهل علم و رواة حدیث بود. عصر او با دوره شروع نهضت‌های دینی و احتجاجات مذهبی مقارن بوده است. شیعیان امامیه در این عصر از طرفی با فرق شیعه مانند؛ کیسانیه و زیدیه و غلاة و اسماعیلیه و از طرف دیگر با طرفداران ابو حنیفه و معتزله و دهریون و زنادقه مناظره می‌کردند و درباره مشکلات مسائل دین به

##PAGE=20##

آن حضرت مراجعه می‌نمودند، اخبار شیعه امامیه بیشتر از حضرت صادق مروی است. بنا به گفته شیخ مفید، علمای امامیه از زمان حضرت علی بن ابیطالب (ع) تا عهد امام یازدهم (ع) چهار صد کتاب تألیف کرده بودند که آنها را (اصول) می‌خوانند، زیرا اصل در اصطلاح علمای حدیث، مجرد کلام ائمه معصومین است، در مقابل کتاب و مصنف که در آنها علاوه بر کلام ائمه از خود مؤلف نیز بیاناتی هست. مؤلفین کتب رجال در آغاز اصحاب اصول از مصنفین جدا می‌کردند و نخستین کسی که این کار را انجام داده بود، ابو الحسین احمد بن حسین بن عبید الله غضائری از مؤلفین نیمه اول قرن چهارم هجری است که دو کتاب یکی در مصنفات و دیگری در ذکر اصول تألیف کرده بود، ولی این دو کتاب از میان

^۵ (۱) - السید هاشم معروف، عقیده الشیعة الامامیه، طبع بیروت ۱۹۵۶، ص ۱۱۱.

^۶ (۲) - همان، صص ۱۵۷-۱۵۲ / دونالدسن، عقیده الشیعه، صص ۱۲۹-۱۲۳.

رفت و شیخ طوسی کتاب خود را بعد از او در جمع بین مصنفین و اصحاب اصول گرد آورده است. به سبب تأسیس فقه شیعه امامیه بدست آن حضرت، شیعیان امامی را جعفری مذهب گویند.

حضرت امام جعفر صادق (ع) در ۱۴۸ هـ در مدینه درگذشت و او را در گورستان بقیع در [کنار] قبر پدر و جدش به خاک سپردند، و تا چندی پیش [در آن گورستان] سنگی از رخام بود که این عبارت را بر آن نوشته بودند: «بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله مبيد الامم و محيي الامم، هذا قبر فاطمه بنت رسول الله صلى الله عليه و سلم سيدة نساء العالمين، و قبر الحسن ابن علي بن ابي طالب، و علي بن الحسين بن علي بن ابي طالب، و محمد بن علي، و جعفر بن محمد رضي الله عنهم».^۷

سپس امام موسی بن جعفر (ع) ملقب به کاظم به جای آن حضرت نشست. وی در سال ۱۲۸ هـ در مدینه تولد یافت و در هنگام رحلت پدرش بیست سال داشت. گویند؛ مهدی یا هادی خلیفه وی را از مدینه به بغداد طلبیده به زندان افکند و چون او را بی گناه یافت، با احترام به مدینه فرستاد. در سال ۱۷۹ هـ، هارون الرشید او را از مدینه به بغداد آورد و دیگر بار به زندان افکند و سندی بن شاهک را بر او گماشت تا در آن زندان رحلت فرمود (۱۸۳ هـ). گویند؛ یحیی برمکی او را مسموم کرد. در هنگام وفات ۵۵ سال و به قولی بیش از آن داشت. وی را در مقابر قریش به خاک سپردند، مدفن او اکنون در کاظمین نزدیک بغداد است. آن حضرت را از جهت فروخوردن خشم خویش (کاظم) و از جهت پارسایی و عبادت (العبد الصالح) لقب داده بودند.

آن حضرت را هیجده پسر و سیزده دختر بود. یعقوبی، بی آنکه سبب این کار را ذکر کند، در تاریخ خود می نویسد: که حضرت موسی بن جعفر وصیت کرد که دخترانش ازدواج نکنند و جز یکی از

##PAGE=21##

ایشان که (ام سلمه) نام داشت و در مصر بزنی قاسم بن محمد بن جعفر درآمد، دیگر دختران ازدواج نکردند.^۸

پس از رحلت او، امام علی بن موسی الرضا (ع)، جانشین آن حضرت شد. وی در سال ۱۴۸ یا ۱۵۱ هـ تولد یافت و در هنگام رحلت پدرش ۳۵ سال داشت و خلافت هارون و امین و مأمون را درک فرمود، مأمون پس از کشتن برادرش امین در سال ۱۹۸ هـ به خلافت نشست. چون بنی عباس به علت قتل امین او را دوست نمی داشتند، مقر خلافت خویش را در مرو از بلاد خراسان قرار داد. به سبب اینکه از بنی عباس، سرخورده بود برای جلب قلوب مردم به پیشنهاد فضل بن سهل و برادرش حسن بر آن شد که علی بن موسی الرضا را که از سادات قریش و از بزرگان خاندان هاشمی بود، از مدینه به خراسان طلبد و او را جانشین و ولیعهد خویش سازد، از این جهت وی را به خراسان خواست. مردم در آن زمان از بنی عباس راضی نبودند و بر اثر مظالم فروان ایشان، آنان را بدتر از بنی امیه می دانستند و می گفتند:

یا لیت جور بنی مروان دام لنا و لیت عدل بنی العباس فی النار

^۷ (۱) - عقیده الشیعه الامامیه، ص ۱۵۱ - ۱۴۵؛ همان صص ۱۴۹ - ۱۳۸ / رجال ابو علی، ص ۱۱ / فهرست شیخ طوسی، ص ۱ / خاندان نوختی، ص ۷۱ - ۷۰.

^۸ (۱) - عقیده الشیعه الامامیه، صص ۱۵۷ - ۱۵۲ / همان، صص ۱۶۸ - ۱۶۰ / تاریخ یعقوبی، طبع اروپا، ج ۲، ص ۴۹۹.

یعنی: ای کاش ستم بنی مروان بر ما ادامه داشت، و ای کاش عدل بنی عباس به دوزخ می افتاد.

امام از مدینه به بصره و از آنجا به بغداد، و از بغداد به قرمیسین (کرمانشاهان)، و از آنجا به همدان و از همدان به ری و سپس به طوس رهسپار شد، و پس از آن به مرو فرود آمد. مامون او را ولیعهد خویش ساخت، و وی را به «الرضا من آل محمد» ملقب کرد، یعنی؛ کسی که از آل محمد به وی راضی شده، (۲ رمضان سال ۲۰۱ ه. ق). مامون دختر خود ام حبیب، را نیز به ازدواج آن حضرت در آورد و شعار عباسیان را که لباس سیاه بود، تبدیل به شعار علویان، جامه سبز کرد. و فرمان داد که نام علی بن موسی الرضا را با نام خود بر سکه چنین نویسند: ملک الله و الدین المامون امیر و خلیفه المؤمنین و الرضا امام المسلمین. انتخاب حضرت رضا به ولیعهدی، عباسیان را سخت به خشم آورد و از بیم آنکه مبادا دولتشان سپری گردد، ابراهیم بن مهدی را نامزد خلافت کردند. بغداد میدان آشوب و کشتار شد. مامون در مرو از این حوادث غافل بود. حضرت رضا که در نزد او اقامت داشت، خلیفه را از وقایع آگاه کرد، و فضل و حسن بن سهل را مسئول آشفتگی اوضاع معرفی فرمود. مامون به شتاب به بغداد بازگشت. در بین راه فضل وزیر او به تحریک خلیفه در حمام سرخس کشته شد (۲۰۲ ه). دیری نگذشت که حضرت علی بن موسی الرضا (ع) در طول وفات یافت (صفر ۲۰۳ ه) مامون در عزای آن حضرت بسیار بگریست و بر جنازه وی نماز گزارد، و دستور داد جسد او را به حرمت تمام در مقبره پدرش در باغ حمید بن قحطبه در سناباد به خاک سپردند.

##PAGE=22##

گویند؛ که مامون امام را به انگورهای زهرآگین مسموم ساخت، یعقوبی می نویسد: که علی بن هشام به اشاره مامون به آن حضرت انار مسموم بخوراند.^۹

پس از امام رضا (ع)، فرزندش امام محمد تقی ملقب به جواد (ع) به امامت نشست. تولد وی در سال ۱۹۵ ه در مدینه بود. مامون پس از رحلت پدرش او را گرامی داشت، و دخت خویش ام الفضل را به همسری او درآورد. آن حضرت از این زن راضی نبود و حتی ام الفضل چند بار از آن حضرت شکایت نزد پدرش مامون برد و سرانجام در زمان معتصم به اشاره آن خلیفه بدست آن زن مسموم شد (۲۲۰ ه) و واثق بن معتصم بر وی نماز گزارد. او را در نزدیکی بغداد در مقابر قریش به خاک سپردند و اکنون مزار آن حضرت در کاظمین است.^{۱۰}

پس از رحلت امام محمد تقی (ع)، امام علی النقی ملقب به الهادی (ع) به امامت نشست. وی در سال ۲۱۲ یا ۳۱۴ ه در مدینه تولد یافت و هنگام رحلت پدر بزرگوارش هشت سال داشت، متوکل عباسی چون به وی بدگمان شد، او را بگرفت و سپس او را آزاد کرد. بار دیگر دستور داد تا وی را از مدینه به سامراء آورند و به زندان افکندند و به همین سبب آن حضرت را عسکری خواندند، زیرا در لشکرگاه متوکل بسر می برد. با آنکه متوکل در ۲۴۷ ه کشته شد، آن حضرت از زندان آزاد نگشت و در سال ۲۵۴ ه در زمان المعتز بالله عباسی در آن زندان درگذشت.

^۹ (۱) - عقیده الشیعه الامامیه، ص ۱۶۲ - ۱۵۸ / همان، ص ۱۷۷ - ۱۶۹ / تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۵۰ / مسند الامام رضا، شیخ عزیز الله العطار، طبع تهران، ۱۳۹۲ ه، ج ۱ و ۲ / عیون اخبار الرضا، ابن بابویه، فصول ۶۰ و ۵۹ / الکامل، ابن اثیر، ج ۶، صص ۳۲۷ - ۳۲۳.

^{۱۰} (۲) - عقیده الشیعه الامامیه، صص ۱۶۶ - ۱۶۳ / همان، صص ۲۰۳ - ۱۹۵.

گویند: بیست سال زندانی بوده است. او را در سامراء به خاک سپردند.^{۱۱} پس از آن حضرت پسرش حسن بن علی ملقب به العسکری (ع) به امامت نشست. وی در مدینه در سال ۲۳۲ هـ زاییده شد که پدرش ۲۲ سال داشت. آن حضرت را مانند پدرش العسکری می خوانند، زیرا وی در سامراء که لشکرگاه خلیفه بود، می زیست. او پس از مرگ پدر در روزگار المعتز بالله مدیت در زندان بغداد بسر برد، و سرانجام به خانه پدری خودش در سامراء بازگشت و در سال ۲۶۰ هـ در بیست و هشت سالگی در روزگار المعتمد عباسی، در آن شهر درگذشت، او را در خانه خود به خاک سپردند و مزار وی و پدرش حضرت امام علی النقی در آن شهر است. جانشین آن حضرت تنها فرزندش محمد بن حسن (ع) است که مهدی آخر الزمان می باشد.^{۱۲}

فقه جعفری:

فقه جعفری منسوب به ششمین امام شیعه حضرت امام جعفر صادق (ع) است،

##PAGE=23##

چون دوره زندگانی آنحضرت مصادف با اواخر بنی امیه و اوایل روزگار بنی عباس بود، به سبب اختلافی که امویان با عباسیان داشتند، کمتر مزاحم شیعه امامیه می شدند، مضاف بر اینکه عمر امام جعفر صادق (ع) بعد از علی بن ابیطالب از دیگر ائمه طولانی تر بود. آن حضرت در مدت طولانی امامت خود موفق شد که نظم و ترتیبی به وضع شیعه امامیه بدهد و فقه شیعه را تدوین فرماید. از این جهت آن حضرت را (حبر الامه) یعنی؛ دانشمند امت اسلام و فقیه آل محمد خوانده اند. بیشتر احادیث فقهی شیعه از آن حضرت روایت شده و بدین سبب فقه شیعه را فقه جعفری گفته و مذهب او را مذهب جعفری نام نهاده اند، در مجلس درس آن حضرت که در مدینه تشکیل می شد؛ عده ای از بزرگان اسلام حاضر می شدند، و از محضر آن حضرت درک فیض می نمودند. از جمله این شاگردان امام ابو حنیفه و امام مالک بن انس بودند، جابر بن حیان که از علمای علم شیمی در اسلام است از شاگردان مشهور آن حضرت بشمار می رفت، از مشهورترین شاگردان امام، زرارة بن اعین (متوفی ۱۵۰ هـ) و دو پسر او حسین و حسن بودند.

مهمترین اختلاف شیعه با اهل سنت و جماعت، اختلاف درباره جانشینی رسول خدا است که شیعیان امامیه آنرا به نص جلی و اهل تسنن به اختیار امت می دانند. بجز این مسئله اساسی اختلافات شیعه با سنی در [اختلاف نظر مجتهدین مذاهب یاد شده] در اجتهاد و ادله، اصول و فروع، عبادات و معاملات و [اموری از] نکاح است.

مبانی تشریع در مذهب شیعه جعفری؛ کتاب الله، سنت، اجماع و عقل است. در سنت، شیعه احادیثی را می پذیرد که از غربال عترت یعنی اهل بیت رسول خدا بگذرد و آن احادیث در نزد ایشان معروف به اخبار است. اما چنانکه گفتیم، اجماع؛ در نزد ایشان اتفاق علمای شیعه است بر قول امام معصوم و نه اتفاق آنان بر سخنی دیگر. قیاس؛ در نزد اخباریون شیعه حرام است، ولی در نزد اصولیون مورد قبول است. در فروع فقه؛ مذهب شیعه امامیه با مذهب شافعی اختلاف چندانی ندارد، حتی بعضی از علمای سنت و جماعت بدین سبب مذهب جعفری را در کنار مذاهب چهارگانه، مذهب پنجم شناخته اند.

^{۱۱} (۳) - همان، ص ۱۳۳.

^{۱۲} (۴) - همان، صص ۱۳۳، ۱۶۳، ۱۶۶، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۹۵، ۲۰۳ - تاریخ شیعه و فرقه های اسلام و ...، محمد جواد مشکور، صص ۹۳ - ۸۶.

[در اصول جز موارد اتفاق مسلمین که توحید و نبوت و معاد است، دو اصل دیگر یعنی عدل و امامت خاص مذهب شیعه امامیه اثنی عشریه است که درباره امامت اشاره شد و اما درباره عدل] شیعه امامیه معتقد است که عدل از صفات ثبوتیه خداوند است و جایز نیست به ستم گراید و به بندگان خود تکلیف مالایطاق فرماید، و بیش از آنچه سزاوارند، آنان را عذاب نماید و چون عادل است؛ هیچگاه فعل حسن نیک را ترک نکرده و کار زشت و قبیح از او سر نمی‌زند، با اینکه قادر بر اعمال نیکو و زشت هردو هست، جز به نیکی نمی‌گراید، و چون خداوند حکیم است، ناچار باید

##PAGE=24##

فعل او از روی حکمت و برحسب نظام اکمل باشد.^{۱۳}

شیعه در کرمانشاه

کرمانشاه از دیرباز مهد تشیع علوی بوده است اگر تاریخ اعتقادی کرمانشاهان را درباره این نحله اسلامی بررسی کنیم، سیر تطور و مکاتب متنوع و مختلف شیعی را که در رأس آن شیعه امامیه اثنی عشری قرار دارد، از نظر خواهیم گذراند، از عهد خلافت حضرت مولی الموحدين امیر المؤمنین علی (ع) به سبب پیوستگی‌های بطنی در این سو طرفداران خاندان عصمت و طهارت به گونه‌های مختلف گسترش یافتند، و با سلطه خوارج و سایر مخالفان آل علی (ع) به مقابله و مبارزه برخاستند و بزرگانی نامبردار از این پیروان به منصه ظهور رسیدند.

مشهور است که اجساد مطهر شهدای کربلا سلام الله علیهم اجمعین را افراد طایفه زنگنه بنی اسد دفن کردند که هسته مرکزی زندگی اجتماعی در کرمانشاهان را تشکیل می‌دهند، در سال ۱۲۷ هـ ق که عبد الله بن معاویه هاشمی قیام کرد به یاری اهالی این سو بر حلوان و جبال تسلط یافت.^{۱۴}

خاندان ابو دلف کردستان که قریب دو قرن بر این منطقه حکومت راندند به رغبت ذاتی و محبت اهالی به ارادت خاندان علوی مشهور بودند به ویژه قاسم بن عیسی عجلای (م- ۲۲۶ هـ ق) که از بزرگان سلسله مزبور بود.^{۱۵}

دینور و شهرزور و صیمره از جمله شهرهایی بود که اصحاب امام مهدی (ع) و امام عسکری (ع) در آن جا حضور داشتند.^{۱۶}

عبد الله بن طاهر النقار حلوانی؛ از رجال شیعه در شهر کش و سمرقند بود که از اهالی این سو بشمار بود.

استاد بزرگوار حضرت آیت الله حاج سید مرتضی نجومی در مقاله وزین کرمانشاه و روات آن می‌نویسند: شیخ اجل بزرگوار مفید در کتاب «اختصاص» نقل فرموده است که: ابو جعفر محمد بن احمد علوی گفت: حدیث کرد ما را ابو الحسن محمد بن معقل قرمیسینی که حدیث کرد ما را محمد بن عبد الله بصری از ابراهیم بن مهزم از پدرش از امام ابی

^{۱۳} (۱) - محمد رضا مظفر، عقاید الشیعه، صص ۱۷-۱۵: [ر. ک تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام ...، دکتر محمد جواد مشکور، صص ۱۰۶-۱۰۵]

^{۱۴} (۲، ۳ و ۴) - تاریخ تشیع، رسول جعفریان، صص ۱۷۰-۲۶۴-۲۶۹.

^{۱۵} (۲، ۳ و ۴) - تاریخ تشیع، رسول جعفریان، صص ۱۷۰-۲۶۴-۲۶۹.

^{۱۶} (۲، ۳ و ۴) - تاریخ تشیع، رسول جعفریان، صص ۱۷۰-۲۶۴-۲۶۹.

عبد الله صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش عليهم السلام که رسول خدا صلی الله علیه و اله فرمود: «دوازده نفر از اهل بیت من آناند که خداوند متعال به آنان عطا فرمود، فهم من و علم مرا. آنان از طینت من خلق شده‌اند، وای بر منکرین حق ایشان بعد از من، این منکران قاطعان صله و وصله من در شأن آن ائمه‌اند. خداوند

##PAGE=25##

متعال آنان را به شفاعت من نایل نفرماید.» (ر. ک، کتاب اختصاص، ص ۲۰۸).

صدوق رحمه الله علیه در «علل الشرایع» نقل می‌فرماید: از پدرش از محمد بن معقل قرمسینی از محمد بن یزید جزری از ابراهیم ابن اسحاق نهاوندی از عبد الله بن حماد از عمر بن شمر از جابر از امام ابی عبید الله صادق علیه السلام که گفتیم به آن جناب چرا فاطمه به زهراء نامیده شد؟ فرمود:

چون خداوند عز و جل او را از نور عظمت خود خلق فرمود. چون آن نور درخشان گشت آسمانها و زمین بدان نور روشن شد و چشمان ملایکه را فراگرفت و آنها برای پروردگار خود به سجده افتاده گفتند: اله ما و سید ما این چه نوری است؟ خداوند متعال به آنان وحی فرمود: این نور از نور من است که او را در آسمان خودم جایگزین فرموده‌ام. او را از عظمت خودم آفریده‌ام. او را از صلب پیغمبری و از پیغمبران خود خارج کنم و او را بر همه انبیاء و پیغمبران فضیلت و برتری دهم و از این نور پدید آورم، امامانی که به امر من قیام کنند و به حق من هدایت کنند و بعدان انقضاء و قیم آنان را جانشینان خودم در زمین قرار دهم.

می‌بینید که در صدر این دو حدیث، بزرگانی چون صدوق و شیخ مفید در سلسله روایت آنند یک رجل نامدار کرمانشاهی یعنی ابو الحسن محمد بن معقل قرمسینی است و او هم در بعضی از احادیث از پدر خود فقیه و محدث بزرگ قرن سوم معقل قرمسینی روایت می‌کند.

باز هم حدیث دیگری از محمد بن معقل قرمسینی. ابو جعفر محمد بن احمد علوی می‌گوید:

" حدیث کرد ما را ابو الحسن محمد بن معقل از محمد بن عاصم از علی بن الحسین از محمد بن مرزوق از عامر سراج از سفیان ثوری از قیس بن مسلم از طارق بن شهاب که گفت؛ شنیدم: حذیفه را که می‌گفت؛ شنیدم رسول خدا صلی الله علیه و اله می‌فرمود: آنگاه که گاه خروج قائم گردد، منادی از آسمان ندا دهد. که ای مردمان، زمان جباران و ستمکاران از شما سپری گشت و سرپرستی شما را بهترین امت، محمد عهده‌دار شد. او به مکه است و به او ملحق شوید." حدیث طولانی است و باز هم حدیثی دیگر از محمد بن معقل از پدرش.

شیخ مفید اعلی الله مقامه در کتاب اختصاص روایت می‌کند؛ از ابو جعفر محمد بن احمد علوی که می‌گوید: حدیث فرمود ما را محمد بن معقل که گفت: حدیث کرد ما را پدرم از عبد الله بن جعفر نزد قبر حسین علیه السلام در حائر شریف سال ۲۹۸ ه. ق گفت: حدیث کرد ما را حسن بن ظریف بن ناصح از بکر بن صالح از عبد الرحمن بن سالم از ابی بصیر از ابی عبد الله علیه السلام فرمود: پدرم محمد سلام الله علیه به جابر بن عبد الله انصاری فرمود: مرا به تو حاجتی است در وقت مناسبی که بتوانم در خلوت به تو از آن سؤال کنم؛ جابر گفت؛ آقای من به هرگاه خواهی من حاضرم. پدرم روزی با او به خلوت سخن گفت و فرمود: ای جابر خبر ده مرا از لوحی که در دستان مادرم فاطمه صلوات الله علیها دیدی و مادرم

ترا خبر داد، از آن چه در آن لوح نوشته بود. جابر گفت: خداوند را گواه می گیرم که داخل شدم بر مادرت فاطمه صلوات الله علیها در زمان حیات رسول خدا صلی الله علیه

##PAGE=26##

و آله او را تهنیت گفتم به ولادت حسین علیه السلام، در دست فاطمه لوحی سبز دیدم که گمان بردم از زمرد است و دیدم در او نوشته سپیدی بود چنان تابش آفتاب، او را گفتم: پدر و مادرم فدای تو باد این لوح چیست؟ فرمود: این لوحی است که خداوند تبارک و تعالی او را به رسول خدا هدیه فرموده است. در او نام پدرم و نام من و نام شوهرم و نام دو فرزندم و نام جانشینان از فرزندانم است.

پدرم این لوح را به من هدیه فرمود، تا مرا به آن خوشحال فرماید. جابر گوید: مادرت سلام الله علیها آن لوح را بمن ارایه فرمود. آن را خواندم و نسخه برداری کردم. پدرم علیه السلام فرمود: ای جابر میل داری او را به من عرضه داری؟ گفت: بلی، پدرم با او به خانه جابر رفت. پدرم از آستین خود صحیفه ای از پوست به درآورد و فرمود: ای جابر تو نظر در نوشته خود کن تا من صحیفه خود بر تو بازخوانم. او در نسخه خود می نگرید و پدرم نسخه خود را بر او فروخواند، کوچکترین حرفی به هم اختلاف نداشتند. جابر گفت: گواه می گیرم خداوند را که من این چنین در آن نوشته دیدم تا آخر حدیث که طولانی است.

یکی دیگر از راویان احادیث "عبد الله بن الحسن دینوری" است که شیخ طوسی رحمه الله علیه در جلد ششم کتاب «تهذیب» در حدیث ۱۱۵۱ حدیثی از او به نقل احمد بن محمد از برقی از عبد الله بن الحسن دینوری راجع به جواز شراء و بیع نصرانیه نقل می فرماید.

دیگر از راویان دینور "علی بن عبید الله دینوری" مشهور به "جبلی" است. در "تنقیح المقال" ج ۲ ص ۲۸۹ است که از حدیث کشی در مورد "فارس بن حاتم قزوینی" استفاده می شود که این مرد از مخلصین ابو الحسن امام هادی علیه السلام بوده است. چون نامه ای به وسیله فارس بن حاتم قزوینی به همراه وجوهاتی ارزنده به خدمت امام هادی علیه السلام می فرستند و آن حضرت علی بن عبید الله را آگاه می فرماید که آن اشیاء نرسیده و پس از این وجوهات خود را از طریق این شخص برای ایشان نفرستد که مورد وثوق نیست و بعدها معلوم گردید که این فرد یعنی فارس بن حاتم قزوینی از منحرفین و غلوکنندگان بوده است. از ظاهر عبارت روایت چنین استفاده می شود که فرستادن اموال به سوی امام روش و سلوک این مرد بوده است، یا بواسطه تمول او یا چون وکیل امام هادی سلام الله علیها بوده است.

یکی دیگر از روات "حسین راوندی دینوری" است در "تنقیح المقال" ج ۱، ص ۳۲۸ آمده است که شیخ رحمه الله علیه در رجال خودش او را اصحاب امام رضا شمرده است به اضافه کنیه ابو محمد برای ایشان و ظاهر ایشان برادر "حسن بن احمد راوندی دینوری" است که او هم از اعظام شیعه و از موثقین نزد شیعیان و امام عسگری و ناحیه مقدسه بوده است.

سید ابن طاووس رضوان الله تعالی علیه در کتاب النجوم قصه‌ای پسند خودش از شیخ ابی جعفر محمد بن جریر طبری از ابی المفضل محمد بن عبد الله از محمد بن جعفر مقری از محمد بن سابور از حسن بن محمد بن عمران از احمد دینوری سراج ابو العباس ملقب به استاره نقل

##PAGE=27##

می‌فرماید: که چون قصه طولانی است مختصری از آن نقل می‌شود. احمد دینوری می‌گوید: وقتی از اردبیل به دینور آمدم به قصد حج، دو سال بعد از وفات امام عسکری (سال وفات ۲۶۰ قمری) مردم در حیرتی بودند که امام بعد از ایشان کیست؟ اهل دینور از ورود من بسیار خرسند شدند، نزد من مجتمع گشته گفتند: ۱۶ هزار دینار از مال امام سلام الله علیه نزد ما جمع شده است، تقاضای ما چنان است که آنها را با خود برداشته به محضر مبارک امام برسانی. من عذر آوردم، گفتند ما تو را برای بردن این مال انتخاب کرده‌ایم زیرا وثوق و بزرگواری ترا می‌دانیم. جز با دلیل روشن و حجت و برهان، پول را بدست کسی به عنوان نائب امام زمان مده. پولها را یک‌یکان در کیسه‌های مختلف گرفتم، چون به کرمانشاه وارد شدم؛ احمد بن الحسن بن الحسن در آنجا مقیم بود، برای سلام و ادب خدمت او رفتم. چون مرا دید بسیار خرسند گردید و هزار دینار در کیسه‌ای و بقچه‌های لباسهای گوناگون سر بسته بدون آنکه بدانم چگونه است، به من داد که به نایب ناحیه مقدسه برسانم.

بهر حال ایشان از آنجا به بغداد می‌آید و سؤال می‌کند که نایب حضرت بقیه الله کیست؟ جمعی "قطانی" را نام می‌برند و جمعی دیگر "اسحاق احمر" را و جمعی "ابو جعفر عمری" را معرفی می‌کنند. چون این حدیث طولانی است به "بحار الانوار" یا ترجمه جلد سیزدهم آن "کتاب مهدی موعود (ص)" مراجعه کنید. در هر صورت از مقام احمد دینوری سراج و شدت محبت اهالی دینور و کرمانشاهان نسبت به مقام ائمه طاهرین و حضرت بقیه الله معلوم می‌گردد.

در کتاب «خرائج و جرائح»، "قطب راوندی" قصه‌ای را نقل می‌کند؛ از احمد بن ابی روح که گفت: زنی از اهل دینور مرا خواست به نزد او رفتم، گفت: ای پسر ابی روح تو در دیانت و تقوی از تمام مردمی که در ناحیه ما هستند موثق‌تری می‌خواهم امانتی را نزد تو بگذارم و آن را به ذمه بگیری تا به صاحبش برسانی، کیسه‌ای به من داد که در آن کیسه درهم‌هایی بود، گفت: آن را باز مکن و در آن منگر تا آنکه به کسی بسپاری که پیش از باز کردن به تو بگوید که در او چیست و این هم گوشواره من است؛ که مساوی با دینار ده است، سه مروارید در آن است که آن نیز مساوی با ده دینار است و شرط آنکس که اینها را به او می‌دهی باید خبر از امری دهد. مادرم ده دینار برای عروسی من خرج کرده است و اکنون نمی‌دانم که آن کس کیست تا پول را به او رد کنم. می‌گویم مال را گرفتم و به بغداد نزد حاجز بن یزید و شاء رفتم. گفت: مال را به سامراء ببر رفتم، در ورود خود گفتم؛ به خانه جعفر (عموی امام زمان) روم ولی با خود گفتم: خیر اول به خانه امام عسگری می‌روم چون بدر خانه رسیدم خادمی از خانه بیرون آمد و گفت: تو احمد بن ابی روح هستی؟ گفتم: آری، گفت: این نامه را بخوان. نامه را گرفته خواندم دیدم نوشته است: بسم الله الرحمن الرحیم؛ ای پسر ابی روح، عائکه دختر دیرانی کیسه‌ای به تو امانت داده که برخلاف آنچه تو گمان کرده‌ای، هزار درهم در آن است، تو امانت را خوب ادا نمودی نه سر کیسه را باز کردی و نه فهمیدی چه در آن است، در کیسه هزار درهم و پنجاه دینار است و قصه گوشواره و صاحب ده دینار را نیز بیان می‌کند با خبرهای دیگری از آینده و

##PAGE=28##

اخبار بازگشت احمد بن ابی روح به دینور و مردن عموی او و ارث بردن سه هزار دینار و صد درهم او از عمویش. دیگر از روایات احادیث ائمه طاهرين "حسن بن علی دینوری" است.

در کتاب "کافی" جلد ۴، کتاب "صوم" باب "فضیلت افطار روزه دار نزد برادر دینیش هرگاه او را به افطار بخواند" حدیثی است از محمد بن یحیی از حسن بن علی دینوری از محمد بن عیسی از صالح بن عقبه، گفت: وارد شدم بر جمیل بن دراج و در جلو روی او سفره طعام و مشغول خوردن بود، گفت: نزدیک بیا و بخور، گفتم: من روزه دارم مرا به حال خود گذار تا آنکه همه آن غذا را خورد و مقدار بسیار کمی باقی گذارد و بر من اصرار کرد تا افطار کنم، گفتم: چرا قبل از این لحظات چنین اصرار نکردی؟ گفت: با ادب با تو رفتار کردم. من شنیدم امام ابی عبد الله صادق علیه السلام را که می فرمود: هر مرد مؤمن روزه داری بر برادر دینیش وارد شود و او تازه وارد را بخوردن دعوت کند و او روزه داریش را خبر ندهد که مبدا با افطارش منتهی بر وی نهد، خداوند متعال عوض آن روزه ثواب یکسال روزه برای او بنویسد، در کتاب «الباب فی تهذیب الأنساب» تألیف "عز الدین ابن الاثیر جزری" جلد اول، ص ۵۲۶، چنین آمده است: "دینور" بلده ای است از بلاد جبل نزدیک قرمیسین (کرمانشاهان) که جماعتی از علماء به آنجا منسوبند که یکی از آنان "ابو بکر محمد بن علی بن حسن بن علی دینوری" معروف به برهان است که یکی از صالحان و اصحاب کرامات بوده است. از ابی شعیب حرانی و محمد بن عثمان ابن ابی شیبه و غیر آن دو روایت می کنند. ابو الحسن محمد بن احمد بن رزق بزاز و ابو عبد الله بن فنجویه دینوری و غیر این دو نیز از او روایت می کنند. این ابو بکر محمد بن علی معروف به برهان صدوق و مورد وثوق بوده است.

و باز هم در همین کتاب «الباب فی تهذیب الانساب» عز الدین بن الاثیر جزری، چنین می خوانیم: "قرمیسینی - نسبت به قرمیسین که به آن کرمانشاهان گفته می شود، جماعتی از علماء و مشایخ صوفیه از آنجا برخاسته اند که از آنان ابو اسحاق ابراهیم بن شیبان قرمیسینی شیخ الجبال در وقت خود بوده است، او را کرامات عجیبه بوده است، همچنین ابو بکر عمر بن سهل بن اسماعیل بن ابی الجعد حافظ قرمیسینی است که بسال ۳۳۰ در گذشته است."

از دیگر رجال دینور "احمد بن داوود دینوری" است که مرحوم مامقانی در رجال خود می فرماید "چون ابن ندیم او را عنوان کرده است باید موثق و مورد وثوق بوده باشد." و باز هم از رجال دینور "حسن بن علی بن حسن دینوری" است. مامقانی در تنقیح المقال ج ۱ ص ۲۹۲ می گوید: در تعلیقه گفته است: نام او در زید بن محمد می آید و به وجهی آشکار می گردد که او را از مشایخ اجازات بوده است.^{۱۷}

ظهور سلسله آل بویه که مذهب شیعی زیدی داشتند و به تمام پیروان اهل بیت به دیده احترام و

##PAGE=29##

شفقت می نگرستند و در گسترش آداب و احکام و شریعت و اصول مذهب شیعه، اهتمام تمام داشتند، موجب رواج بیش از پیش نحله مزبور در کرمانشاهان گردید و حکام حسنویه کرد در اعتقاد و احترام و جانبداری از تشیع علوی سعی بلیغ داشتند و تمام آداب و رسوم مذهبی را در کرمانشاهان رواج دادند.

^{۱۷} (۱) - کرمانشاه و روات آن، آیت الله حاج سید مرتضی نجومی، صص ۱۰ - ۴.

سادات علوی در این دیار اعتبار تمام یافتند؛ چنانکه در دینور سادات فراوانی در قرن چهارم می‌زیستند، حسن بن محمد قمی نوشته است که؛ ابو الحسن علی بن العالم رئیس الشجاع الفصیح الدینوری، جد سادات اشرافست که الیوم به دینور و نواحی دینورند و عدد ایشان بسیارست.^{۱۸}

سلطه مجدد عباسیان و ظهور سلسله‌های ترک غزنوی و سلجوقیان و بعد از آنها تا آغاز قرن هشتم فرصتی برای گسترش و نضج تشیع فقه‌ای و مکتبی در این حوالی باقی نگذاشت و در قتل کوهستان‌ها به صورت نهضت‌های رهایی بخش در شیوه اعتقادی علویان تندرو چهره می‌نمود.

از آغاز قرن هشتم اهتمام علمای بزرگ شیعی، موجب ظهور و حضور بارز این مکتب نستوه و علمی گردید؛ علامه حلی تألیف کتاب الالفین را در سال ۷۱۲ ه ق در شهر دینور- در نزدیکی کرمانشاه- به پایان برد.^{۱۹}

قابل ذکر و جالب توجه است که در همین ایام یعنی در آغاز قرن هشتم نخستین شرح بر نهج البلاغه در (کزند) تألیف گردید؛ متأسفانه نویسنده آن شناخته نشده است جز آنکه به تناسب آنچه از رشید الدین فضل الله آورده و تاریخ سؤال خود را از وی یاد کرده (در ص ۴۷۴، سال ۷۱۲ ه ق را یاد کرده و نیز شهر کزند) این شرح براساس تنها نسخه موجود در ۱۴۰۴ ه ق در شهر دهلی به چاپ رسیده است.^{۲۰}

از آنزمان به بعد کرمانشاهان از مراکز مهم تشیع علوی شمرده می‌شود و هم‌چنان این مکتب در این سو در گسترش و بالندگی بوده است به ویژه که بر سر راه عتبات عالیات و محل حضور و عبور بزرگان نامداری از جهان تشیع بوده و تعدادی بخواسته الهی در این سفر عاشقانه برای ابدیت میهمان خاک پاک کرمانشاهان شدند مانند؛ فاضل تونی که صاحب فارسنامه ناصری می‌نویسد؛ ملا عبد الله بن حاج محمد تونی مشهدی خراسانی مؤلف کتاب وافیه که از کتب درسی علم اصول است در ۱۰۷۱ ه ق هنگامی که عازم زیارت عتبات ائمه در عراق عرب بود؛ در کرمانشاهان فوت شد.

در ظهور دولت صفویه همانطور که در مجلدات چهارم و پنجم این مجموعه به شرح آن پرداخته‌ایم بر طبق قراردادهای فی مابین دولتین ایران و عثمانی مدت‌ها این شهر خالی السکنه بود تا مجدداً با انتصاب شیخ علیخان زنگنه اعتماد الدوله وزیر اعظم به وزارت ایران و مأموریت فرزندانش به

##PAGE=30##

تدریج روی به آبادانی نهاد و در اواخر این عهد بزرگانی از علماء امامیه اثنی عشریه چون ملا محمد زکی کرمانشاهی که از فرط تسلط و تعمق در علوم اسلامیة محسود بین الاقران و شهید ستمگران گردید، (ر. ک: بخش علماء شیعی، همین کتاب) به منصف ظهور رسید و در ایام زندیه بنای مسجد و مدرسه و جمعه و جماعات و حضور اعلام علمای امامیه در کرمانشاهان چنانکه در شرح خاندان‌های مذهبی شیعی در همین کتاب بدان پرداخته‌ام، اظهر من الشمس است اگر چه کرمانشاه یکچند نیز پایگاه شیخ احمد احسائی و شاگردان و پیروان او گردید، و عده‌ای از شاهزادگان قاجار و رؤسای

^{۱۸} (۱) - تاریخ تشیع، ص ۲۴۲.

^{۱۹} (۲ و ۳) - همان، ۶۶۴، ۵۹۲.

^{۲۰} (۲ و ۳) - همان، ۶۶۴، ۵۹۲.

طوایف منسوب بدستگاه دولتشاه به مقتضی روز به او گرویدند؛ اما طولی نکشید که آثار از تعلیمات و پیروانش در این سو باقی نماند.^{۲۱}

##PAGE=31##

در بخش بعدی پیشینه خاندان‌های علمی و مذهبی شیعه امامیه اثنی عشریه را براساس حروف تهجی مستند و مصور از نظر می‌گذرانیم.

##PAGE=32##

^{۲۱} (۱) - شیخ احمد بن زین الدین ابن شیخ ابراهیم احسائی بحران از اعلام بنام عصر خود [م، ۱۱۶۶/ ف، ۱۲۴۲ هـ ق] او در احسا احسا به فتح اول بنابر نوشته یاقوت حموی شهری است مشهور در بحرین که آنرا ابو طاهر سلیمان بن ابی سعید جناب قرمطی بنا نموده و اصولا بنابر نوشته دانشمند مورخ احسان طبری در رساله ایران در دو سده واپسین:

احسا در دوران خلافت خلفای عباسی مرکز قرمطیان بوده و این فرقه شعبه‌ای از اسماعیلیه می‌باشد که توسط حمدان الاشعث در حدود ۲۸۰ هـ ق پایه‌گذاری شد و چون منسوب به محمد وراق بودند این گروه را قرمطی نامیدند) بسال ۱۱۶۶ متولد شد بعد از رشد و نمو شروع به تحصیل نموده و در اندک زمانی شهر مراکز علمی گردید تا آنجا که بسیاری از علمای بنام شیعه از قبیل علامه بحر العلوم، سید علی صاحب ریاض، شیخ جعفر کاشف الغطا، میرزا مهدی شهرستانی، شیخ حسن آل عصفور و دیگران برای او اجازاتی در نهایت تجلیل نوشتند و او نیز شیخ اجازه اعلام بنامی همچون شیخ محمد حسن صاحب جواهر، شیخ اسد الله صاحب مقایس، حاج محمد ابراهیم کلباسی، میرزا محمد تقی نوری، سید عبد الله شیر، میرزا حسن گوهر، ملا علی برغانی، سید کاظم رشتی و غیر هم می‌باشد.

شیخ احمد احسائی تا پیش از نشر آثار و افکارش مورد احترام اصحاب رجال بوده چنانکه صاحب روضات در ترجمه او را ستوده است اما بعد از انتشار عقائد خود که امتزاجی از تعییرات فلسفی متأثر از آثار سهروردی و اخبار اهل البیت علیهم السلام بود باب طعن و تویخ را بر خود مفتوح نمود و مورد طعن و استهزا بزرگانی همچون صاحب جواهر، صاحب ضوابط، شریف العلماء، صاحب فصول و حتی حکیم ملا علی نوری که او را «بانی انت و امی» خطاب می‌کرد واقع شد. صاحب روضات نیز بعد از آن همه تجلیل در ضمن حالات شیخ رجب برسی او را مورد طعن قرار داد و این مسئله چنان بالا گرفت که شیخ محمد فرزند شیخ احمد احسائی نسبت به پدر خود چنان شد که میرزا ابراهیم پسر ملاصدرا نسبت به پدر خودش بود. هریک مسلک و طریقت پدر خود را شدیداً مخالف و منکر شدند.

هانری کرین در حالات شیخ احسائی می‌نویسد: شیخ تا سن ۲۰ سالگی در بحرین اقامت داشت و در سنه ۱۱۸۶ هـ. ق باماکن مقدسه رو آورد و شیخ بر کتابخانه ابن ابی جمهور احسائی دست یافت و مدت ۲۰ سال در عراق بسر برد و هفت سال در حوالی بصره ماند و در سنه ۱۲۲۱ هـ. ق عزیمت بمشهد کرد و ده سال متوالی در ایران توقف داشت و رساله خاقانیه را در یزد نوشت در سنه ۱۲۳۱ هـ. ق از کرمانشاه به بیت الله سفر کرد و مدت پنج سال در کرمانشاه ماند ... الخ. این توقف پنج ساله در کرمانشاه به اصرار محمد علی میرزای دولتشاه صورت گرفت و منقول است شاهزاده مذکور هفتصد تومان به شیخ احمد احسائی داد و يك باب منزل در بهشت از شیخ خریداری نمود! ... که: تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل؟! ...

عاقبت شیخ بعد از فوت شاهزاده دولتشاه به جهت اعتراض عموم مردم ناچار از کرمانشاه به عراق و از آنجا به مدینه--منوره مهاجرت کرد و در آنجا اقامت گزید تا در سنه ۱۲۴۲ هـ. ق در مدینه فوت نمود و بالغ بر نود جلد کتاب و رساله در علوم فلسفه، حکمت، کلام، فقه، تفسیر، و غیرهم از خود به جای گذاشت. شیخ علینقی فرزند دانشمند شیخ در کرمانشاه رحل اقامت افکند و چندین سال مرجع اهل دانش بود. او صاحب تالیفات برجسته‌ای است که از آنها می‌توان ۱- دیوان شعر ۲- الرد علی بعض العرفا فی التوحید ۳- رساله فی العلم ۴- قصه موسی و خضر ۵- مجموعه جوابات ۶- مختصر الحیدریه ۷- رساله‌ای در معاد ۸- نصح المحججه ۹- واضح المنار فی علم الاسرار- را نام برد.

دانشمند معظم جناب آقای محمد حسین جلیلی در کتاب کرمانشاهان باستان که با همکاری استاد دکتر مسعود گلزاری تألیف شده است در مورد او می‌گوید: ... فرزند دانشمند شیخ همراه پدر نرفت و در این شهر (کرمانشاه) رحل اقامت افکند ... وی چون پدر از علمای معروف بود و سرانجام در طاعونی که در حدود سال ۱۲۵۰ هـ. ق در کرمانشاهان منتشر شد وفات یافت. شیخ علی در قبرستان سر قبر آقای کرمانشاه مدفون گردید و تا چند سال قبل چهار طاقی بر روی گور او برپا بود.

بعد از وفات شیخ احسا شاگردش سید کاظم رشتی مسلک او را پیش گرفت و بعدها این مکتب توسط موسس رکن رابع حاج محمد کریم خان قاجار رواج پیدا نمود. که مریدان او را بر اصل مذکور رکنیه نامیدند. جای تذکر است که افکار شیخ احسا و سید رشتی بعد از وفاتشان منشعب شد در فرقه‌های ۱- شیخیه رکنیه کرمانیه پیروان حاج محمد کریم خان کرمانی ۲- باقریه پیروان محمد باقر خندق‌آبادی ۳- ثقه الاسلامیه پیروان میرزا شفیق ثقه الاسلام تبریزی ۴- حجه الاسلامی پیروان میرزا محمد مامقانی (تکفیرکننده علی محمد باب و محکوم‌کننده او به مرگ) ۵- احقاقیه پیروان آخوند ملا باقر اسکوئی نوشته‌اند چون او کتابی بنام «احقاق الحق و ابطال الباطل» در رد حاج محمد کریم خان کرمانی نوشت از این جهت خاندان او به احقاقی مشهور شدند ۶- پیروان شیخ حسن گوهر که از آن جمله است سید ابراهیم کرمانشاهی که این گروه از آرا شیخ احسا و سید رشتی آنچه را با شریعت سازگار بود قبول نمود و مابقی را رد می‌کردند. - یادداشتهای حجة الاسلام آقا سید ناصر میبیدی (*) برای آگاهی از ورود و استقرار خروج شیخ احمد احسائی به کرمانشاه به جلد پنجم تاریخ مفصل کرمانشاهان رجوع شود.

آل آقا

آل آقا، خاندانی از عالمان دینی، شیعی امامیه، مشهور به علم و ادب از سده ۱۲ تا ۱۴ ق / ۱۸ تا ۲۰ م در ایران. شهرت افراد این خاندان به آل آقا بدین جهت است که منتسب به «آقا محمد باقر وحید بهبهانی» (ح ۱۱۱۶ - ۱۲۰۵ ق / ۱۷۰۴ - ۱۷۹۱ م) بوده و از این رو، گاه بهبهانی خوانده شده‌اند. برخی از اینان که در کرمانشاه و نهاوند اقامت داشته‌اند به کرمانشاهی و نهاوندی شهرت یافته‌اند (آیت الله مرعشی، ۵ / ۳۰۴، دوانی، ۲۷۵، ۳۳۳، ۳۵۴). برخی از افراد این خاندان نیز در تهران، قم، نجف، و کربلا ساکن بوده‌اند.^{۲۲}

دانشمند محترم حجة الاسلام و المسلمین آقای دوانی در تألیف اثر ارزشمند وحید بهبهانی؛ مرقوم داشته‌اند؛ که بخش فرزندان آقا محمد علی را براساس مدارک و کتابهای: اعلام الشیعه، اعیان الشیعه، الذریعه، فوائد الرضویه، روضات، دائرة المعارف جواهر الکلام، انساب وحید بهبهانی، مرآت الاحوال، مجموعه خطی آقای معتمد العلماء آل آقا، مجموعه خطی مرحوم آقا جمال الدین مقام و اطلاعات شخصی در طی مطالعات ممتد بدست آورده‌اند. ر. ک؛ وحید بهبهانی، ص ۴۴۴. در اینجا براساس این بنیان مرصوص، با ویرایش جدید و تفکیک شخصیت‌های علمی و تنظیم شجره کلی، بانضمام اسناد مهم علمی و اجتماعی و سیاسی مربوط به خاندان آل آقا که در مجموعه شادروان محمد حسین خان مدنی کرمانشاهی بود و بدستگیری گرامی وجود ارجمند جناب مهدی رادور زنگنه فراهم گردید که در محبت و همدلی و صفای ایشان سکوت بر سپاس ارجح است و سندهایی نیز که به عنایت بازماندگان مشفق و متعهد خاندان دریافت گردید، همچنین در این بخش با استفاده از آرشیو تصاویر کتابخانه آیه الله نجومی برگرفته از آلبوم آقا نظام الدین آل آقا بطور مصور پیشینه خاندان آقا محمد علی در کرمانشاه ارائه شده است.

(تصویر شماره ۱) آیه الله العظمی آقا محمد علی کرمانشاهی

آیه الله آقا محمد علی (کرمانشاهی)^{۲۳}

آقا محمد علی بهبهانی معروف به «کرمانشاهی» فرزند ارشد استاد کل و نابغه زمان مرحوم آقا محمد باقر اصفهانی مشهور به «وحید بهبهانی» است. ترجمه‌نویسان در شرح حال وی نوشته‌اند آن مرحوم روز جمعه ۲۶ ذیحجه سال ۱۱۴۴ ه در کربلا دیده به جهان گشود. مادر وی دختر فقیه بزرگ، آقا سید محمد طباطبائی بروجردی جد علامه بحر العلوم است که بانوئی عالمه و فاضله بوده است.

^{۲۲} (۱) - دائرة المعارف تشیع

^{۲۳} (۱) - دائرة المعارف اسلامی. آ

وحید بهبهانی؛ زنده‌کننده مکتب اجتهاد و فقه و اصول شیعه است، به همین جهت بزرگان فقه‌های ما چون صاحب جواهر او را استاد اکبر و دیگران، استاد اساتید فقه‌های شیعه در دویست سال اخیر دانسته‌اند، همه به او «آقا» می‌گفتند و علمای خاندانش را «آل آقا» نامیده‌اند، مؤلف کتاب «منتهی المقال» که کتاب خود را در حال حیات «آقا» تألیف کرده است، می‌نویسد:

«آن جناب دام مجده دارای دو فرزند پارسا و باتقوی و پاکیزه سرشت است که هر دو عالم عامل می‌باشند. فرزند بزرگتر: المولی الصفی آقا محمد علی دام ظله است که در دقت نظر وجودت فهم و وقادت ذهن به منتهی درجه کمال رسیده و از نهایت هم گذشته است!

##PAGE=35##

اگر اصول و تفسیر و تاریخ و عربیت را بخواهی، او دارنده همه این علوم است و چنانچه خواستار فروع و رجال و حدیث باشی هم او سرچشمه این فنون است، از همان زمان که همراه پدرش استاد علامه وارد عراق شد مآثر و محاسنش نزد خاص و عام مشهور گشت به طوری که موجب تحیر مردمان و تعجب همگان گردید، علامه بغداد «صبغة الله افندی» از وی خواست که او را ملاقات نموده و با وی مباحثه و مذاکره علمی کند. آقا محمد علی هم میل داشت که چندی در نزد او درس بخواند، در این خصوص از پدرش اجازه خواست آقا اجازه نداد، باز آقا محمد علی اصرار کرد بالاخره بنابر آن گذاشتند که در این خصوص با قرآن مجید استخاره کنند، چون استخاره کردند این آیه شریفه آمد: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِأَبْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» پس آقا محمد علی نصیحت پدر را پذیرفت و از عدم رضایت وی تعجب کرد».

شیخ ابو علی اضافه می‌کند: «در مدتی که پدرش در بهبهان توقف داشت، نزد او به تحصیل پرداخت، آنگاه به اتفاق وی به کربلا آمد و چند سال در آنجا ماند، به استفاده و افاده و تدریس و تألیف اشتغال ورزید، سپس منتقل به کاظمین گردید و تا سال طاعون (۱۱۸۶) در عراق مقیم بود و هم‌اکنون در ایران به سر می‌برد و مانند نور در بلندی می‌درخشد و درباره‌اش می‌گویند: و من یشا به أبه فما ظلم».^{۲۴}

آقا محمد علی در سال ۱۱۸۶ که بیماری طاعون (وبا) در عراق شیوع یافت به اصرار پدر به ایران مهاجرت نمود و در شهر کرمانشاه رحل اقامت افکند و به همین جهت خود و فرزندان دانشمندش به کرمانشاهی معروف شدند، عالم جلیل سید محمد زنوزی که از شاگردان آقا بود در کتاب «ریاض الجنه» نوشته است:

«آقا محمد علی بن محمد باقر عالم عامل کامل فاضل باذل تحریر متبحر فقیه مجتهد متتبع مورخ منشی ادیب متکلم جلیل القدر عظیم الشأن، وحید العصر و فرید الدهر است، بسیار به خدمتش رسیده‌ام».^{۲۵}

^{۲۴} (۱) - شیخ ابو علی، منتهی المقال بنا به نقل میرزا محمد علی کشمیری، ص ۳۳۶.

^{۲۵} (۲) - سید محمد حسن زنوزی، ریاض الجنه، به نقل آقای دوانی، وحید بهبهانی، ص ۲۷۷.

مرحوم آقا سید محمد کهرودی، که عالمی فقیه و در سلطان آباد عراق (اراک) مرجع و رئیس بزرگ و معاصر آقا محمد علی بوده است، در کتاب «مجموعه‌ای از چند رساله» آقا محمد علی را «استاد الكل في الكل جناب آقای آقا محمد علی سلمه الله» خوانده است.

مرحوم سید محمد باقر خوانساری در «روضات الجنات» می‌نویسد: «آن جناب عالم نام‌آوری است که مراکب عقول در بیابان توصیف فضلش خسته و زنگهای قوافل علوم معقول و منقول به اظهار کمال و جلالش به صدا درآمده، با این که تمام فضایل پدرش و مقامات هر مجتهد و فقیهی را دارا بود، حایز نفایس سایر فنون شد و از علوم مکنونی سر درآورد که بر غیر اهلش پوشیده بود هر

##PAGE=36##

کس خواهد به کتاب «مقام الفضل» او نظر کند تا صدق گفتار ما را دریابد چه وی در آن کتاب از هر موضوعی سخن به میان آورده و آنچه طالبین بخواهند در آن موجود است و بسی مطالب مشکله شرعی را توضیح داده و در مواردی از آن اشاره به سایر تصانیف خود نموده است.»

مؤلف روضات الجنات می‌افزاید: «همچنین مسائل مفصله در آن کتاب هست که جا دارد هر یک را کتابی علیحده قرار دهند، مانند مسأله طلاق خلع که به عربی نوشته با این که کتاب فارسی است، هیچ کس در موضوع مزبور مثل آن را ننوشته، و مانند گواهی دادن زن به مرگ شوهر غایبش با عدم تهمت و مثل مسئله قبله و بیان مقصود اهل هیأت از عرض و طول شهرها و تقسیم زمین به اقالیم هفتگانه که از مطالعه مجموع آنها کمال مهارت مؤلف آن در اغلب فنون به خوبی آشکار است»^{۲۶} فرزند برومندش آقا احمد در کتاب «مرآت الاحوال جهان‌نما» که مهمترین و صحیح‌ترین منبع اطلاع بر احوال این خاندان است درباره پدر عالمقامش می‌نویسد: «در فضایل آن جناب همین بس است که در عصر والد غفران مآب خود مشهور آفاق گردید وصیت فضائلش در عالم پیچید، و همیشه آن سرور در مدح ایشان می‌فرمودند که: محمد علی ما شیخ بهاء الدین عصر است و این فقیر مکرر از آن جناب شنیده‌ام که می‌فرمودند که من تقلید کسی را نکرده‌ام در اول تکلیف خود مجتهد بودم و احکام ضروریه را اجتهاد کرده بودم و در قوت حافظه و مباحثه محسود علمای معاصرین بودند، کم مسئله‌ای بود که با ادله در نظر شریفش حاضر نباشد. در صفای تحریر کساد افکن کالای علمای ماضی و استقبال، و در حسن بلاغت و نیکویی تقریر، رونق‌شکن بازار بلغای شیرین مقال بود، کسی از معاصرینش را با وی دعوی همسری نبود، در هنگام موعظه اگر چه به طول می‌انجامید گاهی سر رشته کلام را من البدایه الی النهایه از دست نمی‌داد و مطالب آن از هم گسسته نمی‌شد و بر مذاهب و عقاید مختلفه اهل اسلام و کفر نهایت مطلع بود»^{۲۷}.

آقا احمد در ادامه سخنانش می‌گوید: مصنفاتش خصوصاً کتاب «مقام الفضل» به مضمون هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق بر جامعیتش گواهی است ناطق ... و اول تصانیفش رساله «قطع القال و القیل فی انفعال الماء القلیل» است که در اوایل عمر تألیف فرمودند و فاضل متبحر نحریر؛ شیخ یوسف بحرانی صاحب کتاب حدائق به مجرد ملاحظه آن رساله بر معیار فضلش مطلع شده اجازه مبسوط نوشته به جهت ایشان فرستاد و خواهش نمود چندی در مجلس درس شیخ معظم له

^{۲۶} (۱) - سید محمد باقر خوانساری، روضات الجنات، ج ۷، ص ۱۵۰، شماره ۶۱۶.

^{۲۷} (۲) - مرآت الاحوال جهان‌نما، ص ۱۵۰، به تصحیح و تحقیق استاد علی دوانی.

تشریف برده باشند که طرفین را فائده حاصل شود، قبول کرد و بعد از چند روز موقوف فرمود به جهت آنکه میل شیخ به طریقه اخباریین بود و در مباحثه خوف رنجیدنش بود و به حج بیت الله الحرام مشرف شده، دو سال توقف نمودند و در آن مدت به جهت تقیه به تدریس مذاهب اربعه اهل سنت و

##PAGE=37##

جماعت مشغول شدند و علمای چهار مذهب استفاده و تحصیل علوم نقلیه و عقلیه در خدمتش می کردند و در آن مدت دو رساله در احوال مکه معظمه و مدینه مشرفه نوشتند و به نوعی مقامات و مواضع را معین فرمود که اگر اساس آن دو بلده شریفه نعوذ بالله منهدم شود از روی آن دو رساله هر مقامی را در محلش معین می توان نمود، بعد از دو سال معاودت به عتبات عالیات نمود...»^{۲۸}.

فرزند دانشمندش درباره شاگردان آن مرحوم می نویسد:

«افاضل و علمای بسیار در خدمتش به استفاده علوم مشغول بودند و از آن جمله اند؛ عالی جنابان معلى القابان سیدی المجتهدین سید محمد مهدی طباطبائی (بحر العلوم) قدس سره و میر سید علی طباطبائی (صاحب ریاض) و غیر ایشان که بحمد الله همگی صاحب نام و نشان و از علمای عالی شأنند»^{۲۹}.

مؤلف کتاب «نجوم السماء» (متوفی ۱۳۰۹ هـ) در شرح حال آن مرحوم از سید عبد اللطیف خان شوشتری نقل کرده که وی در «تحفة العالم» به تقریب ذکر باشندگان بلده کرمانشاهان آورده که از اعلام آن شهر بود؛ فاضل علامه آقا محمد علی بن آقا محمد باقر بهبهانی که از افاضل نامدار و از غایت اشتها بی نیاز از اظهار است محقق عالی شان و عالمی با نام و نشان است، امامت جمعه و جماعت با او بود از اصول و فروع مذاهب اربعه عامه اطلاعی به کمال داشت رسائل بسیاری به قلم موهبت [در بررسی] آن مذهب نگاشته که هریک فنون بلاغت را جامع و در نظر [مقابل] سیف قاطع است، در آن شهر به اجلال و اکرام و اوقاتی به آسایش و انتظام داشت. الله قلی خان حاکم آنجا در تعظیم و توقیر او به اقصی الغایه می کوشید و در اجرای حدود و اوامر و نواهی تسلطش به کمال بود، شرحی مبسوط بر مفاتیح مولانا محسن دارد در فن عبادات و اخلاق بسطی عظیم داده است»^{۳۰}.

مهاجرت به ایران

آقا احمد در «مرآت الاحوال» از دقایق و خصوصیات زندگی پدر علامه اش و سایر بزرگان این خاندان اطلاعات ذیقیمتی در اختیار قرار می دهد که به راستی اگر آن کتاب گرانقدر در دست نبود، بسیاری از نکات تاریخی مربوط به این خاندان بزرگ امروز پوشیده می ماند. وی درباره مهاجرت پدر بزرگوارش به ایران می نویسد: «در تاریخی که طاعون عظیمی در کربلای معلی و نجف اشرف و آن حدود روی داد به شهر کاظمین مشرف شد، در آنجا حسب الحکم والد نامدارش استقامت فرمود و چون امتداد بهم رسانید و طاعون به بغداد نیز رسید و شدید شد به حدی که بعضی در تاریخش «الطاعون العظیم» گفتند، والد ماجدش حکم به رفتن به سمت ایران فرمود آن بزرگوار را دل برداشتن

^{۲۸} (۱) - همان، ص ۱۵۲ - ۱۵۱.

^{۲۹} (۲) - همان، ص ۱۵۲ - ۱۵۱.

^{۳۰} (۳) - نجوم السماء فی تراجم العلماء، تألیف میرزا محمد علی کشمیری، ص ۷ - ۳۳۶ چاپ قم.

از فیض زیارات عتبات مشکل بود و درخواست رخصت بر توقف می نمود، آخر الامر به او خطی نوشتند که در یک سطر آن نوشته بود که «برو، برو» و در سطر دیگر «اگر نروی عاقی عاق».

مرحوم آقا احمد در ادامه سخنانش می گوید: «از اتفاقات غریبه آنکه این فقیر همان خط شریف را بعد از آنکه مدت چهل سال از آن زمان گذشته بود، در سفر اول که به عتبات عالیات مشرف شدم در کربلای معلی در کوچه ای که از صحن مقدس به دولت خانه آن مرحوم می روند، یافتم و تا مدتی همراه داشتم و در این اوقات مفقود شد.

القصة چون این حکم رسید لابد به سمت ایران تشریف بردند و در خدمتش بود عالی جناب مرحمت مآب آقا محمد ابراهیم و فرزند اکبر ارشد ارجمندش و برادر نامدار عالی تبار (آقا محمد جعفر) چون به بلده کرمانشاهان که اول حدود ایران و از قلمرو علی شکر است رسیدند، اهالی و اعظم و حکام آن دیار مقدمش را غنیمت شمرده به احترام و اعزاز تمام وی را استقبال نمودند».

خلاصه طبق نوشته آقا احمد، حاکم کرمانشاه؛ الله قلی خان زنگنه از آن جناب تقاضا نمود که در آن شهر توقف نماید.

خان مذکور از سلسله شیخ علی خان مشهور و از اعظم و اکابر امراء ایران در دوران صفویه اند وی حاکم با اقتدار و در ضبط نسق مملکت یگانه روزگار در عدالت و شجاعت و سخا مظهر لطف و قهر باری و مؤید به تأییدات قادر کردگار بود.

خان عظیم الشان در تعظیم و توقیر آن جناب به اقصی الغایت کوشید و شرط ضیافت و خدمتگذاری را به تقدیم رسانید و به اقامت در آن بلده تکلیف نمود. قبول فرمودند، مردم بلده و بلوک غاشیه اطاعتش را بر دوش و حلقه ارادتش را بر گوش کشیدند، آن جناب مشغول تدریس و ترویج دین مبین شدند ...^{۳۱}

بعد از آنکه مرض طاعون به کرمانشاه رسید آن جناب به سمت سعدآباد و سنقر که از بلوک همدان است؛ تشریف برد و چون خفیف شد معاودت فرمود و آنگاه به تنهایی عازم رشت گردید آن موقع حکومت رشت به هدایت الله خان گیلانی بود، وی پذیرائی شایان و احترام زیادی از آن جناب نمود ...

در آنجا علما و فضلا از اطراف، مسائل مشکله به خدمتش می فرستادند و آن جناب جواب می داد و اغلب آنها را جمع کرده به «مقام الفضل» موسوم فرمودند.^{۳۲}

سپس به قم که حرم اهل بیت و شباهتی به عتبات عالیات عرش درجات داشت، آمدند، محمد علی خان زند، حاکم قم نهایت احترام از وی به عمل آورد، پس از چندی خانواده خود را از کرمانشاه

^{۳۱} (۱) - همان، ص ۴ - ۱۵۳.

^{۳۲} (۲) - این کتاب دو بار چاپ سنگی شده و مطالب آن در همه موضوعات گوناگون به عربی و فارسی است.

طلبیدند و در قم اقامت گزیدند در آن موقع حاکم ایران؛ علی مراد خان زند بود وی بر الله قلی خان حاکم کرمانشاه خشم کرده و در صدد قتل او بود.

الله قلی خان آن جناب را واسطه قرار داد تا مگر علی مراد خان از قتل وی درگذرد و آن بزرگوار هم روز معین به دیدن علی مراد خان که به حوالی قم آمده بود، رفت و از وی خواست که خشم خود را از الله قلی خان فروگیرد، او نیز پذیرفت و از کشتن وی صرفنظر کرد. پس از آنکه سه سال در قم توقف فرمود بر اثر استدعای مکرر الله قلی خان نامبرده ناگزیر به کرمانشاه معاودت فرمود و بقیه عمر را در آن شهر گذراند.^{۳۳} آقا محمد علی، پس از پدر در ایران مرجع بزرگ به حساب می‌آمد و تا او زنده بود مرجعی به عظمت وی در ایران وجود نداشت او علاوه بر اینکه فقیه توانائی بود در علوم عقلی و نقلی استاد ماهر و دارای تألیفات بسیار و گرانقدر در علوم و فنون مختلف اسلامی بود.

گذشته از اینها آقا محمد علی فقیهی مبارز و مجاهد و در امر به معروف و نهی از منکر و حفظ شعایر دینی و دفاع از مظلومان سخت مقاوم بود او خود حد جاری می‌کرد و مجرمین و مرتدین را طبق قانون شرع مجازات می‌نمود و با اعمال ولایت فقیه قوانین اسلام را اجرا می‌کرد و از هیچ مقامی ملاحظه نمی‌نمود.

میر عبد اللطیف شوشتری، در کتاب «تحفة العالم» می‌نویسد: «در اجرای حدود و اوامر تسلطش به کمال بود» و چنانکه خواهیم گفت: وقتی فتحعلیشاه و صدر اعظم او، حاجی ابراهیم شیرازی، بیگلربیگی کرمانشاه را مسئول گرفتاری معصوم علی شاه [دکنی] سرسلسله صوفیه که در خانه آقا محمد علی محبوس بود؛ قلمداد می‌کنند. آقا محمد علی طی نامه‌ای بر آنها اعتراض می‌کند که چرا در کار مربوط به مجتهد شرع دخالت می‌نمایند و نمی‌گذارند که حاکم شرع حد شرعی را درباره مجرمین و مستحقین اجرا کند! فتحعلیشاه و صدر اعظم هم در پاسخ نوشتند «صلاح ما همه آن است کان تراست صلاح».^{۳۴}

از بیم سطوت حکومت شرعی او مردم شهر کرمانشاه و غرب ایران بلکه شهرهای دیگر در امن و آسایش به سر می‌بردند و نفوذ وی به قدری بود که حتی کریمخان زند و آغا محمد قاجار و فتحعلیشاه سلاطین هم‌عصر او قادر به جلوگیری از فعالیت او نبودند.

مبارزات طولانی و سرسختانه او با صوفیگری که توسط معصوم‌علی شاه دکنی هندی در ایران نضج گرفته بود، در تاریخ بسیار معروف است که سرانجام به قتل و تبعید جمعی از صوفیان انجامید، نه تنها صوفیه که بقیه فرق باطله و مردم بی‌بند و بار و حتی شاهان و حکام عصر، تا آقا محمد علی در قید حیات بود، جرأت تظاهر به بی‌بندوباری و اظهار وجود نداشتند و پس از او بود که بی‌بند و باری در کشور شیوع یافت و دیگر قدرتی نبود که فاسقان و منحرفان و ظالمان، از او حساب ببرند.

###PAGE=40###

^{۳۳} (۱) - مرآت الاحوال، ص ۵ - ۱۵۴.

^{۳۴} (۲) - علی دوانی، وحید بیهانی، ص ۲۸۲.

۱۸۷۷۲ تاریخ تشیع در کرمانشاه از آغاز تا امروز بانضمام پیشینه اعتقادی در غرب ایران؛ ص ۴۰

مورخ و دانشمند معاصر جناب آقای دوانی در مقدمه کتاب «مرآت الاحوال» می‌نویسد:

«مشهور است که روزی آقا محمد علی در مجلس کریمخان زند نشست و با علما و فقها کمتر نشست و برخاست داشت، از آن فقیه بزرگ و با مهابت استفاده علمی می‌نمود، در آن اثنا آغا محمد خان قاجار که به اجبار در شیراز تحت نظر خان زند بود، وارد مجلس شد، کریمخان پرسید:

جناب آقا! این آغا محمد خان قاجار ما به درد چه کاری می‌خورد؟ آقا محمد علی گفت: «اگر روزی مردی در ایران باقی نماند، نوبت پادشاهی به آغا محمد خان می‌رسد» و کریمخان به شدت خندید.

آغا محمد خان کینه آقا محمد علی را به دل گرفت. وقتی بعد از فوت کریمخان در تهران به تخت سلطنت نشست و با لطفعلی خان زند آن کرد که روی تاریخ را سیاه کرده است. آقا محمد علی با خدم و حشم از کرمانشاه آهنگ سفر مشهد مقدس نمود. چون وارد زاویه مقدسه حضرت عبد العظیم شد، آغا محمد خان، فتحعلی شاه برادرزاده خود را که ولیعهد بود و بابا خان خوانده می‌شد، فرستاد که به آقا محمد علی بگو حق نداری وارد تهران شوی و حتما باید از همان حضرت عبد العظیم به کرمانشاه برگردی.

آقا محمد علی گفت: به اعلیحضرت بگویید: من قصد سفر مشهد مقدس دارم و فردا صبح خیمه و خرگام در وسط تهران بر سرپا می‌شود، اعلیحضرت هم هرکاری می‌خواهد بکند وقتی این خبر به آغا محمد خان رسید گفت: من می‌خواستم دل و جرأت آقا محمد علی را امتحان کنم ببینم حالا که من شاه شده‌ام، او همان جرأت زمان کریمخان را دارد یا نه، و به دنبال آن دستور داد که از وی تجلیل شایسته‌ای به عمل آید».^{۳۶}

مرحوم میرزا محمد تنکابنی در قصص العلما می‌نویسد:

«آقا محمد علی فاضل و جامع بوده در اصول و فقه و کلام و تاریخ او حد زمان بود و در امر به معروف و نهی از منکر فرید دوران، مشهور به صوفی‌کش و بسیار از دراویش و ارباب تصوف را به قتل رسانید».

مؤلف کتاب «تاریخ رجال ایران» که با علماء دین میانه خوبی ندارد و این مطلب از نوشته‌هایش کاملاً پیداست، در شرح حال این فقیه بزرگ و عالم وارسته به این مختصر اکتفاء کرده، و نوشته است:

^{۳۵} سلطان، محمد علی، تاریخ تشیع در کرمانشاه از آغاز تا امروز بانضمام پیشینه اعتقادی در غرب ایران، ۱ جلد، [بی نا] - تهران، چاپ: اول، ۲۰۰۱ م.

^{۳۶} (۱) - مقدمه مرآت الاحوال جهان‌نما، ص ۱۴، تنکابنی، قصص العلماء، ص ۲۰.

«آقا محمد علی بهبهانی فرزند آقا محمد باقر بهبهانی ملای بسیار متنفذ و مقتدر کرمانشاه در دوره زندیه و قاجاریه بوده و در زمان اقتدار خود حکم به قتل بسیاری از مشایخ و مشاهیر و پیشوایان فرقه نعمت الهی از قبیل معصوم علیشاه دکنی و غیره داد.»^{۳۷}

جان مالکم، که بعد از آقا محمد علی سفیر دولت انگلیس در ایران بود، درباره اوضاع آن روز و

##PAGE=41##

میزان نفوذ علما و مجتهدین مخصوصاً موقعیت آقا محمد علی در آن عصر، در تاریخ خود، چنین شرح می‌دهد و می‌گوید:

«علمای ملت که عبارت از قضات و مجتهدین است همیشه مرجع رعایای بی‌دست و پا و حامی فقرا و ضعفا بی‌چاره‌اند اعظم این طایفه بحدی محترمند که از سلاطین کمتر بیم دارند و هروقت واقعه‌ای مخالف شریعت و عدالت حادث شود خلق رجوع به ایشان کنند و احکام ایشان عموماً جاری است تا وقتی که وضع مملکت اقتضای استعمال آلات حرب کند.»

و در جای دیگر می‌نویسد: «حکومت مجتهدین در محکمه‌های شرع بسیار است قضات همواره صورت مسائل را به ایشان عرضه دارند و فتوای مجتهد مردود نخواهد شد. پادشاه را یارای آن نیست که رد احکام ایشان کند و بسیار است که مصلحت سلطنت در این داند که فیصله امور را به مجتهدین رجوع دارند و در وقتی که هیچ کس را جرأت آن نیست که به جهت شفاعت مجرمی به پادشاه نزدیک شود، پادشاه را جرأت آن نیست که توسط مجتهدی رد کند! این طبقه بخشیده و معاف داشته‌اند وقتی که مؤلف در ایران بود، چهار نفر از این طبقه بودند: آقا محمد علی کرمانشاهی، میرزا ابو القاسم قمی، حاجی میر محمد حسین اصفهانی (خاتون‌آبادی) و حاج سید حسین قزوینی».^{۳۸}

آقا احمد در «مرآت الاحوال» می‌نویسد: «آن جناب جمع فرموده بود میان دو صفت متضاد:

حسن صحبت و بشاشت و رعب و هیبت، در منادمه به حدی بود که با طفلی همکلام می‌شد و در رعب چنان بود که حکام سنگدل همیشه از ایشان خوف و بیم داشتند و به این سبب در عهدش رعایا و زیردستان از ظلم و ستم و ظلام در عهد امن و امان بودند».^{۳۹}

خلاصه تعبیرات نویسندگان، حکایت از آن دارد که آن مرحوم در عصر خود، شخصیت ممتاز و والائی داشته است و در علم و فضیلت در شهامت و شجاعت و تقوا و وارستگی، حمیت و غیرت دینی و سرانجام در وارستگی از هرنوع هوی و هوس نمونه بارز و مثال راستین بوده است.

^{۳۷} (۲) - مهدی بامداد، تاریخ رجال ایران، ج ۳، ص ۴۲۳.

^{۳۸} (۱) - جان مالکم، تاریخ ایران، ترجمه میرزا حیرت، ...

^{۳۹} (۲) - مرآت الاحوال ص ۱۵۰.

آقا محمد علی در سال ۱۲۱۶ ه. ق در کرمانشاه به جهان باقی شتافت و مرقدش معروف به «سر قبر آقا» زیارتگاه آن سامان است.

از آقا محمد علی چهار پسر عالم و دانشمند باقی ماند و آنها عبارتند از:

آقا محمد جعفر، آقا احمد (مؤلف کتاب مرآت الاحوال) آقا محمد اسماعیل و آقا محمود و هر کدام فرزندان زیادی داشته‌اند که دودمان وحید بهبهانی از آنان باقی است.

غروب آفتاب عمر آقا محمد علی

مرگ آن مرحوم به مصداق روایت پیامبر اکرم که فرمود: «إذا مات العالم تلم فی الاسلام ثلثة

##PAGE=42##

لا یسدها شیء» شکستی جبران‌ناپذیر بر پیکر عالم اسلام به خصوص جامعه تشیع وارد ساخت. آن مرد نورانی و گرمی بخشی که چون آفتاب تابان، تعالیم اسلام و مذهب شیعه و اسرار خاندان رسالت را روشن می‌ساخت در افق آسمان کرمانشاه ناپدید گردید و عالم اسلام، رهبر شایسته و پیشوای با شهامت خود را که در برابر طوفان حوادث چون سد پولادین پایدار و استوار بود، از دست داد.

آقا احمد در این باره می‌نویسد: «روز عزای آن سرور نمونه محشری روی داد، احدی نبود که جزع و فزع نکند و فریاد واویلا و والسفا بلند ننماید سیلاب اشک از چشم پیر و جوان جاری و خرد و کلان در افغان و بیقراری بودند، جنازه شریفش را با دستگاه ناله و آه برداشته حسب الوصیه آن جناب در جنب مغربی محراب عیدگاه جدید مرحوم حاج علیخان دفن نمودند و بر آن قبه و بارگاهی ساختند و الحال مطاف و مزار اهالی و اعظم آن دیار است.^{۴۰}

در فردوس التواریخ می‌نویسد: «مشهور است که آن جناب فرموده بودند که مرا در مکانی دفن سازید که غافله وقت سحر از مزار من بگذرند و آن مکان غالباً چنین است که زائرین عتبات عالیات در رفتن و برگشتن از مزار آن مرحوم می‌گذرند».^{۴۱}

هرنافه که در دست نسیم سحر افتاد

از رهگذر خاک سر کوی شما بود

مرثیه زیر به مناسبت وفات آقا محمد علی در رابطه با ماده تاریخ فوت آن مرحوم در کرمانشاه توسط [نامی کرمانشاهی] سروده شده است:

^{۴۰} (۱) - مرآت الاحوال، ص ۱۶۰ - ۱۵۹.

^{۴۱} (۲) - علی دوانی، وحید بهبهانی، ص ۳۳۰.

هزار حیف که شد بحر علم و عالم عهد	به یوم جمعه و شهر رجب برون ز جهان
وحید دهر محمد علی که هفت سپهر	ندیده ثانی وی را به حلم در کیهان
دُر یگانه باقر که نه فلک در دهر	به علم و عدل و امامت چو او نداد نشان
یگانه‌ای که به هردو سرای هفت افلاک	چو او ندید به جاه و به رأی و فطنت و شأن
مصنفی که شده تا ابد به این عالم	هماره واله تصنیف نیک آن انسان
شرافت از نبویه به جمله دنیا داد	بدان نمط که رسول مکرم از فرقان
دم روات نمود ز پند منع المنع	ز خلق منع بدیها به صفحه امکان
گرفته بود مدام او به یک مقام علم	ز بهر قطع مقال سراسر عدوان
مقر گزید چو بر مجلس امامت داد	بسا رواج امامیتش به ملک جهان
ز عدل و حلم نه او را عدیل در گیتی	ز قدر و فهم نه او را بدیل در دوران
ز عز و رفعت و از جود او خرد واله	ز قدر و همت و از جان آن گمان حیران
کمینه چاکر آن باکرم دو صد حاتم	کهیته بنده وی بُد ذکای صد لقمان
ز دهر شد سوی جان عدن و از پی وی	فتاده ناله و شیون به جمله کون و مکان

##PAGE=43##

روانه شد چو ز آفاق زد رقم، نامی	«شد از جهان به جنان شاه اهل علم روان»
به نوع عقد گهر آبدار پانزده بیت	نمود عقل (۱۲۱۶) ادا از برای رحلت آن

مرقد مطهر آن مرحوم از هنگام رحلتش پیوسته مورد احترام علما و دانشمندان و اهالی کرمانشاه بوده و شبهای جمعه مجمع علما و فضلا و اهل دین و دیانت می‌باشد که همه به قرائت قرآن و ذکر مصیبت خاندان رسالت مشغول می‌باشند.

به یقین مردم کشور ما و مخصوصاً مردم غیرتمند کرمانشاه خدمات ارزنده و صادقانه این رادمرد بزرگ تاریخ و خاندان وی را هرگز از یاد نخواهند برد.

تألیفات آقا محمد علی بهبهانی

آن مرحوم در رشته‌های گوناگون تألیفات و آثار گرانبهایی از خود به یادگار گذاشته است که هر کدام از تذکره‌نویسان به تعدادی از کتابهای او اشاره کرده‌اند و آقای دوانی لیست کامل کتابهای وی را در کتاب ارزشمند «وحید بهبهانی» آورده است و ضمناً یادآور شده است که هنوز هم کتبی باشد که ما بر آن دست نیافته باشیم.

فهرست آنها به قرار ذیل است که متأسفانه به جز «مقام الفضل» مابقی هنوز به چاپ نرسیده است. شیخ ابو علی از هفت کتاب از تصنیفات آقا محمد علی نام می‌برد به این شرح:

۱- رساله منع المنع در حلیت جمع بین دو زن فاطمی، رد بر شیخ یوسف بحرانی است که قائل به حرمت بوده است.

۲- پنج رساله به فارسی در مناسک حج.

۳- مظهر المختار فی حکم النکاح مع الاعسار که نام کتاب تاریخ تألیف آن است. در این کتاب آقا محمد علی قائل شده بر این که چنانچه شوهر از دادن نفقه به زن خود امتناع ورزد، زن می‌تواند با مراجعه به حاکم شرع نکاح خود را فسخ کند، هرچند به واسطه فقر شوهر باشد ظاهراً دلیل ایشان قاعده لاضرر است و او در این فتوا تقریباً منحصر به فرد بوده است.

۴- مقام الفضل - در این کتاب از هر موضوعی سخن به میان آورده و بسیاری از مسائل مشکله شرعی را در آن توضیح داده است.

۵- فتاح المجامع شرح مفاتیح الشرایع فیض کاشانی ناتمام.

۶- رساله‌ای در امامت به نام «سنة الهدایة لهداية السنة» به فارسی که نام آن تاریخ تألیف است.

۷- فذالک، حاشیه‌ای بر مدارک و مسالک.

زنوزی در «ریاض الجنة» می‌نویسد: آقا محمد علی فهرست تألیفات خودش را بر حسب تقاضای من تا سال ۱۲۱۲ هـ بدین تفصیل (غیر از آنچه از منتهی المقال نام بردیم) برای درج در این کتاب فرستاده و نوشته است:

##PAGE=44##

۸- خوان الاخوان اخو الکشکول و المخلات و ریاض الجنان، تا به حال چهار مجلد آن به اتمام رسیده است. به سبک کشکول شیخ بهائی است. ۹- قطع القال و القیل فی انفعال ماء القلیل که نخستین تألیف من است. ۱۰- ملتقط الدر فی تحقیق الکمر. ۱۱- معترک الاقوال فی احوال الرجال، مسوده است. شیخ ابو علی در منتهی المقال می‌نویسد: «چند جزء از

تألیفات وی در علم رجال به دست آورده‌ام و در مواردی از منتهی المقال از آنان نام می‌برم» ۱۲- رساله‌ای علیه علویه در پاسخ مسائل جبلیه ۱۳- کتاب فهرست مقام الفضل ۱۴- رغائد و غرائد ۱۵- رساله تفضیلیه ۱۶- رساله المؤنیه در عدم وجوب مؤنات در زکاة زارعات ۱۷- رساله خیاریه ۱۸- کتاب خیراتیه در رد صوفیه به فارسی است که به تفصیل درباره آن سخن خواهیم گفت ۱۹- تاریخ حرمین شریفین (مکه و مدینه) در دو جلد به نام ام‌القری ۲۰- زاد الحاج فی قطع الفجاج در مناسک حج ۲۱- انتخاب الزاد در مناسک ۲۲- رساله مکیه در بعضی از فوائد ۲۳- العوائد در اصول عقاید ۲۴- شرح شرح تجرید مبحث امامت ۲۵- رساله الصلوة السلطانیه ۲۶- المقالة السلطانیه ۲۷- مقالات و حواشی متفرقه ۲۸- رساله طاغوتیه ۲۹- رساله دلیل الناسک در مهمات حج ۳۰- سد الریق در حج تمتع ۳۱- حاشیه بر کتاب طهارت مدارک ۳۲- شرح دیباچه مفاتیح- که دوازده هزار بیت است ۳۳- حاشیه بر نقد الرجال ۳۴- اللثالی المنشوره در جواب مسائل متفرقه ۳۵- قطع المقال فی رد اهل الضلال در رد صوفیه به عربی ۳۶- رساله‌ای در احکام ارث ۳۷- رساله‌ای در رد ادیان باطله (یهود و نصاری) ۳۸- رساله سهو الاقلام ۳۹- رساله تجدد الامسار بعد الیسار ۴۵

می‌توان گفت: کمتر عالمی مانند آقا محمد علی موفق بوده است و با آن همه مسافرتها و گرفتاریهای مرجعیت و اجرای حدود و رسیدگی به کارهای عمومی و درس و بحث و مبارزه با فرقه‌های [مقابل]، کتابهای ارزشمندی از خود به یادگار گذاشته که در مجموع از جامعیت و علوم سرشار وی حکایت می‌کند.

آن مرحوم از لحاظ قدرت قلم و بیان بسیار توانا و ورزیده و در عربی و فارسی و نظم و نثر استاد بوده است، چنانکه از مطالعه آثارش این موضوع به خوبی آشکار است، آقا محمد علی همان‌طور که مجتهدی بزرگ بود شاعری توانا و زیردست نیز بوده است، اشعار طنزآمیز و جدی او که قسمتی از آنها در کتاب «خیراتیه» موجود است نشان‌دهنده ذوق سرشار و فکر و قاد و قریحه سیال شاعری او است. از آن مرحوم دیوان شعری نمانده است زیرا وی به شعر و شاعری در برابر سایر علوم چندان اهمیت نمی‌داد و بجز در مورد ضرورت لب به شعر و شاعری نمی‌گشود. ۴۷۴۶

^{۴۲} (۱) - مرآت الاحوال جهان‌نما، ص ۱۶۰ / روضات الجنات، ج ۷، ص ۱۵۲.

^{۴۳} (۲) - وحید بمبھانی، ص ۲۸۸-۲۸۷.

^{۴۴} (۳ و ۴) - مرآت الاحوال، ص ۱۶۰.

^{۴۵} (۳ و ۴) - مرآت الاحوال، ص ۱۶۰.

^{۴۶} (۵) - مقدمه خیراتیه در ابطال طریقه صوفیه، ج ۱، صص ۲۴-۵.

^{۴۷} (۶) آثار آنحضرت و محل نگهداری آنها در دائرة المعارف اینگونه ذکر شده است:

آثار: از کتابهای آقا محمد علی فقط مقام الفضل در ۱۲۷۵ و ۱۳۱۶ ق/ ۱۸۵۹ و ۱۸۹۸ م به چاپ رسیده است. دیگر آثار او اینهاست: ۱- الاجاره، در فقه به عربی، در کتابخانه آیت الله مرعشی و آستان قدس؛ ۲- اصول دین، مسجد اعظم (قم)، ۳- فضیلت حسنین، فارسی، شورای ملی (سابق)؛ ۴- تحفة الابرار، فارسی، آستان قدس؛ ۵- حاشیه الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، در فقه به عربی، در آستان قدس؛ ۶- خیراتیه، فارسی، در رد صوفیه، کتابخانه مرکزی، دانشکده الهیات تهران و موزه بریتانیا؛ ۷- رد شبهات کفار، فارسی، در کلام، مسجد اعظم (قم)؛ ۸- رساله عرفانی مذهبی، فارسی، سپهسالار (سابق)؛ ۹- رغاید و غراید، فارسی، در کلام، کتابخانه مرکزی؛ ۱۰- سفینه النجاة، فارسی، در شرح حال حضرت زهرا (ع)، کتابخانه ملی و شورای ملی (سابق)؛ ۱۱- سَنَةُ الهدایة لهدایة السَنَةِ، فارسی، آستان قدس، کتابخانه مرکزی، آیت الله مرعشی، مسجد اعظم (قم)، ملی و ملک؛ ۱۲- صیغ النکاح، در فقه به عربی، شورای ملی (سابق)؛ ۱۳- فائده فی مصرف رد المظالم، فارسی، سپهسالار (سابق)؛ ۱۴- فتاح المجموع، شرحی است بر مفاتیح الشرائع فیض کاشانی، ناتمام، که به نام مفتاح المجموع بمفاتیح الشرائع نیز یاد شده است، در فقه به عربی، شورای ملی (سابق)؛ ۱۵- الفذالک فی شرح المدارک و المسالک، در فقه، آیت الله مرعشی و گوهرشاد (مشهد)؛ ۱۶- قطع القال و القیل فی انفعال الماء القلیل، یا قطع المقال فی نصرة القول بالانفعال، در فقه به عربی، دانشکده الهیات تهران، شورای ملی (سابق)، کتابخانه مرکزی؛ ۱۷- لامعة الانوار، فارسی، کتابخانه محمد علی خوانساری در نجف؛ ۱۸- مخزن الاسرار الفقہیة فی شرح معضلات اللمعة الدمشقیة، در فقه، به عربی، کتابخانه مرکزی؛ ۱۹- مساحة البلاد، فارسی، دانشکده حقوق و آستان قدس؛ ۲۰- مشکاة العارفین، فارسی، نسخه‌ای از آن در نزد اصغر مهدوی، تهران؛ ۲۱- مظهر المختار فی حکم النکاح مع الاعسار، در فقه به عربی، دانشکده الهیات تهران؛ ۲۲- منع المنع، در حلیت جمع بین دو زن فاطمی (دو سیده)، ردی است بر شیخ یوسف بحرانی (بحرینی) که قائل به حرمت بوده است، دانشکده الهیات (معلم حبیب‌آبادی)، ۲/ ۵۶۳، ۵۶۴؛ دوانی، ۲۸۷).

آیه الله آقا محمد جعفر کرمانشاهی (آل آقا)

آقا محمد جعفر بن آقا محمد علی بن وحید بهیانی، که آقا احمد کرمانشاهی (آل آقا) برادر کوچکتر ایشان صاحب کتاب (مرآت الاحوال) درباره اش می نویسد:

«عالی جناب مقدس القاب زبدة الاطیاب و نقاوة الانجاب، فاضل ربانی و عالم صمدانی، مقدس بی نظیر و زاهد روشن ضمیر، عمدة المحققین و قدوة المجتهدین، العالم المظفر آقا محمد جعفر دام ظلّه العالی فرزند اکبر و ارشد والد بزرگوار به حدّت فهم، و استقامت سلیقه، و جامعیت فنون علمیه، خصوص اصول و فقه؛ موصوف، و به زهد و تقوی بین الأعلام و الأفاضل معروف، طبع شریفش نقاد رایج و کاسد، و محک ناقص و کامل است، و دست دریا نوالش اشک ابر بهار، و به حال این فقیر و دیگر برادران نهایت رئوف و نیکوکار، و در تواضع و فروتنی یگانه روزگار، و پیوسته ملجأ فقرا و ضعفاست.

ولادت با سعادتش در بلده طیبه کربلای معلی در لیلة الاربعاء ۲۶ جمادی الاخری سنه یک هزار و یکصد و هفتاد و هشت (۱۱۷۸) اتفاق افتاد، و با والد مرحوم به ایران رفته و مدتی در دار المؤمنین قم در خدمت فاضل کامل عامل، مرجع اکابر و افاضل، مجتهد الزمان جناب میرزا ابو القاسم

جابلای^{۴۸} مصنف کتاب قوانین الاصول، و غنائیم الایام، و مرشد العلوم و غیرها تلمذ نمود، و از برکت تربیت انفاس آن وحید دوران از فضلاء عالی شأن شد، و بعد از آن چندی در خدمت والد بزرگوار به استفاده مشغول گردید، و برخی از ایام را در مجلس شریف بندگان مستغنی الالقاب

فرید الدهر وحید العصر جناب میر سید علی طباطبائی^{۴۹} از مستمعین افادات شرعیّه می بود^{۵۰}.

(تصویر شماره ۲) آیه الله آقا محمد جعفر کرمانشاهی

در جای دیگر می نویسد:

مامت جمعه و جماعت، و اجرای حدود و امورات شرعیّه به خدمتش مرجوع، و به آئین شایسته به انجام می رسانند، و بسیار گوشه گیر و عزلت طلبند، و در مجلس تا به حد ضرورت نرسد لب به سخن نمی گشایند، ادنی تلمیذش اگر به او دعوی همسری بلکه برتری کند اصلاً ملول و رنجور نمی شوند، و بسیار است که در عالی مجلسش شاگردان لب به افاده

^{۴۸} (۱) - میرزای قمی.

^{۴۹} (۲) - صاحب ریاض.

^{۵۰} (۳) - مرآة الاحوال، ص ۱۶۲.

گشوده‌اند و آن بزرگوار از جمله مستمعان است، غضب را گاهی در مزاجش راهی نیست، هرکه به او بدی کند به جز احسان چیزی نمی‌یابد.

بعد از والد بزرگوار هرکه اندک سواد عربی داشت علم علم را برافراخت، و کوس لمن الملك را نواخت، به جز آن یگانه آفاق، با آنکه مجتهد علی الاطلاق بود به احدی - به طوری که شیوه علماء دنیادار است - سوء رفتار ننمود، بلکه می‌دیدم که در دل بسیار خوش بود که شاید این حرکات معین انزوا و گوشه‌گیری او شود، و لکن (ابی الله الا ان یتیم نوره).^{۵۱}

دیگر ترجمه‌نویسان مانند؛ محدث قمی در فوائد الرضویه، آقا بزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشیعة، صاحب روضات الجنات، اعیان الشیعة، مکارم الآثار، نجوم السماء، فیض القدسی (محدث نوری) و همگی بر دو نکته در مورد ایشان، اتفاق و اجماع دارند: یکی حسن معاشرت و اخلاق پسندیده او، دیگری احاطه او به علوم متداوله عصر به خصوص فقهات و دقت نظرش در مسائل فقهی و این معنی از کثرت تألیفات ایشان نیز به خوبی استفاده می‌شود، و با اینکه کتابخانه این عالم فرزانه در سال (۱۳۵۲ هجری قمری) قریب یکصد سال بعد از وفاتش طعمه حریق شده و یقیناً آثاری از ایشان نیز به شهادت کتابهای نیم‌سوخته موجود ناپود گردیده، و لکن باز هم متجاوز از ۳۰ اثر از ایشان برجای مانده که فهرست آن براساس زحمات و تلاشهای محققین ارجمند و پرکار مؤسسه [بنیاد وحید بهبهانی] به شرح ذیل می‌باشد.

تألیفات آقا محمد جعفر:

- ۱- الانسان الكامل فی الاخلاق. ۲- انیس الطلاب (۳ جلد). ۳- انیس العوام (۳ جلد). ۴- تحفة الابرار «تاریخ» (۳ جلد). ۵- التحفة الجعفریة «کلام». ۶- التذکرة فی شرح التبصرة «فقه» (۴ جلد).
- ۷- التکملة فی شرح التبصرة «فقه» (۱۰ جلد). ۸- الجواهر البهیة فی ترجمة الاحکام الالهیة. ۹- حاشیه بر وافیه الاصول. ۱۰- حاشیه شرح باب حادی عشر. ۱۱- حاشیه علی شرح العمیدی «التهذیب».
- ۱۲- حاشیه مراح الارواح. ۱۳- حاشیه معالم الاصول. ۱۴- الرسائل الکثیرة. ۱۵- ردّ طريقة النجاة «در ردّ بر صوفیان».
- ۱۶- رساله ارث. ۱۷- رساله سؤال و جواب متفرقه «فارسی». ۱۸- رساله فی الحج. ۱۹- رساله

##PAGE=48##

- فی الکلام. ۲۰- رساله فی مکاسب. ۲۱- شرح مختصر النافع. ۲۲- العطایا و المروان. ۲۳- الفقه الاستدلالی الکبیر.
- ۲۴- مجموعه خطب الجمعة و الأعیاد من انشائه. ۲۵- المصاییح المنیعة «المنیفة» فی شرح مفاتیح الشرایع (۵ جلد).
- ۲۶- مفتاح الجامع. ۲۷- مقتل «عربی». ۲۸- منتخب الاصول (۲ جلد).
- ۲۹- منهج السداد فی شرح ارشاد العباد. ۳۰- نهج الرشاد فی ارشاد العباد «اصول دین». ۳۱- الوجیزة فی الاصول الائمة.^{۵۲}

^{۵۱} (۱) - مرآة الاحوال، ص ۱۶۳.

^{۵۲} (۱) - دائرة المعارف تشیع آثار آقا محمد جعفر و محل نگهداری آنها به این شرح ذکر کرده است:

سرانجام این عالم بزرگوار و فقیه گرانمایه که تمامی سرمایه عمر خود را در مسیر خدمت به مکتب اهل بیت علیهم السلام و دفاع و صیانت از حریم تشیع، و گره‌گشایی از امور مسلمین به کار گرفت، و الحق جانشینی لایق و توانمند برای آن پدر بود، پس از هشتاد و یکسال عمر پربار در سال (۱۲۵۹) در کرمانشاه وفات نمود و در آرامگاه خانوادگی آل آقا در مسیر عبور زائرین عتبات عالیات- که اینک در دل شهر واقع شده- مدفون گردید تغمده الله بغفرانه و اسکنه الله بحبوحات جنانه.^{۵۳}

آیه الله آقا محمود کرمانشاهی (آل آقا)

آقا محمود ابن آقا محمد علی بن وحید بهبهانی چهارمین پسر از آقا محمد علی است که به سال یکهزار و دویست قمری (۱۲۰۰ هـ) در کرمانشاه متولد شد برادر بزرگترش آقا احمد درباره‌اش چنین می‌نویسد:

«عالم فاضل و متقی کامل، صاحب اخلاق پسندیده، فاضلی عالی شأن و عالمی است با نام و نشان به فضایل و محامد صوری و معنوی موصوف، و به علم و حیا و تقوی معروف، مراتب شرعیه را در بدو امر در خدمت والد بزرگوار تحصیل نمود وی را با او شفقتی تام و رأفتی تمام بود، و برخی در خدمت برادر نامدار و این فقیر به استفاده مشغول شد. و چند روزی از مستمعان افادات

##PAGE=49##

جناب آقا سید علی سابق الالقاب دام ظلّه^{۵۴} و مدتی از گل‌چینان حدائق افادات فاضل تحریر عالم بی‌نظیر زبده المجتهدین و عمدة المحققین استادی جناب شیخ محمد جعفر نجفی دام ظلّه العالی^{۵۵} بود، و بحمد الله عارج معارج علیا و جامع مراتب فضل و زهد و تقوی است، و در این اوان به سماع رسید که به جهت تحصیل مراتب عقلیه به دار السلطنه اصفهان رفته است^{۵۶}».

اگر پایان کار تألیف «مرآة الاحوال» را آن‌گونه که خود ذکر نموده سال (۱۲۲۵ هـ) بدانیم این همه مرتبه فضل و دانش را «مرحوم آقا محمود» در سنین بیست تا بیست و پنج سالگی حایز بوده، و پس (تصویر شماره ۳) آیه الله آقا محمود کرمانشاهی

آثار: برخی از آثار خطی آقا محمد جعفر بدین قرار است: ۱- انیس الطلاب، در ۳ جلد، در کتابخانه مسجد اعظم (قم)؛ ۲- انیس العوام، فارسی، در اصول و فروع دین، در ۴۰ فصل، دانشکده الهیات تهران؛ ۳- تحفة الابرار، فارسی، تاریخ و حکایات، در ۳ جلد، آستان قدس، کتابخانه مرکزی و کتابخانه امیر المؤمنین (نجف)؛ ۴- الجواهر البهیة فی ترجمة الاحکام الالهیة، فارسی، در فقه، دانشکده الهیات تهران؛ ۵- حاشیة معالم الدین، عربی، در ۲ جلد، ۲ نسخه در دانشکده الهیات تهران؛ ۶- حاشیة وافیة الاصول، دانشکده الهیات تهران؛ ۷- رد طريقة النجاة، فارسی، در رد صوفیان، شورای ملی (سابق) و کتابخانه مرکزی؛ ۸- المصابیح، در فقه به عربی، شرح المصابیح فیض کاشانی، در ۵ جلد، آیت الله مرعشی و دانشکده حقوق؛ ۹- منهج السداد فی ارشاد العباد، فارسی، در اصول دین و فقه، جلد اول و پنجم آن موجود است، دانشکده الهیات تهران و کتابخانه مرکزی.

^{۵۳} (۲) - مقدمه فضائح الصوفیه، صص ۱۲-۷.

^{۵۴} (۱) - صاحب ریاض.

^{۵۵} (۲) - کاشف الغطاء.

^{۵۶} (۳) - مرآة الاحوال، ص ۱۶۵.

از آن نیز بنا به نقل مصفی المقال^{۵۷} و تتمه امل الآمل^{۵۸} مدتی را در دار العلم اصفهان به تحصیل معقول اشتغال می‌ورزید.

محدث نوری، به هنگام ذکر نام وی به عنوان (العالم الفقیه العارف) از او یاد کرده است^{۵۹} نجوم السماء و المآثر و الآثار می‌نویسند:

«آقا محمود بن آقا محمد علی بن الوحید آقا محمد باقر - رضوان الله علیهم اجمعین - سلسله ایشان در میان علمای ایران به جلالت عظمی ممتاز است، از عهد مجلسی اول - که نیای اعلامی امی ایشان می‌باشد - تا زمان وحید بهبهانی که اباجد بزرگوار این خاندان عظیم الشأن است. و از آن وقت تاکنون همی فقاها و فضل تام و ریاست و قبول عام در میان ایشان مستمر و مستدام بوده و هست.

اذا مرقم منّا ذری حدنا بر تخمط فینا ناب آخر مرقم^{۶۰}

و در کتاب «الموائد» تألیف حاج میرزا محمد شهرستانی چنین آمده که: آقا محمود کرمانشاهی مقیم تهران خلف آقا محمد علی - صاحب «مقام الفضل» - چند رساله از تألیف او دیدم: «تنبيه الغافلين» و معجون الهی، و شرح دعای سمات^{۶۱}.

و دیگر ترجمه‌نویسان هریک بگونه‌ای مراتب فضل و فقاها و تقوای ایشان را ستوده‌اند. و بهترین معرف تبحر و جلالت قدر مؤلف آثار فقهی و اصولی و رجالی و ... است که بنابر تحقیق محققین مؤسسه [علامه مجدد وحید بهبهانی] لیست جمع‌آوری شده آن به شرح ذیل می‌باشد.

تألیفات آقا محمود:

۱- اصول دین. ۲- انمودج الرجال (کلام). ۳- تحفة السلاطین - تحفة الملوك «تاریخ ائمه علیهم السلام». ۴- التحفة الناصریة. ۵- تنبيه الغافلين و ایقاظ الراقدین (کتاب حاضر). ۶- الجنة الواقیة (اخلاق). ۷- جوابات ثلاث مسائل. ۸- حواشی نقد الرجال. ۹- دیوان غزلیات [فارسی].

۱۰- دیوان بهبهانی - دیوان آقا محمود کرمانشاهی. ۱۱- رجال آقا محمود کرمانشاهی. ۱۲- رساله در اصول فقه. ۱۳- رساله در خمس و زکاة و حج. ۱۴- رساله در صلاة. ۱۵- رساله فی الغناء.

^{۵۷} (۱) - مصفی المقال، ص ۴۵۱.

^{۵۸} (۲) - اعیان الشیعه، ص ۱۱۰ / ۱۰ به نقل از تتمه امل الآمل.

^{۵۹} (۳) - فیض القدسی، ضمیمه ج ۱۰۲، بخار؛ ص ۱۲۸.

^{۶۰} (۴) - نجوم السماء، ج ۱، ص ۱۰۹.

^{۶۱} (۵) - پاورقی نجوم السماء، ج ۱، ص ۱۱۰.

۱۶- ساقی نامه. ۱۷- سبیل الرشاد. ۱۸- سبیل النجاة. ۱۹- شرح حدیث بساط. ۲۰- شرح دعای سمات.

۲۱- شرح مفاتیح الشرایع (فقه). ۲۲- عکوس الشمس (فقه). ۲۳- الفصول الأربعة. ۲۴- الفقه الاستدلالي. ۲۵- كشف الحجب. ۲۶- منتخب الصواعق (تاریخ). ۲۷- مهمات الاحكام. ۲۸- مهیج الاشواق - معجون الهی. ۲۹- النخبة الوجيزة. ۳۰- هداية الطالبین و ارشاد الراغبین.^{۶۲}

##PAGE=51##

هجرت

وی پس از اتمام مدارج علمی خطّه نهاوند را برای انجام وظیفه هدایت و ارشاد برگزیده، و در آن شهر رحل اقامت می‌افکند، و اولاد و احفادی نیز از او در آن سامان به یادگار مانده است، که در میان ایشان چهره علمی نیز یافت می‌شود، لکن پس از مدتی نهاوند را به سوی قم ترک گفته، و از آنجا راهی تهران می‌شود، و از آنرو که جامع مرتبه فقاقت و شرافت در نسب است به خوبی مورد توجه عامه و حکومت وقت قرار گرفته به عنوان عالم اول تهران شناخته می‌شود، مدرسه و مسجد با عظمت «آقا محمود» واقع در اول بازارچه مروی از سمت پامنار یادگار آن دوران است.

تصوف

جالب‌ترین نکته‌ای که در زندگی مؤلف در تهران به چشم می‌خورد میل به مسلک تصوف است که دو تن از تذکره‌نویسان این طایفه بایشان نسبت داده‌اند، ابتدا عین عبارت هردو را نقل نموده معصوم علیشاه در جلد ۳ کتاب طرائق الحقائق می‌نویسد:

«در معاصرین مرحوم والد بیاید که: مرحوم آقا محمود خلف الصدق آقا محمد علی از اجله مخلصین سید معصوم علیشاه و نور علی شاه، و محققین این طایفه است، و به واسطه ظلم و بیدادی که از پدر خود دیدند خانواده آقا محمد علی مروج طریقت مرتضوی شدند^{۶۳}».

در مجمع الفصحاء می‌نویسد:

^{۶۲} (۶) - دائرة المعارف تشیع آثار آقا محمود و محل نگهداری آنرا به شرح زیر آورده است: - آثار: برخی از تألیفات آقا محمود که همه خطی است، اینهاست: ۱. ارشاد السالک، در حج، در کتابخانه سپهسالار (سابق)؛ ۲. اصول الفقه، در اصول، به عربی، آیت الله مرعشی و سپهسالار (سابق)؛ ۳. اصول دین، فارسی، در کلام، سپهسالار (سابق)؛ ۴. انموذج الرجال، عربی، سپهسالار (سابق)؛ ۵. تحفة السلاطین، مرکزی دانشگاه، مسجد اعظم (قم) و مدرسه حجتیه (قم)؛ ۶. تحفة الملوك، در تاریخ انبیاء، سپهسالار (سابق)؛ ۷. تحفة الناصریه، در اخلاق، سپهسالار (سابق)؛ ۸. تنبیه الغافلین و ایفاظ الراقدین، فارسی، در عرفان، آیت الله مرعشی، مسجد اعظم (قم) و کرمانشاه؛ ۹. الجنة الواقية. در اصول، عربی آیت الله مرعشی و سپهسالار (سابق)؛ ۱۰. دیوان اشعار، سپهسالار (سابق)؛ ۱۱. سبیل الرشاد، فارسی، دانشکده حقوق؛ ۱۲. سبیل النجاة، فارسی، دانشکده حقوق، همدان نزد میرزا عبد الرزاق واعظ، نجف نزد سید محمد یزدی، ملک؛ ۱۳. شرح عکوس الشمس، در فقه به عربی، آیت الله مرعشی؛ ۱۴. عکوس الشمس، فقه استدلالی در چند جلد، ناقص، آیت الله مرعشی، سپهسالار (سابق)؛ ۱۵. مفتاح النجاة فی شرح دعاء السمات، فارسی، نوربخش، سپهسالار (سابق)، آستان قدس، شورای ملی (سابق) و میرزا علی شهرستانی در کربلا؛ ۱۶. مهیج الاشواق یا معجون الهی، عربی و فارسی در عرفان، آیت الله مرعشی، ملک، کتابخانه مرکزی شورای ملی (سابق)، مدرسه آخوند همدان، ملی و سپهسالار (سابق)؛ ۱۷. النخبة الوجيزة، در فقه به عربی منظوم سپهسالار (سابق)، آیت الله مرعشی؛ ۱۸. هداية الطالبین و ارشاد الراغبین، در کلام، فارسی، کتابخانه مرکزی، مسجد اعظم (قم)، و آیت الله مرعشی.

^{۶۳} (۱) - طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۱۸۲.

«هو قدوة المحققين و فخر المجتهدين، كهف الحاج الحرمين، عالم الرباني آقا محمود بن آقا محمد علی الكرمانشهی البهبهانی - نور الله مرقدہ - از مبادی سنّ شباب به تحصیل علوم مشغول، و به خلاف مشرب پدر فاضل به صحبت اهل حال مایل گشته، گویند: در ایام صباوت به میرزا محمد تقی کرمانی که به حکم حضرت خاقانی مأمور به توقف در خانه والدش بوده مؤانستی حاصل گردیده، و وقتی مریض گشته میرزای مزبور که در حکمت الهی و طبیعی مشهور بوده وی را معالجه نموده، لهذا رابطه حاصل گشته از آن پس رغبت به صحبت ارباب صفا کرده، به طریق ترک و تجرید و ذوق و توحید حضرتش روزگاری در دار الخلافه تهران سکونت داشته، و در مسجد حکیم امامت و وعظ می فرموده، قطب السلاطین سلطان محمد شاه قاجار؛ با جنابش التفاتی کامل و توجهی محکم مرعی می فرمودند»^{۶۴}.

[سپس دبیر دانشمند مؤسسه علامه مجدد وحید بهبهانی به رد تهمت تصوف آقا محمود (ق) پرداخته و آنرا نسبت واهی و خالی از حقیقت دانسته و پس از خیراتیة آقا محمد علی (ق) و فضایح الصوفیه آقا محمد جعفر (ق)، تنبیه الغافلین و ایقاظ الراقدین را محکم ترین سند، رد بر این نظریه ارائه نموده است، از آنجا که احوال این بزرگواران در منابع و مآخذ هردو طایفه علماء و متصوفین آمده، در اینجا به شهرت غالب و اولی در زمره علماء اعلام آورده شده است.]^{۶۵}

^{۶۴} (۱) - مجمع الفصحاء، ج ۵، ص ۹۴۶ - مقدمه تنبیه الغافلین ...، ص ۲۰ - ۱۳.

^{۶۵} (۲) - چنانکه می دانیم آقا محمود کرمانشاهی (آل آقا) علاوه بر علم و عرفان در زمره شعرا محسوبند و تذکره نویسان عصر قاجاریه از وی نام برده اند، صاحب حدیقه دیوان بیگی احوال و اشعار ایشان را چنین آورده است:

آقا محمود کرمانشاهی: از جمله علمای عامل و فضلالی کامل و به عقیده برخی از عرفای واصل است، جناب ایشان ولد مرحوم آقا محمد علی خلف مرحمت پناه، استاد الکلی و رئیس المتأخرین، مولانا محمد باقر بهبهانی الاصل ساکن عتبات عالیات است که آقا محمد علی را حاجی علیخان زنگنه استدعا نموده، آقا محمد باقر اذن توقف کرمانشاهان دادند.

اما جناب آقا محمود، آنچه محقق است در آن وقت که جناب مظفر علی شاه کرمانی حسب الامر خاقان فتحعلی شاه متوقف کرمانشاهان و ضمناً سپرده آقا محمد علی بودند، چون او را قابل دیدند، نظری فرمودند ایشان هم بعد از تحصیل علم ظاهر به تصفیه باطن و صفای قلب و ریاضات کوشیده به مقامات عالییه رسیدند و از همین جهت درویشی و فقیر دوستی، صبیبه خود را در طهران به مرحوم حاجی عبد الوهاب خلف حاجی محمد حسین «حسینی» تخلص ...

دادند؛ خلاصه، جناب آقا محمود، حسب الخواش فتحعلی شاه توطن را در طهران قرار داد، با عالم فقر و ریاضت و درویش صورت، ظاهر شرع مطاع را هم به اقصی مراتب مراعات می نمودند و در مسجد حکیم که الحال به مسجد (آقا محمود) مشهور است؛ امامت و وعظ می نمودند. بعد از خاقان میرور مرحوم محمد شاه - نظر به ارادت خاص که به اهل حقیقت داشت - بر احترام و اکرام ایشان افزوده هم چنان محترم بودند، در مرض موت هم - محمد شاه میرور ایشان را خواسته خواش مباشرت تغسیل و تکفین و نماز خود را از ایشان نمودند، بعد از رحلت آن پادشاه نیکو نهاد به قلیل زمانی رحلت کرده اند رحمة الله علیهما. بالجمله بعد از رحلت ایشان، جناب آقا محمد ولدشان - قائم مقام و در همان مسجد مشغول امامت اند و نهایت احترام دارند، ایشان هم از حالت فقری پدر بزرگوار بی بهره نیستند، امیر الشعراء در مجمع الفصحاء قدری از اشعار ایشان مرقوم و بعضی از آنجمله در این اوراق مسطور می گردد

ساقی چه نشینی که چمن رشک بهشت است

هم لاله و هم لاله رخی بر لب کشت است

خورشید بتابیده و گیتی شده روشن

یا پرتوی از چهره آن حور سرشت است

زاهد اگرش عشق بتان نیست عجب نیست

اعمی چه شناسد که چه زیبا و چه زشت است

حاجی که ندارد به دل از عشق نصیبی

صدربه به سوی کعبه شود ز اهل کنشت است

(محمود) مده دامن وصلش ز کف امروز

فرداست که این کالبدت یکدو سه خشت است

حدیقة الشعراء، ج ۳، ص ۱۶۰۷ - مجمع الفصحاء، ج ۵، ص ۹۴۷ / المأثر و الآثار ص ۱۵۲ / طرائق الحقایق، ج ۳، ص ۴۷۱ - شرح حالش آمده است.

آیه الله آقا احمد کرمانشاهی

آقا احمد از اجله علما و معاریف خاندان آل آقا، در کرمانشاه متولد و در کرمانشاه متوفی شد و در کرمانشاه مدفون است، و نیز فرزندانیش تا عصر حاضر از برگزیدگان و سردمداران مسائل سیاسی، اجتماعی و مذهبی کرمانشاهان بودند. استاد دانشمند حاج شیخ علی دوانی براساس اثر ارزشمند مرآت الاحوال در کتاب ارجمند وحید بهبهانی درباره وی می‌نویسد: فرزند دوم آقا محمد علی است. شرح حال خود را بتفصیل در کتاب مرآت الاحوال جهان‌نما نگاشته است. بیگمان مرحوم آقا احمد از نوابغ روزگار بوده و از لحاظی می‌توان او را شبیه پدرش آقا محمد علی دانست. وی در مرآت الاحوال می‌نویسد:

«ولادت این فقیر در محرم ۱۱۹۱ در کرمانشاه از دختر جنت مکان الله‌وردی بیک بیگدلی که ذکر ایشان در ضمن شرح احوال والد ماجد طاب ثراه گذاشت؛ اتفاق افتاد. در ایام رضاع حسب الطلب والد ماجد باتفاق والده و متعلقان بدار المؤمنین قم رفته چون تقریباً سه سال گذشت، معاودت شد.

در شش سالگی شروع بدرس کردم و قرآن شریف و کتب فارسیه را در دو سال تقریباً خوانده بتحصیل نحو و صرف و منطق و معانی و کلام و ریاضی و نحو آنها از مقدمات پرداختم، و جامع عباسی و الفیه شیخ شهید و مختصر نافع و شرایع و مفاتیح و خلاصه الحساب را باتفاق اخوی آقا اسمعیل و جمعی از طلاب در خدمت والد ماجد استفاده نمودم، و بسیاری از شرح عمیدی بر تهذیب علامه را در خدمت آن بزرگوار و برادر کهنتر و الاعتبار (آقا محمد جعفر) خواندم.

تقریباً پانزده سال یا کمتر از عمرم گذشته بود که شروع بتألیف نمودم و حاشیه بر صمدیه شیخ بهاء الدین و غیره از رسائل را نوشتم. چون هفده ساله شدم والده ماجده برحمت ایزدی پیوست.

نعش او را حسب الوصیه والد ماجد بنجف اشرف فرستادند و در ایوان طلا مدفون کردند.

بعد از آن مرحومه نهایت بد گذشت و اگر مرحمت و الطاف خاطر اخوی برادر نامدار (آقا محمد جعفر) شامل احوال این ذره بیمقدار نبود، ظاهر اینستکه از غم و الم سرای فانی را وداع مینمودم.

بهرحال تا سنه ۱۲۱۰ در خدمت والد بسر برده باستفاده علوم مشغول بودم. در سن بیست، شوق زیارت عتبات عالیات عرش درجات و دریافت فیض صحبت علمای آن حدود گریبانگیر خاطر شد، از خدمت والد بزرگوار طلب رخصت نمودم تکلیف بتأهل در آن بلده فرمود، چون طبیعت از (تصویر شماره ۴) آیه الله آقا احمد کرمانشاهی

سکونت در آن، همیشه وحشت داشت و دارد قبول نکردم.

در سال ۱۲۱۰ در خدمت ملا صالح مازندرانی و میرزا زین العابدین طیب با جمعی از آن بلده هجرت نمودیم. در اثنای راه خیلی بد گذشت. بعد از ده روز طی منازل و مراحل وارد بغداد شدیم و یکروز توقف کرده روانه نجف اشرف شدیم در اثنای راه در سه فرسخی نجف اشرف مرقد ذی الکفل نبی را زیارت کردیم و استادی سید المجتهدین طباطبائی نجفی (علامه بحر العلوم) میفرمود که قبر یهود ابن یعقوب است!

در آن بلده طیبیه (نجف اشرف) در خانه عالیشان مرحوم حاجی محمد رحیم‌بیک سابق الذکر (پدر صاحب فصول) شوهر خاله ماجده منزل کردیم و زیارت عتبه علیه که نهایت آمال بود رسیدیم.

در آن بلده طیبیه در دهم همان ماه (شعبان) در شب عید نوروز صبیبه مرضیه خاله محترمه را نکاح نمودم مجملاً از برکت آن اماکن مقدسه دل‌مردگی که داشتم برطرف شد، و مجدداً شوقی مفرط بمباحثه و مطالعه بهمرسید.

کتاب معالم الاصول را بنهایت استدلال در خدمت عالیجناب مقدس القاب فاضل بی‌عدیل و عابد جلیل آخوند ملا محمد اسمعیل یزدی که ارشد تلامذه سید - المجتهدین استادی مرحوم سید مهدی طباطبائی (بحر العلوم) بود؛ شروع کردم و همان مقام را در خدمت فاضل عالم کامل شیخ مهدی شهیر بکاتب میدید و افادات ایشان بآنچه بخاطر میرسید، حاشیه بر آن کتاب می‌نوشتیم.

تا مدت شش ماه تا بحث اوامر و نواهی خواندم و بعد از آن کتاب وافییه ملا عبد الله تونی را در خدمت بی‌عدیل سابق الذکر خواندم. و در آن وقت شروع کردم بنوشتن کتاب «الدرر الغریبه» و چهار مجلد نوشته شد و الی الان بیبایض نیامده.

و در آن اثنا بخدمت سید سابق الذکر «بحر العلوم» نیز حاضر می‌شدم و بشراکت خلف ارجمند ایشان جناب آقا سید محمد رضا و جمعی دیگر از طلاب زبده الاصول شیخ بهائی و منظومه آنجناب را که رفته‌رفته تألیف می‌فرمود، استفاده می‌کردم و آن جناب را با این فقیر شفقت بحدی بود که قلم از اظهار آن بعجز معترف است. در ایام زیارات مخصوصه کربلای معلا باتفاق خود میبردند.

مجملاً در آن اوقات دل را عجب رأفتی و سینه را عجب انشراحیه بوده و اغلب اوقات تا صبح در مطالعه و نوشتن بودم و اصلاً از آن منزجر نمی‌شدم. اکثر لیالی جمعه را با طلاب در مسجد کوفه عبادت مشغول و بمسجد سهله و صعصعه و زید و مسجد حنانه زیارت قبر کمیل بن زیاد و میثم تمار و مسلم بن عقیل و هانی بن عروه میرفتم و هرگاه دل را افسردگی حاصل می‌شد زیارت اهل قبور و مقام صاحب و قبر هود و صالح که در وادی السلام واقعند مشرف می‌شدم فی الفور نشاطی و انبساطی حاصل می‌شد که قلم و زبان از بیان عاجز است.

سرگرم درس و بحث و تألیف بودم که از حضور والد خطی رسید مشتمل بر طلب من تفأل

بکلام الله کردم آیه شریفه آمد: **وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا** بوالد نوشتم و معذرت خواستم قبول فرموده اجازت توقف دادند.

چون مدت سه سال تقریباً با پیام مفارقت کشید بجهت دریافت فیض خدمتش بکرمانشاهان معاودت کردم یکماه توقف کردم مراجعت نمودم و در خدمت جناب مستطاب معلى القاب شيخ المجتهدين و زبدة المدققين و عمدة المحققين استادی جناب شيخ محمد جعفر نجفی «کاشف الغطا» باستفاده کتاب استبصار و شرح قواعد علامه که خود (کشف الغطاء) تألیف می فرمود مشغول شدم.

و از حضار مجلس بودند؛ عالیجناب آقا سید محمد رضا سابق الذکر (پسر بحر العلوم) و آقا محمد تقی خاله زاده من (آقا شيخ محمد تقی اصفهانی صاحب حاشیه) و میرزا رحیم خلف میرزا تقی قاضی تبریز و سید ابو القاسم معروف بسید میرزا خلف آقا سید حسین نهاوندی و شيخ موسى خلف شيخ و شيخ محمد علی و شيخ محمد بن شيخ صادق و آقا محمد علی خلف مرحوم آقا باقر هزارجریبی و آقا محمد بن آقا کمال و غیر ایشان که همه از فضلاء نامدار و علمای فضیلت شعارند.

در این اوان آوازه آمدن سپاه ضلالت دستگاه جماعت وهابی عجب شور و فتوری در دلهای مجاورین انداخت. مدت چهار ماه شبها بقلعه مبارکه میرفتیم و تا صبح بکشیک و محافظت مشغول می شدیم. استاد جناب شيخ با جماعت طلبه در سمت خود میبودند، و من با جماعت طلبه عجم در مقام زین العابدین کشیک میدادیم.

چون خوف شدید شد و زنان را طاقت تحمل آن نبود، صبیحه خاله (همسرش) با والدین و اخوین خود (آقا شيخ محمد تقی اصفهانی صاحب حاشیه و صاحب فصول) بکربلای معلا رفتند و من در نجف اشرف ماندم و بعد از رفع خوف معاودت کردند. فرزند محمد باقر در آن سانحه در کربلای معلا فوت شد.

در سنه ۱۲۱۵ برادر نامدار و والاتبار (آقا محمد جعفر) با عیال و متعلقان بعثات عالیات مشرف شدند و چند ماه در کربلای معلا توقف کردند. این فقیر را شوق دریافت فیض حضور والد ماجد گریبانگیر شد و در بلده کاظمین بایشان ملحق و باتفاق روانه بسمت مقصود شدیم.

بعد از یکی دو ماه از خدمتش استیذان معاودت نمودم. فرمودند تا پایان رجب توقف باید کرد.

مکرر می فرمود در ماه رجب سانحه عظیم باین شهر روی داده خواهد شد. در اوایل آن ماه مرض ذکام عارض ذات اقدسش شد و بالاخره مبتلا به اسهال گردید و برحمت ایزدی پیوست.

بعد از صدور این سانحه عظمی اراده معاودت بنجف اشرف کردم. برادر نامدار منع فرمود؛ حسب الحکم توقف کردم و بمطالعه و مباحثه رسمی مشغول و اصلاً خاطر مایل بتوقف نبود و بجهت تمشیت امور دختر خیر الحاج حاجی رحمت الله ساکن آنشهر را که والده نورچشمی محمد ابراهیم است نکاح کردم.

آقا احمد پس از بازگشت بکرمانشاه عازم سیاحت هندوستان می‌گردد و از راه همدان به قم و کاشان و یزد و طبس و تون (فردوس) و بشرویه و مشهد مقدس و تربت حیدریه و از آنجا دوباره بطبس مراجعت میکند. از طبس به یزد و از آنجا به بندر عباس و جزیره قشم می‌رود؛ در اغلب شهرهای نامبرده حکام و علما باستقبالش شتافته لوازم احترام بعمل می‌آورند ولی از مشهد تا بندر عباس بی‌نهایت بد می‌گذرد.

از بندر عباس بوسیله کشتی بمسقط و از آنجا به بمبئی و حیدرآباد دکن وارد می‌شود میرزا ابو القاسم شوشتری معروف به «میر عالم» مختار نظام حیدرآباد مقدم او را که نوه آقا وحید بهبهانی و فرزند برومند آقا محمد علی و خود عالمی مجتهد و نابغه بوده است، گرامی میدارد.

سپس در مدت سه سال در شهرهای لکنهو و فیض‌آباد و عظیم‌آباد و بنگاله و مرشدآباد بسیاحت می‌پردازد و هم در آنجا زنی اختیار می‌کند و از او صاحب فرزند می‌شود.

وی در شهرهای میان راه و بلاد هندوستان علما و فقهای بسیاری را ملاقات کرده و شرح حال بسیاری از آنها را در مرآت الاحوال نوشته است. آقا احمد در هندوستان منشأ آثار دینی بود و موقعیتی بسزا پیدا می‌کند، بیشتر کتابهای او در هندوستان تألیف شده و اغلب پرسشهایی بوده که از وی می‌نمودند.

از جمله در شهر عظیم‌آباد در مسجد نوبنیادی که معروف به مسجد سیفخان بوده و تا آنروز شیعیان در آن شهر جمعه و جماعت نداشته‌اند، برای نخستین بار با حضور طبقات مختلف شیعه نماز جمعه مفصلی می‌خواند، شعر او فضلا بیاد آن روز اشعاری گفته‌اند که چند شعر آن از مرآت الاحوال نقل می‌شود

آقا احمد آنکه نقد علم او پیش نقادان بود کامل عیار

آنکه دارد نور رأی انورش تابش خورشید در نصف النهار

وانکه از فیض هدایت‌های او می‌شوند اهل یمین اهل یسار

در عظیم‌آباد ناگه ز اتفاق شد ورود آن فقیه نامدار

در میان مسجدی کز سیف خان بر لب دریا همی‌دارد قرار

بهر ترویج نماز جمعه آن مقتدای شیعیان این دیار

آقا احمد آنکه ز رأی متین او شد شرع استوار در این دهر بی‌ثبات

ز انفاس روح پرور آن منبع علوم	بشکفت در حدیقه عالم گل نجات
و ز اجتهاد آن سرو سرخیل اتقیا	سرسبز گشته چمنستان کائنات
بهر نماز جمعه که دارد ثواب‌ها	شد مقتدای خلائق ز حسن دات
دل‌های مؤمنان همه زین مژده بر شکفت	برخاست زین ندای بشارت ز شش جهات

##PAGE=58##

در مسجدی که بر لب دریا ز سیف خان دارد بنای محکم آسوده از فوات

آقا احمد پس از پنج سال توقف در هندوستان در حدود ۱۲۲۴ بکرمانشاه مراجعت نمود تا آنکه در سنه ۱۲۳۵ در آنجا بجوار رحمت حق بال و پرگشود و روح پر فتوتش بخلد برین شتافت.

مرحوم آقا احمد از مرحوم شیخ جعفر کبیر، میرزای قمی، آقا سید علی صاحب ریاض، میرزا محمد مهدی شهرستانی، آقا سید محسن اعرجی، ملا حمزه قائنی و آقا سید مجاهد و دیگران بدریافت اجازه نائل آمده است.

در آن اجازات همه او را بفضل و نبوغ و تبحر در علوم ستوده‌اند. از جمله شیخ جعفر کبیر در اجازه خود می‌نویسد: «لما کان ولدی و فلذة کبدی، المؤید المسدد و ثمرة العین الاعلام و خلف المجتهدین الفایقین علی کل الانام، الکامل الاوحد، العالم المفرد مولانا و ابن مولانا: آقا احمد، ممن لا ینکر فضیلتہ و لا اہلیتہ و قابلیتہ اجزت له ان یروی عنی جمیع ما اخذته عن شیخی و استادی وحیدی الدهر و فریدی العصر، خاتمی المجتہدین و رئیس طائفة الحق المبین، ذی الفضل الباهر و المحل الزاهر، افضل الاوائل و الاواخر، استاد الكل فی الكل، شیخنا و شیخ الجميع: آقا محمد باقر ...»

همچنین مرحوم آقا سید محمد مجاهد که عمه‌زاده آقا احمد است در اجازه که بخط وی در پشت مجموعه‌ای از تألیفات آقا احمد نزد آقای عزیز مقامع نواده او دیده‌ام؛ [دوانی] می‌نویسد:

«اما بعد، فان ابن خالی صانه الله تعالی من شر الایام و الالیالی و هو الاعلم الافضل الاکمل الذی بلغ فی التحقیق غایتہ و فی التدقیق نہایتہ الامجد الارشد المدعو بأقا احمد الجامع لجمیع الکمالات الحسنه و الصفات المستحسنه من العلوم العقلیة و النقلیة و الفلسفة و الاصول و الحدیث»

تألیفات آقا احمد

۱- عقد الجواهر الحسان در جواب بعضی مسائل مشکله که در شهر حیدرآباد دکن در ماه رجب ۱۲۲۰ بفارسی نوشته است. ۲- رساله در جواب یکی از بزرگان مرشدآباد بنگاله فارسی در شعبان ۱۲۲۱ نوشته. ۳- رساله در بیان فضیلت علم امام عصر عجل الله فرجه فارسی و در فیض آباد هند سال ۱۲۲۳ نوشته. ۴- رساله فیضیه در جواب سؤالات بعضی از علماء فیض آباد فارسی ۱۲۲۲.

۵- تنبیه الغافلین در ترجیح مسلک اجتهاد بر طریقه اخباری و پاره هم در نکوهش صوفیه و رد بر آنها است فارسی در لکنهو ۱۲۲۳. ۶- کشف الريب و المین عن حکم صلوة الجمعة و العیدین در عظیم آباد هندوستان عربی سنه ۱۲۲۴ نوشته. ۷- کشف الشبهه عن حکم المتعه فارسی در سال ۱۲۲۵. ۸- رساله مختصر در ولادت و وفات ائمه، فارسی در فیض آباد ۱۲۲۲ نوشته است. ۹- مناهج الاحکام در قضا و شهادات در فقه عربی. ۱۰- رساله در نماز و روزه فارسی. ۱۱- قوت لایموت ۱۲- شرح مختصر نافع ۱۳- تحفة المحبین در مناقب ۱۴- محمودیه در شرح صمدیه بنام برادرش آقا

##PAGE=59##

محمود ۱۵- نور الانوار در شرح بسم الله ۱۶- الدرر الغریبه در احکام الهیه در سال ۱۲۱۲ که بیست و یکسال داشته در چهار مجلد تألیف کرده است ۱۷- ربیع الازهار در اصول ۱۸- مخزن القوت ۱۹- تحفة الاخوان در تاریخ مشاهیر انبیا و خلفا و ائمه اطهار ۲۰- تاریخ نیک و بد دنیا در فیض آباد بخواش «بهو بیگم» مادر آصف الدوله حاکم آنجا تألیف کرده است. ۲۱- جدول در شکوک نماز و احکام آن ۲۲- غزوات امیر المؤمنین (ع) ۲۳- تفسیر قرآن مجید ۲۴- مرآت الاحوال. ۶۶- ۶۷

آقا عبد الله امام جمعه

همتا و همانند علمی و اخلاقی و دینی اسلاف بزرگوار در کرمانشاه عهده دار امور دینی و جمعه و جماعت و تدریس بوده در همانجا درگذشت و در آرامگاه خانوادگی در کنار جد خود بخاک سپرده شد، استاد علی دوانی و اعتماد السلطنه مزار ویرا در کربلا نوشته اند، آثاری در زمینه های مختلف علوم اسلامی داشته است که تعدادی از آنها در آتش سوزی خانه امام جمعه کرمانشاه در ۱۳۳۸. ق طعمه حریق شد. ۶۸- ۶۹

^{۶۶} (۱) - وحید مجیهانی، صص ۴۵۸ - ۴۵۰ / مرآت الاحوال.

^{۶۷} (۲) - دائرة المعارف تشیع آثار آقا احمد و محل نگهداری آنها به شرح زیر آورده است:

آثار: برخی از آثار خطی آقا احمد اینهاست: ۱. تاریخ الاثمة، فارسی، انجمن آسیایی بنگال و کلکته؛ ۲. تحفة الخبیین، فارسی، نسخه ای نزد مولی ذاکر حسن در لکنهو دیگری در کلکته؛ ۳. تنبیه الغافلیم، کلکته؛ ۴. جوابات المسائل المرشد آبادیه، کتابخانه آقا فخر الدین آل آقا در کرمانشاه؛ ۵. ربیع الازهار، کتابخانه آقا احمد بن آقا هادی آل آقا در تهران. ۴ کتاب دیگر هم از او در کتابخانه آقا فخر الدین آل آقا در کرمانشاه موجود است: قوت لایموت، عقد الجواهر الحسان، فیضیه و کشف الريب و المین. مشهورترین کتاب آقا احمد مرآت الاحوال فی معرفة الرجال (جهان نما) است که در سفر هند در ۲ جلد نوشته شده و نسخه های خطی آن در کتابخانه های آصفیه، آیت الله مرعشی، بانکپور، موزه بریتانیا، شورای ملی (سابق)، مرکزی دانشگاه تهران، ملک، ملی و نوربخش موجود است (قمی، ۱۱۰؛ دوانی، ۳۴۳؛ معلم حبیب آبادی، ۹۹۵ - ۹۹۷).

^{۶۸} (۳) - اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۷۰ / وحید مجیهانی، ص ۳۳۶.

^{۶۹} (۴) - دائرة المعارف آثار آقا عبد الله و محل نگهداری آنها بشرح زیر آورده است:

آثار: برخی از آثار به جای مانده او (همه خطی) اینهاست: ۱. انوار الحکمة، فارسی، در کتابخانه آستان قدس؛ ۲. تعارض الوکیل و الموکل فی مسئله البیع، عربی؛ ۳. حاشیه الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، عربی؛ ۴. مسئله در تجدید غسل، فارسی؛ ۵. مسئله فی افشاء الزوجة، عربی؛ ۶. مسئله فی الارث، عربی؛ ۷. مسئله فی الطلاق، عربی. این کتابها در فهرست نسخ خطی دانشکده الهیات تهران ثبت شده است.

صاحب روضات که همعصر وی بوده درباره وی می‌نویسد: (وی از ارکان علما و فقهای ماست که در کرمانشاه ساکن و به اقامه جمعه و جماعت مشغول است، تا آنجا که می‌نویسد: چند سال قبل کتاب بزرگی از وی دیدم که در فقه نوشته و فروغ بسیاری در آن آورده بود و دلالت بر کمال مهارت و سابقه او در علوم منقول می‌کرد).

##PAGE=60##

در المائر و الآثار، اعتماد السلطنه می‌نویسد: آقا عبد الله مجتهد کرمانشاهی از اجله سلاله وحید بهبهانی بوده است، در سال ۱۲۸۹ هـ وفات نموده، مدفن آقا عبد الله در کربلا، صحن باب السدره است. کتاب (تحفة الجعفریه) در ده مسئله مختلف: کلام، فقه، اصول، تفسیر، بلاغت، حدیث، حکمت، حساب، منطق و نحو؛ تصنیف و به نام پدرش آقا محمد جعفر موسوم نموده است و رساله در عصیر عنبی قبل از ذهاب ثلثین - رساله در اختلاف وکیل و موکل - رساله در تجارت - رساله در طلاق رجعی و خلعی - رساله در قاعده لا ضرر - کشف القناع - رساله در منجزات مریض، از تألیفات اوست.

(تصویر شماره ۵) آیه الله آقا عبد الله کرمانشاهی

##PAGE=61##

آقا اسد الله امام جمعه

آقا اسد الله آل آقا از جمله اجله علماء و بزرگان خاندان است که به صفت مطلق امام جمعه اشتهاار یافته است او چهارمین امام جمعه معتبر از این سلسله پس از آقا محمد علی و آقا محمد جعفر و آقا عبد الله می‌باشد، وی دارای روایت از شیخ حسن بن اسد الله دزفولی است و سید جعفر اعرجی از (تصویر شماره ۶) آیه الله آقا اسد الله کرمانشاهی

##PAGE=62##

وی روایت می‌نماید^{۷۰}

استاد کیوان سمیعی درباره این بزرگوار می‌نویسد: وی فرزند آقا عبد الله بن آقا محمد جعفر بن آقا محمد علی بوده که ریاست معتدبها داشته، گویا هیچیک از علماء خاندان محترم آل آقا پس از آقا محمد علی نفاذ کلمه و وسعت دستگاه ریاستش به پایه آقا اسد الله نمی‌رسیده، اهالی کرمانشاه از او بعنوان امام جمعه بزرگ نام می‌بردند، مانند اسلافش مورد توجه شاه و وزراء و امراء و رجال مملکت بوده و همواره حکام کرمانشاه اوامر و نواہیش را می‌پذیرفته‌اند و چون دستگاه ریاستش وسیع بوده قیام بلوازم چنین امری فرصت به او نمی‌داده که مانند نیاکان نامدار خود به تألیف و تصنیف مشغول گردد. زمانی من از فرزند او مرحوم [آقا] ابو علی از تألیفات پدرش جويا شدم؛ فرمود: فرصت تألیف نمی‌یافت و حتی وقتی به مناسبتی نذر شرعی کرده بود، کتابی در مواعظ و نصایح در صد مجلس بفارسی تألیف کند که قابل فهم عموم باشد و شروع بکار هم کرد، سه مجلس (تصویر شماره ۷) آیه الله آقا اسد الله کرمانشاهی - آیه الله آقا ابو علی کرمانشاهی

^{۷۰} (۱) - نقباء البشر، ج ۱، ص ۱۳۹.

آنها نوشت و نامش را (بدایع الاخبار) نهاد، اما وقت پیدا نکرد آنها را به اتمام برساند، در هنگامی

##PAGE=63##

هم که نزد پدرش آقا عبد الله اصول فقه می‌خواند؛ جزوه‌ای در مباحث الفاظ نوشته بود، که من آنها دیدم آنقدر قلم‌خوردگی داشت که نمی‌شد از آن استفاده کرد و او فرصت نیافته بود، آنها را پاک‌نویس کند.

تاریخ وفات او سال ۱۳۲۴ قمری بوده و آرامگاهش در کرمانشاه کنار آرامگاه نیاکانش می‌باشد، رحمه الله علیه.^{۷۱}

آقا ابو علی امام جمعه

امام جمعه عالم و اشراف و اعیان کرمانشاه در انقراض قاجاریه و ظهور پهلوی، که قریب یکصد و هفتاد سال پیشینه علمی و مذهبی و اعتبار و عزت‌آبایی در این دیار داشت و همانند پدر، به صفت مطلق امام جمعه محل رجوع خاص و عام بود، استاد کیوان سمیعی که ویرا درک کرده بود آورده است؛ او فرزند ارشد آقا اسد الله و امام جمعه بعد از او و یکی از علمای اعیان بود، من [استاد کیوان سمیعی] بارها همراه مرحوم آقا شیخ علی علماء خدمتش رسیده بودم، مردی شریف، متواضع و خلیق بود، آثار نجابت و اصالت در رفتار و گفتارش بوضوح دیده می‌شد، کتابخانه نیاکانش که به ارث به او رسید از کتابخانه‌های معروف عراق و ایران و هند بود؛ حاوی چند هزار جلد کتاب نفیس که نسخه‌های کمیاب و منحصرش کم نبود از مزایای کتابخانه مزبور یکی این بود که غالباً نسخه‌های اصلی تألیفات علماء دوره صفویه و آقا باقر و آقا محمد علی و فرزندانش در آنجا وجود داشت ... [و سپس استاد تراژدی هولناک آتش‌سوزی کتابخانه آقا ابو علی امام جمعه را نقل فرموده‌اند و ...]^{۷۲} وفات آن مرحوم در سال ۱۳۱۷ خورشیدی مطابق ۱۳۵۷ قمری در کرمانشاه اتفاق افتاد و فرزندش آقا قاسم مدت کوتاهی بجای پدر امام جمعه کرمانشاه شد و اینک برحمت ایزدی پیوسته است.^{۷۳}

سایر برجستگان علماء خاندان آقا

آقا عبد الحسین بن محمد باقر بهبهانی

؛ برادر کهنتر آقا محمد علی کرمانشاهی که همراه برادر بوده و در محضر آن بزرگوار و پدر اعلم و فاضل کسب فیض نموده است سپس مقیم همدان گشته و با قاطبه مردم به حسن خلق سلوک نموده و در حدود سال ۱۲۴۰ ه ق وفات یافته از آثار وی؛ شرح معالم است.^{۷۴} صاحب روضات الجنات درباره او نوشته: او از اعظم علماء و مجتهدین و افخم فقها و اصولیین بوده و به خاطر او بود که پدرش محمد باقر بهبهانی حاشیه اصول معالم را نگاشته است.^{۷۵}

##PAGE=64##

^{۷۱} (۱) - زندگانی سردار کابلی، ص ۲۰۹.

^{۷۲} (۲) - ر. ک. - زندگانی سردار کابلی، کیوان سمیعی.

^{۷۳} (۳) - زندگانی سردار کابلی صص ۲۰۹ - ۲۱۲.

^{۷۴} (۴) - ریحانه الادب، ج ۳، ص ۳۹۹.

^{۷۵} (۵) - روضات الجنات، ج ۲، ص ۹۶.

(تصویر شماره ۸) آیه الله آقا ابو علی امام جمعه و آقا قاسم امام جمعه در کودکی

##PAGE=65##

آقا محمد صادق بن محمد جعفر کرمانشاهی بن آقا محمد علی کرمانشاهی

؛ عالم جلیل است، از فقهای عصر و اجلای وقت و داماد ملا محمد صالح بن علی مازندرانی نایب الصدر کرمانشاه بوده است. آقا محمد صادق دارای کتابخانه‌ای نفیس بوده که در آن از آثار بزرگان بسیار یافت می‌شده است.^{۷۶}

آقا عبدالمحمد بن آقا عبد الله بن آقا محمد جعفر بن آقا محمد علی

؛ عالمی فقیه و جلیل و از شاگردان شیخ زین العابدین مازندرانی بوده است؛ امامقلی میرزای عماد الدوله حاکم کرمانشاه (۱۲۹۲-۱۲۶۸ ه ق) که مسجد و مدرسه مشهور خود را در بازار کرمانشاه بنا نمود، اقامت و تدریس را به آقا عبدالمحمد واگذار نمود، وی بسال ۱۳۰۳ ه ق متوفی و در مقبره آقا در کرمانشاه مدفون گردید.

(تصویر شماره ۹) آیه الله آقا عبدالمحمد کرمانشاهی

##PAGE=66##

آقا عبد الله دوم فرزند آقا عبدالمحمد؛

از شاگردان حاج میرزا حسین، حاج میرزا خلیل و آخوند خراسانی و آقا سید محمد کاظم یزدی بوده است، آقا عبد الله به سال ۱۳۴۹ ه ق درگذشت، وی پدر آقای حاج علاء الدین آل آفاست.

(تصویر شماره ۱۰) آیه الله آقا عبد الله دوم کرمانشاهی

##PAGE=67##

آقا علم الهدی فرزند آقا عبدالمحمد

؛ از شاگردان شیخ محمد حسن مامقانی و شیخ محمد شریانی بوده است، ایشان نیای خانواده (اعلمی آل آقا) و از روحانیون برجسته کرمانشاه که سالها پس از پدر اقامت و تدریس در مسجد عماد الدوله را عهده‌دار بودند، آیه الله حاج سید مرتضی نجومی کرمانشاهی، نواده دختری مرحوم آقا علم الهدی می‌باشند، اجازه اجتهاد و تدریس مرحوم علم الهدی که در زمره اسناد خاندان آل آقا آورده‌ام، در آرشیو کتابخانه حضرت آیه الله نجومی موجود است که با عنایت ایشان در اختیار قرار گرفت.

(تصویر شماره ۱۱) آیه الله آقا علم الهدی کرمانشاهی

^{۷۶} (۱) - کرام البررة، ج ۲، ص ۶۳۷-۶۳۶.

آقا محمد تقی بن آقا محمد جعفر بن آقا محمد علی

؛ در کرمانشاه متولد و در نجف اشرف بسال ۱۲۹۹ ه ق، برحمت ایزدی پیوست، وی از افاضل علمای دودمان آقا محمد علی و دارای تألیفات در فقه و اصول و ادب است از جمله؛ شرح زبدة الاصول و حاشیه بر حاشیه ملا عبد الله در منطق و تعلیقه بر مبادی الاصول می باشد.

حاج آقا اکبر بن آقا محمد تقی

سابق الذکر از روحانیون مشهور کرمانشاه مدفون در کربلا که آثاری در دعوات و شرحی بر منظومه سبزواری دارد.

(تصویر شماره ۱۲) آیه الله آقا محمد تقی کرمانشاهی

آقا محمد کریم بن حاج آقا اکبر بن آقا محمد تقی

سابق الذکر؛ متولد و متوفی در کرمانشاه، مدفون در جوار مقبره آقا محمد علی، آقا محمد کریم از علماء برجسته کرمانشاه و صاحب آثاری از جمله؛ رساله در رمل و جفر، مجمع القواعد در آداب دینی - مهیج العابدین در اوراد و اذکار، شرح دعای سحر (نا تمام) - شرح بر عوامل ملا محسن - شرح بر مغنی (نا تمام) و ... می باشد.

آقا غلامحسین بن آقا محمد کریم بن حاج آقا اکبر بن آقا محمد تقی؛ در کرمانشاه متولد، ایام صباوت و نوجوانی را به تحصیل علوم در زادگاهش پرداخته، سپس به حوزه مقدسه قم مهاجرت و فیض حضور آیات عظام؛ حجت، خوانساری و صدر و آیه الله العظمی بروجردی را درک نموده اند، معروف و ملقب به معتمد العلماء و صاحب آثاری چون؛ تاریخ مختصر ایران - منظومه حدیث کسا و آثاری در دعوات و آداب و اخلاق می باشند.

(تصویر شماره ۱۳) آیه الله آقا محمد کریم کرمانشاهی

آقا محمد بن حاج آقا نبی بن آقا محمد تقی

؛ از علمای طراز اول کرمانشاه، از تلامذه آیت الله خراسانی و سید محمد کاظم یزدی و شریعت اصفهانی بوده اند، سالها در مسجد عماد الدوله به اقامت و تدریس اشتغال داشتند، اکثر علمای برجسته حالیه از شاگردان آن مرحوم بشمارند، فقیهی محترم و دانشمندی بزرگوار و راهپوی پیشینیان خاندان بازماندگانش به (نبوی آل آقا) مشهورند.

(تصویر شماره ۱۴) آیه الله آقا محمد بن حاج آقا نبی کرمانشاهی

آقا ابو القاسم رئیس العلماء

؛ ابن آقا ابراهیم ابن آقا احمد ابن آقا محمد علی، از علمای متنفذ در دوران مظفری و از گردانندگان حرکت اجتماعی و مذهبی بر علیه نهضت مشروطیت در کرمانشاه که منزلش پایگاه طرفداران سلطنت محمد علیشاه و مستبدین بود و درگیری مشروطه‌طلبان و مستبدین کرمانشاهی از منزل رئیس العلماء آغاز گردید، بنابر آنچه فرید الملک قراگوزلو کارگذار مهام خارجه در کرمانشاه نوشته است، وی در مسجد معروف نواب امامت داشت و امورات تکیه معاون الملک که در چند قدمی مسجد بنا شده و مرکز پشتوانه‌های نظامی و اجتماعی و سیاسی مستبدین بود، با نظارت وی اداره می‌شد.^{۷۷}

(تصویر شماره ۱۵) آیه الله آقا ابو القاسم رئیس العلماء کرمانشاهی

علامه وحیدی

؛ محمد علی علامه فرزند مرحوم آقا ابو القاسم رئیس العلماء کرمانشاه سابق الذکر، در دلو ۱۲۷۴ شمسی در کرمانشاه متولد و تحصیلات ابتدایی را در مدارس اسلامی و محمدیه به پایان رسانیده سپس برای ادامه تحصیل به عراق و در محضر آقا سید محمد سعید شیرازی در مدرسه حسن خان سطوح را دیده و بعدا در محضر آیت الله شهرستانی اصول و فقه و معقول و در محاضر علامه طباطبایی، آقا سید محمد حسین کسمایی، آقا ضیاء الدین عراقی، آقا میرزا حسین نائینی، آقا سید ابو الحسن اصفهانی، آقا سید محمد فیروزآبادی درک فیض نموده با اخذ اجازه اجتهاد به ایران بازگشت. از تألیفات وحیدی: اصول المنطق بزبان فارسی، حوزه الفیه عربی بنام احسن الاساس، حاشیه بر کفائی مرحوم آخوند ملا کاظم خراسانی - شرح بر طلب و اراده کفائی آخوند ملا کاظم و حکمت علامه. وی در شعر (وحیدی) تخلص می‌کرد، در سال ۱۳۲۷ شمسی از کرمانشاه به تهران مهاجرت و با حفظ سمت استاد دانشگاه معقول و منقول؛ رئیس دائره کل تحقیق اداره کل اوقاف و در دوره ۱۹ به نمایندگی مجلس شورای ملی از کرمانشاه انتخاب گردید، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ درگذشت.^{۷۸}

(تصویر شماره ۱۶) آیه الله آقا محمد علی علامه وحیدی کرمانشاهی

حاج آقا محمد ابن آقا محمود بن آقا محمد علی

^{۷۷} (۱) - خاطرات فرید، ص ۲۲۶ / ر. لک - جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان (همین مجموعه)، ج ۴، ص ۴۸۷ / ج ۵، ص ۱۲۶۵.

^{۷۸} (۱) - تذکره مختصر شعرای کرمانشاه، صص ۱۴۱ - ۱۴۰.

؛ خلف الصدق پدر در تهران و در علم و اصالت مشارالیه بین الاقران چنانکه اعتماد السلطنه درباره او می‌نویسد: (از مشاهیر مشایخ و نبهاء فقها سلسله بهیمنیه بود و در مسجد حکیم دارالخلافة امامت جماعت می‌نمود و از خاطر عاطر همایونی (ناصر الدین شاه) نسبت به آن جلیل و فاضل نجیب اصیل اقبالی زاید الوصف مصروف می‌افتاد و اکنون پسرش (بحر العلوم) داماد حجة الاسلام حاج ملا علی کنی مرحوم (متوفی ۱۳۱۱) در جای پدر است و از مروجین شرع انور می‌باشد، حاج آقا محمد بسال ۱۳۰۱ هـ ق رحلت نمود و در مقبره خانوادگی واقع در صحن حضرت معصومه علیها السلام مدفون گردید.

حاج آقا احمد آل آقا کرمانشاهی

؛ ابن آقا هادی ابن آقا محمود، از اجله علمای تهران و مفاخر روحانیون خاندان آل آقا، شرح حال ایشان در تاریخ مدرسه عالی سپهسالار مسطور است.

(تصویر شماره ۱۷) آیه الله آقا احمد دوم کرمانشاهی

حاج آقا عبد الله آل آقا

؛ ابن آقای حاج آقا احمد، از علمای سرشناس و محترم تهران که سرپرستی مدرسه جدش آقا محمود را به عهده دارد.

آقا محمد اسمعیل ابن آقا محمد علی؛

از بطن همسر رشتی آقا محمد علی و متولد رشت است

##PAGE=74##

در کرمانشاه نشو و نما یافته، درباره تاریخ ولادت و وفاتش مأخذ چیزی ننوشته‌اند، آقا احمد برادرش او را به علم و فضل ستوده است و می‌نویسد: (عالم فاضل کامل نبیل، مقدس زاهد جلیل بی‌عدیل: آقا محمد اسمعیل اطال الله بقاه، بسن از این فقیر کوچکتر است، اگر خوف سنان لسان نکته‌گیران لثام نمی‌بود، هرآینه اشتهب شبگیر قلم را در میدان محامد جمیله آن نور چشم گرامی اندکی جلوه‌گر می‌نمودم. ولادت با سعادتش در رشت اتفاق افتاده، مراتب علمیه را نزد والد و چندی (تصویر شماره ۱۸) آیه الله آقا عبد الله سوم کرمانشاهی

در خدمت آقا سید علی (صاحب ریاض) طی نموده و بسیار نکته‌گیر و نکته‌دان و دقیقه‌یاب است، خوش تقریر و نیکو تحریر، در علوم خاصه اصول و فقه نهایت روشن ضمیر و عارج معارج عالیه و جامع فضائل و محامد جمیله است. (وقتی من در ایران بودم مشغول تألیف دو کتاب در فقه و

##PAGE=75##

آقا محمد علی بن محمد اسمعیل بن آقا محمد علی

- از علماء جلیل خاندان بوده است، از آثار اوست؛ ۱- قضا و قدر ۲- الجبر و التفویض ۳- قطع القال و القیل فی انفعال القلیل (یا) قطع المقال فی نصرۃ القول بالانفعال ۴- فائده فی مصرف رد المظالم ۵- قوامع الفضل در تحقیق برخی مسائل شرعی و حل بعضی آیات و روایات مشکله و برخی معماها، جملات، لطایف و حکایات ۶- رساله فی علم.^{۸۰}

(تصویر شماره ۱۹) آیه الله آقا اسماعیل کرمانشاهی

##PAGE=76##

آقا محمد صالح ابن آقا محمد اسمعیل ابن آقا محمد علی

؛ از علماء متنفذ و صاحب نظر که اکثر اسناد معتبر خاندانهای کرمانشاه به دستخط و مهر ایشان مهیور و چنان می نمایند در فقدان جد مکرم و مهاجرت آقا محمود و سیاحت آقا احمد، پس از امام جمعه آقا عبد الله، او مقبولیت عامه داشته است، اعتماد السلطنه در المآثر و الآثار آورده است: (آقا محمد صالح از اجله علماء و مشاهیر رؤسا بود).^{۸۱}

علامه شهرستانی در موائد می نویسد: (در محرم ۱۲۸۱ ه ق وفات یافت و در کربلا حجره متصل به باب السدره مدفون گردید).^{۸۲}

(تصویر شماره ۲۰) آیه الله آقا رحیم کرمانشاهی

آقا رحیم ابن آقا محمد هادی ابن آقا محمد صالح

؛ همانند نیای خویش متنفذ و از علماء مشهور عصر مشروطیت در کرمانشاه (۱۳۲۵ - ۱۳۳۰ ه ق) در مسجد خود معروف به مسجد آقا

##PAGE=77##

رحیم در بخش سه تا هنگام وفاتش در سال ۱۳۴۰ ه ق به امامت و افاده اشتغال داشته و سپس فرزندش آقا اکمل الدین متصدی امور شرعی و جانشین پدر بوده صاحب نقباء البشر، از وی به احترام یاد کرده است.^{۸۳}

(تصویر شماره ۲۱) آیه الله آقا ابو تراب کرمانشاهی و فرزندش حجة الاسلام آقا علی اکبر

^{۷۹} (۱) - مرآت الاحوال جهان نما، ص ۱۶۴ / وحید بیهانی، ص ۴۶۴.

^{۸۰} (۲) - الذریعه، ج ۱۵، ص ۳۱۹ / ج ۱۶، ص ۸۹.

^{۸۱} (۱) - مآثر الآثار - وحید بیهانی، ص ۴۶۵.

^{۸۲} (۲) - موائد شهرستانی - همان، ص ۴۶۵.

^{۸۳} (۱) - نقباء البشر، ج ۲، ص ۷۲۴ - ۷۲۳.

؛ سابق الذکر در کرمانشاه متولد پس از طی مقدمات و سطح بمنظور دریافت سطوح عالیہ - عازم نجف اشرف گردید و سالیان متمادی در عتبات عالیات ساکن بودند، آقا ابو تراب از شاگردان آقا ضیاء الدین عراقی و آقا ابو الحسن اصفهانی بود، در ایام مضیقہ های دولت بعث به ایران بازگشت و با اقبال اهالی کرمانشاه مواجه گردید. مسجد دولتشاه از مجموعه دیوانخانہ کہ گویا بہ منظور اقامہ و تدریس شیخ احمد احسائی توسط محمد علی میرزای دولتشاه ساخته شدہ و بالغ بر یک قرن متروکہ ماندہ و انبار بازار قدیمی شہر بود و

##PAGE=78##

معماری زیبایی داشت، بہ ہمت اهالی جہۃ امامت ایشان مرمت و پاکسازی و تعمیر شد، کہ تا پایان عمر در آنجا بہ تبلیغ و وعظ و امامت اشتغال داشت، تا در آبان ماہ ۱۳۵۵ شمسی بہ دیار باقی شتافت و با تشییع شایستہ ای بہ دار السلام قم حمل و بخاک سپردہ شد، عالمی بزرگوار، متواضع، صاحب تقدم در سلام و پاسدار شیوہ گذشتگان بود، فرزند برومندش آقا علی اکبر الہی آل آقا در کسوت روحانیت و جوانی را شمع راہ تحصیل علوم شریعت اسلامی ساختہ اند، موفق باشند.

(تصویر شماره ۲۲) آیۃ اللہ آقا احمد (کرمانشاهی - نہاوندی)

آقا احمد آل آقا (کرمانشاهی - نہاوندی)

؛ ابن آقا کاظم ابن آقا علی ابن آقا محمود ابن آقا محمد علی - بقیہ السلف خاندان از فرزندان آقا علی کہ در مہاجرت و وصلت آقا محمود با صبیہ آقا سید حسین سید بزرگ در نہاوند، با اصالت و تربیت و تحصیل و تدریس نگاہدار سنت سنہ پیشینیان بودند، و در واقع مجموعہ معتبری کہ امروز نشانگر عظمت علمی و سابقہ شکوہ شرعی و تابندہ تدریس و تألیف این سلسلہ جلیلہ و مکرم است بہ ہمت مردانہ و عزم راسخ و علم شاخص جناب

حجة الاسلام و المسلمین استاد حاج شیخ علی دوانی

، صہر معتبر آقا احمد آل آقا در عنفوان شباب فراہم آمدہ است، کہ اگر جز این بود، امروز کہ کثرت و تفرقہ این خاندان از شمال تا جنوب و شرق تا

##PAGE=79##

غرب کشور را فرا گرفته است، سخن دربارہ حتی برجستگان آنان امری دشوار و خارج از حوصلہ بود، همانطور کہ اگر استاد فقید شادروان کیوان سمیعی در زندگانی سردار کابلی، احوال و آثار علماء متأخر این خاندان و معاصران آنان را در کرمانشاه قلم نمی زدند؛ امروز شامل اشارہ معروف (تو گویی فرامرز ہرگز نبود) می شدند اجرشان مشکور باد.

و باید بہ مخدرہ مکرمہ شایستہ ای کہ موجب این وصلت و سبب این اثر ارزشمند گردیدہ درود فرستاد. آقا احمد آل آقا پدر گرانقدر مخدرہ سابق الذکر چنانکہ از ثقہ روایت است، در عزت نفس و علو ہمت و سخاوت طبع وجود و کرامت کم نظیر و در دستگیری از فقراء و ایتام و بی نوایان ضرب المثل و در حسن خلق و ملکات نفسانی معروف خاص و عام

بوده است. به آزار موری راضی نبوده نسبت به ضعفا و ارباب احتیاج بخصوص اشخاص آبرومند ذره‌ای فروگذار نمی‌نمود. از آنجا که عالمی موقر و فقیهی نیک‌نفس و جامع کمالات صوری و معنوی بوده با هرکس بفراخور فهم و استعدادش سخن می‌گفته، عالم فقیه و شاعر عارف و سخنگویان نکته‌سنج و تاجر بازاری و کاسب و رعیت از محضرش حظی وافر می‌برده‌اند. هنگام فوتش مرد و زن و مسلمان و کافر عزادار بوده‌اند، همه او را عزت و آبروی شهر نهاوند می‌دانستند که با مرگش شکستی جبران‌ناپذیر در وضع دیانت مردم پدید آمد. استاد علامه آقای حاج شیخ محمد رضا طبسی که از علمای مشهور نجف اشرف و دارای تألیفات بسیار مانند (الشیعه و الرجعه) و غیره است و با مرحوم آقا احمد دوست بوده‌اند، در پاسخ نامه‌ای که راجع بشرح حال مرحوم آقا احمد، جناب آقای دوانی پرسش نموده بودند، می‌نویسد: (شیخ جلیل آقا احمد آل آقای نهاوندی. من هنگامی که در نهاوند بودم با وی مجلس‌ها داشتم جامع ملکات فاضله و عالم و عارف و فاضل و فقیه و زنده‌دل بود و در بین مردم موجه و موقر و بسیار متواضع بود، همیشه در برخوردها ابتدا سلام می‌کرد، تا ابتدا سخن دیگر نکرده باشد! چنانچه روایت شده که (لو كان الكلام فضاء لكان السكوت ذهباً)؛ یعنی، اگر سخن نقره باشد، سکوت بموقع طلاست، آن مرحوم در برآوردن حوائج مردم ساعی و نزد عموم به تمام معنی محبوب بود و چرا چنین نباشد و حال آنکه وی یکی از آخرین سلاله استاد اکبر و مجدد مذهب بود.

همچنین دانشمند محترم آقای سید ابو الفضل برقی قمی که در زمان حیات مرحوم آقا احمد دو سفر به نهاوند رفته است، در کتاب «تراجم الرجال» باب همزه می‌نویسد: (احمد آل آقا نهاوندی ابن کاظم بن علی بن محمود بن وحید شیخ اجل اعظم فقیه عالم زاهد از نواده‌های مجدد اعنی آقا محمد باقر بهبهانی است؛ نزد مرحوم آخوند خراسانی صاحب کفایه و آقا سید محمد کاظم یزدی صاحب عروة الوثقی تحصیلات خود را تکمیل نموده بدرجه اجتهاد نائل گردید، سپس به نهاوند مراجعت کرد و مرجع امور و حل و عقد کارهای مردم و ملاذ فقرا و صاحبان حوائج گردید، بسیار خلیق و رؤف و مهربان بود و این بنده [سید ابو الفضل برقی] مؤلف کتاب ایشانرا زیارت کردم.

مرحوم آقا احمد آل آقا نهاوندی، در فروردین ۱۳۲۶ که برای تحویل حمل در ارض اقدس قم

##PAGE=80##

مشرف بوده بدرود حیات می‌گوید و بعد از آنکه حضرت آیت الله العظمی آقای بروجردی (ق) بر وی نماز می‌خواند، در ایوان مقبره خانوادگی واقع در صحن بزرگ حضرت معصومه (ع) مدفون می‌گردد. (رحمة الله علیه)^{۸۴}

##PAGE=81##

آلبوم^{۸۵} اسناد شجره

^{۸۴} (۱) - وحید بهبهانی، صص ۴۷۷-۴۷۴.

^{۸۵} (*) - این آلبوم حاوی پیکره‌های تاریخی از بزرگان آل آقا است که از یکصد و پنجاه سال پیش از این (۱۴۲۰ ه. ق) در عهد ورود عکاسی به ایران در کرمانشاهان برداشته شده است و بازمانده غیرتند این خاندان آقای آقا نظام الدین آل آقا به قبه و نگهداری آنان همت گماشته و حضرت آیت الله نجومی منسوب بطنی این دودمان علمی و مذهبی که کپی تصاویر مزبور را برای آرشیو کتابخانه خودشان تهیه فرموده بودند با عنایت تمام تعداد برگزیده لازم را در اختیار قرار دادند، در اینجا سپاس از توجه ایشان و ارجحاری اقدام ارزشمند آقای نظام الدین آل آقا را بر خویش واجب می‌دانم، برخی از چهره‌ها جنبه اشتها اجتماعی آنان بر بعد علمی و فقهی ارجح بوده بنابراین در منابع احوال آنان ذکر نشده است اما تعهد آنان به کسوت روحانیت و خدمات چشمگیرشان ضرورت ضبط تصاویر مرتبط گردید.

##PAGE=83##

تصویر شماره ۲۳ حوزه علمیه آل آقا از موسسات علمی آیت الله آقا محمد علی آل آقا- در تصویر نوادگان آقا محمد علی از مدرسین و طلاب مدرسه مزبور بوده‌اند.

##PAGE=84##

تصویر شماره ۲۴ از راست؟، شیر محمد خان سنجابی صمصام الممالک، سید کشمیری، حجت الاسلام آقا کریم آل آقا- حجت الاسلام آقا نور الدین آل آقا، حجت الاسلام آقا علاء الدین آل آقا- امیر آخور کرمانشاهان.

##PAGE=85##

تصویر شماره ۲۵ ساختمان بیرونی بیت آقا محمد علی آل آقا در کرمانشاه

##PAGE=86##

تصویر شماره ۲۶ آقا محمد اسماعیل آل آقا

##PAGE=87##

تصویر شماره ۲۷ آقا خلیل وکیل السفاره، آقای محمد صالح مجتهد، حسینقلی خان سلطانی، صدر الشریعه آل آقا- ایستاده: کلبعلی

##PAGE=88##

تصویر شماره ۲۸ امیر نظام گروسی حکمران کرمانشاهان- آقا اسداله امام جمعه کرمانشاهان در طاق بستان کرمانشاهان- آقای حاج آقا، اعظم الدوله زنگنه، منصور السلطنه دولتشاهی نایب الحکومه- شه بندر عثمانی و ...

##PAGE=89##

تصویر شماره ۲۹ امیر نظام گروسی حکمران کرمانشاهان در میهمانی عصرانه آقا اسداله امام جمعه به همراه شه بندر عثمانی، منصور السلطنه نایب الحکومه کرمانشاه، علمای خاندان آل آقا و کارگزاران حکومتی

##PAGE=90##

تصویر شماره ۳۰ از راست، احتشام آل آقا- آقای حاج آقا- آقا رحیم وکیل الدوله- اعظم الدوله- امیر نظام گروسی- منصور السلطنه آقا اسداله امام جمعه، شه بندر عثمانی، آقای حبیب آل آقا.

##PAGE=91##

تصویر شماره ۳۱ از راست به چپ آقا جواد مکی آل آقا- آقا رحیم آل آقا- آقا علینقی آل آقا- آقا حبیب آل آقا- آقا حجت آل آقا (حاج آقا) آقا ابو القاسم رئیس العلماء- آقا احتشام آل آقا- آقا عیسی آل آقا.

##PAGE=92##

تصویر شماره ۳۲ از راست به چپ- آقا عبد الحسین آل آقا- آقا عبد الوهاب آل آقا- آقا محمد علی آل آقا، آقای حاج آقا- ظهیر الملک

##PAGE=93##

تصویر شماره ۳۳ از راست به چپ ۱- دکتر ابو الحسن پزشکان (چشم پزشک) ۲- نایب الحکومه کرمانشاه ۳-؟ ۴- مرحوم اجاق ۵- پسر امام جمعه آقا اسداله ۶- آقا ابو القاسم رئیس العلماء ۷- آقا معصوم آل آقا ۸- آقا شیخ هادی جلیلی ۹- آقا شمس الدین آل آقا ۱۰- آقا علم الهدی آل آقا ۱۱- آقا رحیم آل آقا ۱۲- منتظم الدوله حکومت کرمانشاهان ۱۳- آقای حاج آقا ولی آل آقا ۱۴- شجاع العلماء آقا ابو القاسم آل آقا ۱۵- آقا محمد حسن آل آقا ۱۶- آقا عطا الله اعلمی آل آقا ۱۷- اعتماد الشریعه آل آقا ۱۸- محمد حسن خان مدنی دبیر اعظم ۱۹- عبد الحسین توکلی ۲۰- حکیم نصیر- (عمارت حاجی سید حسن میر عبد الباقي)

##PAGE=94##

تصویر شماره ۳۴ از راست ۱- آقای حاجی آقا آل آقا، آقا محمد ابراهیم آل آقا- آقا ابو القاسم آل آقا

##PAGE=95##

تصویر شماره ۳۵ آقا زین العابدین آل آقا ابن آقا احمد

##PAGE=96##

تصویر شماره ۳۶ آقا هادی آل آقا- آقا ابو الحسن آل آقا

##PAGE=97##

تصویر شماره ۳۷ آقا محمد صادق صدر الشریعه آل آقا

##PAGE=98##

تصویر شماره ۳۸ آقای حاج آقا اکبر آل آقا

##PAGE=99##

تصویر شماره ۳۹ آقای حاج آقا نبی آل آقا

##PAGE=100##

تصویر شماره ۴۰ آقا شمس الدین آل آقا

##PAGE=101##

تصویر شماره ۴۱ آقا کاظم آل آقا همدانی

##PAGE=102##

تصویر شماره ۴۲ آقا حکمت آل آقا

##PAGE=103##

تصویر شماره ۴۳ ملاقات علماء با رضا شاه در سفر کرمانشاه ۱- سید پیغمبر ۲- آقا شیخ علی علماء ۳- شهاب الدوله ۴- رضا شاه ۵ آقا عبدالله آل آقا ۶- ابو علی امام جمعه ۷- اشرف الواعظین ۸- آقا شیخ هادی جلیلی ۹- آقا علم الهدی آل آقا ۱۰- آقا شمس الدین آل آقا.

##PAGE=104##

[اسناد]

##PAGE=107##

سند شماره: یک

موضوع: جوابیه محمد شاه قاجار به آقا محمد صالح مجتهد کرمانشاهی در پاسخ گزارش وی از اوضاع کرمانشاه

تاریخ: ...

مهر طغرا: للمستعین بالله العاسی فی سبیل الله السلطان محمد شاه

##PAGE=108##

سند شماره: دو

موضوع: فرمان ناصر الدین شاه قاجار بر ادا و استمرار مستمری سالیانه آقا محمد صالح مجتهد کرمانشاهی

تاریخ: ۱۲۶۸ قمری

مهر:

تا که دست ناصر الدین خاتم شاهی گرفت صیت عدل و معدلت از مهر تا ماهی گرفت

##PAGE=109##

سند شماره: سه

موضوع: تأییدیه و فرمان ناصر الدین شاه قاجار از مقام علمی و اجتماعی حاجی آقای مجتهد کرمانشاهی (آل آقا)

تاریخ: ۱۲۷۷ قمری

مهر: السلطان بن السلطان ناصر الدین شاه قاجار

##PAGE=110##

سند شماره: چهار

موضوع: فرمان ناصر الدین شاه قاجار مبنی بر ابقاء و اداء مستمری آقا عبدالمحمد مجتهد کرمانشاهی به فرزندانش آقا علم الهدی و آقا عبد الله

تاریخ: ۱۳۱۳ قمری

مهر:

تا که دست ناصر الدین خاتم شاهی گرفت صیت عدل و معدلت از مهر تا ماهی گرفت

##PAGE=111##

۸۶

^{۸۶} سلطان، محمد علی، تاریخ تشیع در کرمانشاه از آغاز تا امروز بانضمام پیشینه اعتقادی در غرب ایران، ۱ جلد، [بی نا] - تهران، چاپ: اول، ۲۰۰۱ م.

۱۸۷۷۲ تاریخ تشیع در کرمانشاه از آغاز تا امروز بانضمام پیشینه اعتقادی در غرب ایران ؛ ص ۱۱۱

سند شماره: پنج

موضوع: فرمان اهداء یک حلقه انگشتری الماس اهداء شاهانه (مظفر الدین شاه) به حاجی آقا مجتهد کرمانشاهی

تاریخ: جمادی الثانی ۱۳۱۶ قمری

مهر: السلطان بن السلطان مظفر الدین شاه قاجار (به احترام علما علیرغم شیوه سلاطین ذیل فرمان را مهر کرده است)

##PAGE=112##

سند شماره: شش

موضوع: اجازه و اجتهاد آقا محمد حسن مامقانی برای آقا علم الهدی کرمانشاهی

تاریخ: ربیع الاول ۱۳۱۶ قمری

مهر: لا اله الا الله الملك الحق المبين، عبده محمد حسن

##PAGE=113##

سند شماره: هفت

موضوع: فرمان تسلیت و اهداء یک حلقه انگشتری الماس از سوی مظفر الدین شاه قاجار برای آقا محمد صالح کرمانشاهی (دوم) در وفات آقای حاجی آقا مجتهد و امر به ختم مراسم تعزیه

تاریخ: ربیع الثانی ۱۳۱۹ قمری

مهر: مظفر الدین شاه قاجار (به احترام علماء علیرغم شیوه سلاطین ذیل فرمان را مهر کرده است).

##PAGE=114##

سند شماره: هشت

موضوع: فرمان مستمری سالیانه آقا محمد صالح کرمانشاهی (دوم) از سوی مظفر الدین شاه قاجار

تاریخ: ذی الحجة الحرام ۱۳۱۹ قمری

مهر: در ظهر فرمان (مهدی مجد الدوله) حکمران و مستوفیان کرمانشاهان ...

##PAGE=115##

سند شماره: نه

موضوع: فرمان برقراری مستمری بازماندگان حاجی آقای مجتهدی کرمانشاهی در حق فرزندان آقا محمد صالح مجتهد (دوم) و ...

تاریخ: محرم ۱۳۲۱ قمری

مهر: در ظهر فرمان (سالار لشکر فرمان فرما) حکمران کرمانشاهان و مستوفیان ...

##PAGE=116##

سند شماره: ده

موضوع: نامه امیر نظام گروسی به ضیاء الدوله حکمران کرمانشاهان درباره اخذ تأیید علماء شهر کرمانشاه

تاریخ: -

مهر: ظهر فرمان (امیر نظام)

##PAGE=117##

سند شماره: یازده

موضوع: سواد تلگراف آقا محمد باقر طباطبائی به حاج شیخ فضل الله نوری و مشیر الدوله درباره آقای امام جمعه کرمانشاه

تاریخ: محرم الحرام ۱۳۲۳ قمری

مهر: امضاء - (الداعی محمد باقر الطباطبائی)

##PAGE=118##

سند شماره: دوازده

موضوع: نامه عبد الحسین میرزا فرمان فرما به آقای امام جمعه کرمانشاه در باب علماء المحدثین

تاریخ: ربیع الثانی ۱۳۳۰ قمری

مهر: فرمان فرما

##PAGE=119##

سند شماره: سیزده

موضوع: تصدیق اجتهاد آقا ابو علی امام جمعه طبق اجازه نامه آیات آقای حاجی میرزا حسین، میرزا خلیل و آقای شریعت اصفهانی و آقای بحر العلوم و آقای مازندرانی و آقای خراسانی و اجازه استفاده از کسوت روحانیت

تاریخ: فروردین ۱۳۰۸ شمسی

مهر: حکومت کرمانشاهان، امضاء - (اسد الله شمس ملک آرا)

##PAGE=121##

شجره

##PAGE=123##

خاندان آل آقا

##PAGE=129##

خاندان جلیلی

آبادانی کرمانشاه در دوران اخیر بعد از ظهور صفویه با انتساب شیخعلی خان زنگنه به وزارت اعظم و بنای نخستین مسجد و ترتیب درس و بحث دینی با ورود بزرگان خاندان جلیلی آغاز گردیده است.

جد اعلای این خاندان مرحوم آیت الله آخوند ملا عبد الجلیل بن عبد الخلیل زنگنه کرکوتی بوده که برای تحصیل علوم دینی و معارف اسلامی در عنفوان جوانی از کرکوک واقع در شمال عراق عرب به کربلاء معلی مهاجرت نموده و سالهای متمادی در علوم نقلی از محضر استاد کل آقا محمد باقر وحید بهبهانی (متوفی سنه ۱۲۰۵ قمری) و در علوم عقلی از محقق شهیر آقا باقر هزارجریبی استفاده کامل برده و از لحاظ مقام فقاقت و تهذیب نفس بجائی رسیده است که مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء (متوفی سنه ۱۲۲۷) طبق مدرک موجودی شخصیت علمی او را ستوده و بعظمت نفس قدسی او اشاره نموده است.

در اختیار نمودن کرمانشاه را برای اقامت خود دو روایت معروف است؛ که بر حسب یکر روایت از طرف استاد خود وحید بهبهانی برای امر تبلیغ و ارشاد باصفهان اعزام می شود چون مشارالیه به قصبه قرمسیین (کرمانشاه فعلی) میرسد با مشاهده

اوضاع دینی مردم و احتیاج شدید آنان بمبلغین مذهبی وظیفه شرعی خود میدانند که در آن دیار برای تبلیغ احکام شرع و ارشاد خلق رحل اقامت افکند و پس از مکاتبه با مرحوم وحید بهبهانی و جلب رضایت او از مسافرت باصفهان منصرف شده و تا آخر عمر در کرمانشاه باقی مانده و بانجام وظایف دینی مشغول می‌گردد. و بنا بر روایت

##PAGE=130##

دیگر با برادر خود بنام اسماعیل بقصد زیارت حضرت ثامن الائمه بایران مسافرت مینماید و در مراجعت بنا بخواهش خوانین زنکته ساکن در کرمانشاه که از وجود شخصیت علمی و دینی محروم بودند از رفتن باعتبار مقدسه صرفنظر نموده و محل اقامت دائمی خود را شهر کرمانشاه قرار میدهد و چون تا زمان ورود حاج ملا عبد الجلیل در کرمانشاه مسجدی احداث نگردیده بود؛ میرزا شفیع خان زند برای اقامت نماز جماعت ایشان در سال ۱۱۸۵ قمری در محله فیض‌آباد مسجدی با مخارج خود بنا می‌نماید^{۸۷} که طبق تاریخ احداث مساجد قدیمه کرمانشاه، مسجد میرزا شفیع خان اولین مسجدی است که در این شهر بنا گردید.

چنانکه آمد؛ مرحوم حاج شیخ عبد الجلیل فقیهی جامع الشرائط بود که طبق مدارک موجود بر علوم عقلی و نقلی احاطه کامل داشته صاحب تحفة العالم (میر عبد اللطیف خان شوشتری) که سه سال قبل از فوت مرحوم حاج شیخ عبد الجلیل او را در کرمانشاه ملاقات نموده درباره ایشان می‌نویسد:

دیگر مولانا عبد الجلیل، فاضلی نحیر و در صحبت دلپذیر و در اکثری از فنون علمی افادت پناه، خاصه در معقولات صاحب دستگاه بود، عزلت گزیده منزوی بود و با مردم کمتر معاشرت می‌نمود، اغلب هنگام صبح صادق نزد من آمدی و تا ارتفاع نهار صحبت داشتی.^{۸۸}

مرحوم سید محسن جبل عاملی در احوالات آن فقیه عالیمقام می‌نویسد: الشیخ عبد الجلیل بن عبد الخلیل بن اسمعیل بن نادر الکرکوکي الامثل الحائری الکرمانشاهانی، اصله من کرکوک جاء الی کربلاء و قرء علی الوحید البهبهانی حتی صار من مشاهیر العلماء ثم ساکن فی کرمانشاه و توفی فیها و قبره معروف مزور فیها و عائلته من مشایخ الصوفیه و قبر ابیه بناوحي کرکوک معروف مزور فی قرية يقال لها المرعیه و وجد تملکه لکثیر من الکتب النفسیه الخطیه.^{۸۹}

مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی می‌نویسد: الشیخ عبد الجلیل الکرکوتی، من علماء کرمانشاه الاعلام، کان من تلامیذ الاستاد الوحید البهبهانی، اثنی علی علمه و فضله فی (مرآة الاحوال) المؤلف فی سنه ۱۲۲۳ و ذکرانه بلغه خبر وفاته فی بلدة حیدرآباد دکن حدثنی احد احفاده انه توفی فی ذی الحجه الحرام سنه ۱۲۱۹ قمری و له ولدان عالمان فاضلان هما المولی عبد الاحد الار ذکره فی صفحه ۶۹۷ و المولی عبد الصمد و قد ذکره فی تحفة العالم المؤلف سنه ۱۲۱۶ صفحه ۱۲۶ و ترجمه فی نجوم السماء صفحه ۳۷۶ نقلا عن (مرآة الاحوال) و ذکر عبد الله بدل عبد الاحد لکنه غلط

^{۸۷} (۱) - میرزا شفیع خان زند از امراء منصوب زندیه در کرمانشاهان بوده که مسجد مذکور را در محل فعلی واقع در خیابان (جلیلی) احداث می‌نماید، این مسجد در سال ۱۲۹۵ قمری توسط نواده مرحوم حاج شیخ عبد الجلیل معروف به (آیت الله آقا عبد الرحمن) توسعه یافته و در سال ۱۳۹۴ قمری مطابق با سال ۱۳۵۳ شمسی که در شرف اقدام بود به همت آیت الله حاج آقا عبد الجلیل جلیلی از ثلث مرحوم حاج سلطان مراد اشجاری و مساعدت مرحوم مغفور حاج حسن کرمانیان به وضع قابل توجه و مرغوب تجدید بنا گردید.

^{۸۸} (۲) - تحفة العالم، ص ۱۷۸.

^{۸۹} (۳) - اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۴۳۴، طبع بیروت.

عند احفاده لانهم اعلم باسم جدھم.^{۹۰}

آیت الله حاج شیخ عبد الجلیل در اواخر عمر عزلت اختیار کرده و معاشرت خود را با مردم قطع نموده و حتی مقام زعامت و امامت را بفرزند استاد خود وحید بهبهانی معروف بآقا محمد علی سپرده و آقا محمد علی تا قبل از بناء مسجد جامع در مسجد میرزا شفیع خان زند اقامه نماز جماعت می نمود، حاج شیخ عبد الجلیل در سال ۱۲۱۹ قمری دعوت حق را لبیک گفته و بر حسب وصیت خود جنازه او را در بیرون شهر در مسیر زوار کربلا دفن نموده اند، شاعر معروف «ناطق» که قصیده معجزیه را بمناسبت تعمیر صحن حضرت معصومه قم ساخته ماده تاریخی بمناسبت فوت آیت الله حاج شیخ عبد الجلیل بشرح ذیل ساخته است.

آه کز جور و جفای آسمان پر ز کید	آه از دور فضای روزگار پر ز کین
مقتدای اهل دین «عبد الجلیل» از دهر رفت	آنکه بود از بندگان خاص رب العالمین
هم بایوان افادت بود او منبر طراز	هم بایوان افاضت بود او مصدر نشین
منکسف شد مهر علم و منهدم شد قصر شرع	منخسف شد ماه حلم و منعدم شد بدر دین
چون بجسم از کیا جسم شریفش شد جلیس	چون بروح اتقیاء روح لطیفش شد قرین
خازن الفردوس قد نادى لهم بشرى لکم	ایها الارواح طبتم فادخلوها خالدين
بهر تاریخ وفاتش کلک «ناطق» زد رقم	این مصارع را که هریک هست تاریخی مبین
از جهان شد مقتدای بزم دین «عبد الجلیل»	حامی دین قائد ایمان به جنت شد مکین

مرحوم حاج شیخ عبد الجلیل دارای سه فرزند بنام های عبد الاحد و عبد الصمد و آقا محمد بوده است.

آیت الله آقا عبد الاحد کرمانشاهی

مرحوم آقا عبد الاحد عالمی کامل و تحصیل کرده بوده، شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب الکرام البرره فی القرن الثالث بعد العشره درباره آن مرحوم می نویسد:

الشیخ عبد الاحد الکرکوتی، هو الشیخ المولی عبد الاحد بن المولی عبد الجلیل الکرکوتی عالم کامل کان فی کرمانشاه و کان والده من تلامیذ الوحید البههانی کما ذکر فی مرآة الاحوال و هو المذكور فی تحفه العالم ایضا ص ۱۲۶، کما یاتی و

^{۹۰} (۱) - الکرام البرره فی القرن الثالث بعد العشره، ص ۷۰۱، طبع مشهد.

كان ولده من اهل الفضل و العلم و التقى و هو جد الشيخ عبد الرحيم الكرمانشاهی المتوفى سنة ١٣٠٥ هـ و المذكور في تقباء البشر و قد نقل صاحب نجوم السماء ص ٣٧٧ عن مرآة الاحوال ترجمه المولى عبد الجليل و ذكر اسم ولده المولى (عبد الله) بدل

##PAGE=132##

عبد الاحد و لكن احفاد المترجم له المطلعين على نسبه مصرون على كونه من اخطاء الكاتب لنسخه (المرآة).^{٩١}

آيت الله آقا عبد الصمد کرمانشاهی

فرزند دوم مرحوم حاج شيخ عبد الجليل؛ آقا عبد الصمد است که از اعلام و فضلا بنام کرمانشاه بوده، شيخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب الکرام البرره في القرن الثالث بعد العشرة در شرح حال او می نویسد:

الشيخ عبد الصمد الکرکوتی من فضلا وقته کان فی کرمانشاه و من اهل العلم و الفضل ذکره المولى احمد الکرمانشاهی فی (مرآة الاحوال) فی ذیل ترجمه والده المتوفى فی حدود سنة ١٢٢٣ هـ فوصفه بالعالم الفاضل و قد مر ذکر اخيه الشيخ عبد الاحد ص ٦٩٧ و والده فی ص ٧٠١.^{٩٢}

فرزند سوم مرحوم حاج شيخ عبد الجليل؛ آقا محمد نام داشته آن مرحوم ادیبی برجسته و شاعری معروف بوده که «بارق» تخلص می نموده، صاحب کتاب حدیقه الشعراء (حاج سید احمد دیوان بیگی شیرازی) شرح مختصری از احوال او و نیاکان او را با ابیاتی از اشعار او چنین نقل می نماید:

اصل سلسله آنها از جماعت زنگنه اند که در کرکوک موصل ساکن بودند، و مدتها ریاست علمی داشته و در آن حدود معتبر و مقتدر بلکه به کرامت و فضل و عرفان مشتهر بوده اند. چنانچه ملا خلیل جد اعلاي اینها الان مزارش در کرکوک محل توجه و اعتماد خلق آن جاست از برای اجابت دعوات و به حسب ظاهر هم در زمره اهل سنت و جماعت بوده اند. دو پسر ملا خلیل که یکی ملا عبد الجليل و یکی حاجی محمد اسماعیل است، هر دو تشیع اختیار کرده به ایران آمده به زیارت مشهد مقدس رضوی مشرف و در مراجعت، بزرگان کرمانشاهان که هم از طایفه زنگنه بودند، آنها را نگاه داشتند و ملا عبد الجليل هم مردی زاهد و عابد و مرتاض و عالم بوده. مزار او اکنون (١٢٩٣ هجری قمری) در کرمانشاهان معتبر است و مردم ندورات می برند و طلب حاجات می نمایند و خاصه مشهور است که در استشفای از مرض تب و نوبه اثر عظیم دارد.

از اولاد حاجی اسماعیل فاضلی برنخاسته، اما اولاد ملا عبد الجليل پنج نفر بوده اند و همه فاضل؛ اکبر آنها ملا عبد الاحد بوده که پسرش آقا عبد الرحمن و پسر مرحوم آقا عبد الرحمن الحال (١٢٩٣ هـ ق) جناب مستطاب حاجی شيخ عبد الرحيم است که از فضلاي عصر در این مملکت شخص اول علم و زهد و تقوی و در مراتب علمی از اجله مجتهدین اند و پسر کوچکتر مرحوم ملا عبد الجليل مرحوم «بارق» است (متوفی ١٢٨٣ ق) که اسمش آقا محمد است و

^{٩١} (١) - همان ص ٦٩٧.

^{٩٢} (٢) - همان، ص ٧٣٨.

بزیارت و طواف بیت الله هم مشرف شده و صاحب علم و فضل بوده و کتابی چند در علوم متفرقه تصنیف نموده است
۹۳ ...

##PAGE=133##

آیت الله حاج شیخ عبد الرحیم کرمانشاهی

آیت الله حاج شیخ عبد الرحیم فرزند مرحوم آقا عبد الرحمن از مشاهیر فقها عصر خود بوده در سنه ۱۲۲۳ قمری در کرمانشاه متولد شده و تحت سرپرستی و تربیت پدر عالیمقام خود مدارج ابتدائی علوم دینی را طی نموده و سپس برای کسب معلومات بیشتر و رسیدن بمقامات عالییه علمی به بروجرد که در آنزمان مرکز فحول علماء و اساطین بزرگ دانش بوده رهسپار گردیده و بعدا برای تکمیل تحصیلات خود عازم نجف اشرف شده و از محضر مراجع بزرگ علمی آنجا مانند؛ شیخ حسن صاحب انوار الفقاهه فرزند شیخ جعفر کاشف الغطاء و شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهر الکلام) (المتوفی سنه ۱۲۶۶) استفاده علمی نموده و بمدارج عالییه فقاها نائل گشته بطوریکه صاحب جواهر علیه الرحمه در اجازه‌ایکه بایشان داده است تصریح باجتهاد و مقام علمی ایشان نموده است. مرحوم حاج شیخ عبد الرحیم پس از فراغت از تحصیل از نجف اشرف بکرمانشاه مراجعت نموده و تا آخر عمر در این بلد مشغول تدریس و حل و فصل امور بوده و در (تصویر شماره ۴۴) آیت الله حاج شیخ عبد الرحیم کرمانشاهی

جمادی الاولی سنه ۱۳۰۵ برحمت ایزدی پیوسته و جنازه ایشان را بنجف اشرف حمل نموده و در

##PAGE=134##

جوار مولی امیر المومنین مدفون گردیده. مرحوم سید محسن جبل عاملی در شرح احوال این فقیه عالیمقام می‌نویسد:

الشیخ عبد الرحیم ابن آقا عبد الرحمن الكرمانشاهی ولد فی کرمانشاه ذی القعدة ۱۲۲۳ و توفي فی جمادی الاولی سنه ۱۳۰۵ فی کرمانشاه قره علی الشیخ ابن الشیخ جعفر صاحب کشف الغطاء و بعد وفاة علی صاحب الجواهر و اغلب تلمذته علی الشیخ حسن قال فی حقه الملا محمد الايروانی (بحر العلم المتلاطم بالفضائل امواجه و فحل الفضل الناتجه لديه افرادة و ازواجه طود المعارف الراسخ ...) یروی بالاجازه عن صاحب الجواهر و یروی ایضا عن الشیخ علی بن الشیخ محمد ابن صاحب الجواهر عن جده صاحب الجواهر و یروی بالاجازه عن السيد صاحب البرهان القاطع عن شیخه صاحب الجواهر عن مشایخه، له من المؤلفات؛ لمعات الانوار فی فقه اهل البیت الاطهار راینامنه ثلاث مجلدات فی العبادات و المعاملات عند ولده الشیخ هادی فی کرمانشاه و له شرح علی منظومه الطباطبائی سماه کشف الاسرار و رفع الاستار راینامنه خمس مجلدات عند ولده المذكور و له عدة رسائل اخرى و له مجمع المسائل فی عدة مسائل فقهیه و اصولیه و له شرح منظومه السيد مهدي القزوينی فی الاصول شرحا وافیا و له رسالة فی صلح المطلقه رجعیا عن حق الزوج و فی رجوع المختلفه بالبذل جد تزوج الخالع باختها او بالخامسه و فی انه هل يجوز تزوج اخت المتمتع بها بعد

انقضاء مدتها في اثناء العده و رساله في استعمال اواني الذهب و الفضة و رساله في كيفية زيارة العاشورا، و له كتاب دقايق الاصول في مجلد.^{۹۴}

مرحوم حاج آقا بزرگ تهرانی می نویسد: الشیخ عبد الرحیم الکرکوتی، هو الشیخ عبد الرحیم بن المولی عبد الرحمن بن مولی عبد الاحد بن المولی عبد الجلیل الکرکوتی الاصل عالم کامل و فقیه فاضل کان جده الاعلی عبد الجلیل من العلماء الزهاد و من تلامیذ الوحید البهبهانی ولد المترجم له فی کرمانشاه فی سنه ۱۲۲۲ و نشاء فقرء مقدمات العلم ثم هاجر الی النجف الاشرف فحضر علی الشیخ محمد حسن (صاحب الجواهر) حتی صرح باجتهاده و حضر علی غیره ایضا و له اجازات اخرى من الشیخ راضی النجفی و الشیخ مهدی کاشف الغطاء و السید علی نقی الحائری و السید علی بحر العلوم ثم عاد الی مسقط راسه فقام بالوظائف الشرعیه و اشتغل بالخدمات الدینیة و التالیف الی ان توفی فی سنه ۱۳۰۵ هجریه و له آثار منها (لمعات الانوار) فی الفقه کتب استاده صاحب الجواهر علی ظهر المجلد الثانی منه تقریظا صرح فیہ باجتهاده و (کشف الاسرار) فی شرح الدرہ للسید بحر العلوم و لم یکمله خاتمه ولده الشیخ هادی و سماه (ارشاد الانظار) و له (سر الاسرار) مقتل بالفارسیه طبعه ولده المذكور و (دقايق الاصول) فی تمام مباحثه ذکرناه (فی الذریعه) [ج ۸ ص ۲۳۳] و قد لقب المترجم له هنا بالکرمانی بدلا عن الکرمانشاهی غلطا و (شرح

##PAGE=135##

منظومه السید مهدی القزوینی) فی الاصول و (مجمع المسائل) جمیع فیہ ۲۲ مسئله مغضله و (الاثنی عشریه) فی شرح بعض الاحادیث و الآیات و (رساله فی الربا) و له حواشی علی عدد من کتب الدراسة المتداوله و ترجمه نجاه العباد فی مکتبه امیر المومنین ع و ولده الاکبر الشیخ عبد العلی کان من تلامیذ الشیخ میرزا حبیب الله الرشتی فی النجف و توفی بعد والده بایام و نقلا الی النجف و دفنا بوادى السلام و ولده الثانی الشیخ هادی المذكور ولد فی سنه ۱۲۸۸ و الثالث الشیخ مرتضی (ظهر العلماء) ولد فی سنه ۱۲۹۳ ه.^{۹۵}

آیت الله شیخ عبد العلی جلیلی کرمانشاهی آیت الله حاج شیخ محمد هادی جلیلی کرمانشاهی

مرحوم حاج شیخ عبد الرحیم دارای سه فرزند ذکور بوده اول آنها مرحوم شیخ عبد العلی متولد سنه ۱۲۷۳ در شهر جمادی الثانی و متوفی ۱۳۰۵ مغفورله از شاگردان مرحوم میرزا حبیب الله رشتی و آقا شیخ هادی تهرانی بوده و از اعظم علماء نجف من جمله؛ ملا محمد ایروانی دارای اجازات اجتهد مفصل بوده که باجتهاد و فضیلت آن مرحوم تصریح نموده اند، مرحوم شیخ عبد العلی پس از چند روز بعد از وفات پدرش برحمت ایزدی پیوست و جنازه پدر و پسر را در یکروز بنجف اشرف منتقل نمودند.

فرزند دوم حاج شیخ عبد الرحیم؛ آیت الله حاج شیخ محمد هادی جلیلی کرمانشاهی است که در ۱۳ شعبان ۱۲۸۸ در کرمانشاه متولد شده پس از تحصیل مقدمات ادبیه و سطوح فقهیه بدار العلم نجف اشرف مهاجرت نموده و از محضر استاد آخوند ملا محمد کاظم خراسانی (صاحب کفایه الاصول) و شیخ الشریعه اصفهانی سالهای متمادی استفاده برده و

^{۹۴} (۱) - اعیان الشیعه، ج ۷، ص ۴۶۶.

^{۹۵} (۱) - نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، ص ۱۱۰۵، مطبعه سعید مشهد.

در سال ۱۳۱۶ به کرمانشاه مراجعت نموده و بامور تدریس و قضاء اشتغال داشته، شیخ الشعراء فقید کرمانشاهی شادروان حاج مرتضی مهدوی درباره اقدامات علمی و مذهبی و اجتماعی آن شادروان می‌نویسد:

(از بدو مشروطیت بطوریکه یاد دارم، حوزه درس و بحث علمی و تدریس علوم قدیمه در کرمانشاه متروک شده جمعی از آقایان روحانیان نیز آقازادگان خود را برای احراز مقام روحانیت تربیت نمی‌کردند و در این اواخر نامی از طلبه و طلاب شنیده نمی‌شد، تا این که پس از شهریور ۱۳۲۰. ش با اصرار مرحوم آیت الله آقای آقا سید ابو الحسن (طاب ثراه)، حضرت آقای حاج شیخ محمد هادی در مدرسه حاج شهباز خان، به تأسیس حوزه طلاب پرداخته با مساعدت جناب آقای حاج شیخ حسن علامی و سایر اهل علم در این شهر مدرسه علوم قدیمه دائر گشت و آقایان تجار و

##PAGE=136##

(تصویر شماره ۴۵) آیت الله حاج شیخ محمد هادی جلیلی کرمانشاهی

مالکین شهر نیز بودجه آنرا از محل سهم امام با اجازه مرحوم آیت الله [آقا سید ابو الحسن] (طاب ثراه) عهده‌دار شدند، ولی متأسفانه بعضی از [افراد] خوش‌قول امضاء خویش را محترم نشمرده، از پرداخت مقرری خودداری نمودند، لذا این مؤسسه هم که تاکنون با خون‌دل و زحمات طاقت‌فرسا برپا مانده است رو بزوال می‌رود، با وجود همه این ناملایمات و ناامیدیه‌ها، امیدواری کامل داریم که خداوند تبارک و تعالی دین و مروجین اسلام را پشتیبان است. مثل اینکه از هفتاد و هفت سال قبل یعنی از سال ۱۲۸۸ قمری خداوند وجود مبارک آیه الله حاج شیخ هادی جلیلی (مدظله العالی) را برای ما نگاهداری نموده است و باز هم در زوایای این شهر یا شهرهای دیگر ودایعی دارد که دین او را حفظ نمایند، این مرد بزرگ پس از خاتمه تحصیلات در کرمانشاه برای تکمیل سطوح و فراگرفتن درس خارج و أخذ گواهی‌نامه اجتهاد به نجف اشرف رهسپار می‌گردد، پس از چندین سال توقف در عتبات و کسب فیوضات علمی از محضر علماء بزرگوار مانند؛ مرحوم آخوند ملا کاظم خراسانی و مرحوم شریعت اصفهانی به أخذ اجازه تصدیق اجتهاد به کرمانشاه مراجعت می‌فرماید و تا امروز در حدود پنجاه (۵۰) سال است؛ که وجود مبارک ایشان متصدی امور شرع و مرجع تظلمات و ملجاء عوام و خواص بوده‌اند و در زمان انقلابات و تحولات تاریخی چه در زمان استبداد و مشروطه یا

##PAGE=137##

اعتدال و دمکرات و احزاب مختلفه دیگر تاکنون حتی در موقع ورود بیگانگان؛ عثمانی‌ها، آلمانی‌ها، روس‌ها، انگلیس‌ها و ... ملاذ و پناه مردم بودند و هیچگاه ساحت مقدسش آلوده به لوث این انقلابات نگردیده است.

در اوایل سال ۱۳۱۵. ش بود که اوضاع رقت‌بار دینی این شهر مرا [مهدوی] بر آن داشت که بحضور محترم ایشان شرفیاب [شوم و] پیشنهاد اصلاحی نمایم؛ معظم له را (...) مأیوس دیدم با وجود اینکه حق به جانب ایشان بود، اصرار نمودم تا اینکه با تمام پیشنهادات این بنده موافقت فرموده از عموم طبقات مردم این شهر دعوت بعمل آمده مجالس به نام هیئت علمیه تشکیل گردید، برای انجام سه امر مهم:

اول- تشکیل دار التبلیغ در شهر برای نشر حقایق مذهبی و جلوگیری از سم‌پاشی‌های بعضی از دسته‌های مخالف و مروج مذهب ماتریالیسم دیالکتیک و داروینیسیم که در گوشه و کنار مشغول فعالیت‌های مسموم‌کننده بودند و افکار جمعی را متشتت و خراب می‌نمودند.

دوم- تأسیس یک دبستان ملی و مذهبی که در ضمن برنامه دولتی یکدوره مختصر اصول عقاید و تاریخ ائمه اطهار و پیغمبران تدریس شده، نوآموزان را به آداب و رسوم مذهبی آشنا نمائیم و همچنین یکدوره فروع دین را با دقت در عمل به ارکان آن به دانش‌آموزان آموخته که مؤدب به آداب دینی گردند و تولید فساد در جامعه نشود.

سوم- برای آشنا ساختن اهالی دهات و قصبات به معارف دینی، مبلغین و معلمین مذهبی از طرف هیئت علمیه تشکیل شود و عملیات آنان طرف کنترل و بررسی قرار گیرد که تبلیغات سوء و آشوب‌طلبی در آنان اثری نداشته، مالکین و رعایا هریک وظایف مشخصه خویش را مطابق دین اسلام و مذهب جعفری دریافته از فحشاء و دزدی و نفاق که نتیجه بی‌دیانتی است جلوگیری شده، مردم فارغ‌البال و آسوده خاطر گردند، تمام اهالی شهر از وضع و شریف، خرد و کلان این پیشنهاد را پسندیدند ولی بعضی از [...] که منافع مادی را به سود اجتماع و روحانی ترجیح دادند، دعوت ما را نپذیرفتند در جلسات حضور و حال آنکه چندین بار دعوت کتبی از طرف آقای آیه الله [حاج شیخ هادی] بعمل آمد، بالاخره پس از جلسات متعدد که در عصرهای پنجشنبه با حضور تمام علما و روحانیون این شهر تشکیل یافت؛ چنین مقرر گشت که: از قرار هرتن گندم پانزده (۱۵) ریال و هرتن جو هفت و نیم (۷/۵) ریال در مقابل قبض رسمی که از طرف هیئت علمیه صادر می‌شود، بحضور آقای آیه الله [حاج شیخ هادی] تقدیم داشته تا پس از جمع‌آوری وجوه اقدام لازم در پیشرفت امور سه‌گانه فوق بعمل آورند، ولی هنوز تمام وجوه وصول نگردیده و مالکین تعهدات خویش را درباره ساختن حمام و مساجد در دهات انجام نداده‌اند، بدیهی است در سال آتی نتیجه اقدامات و صورت وجوه پرداختی و نام اشخاصی که در این راه برای پیشرفت اسلام کمکهای مساعد نموده‌اند، در سالنامه درج خواهیم کرد، و عکس حمام‌ها و مساجدی که در دهات ساخته‌اند به ضمیمه شرح حال

##PAGE=138##

بنیان آن گراور خواهیم کرد، بالله التوفیق و علیه التکلان.^{۹۶}

مرحوم آیت الله آقا شیخ هادی در اخلاق و عرفان اجتماعی علاوه بر ملکات فاضله علم و تقوی تالی حاج شیخ هادی نجم‌آبادی بود، چنانکه تمامی مردم منطقه از هردین و مذهب و فرقه‌ای در بحران‌های زندگی، ملاذ و ملجائی جز آستان روحانی آن بزرگوار نمی‌یافتند، گره‌گشای خلاق بود و بزرگوارتر از آن که در طوفان حوادث سیاسی و جهانی غبارآلودگی‌ها بر حریم آستانش بنشیند، در غوغای جنگ جهانگیر دوم، همچون زعیمی واقعی به یاری مؤمنان باهمت شهر دست رد بر خوان میهمان‌کش نماینده سیاسی بریتانیا نهاد و در مشروطیت و جنگ جهانگیر اول امید همیشه خدمتگذار جامعه محروم بود.

پس از دائر شدن اداره ثبت اسناد و انتقال امر قضاوت بدادگستری مبادرت بتشکیل حوزه علمیه کرمانشاه نموده و بدستور مرجع تقلید وقت مرحوم آیت الله سید ابو الحسن اصفهانی سرپرستی طلاب را طبق مدرک موجود عهده‌دار

^{۹۶} (۱) - مرتضی مهدوی، سالنامه غرب ۱۳۲۶، ص ۴۷.

گشته، مرحوم حاج شیخ محمد هادی تألیفات زیادی در فقه و اصول از خود بیادگار گذاشته که اهم آنها در فقه عبارت است از ارشاد الانظار، ۲ جلد کتاب طهاره، ۱ جلد رساله در قضا، ۱ جلد رساله در سلام رساله در مزارعه و مسافات، رساله در تقابل اوصاف باعواض، رساله در حرمان زوجه از بعض مایترک زوج- رساله در حبوه- رساله در مضاربه و شرکت- رساله در تقلید اعلم و جواز و عدم جواز تقلید- رساله در صدقات مستحبیه- رساله در جواز و عدم جواز صلح حق رجوع و فرق بین حق و حکم در اصول، رساله در مشتق- رساله در اجتماع امر و نهی- رساله در مسئله ضد و ترتب- رساله در اصل برائت- رساله در حجیت ظن- رساله در تعادل و ترجیح- رساله در تفسیر بسم الله- کتاب سرالاسرار در مصیبت.

آیت الله حاج شیخ محمد هادی در دوم فروردین ماه ۱۳۳۷ مطابق دوم رمضان المبارک ۱۳۷۷ ق در وقت انجام فریضه ظهر در نجف اشرف برحمت ایزدی پیوست و جنازه آن مرحوم را طی تشریفات کم سابقه ای در وادی السلام بخاک سپردند.

مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد هادی جلیلی دارای چهار فرزند ذکور بوده بنام های مرحوم حاج بحر العلوم و مرحوم استاد محمد حسین جلیلی و دکتر عبد الحمید جلیلی و آیت الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی.

آیت الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی که در نوزدهم جمادی الثانیه ۱۳۴۲ مطابق با سال ۱۳۰۲ شمسی در کرمانشاه متولد شده علوم جدید را تا درجه لیسانس از دانشکده حقوق تهران پایان رسانده و علوم قدیمه را در بلده طیبه قم شروع نموده و ادبیات و سطوح عالی را از محضر اساتید بزرگ حوزه چون؛ آیت الله میرزا محمد مجاهدی تبریزی و آیت الله شهاب الدین مرعشی بیابان

##PAGE=139##

رسانده و در درس خارج فقه آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی و خارج اصول آیت الله حاج آقا روح الله خمینی حدود ده سال حاضر گشته و سپس برای تکمیل تحصیلات و استفاده از اساتید بزرگ نجف اشرف بعراق عزیمت نموده و حدود ۶ سال در بحث فقه آیت الله شیخ حسین حلی و بحث اصول آیت الله میرزا باقر زنجانی و آیت الله میرزا حسن موسوی بجنوردی حاضر گشته و از طرف علماء و اساتید بزرگ نجف بأخذ جواز اجتهاد نائل آمده که فتوکپی عین اجازات اعلام نجف در آخر جلد دوم (کتاب التعلیقہ القصوی) که از آثار نفیس معظم له است موجود می باشد، آقای حاج شیخ عبد الجلیل بامر مرجع تقلید وقت آیت الله العظمی آقای بروجردی در ۹ ذیحجه الحرام ۱۳۷۷ ق. بسرپرستی حوزه علمیه کرمانشاه منصوب گردیده و مدت بیست و پنج سال در اداره امور طلاب و تدریس آنان زحمات زیاد متحمل گردیده آثار علمی ایشان؛ حاشیه استدلالی بر العروة الوثقی بنام التعلیقہ القصوی در دو جلد، کتاب قضا و شهادات و رساله در صلوٰه مسافر و رساله در منجزات مریض است آثار خیریه معظم له تجدید بناء مسجد والدش (حاج شیخ محمد (تصویر شماره ۴۶) آیت الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی کرمانشاهی

هادی) و تجدید بنا حسینیه (آیت الله جلیلی) و تأسیس کتابخانه معظم در آن حسینیه و تشکیل

##PAGE=140##

موسسه خیریه و موقوفه پاساژ قصر و توسعه مسجد مرحوم آیت الله بروجردی بصورت فعلی میباشد و فقه الله تعالی فی اموره.

آیت الله حاج شیخ عبد الجلیل زنگنه، مقتدرترین روحانی نافذ القول کرمانشاهان پس از درگذشت آیت الله حاج شیخ هادی جلیلی (۱۳۳۷ شمسی) بود و در منطقه عشایر و اهالی و شهری و روستایی و اداری و بازاری احترامی زائد الوصف برای ایشان قائل بودند، سخنش در مسائل اجتماعی و سیاسی و مذهبی مؤثر و در بیان اندیشه‌اش قاطع و در مقابل دولت مردان بی‌اعتناء بود و به همین جهت مأموران امنیتی و اطلاعات کشور از آزدن و مخالفت با نظرات اصلاحی وی پرهیز داشتند، در امور فرائض و احکام و امر به معروف و نهی از منکر دقیق و در انجام مراجعات اهالی کوشا بودند و به همین جهت در آغاز حرکت نهضت اسلامی از سال ۱۳۴۰ شمسی همگام با امام راحل (ق) گام برداشت و از جمله مجتهدین واجد الشرائطی بود که فتوی بر سلامت و رعایت مقام مرجعیت امام (ق) از سوی بیدادگاه‌های شاه را امضاء نمود و در سفری به ترکیه با حضرت امام (ق) (تصویر شماره ۴۷) آیت الله جلیلی پیشاپیش تظاهرات مردمی در کرمانشاه سال ۱۳۵۷

ملاقات کرد و با آنحضرت ارتباط کامل داشت، با عزیمت حضرت امام (ق) به پاریس زعامت اهالی را در پیوستن به نهضت انقلاب اسلامی با توانایی تمام به عهده گرفت و دریای خروشان مردم

##PAGE=141##

منطقه از شیعه و سنی و اهل حق و ... با وی همزمان و همدل گشته قدم در راه گذاشتند، و واسطه امر و نهی امام (ق) در استان با اهالی و پشتوانه‌های انقلاب محسوب می‌شدند، مکاتبات و تلگرافها و پیام‌های حضرت امام (ق) با ایشان در مجلدات مختلف و متعدد اسناد انقلاب اسلامی و مطبوعات آنزمان به تفصیل مندرج است، در ورود حضرت امام (ق) به میهن در زمره مستقبلین متقدم بودند و به حکم آن حضرت به تشکیل کمیته انقلاب اسلامی پرداختند.

با سازماندهی ارگان‌ها و ایجاد محیط مناسب برای استقرار آرمان‌های انقلاب، رخت به تهران کشانید، و تمام ایام خویش را به مطالعه و تألیف و تدریس مقطعی در بعضی از حوزه‌های ایران اسلامی می‌گذراند و حاصل قریب بیست سال مطالعه فقهی و اصولی و تفسیری و ... بر پایه تحصیلات ارجمند حوزه و دانشگاه و مرتبه اجتهاد و استعداد ذاتی، در بین علماء برجسته معاصر که علم را بر عنوان مرجع می‌دانند، مشارالیه بین الاقران و ارکان خاندان محسوب می‌شوند.

سایر برجستگان علماء خاندان جلیلی

حاج آقا جمال الدین جلیلی

- فرزند عالم متقی حاج آقا محمود بن آیت الله آقا عبد الرحمن جلیلی، از روحانیون محترم و پرهیزگار و شایسته خاندان جلیلی، ملقب به مؤید الاسلام، روزگار به انزوا می‌گذرانید و در اخلاق حسنه و تواضع زبانزد بود، در ایام کهولت در شهر مقدس قم سکونت اختیار کرد و در جوار آستان حضرت فاطمه معصومه در سن ۸۲ سالگی در سال ۱۳۴۲ شمسی برحمت ایزدی پیوست و در (مقبره ابو حسین) مدفون گردید. رحمه الله علیه

- ملقب به ظهیر العلماء (متولد ۱۲۹۳. ق) فرزند آیت الله آقا عبد الرحیم جلیلی زنکنه، تحصیلات متداول را در حوزه علمیه کرمانشاه آغاز و مراحل بایسته را به اقتضای استعداد طی نموده، در مسائل سیاسی و اجتماعی دوران مشروطیت و پس از آن دخیل بود و از جمله سردمداران در آن ایام شمرده می‌شد، اهل شعر و ادب بود و (ظهیر) تخلص می‌کرد، در دوران آغاز تشکیلات اداری سیستم نوین بعد از انقراض قاجاریه، مدتی در کرمانشاه سردفتر اسناد رسمی بود و سپس در سال ۱۳۱۹ شمسی به مشهد مقدس عزیمت و در بخش موزه آستان قدس رضوی به خدمتگزاری حضرت ثامن الحجج کمر بست تا به افتخار تقاعد بازنشستگی نائل گردید، در سالهای پس از ۱۳۲۰ شمسی در کرمانشاه برحمت ایزدی پیوست و جسد آن مرحوم پس از تشییع شایسته به نجف اشرف انتقال داده شد، رحمة الله علیه.

آیت الله حاج آقا مصطفی جلیلی

- فرزند آقا شیخ مرتضی جلیلی کرمانشاهی از علماء اعلام و حجج اسلام و دانشمندان با متانت و برجسته حوزه علمیه قم که نماز صبح را در مسجد موزه آستانه مقدسه فاطمیه علیها سلام اقامه می‌کرد و امام جماعت بود، و بهنگام عدم حضور آیات بجای ایشان امامت و نیابت می‌فرمود. حاج آقا مصطفی جلیلی در ذیقعدة الحرام در سال ۱۳۱۹. ق در کرمانشاه

##PAGE=142##

متولد گردید و در عهد تربیت والد ماجد نشو و نما یافته و مقدمات و سطوح اولیه را در کرمانشاه تحصیل نمودند، بسال ۱۳۳۹. ق به نجف اشرف عزیمت و تا سال ۱۳۴۹. ق بمدت دهسال در محضر آیات عظام به استفاده و تلمذ پرداخته در همین سال به دیار مقدسه قم مهاجرت، مدت هفت سال را در درس خارج اصول و فقه اعظام آیات گذرانیده و بیست سال از ابحات فقه و اصول مرحوم آیت الله حجت و بطور همزمان قریب پانزده سال بمواظات استماع و استنباط ابحات فقه و اصول از دروس مرحوم آیت الله العظمی بروجردی بهره‌مند شده و به پشتوانه استعداد ذاتی و پیشینه آبابی و سالها تحصیل مطلوب به تدریس فقه و اصول پرداختند، آیات عظام گذشته قم و نجف اشرف مراتب علمی و اجتهاد معظم له را تصدیق نموده و اجازاتی که برای ایشان صادر شده است و مؤلف کتاب گنجینه دانشمندان آنرا رویت و مطالعه کرده می‌نویسد: حقا ایشان واجد مقام علم و کمالات نفسانی و ملکات معنوی و از افراد موفق می‌باشد.

(تصویر شماره ۴۸) از چپ: آیت الله حاج آقا شجاع الدین جلیلی، آیت الله حاج شیخ حسام الدین جلیلی

و درباره آثار علمی حاج آقا مصطفی جلیلی آورده است که: آثار علمی ایشان که حقیر [محمد شریف رازی] دیده‌ام، به قرار زیر است: ۱- رساله قاعده لاضرر که تقریر درس مرحوم آیت

##PAGE=143##

الله حجت است. ۲- حواشی بر کفایة الاصول ۳- حواشی بر جواهر الکلام ۴- حواشی بر عروة الوثقی ۵- حواشی بر منظومه سبزواری.

آیت الله حاج آقا شجاع الدین جلیلی

- ابن حجة الاسلام حاج شیخ بهاء الدین معروف به نظام العلماء ابن مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد صالح جلیلی کرمانشاهی از علماء اعیان و مشهور استان کرمانشاه و عالمی متین و باوقار و اخلاقی بودند.

تولدشان در اول محرم سال ۱۳۱۸ ق در شهر کرمانشاه واقع شد، و پس از گذراندن دوران کودکی در دامن والد ماجدش خدمت مرحوم آقا شیخ حسن کربلایی و آقا شیخ احمد نجفی کرمانشاهی؛ مقدمات و سطوح را به پایان رسانیده و در سال ۱۳۳۹ عزیمت بنجف اشرف نموده و از دراسات فقه آیه الله العظمی اصفهانی و اصول آیه الله آقا ضیاء الدین عراقی و حکمت و معقول را خدمت عالم جلیل مرحوم آقا شیخ مرتضی طالقانی که یکی از اوتاد و زهاد عصر خود بود استفاده نموده‌اند.

و بعد از پنجسال اقامت و مجاورت بواسطه اغتشاش اوضاع عراق و تبعید آیات عظام نجف بایران اجباراً بوطن خود برگشته و مدت یکسال توقف و در خلال آن مشرف بمکه شده و بعد از مراجعت بقم آمده و از محضر مرحوم آیه الله العظمی حایری یزدی و آیه الله یثربی و آیه الله حاج شیخ ابو القاسم اصفهانی مدت یکسال بهره‌مند گردید.

و در سال ۱۳۴۶ مجدداً بنجف مهاجرت تا سال ۱۳۵۰ توقف و از محضر آیتین اصفهانی و عراقی مستفیض شده و پس از رسیدن بمقام شامخ اجتهاد و دریافت اجازه بکرمانشاه بازگشته و بانجام وظائف دینی و روحی از قبیل اقامه جماعت و تعلیم و تربیت عده‌ای از محصلین کرمانشاه اقدام نموده و در سال ۱۳۸۵ ق اقدام بتاسیس مدرسه علمیه (عماد الدوله) که در شرف انهدام بود قیام نموده و آنجا را مسکن طلاب قرار داده که تا هم‌اکنون از مدارس دائر کرمانشاه و سالها در تحت سرپرستی فرزند برومندش حاج آقا حسام الدین اداره می‌گردید.

وی در روز یکشنبه دوم ربیع الثانی ۱۳۹۳ ق دار فانی را وداع گفته و با تجلیل فراوان تشییع و حمل بقم گردیده و در آنجا نیز عموم مراجع و آیات عظام و حوزه علمیه تشییع نموده و در مقبره فاطمیه بین مسجد اعظم و صحن عتیق مدفون گردیدند.^{۹۷}

در رحلت ایشان، بحجت شهرت و توجه اهالی و احساس وظیفه مسئولان، سران کشوری و لشگری به تشییع آمدند و مهندس سید جواد شهرستانی استاندار وقت کرمانشاه که خود از خانواده روحانیت بود، در مراسم مکرر شرکت نموده، در شهرهای شیراز و قم و تهران و کرمانشاه جلسات یادبود برای ایشان از سوی مجالس و مساجد و هیأت دینی برگزار گردید.^{۹۸}

##PAGE=144##

مؤلف گنجینه دانشمندان در زمان تألیف آن کتاب که به سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بازمی‌گردد، درباره مرحوم آیت الله آقا شجاع الدین جلیلی می‌نویسد: آن مرحوم دانشمندی بود خلیق و اجتماعی و خوش برخورد [مسئولان نسبت به ایشان احترامی خاص قائل بودند] و از این جهت سفارشات و توصیه‌های آن مرحوم مورد قبول و بدین وسیله خدمت

^{۹۷} (۱) - گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۴۱۸.

^{۹۸} (۲) - روزنامه اطلاعات، سه‌شنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۲ / روزنامه اطلاعات، ۳۰ / ۲ / ۵۲ / اطلاعیه جلسات اسلامی - شیراز ۱۹ / ۲ / ۵۲ - ربیع الثانی ۱۳۹۳ و ...

به مردم مبتلا و گرفتاران می نمود، ولی محسود اقران خود از بیگانه و خویشان بود و شنیدم در موقع رحلتش دستور داد لباس ویرا مرتب نموده و مؤدب باشند و گفته بودند؛ آقایم حضرت علی (ع) تشریف می آوردند پس با حال خوشی بدیدار جانان شتافت، رحمة الله علیه.^{۹۹}

از آثار مرحوم آیت الله آقا شجاع الدین جلیلی؛ ۱- تقریرات دوره کامل فقه آیت الله اصفهانی به نام (درر الفقیه) ۲- دوره اصول آقا ضیاء الدین عراقی به نام (درر النجفیه) ۳- رساله‌یی در لاضرر ۴- کتابی در توحید ۵- کتابی در اثبات امامت و ولایت ۶- مجموعه‌ای از تمام مجالس منبر آن مرحوم در ماه مبارک رمضان و دهه عاشورا.

آیت الله شیخ حسام الدین جلیلی؛

فرزند آیت الله حاج شیخ شجاع الدین، در سال ۱۳۴۹. ق در نجف اشرف متولد و در سال ۱۳۵۰. ق با مرحوم والدش به کرمانشاه آمده، بعد از طی دوران کودکی در مدارس ابتدایی و متوسطه مشغول به تحصیل گردید، در روز عید فطر سال ۱۳۶۶. ق در سن هفده سالگی در لباس مقدس روحانیت وارد و بخواندن مقدمات و ادبیات عرب نزد مرحوم والدش پرداخته و تا مقداری از سطوح را در کرمانشاه خوانده و در سال ۱۳۷۱. ق به قم مهاجرت و بقیه سطوح را در خدمت آیات حاج شیخ محمد تقی ستوده اراکی و آقا میرزا علی آقا مشکینی و آقا شیخ جواد تبریزی و آیت الله حاج سید محمد باقر سلطانی و معقول را در محضر مرحوم آیه الله حاج شیخ محمد فکوری تحصیل نمود.

پس از تکمیل سطوح از درس خارج آیت الله العظمی بروجردی و آیت الله العظمی امام خمینی و پس از فوت مرحوم آقای بروجردی از محضر آیت الله تبریزی و مقداری از حوزه درس آیه الله العظمی مرعشی نجفی و آیت الله العظمی گلپایگانی استفاده نموده و در سال ۱۳۸۹. ق بواسطه مریضی و کهولت مرحوم والدش حسب الامر مراجع عظام به کرمانشاه برگشته و تصدی امورات شرعی و علمی و مذهبی مربوط به پدرشان را عهده‌دار گردیدند.^{۱۰۰} اکنون به سبب کسالت و مهاجرت در ایام بمباران‌های جنگ تحمیلی با سایر اهالی به خارج کرمانشاه، ایام را به مطالعه و تألیف و تدریس می گذرانند.

##PAGE=145##

حجة الاسلام و المسلمین آقا صلاح الدین جلیلی

- فرزند آیت الله حاج شیخ حسام الدین و نواده آیت الله حاج شیخ شجاع الدین جلیلی کرمانشاهی، در سال ۱۳۳۷ شمسی در کرمانشاه متولد، تحصیلات ابتدایی و متوسطه را به نحو احسن در مدارس کرمانشاه به پایان رسانید، با اینکه می توانست به تحصیل موفق در دانشگاه‌های کشور ادامه دهد، اما به سبب علاقه ذاتی و رسالت خانوادگی چراغ علوم اسلامی را در خاندان اجل جلیلی به همت خویش روشن نگاهداشته در سال ۱۳۵۷ شمسی در کسوت اهل علم و به لباس مقدس روحانیت درآمد؛ و در پی تحصیلات حوزه‌ای جد بلیغ نمود، مقدمات را در محضر والد ماجد و سپس رسائل و مکاسب را از حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ علیرضا متانت و آیت الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی و

^{۹۹} (۱) - گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۴۱۹.

^{۱۰۰} (۲) - گنجینه دانشمندان، ج ۷، ص ۴۲۰ - ۴۱۹.

مرحوم آقای ربانی تحصیل نموده در عزیمت به شهر مقدسه قم بالغ بر یکسال بمنظور استفاده از محضر استادان اقامت کرده، در تعطیلات ایام جنگ تحصیلی عازم مازندران شدند عزم رحیل را بدل به اقامت کرده در همان دیار، بقیه دروس سطوح را تا مقداری از خارج در خدمت آیت الله حاج شیخ عبد الله نظری و آیت (تصویر شماره ۴۹) حجة الاسلام و المسلمین آقا صلاح الدین جلیلی

الله شیخ مهدی زمانی کیومرثی کسب فیض نموده و سپس به کرمانشاه بازگشتند و هم‌چنان

##PAGE=146##

با مطالعه و تحصیل مداوم با استفاده از حوزه درس اعلام علماء در پی نیل به مقام علمی و دینی در کوشش و اجتهادند، مدتی در مسجد مرحوم آقا شیخ هادی جلیلی (ق) بجای آیت الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی به اقامه نماز جماعت اشتغال داشتند، سپس به همت اهالی و مؤمنین مسجد مرحوم نظام العلماء نیای پدری ایشان بمنظور تبلیغ و تدریس و جماعت تعمیر و احیاء گردید و در مکان مزبور به انجام وظایف علمی و شرعی پرداختند، و در مدرسه علمیه آیت الله العظمی آقای بروجردی (ق) نیز به تدریس مشغول شدند.

حاج آقا صلاح الدین، از جمیع جهات علمی، مذهبی به کردار و گفتار و رفتار شئونات خاندان محترم جلیلی را پاسداری نموده است، وقار و متانت و اصالت را در شخصیت خود جمع داشته و از ارث پیشینیان به عنوان دل خوش نداشته است، بلکه در کمال فروتنی استعداد خدادادی را شمع راه ساخته و طلبه‌گی و تلمذ را پیشه خود قرار داده و در این راه آینده‌ای درخشان برای خود فراهم نموده، و بدین سبب از علاقه و احترام اهالی برخوردار، در بیان سخن بلیغ و منابرش جذاب و علمی و منبعث از مطالعه و تحقیق و در تدریس دارای روش استنباط و استدلال است، در لیالی و ایام محرم و صفر و فاطمیه در منزل خویش مراسم روضه و دعای باصفایی دارد که شکوه و جلال و کوبه مجالس ایام حیات نیای خویش را به عرفان و قناعت و سادگی مبدل ساخته است، این گرمی وجود آخرین چراغ روحانی این خاندان چند صد ساله پس از سیر بزرگانی که حکایت احوال و آثار آنان گذشت، می‌باشد و اقدامش ارزشمند و همتش والاست.

##PAGE=147##

آلوم

##PAGE=149##

(تصویر شماره ۵۰) آیت الله آخوند ملا عبد الرحمن کرمانشاهی

##PAGE=150##

(تصویر شماره ۵۱) از راست حاج میرزا خلیل، آقا محمد صالح، مجتهد کرمانشاهی، حسینقلی خان سلطانی کلهر.

##PAGE=151##

(تصویر شماره ۵۲) از چپ: صدر الشریعه، مظفر الدین، میرزای ولیعهد، امامقلی میرزای عماد الدوله، مؤید الدوله فرزند سلطان مراد میرزا حسام السلطنه، مجتهد جلیلی

##PAGE=152##

(تصویر شماره ۵۳) ۱- آقا شیخ هادی جلیلی ۲- آقا محسن جلیلی ۳- ناظم الشریعه ایستاده از چپ؛ نظام العلماء، مؤید الاسلام، آقا نور الدین، حاج شجاع الدین (کودک)

(تصویر شماره ۵۴) از چپ؛ آقا مصطفی جلیلی، آقا علاء الدین آل آقا، آقا شیخ احمد، نظام العلماء جلیلی، حاج آقا شجاع جلیلی (نجف اشرف)

##PAGE=153##

(تصویر شماره ۵۵) حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا بهاء الدین جلیلی (نظام العلماء)

(تصویر شماره ۵۶) نشست؛ حجة الاسلام و المسلمین آقا شیخ محمد صادق جلیلی - ایستاده؛ آقا سید مهدی مرتضوی، کودک آقا مهدی فرزند آقا شیخ محمد صادق

##PAGE=154##

(تصویر شماره ۵۷) از راست؛ شیخ اسد الله، آقا شیخ هادی،؟؟ راننده دج. نشسته؛ رئیس العلماء دوم، نظام العلماء جلیلی، ایستاده؛ حاج آقا شجاع، کمک راننده (از جمله نخستین خودرو شخصی (دج) به منطقه کرمانشاهان ۱۲۹۸ شمسی)

(تصویر شماره ۵۸) از راست؛ آقا جعفر فیض مهدوی، آقا ضیاء فیض مهدوی، آقا شجاع الدین جلیلی و همراهان از مسئولان استان در بیستون کرمانشاه

##PAGE=155##

(تصویر شماره ۵۹) مراسم روضه خوانی ماه محرم در منزل نظام العلماء جلیلی در کرمانشاه واعظ روی منبر مرحوم آقا شیخ علی علما است

##PAGE=156##

(تصویر شماره ۶۰) آية الله حاج شیخ محمد هادی جلیلی کرمانشاهی هنگام قرائت خطبه عید فطر ۱۳۲۵ شمسی

##PAGE=157##

(تصویر شماره ۶۱) آية الله حاج شیخ هادی جلیلی کرمانشاهی (طاب ثراه)

(تصویر شماره ۶۲) از چپ؛ رفعت السلطنه پالیزی، وکیل الدوله پالیزی، آیه الله حاج شیخ هادی جلیلی، دکتر محمد اعظم زنگنه، نبی خان یآوری (فروردین ۱۳۲۷ شمسی، تهران، شمران، منزل آقای رفعت السلطنه وکیل کرمانشاه هنگام مسافرت حضرت آقا به ارض اقدس مشهد)

##PAGE=158##

(تصویر شماره ۶۳) آقا عبد الجلیل در پنج سالگی، آقا عبد الحمید در سه سالگی، آقا محمد حسین در دوازده سالگی به همراه کربلایی علیخان جلیلیان مربی آقایان جلیلی

##PAGE=159##

(تصویر شماره ۶۴) امام موسی صدر، همراه و همقدم مبارزاتی آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی بهنگام طلبگی به ایشان اهداء نموده است.

##PAGE=160##

(تصویر شماره ۶۵) از چپ؛ آیه الله حاج شیخ حسن علامی، آقای امام سدهی، آیه الله جلیلی

##PAGE=161##

(تصویر شماره ۶۶) از چپ به راست؛ صف اول نفر سوم؛ حجة الاسلام متانت، آیه الله اشرفی اصفهانی (شهید محراب)، آقای فلسفی واعظ، آیه الله جلیلی کرمانشاهی به همراه طلاب و مدرسین مدرسه آیه الله بروجردی کرمانشاه (آذرماه ۱۳۴۵، مدرسه آیه الله بروجردی)

##PAGE=162##

(تصویر شماره ۶۷) مراسم دیدار نمایندگان تجار کرمانشاه از آیه الله جلیلی در بازگشت از سفر حج در مدرسه آیه الله العظمی بروجردی در جمع مدرسین و طلاب مدرسه

##PAGE=163##

(تصویر شماره ۶۸) از چپ براست؛ آقا شیخ محمود اصفهانی، آیه الله اشرفی اصفهانی (شهید محراب)، آقای حاج شیخ باقر غروی، آقای فلسفی واعظ آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی، آقای شیخ حسین امینی شاهرودی (آذر ۱۳۴۵) قصر شیرین، یادگار سفر آقای فلسفی خطیب شهیر به کرمانشاه)

##PAGE=164##

(تصویر شماره ۶۹) آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی در محضر آیه الله العظمی آقای حاج سید محسن طباطبائی حکیم هنگام مراجعت معظم له از مکه معظمه (نجف اشرف، مدرسه آیه الله حکیم، ۲۳ ذیحجه ۱۳۸۷ - سوم فروردین ماه ۱۳۴۷ شمسی)

##PAGE=165##

(تصویر شماره ۷۰) از چپ بر راست؛ آیت الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی، دانشمند فقید شادروان استاد محمد حسین جلیلی (بیدار) مرداد ۱۳۴۹

##PAGE=166##

(تصویر شماره ۷۱) از چپ بر راست، آقای شیخ حسین امینی، آیه الله اشرفی اصفهانی (شهید محراب)، آقای فلسفی واعظ،

##PAGE=167##

(تصویر شماره ۷۲) آیه الله جلیلی و آقای فلسفی واعظ شهر (۱۳۵۰ کرمانشاه)

##PAGE=168##

(تصویر شماره ۷۳) از چپ بر راست؛ آیه الله حاج سید محمد میبدی، آیه الله حاج سید عبد الله شیرازی، آیه الله جلیلی، آقا سید محمود لاری به همراه علماء و طلاب (زمستان ۱۳۵۴ شمسی بهنگام مراجعت آیه الله شیرازی از نجف اشرف در مدرسه آیه الله)

##PAGE=169##

(تصویر شماره ۷۴) سخنرانی آیه الله جلیلی در اجتماع اهالی شهر کرمانشاه (حسینیہ جلیلی پاییز ۱۳۵۷، ایام انقلاب)

##PAGE=170##

(تصویر شماره ۷۵) گوشه‌ای از اجتماع اهالی کرمانشاه در استماع سخنرانی آیه الله جلیلی (حسینیہ جلیلی، اوایل زمستان ۱۳۵۷)

##PAGE=171##

(تصویر شماره ۷۶) ادای فریضه ظهر و عصر به امامت آیه الله جلیلی پس از استماع سخنرانی (حسینیہ جلیلی، اوایل زمستان، ۱۳۵۷ شمسی ایام انقلاب)

##PAGE=172##

(تصویر شماره ۷۷) از چپ بر است؛ رئیس شرکت نفت کرمانشاه، آیه الله جلیلی، آقا سید جواد خرمشاهی به همراه علماء و روحانیون کرمانشاه، آیه الله حاج شیخ محمد رضا کاظمی، آقای حاج شیخ عبد الخالق اصفهانی، حاج آقای زرندی (نماینده کنونی ولی فقیه و امام جمعه محترم کرمانشاه)، آقای علامی، آقای یعسوبی، آقای حاج شیخ بهاء الدین عراقی (شهید) در کنار هم دیده می شوند.

(پیروزی انقلاب، تیر ماه ۱۳۵۸ کرمانشاه)

##PAGE=173##

استاد

##PAGE=175##

سند شماره: چهارده

موضوع: تأیید اجازه اجتهاد و فتوی مرحوم آخوند ملا عبد الجلیل به تصریح علامه سید بحر العلوم (قده) و صاحب ریاض (قده) از حضرت صاحب الامر امام عصر (عج) بانضمام دستخط روئیت و تأیید صحت عبارات و صلابت مقامات علمی مرحوم آخوند ملا عبد الجلیل اول از مرحوم آیت الله سید عز الدین بحر العلوم

تاریخ: ذی الحجه ۸۷ (ق) تأییدیه

مهر: علامه سید بحر العلوم، سید علی صاحب ریاض، عز الدین بحر العلوم

##PAGE=176##

سند شماره: پانزده

موضوع: معافیت کشاورزان هرسم از مرسوم حسابی ایل بیگی و تأمین طوایف دوستوند و الماسوند از قشلاق در مزرعه هرسم (قلعه آخوند)

تاریخ: شعبان ۱۲۱۷ قمری

مهر: و من یتوکل علی الله و هو حسبی؛ عبده فتحعلی بن میر محمد (فتحعلی خان قاجار حکمران کرمانشاهان)

##PAGE=177##

سند شماره: شانزده

موضوع: فرمان به کشاورزان متفرق (فیلی) به استقرار در جمع زارعین آخوند ملا عبد الجلیل

تاریخ: ربیع الثانی ۱۲۱۷

مهر: از خدا جوئیم توفیق ادب (حسن) [حسن خان والی پشتکوه]

##PAGE=178##

سند شماره: هفده

موضوع: تأمین و استقرار کشاورزان املاک آخوند ملا عبد الجلیل

تاریخ: رجب ۱۲۱۷ قمری

مهر: و من یتوکل علی الله و هو حسبی، عبده فتحعلی بن میر محمد (فتحعلی خان قاجار حکمران کرمانشاهان)

##PAGE=179##

سند شماره: هیجده

موضوع: توصیه به رعایت کشاورزان املاک آخوند ملا عبد الجلیل

تاریخ: ربیع الاول ۱۲۱۹ قمری

مهر: بسم الله الرحمن الرحیم؛ **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** ... عبده فتحعلی بن میر محمد؛ (فتحعلی خان قاجار حکمران کرمانشاهان)

##PAGE=180##

سند شماره: نوزده

موضوع: تخصیص و تأمین به کشاورزان املاک آقا عبد الله و آقا عبد الصمد کرمانشاهی

تاریخ: ذی القعدة ۱۲۱۹ قمری

مهر: بسم الله الرحمن الرحیم؛ **قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ** ... عبده فتحعلی بن میر محمد؛ (فتحعلی خان قاجار حکمران کرمانشاهان)

##PAGE=181##

سند شماره: بیست

موضوع: معافیت و مرفوع القلم کشاورزان املاک آخوند ملا عبد الجلیل از مرسومات و مالیه دولتی حسب فرمان فتحعلی شاه قاجار

تاریخ: رجب ۱۲۱۹ قمری

مهر: و من یتوکل علی الله و هو حسبی؛ عبده فتحعلی بن میر محمد (فتحعلی خان قاجار حکمران کرمانشاهان)

##PAGE=182##

سند شماره: بیست و یک

موضوع: واگذاری کشاورزان آخوند ملا عبد الجلیل به فرزندش ملا عبد الله امام جماعت کرمانشاهان و معافیت آنان از مالیات و صادرات و عوارضات حکمی و ولایتی و ملازم

تاریخ: محرم الحرام ۱۲۲۰

مهر:

قرار در کف شاه زمانه فتحعلی (فتحعلی شاه قاجار)

گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی

##PAGE=183##

سند شماره: بیست و دو

موضوع: تأیید فرامین معافیت و برقراری کشاورزان املاک آخوند ملا عبد الجلیل به تصدی و تملیک ملا عبد الله امام جماعت کرمانشاهان

تاریخ: (?) الثانی ۱۲۲۱ قمری

مهر:

مه برج شاهی محمد علی (محمد علی میرزا دولتشاه)

ز فتح علی شد چو خور منجلی

##PAGE=184##

سند شماره: بیست و سه

موضوع: تشویق و تأکید به زراعت و اطاعت کشاورزان قریه هرسم (قلعه آخوند) و حمایت و رعایت مالک و زارع

تاریخ: شعبان المعظم ۱۲۲۱ قمری

مهر:

مه برج شاهی محمد علی (محمد علی میرزا
دولتشاه)

ز فتح علی شد چو خور منجلی

##PAGE=185##

سند شماره: بیست و چهار

موضوع: فرمان کوچ خانوارهای زنگنه کرکوک از قلعه کهنه به مزرعه هرسم و تخصیص آنان به ابو ابجمعی آقا عبد الله و آقا عبد الصمد

تاریخ: جمادی الثانی ۱۲۲۲

مهر:

مه برج شاهی محمد علی (محمد علی میرزا
دولتشاه)

ز فتح علی شد چو خور منجلی

##PAGE=186##

سند شماره: بیست و پنج

موضوع: وصیت آقا عبد الله کرمانشاهی فرزند آخوند ملا عبد الجلیل در سفر مکه معظمه

تاریخ: شعبان ۱۲۲۳ قمری

مهر: لا اله الا الله الحق المبین ابن عبد الجلیل

۱۰۱

۱۰۲ (*) این علماء در کرمانشاهان زعامت علمی و مذهبی داشته امام جمعه و نافذ القول و صاحب کرسی و مسند تدریس بوده‌اند.

۱۰۳ (*) این علماء در کرمانشاهان زعامت علمی و مذهبی داشته امام جمعه و نافذ القول و صاحب کرسی و مسند تدریس بوده‌اند.

۱۰۴ (*) این علماء در کرمانشاهان زعامت علمی و مذهبی داشته امام جمعه و نافذ القول و صاحب کرسی و مسند تدریس بوده‌اند.

۱۰۵ (*) این علماء در کرمانشاهان زعامت علمی و مذهبی داشته امام جمعه و نافذ القول و صاحب کرسی و مسند تدریس بوده‌اند.

۱۸۷۷۲ تاریخ تشیع در کرمانشاه از آغاز تا امروز بانضمام پیشینه اعتقادی در غرب ایران ؛ ص ۱۸۷

سند شماره: بیست و شش

موضوع: واگذاری کشاورزان آقا عبد الله به آخوند ملا عبد الصمد

تاریخ: ربیع الثانی ۱۲۲۴ قمری

مهر:

مه برج شاهی محمد علی (محمد علی میرزا
دولتشاه)

ز فتح علی شد چو خور منجلی

^{۱۰۱} سلطان، محمد علی، تاریخ تشیع در کرمانشاه از آغاز تا امروز بانضمام پیشینه اعتقادی در غرب ایران، ۱ جلد، [بی نا] - تهران، چاپ: اول، ۲۰۰۱ م.

سند شماره: بیست و هفت

موضوع: معافیت کشاورزان قلعه آخوند جمعی آخوند ملا عبد الصمد که به حمایت ایشان ساکن و زارع شده به آبادی محل پرداخته‌اند مرفوع القلم از بیگار و شکار و الحاقات بی حساب

تاریخ: ذیقعه ۱۳۲۷ قمری

مهر:

مه برج شاهی محمد علی (محمد علی میرزا
دولتشاه)

ز فتح علی شد چو خور منجلی

##PAGE=189##

سند شماره: بیست و هشت

موضوع: ممنوعیت از کوچاندن کشاورزان قلعه آخوند به سایر نقاط و معافیت آنان از مرسومات و تأکید به انجام خدمات و اطاعت از آخوند ملا عبد الصمد کرمانشاهی

تاریخ: صفر ۱۲۳۶ قمری

مهر:

(محمد حسین میرزا حشمت الدوله)

دُر درج شاهی محمد حسین

##PAGE=190##

سند شماره: بیست و نه

موضوع: اجراء حکم شرعی در باب تقاضای خدمتکار آخوند ملا عبد الصمد کرمانشاهی

تاریخ: رمضان المبارک ۱۲۳۸ قمری

مهر:

##PAGE=191##

سند شماره: سی

موضوع: توصیه به توشمالان و کدخدایان پشتکوه و پیشکوه به رعایت و مواظبت کشاورزان آقا عبد الاحد کرمانشاهی

تاریخ: صفر ۱۲۴۲ قمری

مهر:

آفتاب افسر و آسمان گاهم

این شاه جهان جهان پناهم

##PAGE=192##

سند شماره: سی و یک

موضوع: اختصاص و انفکاک کشاورزان ملا عبد الاحد کرمانشاهی از امر و نهی و وابستگی به منطقه فیلی پشتکوه

تاریخ: جمادی الاول ۱۲۴۲ قمری

مهر: جاودان فتحعلی ناصر محمود آمد

##PAGE=193##

سند شماره: سی و دو

موضوع: حمایت از خانواران محمودوند دیزگران متعلق به آقا عبد الصمد کرمانشاهی و میرزا سلیم خان زنگنه

تاریخ: جمادی الاول ۱۲۴۳ قمری

مهر: جاودان فتحعلی ناصر محمود آمد

##PAGE=194##

سند شماره: سی و سه

موضوع: وصیت آقا عبد الاحد کرمانشاهی و وکالت فرزند آقا عبد الرحمن از سوی او

تاریخ: شوال ۱۲۴۹ قمری

مهر: عبده عبد الاحد بن عبد الجلیل و ...

##PAGE=195##

سند شماره: سی و چهار

موضوع: فرمان برقراری مستمری آخوند ملا عبد الصمد در حق برادرش آخوند ملا عبد الاحد کرمانشاهی

تاریخ: محرم الحرام ۱۲۵۳ قمری

مهر:

محمد شاه غازی صاحب تاج و نگین آمد

...

##PAGE=196##

سند شماره: سی و پنج

موضوع: تجدید و تأیید فرمان معافیت مالیاتی کشاورزان آقا عبد الاحد کرمانشاهی

تاریخ: ربیع الثانی ۱۲۵۳ قمری

مهر:؟

##PAGE=197##

سند شماره: سی و شش

موضوع: معافیت از مالیات و صادرات حکمی و ولایتی و ملازم کشاورزان و خانوارهای آقا عبد الاحد

امام جماعت کرمانشاهان

تاریخ: محرم ۱۲۵۳ قمری

مهر:

محمد شاه غازی صاحب تاج و نگین آمد

...

##PAGE=198##

سند شماره: سی و هفت

موضوع: فسخ برات و اسناد مالی ادعای دیوانی از آقا عبد الرحمن کرمانشاهی

تاریخ: ۱۲۷۰ قمری

مهر: عماد الدوله

##PAGE=199##

سند شماره: سی و هشت

موضوع: معافیت موقوفات مسجد شفیع خان زند از مرسومات دیوانی

تاریخ: شوال ۱۲۷۸ قمری

مهر: بلند اختر برج شهی امامقلی

##PAGE=200##

سند شماره: سی و نه

موضوع: فرمان بازگرداندن کشاورزان متوقف آقا عبد الرحمن کرمانشاهی از پشتکوه

تاریخ: ربیع الاول ۱۲۸۴ قمری

مهر: بلند اختر برج شهی امامقلی

##PAGE=201##

سند شماره: چهل

موضوع: فرمان به حسینقلی خان سرتیپ والی پشتکوه در اجرای فرمان پیشین

تاریخ: ربیع الاول ۱۲۸۴ قمری

مهر: عماد الدوله

##PAGE=202##

سند شماره: چهل و یک

موضوع: معافیت مستغلات آقا عبد الرحمن کرمانشاهی از دیون دیوانی

تاریخ: جمادی الثانی ۱۲۸۹ قمری

مهر: بنده شاه ولایت طهماسب

##PAGE=203##

سند شماره: چهل و دو

موضوع: اجازه اجتهاد از صاحب جواهر به مرحوم آیه الله حاج شیخ عبد الرحیم کرمانشاهی

تاریخ:؟

مهر: محمد حسن

##PAGE=204##

سند شماره: چهل و سه

موضوع: اجازه اجتهاد و تولی منصب قضاء از محقق شهیر شیخ راضی نجفی (ق) برای آیت الله حاج شیخ عبد الرحیم کرمانشاهی

تاریخ:؟

مهر: راضی بن محمد (۱۲۶۲ قمری)

##PAGE=205##

سند شماره: چهل و چهار

موضوع: اجازه تولیت قضاء و فتوا از قدوة العلماء المتأخرين آقا سيد على طباطبائي صاحب برهان قاطع برای آية الله حاج شيخ عبد الرحيم کرمانشاهی

تاریخ:؟

مهر: على الطباطبائي

##PAGE=206##

سند شماره: چهل و پنج

موضوع: حذف مباشر هرسم و معافیت آن از دایره امور دیوانی

تاریخ: رجب ۱۳۰۹ قمری

مهر: ضياء الدولة (ظهر فرمان)

##PAGE=207##

سند شماره: چهل و شش

موضوع: اجازه اجتهاد از آية الله العظمی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی برای آية الله حاج شيخ هادی جلیلی

تاریخ: جمادی الثاني ۱۳۱۶ قمری

مهر: محمد کاظم

##PAGE=208##

سند شماره: چهل و هفت

موضوع: اجازه اجتهاد از آیت الله العظمی سید ابو الحسن موسوی اصفهانی برای آیت الله حاج شيخ هادی جلیلی

تاریخ: محرم الحرام ۱۳۳۸ قمری

مهر: ابو الحسن الموسوی

##PAGE=209##

سند شماره: چهل و هشت

موضوع: اجازه اجتهاد از آیه الله العظمی شیخ الشریعه اصفهانی برای آیه الله حاج شیخ هادی جلیلی

تاریخ: صفر المظفر ۱۳۳۰ قمری

مهر: (شیخ الشریعه اصفهانی)

##PAGE=210##

سند شماره: چهل و نه

موضوع: نامه آیه الله العظمی آقا سید ابو الحسن اصفهانی به آیه الله حاج شیخ هادی جلیلی بمنظور تأسیس حوزه علمیه در کرمانشاه

تاریخ:؟

مهر: ابو الحسن الموسوی

##PAGE=211##

سند شماره: پنجاه

موضوع: دومین نامه آیه الله العظمی آقا سید ابو الحسن موسوی اصفهانی برای آیه الله حاج شیخ هادی جلیلی درباره تأسیس حوزه علمیه در کرمانشاه

تاریخ:؟

مهر: ابو الحسن الموسوی

##PAGE=212##

سند شماره: پنجاه و یک

موضوع: تلگراف احمد شاه قاجار مبنی بر تقدیر و تشکر از آقا شیخ هادی کرمانشاهی در پذیرایی از آیات عظام عتبات در ورود به کرمانشاهان و اهداء عصای مرصع

تاریخ: ربیع الثانی ۱۳۴۳ قمری

مهر: دفتر مخصوص شاهنشاهی، اخبار تلگرافی کرمانشاه

##PAGE=213##

سند شماره: پنجاه و دو

موضوع: فرمان اهداء سر عصای مرصع از سوی احمد شاه قاجار به آقا شیخ هادی مجتهد کرمانشاهی

تاریخ: صفر ۱۳۴۲

مهر: السلطان احمد شاه قاجار

##PAGE=214##

سند شماره: پنجاه و سه

موضوع: نامه آیه الله العظمی بروجردی برای آیه الله حاج شیخ هادی جلیلی درباره تأسیس حوزه علمیه در کرمانشاه

تاریخ: ربیع الثانی ۱۳۷۶ قمری

مهر: امضاء (حسین الطباطبائی)

##PAGE=215##

سند شماره: پنجاه و چهار

موضوع: جوابیه شاه به شمس ملک آراء استاندار کرمانشاه و اظهار توجه به آیه الله حاج شیخ هادی

تاریخ: آبان ماه ۱۳۲۵ شمسی

مهر: امضاء (شاه)

##PAGE=216##

سند شماره: پنجاه و پنج

موضوع: اجازه و اجتهاد آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی از آیه الله العظمی آقا جمال گلپایگانی

تاریخ: ربیع الثانی ۱۳۷۶ قمری

مهر: جمال الموسوی

##PAGE=217##

سند شماره: پنجاه و شش

موضوع: اجازه و اجتهاد آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی از علامه آقابزرگ تهرانی

تاریخ: ۱۳۷۷ قمری

مهر: آقابزرگ

##PAGE=218##

سند شماره: پنجاه و هفت

موضوع: اجازه و اجتهاد آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی از آیه الله العظمی آقا یحیی مدرس یزدی

تاریخ: ذی القعدة ۱۳۷۷

مهر: الحسنی الحسینی

##PAGE=219##

سند شماره: پنجاه و هشت

موضوع: اجازه و اجتهاد آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی از آیه الله العظمی میرزا آقا اصطهباناتی

تاریخ: ذیقعدة ۱۳۷۷ قمری

مهر: ابراهیم حسینی

##PAGE=220##

سند شماره: پنجاه و نه

موضوع: تولیت مدرسه علمیه کرمانشاه به آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی از آیه الله العظمی بروجردی

تاریخ: نهم ذیحجه ۱۳۷۷ قمری

مهر: حسین الطباطبائی

##PAGE=221##

سند شماره: شصت

موضوع: اجازه تصدی امور شرعی در عصر غیبت حضرت (ع) به آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی از آیه الله العظمی حکیم

تاریخ: رمضان ۱۳۷۸ قمری

مهر: محسن الطباطبائی

##PAGE=222##

سند شماره: شصت و یک

موضوع: اجازه و اجتهاد آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی از آیه الله العظمی آقا سید حسن بجنوردی

تاریخ: ۲۲ رجب ۱۳۷۸ قمری

مهر: حسن الموسوی

##PAGE=223##

سند شماره: شصت و دو

موضوع: اجازه و اجتهاد آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی از آیه الله العظمی آقا حسین حلّی

تاریخ: جمادی الاول ۱۳۷۹ قمری

مهر: الحسین بن علی

##PAGE=224##

سند شماره: شصت و سه

موضوع: تولیت و تصدی مدرسه علمیه کرمانشاه به آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی از آیه الله العظمی حکیم

تاریخ: ۱۴ رمضان ۱۳۸۱ قمری

مهر: محسن الطباطبائی

##PAGE=225##

سند شماره: شصت و چهار

موضوع: تصدی امور شرعیه و حسبیّه آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی از آیه الله العظمی امام خمینی

تاریخ: محرم الحرام ۱۳۸۴ قمری

مهر: روح الله الموسوی

##PAGE=226##

سند شماره: شصت و پنج

موضوع: جوابیه و تقدیر تشکر برای آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی از آیه الله العظمی امام خمینی

تاریخ: ۲۷ محرم الحرام ۱۳۸۴ قمری

مهر: (امضاء) روح الله الموسوی الخمينی

##PAGE=227##

سند شماره: شصت و شش

موضوع: جوابیه آیه الله العظمی امام خمینی به آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی

تاریخ: ۴ ربیع الاول ۱۳۸۴ قمری

مهر: امضاء - روح الله الموسوی الخمينی

##PAGE=228##

سند شماره: شصت و هفت

موضوع: جوابیه آیه الله العظمی امام خمینی به آیت الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی

تاریخ: ۱۳ جمادی الثانی ۱۳۸۴ قمری

مهر: امضاء - روح الله الموسوی الخمينی

##PAGE=229##

سند شماره: شصت و هشت

موضوع: جوابیه آیه الله العظمی امام خمینی به آیت الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی

تاریخ: ۱۴ شوال ۱۳۸۵ قمری

مهر: امضاء - روح الله الموسوی الخمينی

##PAGE=230##

سند شماره: شصت و نه

موضوع: جوابیه و تقدیر آیه الله العظمی امام خمینی به آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی

تاریخ: ۲۲ جمادی الثاني ۱۳۸۵ قمری

مهر: امضاء - روح الله الموسوی الخمينی

##PAGE=231##

سند شماره: هفتاد

موضوع: جوابیه آیه الله العظمی امام خمینی به آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی

تاریخ: ۱۶ ربیع الثاني ۱۳۸۶ قمری

مهر: امضاء - روح الله الموسوی الخمينی

##PAGE=232##

سند شماره: هفتاد و یک

موضوع: تولیت مدرسه علمیه کرمانشاه از آیه الله العظمی امام خمینی به آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی

تاریخ: ذی الحجه ۱۳۸۷ قمری

مهر: روح الله الموسوی

##PAGE=233##

سند شماره: هفتاد و دو

موضوع: تولیت مدرسه علمیه کرمانشاه از آیه الله العظمی خویی به آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی

تاریخ: ذی الحجه الحرام ۱۳۸۷ قمری

مهر: ابو القاسم الموسوی

##PAGE=234##

سند شماره: هفتاد و سه

موضوع: تصدی امور حسبه از آیه الله العظمی امام خمینی به آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی

تاریخ: صفر ۱۳۹۰ قمری

مهر: روح الله الموسوی

##PAGE=235##

سند شماره: هفتاد و چهار

موضوع: تصدی امور شرعی و حسبه و تولیت مدرسه علمیه کرمانشاه از آیه الله العظمی خویی به آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی و توصیه اهالی به تجلیل و تبجیل و احترام ایشان

تاریخ: ربیع الثانی ۱۳۹۰ قمری

مهر: ابو القاسم الموسوی

##PAGE=236##

سند شماره: هفتاد و پنج

موضوع: تقدیر و تشکر آیه الله العظمی امام خمینی از آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی

تاریخ:-

مهر: (امضاء) روح الله الموسوی الخمينی

##PAGE=237##

سند شماره: هفتاد و شش

موضوع: جوابیه آیه الله العظمی امام خمینی به آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی

تاریخ:-

مهر: (امضاء) روح الله الموسوی الخمينی

##PAGE=238##

سند شماره: هفتاد و هفت

موضوع: جوابیه آیه الله العظمی امام خمینی به آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی و قدردانی از اهالی کرمانشاه برای شرکت فعال در نهضت اسلامی

تاریخ: ۱۵ صفر ۱۳۹۹ قمری

مهر: (امضاء) روح الله الموسوی الخمينی

##PAGE=239##

سند شماره: هفتاد و هشت

موضوع: کسب اجازه از آیه الله العظمی امام خمینی توسط آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی

تاریخ: بیست و پنجم آذر ماه ۱۳۵۹ شمسی

مهر: روح الله الموسوی

##PAGE=240##

سند شماره: هفتاد و نه

موضوع: گزارش سخنرانی آیت الله جلیلی درباره اوضاع نابسامان کرمانشاه و ابراز خواسته ملت دال بر بازگشت آیه الله العظمی امام خمینی از تبعید

تاریخ: ۱۵ بهمن ۱۳۴۲ شمسی

مهر: امضاء، افشایی

##PAGE=241##

سند شماره: هشتاد

موضوع: گزارش عکس العمل آیه الله جلیلی با تصویر شاه در مسجد گیوه‌کش‌های کرمانشاه از طریق ساواک

تاریخ: خرداد ۱۳۴۳ شمسی

مهر: امضاء منوچهری

##PAGE=242##

سند شماره: هشتاد و یک

موضوع: گزارش اداره سوم (ساواک) مبنی بر طرفداری آیه الله جلیلی از آیه الله العظمی امام خمینی و تحریک مخالفان رژیم و تقاضای محدودیت و عکس العمل تحرکات ایشان

تاریخ: تیر ماه ۱۳۴۴

مهر: امضاء، شاهین

##PAGE=243##

سند شماره: هشتاد و دو

موضوع: دستورات و تمهید اداره سوم (ساواک) برای تخریب موقعیت مبارزاتی آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی

تاریخ: اسفند ۱۳۴۴ شمسی

مهر: امضاء، شاهین

##PAGE=245##

سند شماره: هشتاد و سه

موضوع: گزارش اعتراض و انتقاد آشکار آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی از دولت و رژیم پهلوی از طریق ساواک

تاریخ: مهر ۱۳۴۵ شمسی

مهر: امضاء، مقدم

##PAGE=246##

سند شماره: هشتاد و چهار

موضوع: گزارش اداره همه جانبه مدرسه علمیه کرمانشاه و جانبداری از آیه الله العظمی امام خمینی توسط آیه الله حاج
شیخ عبد الجلیل جلیلی از طریق ساواک

تاریخ: تیر ۱۳۵۰ شمسی

مهر: امضاء، مقدم

##PAGE=247##

سند شماره: هشتاد و پنج

موضوع: گزارش اقدامات آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی در جریان انقلاب اسلامی

تاریخ: آذر ماه ۱۳۵۷ شمسی

مهر: امضاء، همدانیان

##PAGE=248##

سند شماره: هشتاد و شش

موضوع: اعلامیه علمای کرمانشاهان به تصدی آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی به پشتیبانی از اعلامیه مراجع عظام
قم

تاریخ: آذر ۱۳۵۷ شمسی

مهر: (امضاء علمای کرمانشاهان مندرج در ذیل اعلامیه)

##PAGE=249##

سند شماره: هشتاد و هفت

موضوع: اعلامیه علمای کرمانشاهان به تصدی آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی حسب الامر آیه الله العظمی امام خمینی

تاریخ: آذر ۱۳۵۷ شمسی

مهر: (امضاء علماء کرمانشاهان مندرج در ذیل اعلامیه)

##PAGE=250##

سند شماره: هشتاد و هشت

موضوع: اعلامیه علمای کرمانشاهان به تصدی آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی در اعتراض به مقابله نظامیان و تحریم هرگونه همکاری با استاندار وقت کرمانشاه سیهید پالیربان

تاریخ:-

مهر: (امضاء علماء کرمانشاهان مندرج در ذیل اعلامیه)

##PAGE=251##

سند شماره: هشتاد و نه

موضوع: اعلامیه علمای کرمانشاهان در برگزاری مجلس ترحیم شهدای انقلاب اسلامی کرمانشاه به تصدی آیه الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی

تاریخ: مهر ۱۳۵۷ شمسی

مهر: (امضاء علماء کرمانشاهان مندرج در ذیل اعلامیه)

##PAGE=252##

سند شماره: نود

موضوع: اجازه و اجتهاد آیه الله حاج آقا شجاع الدین جلیلی از آیه الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی

تاریخ: ۲۷ شوال ۱۳۵۰ قمری

مهر: ضیاء الدین العراقی

##PAGE=253##

سند شماره: نود و یک

موضوع: اجازه و اجتهاد آیه الله حاج آقا شجاع الدین جلیلی از آیه الله العظمی سید ابو الحسن اصفهانی

تاریخ: ذی القعدة الحرام ۱۳۵۰ قمری

مهر: ابو الحسن الموسوی

##PAGE=254##

سند شماره: نود و دو

موضوع: تأییدیه آیه الله آقا احمد الحسینی زنجانی برای آقا حسام الدین جلیلی

تاریخ: ۱۳۸۴ قمری

مهر: -

##PAGE=255##

سند شماره: نود و سه

موضوع: اجازه تصدی امور شرعیه و حسبیه از آیه الله العظمی مرعشی نجفی برای آقا حسام الدین جلیلی

تاریخ: جمادی الثانی ۱۳۸۷ قمری

مهر: شهاب الدین حسینی

##PAGE=256##

سند شماره: نود و چهار

موضوع: اجازه امور شرعیه و حسبیه از آیه الله وحیدی برای آقا حسام الدین جلیلی

تاریخ: شعبان ۱۴۰۶ قمری

مهر: محمد بن رضی الحسینی

##PAGE=257##

سند شماره: نود و پنج

موضوع: اجازه امور شرعیه و حسبیه از آیه الله سید مهدی مرعشی برای آقا صلاح الدین جلیلی

تاریخ: رمضان ۱۴۱۵ قمری

مهر: سید مهدی مرعشی

##PAGE=258##

سند شماره: نود و شش

موضوع: اجازه روایت از آیه الله عز الدین حسینی موسوی برای آقا صلاح الدین جلیلی

تاریخ: جمادی الثانی ۱۴۱۶ قمری

مهر: لایقراء

##PAGE=259##

سند شماره: نود و هفت

موضوع: اجازه امور شرعیه و حسبیه از آیه الله سید کاظم مرعشی برای آقا صلاح الدین جلیلی

تاریخ: -

مهر: سید کاظم مرعشی

##PAGE=261##

شجره

##PAGE=263##

شجره خاندان جلیلی زنگنه

علی بن ابراهیم بن محمد بن عمر بن عبد الله بن عمر بن مصعب بن الزبیر بن عوام الصحابی المشهور المعروف صالح بن عبد الله بن محمد بن عمر بن سعد الدّین عبد الدیم بن عبد الله بن الحسن بن ناصر الدین بن مظفر الدّین بن یعقوب بن قوام

الدین بن محمود بن اسمعیل بن عبید الله بن الشیخ سنان القاضی^{۱۰۶} بن شیخ احمد القاضی^{۱۰۷} بن عتاب الزاهد بن علی بن نجم الدین بن کمال الدین بن شجاع الدین الشیخ محمد خلیل^{۱۰۸} بن الشیخ عبد الحمید بن الشیخ عبد المجید بن الشیخ ماجد القاضی

##PAGE=265##

مرحوم آیه الله العظمی مرعشی نجفی در حاشیه شجره خاندان جلیلی زنگنه مرقوم فرموده اند: و اعلم ان عمر بن مصعب انتقل الى الكركوك و بهاء اولاد اعقب و اول من انتقل منهم الى بلاد العجم هو العلامة الاجل الشیخ عبد الجلیل و لیعلم ان الخوانین الزنگنه من ذریة الوزير الامیر الشیخ علیخان من مشاهیر العصر الصفوی منتهی الى یعقوب بن قوام الدین بن محمود و اعلم انی رتبت هذه الشجرة القبی نعنی فی استخراجها من عدّه کتب و فرامین الکتاب ...

[فرازهای تحریرات آن حضرت بدین شرح است]

۱- عمرو بن مصعب در کربک متوطن شده و اعقاب او مدتها در آنجا بودند و اول کسیکه از آنها به ایران آمد علامه علیم حاج شیخ عبد الجلیل طاب ثراه بود.

۲- خوانین زنگنه از اولادهای وزیر دلیر شیخ علی خان که از مشاهیر عصر صفوی است می باشند و نسب آنها به یعقوب بن قوام الدین محمود می رسد.

۳- مصعب بن زبیر به تزویج سکینه خاتون دختر حضرت ابا عبد الله سید الشهداء مفتخر گردید ولی بنابه اتفاق اهل تاریخ اولاد ذکوری از او بوجود نیامد و همچنین بعضی معتقدند که دارای اولاد اناث هم نشد.

۴- این شجره از کتب متعددی از قبیل کتاب مناهل علامه نسابه سید جعفر اعرجی و کتاب والد حقیر [آیه الله مرعشی] علامه نسابه سید محمود حسینی مرعشی و همچنین از کتاب استاد علامه نسابه سید محمد رضا عریضی بحرانی و غیره استخراج شده است.

سید ابو المعالی شهاب الدین حسینی جنتی

مرعشی نجفی رجب ۱۳۷۰ در شهر قم

##PAGE=267##

حاج آخوند

^{۱۰۶} (*) ۱) الشیخ سنان القاضی صاحب الحاشیه علی تفسیر البیضاوی

^{۱۰۷} (*) ۲) الشیخ احمد القاضی من اجلة الفقهاء الشافعية

^{۱۰۸} (*) ۳) الشیخ محمد خلیل استبصر و دخل فی التشیع بركة الصحبة العلامة السيد قوام الدین محمد الحسینی المرعشی فی سفر الحج و يعرف قبر الشیخ محمد خلیل فی بغداد بقبر بابا خلیل

نیای این خاندان مذهبی از اهالی تل خونچه بوده است؛^{۱۰۹} که گویا اکنون دولت آباد گفته می شود و از توابع اصفهان است، وی در اوان جوانی به عشق تحصیل علوم دینی از محل درآمد دستمزد کشاورزی، مبلغی تهیه و بدون اجازه پدر راهی اصفهان می شود و در مدرسه مریم بیگم از مدارس مهم اصفهان که بنا به بیان و فرموده؛ مرحوم آیه الله حاج شیخ حسن علامی بالغ بر هفتاد هزار تومان در آن عصر موقوفه داشته و کلا حیف و میل می شده است؛ شروع به تحصیل می نماید، در مدرسه مزبور به ترتیبی، نسبت به امور طلاب بی توجه بوده اند که در مراجعه مرحوم ملا احمد تل خونچه ای پدر حاج آخوند برای دیدن فرزندش که از (تل خونچه) به اصفهان و دیدار او می آید، مشاهده می کند؛ فرزندش لنگی را که بهنگام تیغ زدن خشخاش در مزرعه به گردن می انداخته، زیرانداز کرده و با دیدن این اوضاع به اصرار او را به مسقط الرأس برمی گرداند؛ ملا حسین برای بار دوم عزم سفر تحصیلی می نماید و با کسب رضایت پدر به اصفهان می آید، پس از مدتی تحصیل، اراده سفر عتبات عالیات و ادامه تحصیل علوم دینی نموده، راهی می شود، پس از ورود به کرمانشاه در مسجد عماد الدوله متوقف و پس از شش ماه اقامت برای نخستین بار در شهر جلسه قرائت قرآن دایر و آنرا در سطح عمومی مرسوم می سازد، مؤمنین و اهالی بازار و روحانیون به ویژه مرحوم آیه الله شیخ عبد الرحیم کرمانشاهی که در آن عصر از زعمای دینی شهر بودند به ایشان توجه نموده و او را از نزدیکان خویش قرار می دهد، سپس حاج آخوند عازم نجف اشرف گردیده، در آن حوزه

##PAGE=268##

۱۱۰

علمیه از دروس فقه و اصول آیات عظام مرحومین؛ سید محمد کاظم یزدی و آخوند خراسانی رضوان الله تعالی علیهما و درس اخلاق آخوند ملا حسینقلی همدانی عارف معروف مستفید و پس از مدتی به درخواست اهالی کرمانشاه و اشاره مرحوم آیه الله شیخ عبد الرحیم جلیلی کرمانشاهی به کرمانشاه بازمی گردد.

شادروان حاج شیخ حسن خلف الصدق مرحوم حاج آخوند، در نجف متولد شد و در زمان ورود به کرمانشاه چهار سال داشت.

در بازگشت توجه و عنایت و اعتناء مرحوم آیه الله شیخ عبد الرحیم جلیلی سابق الذکر به ایشان بیش از پیش فزونی یافته و در زمره نزدیکان آن مرحوم بوده تا در مرض موت شیخ (طاب ثراه) حاج آخوند را ناظم و ناظر امورات (اموال و املاک و فرزندان و مدارس و مساجد) قرار می دهد، پس از درگذشت شیخ (طاب ثراه) همانطوریکه در زمان حیات اشاره کرده بود، فرزندش عبد الجلیل نام مرحوم حاج آخوند تا درس لمعه و شرح لمعه را در ایران تحصیل نمودند و سپس آقا شیخ هادی عازم نجف اشرف شد. در ایام حضور و غیبت ایشان نیز همانند ایام فقدان مرحوم شیخ (طاب ثراه)

(تصویر شماره ۷۸) آخوند ملا حسین مجتهد اصفهانی در جمع مؤمنین اهالی کرمانشاه (دوره مشروطیت)

^{۱۰۹} (۱) - در وجه تسمیه آن گفته اند، چون اکثر اهالی در یورش افغان ها به قتل رسیدند به تل خونچه معروف شد؟

^{۱۱۰} سلطان، محمد علی، تاریخ تشیع در کرمانشاه از آغاز تا امروز بانضمام پیشینه اعتقادی در غرب ایران، ۱ جلد، [بی نا] - تهران، چاپ: اول، ۲۰۰۱ م.

امامت مسجد فیض آباد و تولیت حسینیّه با مرحوم حاج آخوند بود و پس از بازگشت مرحوم آیه الله حاج شیخ هادی (طاب ثراه) و نیل بدرجه اجتهاد از آیات عظام نجف، در نهایت امانت مناصب و مسئولیت‌ها و امورات محوله را به ایشان مسترد می‌دارد.

در قرابت مرحوم حاج آخوند نسبت به مرحوم شیخ (طاب ثراه). جناب آیه الله حاج آقا مجتبی حاج آخوند از پدرشان نقل می‌کردند: که دعای جوشن کبیر را مرحوم حاج آخوند بر حاشیه کفن شیخ نوشته است و ...

فرید الملک قراگزلوی همدانی کارگذار مهم امور خارجه در خاطرات خود در مورد اعتنای اهالی و تأثیر اجتماعی مرحوم آخوند ملا حسین می‌نویسد: یکشنبه ۱۷ ربیع الثانی ۱۳۲۴ ه ق - جناب آقایان حاج میرزا عبد الوهاب پسر مرحوم حاج میرزا هادی همدانی و آقای حاج آقا رضا پسر مرحوم شیخ الاسلام و آقای حاج محمد، مشهور به شمس که از زیارت مکه معظمه مراجعت نموده‌اند به کارگذاری آمدند و جناب شریعتمدار حاج آخوند مجتهد هم تشریف آوردند، همگی بصرف ناهار موعود بودند. دو ساعت آقایان به صحبت‌های علم فقه و اصول مشغول و از مسافرت راه مکه و مدینه بیانات نمودند.^{۱۱۱}

چهارشنبه ۱۷ رجب ۱۳۲۷ - امروز در کرمانشاه انجمن ولایتی را با حضور حضرت آقای ظهیر الدوله حکمران و آقایان و اعیان و جمعیت کثیری افتتاح نمودند.

منتخبین جنابان آقای آقا محمد مهدی مجتهد، آقای شیخ هادی مجتهد، آقای حاجی آقا اکبر مجتهد، آقای حاجی آخوند ملا حسین، شاهزاده محمد باقر میرزا، ابو الحسن خان و حاجی سید علی تاجر هستند به اکثریت آراء انتخاب شده‌اند.^{۱۱۲}

دوشنبه ۱۱ ذی‌عده ۱۳۲۸ ه ق - قبل از ظهر جناب آقای آقا محمود و جناب حاجی ملا حسین پیشنماز مشهور به حاجی آخوند تشریف آوردند.^{۱۱۳}

پنجشنبه ۱۵ ذیحجه ۱۳۲۹ ه ق - شهر باز در انقلاب و اغتشاش باقی است و طرفین مشغول سنگربندی و تفنگ‌اندازی هستند. چندین کاغذ به آقایان شهر نوشتم که اقدامی در اصلاح نموده طرفین را نصیحت نمایند [طرفین اعظم الدوله زنگنه و فرخ خان ایلخانی کله‌ر بودند]. بعضی‌ها عذر آوردند در میان آقایان؛ جناب آقای امام جمعه و جناب حاجی آخوند حاضر شدند؛ بروند. به قونسول‌ها و شهرداری هم نوشتم، هریک نماینده بفرستند با نماینده کارگذاری بروند جناب اعظم الدوله و ایلخانی را ببینند که ترک نزاع نمایند.^{۱۱۴}

از اخلاص و اعتقاد راستین و عشق مرحوم ملا حسین آخوند اصفهانی (حاج آخوند) به حضرت ابی عبد الله (ع) آقای حاج آقا مجتبی حاج آخوند از آقای ممدوحی نقل می‌کردند: که در ایام

^{۱۱۱} (۱ تا ۴). خاطرات فرید الملک همدانی، صص ۳۲۶ - ۳۸۸ - ۳۵۶.

^{۱۱۲} (۱ تا ۴). خاطرات فرید الملک همدانی، صص ۳۲۶ - ۳۸۸ - ۳۵۶.

^{۱۱۳} (۱ تا ۴). خاطرات فرید الملک همدانی، صص ۳۲۶ - ۳۸۸ - ۳۵۶.

^{۱۱۴} (۱ تا ۴). خاطرات فرید الملک همدانی، صص ۳۲۶ - ۳۸۸ - ۳۵۶.

سوگواری محرم پس از ادای نماز عشاء، خود مرحوم حاج آخوند نیز لباس روحانیت را تعویض و با پیراهن سینه‌زنی و سوگواری تا نماز صبح سینه می‌زد و سپس نماز صبح را بجماعت اداء می‌کردند و برسم معمول حسینی به مؤمنین صبحانه (نان و شیر) می‌دادند.

شادروان حاج آخوند، پس از جایگزینی مرحوم آیه الله حاج شیخ هادی، دوباره به برگزاری نماز جماعت در منازل اقدام می‌کند، تا اینکه از (مسجد معتمد) از سوی شازده‌ها دعوت به اقامه نماز می‌شود، پس از مدتی روحانیون خاندان آل آقا پیغام می‌دهند که در نظر دارند، در آن مسجد امامت نمایند و مجدداً مسجد را ترک و به تبلیغ و اقامه نماز در سطح شهر می‌پردازد، مرحوم حاج محمد تقی اصفهانی از نیکوکاران و تجار شهر بمنظور مرکزیت بخشیدن به محفل ایشان بنای مسجد معروف را برای مرحوم حاج آخوند در کنار خانه مرحوم حاج آخوند می‌نهد و پل معروف را هم خود حاج آخوند دستور پی‌ریزی می‌دهد، در همین هنگام حاج ملا باقر دامغانی پیشنماز مسجد مرحوم شهباز خان کلهر به رحمت ایزدی می‌پیوندد و فرزند آن مرحوم؛ شادروان شیخ علی علماء^{۱۱۵} از وعاظ طراز اول غرب ایران و از فضلاء عارف مشرب، پس از مدتی از ادامه امر امامت جماعت سرباز زده محراب را ترک می‌گوید؛ مؤمنین محل و بازار و خاندان حاجی‌زادگان کلهر از مرحوم حاج آخوند برای امامت جماعت مسجد مزبور دعوت به عمل آورده، مورد قبول واقع می‌شود، بنا به یادداشت مرحوم فرید الملک همدانی، مرحوم حاج آخوند در رمضان ۱۳۲۲ هـ ق پیشنماز مسجد مزبور بوده‌اند.^{۱۱۶}

که تا پایان عمر در مسجد مزبور به اقامه نماز و تبلیغ و تدریس علوم دینی مشغول و در کمال زهد و تقوی و اخلاق به ادای وظیفه علمی و مذهبی اشتغال داشت، در سال ۱۳۴۰ هـ ق در کرمانشاه برحمت ایزدی پیوست. شاعران در رثای ایشان، مرثیه و ماده تاریخ سرودند، از جمله مرحوم اقبال چنین سروده است:

حاج ملا حسین که در این عصر	بر ائمه تمام بود امام
آنکه از بهر شیعه بود به دهر	مفتی و هم مروج الاحکام
بود غمخوار عاجز و مسکین	بود باب ارامل و ایتم
از جمیع علوم بار خدای	در کف او سپرده بود زمام
آوخ، آوخ که از سخن گفتن	لب فروبست آن خجسته کلام
شد روانش روانه زین عالم	مرجع خاص بود و ملجاء عام
ای دریغا که اهل کرمانشاه	بعد او بی‌پدر شدند تمام

^{۱۱۵} (۱) - پدر آقای صدر و نبای حاج آقا مصطفی علماء از فضلاء و علمای حوزه علمیه قم و امام جمعه سیرجان.

^{۱۱۶} (۲) - خاطرات فرید، ص ۲۶۶.

زین سراچه چو رخت بست و برفت
در جوار ائمه یافت، مقام

ای دریغا که می‌خواهد خفت
در شبستان گور تا به قیام

صبر بر بازماندگانش دهد
قادر ذو الجلال و الاکرام

شد چهل چون ز هجرت خاتم
از پس یکهزار و سیصد عام

گفت (اقبال) بهر تاریخش
(کز جهان رفت حجة الاسلام)

۱۳۴۰. ق

بازماندگان مرحوم حاج آخوند قریب یکصد سال است در مسجد مزبور به اقامه نماز و تبلیغ و تدریس علوم دینی اشتغال دارند، پس از مرحوم آخوند ملا حسین (طاب ثراه) فرزندش شادروان (تصویر شماره ۷۹) آیه الله حاج شیخ حسن حاج آخوند (نفر وسط) در جمع علماء و سادات و بازاریان کرمانشاه، آیه الله حاج سید جواد نجومی (سمت چپ نشسته) و شیخ علی روشن ایستاده در سمت راست) ایشان

آیه الله شیخ حسن حاج آخوند به امامت و اقامه نماز در مسجد حاج شهباز خان پرداخت، چنانکه آمد وی در نجف اشرف و بسال ۱۳۰۱ ه ق متولد گردید، و تحصیل علوم دینی را بروال متداول خانوادگی در نزد پدر آغاز کرد، و سپس عازم عتبات عالیات گردید و سطح و خارج را از محضر آیه الله نائینی و آیات عظام حوزه نجف استفاده نمود، در اقامت چهارده ساله خویش که دو

سال نخستین مجرد و سپس با صبیبه مرحوم آقا سید حسین شیرازی ازدواج کرد، ایام خود را به بحث و فحص و تحصیل و تدریس علوم دینی اشتغال داشت و سپس به کرمانشاه بازگشت و پس از فقدان مرحوم آخوند (طاب ثراه) در مسجد مرحوم حاج شهباز خان کلهر کرمانشاهانی، عهده دار تبلیغ و تدریس و ترویج علوم اسلامی بود تا در ششم شهریور ۱۳۳۷ شمسی برحمت ایزدی پیوست و جنازه اش را برای دفن به نجف اشرف حمل نموده در کنار مقبره مرحوم آخوند ملا حسین (طاب ثراه) بخاک سپرده شد؛ و محراب و منبر به خلف الصدق ایشان آیه الله حاج آقا مجتبی حاج آخوند؛ رسید، ایشان در ۱۳۰۸ شمسی در کرمانشاه متولد گردید، در شیوه متداول خانوادگی در آغاز (تصویر شماره ۸۰) از راست؛ آیه الله حاج سید محمد میبیدی، آیه الله حاج شیخ حسن حاج آخوند، آیت الله قمی

کودکی پدر به تربیت و آموزش او همت گماشت و پس از چند سال مقدمات و مقداری از سطح را در محضر پدرش و استادانی چون مرحومان آیات؛ حاج شیخ حسن علامی، حاج سید محمد میبیدی، حاج سید حسین لاری و آقا محمد آل آقا، رحمه الله علیهم آموخت و سپس عازم حوزه علمیه قم گردید، و مجموعاً دوازده سال را در محضر آیات عظام قم گذرانید؛ بیش از هشت سال یکدوره اصول و خارج اصول را از محضر حضرت امام (قدس سره) و همزمان و بطور موازی

##PAGE=273##

پنجسال درس خارج فقه آیه الله العظمی بروجردی (ره) پنجسال درس اسفار و شفاء علامه طباطبایی (ره) دو سال درس منظومه سبزواری آیه الله منتظری، را درک و بدریافت اجازات علمی از محضر آیات عظام نائل، یکسال پس از تبعید حضرت امام (قدس سره) به ترکیه، یعنی سال ۱۳۴۳ شمسی ایشان به کرمانشاه آمد، و عهده دار تبلیغ و تدریس و ترویج آراء مذهبی اسلام در مسجد حاج شهباز خان گردید، بمناسبت توجه حضرت امام (ق) به ایشان و قرابت فکری ایشان با آرمناهای متعالی نهضت امام خمینی (ق)، مسجد حاج شهباز خان یکی از پایگاه‌های مبارزه علیه رژیم بود، این مبارزات سیاسی و فرهنگی هم‌چنان ادامه داشت تا در دوازدهم آبان سال ۱۳۵۲ (تصویر شماره ۸۱) آیه الله حاج شیخ مجتبی حاج آخوند

هجری شمسی مسجد حاج شهباز خان مورد تهاجم مأموران ساواک قرار گرفت، و آیه الله حاج آخوند و همزمانش به جرم فعالیت در مسیر نهضت امام خمینی (ق) دستگیر شدند، وی شش ماه در کمیته تهران و پنج ماه در زندان قصر محبوس بود و پس از طی مراحل لازم و سپری شدن ایام محکومیت آزاد گردید. با پیروزی انقلاب اسلامی بمنظور تأمین امنیت همه جانبه منطقه با درخواست از حضرت امام (ق) به تقاضای جمعی از روحانیون از جمله؛ شیخ محمد صادق

##PAGE=274##

کریمیان، حاج شیخ محمد حسین زرنندی، حاج شیخ عبد الخالق عبد اللهی، حاج شیخ عزیز الله خوشوقت و به تأسیس کمیته شماره دو انقلاب اسلامی در کرمانشاه به مسئولیت ایشان اقدام و در (تصویر شماره ۸۲) از راست؛ آیه الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، آیه الله العظمی امام خمینی (ر)، آقای بشارتی (وزیر کشور بعدی)، آیه الله شرعی، آیه الله حاج آخوند

انتخابات دوره‌های اول و دوم مجلس خبرگان به نمایندگی اهالی برگزیده شد. بازماندگان مرحوم آخوند ملا حسین (طاب ثراه) در کرمانشاهان همواره در امور سیاسی و مذهبی دخالت تام داشتند، و با نام خانوادگی، حاج آخوند، روشن، شناخته می‌شوند.^{۱۱۷}

##PAGE=275##

^{۱۱۷} (۱) - درباره مبارزات مرحوم شیخ محمد علی روشن فرزند مرحوم آخوند ملا حسین ر. ک- احزاب سیاسی و انجمن‌های سری در کرمانشاه، محمد علی سلطان.

سند شماره: نود و هشت

موضوع: اجازه تصدی امور شرعیه و حسبیّه از آیه الله العظمی امام خمینی به آیه الله حاج آقا مجتبی حاج آخوند

تاریخ: ذی الحجه الحرام ۱۳۸۰ قمری

مهر: روح الله الموسوی

سند شماره: نود و نه

موضوع: تصدی حوزه علمیه کرمانشاه از سوی آیه الله العظمی امام خمینی به آیات حاج آقا مجتبی حاج آخوند و حاج آقا حسین زرنندی

تاریخ: ربیع الثانی ۱۴۰۳ قمری

مهر: امضاء - روح الله الموسوی الخمینی

(حاج آخوند) (روشن)

شهرستان هرسین از دیرباز مرکز نشر احکام و آداب اهل بیت عصمت و طهارت و زادگاه پارسایان بیریا و عاشقان گمنام طریقه هدی و عارفان صراط خدا بوده و از عهد صفویه که مرکزیت مجدد یافته است، همواره بزرگانی در علم و دین و مذهب و اعتقاد از آن سرزمین برخاسته‌اند.

مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد حسن حجتی در سال ۱۲۶۵ شمسی در یکی از روستاهای اطراف هرسین بنام تمرگ در خانواده متدین و مهمان‌نواز بدنیا آمده‌اند پدری مؤمن و متدین و متمکن داشته‌اند که از طریق کشاورزی و دام‌داری امرارمعاش نموده و در همان دوران کودکی و نوجوانی پرهیزکار و اهل عبادت و طهارت و عاشق راه حق و حقیقت بوده‌اند و حد فاصل از روستا تا هرسین قریب هفت کیلومتر بوده است که ایشان حتی این مسافت را در فصل

زمستان برای شرکت در نماز جماعت صبح طی نموده و کرارا اتفاق افتاده که قبل از صبح صادق در هرسین بوده‌اند در اثر مهتاب و نداشتن ساعت و نبودن امکانات (و مساجد قدیم نه خادم داشته نه فرش و نه بخاری) اجبارا مدتی را از شب در میان کوچه‌های هرسین قدم زده‌اند که سرما بدن ایشان را خشک نکند و امام جماعت هم در آن زمان مرحوم حجة الاسلام آقای سید احمد تفرشی (امام جمعه هرسین) بوده‌اند که بسیاری از اوقات صبر می‌کردند و شروع به نماز نمی‌نمودند تا ایشان ببینند و نماز جماعت را درک نمایند و می‌فرمودند آقای حجتی فرزند و جانشین من می‌باشد^{۱۱۸} و حالات

##PAGE=282##

معنوی و سیر سلوک ایشان در چند ورق نمی‌گنجد بلکه یک کتاب از احوالات و کشف کرامات و طی الارض ایشان باید نوشته شود^{۱۱۹} ایشان مقدمات را در هرسین و کرمانشاه می‌خوانند و در همان عنفوان جوانی قبل از جنگ جهانی اول راهی نجف اشرف گشته و در مجلس درس آیات عظام؛ آقا (تصویر شماره ۸۳) آية الله العظمی حاج شیخ محمد حسن حجتی

##PAGE=283##

ضیاء الدین عراقی و درس آیت الله نائینی و سید ابو الحسن اصفهانی شرکت نموده و با در دست داشتن تصدیق اجتهاد از آیت الله العظمی آقای حاج سید ابو الحسن اصفهانی در سنه ۱۳۴۲ قمری به کرمانشاه مراجعت و بعد از ازدواج در ۱۳۴۷ قمری برای ادامه تحصیلات در زمان زعامت حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ عبد الکریم حائری عازم بلده طیبیه قم می‌شوند و از آیت الله اصفهانی و از آیت الله العظمی بروجردی و خوانساری و حجت و فیض و سید ضیاء الدین صدر تصدیق اجتهاد دارند و دو سال بعد از ارتحال آیت الله العظمی بروجردی بکرمانشاه مراجعت و رحل اقامت افکنده و تا پایان عمر در این شهرستان می‌مانند و اما آثار علمی ایشان عبارت است از ۱- رساله عملیه بیان الاحکام که حاشیه در متن توضیح المسائل می‌باشد که طبع شده ۲- حاشیه بر عروة الوثقی ۳- حاشیه بر تحریر الوسیله از تقلید تا حدود و دیات که عربی است ۴- رساله‌ای در گناهان کبیره، ۵- رساله استدلالی در اصول دین و رساله‌ای استدلالی در عدم الزام از تقلید اعلم بلکه نظر ایشان مبنی بر جواز تقلید از مجتهد جامع الشرائط اگر چه اعلم نباشند بود. ایشان در ماه رجب ۱۳۵۹ شمسی در شهرستان کرمانشاه رحلت فرمودند و با تجلیل بی‌سابقه تا بیستون تشییع و در باغ بهشت (علی بن جعفر) بخاک سپرده شدند که قبر ایشان محل زیارت و گرفتن حاجت است.

حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا محمد حجتی - متولد ۱۳۰۶ شمسی فرزند حضرت آیت الله العظمی آقا حاج شیخ محمد حسن حجتی، معظم له دو فرزند پسر دیگر بنام حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد علی حجتی که فعلا در شهرستان قم مشغول بتحصیل و تبلیغ می‌باشند و (فرزند دیگر ایشان شهید حاج احمد آقا حجتی که همزمان با نواده

^{۱۱۸} (۱) - مرحوم کیوان قزوینی درباره حجة الاسلام آقا سید احمد تفرشی می‌نویسد: سید احمد تفرشی در کرپلا نزد من درس می‌خواند و زاهد و قانع بود چون من رفتم نزد ملا سلطان او هم ندیده باو گروید و پس از چند سال از کرپلا آمد به تهران که برادری کاسب در تهران داشت و به گناباد رفت روزی چند آن اوضاع تعظیمات خدایانه را دید، پرسید که شما از کجا به این مقام رسیده‌اید؟ جواب بی‌اعتنائی شنید و اصرار کرد آخر ملا سلطان گفت: سند من اجازه‌نامه‌ایست که طاوس به من داده دیگر دلیلی ندارم و ضمنا به مریدان توهین سید احمد سپرده شد او هم پس از مأیوسی برگشت به تهران و مرا دید و گفت: عبث معطلید که خبری نیست و بعد به کرمانشاه رفت و از قضاء در هرسین مقیم شد و ده سال قبل مرحوم شد و او هم در دنیا لذتی نبرد خیلی به سختی و قناعت و بی‌رغبتی زندگانی می‌کرد. - رازگشا، ص ۱۹۰.

^{۱۱۹} (۱) - رساله مستقلی به نام ستاره‌ای از آسمان علم و تقوی به وسیله آقازادگان ایشان در مقامات حضرتشان قلمی گردیده و منتشر شده است.

ایشان شهید مسعود حجتی فرزند حاج آقا محمد حجتی در کرمانشاه در سال ۱۳۶۵ بافتخار شهادت نائل آمدند) چون مرحوم آیت الله حجتی در سال ۱۳۴۷ قمری جهت تکمیل مراحل اجتهاد با عائله خود به شهرستان مقدس قم شرفیاب می‌شوند توفیق تحصیلات ابتدائی در مدرسه رشديه قم که اولین مدرسه علوم جدید بود که بوسیله شیخ حسن رشديه در شهرستان قم و سایر شهرستانهای دیگر ایران تدریجا تأسیس شد اقدام به تحصیل می‌نمایند، ایشان و جناب حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد علی حجتی اخویشان در این مدرسه علوم ابتدائی را به پایان رسانده و جهت فراگیری علوم حوزوی در مدرسه فیضیه که از معروف‌ترین و فعالترین مدرسه‌های قم بود پس از اتمام سطح در محضر شریف آیات عظام نوری همدانی و آقای سبحانی و آقای آقا موسی صدر آیت الله زاده سید صدر الدین صدر و سایر اساتید عظام مشغول ادامه تحصیل شدند و از محضر درس حضرت آیت الله العظمی بروجردی کسب فیض نموده و به امر معظم له در خدمت آیات معظم آقایان امام سده‌ای و حضرت آیت الله اشرفی و آیت الله آقای حاج شیخ عبد الجواد و مرحوم آیت الله قدیری و جمع دیگر از علماء و فضلاء به کرمانشاهان آمدند و معظم له بسیار اهتمام داشتند که مدرسه جدید التأسیس ایشان

##PAGE=284##

(تصویر شماره ۸۴)

حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد حجتی

(تصویر شماره ۸۵)

حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد علی حجتی

در کرمانشاه فعال گردد و طلاب در محضر شریف و مجلس درس آقایان مشغول تحصیل و ترویج گردند و نظر مبارک آیت الله العظمی بروجردی این بود که اگر طلاب بومی باشند نتیجه حاصله بهتر خواهد بود و نظر حضرت امام خمینی قدس الله نفسه زکیه نیز چنین بود که فضایی محلی بهتر می‌توانند خدمت نمایند زیرا هم همزبان مردم محل و هم از خود آن مردم می‌باشند ولی بعضی بقم برگشت نموده و بعضی دیگر در کرمانشاه سکونت گزیدند و هم‌اکنون مشغول تبلیغ و ترویج می‌باشند من جمله ایشان که در کرمانشاه مدت مدیدی در مسجد جامع مشغول اقامه جماعت و تشکیل مجالس تفسیر قرآن که معمولا در همه سال بصورت هفتگی و در ماه مبارک رمضان در تمام لیالی سرجلسه تفسیر افتخار اداره این مجالس به ایشان محول گردیده است و الحمد لله رب العالمین مورد توجه و عنایات آیات نجف اشرف و قم بوده و در این رابطه از اکثر آیات دارای اجازاتی بوده که بعضی از آن اجازات در بخش اسناد خاندان حجتی (همین کتاب) آورده شده است.

جناب حاج آقا محمد حجتی، از علمای فاضل و خطبای صادق و صریح اللهجه خطه کرمانشاهان است که منبری معروف و جاذب و معقول دارد، اکثرا مسائل روز و معضلات اجتماعی و آراء سیاسی را به بهترین وجهی در قالب سخنانی محکم و استوار و علمایی ارائه می‌نماید و از مدافعین مظلومیت فرهنگی و اجتماعی همشهریان کرمانشاهی است و در واقع عالم سخنوری که

دست‌مایه سالها تحصیل و تفحص و مطالعه را وسیله روشنگری اذهان جامعه از پیر و جوان ساخته و در تبلیغ احکام مکتب ائمه هدی سلام الله علیهم اجمعین جد بلیغ مبذول می‌دارند و مورد توجه و اعتناء و احترام علماء و اهالی منطقه می‌باشند، در طنزپردازی دستی بسزا دارند، خوش محاوره بوده طراوت و تقدس ذاتی را بهم آمیخته‌اند و با وجود شهادت برادر و فرزند و فقدان و لطمات مرگ عزیزان به شیوه پیروان راستین اهل بیت مصداق بارز صبر در مصیبت هستند.

اسناد

سند شماره: یک صد

موضوع: اجازه اجتهاد از آیات عظام؛ بروجردی، صدر، فیض قمی برای آیه الله حجتی هرسینی

تاریخ: ۱۳۳۸ قمری

مهر: حسین الطباطبایی، صدر الدین موسوی، محمد الفیض القمی

سند شماره: یک صد و یک

موضوع: اجازه اجتهاد از آیات عظام؛ کوه‌کمری، آقا سید ابو الحسن اصفهانی، فیض قمی برای آیت الله حجتی هرسینی

تاریخ: -

مهر: محمد علی الحسینی، ابو الحسن الموسوی، محمد الفیض القمی

سند شماره: یک صد و دو

موضوع: اجازه اجتهاد از آیات عظام؛ سید صدر الدین صدر، سید محمد تقی موسوی خوانساری، برای آیت الله حجتی هرسینی

تاریخ:-

مهر: محمد تقی الموسوی، صدر الدین الموسوی

##PAGE=292##

سند شماره: یک صد و سه

موضوع: ارجاع مدارک علمی آیه الله حاج شیخ محمد حسن حجتی هرسینی از سوی وزارت فرهنگ

تاریخ: ۱۹ / ۱۰ / ۷

مهر: امضاء؟

##PAGE=293##

سند شماره: یک صد و چهار

موضوع: عنوان رساله بیان الاحکام آیت الله حاج شیخ محمد حسن حجتی هرسینی (منتشره)

تاریخ: جمادی الاول ۱۳۸۱

مهر: چاپخانه علمیه قم

##PAGE=294##

سند شماره: یک صد و پنج

موضوع: اجازه تصدی امور شرعیه از آیات عظام؛ خویی، اراکی، گلپایگانی برای حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد حجتی

تاریخ: ۱۳۹۷. ق / ۱۴۰۹. ق / ۱۴۱۱. ق

مهر: ابو القاسم الموسوی، محمد رضا الموسوی، عبده الراجی محمد علی

##PAGE=295##

سند شماره: یک صد و شش

موضوع: اجازه تصدی امور شرعیه از آیه الله حاج سید کاظم مرعشی برای حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد حجتی

تاریخ:-

مهر: سید کاظم مرعشی

##PAGE=296##

سند شماره: یک صد و هفت

موضوع: تصدی امور شرعیه از آیه الله وحیدی برای حجة الاسلام و المسلمین حاج سید محمد حجتی

تاریخ: ۱۴۱۳. ق

مهر: محمد الحسینی الوحیدی

##PAGE=297##

سند شماره: یک صد و هشت

موضوع: تصدی امور شرعیه از آیه الله مرعشی نجفی برای حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد حجتی

تاریخ:

مهر: شهاب الدین الحسینی

##PAGE=298##

سند شماره: یک صد و نه

موضوع: تصدی امور شرعیه از آیه الله محمد شیرازی برای حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد حجتی

تاریخ: ۱۴۱۲. ق

مهر: محمد الحسینی

##PAGE=299##

سند شماره: یک صد و ده

موضوع: تأییدیه علمی و مبارزاتی علمای کرمانشاهان برای حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد حجتی خطاب به آقای هاشمی رفسنجانی

تاریخ: ۱۳۶۹

مهر: محمد رضا کاظمی، مجتبی حاج آخوند، مرتضی الحسینی النجومی

##PAGE=301##

خرم شاهی

آیت الله حاج سید جواد خرم شاهی از علماء سادات، شخصیتی مورد اعتناء و اعتقاد اهالی کرمانشاهان بود، که روزگار به تقوی و پرهیز و تعلیم و تدریس می گذرانید، در ایام صباوت به شیوه اتقیاء و اولیا پدر و مادر را از دست داد و حسب وصیه والد ماجد در حضانت آیت الله آقا رحیم آل آقا قرار گرفت، تحصیل را از مکتب خانه آغاز و مقدمات و سطح را از مرحوم حاج سید حسین لاری آموخت و در مجالس تدریس آیت الله آقا رحیم آل آقا حضور بهم رسانید، سپس قوانین و اصول را از محضر عالم باهر حضرت آیت الله حاج سید محمد میبدی فراگرفت و در فقه از تلامذه عالم فقیه متبحر آیت الله حاج حسن علامی بودند، مدتها در قم از دروس خارج آیات عظام مستفید و بدریافت اجازاتی از مراجع معظم نائل گردیدند.

تبلیغ و تعلیم این بزرگوار از منبر آغاز گردید و مؤمنین را به صداقت کلام و صفای مجلس ایشان اعتقادی بلیغ بود، از صباحت منظری شگرف برخوردار و در کسوت سیادت نورانیت و جاذبه ای خاص داشت، با اینکه هنگام محاوره معمول در تکلم اندکی دارای تعلل بودند که حلاوتی خاص به تقریرشان می بخشید، اما بر فراز منبر به ویژه در لیالی متبرک فصاحت کلام و طلاقت لسانی کم نظیر داشت که اهالی آنرا از خوارق عادت و کرامات ایشان می شمردند، بعد از سالهای جنگ دوم امامت و اقامت نماز را در مساجد متعددی از جمله؛ مسجد هاشمی عهده دار بودند، از مطالعه و تحقیق در علوم دینی غافل نبوده و عالمی محقق بشمار میرفت، در افتادگی و تواضع زبانزد و هیچگاه تظاهر به

##PAGE=302##

علم نمی فرمود؛ اگر چه تألیفات منیف و متعدد داشت اما از ابراز و اظهار دوری می جست، تقدم در سلام و گره گشایی از زندگی شهروندان از خصائص ایشان بود و تا واپسین دم حیات جز نیکی و بی آزاری نداشت و موجودی از وی دل آزده نشد، بیش از نیمی از اهالی شهر و روستاهای توابع، میمنت و برکات زندگی خویش را، در تبرک خطبه آغازین پیوند زندگی خویش می دانند که توسط آن بزرگوار جاری گردیده و به همین جهت اکثریت در زمان حیات مراجع محضر ایشان بودند و پس از آنجناب بازماندگان آن سید عالم و عزیز عامل را با اعتقادی خاص برای برکات زندگی وکیل و عاقد آغاز زندگی نوین در جامعه جوان قرار می دهند. از صدور اولین اعلامیه های روحانیون و علماء در استان کرمانشاهان همراه و همزمان با نهضت امام خمینی (ره) تا زمان پیروزی انقلاب و ورود امام به خاک وطن، یکی از علماء صاحبنام که عنوان و امضای او مؤید تمامی پیام ها و حرکت های انقلاب اسلامی در کرمانشاه بود، شادروان آیت الله حاج

سید جواد خرمشاهی بودند و مسجد میر عبد الباقی به امامت ایشان از پایگاه‌های فعال و مهم ایام پیشروی انقلاب اسلامی بشمار می‌رفت.

آیت الله حاج سید جواد خرمشاهی؛ که یگانه فرزند ذکور مرحوم حاج سید مبارک کرمانشاهی هستند و تولدشان با توسل والد به جده‌اش زهرای اطهر در مدینه منوره با رؤیای صادقه‌ای میسر گشته، قریب شش نسل قبل در کرمانشاه به پارسایی زیسته‌اند، تولد ایشان بسال ۱۳۲۴ ه ق - ۱۲۸۶ شمسی در شهر کرمانشاه اتفاق افتاد، براساس شجره طیبه‌ایکه بارها برؤیت رسید، با قریب سی و چند واسطه به حضرت حسن مثنی ابن حضرت حسن (ع) ابن مولی الموحدین (ع) نسبت می‌رسانند، آیت الله خرمشاهی در تاریخ مراد ۱۳۷۵ در شهر کرمانشاه بدرود حیات گفت؛ و با تشییعی کم‌نظیر (تصویر شماره ۸۶) شادروان آیه الله حاج سید جواد خرمشاهی

##PAGE=303##

توسط اهالی و علما و مسئولین و آحاد مردم بدرقه و حسب الوصیه در کنار شهیدان و در گذشتگان این شهر در صحن حسینیّه باغ فردوس بخاک سپرده شد. (رحمة الله علیه)

همانند دیرباز روحانیت در بازماندگان این بزرگوار مستدام است و جناب حجة الاسلام و المسلمین حاج سید حسین خرمشاهی فرزند ارجمند ایشان در کسوت روحانیت، از علماء متدین و صهر محترم آیت الله العظمی حاج سید موسی زنجانی از مراجع عظام حوزه علمیه قم هستند و مابقی فرزندان ذکور در امور اجتماعی و مذهبی و اقتصادی و سیاسی کرمانشاه جد بلیغ دارند و صبیبه‌های محترمه ایشان، همسران حجج اسلام، حاج سید مجتبی میبیدی، حاج شیخ فیض الله حیدری و آقا صلاح الدین جلیلی از علماء و روحانیون سرشناس کرمانشاه می‌باشند.

آثار زیر از تألیفات حضرت آیت الله حاج سید جواد خرمشاهی باقی است:

۱- ترجمه یکصد گفتار در تضييع حقوق آل احمد مختار عليهم السلام، تألیف قاضی محمد زنگنه زوری نقشبندی - چاپ ۱۳۶۶.

۲- فرهنگ لغات متداول به السنه اربعه (فارسی، عربی، ترکی، انگلیسی)

۳- مفاتیح آیات قرآن حاصل سه دهه بررسی قرآنی

۴- کتاب انصاب

۵- اشعار متفرقه

۶- مقالات و یادداشتهای پراکنده

##PAGE=305##

##PAGE=306##

سند شماره: یک صد و یازده

موضوع: تصدی امور شرعیه از آیه الله العظمی مرعشی نجفی برای آیت الله حاج سید جواد خرمشاهی

تاریخ: ۱۳۸۷ قمری

مهر: شهاب الدین الحسینی

##PAGE=307##

سند شماره: یک صد و دوازده

موضوع: تصدی امور شرعیه از آیه الله العظمی گلپایگانی برای آیه الله حاج سید جواد خرمشاهی

تاریخ: ۱۳۹۶ قمری

مهر: رضا الموسوی

##PAGE=308##

خاندان شهرستانی کرمانشاهی

این خاندان جلیل و مشهور از سادات و علمای شیعه امامیه که به سبب انتساب بطنی به خاندان آل آقا اکثر از برجستگانشان متولد کرمانشاه بود و تنی چند از برگزیدگان متأخر در کرمانشاه متوطن بودند و از جمیع جهات علمی و مذهبی و اخلاقی و انتساب ولادت و اقامت پیوندی دیرینه با این خاک بزرگ پرور دیرینه سال دارند و در شهر کرمانشاه علاوه بر تولد و تردد و توقف، موجب و بانی مبارزات ضد استبدادی عمیق بوده‌اند، بنابراین برای تأسی آیندگان مجموعه را به زیب نام نامی و اسم سامی آن بزرگواران زینت می‌بخشیم و آنچه را که استاد دانشمند جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای دوانی در معرفی این بزرگان آورده‌اند، بانضمام سخن صاحب ریحانة الادب و مقاله مبسوط و ارزشمند آقا سید محمد علی شهرستانی درباره مبارزات و اقدام فقهاء و مراجع متأخر این خاندان در کرمانشاه را همراه اسناد و اجازات این بزرگواران ارائه می‌نمائیم:

آیت الله آقا میرزا جعفر شهرستانی

پدر وی مرحوم میرزا محمد حسین شهرستانی فرزند ارشد میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی است. بطوریکه در اعلام الشیعه می‌نویسد:

میرزا محمد حسین غیر از میرزا جعفر که از دختر آقا محمد علی است؛ فرزندان دانشمند دیگر نیز داشته است، مانند آقا میرزا صالح و میرزا کاظم و میرزا عباس، و از آنان نیز فرزندان بسیاری برجای

##PAGE=309##

ماند که امروز نوادگان آنها در عتبات و ایران بنام سادات موسوی شهرستانی نام بردارند.

مرحوم میرزا جعفر شهرستانی که از خانواده آقا محمد علی است و [نواده دختری] او است در عصر خود از فقهای کربلا و بگفته اعلام الشیعه بسال ۱۲۶۰ ه ق رحلت کرد یکی از آثار قلمی او کتاب انساب «وحید بهبهانی» است که آقای استاد علی دوانی می نویسد: پس از جستجوی بسیاری نسخه آنرا نزد آقای سید صالح شهرستانی یافتیم و ایشان با کمال اشتیاق آن نسخه و سایر مدارکی که داشتند برای استفاده در اختیار گذاشتند.

مجموعه‌ای که انساب وحید بهبهانی جزو آنهاست، مشتمل بر چند رساله است که همه از تألیفات میرزا جعفر مزبور و هم بخط خود اوست، باین اسامی؛ رساله در دفع شبهات وارده از آقا سید محمد باقر حجة الاسلام در حکم اوقاف شهرستانها واقع در اصفهان بعربی و فارسی، رساله در جواز بقاء بر تقلید میت، رساله در غیبت، رساله در غنا، رساله در حکم عصیر، رساله در گوشتی که در حین جوشش قطره خونی در آن بیافتد در هرصفحه این کتاب که بخط وی است سطر اول را بالف و لام که با مرکب قرمز نوشته است شروع نموده و این بخوبی استادی او را در ادبیات عرب میرساند.

انساب وحید بهبهانی شرح مختصری از انساب خاندان مادری اوست که بفارسی نوشته. در اول آن می نویسد «چون مرحوم مغفور القاطن الی دار السرور الحیور و المؤید من الرب الغفور العالم الربانی و المؤید الصمدانی الجامع بین المعقول و الحاوی الفروع و الاصول مجتهد العصر و الزمان و الاوان: آقای آقا احمد (صاحب مرآت الاحوال) خال احقر در بعضی از تصانیف خود در قضاء و شهادات نوشته اند؛ که قال الخال المجلسی فی البحار خواستم که این نسبت را مشخص و معلوم گردانم لاجرم تفحص بسیار در این مرحله نمودم تا آنکه بمقصد خود رسیدم»

گویا وی بر کتاب مرآت الاحوال دست نیافته وگرنه خود را از تألیف انساب وحید بهبهانی بی نیاز می دانست. مزیتی که این کتاب بر مرآت الاحوال دارد اینست که بعضی از رجال فامیل وحید را که بعد از آقا احمد تا زمان مؤلف بوده اند و نسبتهایی که میان آنها و سایر خاندانها واقع شده، ثبت کرده است.^{۱۲۰}

آیت الله العظمی آقا سید محمد حسین شهرستانی

سید محمد حسین شهرستانی فرزند میر محمد علی حسینی مرعشی شهرستانی است، باید دانست که در خاندان شهرستانی سه تن بنام سید محمد حسین که میرزا هم خوانده می شوند، وجود دارد که اغلب با هم مشتبه می شوند، مخصوصا چون در سلسله خاندان وحید از هر سه نفر سخن بمیان میاید بیشتر موجب اشتباه می گردد.

##PAGE=310##

علیهذا برای روشن شدن مطلب می‌گوئیم: سادات معروف بشهرستانی دو تیره می‌باشند تیره اصل سادات موسوی شهرستانی هستند که از فرزندان مرحوم میرزا محمد مهدی شاگرد عالیقدر آقا می‌باشند، میرزا محمد حسین شهرستانی داماد آقا محمد علی پدر آقا میرزا جعفر شهرستانی، فرزند مرحوم میرزا مهدی موسوی شهرستانی است.

و سید محمد حسین شهرستانی متوفی بسال ۱۲۳۰ که از علمای اعلام کربلا و زمان آقا احمد صاحب مرآت الاحوال بهندوستان سفر کرده، فرزند میر محمد علی حسینی مرعشی و خود داماد مرحوم میرزا محمد مهدی موسوی شهرستانی است که بواسطه جلالت قدر و ریاست دینی که مرحوم میرزا مهدی داشته، خود و احفادش ملقب بشهرستانی شده‌اند، و لذا برای امتیاز این دو تیره داماد و دخترزادگان او را حسینی شهرستانی می‌گویند.

سومین دانشمند بزرگی که در این خاندان معروف به سید محمد حسین شهرستانی است، نواده دختری آقا محمد علی و نوه پسری سید محمد حسینی مرعشی اخیر الذکر یعنی سید محمد حسین بن میر محمد علی بن سید محمد حسین مرعشی حسینی شهرستانی نامبرده است.

مرحوم سید محمد حسین شهرستانی بسال ۱۲۵۵ در کرمانشاه متولد و در سنه ۱۳۱۶ در کربلا وفات یافت و در جنب قبر جد مادریش میرزا مهدی شهرستانی مدفون گردید، مادر وی فاطمه دختر آقا احمد صاحب مرآت الاحوال فرزند آقا محمد علی است.

بنقل فوائد الرضویه وی در کتاب «موائد» که از تألیفات اوست؛ در ترجمه آقا محمد ابراهیم مذکور می‌نویسد: «وی خالوی حقیر است، برادر اعیانی والده بود و مادر ایشان همشیره صاحب فصول بود زمانی که حقیر در کرمانشاه متولد شدم والد در سفری بود خال مذکور بایشان نوشت که خداوند مولودی بشما عطا کرده که با شما مفاخره میکند می‌گوید: منم حسین و پدرم علی و مادرم فاطمه و جدم احمد و خالم ابراهیم! حقیر گوید بلی و برادرم حسن و پسرانم علی و زین العابدین و دخترانی سکینه و فاطمه!»

آقا سید محمد حسین شهرستانی یکی از مفاخر فقهاء و افاضل علمای شیعه و علامه عظیم الشانی است که در علوم فقه و اصول و ادب و تفسیر و حدیث و فلسفه و کلام و ریاضی تبحر کامل داشته و در آن فنون کتابها نوشته است.

مقدمات علوم را در کرمانشاه فراگرفت و برای تکمیل آن بکربلا رفته نزد علامه بزرگوار فاضل اردکانی باستفاده پرداخت تا آنکه از نوابغ روزگار گردید و بعد از استادش بمقام ریاست روحانی و مرجعیت رسید.

در تکلمه امل الامل و فوائد الرضویه و مخصوصا در المآثر و الآثار و اعلام الشیعه بتفصیل درباره وی قلمفرسایی کرده مسافرت او را بطهران در عهد حاج ملا علی کنی و احتراماتی که ناصر الدین شاه و وجوه علما و فضلا و تجار و وزراء و رجال دولت و اهالی از وی بعمل آوردند،

##PAGE=311##

نقل کرده و بالغ بر هشتاد تألیف را بوی نسبت داده و قسمتی از آنها را نام می‌برد.

از جمله اصل الاصول تلخیص فصول، تحقیق الادله در اصول، تسهیل المشاكل در نحو، حجة النعیم در کلام (امامت) الحجة البالغة و النعمة السابعة که بفارسی در اثبات وجود امام عصر ارواحنا فداه نوشته و بطبع رسیده، دمع العین ترجمه خصائص حسینیة حاج شیخ جعفر شوشتری در بمبئی چاپ شده.

شرح الحديد در کیمیای جدید، شوارع در شرح شرایع، صحيفة الحسينية و صغری در منطق، کتابی در رمل، طریق نجات در رد نصاری، غسل مصفی، خان نعمت مجموعه اشعار فارسی، العناصر المتین در شرح معضلات قوانین، غایة المسؤل در اصول که مورد استفاده استادش فاضل اردکانی قرار گرفت، فرائد در نحو، کوکب دری در تقویم، اللثالی در متفرقات فقه و اصول، اللباب در اسطرلاب، لباب الاجتهاد، لب اللباب در حساب، مراصد در رد فوائد شیخ احمد احسائی رئیس فرقه شیخیه، تریاق فاروق در رد شیخیه چاپ شده، تنبیه الانام در بیان فساد صد مطلب کتاب ارشاد العوام، حاج کریمخان کرمانی رئیس فرقه شیخیه در آن کتاب می‌گوید: مفاسد ارشاد العوام بیش از اینهاست ولی من بنقل صد مفسده آن اکتفا کردم! مشارع در فقه، مهذب التهذیب نظم تهذیب المنطق، نان و دوع بسبک نان و حلوی شیخ بهائی، مواقع النجوم در هیئت، النور المبین رساله عملیه، هداية المستمد در شرح کفایه سبزواری.

موائد و زوائد الموائد. موائد مانند کشکول در موضوعات متفرقه است در آن کتاب شرح حال جمعی از علمای خاندان مادری خود یعنی فرزند آقا محمد علی را نام برده نسخه آن بدست اعتماد السلطنه آمده و ملتیقتاتی از آنرا در ترجمه آنان ذکر کرده است.

از جمله در ترجمه حاج شیخ مرتضی انصاری (ره) نوشته است «وی مردی بلند قامت ریش سرخ آبله‌رو بود ولی نورانی و ملیح و خوش محاوره و شوخ بود»

آقا سید محمد حسین شهرستانی پدر مرحوم حاج میرزا علی شهرستانی معروف است که از اجله مجتهدین و معارف علمای گذشته معاصر بود. از آثار حاج میرزا علی ترجمه شرح باب حادی عشر است که بطبع رسیده بنقل فوائد الرضویه آیت الله سید حسن صدر که آقا سید محمد حسین را دیده در تکمله امل الآمل می‌نویسد:

وی سیدی موقر و با مهابت و جلیل القدر بوده و بحلیه وزانت و وقار آراسته و بسیار خوش مجلس بود و اخلاقی شیرین داشت. ۱۲۳۱۲۲۱۲۱

^{۱۲۱} (۱) - همان، ص ۴۶۴ - ۴۶۲.

^{۱۲۲} (۲) - صاحب ریحانة الادب می‌نویسد: وی از اکابر علمای امامیه قرن چهاردهم است که حاوی فروع و اصول و جامع معقول و منقول، فقیه حکیم محقق مدقق، ادیب شاعر ماهر اصولی بوده در فطانت و کثرت حافظه و حدت ذهن ممتاز، در کربلای معلی رئیس مذهبی و مرجع تقلید جمعی وافر، از شیعه بود.

از تلامذه شیخ محمد حسین اردکانی و دیگر اجله بوده و از دوازده سالگی شروع به تألیف نموده و بالغ بر ۳۱ اثر از وی برجای مانده است. برخی از آثار او عبارتند از: ۱- الاستخارات ۲- الاستصحاب ۳- اصطلاحات الجفر ۴- اصل الاصول فی تلخیص الفصول ۵- تاریخ شهرستانی ۶- تذکرة النفس ۷- تریاق فاروق ۸- تسهیل المشاكل ۹- تقویم الکواکب ۱۰- تلخیص شرح الزیارة شیخ احمد احسائی ۱۱- تنبیه الانام علی ارشاد العوام ۱۲- الجدول فی النفال و معرفة اوائل الشهور ۱۳- حنة النعیم (در امامت) ۱۴- الحجة البالغة فی اثبات الحجة ۱۵- الدر النضید فی نکاح الأئمة و العیید ... ریحانة الادب: ۳/ ۲۷۲ - ۲۷۳ - معرفی برخی از شخصیت‌های مذهبی کرمانشاه، صفرزاده.

^{۱۲۳} (۳) - آقا سید ناصر مبینی در یادداشتهای خود می‌نویسد: یکهزار سال و دو ماه پس از ولادت حضرت حجت عجل الله فرجه در شهر کرمانشاه قدم به عرصه وجود نهاد. از بطن کرکه قنوه العلما آقا احمد بن آقا محمد علی آل آقا کرمانشاهی فرزند بزرگوار استاد اکبر محقق مجتهد رضی الله عنه بود.

در سن هفت سالگی قرآن را ختم کرد و در سیزده سالگی مجتهد مسلم بود و از کسی تقلید نمود و بفتوای خود عمل کرد.

میلاد پیرکتش در خواب توسط پیغمبر اکرم (ص) و حضرت فاطمه (ع) به ایوبی امی کرمانشاهیش ابلاغ گشت.

در عمر کوتاه و کم‌نظیرش به هر علم و دانشی تسلط یافت و آثار گرانبها بجا نهاد:

یک حرکت تاریخی^{۱۲۴} (خاندان شهرستانی در کرمانشاه)

مهاجرت یا تبعید؟

در آغاز سده چهاردهم هجری شمسی تشکیل حکومت عراق، به زعامت امیر فیصل و به

حمایت بریتانیا، سبب شد که برخی از روحانیان شیعه با این حکومت و نحوه تأسیس و تشکیل آن به مخالفت برخیزند. امیر فیصل، که بعدها ملک فیصل اول شد، فرزند امیر حسین، شریف مکه و امیر حجاز بود. او پس از گفتگوهای بسیار با مشاوران انگلیسی و عرب خود پذیرفته بود که در عراق، به کمک بریتانیا، حکومتی دست نشاندۀ و تحت حمایت بنیاد نهاده شود.

دستهای پنهان بریتانیایی بی‌فوت وقت کوشیدند که با به راه انداختن جنگ شیعه و سنی، به مخالفت‌های روحانیان شیعه با حکومت عراق برحسب اختلافات مذهبی بزنند و بدین وسیله امیر فیصل را در قلع و قمع مخالفان خود یاری کنند.

امیر فیصل اعلام کرد که روحانیان شیعه میهمان دولت عراقند نه اتباع آن لذا نمی‌توانند و نباید در امور سیاسی کشور دخالت کنند. این سه تن عبارت بودند از مرحوم شیخ مهدی خالصی، که به حجاز تبعید شد، و شیخ محمد خالصی‌زاده (فرزند شیخ مهدی خالصی) و سید محمد صدر، که این دو نفر به ایران تبعید شدند.

اوضاع ایران در آن ایام

اوضاع ایران در آن ایام آشفته بود. حکومت قاجاریه نفسهای واپسین را می‌کشید. سلطان احمد شاه به ظاهر پادشاه بود، ولی امور کشور از حدود دو سال پیش با دست رضا خان سردار سپه و نظامیان وفادار به او اداره می‌شد. نظام مشروطه و مجلس پنجم هم در تاروپود توطئه این قدرت تازه به دوران رسیده اسیر بود. شعارهای جمهوری‌خواهی و تظاهرات

هیچ کار دنیایی او را از کوشش و مجاهده بی‌وقفه‌اش باز نمی‌داشت، آنگاه که خبر مرگ یکی از فرزندان محبوب و دانشمندش به او می‌رسید، در منبر درس بود، در مدرسه مروی تهران صد‌ها طلبه به کلماتش گوش می‌دادند که آن مطلب دردناک وسیله آیت الله العظمی آشتیانی (ره) به سمعش رسید و او درس را ادامه داد و آهسته گفت: درس مهمتر است و پس از پایان درس به مجلس علما رفت.

فرزند امام سجاد علیه السلام بود که در اغلب کتابها و تذکرها مبسوط و مرقوم است. آثارش چنان گرانبهاست که درباره یکی از کوتاهترین اثرش (منظومه تهذیب در منطق) عالم بزرگوار کرمانشاه مجتهد نامی، مرحوم آقا محمد بن آقا محمد بنی آل آقا رحمت الله علیه می‌فرمود:

اگر نسبت اعجاز به غیر معصوم داده می‌شد، کتاب ایشان معجزه بود. معجزه‌ای که یک کلمه از متن خارج نشده است و تمام کلمات کاملاً در ابیات بسیار دقیق و محکم آمده است. در تاریخ فوتش که سال ۱۳۱۵ هـ ق است سه شبانه‌روز در شهری چون کربلا باران شدید نازل شد و منادی غیبی ندا در داد «انظمت و اله اعلام التقی» که نشانگر همان سال حزن‌انگیز فراموش نشدنی است.

قبر مطهرش در رواق حسینی (ع) همجوار شهدای کربلا و اولیای خداست که از سالها پیش مرکز اجتماع سینه‌زنی و عزاداری اهالی محترم کرمانشاه است: «اللهم ارزقنا زیارتهم فی الدنیا و شفاعتهم فی الآخره بحق محمد و اله الطاهرین صلواتک علیهم اجمعین»

جمهوری خواهان نیز فضای کشور را آکنده بود و سردار سپه جدا از این حرکت حمایت می کرد. در برابر جمهوری خواهان که در اکثریت بودند، اقلیتی نیز حامی و هوادار حفظ قانون اساسی مشروطه بودند. شهید مدرس در رأس این عده بود و در مجلس از جمهوری خواهان سیلی خورد. میرزاده عشقی شاعر جوان و انقلابی، در آغاز به سبب احساسات وطن دوستانه و ضد دربار به صف جمهوری خواهان پیوست، اما سرانجام هنگامی که به توطئه های یاران سردار سپه پی برد راه خود را عوض کرد و به هواداران قانون اساسی روی آورد و برای مبارزه با جمهوری خواهان به انتشار روزنامه «قرن بیستم» پرداخت. او پس از انتشار نخستین شماره روزنامه به شهادت رسید.

این ناآرامیها نه تنها در ایران و عراق بلکه در تمام منطقه، در هرجا به گونه ای ویژه جریان داشت و اگر پژوهشگری خواسته باشد می تواند، با مراجعه به تاریخ سایر کشورهای منطقه، به آسانی دریابد که چگونه در این بخش وسیع از جهان، هم زمان، دگرگونیهای اقتصادی - اجتماعی و سیاسی مشابهی روی داده است.

آغاز حرکت

پس از تبعید آن سه روحانی، در چنین اوضاع و احوالی، مراجع تقلید و روحانیان بزرگ ساکن

##PAGE=314##

(تصویر شماره ۸۷) خاندان شهرستانی

نجف و کربلا به عنوان اعتراض به دولت عراق، ضمن تحریم انتخابات قریب الوقوعی که

##PAGE=315##

حکومت تازه را بنیادگذاری می کرد، مصمم به ترک خاک عراق شدند و دولتمردان عراق هم از این حادثه استقبال نمودند و به انجام آن کمک کردند. بعدها روحانیان و مردم ایران مدعی شدند که دولت عراق علما را تبعید کرده است ولی دولت عراق می گفت: که آقایان به میل خود و به عنوان اعتراض خاک عراق را ترک کرده اند. این حادثه روز سیزدهم تیرماه ۱۳۰۲ هجری شمسی اتفاق افتاد.

حدود سی تن از علمای شیعه که در میان آنها سه تن از مراجع تقلید زمان - آیت الله حاج میرزا حسین نائینی، آیت الله حاج میرزا محمد علی شهرستانی و آیت الله حاج سید ابو الحسن اصفهانی - قرار داشتند، از طریق مرز خسروی به سوی کرمانشاه هدایت شدند.

ورود به کرمانشاه

این عده در تاریخ بیست و پنجم تیر ماه همان سال در میان استقبال بی نظیر و پرشور ایرانیان خصوصا اهالی کرمانشاه وارد این شهر شدند، در تمام طول راه مردم شهرها و روستاهای مسیر با ذبح گوسفند و گاو و هجومی صمیمانه! برای بوسیدن دست آقایان از مراجع تقلید خود استقبال می کردند. این استقبال بی نظیر و پرشور به توصیه مجمع روحانیان

طراز اول ایران صورت می‌گرفت در این زمینه سخن بسیار است و شنیده‌ها فراوان و اعجاب‌انگیز که از بیم اطناب از بیان آنها صرف نظر می‌شود.

در کرمانشاه نائینی میهمان معاون الملک بود و در مسجد عماد الدوله به نماز جماعت می‌ایستاد، شهرستانی میهمان حاج فتح الله محلولی بود و در مسجد جمعه نماز می‌خواند و اصفهانی در مسجد حاج شهباز خان نماز می‌خواند.

در آن ایام وسیله نقلیه در شهر درشکه بود، اسب و گاری هم بود ولی آقایان از سوار شدن به درشکه اکراه داشتند و چون اسب‌سواری هم برای افراد کم‌بنیه و سالمند خالی از اشکال نبود، لذا آقایان مراجع، خصوصا آیت الله حاج میرزا محمد علی، که از همه مراجع لاغرتر و استخوانیتر و کم‌بنیه‌تر بودند، برای سواری الاغهای رهوار معروف به "مصری" را ترجیح می‌دادند. مردم هم برای این که آقایان راحت‌تر باشند برای سواری آنها یکی از همان الاغهای رهوار را زین و لگام می‌زدند و به در خانه آقا می‌آوردند و آقا را سوار می‌کردند و با سلام و صلوات به مسجد می‌بردند. به همین ترتیب پس از ادای فریضه نماز، آقا را تا منزل همراهی می‌کردند. آقا سواره و مردم پیاده. شبها هم یک یا چند مرد فانوس به دست پیشاپیش مرکب آقا در حرکت بودند.

احمد شاه و سردار سپه

همان‌طور که گفته شد، روحانیان ایران، خصوصا تهران، به دنبال حرکت اعتراض‌آمیز مراجع تقلید کربلا و نجف، و حرکت ایشان به سوی ایران - که آن را نوعی تبعید می‌شناختند و معتقد بودند

##PAGE=316##

که ایشان را در شرایطی قرار داده‌اند که ناگزیر از جلای وطن شده‌اند - از مردم خواستند که از آقایان استقبال شایانی به عمل آورند و به تظاهرات درخور به پشتیبانی از ایشان دست بزنند. در پاسخ به این درخواست، بازارهای تهران و شهرستانها تعطیل شدند و چون مردم، انگلستان را مسؤول این رویداد تلخ می‌دانستند از خرید و فروش اجناس انگلیسی خودداری کردند. و باز همان‌گونه که معروض افتاد حکومت قاجار نفسهای آخر را می‌کشید. برخی از محافل ذی‌نفع عکس احمد شاه را با کت و شلوار و کراوات و کلاه شاپو و عصایی در دست، در کنار یک خانم بی‌حجاب یا بدحجاب که ایشان هم با کلاه و مانتو ولی با قرص صورت باز و موهای کمی قابل رؤیت، چاپ کرده بودند و در بین مردم می‌پراکندند. ملک الشعراى بهار در این زمینه می‌نویسد: [در جرايد عموما بر ضد احمد شاه و این‌که "در خیابانهای پاریس شاپو بر سر (!)، دست‌به‌دست معشوقه‌اش داده، راه می‌رود!" و "یا" جواهرات سلطنتی را در فرنگ به فروش می‌رساند!" و غیره بد می‌گفتند.]

در آن ایام، مرحوم دکتر مصدق (مصدق السلطنه) وزیر امور خارجه احمد شاه بود. او مردی خوشنام و مورد احترام علما و مردم بود. تلگرافهای خوشامد برای علما و مراجع تقلید به کرمانشاه مخابره کرد و علما در پاسخ از شاه و از ایشان تشکر کردند.

سردار سپه نیز برای این که از قافله عقب نماند به سپهبد امیر احمدی که در آن زمان "امیر لشکر غرب" نامیده می شد و نماینده و کارگزار او در منطقه غرب بود دستور داد، ضمن مراقبت و گزارش دقیق و کامل اوضاع به مرکز، نسبت به آقایان علما خصوصا مراجع از هیچ کمک و احترامی فروگذار نکند.

رقابت روس و انگلیس

واضح است که دولتین روس و انگلیس که پیوسته کوشا بوده اند تا از هر حادثه ای در منطقه به سود خود بهره برداری کنند، در این رویداد دینی - سیاسی نیز از هیچ تلاش و کوششی، به قصد سودجویی و گرفتن ماهی از آب گل آلود فروگذار نکرده اند. گزارشهای مکتوب کنسولها و کارگزاران آشکار و نهان این دو دولت مبین صحت این مدعا است.

کنسول روس در کرمانشاه به ملاقات "مراجع" می رود؛ آقایان نائینی و اصفهانی او را نمی پذیرند، ولی آقای شهرستانی به او اجازه ملاقات می دهد. این امر سبب تکدر خاطر کنسول انگلیس از آیت الله حاج میرزا محمد علی شهرستانی می شود و در گزارش خود به دولت متبوعش، ضمن اظهار نگرانی از پیامدهای سوء تبعید علماء، از این که آقایان نائینی و اصفهانی حاضر به ملاقات با کنسول روس نشده اند، اظهار خرسندی می کند.

##PAGE=317##

حرکت به سوی همدان

آقایان حدود یک ماه در کرمانشاه ماندند و از سوی اهالی به گرمی پذیرایی شدند سپس به قصد زیارت مشهد عازم همدان و تهران گردیدند. حرکت آقایان به سوی همدان از تاریخ سیزدهم مرداد ۱۳۰۲ آغاز شد از یک سو خیل بدرقه کنندگان کرمانشاهی و از سوی دیگر مستقبیلین همدانی، اسدآبادی، صحنه ای، کنگاوری و دیگر شهرها و روستاهای سر راه که تا پشت دروازه شهر کرمانشاه به استقبال آمده بودند، ازدحام عجیبی برپا کرده بود و نمایش قدرتی شگرف بود که سبب بیم و هراس دولتمردان خودی و بیگانه می شد.^{۱۲۵}

نقش برادر کهنتر

مرحوم حاج میرزا محمد علی شهرستانی، خود شخصا از پاسخگویی یا مکاتبه با مقامات دولتی، خصوصا با شخص سردار سپه، اکراه داشت. به بازدید او نمی رفت، در کالسکه او سوار نمی شد، و به هنگام ضرورت از برادر کهنتر خود مرحوم حاج سید ابو طالب شهرستانی که همراه و همدم و معتمد و محرم ایشان بود؛ استفاده می کرد. این برادر نیز دقیقا توصیه های آن بزرگوار را بکار می بست و تا پایان عمر خود هرگز با حکومت های وقت پیوندی برقرار نکرد.

^{۱۲۵} (۱) - در اینجا تذکر این نکته ضروری است که یادآور شوم قصد این جانب [سید محمد علی شهرستانی] از نگارش این سطور، تاریخ نگاری یا بیان تفضیلی این رویداد تاریخی نیست این کار به دست اهل فن، به گونه ای، انجام شده است و در آینده نیز (انشاء الله) بنحو مطلوب و کامل انجام خواهد شد. آنچه مرا وادار به این کار کرد، نخست احساس وظیفه ای بود که نسبت به بیان برخی نکات فراموش شده تاریخ وطنم در این زمینه داشتم. دیگر این که در مورد آیات عظام نائینی و اصفهانی دیگران به تفصیل سخن گفته اند ولی از آنجا که آیت الله شهرستانی رفتاری دیگرگون داشتند و خیلی زود - در همان ایام، رحلت فرمودند در مورد شرح رفتار سیاسی و اجتماعی ایشان خیلی کم گفته و نوشته شده است و تاریخ نگاران در بسیاری از موارد این بزرگوار را حتی بجا نیاورده اند.

سوم این که تصمیم گرفتم برخی تلگرافها و اسناد تاریخی در این زمینه را که در تملک خود داشتم برای ثبت و ضبط بجز و استفاده پژوهشگران به سازمان اسناد ملی ایران اهدا کنم و لازم بود برخی از دانسته ها و اسناد شفاهی را نیز به این اسناد مکتوب اضافه کنم. لذا به کتابت این مختصر دست یازیدم.

خاطراتی را که مرحوم حاج سید ابو طالب از این دوره نقل می‌کردند، از کوششهای سردار سپه برای ایجاد پیوند و روابط صمیمانه با مراجع تقلید، از روحیات و رفتار دولتمردان که چگونه به دنبال پست و پول و مقام لاله می‌زدند، و از اوضاع آشفته ایران آن روز، بسیار شنیدنی است و می‌تواند موضوع مقاله‌ای جداگانه باشد، فقط ذکر این نکته را فرض اخلاقی می‌دانم که این مرد محترم در پایان عمر نسبتاً طولانی خود از مال دنیا جز تن‌پوشی ساده هیچ چیز نداشت.

حکومت احمد شاه از روحانیان تبعیدی حمایت می‌کرد و در این زمینه مکاتبات و مراودات بسیار بین ایران و عراق، هم در سطح وزارت امور خارجه و هم در سطح عالیت، بین احمد شاه و

##PAGE=318##

ملک فیصل، صورت گرفت. سردار سپه می‌کوشید ابتکار عمل را در دست گیرد و بیم داشت که مبدا حکومت محض قاجار از این رویداد تاریخی برای تجدید حیات خود بهره گیرد.

اشتباه تاریخی بهار

ملک الشعرا بهار در جلد نخست تاریخ احزاب سیاسی، تحت عنوان تبعید علمای اعلام^{۱۲۶} مقاله‌ای را که در همان ایام نگاشته و در مجله نوبهار به چاپ رسانده بود آورده است. ولی در این مقاله و در این کتاب مرحوم حاج میرزا محمد علی شهرستانی را که بزرگترین مراجع معتبر شیعه در آن زمان بوده‌اند با سید هبت الدین شهرستانی - که البته ایشان نیز از همین خاندان هستند ولی هرگز مرجعیت نداشته‌اند - اشتباه می‌کند. حتی نام مرحوم هبت الدین را هبت الله ذکر می‌کند.

در جلد دوم کتاب نیز با اینکه «سید هبت الله» را تصحیح کرده و "آقا سید هبت الدین شهرستانی" نوشته است، (شاید کسانی در این زمینه به ایشان تذکراتی داده بوده باشند) باز هم در پراکنش می‌نویسد: «و به روایتی، میرزا محمد علی مرعشی شهرستانی» این اشتباه از مرحوم بهار بسیار شگفت‌آور است چون همسر ایشان کرمانشاهی بوده است و به همین سبب با کرمانشاهیان حشر و نشر فراوان داشته‌اند. حال چرا و چطور مرحوم حاج میرزا محمد علی را، که بیشتر کرمانشاهیان مرید و مقلد آن مرحوم بوده‌اند و با آن شهرت و محبوبیتی که در آن روزگار در کرمانشاه داشته‌اند، بجا نیاورده است؛ بسیار عجیب می‌نماید.

او می‌نویسد: "در تیر ماه نمایندگان مرکز تلگرافی به شاه که در پاریس اقامت داشت، مخابره کردند و آقا سید هبت الدین شهرستانی (و به روایتی، میرزا محمد علی مرعشی شهرستانی) از علمای مشهور بین النهرین که آن روزها در ایران اقامت داشت نیز تلگرافی به شاه مخابره نمود و مفاد هردو تلگراف تقاضای تعجیل در مراجعت ایشان بود اما شاه جرات نداشت به ایران برگردد. شاه از سردار سپه بیمناک بود و از او می‌گریخت. چگونه ممکن بود در چنین دل‌لرزانی داعیه بازگشت و مبارزه با سردار سپه را متمکن ساخت؟! شاید هم مأیوس بود، زیرا قبلاً اطلاع دادیم که شاه سیاست انگلستان را با خود موافق نمی‌دید، و در قوه خویش نمی‌دید که با آن حریف قوی پنجه سرپنجه نرم کند!"^{۱۲۷}

هبت الدین شهرستانی

^{۱۲۶} (۱) - تاریخ مختصر احزاب سیاسی، جلد اول، ص ۳۵۴.

^{۱۲۷} (۲) - همان، جلد دوم، ص ۱۶۷.

اما مرحوم "هبت الدین" که بهار او را با مرحوم "حاج میرزا علی" اشتباه می‌کند کیست؟

##PAGE=319##

مرحوم سید محمد علی حسینی شهرستانی معروف به هبت الدین از شاگردان مرحوم میرزا محمد حسین شهرستانی و از سوی مادر منتسب به خاندان شهرستانی بود. او در آن ایام روحانی جوان متفکر و بسیار با استعدادی بود. روش سیاسی انعطاف‌پذیری داشت و پذیرفته و توانسته بود که با حکومت فیصل اول به گونه‌ای توافق و همزیستی دست یابد. در مجلس مؤسسان عراق نیز عضویت و حتی ریاست داشت. با اینکه این اتفاق در التیام مناسبات روحانیت شیعه با حکومت نوپای عراق بسیار مؤثر افتاده بود اما نمی‌توان با قاطعیت ادعا کرد که مشی سیاسی ایشان مورد تأیید مرحوم حاج میرزا محمد علی شهرستانی یا سایر مراجع و بزرگان روحانی هم‌عصرشان بوده باشد.

مرحوم هبت الدین بیش از چهل سال بعد از مرحوم حاج میرزا محمد علی شهرستانی زیسته و به سبب رفتار سیاسی خاص خود، که به آن اشاره شد، همیشه مورد احترام حکومت‌های وقت بوده است.

پایان کار

سرانجام مذاکرات و مکاتبات و مراودات سردار سپه با ملک فیصل "شرایط مناسب!" بازگشت روحانیان مهاجر [تبعیدی] را فراهم ساخت.

ملک فیصل پذیرفت که، چنانچه ایران دولت هاشمی اسلامی عراق را به رسمیت بشناسد و آقایان مسأله تحریم انتخابات را فراموش کنند و بپذیرند که در امور سیاسی مداخله نکنند و برخی شرایط دیگر، از ایشان استمالت و دعوت به بازگشت کند.

برخی از آقایان: از جمله مرحوم نائینی و مرحوم اصفهانی با پذیرفتن شرایط حکومت عراق آماده بازگشت شدند و مرحوم حاج شیخ عبد‌الکریم حائری را نیز با خود موافق کرده بودند که به مردم توصیه کنند از جمهوری‌خواهی دست بکشند: "آقایان در ملاقات با سردار سپه قرار بر این دادند که دولت از جمهوری‌ج‌لوگیری کند و صدای خلق را بخواباند، و تلگرافی به امضای آقایان آقا سید ابو الحسن اصفهانی و حاج میرزا حسین نائینی و شیخ عبد‌الکریم حائری خطاب به علما و اعیان و تجار و اصناف و قاطبه ملت ایران صادر شد که در آنجا خبر منصرف شدن سردار سپه را از جمهوری نوید داده بودند".^{۱۲۸}

بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که مرحوم حائری اساساً از مشارکت در این‌گونه مسایل سیاسی احتراز می‌جسته و امضاء و تایید برخی از این تلگرافها و بیانیه‌ها برای حفظ حرمت آقایان نائینی و اصفهانی بوده است.

سردار سپه نیز طی بیانیه مفصلی عنوان جمهوری را موقوف می‌کند: چون یگانه مرام و مسلک

##PAGE=320##

^{۱۲۸} (۱) - تاریخ مختصر احزاب سیاسی، جلد دوم، ص ۱۶۷.

مشخص من از اولین روز، حفظ و حراست عظمت اسلام (؟) و استقلال ایران بوده و هرکس که با این رویه مخالفت نموده، او را دشمن مملکت فرض (؟) و قویا در دفع او کوشیده و از این به بعد نیز عزم دارم همین رویه را ادامه دهم چنین مقتضی دانستیم که به عموم ناس توصیه نماییم عنوان جمهوری را موقوف و به تمام وطن خواهان و عاشقان آن منظور مقدس نصیحت می‌کنم که از تقاضای جمهوریت صرف نظر کرده و برای نیل به مقصد عالی که در آن متفق هستیم با من توحید مساعی نمایند.^{۱۲۹}

مخالفت آیت الله شهرستانی با توافق!

هنگامی که آیات عظام نائینی و اصفهانی، پس از توافق با دولت عراق، مصمم به بازگشت می‌شوند، آیت الله شهرستانی، چون از این امر ناخرسند و ناراضی بوده‌اند، و ابراز نارضایتی را هم به صورت علنی مصلحت نمی‌دیده‌اند لذا عزم زیارت مشهد مقدس می‌کنند و احتیاطا برای این که نظر دولت را هم دانسته باشند از برادر خود، آقا سید ابو طالب، می‌خواهند که تصمیم ایشان را ضمن تلگرافی به سردار سپه اطلاع دهند. ایشان نیز این کار را می‌کنند و سردار سپه در پاسخ تلگراف آقا سید ابو طالب بسیار مؤدبانه! تقاضا می‌کند که از رفتن به مشهد منصرف شوند و همراه دو روحانی بزرگ به عراق بازگردند. سند شماره ۱ چنین است: "شیر و خورشید- اداره تلگرافی دولت علیه ایران- نمره کتاب ۱- از طهران به کرمانشاه- نمره قبض ۷۶۰- نمره تلگراف ۷۸- عدد مکالمات ۸۸- تاریخ اصل ۶- تاریخ وصول ۷ حمل- جناب مستطاب شریعتمدار ملاذالانام آقای میرزا ابو طالب شهرستانی دامت افاضاته تلگراف جناب عالی واصل از اظهار مودت و استعلامی که از حال مخلص فرموده‌اید کمال امتنان حاصل شد. از قصد تشرف حضرت آیت الله آقای شهرستانی دامت برکاته به ارض اقدس مطلع گردید، حالا که قرار است حضرات آیات الله و حجج الاسلام دامت برکاتهم باعتاب مقدسه مراجعت نمایند نمی‌دانم از این قصد انصراف خواهند فرمود یا خیر در هر صورت از تصمیم ثانوی معزی الیه آگاهم فرمایید؛ ۶ حمل نمره ۵۴ ریاست الوزراء رضا، مهر تلگرافخانه کرمانشاهان."

پذیرفتن شرایط دولت عراق از سوی آیات عظام و عزم بازگشت ایشان به عراق برخی از روحانیان دیگر را نیز ناخشنود ساخت ولی جز مرحوم شیخ مهدی خالصی که بطور علنی و با صراحت از هرگونه سازش و همزیستی با حکومت فیصل ابراز تنفر نموده و از رفتار سیاسی آقایان به شدت انتقاد می‌کرده است، بقیه آقایان، به قصد حفظ حریم روحانیت و احترام مراجع، به

##PAGE=321##

مخالفت علنی نمی‌پرداخته‌اند.^{۱۳۰}

عزیمت به مشهد

آیت الله شهرستانی، بی‌اعتنا به توصیه "مؤدبانه!" سردار سپه، با اهل بیت و همراهان خود عازم مشهد می‌شوند. این حرکت از یک سو موجب ناخشنودی رضا خان و از سوی دیگر سبب نگرانی زمامداران عراقی می‌گردد. در تمام طول

^{۱۲۹} (۱) - همان، جلد دوم، ص ۱۶۷.

^{۱۳۰} (۱) - تشیع و مشروطیت در ایران، عبد الهادی حائری، صص ۱۸۳ و ۱۸۲.

سفر محور اصلی پیامهای شفاهی و مکتوب دولتمردان توصیه به بازگشت حضرت آیت الله است. در تهران سردار سپه به دیدن آقا می‌رود، در آستانه در، مجبور به بیرون آوردن چکمه‌هایش می‌شود. آقا عنایتی به او و سخنانش ندارند، چند روز بعد به سبب توصیه‌ها و تأکیده‌های فراوان دولتمردان و کارگزاران سردار سپه، آقا سید ابو طالب - برادر کهنتر - (تصویر شماره ۸۸) آیه الله آقا سید ابو طالب شهرستانی

از طرف آقا به بازدید رضا خان می‌رود، برای بردن ایشان به سعدآباد، کالسکه مخصوص می‌فرستند شرح این ملاقات بسیار شنیدنی است ... در این ملاقات نیز سردار سپه تقاضای خود را

##PAGE=322##

تکرار می‌کند.

تلگراف محمد حسن میرزا ولیعهد

تلگرافهای آقا سید ابو طالب به مسئولان و پاسخ آنها حکایت از وظیفه‌شناسی مأموران دولت در بین راه دارد. برای نمونه تلگراف محمد حسن میرزا ولیعهد احمد شاه را که ظاهراً در پاسخ شکوائیه آقا سید ابو طالب است به عنوان سند شماره ۲ در اینجا می‌آورم. تاریخ این تلگراف دو ماه و اندی پس از تلگرافی است که سردار سپه مخابره کرده و در آن استدعای بازگشت آقا را داشته است:

" شیر و خورشید - اداره تلگرافی دولت علیه ایران - سنه ۱۳۰۳ نمره کتاب ۷۵ - از طهران به مشهد، (توضیحات ص ۱ ص ۲) جناب مستطاب شریعتمدار عالی آقای سید ابو طالب شهرستانی سلمه الله تعالی - تلگراف جناب مستطاب عالی که مژده سلامتی ورود حضرت آیت الله دامت برکاته را حاوی بود موجب نهایت شعف و مسرت قلبی گردید و امیدوارم در راه به وجود مبارکشان زحمتی نرسیده و خواهشمندم که در این موقع عید سعید اضحی تبریکات خالصانه و احساسات صمیمی قلبی مرا به خدمتشان عرض و انشاء الله در تحت قبه مطهره از دعا فراموشم نخواهند فرمود. بندگان اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی هم انشاء الله عنقریب حرکت خواهند فرمود و البته تا بحال تلگرافی را که در جواب حضرت آیت الله مخابره فرموده بودند ابلاغ شده است - با وجود این تلگرافا دستور لازم به اداره تولیت آستانه مقدسه داده شده بود جای تعجب و تأسف است که به وظایف خود عمل نکرده‌اند و یقیناً جبران خواهند نمود. منتظرم که تلگرافا و کتبا در مدت توقف ارض اقدس از مژده سلامتی حضرت آیت الله و خودتان همواره مسرور و مشعوفم دارید. محمد حسن ولیعهد -"

انگلستان باید عذرخواهی کند

با اینکه، در فروردین ۱۳۰۳، دو روحانی بزرگ - آیت الله نائینی و آیت الله اصفهانی - پس از قریب یک سال زندگی در ایران با همراهان خود به عراق بازگشتند، ولی آیت الله شهرستانی، پس از مراجعت از مشهد، همچنان در کرمانشاه اقامت داشت. ایشان معتقد بودند که با دولت عراق دعوایی نداشته‌اند که عذرخواهی فیصل خاتمه یابد و می‌گفتند: انگلستان باید عذرخواهی کند نه دولت عراق.

مسقط الرأس آیت الله شهرستانی شهر مقدس کربلا بود. ایشان از در صدر وارد صحن مطهر می‌شدند و در آنجا، در محلی که والد معظمشان، مرحوم میرزا محمد حسین شهرستانی، اقامه نماز می‌کردند، به نماز جماعت می‌ایستادند. بدیهی است در مراسم نماز همیشه جمعیتی انبوه از مریدان و مقلدان ایشان به آن حضرت اقتدا می‌کردند.

##PAGE=323##

دو سند تاریخی دیگر

کمی پس از مراجعت آقایان به نجف، سردار سپه برای مذاکره با فیصل به عراق رفت. او که در مذاکره با آیت الله شهرستانی پیوسته ناکام می‌ماند، چون می‌دانست ملاقات با ایشان دشوار و بی‌نتیجه است، مکنونات قلبی و تقاضاهای خود را کماکان به وسیله آقا سید ابو طالب به اطلاع آقا می‌رساند. اما در کرمانشاه نه ایشان را در مراسم استقبال دیده بود و نه در دار الحکومه، او همیشه امیدوار بود بلکه بتواند با جلب محبت برادر کهنتر به برخی از خواسته‌های خود جامه عمل بپوشاند ولی مرحوم آقا سید ابو طالب به هیچ ملاقات و مذاکره‌ای بی‌اذن آقا تن در نمی‌داد و خود نیز عاشقانه مقلد و معتقد برادر بود، و در برخورد با این‌گونه دولتمردان، رفتاری درخور و شایسته نماینده یک روحانی معتبر و مرجع تقلید را داشت. در بازگشت سردار سپه از عراق باز هم برای آقای سید ابو طالب دعوتنامه‌ای می‌رسد که به عنوان سند شماره ۳ در اینجا آورده می‌شود. متن دعوتنامه چنین است:

"تصویر شیر و خورشید- وزارت جلیله داخله- حکومت کرمانشاهان- نمره ۱۲۶۰- بتاريخ ۶ برج جدی سیچقان‌نیل ۱۳۰۳- بندگان حضرت اشرف اعظم آقای رئیس الوزراء و فرمانده کل قوا دامت عظمه در ساعت (دو) قبل از غروب یکشنبه ۷ جدی که غره جمادی الثانیه است بشهر ورود می‌فرمایند، خواهشمند است برای درک ملاقات و صرف شربت و شیرینی در ساعت مزبور شخصا بادره حکومتی تشریف بیاورید امضاء".

مرحوم آقا سید ابو طالب شهرستانی با ارسال یادداشتی، احتمالا به امر برادر بزرگوارشان، عذر می‌آورند و از حضور در مراسم استقبال و دیدار خودداری می‌کنند. دو روز بعد، در تاریخ ۸ جدی ۱۳۰۳، نامه‌ای از وزارت جنگ و با امضای رضا به دست ایشان می‌رسد که به عنوان سند شماره ۴ آورده می‌شود. متن سند چنین است: "تصویر شیر و خورشید- وزارت جنگ- بتاريخ ۸ برج جدی ۱۳۰۳- عرض می‌شود مراسله شریفه زیب وصول داد خود اینجانب هم راضی نبودم که در این سرما جنابعالی تحمل زحمت نموده بخارج شهر تشریف بیاورید و از اینکه کسالت حضرت حجة الاسلام^{۱۳۱} آقای شهرستانی دامت برکاته شدت کرده، فوق العاده متاسف شدم امید است بزودی رفع نقاهت ایشان بشود. و بیشتر متاسفم که چون فردا صبح خیال عزیمت دارم مجال تعیین وقت برای درک ملاقات جنابعالی نیست. خواهشمندم مراتب خلوص مرا به حضرت معظم له تجدید نموده ضمنا پس از احوالپرسی تذکر بدهید که در موقع تشریف اینجانب به اعتاب متبرکه حضرات آقایان حجج اسلام دامت برکاتهم معاودت ایشان را به عتبات تذکر می‌دادند و اینجانب هم عودت

##PAGE=324##

^{۱۳۱} (۱)- در آن زمان عالیترین مقام روحانیت را حجة الاسلام می‌نامیدند.

معزی الیه را در این موقع تصدیق میکنم و مقتضی است تصمیم بعزیمت فرمایند زیرا مکنونات ضمیر ایشان مرعی خواهد گردید. زیاده بر این زحمتی نیست امضاء رضا".

بطوری که این سند نشان می دهد سردار سپه باز هم ضمن ادای احترام به حضرت آیت الله، بدون اینکه جرأت کند صریحا از قول خود بازگشت آقا را خواستار شود، از قول آقایان حجج اسلام ساکن عراق، مع الواسطه، از آقا تقاضا می کند ایران را ترک کنند.

آیت الله شهرستانی ناگزیر عزم بازگشت می کند، و چون آقا سید ابو طالب در کرمانشاه ازدواج کرده و تشکیل عائله داده بود به امر برادر مهتر در کرمانشاه می ماند و آقا به کربلا بازمی گردند، افسرده و بیمار - من خود از همسر مرحومه اش که تا پایان عمر در خانه ما می زیست شنیدم که می گفت:

چند روز بعد از ورود ما به کربلا "جواد" با دو نفر غریبه به حضور آقا آمدند. غریبه ها پول زیادی برای آقا آورده بودند. آقا نپذیرفت و گریست. وقتی آن دو غریبه رفتند جواد که مورد خشم و سخط آقا قرار گرفته بود به آقا می گفت: آقا یک گونی پول است، بین طلاب تقسیم بفرمایید، آقا خوب پولیه، و آقا در حالی که می لرزیدند پر خاش کنان می گفتند: «جواد خوب دینی، خوب دینی». همان شب آقا که با جمعی از همراهان از نماز بازگشته بودند، در کتابخانه قهوه ای نوشیدند و به بستر رفتند و هرگز از بستر برنخاستند.

آقا سید ابو طالب در کرمانشاه بود که خبر رحلت برادر را شنید و با شتاب به کربلا عزیمت کرد تا بزرگ خانواده و یادگار و جانشین پدر ارجمند خود را، در کنار پدر، در رواق حضرت سید الشهدا، به خاک سپارد وی سپس به کرمانشاه مراجعت کرد و تا پایان عمر در آن گوشه از ایران به انزوا زیست.

ایشان بعد از هر نماز یکی از کسانی را که لعن و نفرین می کرد "پهلوی" بود.^{۱۳۲}

^{۱۳۲} (۱) - حجة الاسلام آقا سید ناصر مبینی در یادداشت های خود می نویسد: او روحانی کم نظیر و آبرومندی دلیر بود، برای ترویج و تبلیغ آئین جدش سید المرسلین (ص) به کرمانشاه آمده بود، احتیاج مردم را در نظر می گرفت و بخوبی می دانست که چنین شهری چقدر تشنه احکام و فرامین خدا است. مدت اقامتش در این زادبوم به چهل سال رسید، از سختی ها و شدائد دهر هیچگاه شکایتی نمی کرد و هرچو پیشنهادی مورد توجهشان قرار نمی گرفت. فقط و فقط به خدا توجه داشت، زر و زیورهای دنیا برایش پوچ و بی اهمیت بود، چندین بار به او پیشنهاد امامت جماعت مساجد مختلف شهر شد و نپذیرفت، همان گوشه تنهایی و عزلت را برگزید، حتی مسجد جامع را به او اظهار نمودند و رد کرد، می گفت: در صحن مقدس امام حسین (ع) و بجای مرحوم برادرم آیت الله العظمی حاج میرزا محمد علی شهرستانی (ره) را نپذیرفتم، یکی از نیکوکاران کرمانشاه به خدمت او رسید و برای ساختمان مسجدی، کسب تکلیف کرد، پاسخ مثبت بود و به تشویق آن اهل خیر پرداخت، اما همینکه فهمید او را برای امام جماعتش می خواند، باز هم همان پاسخ معهود را به میان کشید و چون نیکوکار بصراحت گفت:

اگر نپذیرید مسجد نمی سازم، ناچار قبول کرد و پس از اتمام اندک مدتی به آنجا رفت و بزودی نائی برگزید و باز -- همان بود و همان بود ...

آری، مرحوم مبرور حاج سید ابو طالب شهرستانی (ره) را می شناسد و آنجا که با او آشنایی مختصری داشتند هنوز هم خاطره اش را از دست نداده اند.

دارای اجازات بسیار از علما و مراجع اعلام بود، آیت الله العظمی مرحوم آقا سید ابو الحسن اصفهانی به او عنایت خاص داشت. روزی که عده ای از زائران کرمانشاهی به نجف بودند و ایشان را زیارت می کردند، آنگاه که برای تصفیه اموال خود سخن از وجوه شرعی به میان کشیدند، آقا سؤال نمودند اهل کجائید؟ و وقتی نام کرمانشاه بر زبانشان جاری شد، با تبسم خاصی فرمودند، آنجا که فلاق نماینده من پیش شما است؟ بروید و با او حساب کنید، و باز اجازات بسیار از مراجع دیگر چون آیات عظام شیرازی، شاهرودی، حکیم میلانی، و سایرین نزد ایشان بود.

چهل سال در کرمانشاه و نقاط دور و نزدیکش به تبلیغ و ترویج دین پرداخت و هرگز اظهار خستگی ننمود.

داماد مرحوم حجت الاسلام حاج امین الشریع آل آقا کرمانشاهی بود، بزرگواری که فرزند صالحی چون مرحوم محمد رضا اقبال آل آقا به جامعه اهدا کرد.

از منافع دنیا جز اعمال صالحه چیزی نداشت و حتی يك متر زمین یا دار السکینی تهیه ننمود، آنگاه که از او سؤال می کردند، می گفت: خانه آخرت برلم کافی است.

سند شماره: یک صد و سیزده

موضوع: تلگراف رضا خان رئیس الوزراء برای آیه الله حاج سید ابو طالب شهرستانی درباره استفسار عزیمت آیات عظام به مشهد مقدس یا مراجعت به عتبات عالیات

تاریخ: ۱۳۰۲ قمری

مهر: امضاء (ریاست الوزراء رضا)

۱۸۷۷۲ تاریخ تشیع در کرمانشاه از آغاز تا امروز بانضمام پیشینه اعتقادی در غرب ایران ؛ ص ۳۲۹

سند شماره: یک صد و چهارده

موضوع: تلگراف محمد حسن میرزای ولیعهد برای آیه الله حاج سید ابو طالب شهرستانی درباره مسافرت احمد شاه و تبریک عید اضحی و التماس دعا و وعده جبران مافات

تاریخ: ۱۳۰۳ قمری

مهر: محمد حسن ولیعهد

علما و مبلغان، قدر او را خوب می‌شناختند و مورد توجه افراد بنامی چون مرحوم آیت الله حاج حسن علامی، حاج آقا محمد نبوی آل آقا، سردار کابلی، آیت الله حاج شیخ حسن حاج آخوند بزرگ (ره)، آیت الله حاج سید جواد نجومی (ره)، آیت الله حاج آقا سید محمد میبیدی (ره) و آیت الله حاج شیخ ابو تراب آل آقا، آیت الله حاج شیخ محمد هادی جلیلی بود و بیشتر واعظان چون مرحوم صدر المحققین و افصح المتکلمین و دیگران در منابر خود نام ایشان را با توصیف زاید الوصفی اظهار می‌نمودند. و آنگاه که رحلتش فرارسید و پیکر پاکش را از تهران به سوی شهر مقدس قم می‌بردند، دیناری از مال دنیا باقی نداشت مزارش در مقبره علما ابو حسین آرمیده است. (* اسنادی که با شماره‌های ۱، ۲، ۳ و ۴ نامیده شده‌اند، تاکنون در هیچ جا انتشار نیافته‌اند. این اسناد به انضمام برخی سندهای دیگر از سوی نویسنده مقاله به "سازمان اسناد ملی ایران" اهدا گردید.

۱۳۳ سلطان، محمد علی، تاریخ تشیع در کرمانشاه از آغاز تا امروز بانضمام پیشینه اعتقادی در غرب ایران، ۱ جلد، [بی نا] - تهران، چاپ: اول، ۲۰۰۱ م.

سند شماره: یک صد و پانزده

موضوع: دعوت آیه الله حاج سید ابو طالب شهرستانی از سوی حکمران کرمانشاهان برای ملاقات رئیس الوزراء

تاریخ: ۱۳۰۳ قمری

مهر: امضاء (مجلل الدوله) دولتشاهی

##PAGE=331##

سند شماره: یک صد و شانزده

موضوع: جوابیه رضا خان سردارسیه به آیه الله حاج سید ابو طالب شهرستانی درباره بازگشت آیه الله شهرستانی (آقا محمد علی) به عتبات عالیات

تاریخ: ۱۳۰۳ قمری

مهر: امضاء -

##PAGE=332##

سند شماره: یک صد و هفده

موضوع: اجازه تصدی امور شرعیه از آیات عظام؛ برای آیه الله حاج سید ابو طالب شهرستانی

تاریخ:

مهر:

##PAGE=334##

خاندان شیخ الاسلام کرمانشاهی

مولانا عاشور کرمانشاهی؛ از اکابر علمای امامیه و مفاخر جهان اسلام، عالم ربانی، فقیه صمدانی، جامع معقول و منقول، حاوی فروع و اصول، شیخ الاسلام، مرجع الانام محقق مدقق آیت الله العظمی مولانا محمد بن عاشور کرمانشاهی قدس الله نفسه الزکیه معاصر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ ه ق) می باشد که از کرمانشاهان به تهران هجرت نموده و در پایتخت ایران شیخ الاسلام مطلق و مرجع عام و خاص بوده است و قریب به صد سال خاندان آن اسوه تقوی در تهران ریاست علمی داشته و از محضر فیاضشان خوشه چینان معارف و طالبان علم، کسب فیض می نمودند.

اگرچه حضرتشان در کرمانشاه دیده به جهان گشود، و در تهران جمال اقبال و علم بدو روی نمود اما از زمان طلوع و غروب خورشید جانشان اطلاعی در دست نیست چه شاید از فرط اشتها لزومی به ثبت روز و ماه و سال نداشته است؟! اما آنچه از اجداد و اولاد آنجناب برجایست اینکه؛ پدرش مولانا عاشور کرمانشاهی از بزرگان اهل فضل و تقوای عصر خویش بوده و اجدادش در کرمانشاهان اقامت داشته‌اند. و اما از بازماندگان و اولاد ایشان از اهل علم و فضل که زینت آرای محراب و منبر بحث و تدریس و تقوی بوده‌اند:

۱- شیخ الفقهاء و المجتهدين آقا ملا رضا فرزند شیخ الاسلام کرمانشاهی (قدس سرهما) که علامه شیخ آغا بزرگ طهرانی قدس سره در توصیفش آورده است: الشيخ رضا بن الشيخ المولى

##PAGE=335##

محمد بن عاشور الکرمانشاهی عالم جلیل و رئیس معروف. کان من مشاهیر علما الدین فی طهران و من اکابر المراجع و اجلا الروسا الخ و اعتماد السلطنه با عنوان شیخ رضا بن ملا محمد آورده است؛ کرمانشاهانی الاصل و طهرانی المسکن از مشاهیر رؤسا دار الخلافه و متولی اوقاف جمیع عتیق آن بود، کتابخانه عامری داشت، سرای وی مضیف علماء واردین طهران محسوب می‌گردید، به حسن سلیقه امتیازش مشهور است کفش صاغری و میانه قلیان و سر قلیان شیخ رضایی هر سه بنام او می‌باشد، در پنجم رمضان سال یک هزار و دویست و هفتاد و هفت از دنیا رفت در گنبد هود و صالح است از وادی السلام.^{۱۳۴}

و همچنین مولی نوروز علی بسطامی متوفای ۱۳۰۹ ه ق در فردوس التواریخ از او یاد نموده است.

علامه سید محمد بن حاج میرزا معصوم رضوی ملقب به (علم الهدی) از اکابر فقهای سادات رضویه و از شاگردان برجسته وحید بهبهانی، صاحب ریاض، بحر العلوم در تهران به ایشان وارد شده و سه ماه برای مداوا مهمان معظم له بوده است. وفات آن بزرگوار را ماه رمضان ۱۲۷۷ ه ق نقل نموده‌اند. آن اسوه علم و ادب را بعد از وفات حمل به نجف اشرف نموده و در مقبره هود و صالح وادی السلام دفن می‌کنند.^{۱۳۵}

۲- فرزند دیگر شیخ الاسلام کرمانشاهی شیخ الفقهاء و المجتهدين آیت الله فی العالمین مولانا الشیخ جعفر کرمانشاهی قدس الله نفس الزکیه است. بسیاری از اصحاب رجال او را ستوده‌اند، معظم له از علمای طراز اول تهران بوده و حوزه درسش محفل اعلامی بنام همچون؛ میرزا ابو القاسم نوری- کلانتر (از اصحاب خاص شیخ الطائفه انصاری قدس سره) بوده است.

میرزا ابو القاسم کلانتر تقریرات اصول حاج شیخ جعفر را نوشته و نسخه خطی آن به قلم مؤلف که مربوط به سال ۱۲۶۶ ه ق می‌باشد در مکتبه خانوادگی شیخ الاسلام کرمانشاهی موجود و در پایان کتاب آمده است: «من نظم اقل تلامیذه ابی القاسم بن محمد علی الطهرانی فی سنه ۱۲۶۶».

سال وفات آن بزرگوار را علامه تهرانی قبل از سنه ۱۲۸۷ ه ق ضبط نموده است.

^{۱۳۴} (۱) - المأثر و الآثار، چاپ سنگی

^{۱۳۵} (۲) - کرام البره، ج ۲، ص ۵۶۴.

۳- نواده شیخ الاسلام کرمانشاهی عالم عامل محقق مدقق علامه ملا محمد فرزند ملا جعفر فرزند محمد (سلطان العلماء) فرزند عاشور نیز یکی از اکابر علمای بنام تهران بوده و از محضر والدش ملا جعفر کسب فیض نموده است از تألیفات او تقریرات والد گرامیش می باشد؛ در فقه و اصول شیخ آغابزرگ طهرانی آنرا در مجلد چهارم الذریعه فهرست نموده. ملا محمد بعد از وفات عموی بزرگوارش قائم مقام او شده و در مسجد جامع عتیق اقامه می نمود، سال وفاتش را سنه ۱۲۹۴ ه ق نوشته اند، بعد از او فرزند برومندش حضرت آیت الله حاج شیخ جعفر ملقب به (سلطان

##PAGE=336##

العلماء) کرمانشاهی که از اعلام بنام تهران بوده جانشین او شد و در امور دین مرجع عام گشت، او داماد میرزا زین العابدین امام جمعه بوده و کتابخانه نفیسی داشته و فرزندانش؛ شیخ محمد تقی کرمانشاهی (از شاگردان آخوند ملا محمد کاظم خراسانی صاحب کفایة الاصول و شیخ الشریعه قدس سرهم) و شیخ احمد کرمانشاهی از اعیان علمای تهران بوده اند.

حیات علمی شیخ الاسلام محمد بن عاشور کرمانشاهی

معظم له از محضر علمای بنام عصر خویش کسب فیض نموده و اجازات بسیار ارزنده ای از اعلام بنامی همچون؛ سید علی بن محمد طباطبائی صاحب ریاض المسائل و سید محمد مهدی بن مرتضی طباطبائی بروجردی ملقب به «بحر العلوم» رضوان الله علیهم اجمعین داشته حقیر [آقا سید ناصر میبدی] بعضی از آنها را در مجموعه ای تحت عنوان «کتاب الاجازات» جزو مجموعه کتب خطی آستان قدس رضوی (ع) دیده و عکس برداری کرده ام. سال تحریر این مجموعه نفیس سنه ۱۲۷۳ ه ق می باشد و مشتمل بر ۳۱ صفحه است که به وسیله حاج شیخ محمد باقر مازندرانی در سال ۱۳۴۹ ه ق به کتابخانه مذکور اهداء و وقف شده است. این مجموعه مشتمل بر اجازات ۱- شیخ محمد بن عاشور کرمانشاهی از علامه بحر العلوم [و عده ای دیگر از علمای اعلام] که با جمله (احمد الله شکر النعمه و اعوذ بعفوه من عقوبته و اسئله ان یسعرنا کثره خشیه و یثرب قلوبنا شده مراقبه) شروع و با مهری به نام (محمد شفیع موسوی) به پایان رسیده است.^{۱۳۶}

تألیفات شیخ الاسلام محمد بن عاشور کرمانشاهی - معظم له تصانیف و تألیفات نفیسی از خود به یادگار گذاشته است که هریک در نوع خود کم نظیر است و اکثر آنها را علامه تهرانی در «الذریعه الی تصانیف الشیعه» فهرست نموده که از آن جمله اند؛ ۱- آیات العموم فی خطاب المعدوم ۲- احکام العقود ۳- اعتذار الحقیر عن اعتزال الامیر ۴- بشارة الفرج ۵- بیع الوقف ۶- تحقیق الحق فی وجوب الجمعة عینا ۷- الجبر و الاختیار و البداء ۸- جلاء الشبهات فی وجوب الجمعة ۹- الحبوه ۱۰- الخلل ۱۱- رساله فی ارث الزوجه ۱۲- شرح الفیه ۱۳- شرح تبصره ۱۴- شرح المنظومه الاصولیه ۱۵- رساله فی ضربات التیمم ۱۶- الغنیمه فی العبادات ۱۷- رساله فی القرض ۱۸- رساله فی منجزات المریض ۱۹- رساله فی نفقة الزوجه.^{۱۳۷}

^{۱۳۶} (۱) - جناب حجة الاسلام آقا سید ناصر میبدی تصویری از اجازه مزبور را برای درج ارسال داشتند، از عنایتشان سپاسگزارم.

^{۱۳۷} (۲) - در الذریعه آمده است؛ حاج مولی محمد بن عاشور کرمانشاهی، وی معاصر فتحعلی شاه قاجار بوده و از آثار اوست: ۱- احکام العقود ۲- اعتذار الحقیر عن اعتزال الامیر (علیه السلام) مدة خمس و عشرين سنة فارسی است و دارای يك مقدمه و سه فصل و يك خاتمه ۳- بیع الوقف ۴- تحقیق الحق فی وجوب الجمعة علینا ۵- جلاء الشبهات -- ۶- رساله فی ضربات التیمم ۷- الغنیمه ۸- بشارة الفرج فارسی است در احوال حجت (عج) و ایام رجعت ۹- رساله فی منجزات المریض ۱۰- رساله فی

سند شماره: یک صد و هجده

موضوع: اجازه آیه الله مولی محمد بن عاشور کرمانشاهی از آیه الله العظمی حاج سید محمد مهدی بحر العلوم (علامه بحر العلوم) موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی

تاریخ: ۱۲۷۳ قمری

مهر:-

خاندان صدوقی کرمانشاهی، یزدی

شیخ الفقهاء و المحققین، زبدة العلما المدققین علام فهام مولانا ملا محمد مهدی کرمانشاهی؛ از اکابر علمای امامیه، معاصر فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲ - ۱۲۵۰ ه ق) در شهرستان یزد بودند. وی صبیّه آقا محمد علی بهبهانی کرمانشاهی را در حباله نکاح داشتند (ر. ک، وحید بهبهانی، ص ۴۴۱) ملا محمد مهدی از قرار معلوم در شهر کرمانشاهان دیده بجهان گشوده است و از آنجا که عنایتی به سلطه سلسله قاجاریه نداشته و متمایل به ثبات خاندان زندیه بوده است، مورد عتاب شاه قاجار واقع و به یزد تبعید که بسال ۱۲۳۶ ه ق پس از اندک حضوری که مرجع انام و ملاذ خاص و عام گردید، رو به تراب کشید، مزارش در یزد زیارتگاه عارفان الهی و عالمان عالم و مجاهدین نستوه است. بر لوح مزارش هنرمندان خوشنویس و حکاک قریب دویست سال پیش چنین نقر کرده اند:

هذا مغرب شمس الهدایه و الکمال و مغیب بدر الحکمه و الافضال قطب فلک العرفان و نقطه دائره المعرفه و الايقان مجمع الخصوصیات العلیه و منبع الافاضات السنیه جامع مراتب الحکمه و الاجتهاد و حاوی مسالک الهدایه و الرشاد افضل الفضلا السابقین و اعلم العلما اللاحقین فی بیضه الاسلام و الدین و محکم احکام رب العالمین الذی کان فی مقام التحقیق نطوق کیف و هو من نجل الصدوق. عمده المحققین و زبدة المدققین الواصل الی جوار رحمه الله الملک الغنی مولانا ملا محمد مهدی الکرمانشاهی اعلى الله مقامه فی شهر جمادی الثانیه من شهر ۱۲۳۶ [ه ق].

حیات علمی مولانا محمد مهدی فقیه کرمانشاهی قدس سره

معظم له که از علمای بنام عصر خویش در کرمانشاه و عتبات عالیات کسب فیض نموده و در علوم فقه، اصول، تفسیر، حکمت، فلسفه، عرفان و غیرهم سرآمد روزگار خود در کرمانشاه و یزد بوده است. علامه آقا محمد علی بهبهانی (آل آقا) او را ستوده و مدتی در یزد بر او وارد بوده. میر عبد اللطیف خان شوشتری؛ او را در بصره ملاقات نموده و در

نفقه الزوجه ۱۱- الجبر و الاختیار و البداء ۱۲- رساله فی القرض ۱۳- الحیوة ۱۴- رساله فی ارث الزوجه من قيمة العقار ۱۵- الحلل ۱۶- شرح ألفیه الشهید ۱۷- شرح التبیصرة ۱۸- شرح المنظومه (که ناظم منظومه جد خودش بوده است)- الذریعه ۱/ ۳۰۰، ۲/ ۲۲۳، ۳/ ۱۹۴ و ...

وصفش آورده است: مولانا محمد مهدی کرمانشاهی فاضلی تحریر و در علوم معقول بی نظیر بود با اسماعیل خان زند که در عهد علیمراد خان به هوس سروری کزوفری می نمود، متفق گشته بعضی از نواحی بروجرد را تاخت نمودند. خان معظم لشگری بر آنها فرستاده، اسماعیل خان مقتول و مولانا زنده دستگیر شد...^{۱۳۸}

مولانا ملا محمد مهدی کرمانشاهی؛ پدرش ملا محمد کرمانشاهی از علمای بنام کرمانشاه بوده و از جمله: «الذی کان فی مقام التحقيق نطوق کیف و هو من نجل الصدوق» که بر لوح آرامگاه آن اسوه جهاد ثبت است، معلوم می شود که معزی الیه از نوادگان رکن الاسلام و الدین ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی الشهیر به «شیخ صدوق» رضوان الله تعالی علیهم اجمعین می باشد و بنابراین شهرت فوق، احفاد او در یزد به «صدوقی» مشهور می باشند.

جد اعلای آن بزرگوار شیخ صدوق را خازن احادیث حضرت سید المرسلین (ص) و حافظ اخبار ائمه طاهرین (ع) شیخ المشایخ و رئیس المحدثین و رکن رکین مذهب جعفری و حصن حصین فرقه محقه اثنی عشری نامیده اند او استاد شیخ مفید، ابن شاذان و غضائری و شیخ ابو جعفر محمد دوریستی و دیگر اکابر عصر خود بوده است.

اکثر بازماندگان مولانا ملا محمد مهدی کرمانشاهی، در یزد در سلسله علما منسلک و از بزرگان و معارف روحانیت آن سامان و محل اقبال و اعتناء و اقتداء مسلمانان بوده اند، از جمله؛

۱- ملا محمد رضا مجتهد کرمانشاهی، معظم له فرزند بنام فقیه کرمانشاهی بوده و در شهرستان یزد ریاست تامه داشته است.

۲- میرزا ابو طالب کرمانشاهی؛ فرزند ملا محمد رضا و نواده ملا محمد فقیه کرمانشاهی بوده است؛ جناب میرزا ابو طالب از علمای اهل فضل و تقوی شهرستان یزد بشمار میرفته اند.

۳- آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی رضوان الله تعالی علیه، سومین شهید محراب، فقیهی عالیقدر مبارز نستوهی و زعیمی نامبردار در عرصه علم و دین و سیاست، آن بزرگوار فرزند میرزا ابو طالب سابق الذکر و حفید مولانا ملا محمد مهدی فقیه کرمانشاهی است.

معظم له علوم عقلیه و نقلیه را از اعلام بنام حوزه علمیه قم فراگرفته و مورد توجه آیات عظام؛ حاج شیخ عبد الکریم حائری و حاج آقا حسین طباطبائی بروجردی قدس سرهما بوده اند، بعد از

##PAGE=342##

انقلاب اسلامی از سوی مقام معظم رهبری امام خمینی قدس سره به [نماینده ولی فقیه] و امامت جمعه یزد منسوب شد و در تیر ماه ۱۳۶۱ هجری شمسی در سنگر امامت جمعه بشهادت رسید.

۴- حجة الاسلام میرزا محمد کرمانشاهی، آن بزرگوار یکی دیگر از فرزندان ملا محمد رضا کرمانشاهی بوده و ابا زوجه شهید محراب آیت الله صدوقی می باشند. بعد از وفات معظم له ریاست و امامت در بیت فقیه کرمانشاهی به آیت الله

صدوقی محول شد و بعد از ایشان فرزند برومندش امامت جمعه را یزد دارا هستند و مرجع عام و خاص می‌باشند.

(تصویر شماره ۸۹) آیه الله حاج شیخ محمد صدوقی (شهید محراب)

##PAGE=343##

خاندان محمدی عراقی کنگاوری

شهرستان کنگاور که در واقع دروازه شرقی استان کرمانشاهان شمرده می‌شود، از جمیع جهات جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی و مذهبی جالب توجه است و قدمتی دیرینه دارد، از لحاظ جغرافیایی یکی از منازل مهم مستقر بر شاهراه بغداد و خراسان شمرده می‌شود و به همین مناسبت تردد بی‌تأمل زوار عتبات عالیات را شاهد است و در جوار زادگاه سید جمال الدین اسدآبادی و دینور و صحنه در جهت علمی و اجتماعی مرکزی داشته است وجود آثار باستانی مقدس چون؛ معبد آناهیتا و حضور روستائیان در اطراف بر کیش کهنسال علویان اهل حق، حکایت از وجود رسوبات فکری چند هزار ساله در آن سامان دارد، لطامات سهمگین در جنبش مشروطیت و جنگ جهانی اول و دوم از سوی ستون‌های رزمی بیگانه روسیه و عثمانی و سپس متفقین بر پیکره آندیار پابرجاست و عمارت بقاع متبرک از بزرگان سادات و علماء و حضور معتقدان فراوان به مکتب تشیع نمونه بارز این ادعاست. بنابراین در این موقعیت خاص می‌بایست مرجعی علمی و مذهبی، محل رجوع ساکنان منطقه باشد و به همین سبب حدود یکصد و بیست سال پیش بنا به درخواست اهالی از مراجع نجف جهت حضور بزرگی از عالمان دینی در آن دیار، آیه الله علامه شیخ مولی محمد باقر کهرودی از عتبات عالیات عزم آن سامان نموده و با اقبال گسترده مردم آن شهر مواجه گردید و خاندان علمی و مذهبی عراقی را در کنگاور بنیاد نهاد.

شیخ مولی محمد باقر کهرودی؛ از علما و مجتهدین برجسته عصر قاجاریه، دوران ناصری و مظفری و از نخبگان تلامذه بزرگ جهان تشیع، شیخ انصاری رحمه الله علیهما بوده است، صاحب کتاب شخصیت شیخ انصاری (ره) در بخش مربوط به شاگردان شیخ درباره ایشان می‌نویسد: شیخ (تصویر شماره ۹۰) آیه الله حاج شیخ محمد کنگاوری معروف به مجتهد عراقی

##PAGE=344##

مولی محمد باقر کهرودی؛ فرزند محمد کهرودی اراکی؛ عالمی پرهیزگار و فقیهی پارسا و ادیب بود و در سال ۱۲۵۷ ه ق تولد یافت و پس از فراغ از سطح بر شیخ در نجف اشرف تحصیلات خود را به پایان رسانید و سپس به ایران بازگشت و در کنگاور سکونت اختیار کرد و در هفدهم ربیع الاول سال ۱۳۱۵ ه ق وفات نمود و در همانجا مدفون شد و مقبره‌اش به قبر آقا معروف است.

از آثار قلمی اوست: ۱- شرح دره علامه بحر العلوم ۲- شرح میمیه ابن فارض بنام کشف الرموز ۳- رساله در قسامه و احکامش ۴- رساله عملیه بفارسی در عبادات ۵- اشارات ۶- فرائد الدرر در علم لوح و قدر. فرزند او به نام آقا محمد از اجله می‌باشد.^{۱۳۹}

مولی محمد باقر کهرودی در علوم ریاضی مبرز و در ادبیت سرآمد و از همنشینان ملا علی کنی و فرهاد میرزا معتمد الدوله بوده و در واقعه رژی نقش مؤثر داشته است.

(تصویر شماره ۹۱) آیه الله حاج شیخ محمد کنگاوری (مجتهد عراقی در ایام کهولت)

آیه الله حاج شیخ محمد کنگاوری معروف به آقا محمد مجتهد، که به تصریح صاحب کتاب

##PAGE=345##

شخصیت شیخ انصاری (ره) از اجله علما بشمار میرفته است، پس از مرگ پدر به سبب احراز مقامات علمی مرجع مذهبی اهالی و ریاست شرعی می‌یابد. در زمان ایشان حوزه علمیه کنگاور رونقی بسزا یافت و طالبان علوم دینی از هرسو به آن دارالعلم تشیع روی آوردند، و علمای برجسته‌ای در حوزه مزبور بروزگار افاده آقا محمد مجتهد کنگاوری پرورش یافتند.

شادروان حاج شیخ حبیب الله اراکی معروف به حاج آقا عطا، همشیره‌زاده مرحوم حاج آقا محمد مجتهد از پروردگان این حوزه مبارکه بودند که پس از انجام مقدمات و سطح به نجف اشرف عزیمت نمودند، و در آنجا مورد توجه علمای اعلام واقع گردیدند، و در دستگاه علمی و مذهبی مرجع بزرگ تشیع مرحوم آیت الله العظمی آقای آقا سید عبد الهادی شیرازی، ناظر بر امور مراجعین و مدرّس طالبین و طرف صحبت و وکالت امور اجرایی معظم له را که (متأسفانه نابینا شده بودند) به عهده داشت و سالها تا هنگام تبعید حضرت امام (ره) به نجف در آن آستان مقدس بسر (تصویر شماره ۹۲) از راست؛ حاج آقا عطا الله کنگاوری و حاج آقا مجتبی عراقی از شاگردان آیه الله حاج شیخ محمد کنگاوری در مدرسه علمیه کنگاور

می‌برد، با ورود حضرت امام (ره) به نجف با ایشان ارتباط پیدا کرد و در ذی اوامر آنحضرت چنان سر از پا نمی‌شناخت که مورد سوءظن مأموران امنیتی عراق قرار گرفت و تمامی نزدیکان و فرزندان

##PAGE=346##

و دامادهايش به ایران بازگردانده شدند، و در حالی که تمامی اموال و افراد خانواده‌اش در راه بازگشت به ایران بودند، بنا بدستور حضرت امام (ره) به نجف بازگشتند و تا پایان زندگی یار و همراه امام (ره) بودند.

دیگر از برجستگان این سلسله و پرورش یافتگان حوزه علمی خاندان عراقی کنگاوری، آیه الله حاج شیخ مجتبی عراقی، عالم سخت‌کوش، مصحح و محقق توانا و کتابشناس برجسته حوزه علمیه قم، فرزند مرحوم حاج آقا محمد

عراقی، در بیست و هشتم صفر سال ۱۳۳۳ ه ق متولد شد، پس از طی ایام صباوت، تحصیلات ابتدایی و مقداری از سطح را در خدمت پدر آموخت و در سال ۱۳۴۹ ه ق به منظور تکمیل دروس به [اراک] رفته و مدت چهار سال در محضر استادان حجج اسلام، مرحومان آقا سید محسن هفته‌ای و محقق مدقق آقا شیخ محمد سلطان العلماء تلمذ نمود.

در سال ۱۳۵۳ به قم مهاجرت نمود و از آیات عظام حوزه، بالاخص مرحوم آیه الله حاج شیخ عبد الکریم حائری و پس از ایشان از آیتین مرحومین سید احمد خوانساری و حجت و همچنین آیه الله محمد تقی خوانساری بهره‌ها برد و (تقریرات) و (دراسات فقه و اصول) آنان را برشته تحریر آورد. در ۲۸ صفر ۱۳۵۸. ق بواسطه فوت مرحوم والد ماجدشان (حاج آقا محمد مجتهد عراقی) به کنگاور مراجعت کرد و تا ۱۳۶۶. ق به ترویج دین و اقامه جماعت پرداخت و مسجد بزرگی با تمام جهات در مدت کوتاهی بنا کرد و ضمناً به تألیف و مطالعه و تحقیق مبادرت نمود. در ۱۶ محرم الحرام ۱۳۷۰. ق مجدداً به شهر قم بازگشت و بنابر مصلحت و امر مرحوم آیه الله العظمی بروجردی در آن شهر رحل اقامت افکند و به جلسات درس و بحث آن مرحوم حاضر شد و حسب الامر در جلسات استفتاء ایشان شرکت نمود.

در ماه رجب ۱۳۷۷. ق دفاتر و پرونده‌های مربوط به نظام وظیفه آقایان طلاب و مدیریت کتابخانه فیضیه قم و تولیت مدرسه مهدی قلی خان سابق، مدرسه آیه الله بروجردی و کتابخانه مسجد اعظم قم به ایشان واگذار شد و سالیان متمادی خدمات شایانی به ویژه در ارتباط با کتابخانه‌های هرکدام و توسعه و تقویت آنها به انجام رسانده‌اند؛ که تاکنون نیز ادامه دارد.

کتابخانه مدرسه فیضیه قم که اداره آن در سال ۱۳۷۷ به توسط حضرت آیه الله العظمی بروجردی به جناب عراقی محول شد، در آن زمان در حدود ۴۲۵۰ کتاب داشت که اکثراً فرسوده و غیرقابل استفاده بود، اما اینک به برکت بیش از چهل سال تلاش بی‌وقفه جناب عراقی در حدود هشتاد هزار جلد کتاب دارد که سه هزار نسخه آن را کتب خطی نفیس تشکیل می‌دهند.

مدتی پس از آنکه فرزند جناب آقای عراقی در جبهه‌های جنگ به درجه رفیع شهادت رسید، جناب آقای عراقی به نیت آن مرحوم و کسب غفران و مرحمت بیشتر الهی، کار تصحیح و تحقیق کتاب باارزش (غوالی اللثالی العزیزیه) را شروع کردند و پس از اتمام، آنرا در چهار جلد کتاب مزبور که نقش مؤثری در شناخت سلسله اسناد روایات دارد؛ از خدمات برجسته علمی آیه الله حاج شیخ

##PAGE=347##

مجتبی عراقی بشمار می‌رود که در سال ۱۳۶۲ نیز به عنوان کتاب برگزیده سال جمهوری اسلامی ایران انتخاب شد و از این بابت از زحمات ایشان تقدیر به عمل آمد. این تلاش ارزنده سرآغاز فعالیت‌های فرهنگی ایشان در زمینه تصحیح و تحقیق و انتشار کتابهای ارزنده‌ای همچون؛ تفسیر کنز الدقائق الخلاف - المذهب البارعی فی شرح مختصر النافع (کتاب برگزیده سال ۶۶) - مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان (کتاب برگزیده سال ۶۳) - گردید و کار تصحیح و تحقیق علمی را در حوزه علمیه قم قوام و استمرار مناسبی بخشید.

از دیگر آثار حضرت آیه الله حاج شیخ مجتبی عراقی کنگاوری می توان از: ۱- دومین بشر یا علی بن الحسین الاکبر ۲- وقایع الایام ۳- لیلۃ القدر ۴- شرح زندگانی آیه الله مرحوم حاج سید محمد تقی خوانساری ۵- فهرست کتب کتابخانه مدرسه فیضیه در دو جلد ۶- تصحیح کتاب (غوالی اللثالی العزیزیه) تألیف محمد بن زین الدین احسائی (در ۴ مجلد) ۷- تصحیح و تحقیق (تفسیر کنز الدقائق) (تصویر شماره ۹۳) آیه الله حاج آقابزرگ محمدی عراقی (کنگاوری)

تألیف میرزا محمد مشهدی ۸- تصحیح کتاب (الخلاف) اثر شیخ الطائفه ابی جعفر طوسی ۹- تحقیق کتاب (المهذب البارع فی شرح مختصر النافع) اثر احمد بن فهد حلی ۱۰- تصحیح، تحقیق و تعلیق

##PAGE=348##

کتاب (مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الازهان) اثر مقدس اردبیلی^{۱۴۰} و ...

پس از درگذشت شادروان حاج آقا محمد مجتهد کنگاوری در بیست و هشتم صفر، ۱۳۵۸ قمری و تصدی چند ساله و اعزام حضرت آیه الله حاج آقا مجتبی عراقی به قم در ۱۳۶۶. ق- زعامت مذهبی و صیانت علمی و احکامی منطقه به شادروان آیه الله حاج آقا بزرگ محمدی عراقی (کنگاوری)^{۱۴۱} محول شد و مرجع حل و فصل امور اهالی گردیدند، این شخصیت بزرگوار بشیوه متداول خاندان، مقدمات و سطح را در محضر والد ماجد در مدرسه علمیه کنگاور به پایان برد و پس از عزیمت به عتبات عالیات از دروس خارج فقه و اصول علمای اعلام بهره یاب گردید؛ در بازگشت به ایران راهی قم شد و زمانی را نیز از تلامذه آیات عظام و در ظل توجهات حضرت فاطمه معصومه (ع) به تکمیل علوم اسلامی پرداخت و پس از دریافت اجازات متعدد به کنگاور بازگشت و چنانکه گذشت به رتق و فتق مسائل مربوطه پرداخت. حضرت آیه الله حاج آقا بزرگ کنگاوری؛ عالمی پارسا، زاهدی شب زنده دار، عاملی اهل سلوک و مؤثر در اوضاع اخلاقی، اجتماعی، اعتقادی و سیاسی در کنگاور بودند و بالغ بر هفتاد سال در نهایت اطمینان صوری و معنوی موجب جلب اعتناء و ایمان اهالی از هر قشری را موجب گردیدند. این بزرگوار در حل و فصل امورات فردی و اجتماعی در آن سامان مشارالیه بین الاقران و مخاطب پیر و جوان شمرده می شدند، مبارزات سیاسی را از سالهای ۴۲- ۱۳۴۱ همگام با جریان های مدرسه فیضیه و اعتراض حضرت امام (ره) آغاز کردند و دوشادوش پیشگامان انقلاب اسلامی از شخصیت های موجه شناخته می شدند، چنانکه آقای هاشمی رفسنجانی در زمان ورود به کنگاور در دوره ریاست جمهوری خود درباره این بزرگوار و فرزند شهیدشان مرحوم حجة الاسلام و المسلمین، حاج شیخ بهاء الدین عراقی می گوید:

(در این شهر خانواده روحانی شریفی از گذشته های دور زندگی می کرده و تحت تأثیر این خانواده بزرگوار، مردم این شهرستان از برکات معارف اسلامی و روحیات دینی برخوردار بوده است و بنده با چند نفر از اعضای این خانواده دوستی و آشنایی و مراودت داشتم که از طریق آنها با کنگاور آشنا بودم؛ مرحوم حاج آقا بهاء که از دوستان بسیار خوب دوران تحصیل ما بودند، عاقبت سعادت شهادت را خداوند به آنها عنایت کردند و پرواز کردند به ملکوت اعلاء و خانواده بزرگوار عراقی و حاج آقا بزرگ که نقش مهمی داشتند در این دستاوردهای فرهنگی و دینی که در شهرستان شما است

^{۱۴۰} (۱) - کتاب ماه ۷ و ۶، سال اول- شماره ششم و هفتم، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۷۷- ص ۱۷.

^{۱۴۱} (۲) - چون به یادمان جد بزرگشان (محمد باقر) نام داشتند بدین مناسبت (آقابزرگ) خوانده می شدند.

(تصویر شماره ۹۴) از راست نفر سوم، حجة الاسلام و المسلمین شهید حاج شیخ بهاء الدین محمدی عراقی، نفر چهارم حاج آقا حبیب الله محمدی عراقی معروف به (حاج آقا عطا الله)

و قابل توجه است با این افتخارات دینی و تاریخی و شرایط خاصی که شهر شما و شهرستان شما و منطقه شما دارد، می توانید سعادت دنیا و آخرت را حفظ کند.^{۱۴۲}

مرحوم آية الله حاج آقابزرگ عراقی کنگاوری؛ به سبب استمرار در مبارزات مدتها ممنوع الخروج بودند، مدتی تحت نظر و زمانی را در زندان گذرانیدند، پس از پیروزی انقلاب به امامت جمعه و نمایندگی امام (ره) در کنگاور منصوب و سنت حسنه پیشین را با گستردگی تمام ادامه دادند، در همین اوان دچار عارضه قلبی شدند و پس از بهبودی در اولین خطبه بعد از نقاهت در جمعه نوزدهم ربیع الاول ۱۴۰۷- یکم آذر ۱۳۶۵ پس از نیایش و سپاس الهی از اهالی حلیت خواست و دو روز بعد سر بر سینه تسلیم نهاد و به جانان پیوست.

(تصویر شماره ۹۵) حجة الاسلام و المسلمین شهید حاج شیخ بهاء الدین محمدی عراقی

مرحوم آية الله حاج آقابزرگ، هنگام وفات حدود ۹۷ سال سن داشتند که قریب یکصد سال قمری را دربر می گرفت، مراسم کم نظیر تشیع پیکر مطهرش در روز یکشنبه سوم آذر شصت و پنج برگزار گردید، و در کنار مقبره نیاکانش در کنگاور (قبر آقا) بخاک سپرده شد، رحمة الله علیه.^{۱۴۳}

فرزند ارشد مرحوم آية الله حاج آقابزرگ کنگاوری، مرحوم حجة الاسلام و المسلمین شهید حاج شیخ بهاء الدین محمدی عراقی، چنانکه گذشت از همسران و همزمان دوران تحصیل و

^{۱۴۲} (۱) - گزارش سفر مقام محترم ریاست جمهوری حضرت آية الله هاشمی رفسنجانی به استان کرمانشاه، ۱۳۷۵، استانداری کرمانشاه، ص ۱۶۵.

^{۱۴۳} (۱) - جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ عباس میریونسی امام جمعه فعلی کنگاور که همشیرزاده و داماد مرحوم آية الله حاج آقابزرگ کنگاوری هستند، نقل کرده بودند: که بعد از ظهر جمعه ایشان تمایل داشتند بزیارت اهل قبور بروند زیرا همسر ایشان کمتر از سه ماه بود که رحلت کرده بودند، عرض کردم؛ هوا سرد است، بهتر است صرف نظر کنید، و قرار شد به مسجدی که مجلس جشن بمناسبت ایام هفته وحدت بود، برویم، در مسجد ایشان اظهار ضعف کرده، فرمودند مرا بخانه ببرید، ایشان را بخانه آورده، فوراً پزشکان را مطلع نمودم، در حالی که سر بر بالین داشتند خواندن سوره حمد را آغاز کردند، به من هم که ایستاده بودم، اشاره فرمودند، بنشین و تو هم بخوان و مجدداً قرائت سوره را آغاز کرد، که سر بر روی سینه افتاد و جان به جانان تسلیم کرد، در آرامش کامل و بی تشویش، بقول شاعر

نه هیچش پیچشی نه التهای

سرکود بلند آمد عقابی

غروی بود و غمگین آفتابی

نشست و سر پسنگی هشت و جان داد

مبارزه آقای هاشمی رفسنجانی بودند، مراحل عالیه تحصیل علوم اسلامی را در محضر علمای اعلام به انجام رسانیده بودند و به اشاره حضرت امام (ره) در شهر کرمانشاه سکونت اختیار کردند و به تبلیغ و تدریس در حوزه و اقامه جماعت در مسجد (۹۲) خیابان خیام اشتغال داشتند، پس از پیروزی انقلاب در مرداد ماه ۱۳۵۹ به هنگام ترک مسجد در حالی که پدر بزرگوارشان را همراهی می کردند، مورد سوء قصد ضد انقلابیون قرار گرفتند، و به درجه رفیع شهادت نائل آمدند، و آیه الله حاج آقا بزرگ که مجروح شده بودند، پس از چهل روز سلامت خود را بازیافتند و به سنگر نماز جمعه بازگشتند.

پیکر پاک شهید عراقی با تشییعی باشکوه به کنگاور حمل و در کنار نیاکانش ب خاک سپرده شد.

جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ محمود محمدی عراقی ریاست سازمان تبلیغات اسلامی که استمرار دهنده شیوه اعتقادی، آرمانی، اجتماعی، علمی و سیاسی نیاکان بزرگوار خود هستند، فرزند برومند شهید مبارز حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ بهاء الدین عراقی و نواده آیه الله حاج آقا بزرگ کنگاوری می باشند.

##PAGE=354##

[اسناد]

##PAGE=355##

سند شماره: یک صد و نوزده

موضوع: اجازه اجتهاد دو روایت از آیه الله العظمی حاج آقا ضیا عراقی برای آیه الله حاج شیخ حبیب الله محمدی عراقی (حاج آقا عطاء الله)

تاریخ: -

مهر: ضیاء الدین العراقي

##PAGE=356##

سند شماره: یک صد و بیست

موضوع: تأییدیه اجتهاد آیه الله حاج آقا بزرگ کنگاوری و مجوز پوشش کسوت روحانیت

تاریخ: ۱۳۰۸ شمسی

مهر: حکومت کرمانشاهان (اسد الله ملک آرا)

##PAGE=357##

سند شماره: یک صد و بیست و یک

موضوع: گواهی نامه امتحانات سالهای دوم و سوم، شش ساله عالیہ علوم دینیہ اداره معارف قم و محلات به حاج آقا
عطا الله محمدی عراقی

تاریخ: ۱۳۱۴ / ۴ / ۱۲

مهر: اداره معارف قم و محلات

##PAGE=359##

شجره

##PAGE=360##

خاندان عراقی کنگاوری

##PAGE=361##

فهرست مندرجات

خاندان فیض مهدوی صفحه ۳۶۷-۴۵۲ پیشینه؛ بزرگان این خاندان در آثار علماء و رجال، آخوند حاجی ملا محسن،
احوال، تدریس و قضاوت، وفات، فرزندان، اساتید / آقا محمد مهدی، آقا محمد تقی / آقا عبد الله فیض، آخوند ملا حسن
(بسم)

آیت الله حاج آقا محمد مهدی کرمانشاهی؛ اوایل حیات، تحصیلات، مقام علمی و فقهی، مولد و منشاء و مشایخش،
وفات و مدفنش، مبارزات سیاسی، تألیفات

آیت الله حاج آقا محمد جعفر فیض مهدوی؛ اوایل حیات، تحصیلات، اساتید، مقام علمی و فقهی، تألیفات، وفات

آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی؛ اوایل حیات، تحصیلات، اساتید، مقام علمی و فقهی، تدریس، وفات

سایر برجستگان علماء خاندان فیض مهدوی؛

آقا عبد الله بن آقا محمد تقی / آقا محمد حسین بن مولی محمد محسن / آقا محمود بن آقا محمد تقی

آلبوم - اسناد - شجره صفحه ۳۷۶-۴۵۲

کاظمی صفحه ۴۵۳-۴۷۷

آیت الله حاج شیخ فرج الله کاظمی، اوایل حیات، تحصیلات، اساتید، مقام علمی و فقهی، مبارزات

##PAGE=362##

سیاسی، اقامت و امامت و جماعت، تدریس، وفات

حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی آقا آل کاظمی؛ اوایل حیات، تحصیلات، اساتید، مبارزات سیاسی، اقامت و امامت و جماعت، تدریس، تألیفات، مناصب انتصابی و انتخابی

آیت الله حاج شیخ محمد رضا کاظمی؛ اوایل حیات، تحصیلات، اساتید، مهاجرت به کرمانشاه، اقامت و امامت و جماعت، مناصب انتخابی، فعالیت‌های عمرانی و تبلیغی، وفات

اسناد صفحه ۴۶۳ - ۴۷۷

خاندان کزازی صفحه ۴۷۹ - ۴۸۴

پیشینه، آخوند ملا عبد الاحد کزازی؛ مرتبه علمی و اجتماعی، آخوند در آثار علماء و رجال، فرزند و جانشین

حاج ملا عباسعلی کزازی، مرتبه علمی و فقهی، ملا عباسعلی در آثار علماء و رجال،

آقا سید حسن کزازی؛ وابستگی، تحصیلات، فرزندان / آقا سید حسین کزازی؛ اوایل حیات، تحصیلات، مبارزات سیاسی، مهاجرت، مناصب انتصابی و انتخابی، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی، شهادت، / آقا سید احمد کزازی / آقا سید محمد علی

خاندان میبدی صفحه ۴۸۵ - ۵۲۰

آیت الله حاج سید علی میبدی؛ مرتبه علمی و فقهی، آیت الله حاج سید علی میبدی در آثار علماء و رجال، منشاء، اوایل حیات، تحصیلات، هجرت به کرمانشاه، تبعید به اصفهان، تألیفات / مولانا حاج میرزا حسن میبدی / مولانا سید محمد رضا میبدی / فرزندان آقا سید علی میبدی.

آیت الله حاج سید محمد میبدی؛ اوایل حیات، تحصیلات، اساتید، شاگردان، وفات

آقا حاج سید جواد میبدی؛ اوایل حیات، تحصیلات، عزیمت به شیراز، ورود و اقامت در کرمانشاه، امامت جماعت و تدریس، علم و هنر، فرزندان، وفات

آیت الله حاج سید مجتبی میبدی؛ اوایل حیات، تحصیلات اساتید، تألیفات

حجة الاسلام آقا سید ناصر میبدی؛ اوایل حیات، تحصیلات، اساتید، تألیفات

اسناد صفحه ۴۹۵، ۵۲۰

خاندان نجومی صفحه ۵۲۱، ۵۵۴

آقا میرزا اسماعیل نجومی؛ منشاء، معاصرین، ولادت، تحصیلات، علم و هنر، وفات، آقا میرزا اسمعیل در اندیشه علماء.
آیت الله آقا سید جواد نجومی، اوایل حیات، تحصیلات، آقا سید جواد در اندیشه علماء، علم و هنر، امامت و تدریس، وفات. فرزندان

##PAGE=363##

آیت الله آقا سید مرتضی نجومی؛ اوایل حیات، تحصیلات، اساتید، آقا سید مرتضی در اندیشه علماء، تدریس، علم و هنر، مبارزات سیاسی، فعالیت عمرانی و تبلیغی، فرزندان

اسناد صفحه ۵۳۳-۵۵۴

* علماء شیعی کرمانشاه صفحه ۵۵۵

ابراهیم موسوی کرمانشاهی صفحه ۵۵۷

ابو القاسم کرمانشاهی صفحه ۵۵۷

احمدی کرمانشاهی؛ اوایل حیات، تحصیلات، مناصب انتخابی و انتصابی، تألیفات صفحه ۵۶۷-۵۵۷

اسناد

اشرفی صفحه ۵۶۸-۵۸۹

آیت الله حاج شیخ عطا الله اشرفی

اوایل حیات، تحصیلات، اساتید، مراتب و مقام علمی، توجه آیت الله بروجردی، مبارزات سیاسی، اعزام و اقامت در کرمانشاه، مناصب انتخابی و انتصابی، شهادت

آلبوم- اسناد صفحه ۵۷۵-۵۹۸

پریشان دینوری صفحه ۵۹۹

جلیل تبریزی سنقری صفحه ۵۹۹

حائری طباطبایی صفحه ۶۰۰

زرنندی صفحه ۶۰۲-۶۱۲

آیت الله حاج شیخ محمد حسین زرنندی

اوایل حیات، تحصیلات، اساتید، اعزام و اقامت در کرمانشاه، ازدواج، مبارزات سیاسی، مناصب انتخابی و انتصابی، مراتب علمی و فقهی، آیت الله زرنندی در اندیشه علماء، کلام نور

اسناد صفحه ۶۰۷-۶۱۲

سردار کابلی صفحه ۶۱۲-۶۲۰

ولادت، تحصیلات، فضایل و کمالات، مشایخ اجازه، تألیفات، وفات

عبدالمحمد بن بدرالدین عبد الله کرمانشاهی صفحه ۶۲۲

عبداللهی صفحه ۶۲۲

علامی صفحه ۶۲۳-۶۲۵

آیت الله استاد حاج شیخ حسن علامی

##PAGE=364##

اوایل حیات، تحصیلات، اساتید، اقامت و امامت و تدریس در کرمانشاه، شاگردان، تألیفات، وفات

محمد کرمانشاهی صفحه ۶۲۵

محمد اسماعیل هرسینی کرمانشاهی صفحه ۶۲۶

محمد تقی کرمانشاهی صفحه ۶۲۶-۶۲۷

اوایل حیات، تحصیلات، تألیفات، مرجعیت، وفات

محمد زکی کرمانشاهی صفحه ۶۲۷

محمد زمان کرمانشاهی صفحه ۶۲۸

محمد علی کرمانشاهی صفحه ۶۲۸

محمد نجف واعظ کرمانشاهی صفحه ۶۲۹-۶۲۸

اوایل حیات، سیاحت، فضیلت، وفات، تألیفات.

معصومی لاری صفحه ۶۳۰-۶۳۲

آیت الله آقا سید عباس معصومی لاری

آیت الله آقا سید حسین معصومی لاری؛ اوایل حیات، تحصیلات، تدریس، تألیفات، مرتبه علمی و فقهی، وفات، فرزندان و بازماندگان اهل علم

موسی بن جعفر کرمانشاهی صفحه ۶۳۳-۶۳۴

اوایل حیات، تحصیلات، تدریس، شاگردان، تألیفات، وفات

ممدوحی کرمانشاهی صفحه ۶۳۵، ۶۳۶

اوایل حیات، تحصیلات، تدریس، مرتبه علمی و فقهی و فلسفی، تألیفات

ائمہ جمعہ کرمانشاه از عهد زندیه تا عصر حاضر صفحه ۶۳۶-۶۳۷

* سادات شیعی کرمانشاه و قضات محلی شیعی صفحه ۶۳۸-۶۴۶

سادات شیرازی صفحه ۶۴۰

سادات موسوی اجاق (میان دربند) صفحه ۶۴۱-۶۴۴

سید حیدر موسوی، سید کلبعلی، سید زین العابدین، آقا سید صالح اجاق، آقا سید کریم، سید آیت الله اجاق ... / شجره

سادات قمشه صفحه ۶۴۵

قضات کندوله صفحه ۶۴۵

##PAGE=365##

قضات هرسین صفحه ۶۴۶

* عرفاء، فلاسفہ، حکما صفحه ۶۴۷

بدیع الملک صفحه ۶۴۸-۶۴۹

حسن کرمانشاهی صفحه ۶۴۹-۶۵۲

تحصیل و اساتید، آثار، تدریس، شمایل، وفات، لطیفه، شاگردان

کیوان سمیعی صفحه ۶۵۲-۶۶۲

اوایل حیات، تحصیلات، اساتید، معاصرین، گذری در عرفان و تصوف، مطالعات، تجارت، همکاری با مطبوعات، آثار و تألیفات، وفات

شهاب صفحه ۶۶۳-۶۶۷

اوایل حیات، اساتید، معاصرین، اشعار، شهاب در آثار و اندیشه علماء و رجال، بازماندگان، وفات، شاگردان و یاران

علماء صفحه ۶۶۸-۶۷۱

اوایل حیات، تحصیلات، اساتید، معاصرین، علماء در آثار اندیشه علماء و رجال، مقام علمی و عرفانی تألیفات، وفات

مظلوم صفحه ۶۷۲-۶۷۵

اوایل حیات، تحصیلات، اساتید، معاصرین، مظلوم در آثار و اندیشه علماء و رجال، مقام علمی و عرفانی، بازماندگان، شیوه تفسیر مظلوم، اشعار، وفات

وحدت صفحه ۶۷۶-۶۷۷

اوایل حیات، تحصیلات، سیر و سلوک، مقام ادبی و عرفانی، وفات

فهرست منابع و مآخذ صفحه ۶۸۱-۶۸۸

نمایه صفحه ۶۸۹-۷۰۱

نقشه صفحه ۷۰۲

##PAGE=367##

خاندان فیض مهدوی

این سلسله جلیله که نسل بعد نسل از علمای اعلام و اعیان، نافذ الکلام و نگاهبان شریعت حضرت خیر الانام (ص) بوده و در خطه کرمانشاهان بلکه غرب ایران از مراجع تام و تمام به شمار می‌رفته‌اند.

ذکاوت و استعداد و علاقه به علم و کندوکاو در آثار بزرگان سلف و احیاء و نگهداری خزاین فقهی و اصولی اعلام علمای شیعی و پشتکار در تحصیل علوم دینیہ اسلامیہ و طی مراتب در محضر مراجع عصر از زبندگان این خاندان

شخصیت‌هایی کم‌نظیر ساخته است که تمامی دارای تألیفات و تصنیفات گرانسنگ می‌باشند، اسامی متقدمین خاندان که در متن شجره آمده ثبت گردیده و یکی بعد از دیگری از مراجع علمی بشمار بوده‌اند علامه سید محسن امین در اثر ارزشمند اعیان الشیعه و قسمتی را علامه حاج آقابزرگ تهرانی در الذریعه و ... نام برده‌اند و آیت الله العظمی مرجع فقیه جهان تشیع آقا سید شهاب الدین مرعشی نجفی (ر) در مقدمه جلد اول؛ هدیه ذوی الفضل و النهی ترجمه علم الهدی به ذکر شجره آنان پرداخته است.

صاحب حدیقه دیوان بیگی، حاج سید احمد شیرازی در شرح احوال و آثار بسمل کرمانشاهی شاعر مشهور از شعرای بزرگ کرمانشاهان که در زمره نخستین واردین سلسله مزبور به کرمانشاهان بوده است، می‌نویسد: اولاً نسبتش از جانب پدر به جناب شیخ علی بن عبد العالی و از جانب مادر به جناب آخوند فیض [کاشانی] رحمه الله علیهما متصل است و حاجی ملا سمیعای پدرش در شیراز امامت جمعه داشته، وقتی رحلت کرده دو پسر صغیر از او مانده، مکتبی هم داشته‌اند. در انقلاب زندیه مکتب آنها از دستشان رفت و قلیلی از مالیه آنها مانده، مادرش دو پسر خود را برداشته به عتبات عالیات عرش درجات برده به تحصیل علوم بداشت، حاجی ملا محسن که برادر اکبر بود به کمال علم و زهد و تقوی و پرهیز آراسته شد و بسمل که حاجی ملا محسن نام داشت هم در علوم

##PAGE=368##

کمال تسلط به هم رسانید و در ادبیت ربطش بیشتر شد. بعد از تحصیل و تکمیل، در سال هزار و دویست و بیست و یک، هردو برادر به کرمانشاهان آمده، مرحوم دولتشاه کمال احترام از آنها به عمل آورد و حاجی ملا محسن با این که به مرافعات و محاکمات و تدریس اشتغال داشت و در تمام مشکلات مسائل مردم رجوع به ایشان می‌کردند، مدار معاش خود را به خیاطی می‌گذرانید و ابداً به غذای حکام و مباحران لب نمی‌آلود، بلکه از نشستن بر فرش و مجلس آنها احتراز داشت، بعد از آن که در سال هزار و دویست و چهل و هفت (۱۲۴۷ قمری) به مرض طاعون درگذشت، آقا محمد مهدی فرزندش به جای او نشست. او نیز مرد بزرگی بوده، حالا آقا عبد الله^{۱۴۴} پسر آقا محمد تقی پسر آقا محمد مهدی ریاست شرعیه دارد و مرد زاهد با علم و فضل است ...

شادروان آقا احمد آل آقا درباره آخوند ملا محسن و برادرش بسمل آورده است: ... و دیگر عالی جناب معلی القاب فضایل مآب عالم فاضل کامل آخوند ملا محسن خلف مرحوم ملا سمیع مکتب دار است. وی علوم شرعیه را از خدمت والد ماجد فقیر [آقا احمد] و مرحوم مغفور مقدس بی‌عدیل فقیه الدوران آقا سید حسین قزوینی و جناب مستغنی الالقاب مجتهد الزمان آقا سید علی طباطبایی استفاده کرده است و نهایت مستقیم الطبع و صاحب سلیقه و مقدس و زاهد است. و برادرش عالی جناب فرایض اکتساب آخوند ملا حسن شاعری است، نغز گفتار در شیرین صحبتی فرید اعصار است و (بسمل) تخلص می‌کند.^{۱۴۵}

صاحب نقباء البشر از مرحوم آقا محمد تقی فیض به احترام تمام نام برده است^{۱۴۶} و پس از وی فرزندش مرحوم آقا عبد الله فیض که پس از آقا عبد الله بن آقا محمد تقی که در ایام حکومت شاهزاده سلطان مراد میرزای حسام السلطنه

^{۱۴۴} (۱) - حدیقة الشعراء، ج اول، ص ۲۳۵.

^{۱۴۵} (۲) - مرات الاحوال، ص ۱۸۶.

^{۱۴۶} (۳) - نقباء البشر: ۱/ ۲۷۰ / الذریعه: ۱۸ / ۱۰۶.

۱۲۹۳ هـ ق در کرمانشاه تا سال ۱۳۰۸ هـ ق مرجع مذهبی و حل و فصل امور اهالی بوده است^{۱۴۷}، یکی از اعظم علمی و مذهبی خاندان مزبور که از اجله علمای معاصرین و شخصیتی جامع و نام بردار داشته، یعنی مرحوم آیه الله حاج آقا محمد مهدی کرمانشاهی به ریاست مذهبی رسیده است؛ حاج ملا علی واعظ خیابانی تبریزی، صاحب علمای معاصرین درباره او می نویسد: حاج آقا محمد مهدی کرمانشاهی (ره) المتوفی ایضا سنه ۱۳۴۶.

احسن الودیعه، ج ۲- ص ۱. ۱، حاج آقا محمد مهدی کرمانشاهی ابن محمد تقی از احفاد مرحوم فیض کاشانی از علمای صدور و صاحب خزانه کتب و فضل مشهور و عارف به مسایل فقه و فروع، مطلع بر اخبار و اصول بود.

##PAGE=369##

(تصویر شماره ۹۶) آیت الله حاج آقا محمد مهدی کرمانشاهی (فیض مهدوی)

##PAGE=370##

مولد و منشأ و مشایخش:

تولد او در بلده کرمانشاه سنه ۱۲۸۷ واقع و علوم عربیه و جمله از سطوح را نزد فضلاء و علماء مسقط راس خود تحصیل پس از آن سنه ۱۳۱۱ به نجف اشرف منتقل و سطوح را خدمت جماعتی از فضلاء آن مکان شریف تکمیل سپس حاضر بحث علّامتین حاج میرزا حسین طهرانی و محقق خراسانی صاحب الکفایه و بعد از فراغ از بحث ایشان سنه ۱۳۱۹ به وطن خود مراجعت فرمود و استاد او علّامه حاج میرزا حسین طهرانی به اهالی کرمانشاه امر می فرمود که در نماز به او اقتداء و در رفع خصومات بر وی رجوع و احکام از وی أخذ بنمایند و ریاست دینیه در کرمانشاه به او منتهی گشت و او زاید طولی در موعظه و ارشاد داشت و به منبر تشریف می برد و مردم را هدایت می فرمود.

سفر او به حج بیت الله الحرام: سنه ۱۳۴۱ از کرمانشاه به کاظمین آمده و ما با والد ماجد به زیارت او رفتیم و بعد از فراغ از حج به کاظمین برگشت و دو فرزندش حاج آقا نور الدین و حاج آقا ضیاء الدین در آن سفر با والد ماجد خود بودند^{۱۴۸}.

^{۱۴۷} (۴) - رك: سایر علمای خاندان، همین بخش.

^{۱۴۸} (۱) - استاد کیوان سمیعی در کیفیت استقبال اهالی از مرحوم حاج آقا محمد مهدی در مراجعه از سفر حج آورده است که؛ جمعیت تمام طبقات و با همه دشواری سفر در آن زمان، گروههایی تا قصر شیرین به استقبال رفته و مابقی در طی راه منتظر ورود بودند.

آقا محمد مهدی در ورود آیات عظام از عتبات عالیات به ایران در کرمانشاه، میزبان آیه الله آقا سید ابو الحسن اصفهانی و آیه الله میرزای نائینی بودند. وی در روزهای ماه مبارک رمضان پس از نماز جماعت در مسجد خودش به منبر می رفت، صدایی گیرا و بیاناتی دلنشین داشت، قدرتش در بیان مطالب قوی و موضوعاتی را که تقریر می کرد؛ بلند بود، در تمثیل ید طولایی داشت و از هرکار و هرچیز در تمثیل کمک می گرفت، گاه در منبر حالت تأثیری پیدا می کرد و مستمعین را نیز متأثر می ساخت ... در لیال ماههای محرم و صفر بازگنان کاشی در مسجدش مراسم عزاداری اقامه می نمودند، در آن اوقات هم منبر می رفت و مردم بسیاری برای استفاده می آمدند. کتابخانه اش شهرت داشت و می گفتند؛ ضمن سفر حج مقدار زیادی کتب مطبوعه در کشورهای عربی را خریداری و با خود آورده است، ر. ک زندگانی سردار کابلی، صص ۲۱۷-۲۱۶ / مرحوم حاج آقا جعفر مهدوی فرزند عالم و بزرگوار آن مرحوم الحاج آقا مرغنی آن کتابخانه افزود و در سالهای پس از انقلاب بنا به تصمیم فرزندان آن مرحوم به بنیاد دایرة المعارف واگذار گردید. / صاحب احسن الودیعه می نویسد: الحاج آقا محمد مهدی الکرمانشاهی ابن محمد تقی بن محمد مهدی بن حاج ملا محسن بن ملا سمیع بن ملا حسین بن علم الهدی بن مولینا محمد المدعو به ملا محسن المشتهر بالفیض الکاشانی صاحب التألیف الممتعة الممتازة و التصانیف الجيدة الفاضلة کالوائی و الصافی و غیرها هذا نسبه علی ما اتخا

وفات و مدفنش:

روز یکشنبه سیم جمادی الاخرة سنة ۱۳۴۶ به سرای جاوید خرامید و جنازه‌اش قبل از دفن به بلده طیبه قم نقل و در مقبره محقق قمی صاحب القوانين (ره) المعروفة بالشیخون مدفون گردید و در جثمان شریفش تشییع عظیمی واقع و مجالس ترحیم در کرمانشاه و نجف اشرف اقامت شده (رحمة الله علیه)^{۱۴۹}.

آیت الله مجاهد حاج آقا محمد مهدی فیض نخستین و برجسته‌ترین پرچمدار نهضت مشروطیت در غرب ایران است، یار محمد خان سردار مجاهد کرمانشاهی و برادر خوانده‌اش حسین خان امیر برق از مریدان و دست‌پروردگان محضر این عالم بزرگوار بودند و از بیت آنجناب برای یاری ستار خان و اهالی غیور آذربایجان، راه تبریز را در پیش گرفتند، اکثر قریب به اتفاق مشروطه‌خواهان کرمانشاه از تعلیمات ایشان برخوردار بودند و در پی اقدام او گام برمی‌داشتند، آقا محمد مهدی مخاطب آیات ثلاث، خراسانی، نایینی و تهرانی در دوران مشروطیت بود، و چون در این بخش بررسی این امر کما هو حقّه میسر نیست، پژوهشگران و استادان و علاقه‌مندان به بخش نهضت مشروطیت در کرمانشاه ج پنجم مجموعه حاضر مراجعه نمایند.

ولده الشاب النجیب الحاج آقا ضیاء الدین حفظه الله تعالى كان صاحب العنوان في بلدة کرمانشاه من العلماء الصدور و صاحب خزنة كتب و فضل مشهور كآبائه الاساطين المنوّه به ذكّهم و اسمائهم في جميع الدهور و العصور عارفا به مسائل الفقه و فروعه مطلعاً على احباره و اصوله. مولده و منشاؤه و مشايخه و لدنه كما ذكر لنا ولده المذكور في بلدة کرمانشاه سنة ۱۲۸۷ هـ و قرأ العلوم العربية و جملة من السطوح على فضلاء بلده و علماء مسقط رأسه ثم انتقل منها الى الغری في سنة ۱۳۱۱ هـ ق كمل السطوح على جماعة من افاضلها ثم حضر بحی العلامة الحاج ميرزا حسين الطهراني المتكرر ذكره قدس سره و شيخنا المحقق الخراساني صاحب الكفاية. فلما فرغ من بجهنهما قفل الى وطنه و مسقط رأسه و ذلك في سنة ۱۳۱۹ هـ ق، و كان استاده العلامة الحاج ميرزا حسين الطهراني (ره) يأمر اهالي کرمانشاه بالصلوة خلفه و الرجوع في رفع الخصومات اليه و اخذ الاحكام منه و بالجملة فقد كان من اكبر علماء کرمانشاه انتهت الرئاسة فيها اليه و كان يرقى المنبر و يعظ الناس و كانت له اليد الطولى في الموعظ و الارشاد و السلطة التامة فيها.

سفره الى حج بيت الله الحرام

جاء من بلده الى الكاظمين قاصدا حج بيت الله زيارته النبي و الائمة الكرام عليه و عليهم السلام و ذلك في سنة ۱۳۴۱ هـ ذهبنا مع- الوالد الماجد الى زيارته و قد جاء في دارنا و كان له مع الوالد خلطة عظيمة و مودة شديدة و بعد ان فرغ من اعمال الحج قفل الى الكاظمين و لم يذهب المدينة لزيارة النبي (ع) و آله خوفاً حصل في خاطره من الطريق. و كان معه ولده و هما الحاج آقا نور الدين و الحاج آقا ضياء الدين.

وفاته و مدفنه: توفي ره يوم الاحد ثالث شهر جمادى الثانية احدى شهور سنة ۱۳۴۶ هـ ق، و نقلت جنازته قبل دفنه الى بلدة قم و دفن كما ذكره ولده الشاب الحاج آقا ضياء الدين في مقبرة الفاضل القمي صاحب القوانين قده المعروفة بالشيخون و قد شيع جثمانه تشييعاً عظيماً و اقيمت له المآتم في بلده و النجف الاشرف.

اولاده: و هم الآقا محمد تقی المشتهر بالحاج آقا نور الدين و كان شاباً نجيباً ظريفاً و كان من محبين جاء الى الغری للاشتغال فلما فرغ من العلوم العربية و المنطق و المعاني و البيان صار مريضاً و ابتلى بالحمى اللازمة فهاجر الى مسقط راسه کرمانشاه بامر والده فتوفي فيها في حياة والده و ذلك في عشرين ربيع الاول سنة ۱۳۴۶ هـ و دفن في کرمانشاه و قد كان مولده يوم الاحد سابع ربيع الثاني من سنة ۱۳۲۰ هـ و قد تأسفنا لفقده و كان متأهلاً و الآقا محسن المشتهر بالحاج آقا ضياء الدين المتولد سابع عشرين صفر سنة ۱۳۲۵ هـ و هذان من ام واحدة و لهما اخت واحدة تحت ابن عمه و الاقارب الذين كان في الغری فلما مرض ابوه سافر الى بلده. توفي ابوه بعد ايام من مجيئه فجاء علماء بلده اداء لحق والده به الى مسجد ابيه و محرابه فصلى بالناس شهوراً و اعواماً و لما رأى بعين عقله ان وقت اشتغاله بالعلوم ينقضى بالاقا زادكية و الرئاسة الجزئية الآخذة في الانحطاط يوماً فيوماً هاجر الى العتبات العاليات في صفر هذه السنة اعني سنة ۱۳۴۸ هـ للوصول الى مقامات ابيه نسل الله ان يمدّه بمزيد التأيد و العيش الرغيد و يجعله خلفاً عن السلف من آباءه الاعاظم بمحمد و آله و الاقا محمد جعفر و هو شاب فطن يشتغل بعلم النحو في الغری تولد في تاسع عشرين ربيع الاول من شهور سنة ۱۳۳۱ هـ و الاقا رضا و هو ولد صغير و هذان من ام اخرى وفقهم الله تعالى.*

(*)- احسن الوديعه (في تراجم اشهر مشاهير مجتهدي الشيعة ... او تميم روضات الجنات، الجزء الثاني، تأليف محمد مهدي الموسوي الاصفهاني الكاظمي) كاظميني، مطبعة الايتام- بغداد- صص ۱۰۱- ۱۰۴.

^{۱۴۹} (۱)- علماء معاصرين- حاج ملا علي واعظ خياباني تبريزي، خطاط مير خوشنويس، چاپ تهران، ۱۳۶۶ قمری، صص ۱۴۴- ۱۴۳.

صاحب الذریعه از تألیفات آقا محمد مهدی؛ کتاب کشکول وی را نام برده است که حاوی مطالب و اطلاعات متفرقه است.^{۱۵۰}

##PAGE=372##

(تصویر شماره ۹۷) آیت الله حاج آقا جعفر فیض مهدوی

آیت الله حاج آقا محمد جعفر فیض مهدوی؛ فرزند دانشمند مرحوم آیه الله حاج آقا محمد مهدی فیض به سال ۱۳۳۱ هـ ق در کرمانشاه متولد پس از تحصیل مقدمات در بیت علم و فضیلت آبایی سطوح و خارج راهی نجف اشرف گردید و از محضر استادان و مراجع وقت، آیت الله العظمی آقا سید ابو الحسن اصفهانی و آیت الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی و آیت الله آقا سید محمود موسوی اصفهانی استفاده بلیغ فرمود و پس از وصول به درجه اجتهاد به سن بیست و پنج سالگی به موطن خود مراجعه و در تهران محضر عارف الهی آقا میرزا مهدی آشتیانی و حکیم فاضل آقا میرزا طاهر تنکابنی را درک و به زوایای فلسفه و عرفان اسلامی آگاهی یافت و همزمان از دانشگاه تهران به اخذ لیسانس فلسفه از دانشکده معقول و منقول نائل گردید. و دوره‌های وعظ و خطابه و علوم تربیتی دانشسرای عالی تهران را طی نموده کسوت اهل علم را زیب قامت ساخته در کرمانشاه، با دست مایه‌ای گران سنگ از علم و فضل و تقوی که حاصل قریب بیست سال تلاش در بهترین ایام حیات بود، وسیله ارشاد و تبلیغ دین حنیف اسلام و حل و فصل امور مسلمین نمود.

آیت الله حاج آقا محمد جعفر فیض مهدوی، خطیبی توانمند، عالمی دانشمند، و جامع علوم حوزه‌ای و دانشگاهی بود و با اکثر فرهیختگان برجسته جهان اسلام در مصر و عراق و سایر ممالک غربی مکاتبه می‌نمود در زیارت بیت الله الحرام در کشور سعودی با علما و استادان آن خطه ملاقات و مباحثه ارزنده داشت. وی صاحب آثار و تألیفات و حواشی مفید بر متون مأخذ و اصول و فقه

##PAGE=373##

می‌باشد. کتابخانه ارزشمند و پرمحتوی ارثی که حاوی نسخ ارزشمند منحصر در علوم مختلفه اسلامی و شامل آثار بدیع هنرمندان و شاعران و ادبای ایرانی و غیره بود و سال‌ها در پاسداری و گسترش آن سعی بلیغ داشتند، پس از رحلت ایشان به تصمیم فرزندان ارجمندشان به بنیاد دائرة المعارف واگذار گردید.

آنچه بیشتر در شخصیت این بزرگوار جلوه بارز داشت، تواضع، وقار، متانت، طمأنینه و رفتار شاخص روحانیون عالی مقام بود، مسجد پدری در جنب منزل مسکونی ایشان تا خانه پدری مؤلف فاصله چندانی نداشت، به هنگام عبور آن بزرگوار از کوچه کودکان ناآرامی که گنجشکان هوا از تکاپوی آنان آرام و راحت نداشتند؛ مات و ساکت در کنار دیوار به سلام می‌ایستادند و پاسخ آقا و وقار و آرامش او از ذهن فراموش نمی‌شود.

آیت الله حاج آقا محمد جعفر فیض مهدوی در خرداد ماه ۱۳۶۷ شمسی در تهران درگذشت و در باغ رضوان قم به خاک سپرده شد و روز پنجشنبه نهم تیر ماه ۱۳۶۷ علمای کرمانشاه با صدور (تصویر شماره ۹۸) حضرت آیت الله العظمی آقا سید احمد خوانساری - آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی

##PAGE=374##

اعلامیه در مسجد مرحوم حاج شهباز خان برای آن مرحوم مراسم ترحیم با شرکت اهالی برگزار نمودند. رحمه الله علیه.

آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی: از اجله خاندان علمی و مذهبی فیض مهدوی و فرزند دانشمند حضرت آیت الله حاج محمد مهدی فیض مهدوی آقا ضیاء الدین فیض مهدوی است که به سال ۱۳۲۵ ه ق در شهر کرمانشاه و بیت کهنسال فیض دیده به جهان گشود، به رسم متداول مقدمات علوم اسلامی را در ایام صباوت با آموزش قرآن و صرف و نحو ... آغاز نمود و پس از طی مراحل سطوح اولیه برای تحصیل مقاطع عالیه پس از رحلت پدر در ۱۳۴۸ ه ق روی به عتبات عالیات نهاد، استعداد ذاتی و پشتکار در بهره‌وری از محضر بزرگان حوزه‌های جهان تشیع همچون آیات عظام نائینی و یزدی حائری القمی و آقا ضیاء الدین عراقی و آیت الله العظمی سید ابو الحسن اصفهانی و آیت الله شیخ محمد کاظم شیرازی، قدس الله اسرارهم به دریافت اجازه اجتهاد از آن بزرگواران نائل گردید که محقق مدقق فقید آیت الله حاج آقا بزرگ تهرانی صاحب الذریعه در اجازه‌ای که در سال ۱۳۸۲ ه ق که بر ایشان صادر فرموده است به روئیت اجازات مزبور و تحریر آنان در ۱۳۷۱ ه ق تصریح نموده است. تمامی اجازات در بخش اسناد خاندان آمده است.

آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی، نمونه پدر در امر رتق و فتق مسائل علمی و مذهبی و اجتماعی بود و مخاطب علمای اعلام و مرجع حل و فصل مشکل مؤمنین در دیوان امرا و حکام و مورد احترام و اعتناء اهالی بودند، پس از رحلت پدر بزرگوارشان به تهران مهاجرت کردند و در مسجد ارباب مهدی به تدریس فقه و اصول و تفسیر اشتغال ورزیدند که مورد اقبال اهل علم قرار گرفت، و چنانکه در بخش اسناد خاندان ارائه نموده‌ایم حضرت امام (ره) با صدور دستخطی به عنوان نماینده خود در ردیف علماء اعلام مبارز کشور، ایشان را انتخاب فرمود، و سال‌ها مورد رجوع عموم و اعتناء آیات عظام و احترام علماء و اهالی بود.

آیت الله حاج آقا ضیاء الدین؛ در اوّل بهمن ماه ۱۳۵۲ شمسی، در تهران بدرود حیات گفت و با تشییع شایسته در ابن بابویه به خاک سپرده شد.

فرزند دیگر آیت الله حاج آقا محمد مهدی فیض مهدوی؛ شادروان آقا محمد رضا فیض مهدوی از قضات عالیرتبه و شایسته دادگستری بود که در سال‌های پس از انقلاب در تهران بدرود حیات گفت.

سایر برجستگان علماء خاندان فیض مهدوی

آقا عبد الله بن محمد تقی

؛ برادر اکبر مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد مهدی فیض و فرزند شیخ محمد تقی بن شیخ محمد مهدی اوّل، عالمی بارع و فاضلی جلیل بوده و از فحول تلامذه جدّش آیت الله آقا شیخ محمد مهدی متوفی ۱۲۸۰ ه ق بوده است از

محضر اعلم علمای معاصر خویش استفاده‌ها برده تا به مرتبه‌ی کمال دست یافته است: پس از آن به وظایف شرعی قیام نموده تا سال ۱۳۰۸ ه ق به رحمت ایزدی پیوسته است، نقل است که والد ماجد وی را برای اقامه نماز و انجام

##PAGE=375##

امورات مذهبی به مسجد خویش برده به جای خود معرفی می‌نماید، پس از یکی دو روز از فرط جوانی و کم سالی ایشان سخنانی از افواه شنیده می‌شود که گویا ایشان در مرتبه‌ای نیست که این مقام را احراز نماید، پس به هنگام نماز ظهر که جمعیتی در شبستان و حیاط و اطراف برای ادای نماز اجتماع می‌کرده‌اند، پدر بر بالای منبر صراحتاً اظهار می‌دارد که، ایها الناس، عبد الله هفت سال است به مرتبه اجتهاد رسیده است، هرکس باور ندارد بیاید روبه‌رو کند و با این اعلام مهر اطمینان بر دل‌ها می‌نشیند.

تعدادی از آثار به جای مانده از وی عبارتند از: ۱- مخزن البرکات فی فضیلة الصلوات ۲- البضاعة المزجاة (در توبه) ۳- حاشیه البهجه المرضیه (سیوطی) ۴- حاشیه‌ی کتاب ارث از (شرح لمعه)^{۱۵۱}.

آقا محمد حسین بن مولی محمد محسن

- وی شیخ مولی محمد حسین ابن مولی محمد محسن بن محمد سمیع ابن مولی حسین ابن علم الهدی ابن مولی محسن فیض کاشانی کرمانشاهی عالم جلیل‌القدر است.

وی دارای آثاری است از جمله: ۱- ترجمه‌ی مواعظ اصول کافی (که در سال ۱۲۵۰ ه ق آن به اتمام رسانیده است) ۲- بهجة الناظرین (در اخلاق که در ۱۲۶۰ ه ق آن را نگاشته است). که این دو کتاب در کتابخانه آقا محمد مهدی فرزند مولی محمد تقی کرمانشاهی متوفای ۱۳۴۶ ه ق بوده است. شیخ مولی محمد حسین قبل از برادرش آقا محمد مهدی [اول] (که در ۱۲۸۰ ه ق وفات نمود) در کرمانشاه درگذشت. از او فرزندی عالم به نام محمد شریف به جای ماند که دارای شرحی بر تبصره علامه است که ناقص است و در کتابخانه آقا محمد مهدی بن محمد تقی موجود می‌باشد.^{۱۵۲}

آقا محمود؛ فرزند آقا محمد تقی فیض

بوده و از زمره علماء متنفذ عصر مشروطیت به شمار می‌رفته است در استیلای چند روزه رادیکال‌های دموکرات بر کرمانشاه در ۱۳۳۰ ه ق به دار کشیده شد و شهید گردید؛ شهادت وی مورد اعتراض آیات عظام و حوزه‌های علمی و دینی جهان تشیع قرار گرفت شاید وی نخستین روحانی شیعی در جریان مشروطیت بود که به دار کشیده شد. رک:

نهضت مشروطیت در کرمانشاه، همین مجموعه. (ج ۵- ۴ جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان)

##PAGE=381##

^{۱۵۱} (۱) - الذریعه: ۲۰ / ۲۲۴؛ نقباء البشر: ۳ / ۱۱۹۵.

^{۱۵۲} (۲) - کرام البررة: ۱ / ۴۱۸ / معجم المؤلفین: ۹ / ۲۵۸.

(*) سپاس را از سرکار خانم گیتی فیض مهدوی، آقای مهندس ریحانی و آقای محمد صادق فیض مهدوی که در ارائه مآخذ تصاویر موجود مربوط به خاندان فیض مهدوی جد بلیغ نمودند، واجب میدانم.

(تصویر شماره ۹۹) آیت الله آقا محمد مهدی فیض در زعامت نهضت مشروطیت در کرمانشاهان

##PAGE=383##

(تصویر شماره ۱۰۱) آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی در محضر مراجع عتبات عالیات در ورود به کرمانشاه و بیت آیت الله فیض مهدوی باتفاق همراهان از علماء و تجار و بازاریان کرمانشاه

(تصویر شماره ۱۰۲) هفته مرحوم آقا شیخ محمود نجفی تبریزی ساکن کاشان که آیت الله شریعتمداری در مدرسه فیضیه قم مراسم گرفته‌اند (۷/ ۳/ ۴۴) از چپ؛- آیت الله آقا ضیاء فیض مهدوی، آیت الله العظمی شریعتمداری، آیت الله العظمی گلپایگانی و ...

##PAGE=384##

(تصویر شماره ۱۰۳) آیت الله آقا ضیاء الدین فیض مهدوی در جمع علماء قم در کنار حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)

(تصویر شماره ۱۰۴) در جمع علمای اعلام مشهد مقدس از چپ: آیت الله العظمی میلانی؟- صدر الاشراف- آقای سبزواری آقا ضیاء الدین فیض مهدوی (۲۴/ ۴/ ۱۳۴۱)

##PAGE=385##

(تصویر شماره ۱۰۵) آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی در جمع علمای اعلام قم و مراجع

(تصویر شماره ۱۰۶) از راست؛ آقا عبد الله آل آقا کرمانشاهی (مقیم تهران)، آیت الله العظمی خوانساری، آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی- آقا قوام شریعتمداری

##PAGE=386##

(تصویر شماره ۱۰۷ و ۱۰۸) آیت الله حاج آقا جعفر فیض مهدوی در حیاط بیت محترم، این مجموعه شامل؛ خواجه‌نشین، بیرونی، اندرونی، کتابخانه و اطاق‌های متعدد، مسجد، حسینیه و حمام اختصاصی داخل و عمومی در بیرون، فضای وسیعی را دربر می‌گرفت که از جمله ساختمانهای تاریخی و مذهبی کرمانشاه بشمار میرفت.

(تصویر شماره ۱۰۹) چهره آیت الله آقا محمد مهدی فیض منقوش بر کاشیهای حسینیه معاون الملک کرمانشاه

(تصویر شماره ۱۱۰) آیت الله آقا ضیاء الدین فیض مهدوی در ایام کهولت

##PAGE=387##

##PAGE=389##

سند شماره: یکصد و بیست و سه - ۱۲۳

موضوع: وصیت نامه آخوند ملا محمد محسن فیض در کرمانشاه

تاریخ: ۱۲۲۷ قمری

مهر: (ممه‌ور به مهرهای متعدد)

##PAGE=390##

سند شماره: یکصد و بیست و چهار - ۱۲۴

موضوع: نامه آیت الله زاده خراسانی به حکمران کرمانشاهان در دلجویی و تجلیل از آیت الله آقا محمد مهدی فیض

تاریخ: ذیقعه ۱۳۲۵ قمری

مهر: (امضاء) محمد تقی حجة الاسلام زاده

##PAGE=391##

سند شماره: یکصد و بیست و پنج - ۱۲۵

موضوع: نامه حضرت آیه الله العظمی آقا عبد الله مازندرانی به آیت الله آقا محمد مهدی فیض در پی گیری امور مشروطه خواهان

تاریخ: محرم الحرام ۱۳۲۶ قمری

مهر: (قال ابی عبد الله) [ظهر سند] امضاء - الجانی عبد الله مازندرانی

##PAGE=392##

سند شماره: یکصد و بیست و شش - ۱۲۶

موضوع: دستخط ظهیر الدوله (صفا علی) حکمران کرمانشاهان به آیت الله آقا محمد مهدی فیض درباره ملاقات با اتابک اعظم

تاریخ: ----

مهر: صفا علی [ظهر سند]

##PAGE=393##

سند شماره: یکصد و بیست و هفت - ۱۲۷

موضوع: دستخط ظهیر الدوله حکمران کرمانشاهان به اتابک اعظم درباره عزیمت آیت الله آقا محمد مهدی فیض به تهران

تاریخ:-----

مهر: (امضاء) صفا علی

##PAGE=394##

سند شماره: یکصد و بیست و هشت - ۱۲۸

موضوع: نامه امام جمعه تهران آقا محسن به آیت الله آقا محمد مهدی فیض

تاریخ: ذیقعدہ ۱۳۲۷ قمری

مهر: محسن ... [ظهر سند]

##PAGE=396##

سند شماره: یکصد و سی - ۱۳۰

موضوع: جوابیه آیت الله العظمی حاج شیخ فضل اله نوری به آیت الله آقا محمد مهدی فیض تجلیل از ایشان

تاریخ:-----

مهر: (امضاء) الاحقر الداعی فضل الله النوری

##PAGE=397##

سند شماره: یکصد و سی و یک - ۱۳۱

موضوع: نامه آیه الله العظمی تهرانی به آیت الله حاج آقا محمد مهدی فیض

تاریخ:---

مهر: (امضاء) للاحقر نجل المرحوم الحاج میرزا خلیل

##PAGE=398##

سند شماره: یکصد و سی و دو - ۱۳۲

موضوع: نامه آیت الله العظمی آقا عبد الله مازندرانی به آیت الله حاج آقا محمد مهدی فیض و تحریض ایشان بر قبول رنج و مشقات مبارزه و تأکید بر شأن و حضور ایشان در این سو

تاریخ: ۱۳۲۸ قمری

مهر: قال ابی عبد الله [ظهر سند] بانضمام عنوان پاکت نامه

##PAGE=399##

سند شماره: یکصد و سی و سه - ۱۳۳

موضوع: نامه آیت الله حاج آقا محمد مهدی فیض به محمد علی شاه قاجار پس از ملاقات با او و توصیه به تأیید خواسته ملت و انجام شریعت غرا (متن و حاشیه که بخط شاه است بسیار مهم و جالب توجه و تاریخی است)

تاریخ: ----

مهر: ----

##PAGE=400##

سند شماره: یکصد و سی و چهار - ۱۳۴

موضوع: نامه آیت الله العظمی آقا محمد کاظم خراسانی به آیت الله آقا محمد مهدی فیض در پی گیری امورات مشروطیت

تاریخ: محرم الحرام ۱۳۲۸ قمری

مهر: محمد کاظم [ظهر سند] امضاء الاحقر الجانی محمد کاظم خراسانی - بانضمام عنوان پاکت

##PAGE=401##

سند شماره: یکصد و سی و پنج - ۱۳۵

موضوع: تقاضای ملاقات خصوصی حاجی سید حسن میر عبد الباقي اصفهانی از تجار مشروطه خواهان در کرمانشاه با آیت الله آقا محمد مهدی فیض

تاریخ: محرم الحرام ۱۳۲۸ قمری

مهر: (امضاء) اقل الحاج سید حسن

##PAGE=402##

سند شماره: یکصد و سی و شش - ۱۳۶

موضوع: اعتراضیه علمای کرمانشاه به زعامت آیت الله حاج آقا محمد مهدی فیض در انتصاب بقاء الدوله به مأموریت کرمانشاه.

تاریخ:-----

مهر: مهدی بن محمد تقی - عبده محمد هادی بن عبد الرحیم - محمد هادی بن شمس الدین - عبده حسین بن احمد و ...

##PAGE=403##

۱۵۳

۱۸۷۷۲ تاریخ تشیع در کرمانشاه از آغاز تا امروز بانضمام پیشینه اعتقادی در غرب ایران ؛ ص ۴۰۳

سند شماره: یکصد و سی و هفت - ۱۳۷

موضوع: نامه آیت الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی به آیت الله حاج آقا محمد مهدی فیض با احوال پرسی و توجه خاص به ایشان

تاریخ:-----

مهر: (امضاء) ضیاء الدین العراقي

##PAGE=404##

سند شماره: یکصد و سی و هشت - ۱۳۸

موضوع: نامه آیت الله العظمی آقا عبد الله مازندرانی به آیت الله حاج آقا محمد مهدی فیض با اظهار خصوصیت و توجه خاص به ایشان

تاریخ:-----

مهر: قال ابی عبد الله [ظهر سند]

##PAGE=405##

سند شماره: یکصد و سی و نه - ۱۳۹

موضوع: مدیحه میرزا ابو القاسم کرمانشاهی متخلص به (بابا) برای آیت الله حاج آقا محمد مهدی فیض

تاریخ:-----

مهر: ابن محمد تقی ابو القاسم [ظهر سند]

##PAGE=406##

سند شماره: یکصد و چهل - ۱۴۰

موضوع: اعلامیه آیات عظام؛ طباطبائی قمی، آیه الله زاده آقا احمد خراسانی، آیه الله زاده آقا محمد خراسانی مرتضی (؟)
ارسالی به بیت آیت الله حاج آقا محمد مهدی فیض

تاریخ:-----

مهر: محمد بن محمد کاظم - احمد بن محمد کاظم - مرتضی بن محمد حسن - حسن بن محمود الطباطبائی [ظهر سند]

##PAGE=407##

سند شماره: یکصد و چهل و یک - ۱۴۱

موضوع: دعوتنامه وزیر دربار از آیت الله حاج آقا محمد مهدی فیض برای ملاقات با سلطان احمد شاه قاجار

تاریخ: حوت ۱۳۳۴ قمری

مهر: -- (سند ناتمام)

##PAGE=408##

سند شماره: یکصد و چهل و دو - ۱۴۲

موضوع: نامه تبریک ورود و تهنیت زیارت بیت الله الحرام از آیت الله العظمی آقا سید ابو الحسن اصفهانی به آیت الله محمد مهدی فیض

تاریخ:-----

مهر: (امضاء) الاحقر ابو الحسن الموسوی الاصفهانی

##PAGE=409##

سند شماره: یکصد و چهل و سه - ۱۴۳

موضوع: نامه تهنیت ورود و تبریک زیارت بیت الله الحرام و تشکر از توجهات و پذیرائی بیت آیت الله حاج آقا محمد مهدی فیض در ورود آیت الله العظمی نائینی و سایر آیات عظام به کرمانشاه از سوی آیت الله العظمی نائینی به آیت الله حاج آقا محمد مهدی فیض

تاریخ: جمادی الثانی ۱۳۴۲ قمری

مهر: عبده محمد حسین [ظهر سند]

##PAGE=410##

سند شماره: یکصد و چهل و چهار - ۱۴۴

موضوع: اعلامیه ریاست عالیہ کل قوا و رئیس الوزراء بر تعطیل عمومی به مناسبت اسائه طایفه وهابی، تلگرافی به آیت الله حاج آقا محمد مهدی فیض

تاریخ: شهریور ۱۳۰۴ شمسی

مهر: (امضاء) ریاست عالیہ کل قوا و رئیس الوزراء (رضا)

##PAGE=411##

سند شماره: یکصد و چهل و پنج - ۱۴۵

موضوع: اعلامیه علماء مرکز در تشکر از اقدام و عکس العمل مردم در اسائه طایفه وهابی، تلگرافی به بیت آیت الله حاج آقا محمد مهدی فیض

تاریخ: مهر ۱۳۰۴

مهر: (امضاء) علماء مرکز

##PAGE=412##

سند شماره: یکصد و چهل و شش - ۱۴۶

موضوع: گزارش صدر المحققين از عتبات عالیات و ورود رئیس الوزراء و کیفیت زیارت و ملاقات‌ها برای آیت الله حاج آقا محمد مهدی فیض

تاریخ: ----

مهر: (امضاء) صدر المحققين

##PAGE=413##

سند شماره: یکصد و چهل و هفت - ۱۴۷

موضوع: اعلامیه علماء اعلام به مؤمنین و معتقدان برای تأمین هزینه عمارت حوضخانه و مسجد و مضافات کنار نهر فرات

تاریخ: محرم ۱۳۴۳ قمری

مهر: علی بن محمد تقی الحسینی (شهرستانی) - هادی بن علی الحسینی - عبده الراجی عبد الهادی - عبده عباس - محمد مهدی بن محمد تقی بن محمد مهدی

##PAGE=414##

سند شماره: یکصد و چهل و هشت - ۱۴۸

موضوع: مقدمه موضوع سند شماره ۱۴۷ از سوی آیات عظام

تاریخ: محرم ۱۳۴۲ قمری

مهر: محمد بن محسن موسوی (بوشهری) - الراجی علی بن محمد (شاهرودی) - اسماعیل المازندرانی - احمد الموسوی (بهبهانی حائری)

##PAGE=415##

سند شماره: یکصد و چهل و نه - ۱۴۹

موضوع: تلگراف نصرت الدوله فیروز به آیت الله حاج آقا محمد مهدی فیض

تاریخ: ۲۱ / ۸ / (؟) ۱۳۰

مهر: (امضاء) فیروز

##PAGE=416##

سند شماره: یکصد و پنجاه - ۱۵۰

موضوع: تلگراف تسلیت شاه به آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی بمناسبت درگذشت آیت الله حاج آقا محمد مهدی فیض.

تاریخ: نهم آذر ماه ۱۳۰۶ شمسی

مهر: (امضاء) شاه

##PAGE=417##

سند شماره: یکصد و پنجاه و یک - ۱۵۱

موضوع: تقسیم کتابخانه آیت الله حاج آقا محمد مهدی در بین ورثه به امر آیت الله حاج شیخ هادی جلیلی

تاریخ: رجب المرجب ۱۳۴۷ قمری

مهر: ضیاء الدین بن محمد مهدی - محمد صادق بن محمد صالح - یا علی - حاجی آقا بن محمد -؟ -

##PAGE=418##

سند شماره: یکصد و پنجاه و دو - ۱۵۲ / یکصد و پنجاه و سه - ۱۵۳ / یکصد و پنجاه و چهار - ۱۵۴

موضوع: اجازه کسوت روحانیت و گواهی نامه علمیه سطح مربوط به آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی

تاریخ: ۱۳۰۸ - ۱۳۱۳ - ۱۳۱۳ شمسی

مهر: (امضاء) شهاب اسد الله ملک آرا حکومت کرمانشاه / عبده الراجی محمد بن جعفر و ...

##PAGE=419##

سند شماره: یکصد و پنجاه و پنج - ۱۵۵ / یکصد و پنجاه و شش - ۱۵۶ / یکصد و پنجاه و هفت - ۱۵۷

موضوع: اجازه پوشیدن کسوت روحانیت از حکومت طهران، اجازه تدریس فقه و اصول و مقدمات آنها و روایت از آیت الله العظمی نائینی برای آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی و تأیید علمی از آیت الله العظمی آقا سید ابو الحسن اصفهانی برای ایشان.

تاریخ: ۱۳۱۶ شمسی، ۱۳۴۸ قمری، (?)

مهر: عبده محمد حسین، ابو الحسن الموسوی - (امضاء)؟ حکومت تهران

##PAGE=420##

سند شماره: یکصد و پنجاه و هشت - ۱۵۸ / یکصد و پنجاه و نه - ۱۵۹

موضوع: اجازه اجتهاد از آیات عظام؛ آقا ضیاء الدین عراقی و آقا محمد حسین نائینی و آقا سید ابو الحسن اصفهانی برای آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی

تاریخ: ربیع الاول ۱۳۵۱ قمری - جمادی الثانی ۱۳۵۲ قمری

مهر: الراجی ضیاء الدین، عبده محمد حسین، ابو الحسن الموسوی

##PAGE=421##

سند شماره: یکصد و شصت - ۱۶۰ / یکصد و شصت و یک - ۱۶۱

موضوع: اجازه تدریس سطوح فقه و اصول و مقدمات آنها و تأیید پایه علمی آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی از آیت الله العظمی آقا سید ابو الحسن اصفهانی / اجازه اجتهاد از آیت الله العظمی آقا ابو الحسن مشکینی برای آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی

تاریخ:؟ - جمادی الاول ۱۳۵۴ قمری

مهر: ابو الحسن الموسوی - ابو الحسن

##PAGE=422##

سند شماره: یکصد و شصت و دو - ۱۶۲

موضوع: تأییدیه درجه اجتهاد حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی از وزارت معارف

تاریخ: ۲۰ / ۵ / ۱۳۱۶ شمسی

مهر: وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه - (امضاء)؟

##PAGE=423##

سند شماره: یکصد و شصت و سه - ۱۶۳

موضوع: اجازه اجتهاد و روایت از آیت الله العظمی آقا سید ابو الحسن اصفهانی برای آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی

تاریخ: ۱۳۶۲ قمری

مهر: ابو الحسن الموسوی

##PAGE=424##

سند شماره: یکصد و شصت و چهار - ۱۶۴

موضوع: اجازه اجتهاد و روایت از آیت الله العظمی آقا محمود الشریف شیرازی برای آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی

تاریخ: جمادی الاولی ۱۳۶۳ قمری

مهر: الراجی محمود الشریف

##PAGE=425##

سند شماره: یکصد و شصت و پنج - ۱۶۵

موضوع: اجازه اجتهاد و روایت از آیت الله العظمی آقا عبد الهادی الحسینی شیرازی برای آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی

تاریخ: ۱۳۶۷ قمری

مهر: عبد الهادی الحسینی

##PAGE=426##

سند شماره: یکصد و شصت و شش - ۱۶۶

موضوع: اجازه تصدی امور حسبيه از آیت الله العظمی آقا جمال موسوی گلپایگانی برای آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی

تاریخ: ۱۳۶۷ قمری

مهر: جمال الدین الموسوی

##PAGE=427##

سند شماره: یکصد و شصت و هفت - ۱۶۷

موضوع: اجازه تصدی امور حسبيه و شرعیه از آیت الله العظمی آقا سید عبد الهادی حسینی شیرازی برای آیت الله آقا ضیاء الدین فیض مهدوی

تاریخ: ۱۳۶۸ قمری

مهر: عبد الهادی الحسینی

##PAGE=428##

سند شماره: یکصد و شصت و هشت - ۱۶۸

موضوع: اجازات تصدی امور شرعیه و حسبيه از آیات عظام؛ آقای کوه کمره‌ای، آقای ابو الحسن اصفهانی، آقا حسین بروجردي، آقای شاهرودی، آقای صدر (رحمة الله عليهم اجمعين) برای آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی.

تاریخ: از ۱۳۵۷ قمری تا ۱۳۷۱ قمری

مهر: ابو الحسن الموسوی - محمد بن علی الحسینی - صدر الدین موسوی - حسین الطباطبائی - محمود الحسینی

##PAGE=429##

سند شماره: یکصد و شصت و نه - ۱۶۹

موضوع: اجازه تصدی امور شرعیه و حسبيه از آیت الله العظمی آقا سید محسن حکیم برای آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی

تاریخ: ۱۳۷۱ قمری

مهر: محسن الطباطبائی

##PAGE=430##

سند شماره: یکصد و هفتاد - ۱۷۰

موضوع: اجازه نصب تابلو خیابان شش متری کرمانشاه به نام فیض مهدوی به آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی از طرف شهردار کرمانشاه

تاریخ: ۱۶ / ۳ / ۱۳۶۳ شمسی

مهر: (امضاء) مهدی رئوفی

##PAGE=431##

سند شماره: یکصد و هفتاد و یک - ۱۷۱

موضوع: اجازه اجتهاد و روایت از علامه حاج آقابزرگ تهرانی برای آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی

تاریخ: ۱۳۸۲ قمری

مهر: آقابزرگ

##PAGE=432##

سند شماره: یکصد و هفتاد و دو - ۱۷۲

موضوع: اجازه تصدی امور حسبيه و شرعیه از آیت الله العظمی آقا محمد کاظم شیرازی برای آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی

تاریخ: ----

مهر: محمد کاظم

##PAGE=433##

سند شماره: یکصد و هفتاد و سه - ۱۷۳

موضوع: اجازه تصدی امور حسبيه و شرعیه از آیت الله العظمی بروجردی برای آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی

تاریخ: ----

مهر: حسین بن محمود الطباطبایی

##PAGE=434##

سند شماره: یکصد و هفتاد و چهار - ۱۷۴

موضوع: اجازه تصدی امور حسبيه و شرعیه از آیات عظام؛ آقا عبد الکریم حائری و آقا محمد کاظم شیرازی برای آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی

تاریخ: ----

مهر: محمد کاظم - عبد الکریم بن محمد جعفر

##PAGE=435##

سند شماره: یکصد و هفتاد و پنج - ۱۷۵

موضوع: اجازه تصدی امور حسبيه و شرعیه از آیت الله العظمی خویی برای آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی

تاریخ: ۱۳۸۵ قمری

مهر: ابو القاسم موسوی

##PAGE=436##

سند شماره: یکصد و هفتاد و شش - ۱۷۶

موضوع: جوابیه آیت الله العظمی امام خمینی (ر) برای آیت الله حاج آقا ضیاء الدینی فیض مهدوی

تاریخ: شوال ۱۳۸۵ قمری

مهر: (امضاء) روح اله الموسوی الخمینی

##PAGE=437##

سند شماره: یکصد و هفتاد و هفت - ۱۷۷

موضوع: اجازه تصدی امور حسبيه و شرعیه از آیت الله العظمی امام خمینی (ر) برای آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی

تاریخ: محرم ۱۳۸۶ قمری

مهر: روح الله الموسوی - (امضاء) روح الله الموسوی الخمينی

##PAGE=438##

سند شماره: یکصد و هفتاد و هشت - ۱۷۸

موضوع: جوابیه آیت الله العظمی امام خمینی (ر) برای آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی

تاریخ: محرم ۱۳۸۷ قمری

مهر: (امضاء) روح اله الموسوی الخمينی

##PAGE=439##

سند شماره: یکصد و هفتاد و نه - ۱۷۹

موضوع: جوابیه آیت الله العظمی امام خمینی (ر) برای آیت الله حاج آقا ضیاء الدین فیض مهدوی

تاریخ: جمادی الثاني ۱۳۸۷ قمری

مهر: (امضاء) روح اله الموسوی الخمينی

##PAGE=440##

سند شماره: یکصد و هشتاد - ۱۸۰

موضوع: جوابیه اجتهاد از آیت الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی برای حاج آقا محمد جعفر فیض مهدوی

تاریخ: محرم ۱۳۵۵ قمری

مهر: الراجی ضیاء الدین

##PAGE=441##

سند شماره: یکصد و هشتاد و یک - ۱۸۱

موضوع: اجازه اجتهاد و روایت از آیت الله العظمی آقا سید ابو الحسن اصفهانی برای آیت الله آقا محمد جعفر فیض مهدوی

تاریخ: ۱۳۵۶ قمری

مهر: ابو الحسن الموسوی

##PAGE=442##

سند شماره: یکصد و هشتاد و دو - ۱۸۲ / یکصد و هشتاد و سه - ۱۸۳

موضوع: برگه شناسایی از دانش‌سرای عالی تهران / مجوز استفاده از پوشش روحانیت

تاریخ: آبان ۱۳۱۶ - خرداد ۱۳۱۷

مهر: حکومت طهران

##PAGE=443##

سند شماره: یکصد و هشتاد و چهار - ۱۸۴

موضوع: تأیید مدارک اجتهاد آیت الله حاج آقا محمد جعفر فیض مهدوی توسط وزارت معارف

تاریخ: ۱۳۱۶ / ۱۰ / ۲۵

مهر: از طرف وزیر معارف - (امضاء)

##PAGE=444##

سند شماره: یکصد و هشتاد و پنج - ۱۸۵ / یکصد و هشتاد و شش - ۱۸۶

موضوع: پروانه ورود به امتحانات دانشکده معقول و منقول (سال دوم معقول) مربوط به آیت الله حاج آقا جعفر فیض مهدوی / پروانه ورود سال سوم

تاریخ: ۱۳۱۷ / ۲ / ۳۱ - ۱۳۱۸ / ۳ / ۱

مهر: (امضاء) فروزانفر

##PAGE=445##

سند شماره: یکصد و هشتاد و هفت - ۱۸۷

موضوع: دعوت از آیت الله حاج آقا جعفر فیض مهدوی برای سخنرانی در ایام دانشجویی (نمودار برنامه وزارت معارف در ۱۳۱۸ شمسی)

تاریخ: ۱۳۱۸ / ۳ / ۱

مهر: وزارت فرهنگ اداره آموزش سالمندان، (امضاء) اسد الله فحیم

##PAGE=446##

سند شماره: یکصد و هشتاد و هشت - ۱۸۸

موضوع: اجازه روایت و اجتهاد از آیت الله العظمی آقا محمد مهدی خوانساری برای آیت الله حاج آقا جعفر فیض مهدوی

تاریخ: ربیع المولود ۱۳۶۸ قمری

مهر: ابن محمد مهدی موسوی

##PAGE=447##

سند شماره: یکصد و هشتاد و نه - ۱۸۹

موضوع: نامه آیت الله العظمی آقا محمد حسینی الشبر برای آیت الله حاج آقا جعفر فیض مهدوی

تاریخ: ربیع الاول ۱۳۶۵ قمری

مهر: (امضاء) الاحقر محمد الحسینی الشبر

##PAGE=448##

سند شماره: یکصد و نود - ۱۹۰

موضوع: نامه آیت الله العظمی مرعشی نجفی برای آیت الله حاج آقا جعفر فیض مهدوی

تاریخ: ---

مهر: (امضاء) شهاب الدین الحسینی المرعشی النجفی

##PAGE=449##

آیت الله حاج شیخ فرج اله کاظمی (مومیوندی) کرمانشاهی از علمای بزرگ معاصر و متصف به صفات حسنه علمی و اخلاقی و به شجاعت اعتقادی معروف بودند، معظم له به سال ۱۳۰۴ هجری قمری در روستای گلباغی از توابع نورآباد لرستان در خانواده‌ای متدین و مشهور به قیادت در بین العشایر دیده به جهان گشود، کودکی و نوجوانی را تا سن هیجده سالگی به روال متداول طوایف آن مرز و بوم به تحصیل مقدمات علوم پارسی و تازی و آموختن فنون سواری و تیراندازی سپری نمود در عنفوان شباب در اتفاقی مقتضی به عنایت الهی در دیوانخانه پدری میهمانی دانشمند برگی چند از کتاب ارجمند معراج السعاده ملا احمد نراقی را بر او خواند که یکباره دل از دامن کوهپایه و سخن اهل بادیه برکند و به منظور کسب علم و دانش و ارتقاء سطح آگاهی مذهبی و فرا گرفتن معارف اسلامی روی به راه نهاد و به سرزمین عتبات عالیات عالی درجات کربلای معلی و نجف اشرف عزیمت نمود، جوهره ذاتی ایشان که مستعد درک علوم و عنایات الهی بود و وجود سعادت آلودش را با برائت از صغائر و کبائر احتمالی و اختیاری، مهبای دریافت انوار حضور آیات عظام عتبات عرش درجات فرموده بود، سرانجام به خاطر عدم استفاده از اموال شبهه، چند ریالی پس انداز و با یک قافله به سوی کربلای معلی حرکت نمود، خود می‌فرماید: (... راهی عتبات عالیات شدم و در مدت چند هفته اقامت در کرمانشاه که با حوزه علمیه در تماس بودم درس‌هایی از جامع المقدمات گرفته بودم و در طول سفر همراه قافله با پای پیاده در حرکت بودم و به خواندن و مرور درس‌های گذشته از جامع المقدمات می‌پرداختم و در طول مسیر با شوق و علاقه فراوان کتاب‌های امثله و شرح امثله و صرف میر را چند بار مرور نمودم؛ حدود سه سال در کربلا سکونت نموده، در آنجا دروس مقدمات را خوانده و برای امرارمعاش روزهای پنجشنبه و جمعه را کار کرده با درآمد کارگری بقیه هفته را به تحصیل اشتغال داشتم).

پس از کربلا به سامرا مشرف شده در محضر مرحوم آیت الله العظمی میرزا محمد تقی شیرازی به ادامه تحصیل می‌پردازند و از محضر ایشان به درک استفاده‌های شایان علمی و عملی نائل می‌شوند، با شروع جنگ جهانی اول که مرحوم میرزای شیرازی برای احراز مرجعیت جهان تشیع از سامراء به کربلا مهاجرت فرمودند، آیه الله حاج شیخ فرج اله کاظمی که از اعظم تلامذه آن حضرت به شمار بودند به همراه استاد خود به کربلای معلی هجرت کردند، پس از رحلت مرحوم میرزای شیرازی به سال ۱۳۳۸ قمری از کربلا متوجه نجف اشرف گردیدند و افتخار درک محضر آیات عظام، استادان و مدرسین بزرگ جهان تشیع، مرحوم آیه الله میرزا محمد حسین نائینی و مرحوم آیه الله سید ابو الحسن اصفهانی و مرحوم آیه الله شیخ احمد کاشف الغطا را یافتند و در اوج دریافت و صعود مقام علمی به دریافت اجازه‌های

اجتهاد نائل گردیدند، عباراتی که ارکان رکن و مراجع و آیات فی الارضین نائینی و اصفهانی رحمه الله علیهما، در اجازه این بزرگ آورده‌اند، دلیل واضح در علو درجات فقهی و علمی و اصولی ایشان است.

آیت الله حاج شیخ فرج اله کاظمی (مومیوندی) که به صفات نسبی هرسینی و کرمانشاهی اشتها (تصویر شماره ۱۱۱) آیت الله حاج شیخ فرج الله کاظمی

##PAGE=455##

داشتند، پس از بیست و پنج سال تحصیل و تفحص و تدریس و بحث به کرمانشاه بازگشتند، با توجه به تاریخ دریافت درجه اجتهاد ایشان که رمضان المبارک ۱۳۴۷ هجری قمری - بازگشت ایشان همزمان با انقراض قطعی قاجاریه و استقرار سلسله پهلوی و حکومت رضا شاه و اعمال سیستم دیکتاتوری پلیسی است، آیت الله کاظمی که درس‌های عقیدتی و مبارزاتی، مبارزه با استعمار را در محضر بزرگی چون میرزای شیرازی تحصیل کرده بود، و به مقتضای تربیت و رشد و محیط زندگی کسان و وابستگان از غیرتی ذاتی و شجاعتی ارثی برخوردار بود به ویژه که این صفات با حلیه تحصیل و تحقیق و اجتهاد آراسته بود، لذا به مصداق؛

جنس خود را همچو کاه و کهرباست

ذره ذره کاندیرین ارض و سماست

ندای هل من ناصرنا ینصرنی، شهید آیت الله مدرس را به همراه فقیه صادق آل محمد (ص) مرحوم آیت الله حاج شیخ حسن حجتی هرسینی، لبیک گفت اما با آنکه محیط را برای نیل به خواسته آن بزرگ (شهید آیه الله مدرس) مهیا ساخته بودند، ولی ایام به کام دشمن گردید، و شهید مدرس دستگیر و زندانی و تبعید شد و فریادها در حلقوم خفه گردید.

آیت الله حاج شیخ فرج اله کاظمی، در مسائل پس از جنگ جهانی دوم و ماجرای کاپیتولاسیون و نفوذ امریکائی‌ها و تشکیل هسته‌های مبارزاتی اسلامی در حوزه‌های علمیه از پشتوانه‌های معتبر و معتمد فدائیان اسلام به ویژه شهید نواب صفوی شمرده می‌شد تا آنجا که آورده‌اند: (... نواب صفوی در مشهد به منزل حضرت حجة الاسلام و المسلمین مرحوم حاج شیخ غلامحسین تبریزی پدر برادر عبد خدایی که سابقه مبارزاتی داشتند وارد شده آنجا را برای خود سنگر قرار می‌دهد و با همت آن مرد مجاهد و متقی با علما و مردم غیرتمند تماس می‌گیرد و از آنها می‌خواهد تا با نامه و طومار و تلگراف، آزادی برادران فدائیان اسلام را خواستار شوند، خود نیز به نیشابور رفته و چندی را در آنجا مخفی می‌گردد و سپس از طریق نیشابور و شمال ایران به آذربایجان و همدان و کرمانشاه رفته و بار دیگر خود را به نجف اشرف می‌رساند.

نواب صفوی در این سفر که چهار ماه به طول انجامید توانست در مناطق عبورش با یکایک علما، دانشمندان، مردم سلحشور شرق و شمال و غرب کشور ملاقات کند و روح نهضت و قیام علیه طاغوت و ظلم و ستم را در آنها دمیده و آنها را علیه نظام دست‌نشانده اجانب بسیج نماید و از آنها قول بگیرد که برای قیام همگانی در آینده‌ای نزدیک خود را

آماده نمایند و ضمناً تلگراف‌ها و نامه‌هایی درباره آزادی فدائیان اسلام به مرکز مخابره نموده و زندانی کردن مبارزاتی را که برای رفع تهاجم اسلام جان خود را در طبق اخلاص تقدیم کرده‌اند خلاف موازین شرع اعلام نمایند.

شهید نواب صفوی خود در این مورد می‌گوید: «در این سفر با یکی از چهره‌های فداکار و دلسوز و مقتدر، حضرت حجة الاسلام آقای حاج شیخ فرج اله هرسینی آشنا شدم و چندی را در خدمت این مرد پرهیزکار به سر بردم و روزی به اتفاق با اسب از نیروهای مسلح و به فرمان این مرد بازدید کردیم؛ این مرد روحانی بیش از هزار مرد مسلح پا در رکاب داشت که هرآن آماده نبرد و پیکار بودند.»

من خود [؟] مرحوم حاج شیخ فرج اله هرسینی را چند بار زیارت کردم، یکی پس از دستگیری

##PAGE=456##

شهید نواب صفوی در زمان نخست وزیری دکتر مصدق که این مرد در زندان قصر از نواب صفوی دیدار کرد و با اینکه مرد مسن و در عین حال بانفوذی بود، در مقابل نواب صفوی افتادگی می‌نمود.

بار دیگر پس از شهادت نواب صفوی او را در مدینه طیبه دیدار کردم که از نفوذ کلام و دیدگاه شهید نواب صفوی و ایامی را که در حومه کرمانشاه با هم بودند، سخن می‌گفت و آه حسرت بر شهادت آن رادمرد می‌کشید.^{۱۵۴}

لازم به یادآوریست؛ که مرحوم سید عبد الحسین واحدی فرزند مرحوم حجة الاسلام واحدی، روحانی بزرگوار است که مدت‌ها ساکن شهرستان هرسین از توابع کرمانشاه بودند، و منزل مسکونی ایشان هم در محله سراب هرسین بود، که به همین مناسبت هم خیابان سراب هرسین به نام (خیابان واحدی) نام‌گذاری شده است. معمرین و اهالی هرسین از تقوی و ساده زیستن این عالم بزرگوار سخن‌ها دارند. و ارتباط حجة الاسلام شیخ محمد کاظم کاظمی^{۱۵۵} با مرحوم سید عبد الحسین واحدی از هرسین بوده است و ظاهراً مرحوم واحدی وسیله آشنایی مرحوم نواب با آیه اله کاظمی را فراهم می‌آورند، که بعدها با آمدن مرحوم نواب به ایران و شروع به فعالیت‌های سیاسی سفرهایی به هرسین و نورآباد و الشتر به منظور دیدار ایشان و بررسی اوضاع قیام عشایر می‌کنند. ولی پس از چندین بار مسافرت به لرستان و بررسی‌هایی که به عمل می‌آورند از حرکت مسلحانه عشایر منصرف شده، به فکر حرکت‌های سیاسی در تهران و تشکیل گروه‌های فدائیان اسلام می‌افند و اقدام به اعدام انقلابی مهره‌های رژیم پهلوی می‌نمایند که همچنان با آیت الله حاج شیخ فرج اله کاظمی در رابطه بودند و تمامی فتاوی قتل رزم‌آراء و سایرین نیز از نظر ایشان می‌گذشته است.

زمانی که آیت اله حاج شیخ فرج اله کاظمی به منظور سکونت دائمی وارد کرمانشاه می‌شوند، برای احداث مسجد زمین‌های متعددی به ایشان معرفی می‌شود، که به سبب موقعیت ویژه زمین مسجد ناصری کنونی و برای تبلیغ و ترغیب و تشویق طعمه‌های فساد عصر پهلوی که در اشاعه فاسد و انحراف مورد حمایت رژیم نیز بودند، محل مزبور را با حمایت خانواده‌های مؤمن و محترم ساکن خیابان مزبور و با اعانت کسبه محل با تأمین مالی مرحوم حاج حیدر ناصری که با دیدار آیت اله حاج شیخ فرج اله کاظمی، از بستر بیماری برخاسته و شفا یافته بود، احداث و تأثیری بسزا در

^{۱۵۴} (۱) - ماهنامه ۱۵ خرداد، شماره؟، ص ۵۵. روزنامه خاوران، یادداشت‌های حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی آل کاظمی.

^{۱۵۵} (۲) - حجة الاسلام شیخ محمد کاظم کاظمی فرزند ارشد آیت اله حاج شیخ فرج اله کاظمی که از همفکران و دوستان مرحوم سید عبد الحسین واحدی بود.

پاکسازی از منکرات و تبلیغ دینی و جلوگیری از مفاسد داشت، اقامت نماز جماعت به امامت این بزرگوار از حوالی ۱۳۳۰ شمسی آغاز و تا پایان سال ۱۳۴۰ به مدت ده سال ادامه داشت، در اواخر این سال به همراه خانواده عزم زیارت عتبات عالیات را نمود و همانطور که آرزو داشتند و بارها تکرار نموده بودند، در روزهای اواخر اسفند ۱۳۴۰ شمسی در کربلای معلی مرغ جانیشان به ملاء اعلی پیوست، و با اشاره آیات عظام و دستیاری علمای اعلام با آب فرات غسل داده شدند و در وادی السلام نجف جسد مطهرشان را به خاک سپردند.

##PAGE=457##

پس از درگذشت ایشان سلسله روحانیت در این خاندان استمرار یافت، و برادر بزرگوارشان آیت الله حاج شیخ محمد رضا کاظمی که احوال ایشان نیز در پی خواهد آمد، ریاست روحانی آل کاظمی را بر عهده گرفتند و در فقدان آیت اله حاج شیخ فرج اله، فرزند فاضل و برومندشان حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی آل کاظمی زینت محراب و منبر گردیدند، و اگر چه ساکن قم بودند اما اکثر تابستان‌ها و ایام محرم و صفر و رمضان برای تبلیغ به کرمانشاه بازمی‌گشتند و در مسجد ناصری سخنرانی داشتند، تا پیروزی انقلاب نیز اغلب اوقات حجج الاسلام حیدری و موحدی به اقامت نماز جماعت در مسجد مزبور اقدام می‌کردند، به ویژه حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ خیر اله حیدری در ادامه سنت سنیه و تبلیغ و تدریس پیشین جد بلیغ مبذول می‌داشتند.^{۱۵۶}

(تصویر شماره ۱۱۲) حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی کاظمی

##PAGE=458##

استمرار اندیشه و دانش و اصلاح طلبی آیت الله حاج شیخ فرج اله کاظمی در شخصیت فرزند برومندشان حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی کاظمی، تجلی یافت، وی در سال ۱۳۲۳ هـ ش در شهرستان هرسین متولد شد، پس از فراگیری خواندن و نوشتن در مکتب خانه مرحوم شیخ حسن معلم و تحصیلی چند ساله در مدرسه اسلامی قم، صرف و نحو و تجوید و منطق را از محضر والد ماجدشان آموخته و در سال ۱۳۳۸ در حوزه علمیه کرمانشاه و سال بعد در حوزه علمیه خرم‌آباد به تحصیل علوم دینی پرداخته، سال ۱۳۴۰ وارد حوزه علمیه قم شده مقدمات را در محضر استادان؛ آدینه‌وند و فشارکی به اتمام رسانده، دوره سطح؛ لمعتین، رسائل و مکاسب و کفایه و منظومه و اسفار و تفسیر و رجال را در محضر اساتید بزرگوار؛ آیت الله صلواتی، آیت الله فاضل، آیت الله نوری همدانی، آیت الله خزعلی، آیت الله سلطانی، آیت الله

^{۱۵۶} (۱) - حجج الاسلام حاج شیخ خیر اله حیدری و حاج شیخ فیض اله حیدری از جمله روحانیون آگاه و صادق و مصفا و اهل درس و بحث بودند که عمر خویش در تبلیغ و توضیح مسائل شرعیه در مناطق عشایری به شیوه سالکان الی الله صرف کردند و به راستی قبل از هر برنامه‌ریزی و سیستم منظمی که برای ترویج امور مذهبی انجام گیرد، این خانواده روحانی رهنمود و ترتیب و تنظیم ساختار مذهبی، سیاسی و فرهنگی را در طیف وسیع ایلات و طوایف کرمانشاه شکل دادند و در آشنایی اهالی با احکام اسلامی جد بلیغ مبذول داشته و حضور در روستاها را به زیستن در شهرها ترجیح دادند و شاید نخستین گروه متشکل مذهبی بدین شیوه بودند که پا در میدان گذاشتند، و به موازات این فعالیت‌ها از امورات محوله امامت جماعت و تدریس و ... در شهرها (کرمانشاه و قم و ...) دریغ نورزیدند و در همین سنگرها پس از پیروزی انقلاب اسلامی به منزله بازوان توانمند انقلاب در مناطق عشایری کرمانشاهان، کردستان و لرستان و ... اقدام مثمرتر داشتند و در این زمینه زحمات حجة الاسلام حاج شیخ محمد تقی گلی را نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی نمی‌توان از نظر دور داشت، از روحانیون خانواده محترم حیدری، فرهنگی اندیشمند و مدرس وارسته حجة الاسلام حاج شیخ علی حیدری فرزند برومند حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ خیر اله حیدری و روحانی فرهیخته و متعهد حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ وحید احمدی نماینده مجلس شورای اسلامی از حومه کرمانشاه در سنگر فرهنگ و قانون از خدمتگزاران برجسته جامعه اسلامی بشمارند. (مؤلف)

جواد آملی به اتمام رسانیده، سپس حدود شش سال در درس خارج فقه و اصول مرحوم آیه الله العظمی گلپایگانی و مرحوم آیه الله نجفی مرعشی و دیگر استادان برجسته حوزه علمیه قم شرکت نموده است.

ایشان از آغاز نهضت امام خمینی با اینکه هنوز در عنفوان شباب و در ابتدای راه بودند، همکاری خود را با تکثیر نوار و اعلامیه حضرت امام خمینی (ق) و دیگر علمای مبارز و سخنرانی و تهیه طومار با امضای طلاب و علما شهرهای غربی کشور و تهیه و چاپ اعلامیه‌هایی با امضای استادان و فضلاء حوزه علمیه قم که نمونه‌هایی از این اعلامیه‌ها در کتاب نهضت امام خمینی درج گردیده است. در پی چاپ و پخش اعلامیه و تشکیل مجلس دعای توسل در مسجد بالا سر حضرت معصومه که پس از بازداشت امام مجلس بسیار مؤثر و در آن سخنرانی‌های بسیاری انجام می‌شد، توسط مأمورین اطلاعات شهربانی دستگیر و به شهربانی اعزام و مورد بازجویی و بازپرسی‌های کامکار رئیس اطلاعات وقت قرار گرفته، با تشکیل پرونده به ساواک قم ارسال و از آنجا پس از بازجویی مجدد با پرونده به تهران اعزام و مدتی در بازداشتگاه ساواک تهران و پس از اقامت اجباری در تهران آزاد گردید، فعالیت‌های سیاسی و مذهبی ایشان هم‌چنان ادامه داشت که متعاقباً از سوی دادگاه نظامی به دو ماه و نیم بازداشت در سلول انفرادی محکوم گردید و پس از انقضای محکومیت در سال‌های ۴۳-۴۲ ماهنامه سیاسی حوزه علمیه قم را به نام (بعث) با جمعی از فضلا و شخصیت‌های علمی و مبارز منتشر ساختند که مورد تقدیر مجاهد نستوه حضرت آیه الله طالقانی (طاب ثراه) قرار گرفت.

تعداد معتناهی از طومارها و نامه‌های سرگشاده‌ای که توسط ایشان تهیه شده است در کتاب تحلیلی از نهضت امام خمینی توسط حجة الاسلام حاج شیخ حمید روحانی درج و چاپ و منتشر گردیده است.

استفاده از شیشه کی در تکثیر اعلامیه‌ها، تهیه کلیشه عکس امام با مهر، برهم زدن مجلس دعا برای رفع خطر از شاه، در پانزدهم بهمن در کرمانشاه و ... نمونه‌هایی از تلاش مستمر و فعالیت‌های سیاسی ایشان است که خود رساله مستقلی می‌طلبد.

فعالیت‌های فرهنگی را از عنفوان شباب آغاز کرده است و از سال ۱۳۴۳ همزمان با نشر شرکت

##PAGE=459##

در ماهنامه بعثت، نویسندگی و ترجمه و تدوین مقالات علمی و فرهنگی را آغاز و تا سال ۱۳۵۸ بیش از یکصد و پنجاه اثر اعم از کتاب، جزوه، مقاله به رشته تحریر درآورده است، علاوه بر کار تألیف و ترجمه تشکیل کتابخانه سیار برای دانش‌آموزان و دانشجویان شهرستانی، که با طرح جالب ارسال کتاب برای مشترکین طیف گسترده‌ای را از لحاظ مذهبی و فکری تغذیه می‌کردند و سپس چاپ جزوه‌های پرتو اسلام که حاوی مطالبی در زمینه‌های بهداشت در اسلام، معجزات علمی اسلام، تفسیر برخی از آیات قرآن و ... بود و برای مراکز، افراد، کسبه و ... ارسال می‌شد.

تألیفات چاپ شده: ۱- اسلام در عصر فضا ۲- سی درس از قرآن ۳- سی درس از تجوید ۴- سی درس از نهج البلاغه ۵- حقایق و افسانه‌ها ۶- دختر سرراهی ۷- چرا به زیارت بقیع می‌رویم؟

۸- ترجمه بلاغة الحسین (ع) ۹- ترجمه امام علی از مهد تا لحد ۱۰- ترجمه ج ۲۳ و ج ۲۴ تفسیر مجمع البیان ۱۱- مناظرات حسنیه ۱۲- نکته‌هایی از عقاید ۱۳- شهید شیروودی ۱۴- بابا شیخ در جبهه ۱۵- شهید فهمیده.

آثار مخطوط: ۱۶- شرح بر معالم ۱۷- شرح بر عوامل ملا محسن ۱۸- شرح مغنی اللیب ۱۹- تفسیر سوره مبارکه حمد ۲۰- تفسیر جزء سیام قرآن ۲۱- شرح رساله الحقوق ۲۲- سیره معصومین (ع) ۲۳- آفات زبان و چند اثر دیگر در دست اقدام.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی که هنوز امام راحل (ق) در پاریس به سر می‌بردند، بسیج و همبستگی و حرکت در عشایر و سپس با دریافت حکمی از حضرت امام (ق) تشکیل کمیته انقلاب اسلامی هرسین و اعزام نیرو برای کردستان و کامیاران و در شروع جنگ تحمیلی برگزاری مانورهای مسلحانه عشایری و بسیج عشایر غرب کشور در مقابل بسیج عشایری «گمجن» بنی صدر که اقدامی قاطع در تقویت و پاسداری مرزهای غربی و خلع سلاح طرفداران بنی صدر گردید.

حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی آقا کاظمی در دوره اول مجلس شورای اسلامی، کاندید شد و در انتخابات میان دوره‌ای سلسله و دلفان در دوره اول با کسب ۲۱۷۲۶ رأی از ۳۶۷۸۶ رأی مأخوذه در مرحله اول با اکثریت مطلق آراء به مجلس شورای اسلامی راه یافت و در سنگر مجلس در قانونگذاری و ارائه طرح‌های بسیاری منشأ خدمات بودند.

پس از پایان دوره اول مجلس سال ۶۳ طی حکمی از سوی رهبر کبیر انقلاب امام خمینی (ق) به سمت امامت جمعه منطقه پاکدشت منصوب گردیدند.

و در رابطه با وجود دانشگاه ابو ریحان در این منطقه طی حکمی به عنوان نماینده دفتر مقام معظم رهبری در این مجتمع آموزش عالی منصوب و ضمن تدریس معارف اسلامی و نظارت بر تشکیل کلاس‌های معارف و هماهنگی با مدیریت و استادان فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دارند، همچنین تأسیس حوزه علمیه پاکدشت از دیگر مسئولیت‌ها و فعالیت‌های ایشان می‌باشد که این حوزه فعال و فضلا و استادان آن فعالیت‌های مذهبی و آموزشی ارگان‌ها، نهادها، کارخانجات و مساجد و مجالس را به خوبی انجام می‌دهند، و استادان این حوزه مدرس کلاس‌های معارف و اخلاق اسلامی دانشگاه را نیز به عهده دارند.

##PAGE=460##

۱۵۷

۱۸۷۷۲ تاریخ تشیع در کرمانشاه از آغاز تا امروز بانضمام پیشینه اعتقادی در غرب ایران؛ ص ۴۶۰

سرانجام با اصرار اقشار مختلف حوزه سلسله و دلفان حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی آل کاظمی علیرغم علاقه شدید به کار فرهنگی و اقامه نماز جمعه در انتخابات پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی حوزه سلسله و دلفان شرکت نموده با کسب اکثریت ۴۴۲۰۰ رأی از ۸۶۶۴۲ رأی به عنوان نماینده مردم شهیدپرور شهرستان‌های سلسله و دلفان به

مجلس شورای اسلامی راه یافت، و در کمیسیون آموزش عالی به عنوان نایب رئیس اول انتخاب و مشغول به کار هستند.

(تصویر شماره ۱۱۳) آیت الله حاج شیخ محمد رضا کاظمی

آیه الله حاج شیخ محمد رضا کاظمی - برادر کهنتر مرحوم آیه الله حاج شیخ فرج اله کاظمی در اواخر سال ۱۲۸۵ شمسی - ۱۳۲۶ قمری در منطقه دلفان پا به عرصه وجود نهاد در نوجوانی پدرش مرحوم نصر اله را از دست داد و تحت حضانت برادر مهتر مرحوم آیه الله حاج شیخ فرج اله قرار گرفت و به همراه ایشان به عتبات عالیات مشرف شده، پس از گذراندن دوره مقدماتی از محضر استادان بزرگواری چون؛ شیخ محمد رشتی، حاج شیخ غلامحسین دارابی شیرازی و مرحوم آیه الله سید

##PAGE=461##

ابو الحسن اصفهانی استفاده نمود.^{۱۵۸} پس از طی مدارج علمی حدود چهار سال در محیط عشایری و در بین مردم لرستان رحل اقامت افکند و به ارشاد و تعلیم احکام مردم پرداخت. در سال ۱۳۵۴ قمری - ۱۳۱۵ شمسی به قم مهاجرت کرد و حدود شش سال از محضر درس مرحوم آیه الله العظمی آقای حاج سید محمد رضا گلپایگانی و مرحوم آیه الله العظمی مرعشی نجفی و آیه الله العظمی خوانساری و مرحوم آیه الله صدر و ... استفاده کرد. در سال ۱۳۶۰ قمری - ۱۳۲۰ شمسی به کرمانشاه مهاجرت نمود و به خدمات دینی و اقامه جماعت و تدریس و تربیت طلاب علوم دینی و بنای مسجد و مؤسسات خیریه پرداخت.

ایشان در ایام نهضت اسلامی با ارسال تلگراف پشتیبانی از امام راحل (ق) و دعوت علما و مبلغین اسلامی و شرکت در راه پیمایی و تشویق عشایر لرستان به همبستگی با امام و نهضت اسلامی سهم بزرگی در پیروزی انقلاب اسلامی داشتند، در دوره اخیر انتخابات مجلس خبرگان بنا به دعوت و پیشنهاد علمای اعلام و مدرسین حوزه علمیه قم شرکت نموده با رأی قاطع و درصد بالای آراء مردم کرمانشاه به عنوان نماینده مجلس خبرگان انتخاب شد و در مجلس خبرگان با موضوعگیری قاطع و پشتیبانی از مقام معظم رهبری و دولت خبرگان وقت نقش مثبت و مفید خود را ایفاء نمودند.

آیه الله حاج شیخ محمد رضا کاظمی در کرمانشاه نظر به محبوبیتی که در بین اهالی کرمانشاه به ویژه عشایر و مهاجرین ساکن در شهرک های حومه داشتند، فعالیت های چشم گیری در امر تبلیغ و تدریس و تفسیر و درس اخلاق و برگزاری دعای ندبه و ... داشتند و نظارت و استعانت در بنای مسجد تویسرکانی ها در کرمانشاه، مرمت و تجدید مسجد امام حسن (ع) معروف به (مسجد کوچیکه)، توجه در آغاز بنای مسجد حضرت امام صادق (ع) در محله جعفرآباد کرمانشاه، مساعدت در ساختمان بنای مهدیه و ... از نمونه های آثار باقیه این بزرگوار است.

^{۱۵۸} (۱) - درباره شیخ اجازه ایشان آیت الله نائینی نوشته شده است ر. ک: ندای خاوران، شماره ۷۸، نیمه اول مرداد ماه ۱۳۷۵ شمسی، ص ۶، متون اول/ اشاره فوق با استفاده از یادداشت های جناب حجة الاسلام و المسلمین آقای حاج شیخ علی کاظمی که در ارائه احوال و آثار و اسناد و تصاویر این بخش جد بلوغ داشتند، تنظیم گردیده است. با تشکر

حسن سلوک و اخلاق حسنه و تواضع علمی و زهد و شیرین زبانی و ملاطفت ایشان در حد اعلاء بود، آیه الله حاج شیخ محمد رضا کاظمی در تمامی مسیرهای علمی، اعتقادی، و انقلابی همراه و همگام برادر مهتر، آیه الله حاج شیخ فرج اله کاظمی بودند.

این عالم ربانی در مرداد ماه ۱۳۷۵ در کرمانشاه به رحمت ایزدی پیوست و با تشییع کم نظیر اهالی و عشایر به خاک سپرده شدند.^{۱۵۹}

##PAGE=462##

(تصویر شماره ۱۱۴) آیت الله اشرفی اصفهانی - آیت الله کاظمی در ملاقات با امام خمینی (ره) در قم

##PAGE=463##

اسناد

##PAGE=465##

سند شماره: یکصد و نود و یک - ۱۹۱

موضوع: اجازه اجتهاد و روایت و تأیید مقام علمی و فقهی از آیت الله العظمی سید ابو الحسن اصفهانی برای آیت الله حاج شیخ فرج اله کاظمی

تاریخ: ذیقعه الحرام ۱۳۴۵ قمری

مهر: ابو الحسن الموسوی - امضاء الاحقر ابو الحسن الموسوی الاصفهانی

##PAGE=466##

سند شماره: یکصد و نود و دو - ۱۹۲

موضوع: اجازه اجتهاد و روایت از آیت الله العظمی حاج سید علی حسینی شیرازی برای آیت الله حاج شیخ فرج اله کاظمی

تاریخ: ذیقعه الحرام ۱۳۴۵ قمری

مهر: علی بن محمد حسن الحسینی

^{۱۵۹} (۲) - منابع و مآخذ: آثار الحجه، جزء دوم، بخش یکم، ص ۵۹ / آثار الحجه، بخش پنجم، ص ۳۳۹ / هفته نامه ندای خاوران / یادداشت های جناب حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی آل کاظمی / مصاحبه با مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رضا کاظمی ۱۳۶۵، کرمانشاه.

سند شماره: یکصد و نود و سه - ۱۹۳

موضوع: اجازه اجتهاد و روایت از آیت الله العظمی آقا محمد حسین نائینی برای آیت الله حاج شیخ فرج اله کاظمی

تاریخ: ذیقعه الحرام ۱۳۴۵ قمری

مهر: عبده محمد حسین

سند شماره: یکصد و نود و چهار - ۱۹۴

موضوع: اجازه اجتهاد و روایت از آیت الله العظمی آقا محمد کاظم شیرازی برای آیت الله حاج شیخ فرج اله کاظمی

تاریخ: ذیقعه الحرام ۱۳۴۵ قمری

مهر: محمد کاظم

سند شماره: یکصد و نود و پنج - ۱۹۵

موضوع: اجازه تصدی امور حسبيه از آیت الله العظمی گلپایگانی برای حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی کاظمی

تاریخ: محرم ۱۳۸۳ قمری

مهر: محمد رضا الموسوی

سند شماره: یکصد و نود و شش - ۱۹۶

موضوع: اجازه تصدی امور حسبيه از آیت الله العظمی مرعشی نجفی برای حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی کاظمی

تاریخ: محرم ۱۳۸۳ قمری

مهر: شهاب الدین الحسینی

##PAGE=471##

سند شماره: یکصد و نود و هفت - ۱۹۷

موضوع: اجازه تصدی امور شرعیه و حسبیه از آیت الله العظمی امام خمینی برای آیت الله حاج شیخ محمد رضا کاظمی

تاریخ: شعبان ۱۳۸۸ قمری

مهر: روح الله الموسوی

##PAGE=472##

سند شماره: یکصد و نود و هشت - ۱۹۸

موضوع: سواد متن تلگراف به آیات عظام قم از سوی آیات حاج شیخ فرج الله کاظمی و حاج شیخ محمد رضا کاظمی درباره تصویب نامه الغاء شرط اسلام در انتخابات و قسم به غیر قرآن

تاریخ:-----

مهر:-----

##PAGE=473##

سند شماره: یکصد و نود و نه - ۱۹۹

موضوع: تأیید تصدی امامت جمعه مامازند از آیت الله العظمی حاج سید علی خامنه‌ای (رهبر انقلاب) به حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی کاظمی که از طرف امام (ر) نیز منصوب بوده‌اند.

تاریخ: محرم الحرام ۱۴۰۵ قمری

مهر: دبیرخانه مرکزی ائمه جمعه (امضاء) سید هاشم رسولی

##PAGE=474##

سند شماره: دویست - ۲۰۰

موضوع: اجازه تصدی امور شرعیه و حسبیه از آیت الله العظمی حاج سید علی خامنه‌ای به حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی کاظمی

تاریخ: ذیحجه ۱۴۱۲ قمری

مهر: علی بن الجواد الحسینی

##PAGE=475##

سند شماره: دویست و یک - ۲۰۱

موضوع: اجازه تصدی امور حسبيه و شرعیه از آیت الله العظمی اراکی برای حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی کاظمی

تاریخ: ۱۴۱۵ قمری

مهر: عبده الراجی محمد علی - (امضاء) الاحقر محمد علی العراقی

##PAGE=476##

سند شماره: دویست و دو - ۲۰۲

موضوع: پاسخ تلگراف عشایر لرستان هرسین از دفتر امام خمینی حاوی تقدیر از اهالی و اعزام و تأیید حجة الاسلام حاج شیخ علی کاظمی

تاریخ: ۱ / ۶ / ۵۸ قمری

مهر: - امضاء (دفتر اقامتگاه امام خمینی)

##PAGE=477##

سند شماره: دویست و سه - ۲۰۳

موضوع: اطلاعیه آیت الله حاج شیخ محمد رضا کاظمی به اهالی سلسله و دلفان در تأیید حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی کاظمی برای نمایندگی مجلس شورای اسلامی

تاریخ: ----

مهر: محمد رضا کاظمی (نماینده مردم کرمانشاهان در مجلس خبرگان) - (امضاء) الاحقر محمد رضا کاظمی

##PAGE=479##

خاندان کزازی

خاندان کزازی، سابقه حضور و خدمات علمی و دینی و فرهنگی آنها در کرمانشاه به دو قرن پیش از این یعنی اواخر زندیه و اوایل قاجاریه می‌رسد، صاحب مجمل التواریخ گلستانه از آخوند ملا عبد الاحد به عنوان عالم ذی نفوذ و مؤثر و شیخ الاسلام منصوب در اوضاع آشوب‌زده کرمانشاهان به عهد تلاش زندیه برای رسیدن به قدرت یاد کرده است^{۱۶۰}؛ آخوند ملا عبد الاحد کزازی شیخ الاسلام کرمانشاهان در ایام ورود آقا محمد علی بهیجانی به کرمانشاه دوران کهولت و اواخر عمر خویش را می‌گذرانیده است، چنانکه آیت الله آقا احمد کرمانشاهی در کتاب ارزنده؛ مرآت الاحوال درباره او و فرزندش میرزا احمد که از شاگردان آقا محمد علی (ق) بوده و پس از پدر عهده‌دار مقام شیخ الاسلامی کرمانشاه گردیده است؛ می‌نویسد:

«از جمله علمای آن شهر بود؛ عالی جناب معلی القاب فضایل مآب عالم فاضل کامل، آخوند ملا عبد الاحد کزازی که از جانب سلاطین عظام به منصب جلیل شیخ الاسلامی در آن بلده قیام داشت، فاضلی بود، جلیل القدر و عالمی منشرح الصدر و نهایت لسان و حرّاف و سلیقه تامه در علم صحبت با امراء و بزرگان داشت. چند سال قبل از این به رحمت ایزدی پیوست و خلف ارشد ارجمندش عالی جناب معلی القاب سلاله الانجاب علامی؛ میرزا احمد به حکم وراثت و فرمان پادشاه بر آن مقام ذوی الاحترام نشست و نهایت احتیاط را در اجرای احکام مرعی می‌دارد و اغلب اوقات امور مراعات را به مصالحه می‌گذراند و چندی از مستفیدان مجلس شریف مرحوم والد [آقا محمد علی] ماجد (طاب ثراه) بود»^{۱۶۱}.

##PAGE=480##

و دیگر ملا عباسعلی کزازی که در روضة البهیه درباره او آورده است:

«حاج ملا عباسعلی العالم الكامل المحقق المدقق الالمعی الاوزعی الحاج ملا عباسعلی الكزازی اصلا و الكرمانشاهی مسکنا و هذا الشيخ کان عالما محققا مدققا فهیما ما رأیت احدا من المشایخ احسن ادراکا منه قرأت علیه فی بلدة کرمانشاه قلیلا من الزمان حین مسافرتی الی کربلاء المشرّفه قلیلا من معالم الاصول و قلیلا من الریاض و هذا الشيخ قرء علی، آقا محمد علی بن محمد باقر [البهیجانی] الاتی ذکرهما و کان فی زمان التحصیل فی نهاية الفقر و الفاقه و اعانة الاستاد غایة الاعانة حتی صار غنیّاره»^{۱۶۲}.

و آیت الله آقا احمد کرمانشاهی درباره او می‌نویسد: (... و دیگر عالی جناب معلی القاب فاضل کامل و مقدس عامل آخوند ملا عباسعلی؛ اصل وی از اهل کزآز است، چندی در خدمت عالی جناب ملا عبد الاحد سابق الذکر به تحصیل مشغول و مدتی از گل‌چینان حدایق افادات والد ماجد [آقا محمد علی (ق)] بود و از تفضل انقاس شریفه‌اش به مدارج علیا رسیده است. به غایت مستقیم الطبع و در اغلب علوم افادت پناه است)^{۱۶۳}.

^{۱۶۰} (۱) - مجمل التواریخ گلستانه، ص ۱۹۵.

^{۱۶۱} (۲) - مرآت الاحوال، ص ۱۸۴: همچنین درباره شیخ عبد الکرم بن آخوند ملا عبد الاحد کزازی آمده است که؛ عالم بارع است، پدرش شیخ الاسلام در کرمانشاه بوده است و سید عبد اللطیف شوشتری نقل نموده که؛ او نوجوانی مستعد و فاضل و دارای اخلاق حسنه بوده است و او با عددای نزد من برخی از مسائل هیئت و نجوم را آموختند. تحفه العالم، ص ۱۲۵/ کرام البررة، ج ۲، ص ۷۶۱.

^{۱۶۲} (۱) - روضة البهیه.

^{۱۶۳} (۲) - مرآت الاحوال، ص ۱۸۵.

و بر اساس آنچه گذشت شادروان استاد کیوان سمیعی در مقدمه تذکره مختصر شعرای کرمانشاه آورده‌اند: (... چنانکه یکی از علماء بزرگ این شهر حاج ملا عباسعلی بوده و سید محمد شفیع بروجردی در کتاب «روضه البهیة» می‌نویسد که: عالم کامل؛ محقق مدقق المعی لوزعی حاج ملا عباسعلی کرمانشاهی المسکن از مشایخ اجازه من بوده و من کسی را از مشایخ خود ندیدم که خوش ادراکتر از او باشد و من در کرمانشاه نزد او مقداری از معالم الاصول و ریاضی را خواندم و وی شاگرد آقا محمد علی بود).

باید دانست که مقبره اوّل قبرستان غربی شهر کرمانشاه که مشهور به مقبره ملا عباسعلی است متعلق به این عالم کامل می‌باشد.^{۱۶۴}

سادات محترم کزازی که بحث درباره خاندان مورد نظر مربوط به آنان است در این هجرت و تصدی علمی و روحانی ریشه دارند، زیرا نیای خاندان کزازی شادروان آقا سید حسن بن سید میرزا بن سید اسماعیل، همشیره‌زاده ملا عباسعلی فوق الذکر است، آقا سید حسن از مستعدین حوزه درس خال خویش بوده و در علوم مختلفه ید طولایی داشته است، مقدمات و سطوح را در کرمانشاه به پایان برده و سپس عزم عتبات عالیات نموده است و در محضر آیات عظام مقامی عالی را احراز کرده است، نظر به مرتبه اجتهاد علمی و فقهی به تقاضای اهالی به کرمانشاه بازگشت و عمری را به تبلیغ و تدریس و افاده اشتغال داشته، فرزندان آقا سید حسن کزازی نیز همه در کسوت اهل علم و دارای تحصیلات عالیه حوزه‌ای بودند به ویژه آقا سید حسین کزازی (۱۲۹۱-۱۳۴۱. ق) فرزند ارشد آقا سید حسن، که علوم مقدماتی و سطح و خارج و اصول و فقه را با موفقیت تمام در محضر آیات عظام به پایان برده و به دریافت اجازه اجتهاد و روایت توفیق یافته بود، او که دین را از سیاست

##PAGE=481##

(تصویر شماره ۱۱۵) آیت الله آقا سید حسن کزازی

جدا نمی‌دانست، پس از طی مبارزات دوره مشروطیت هم خود را صرف فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی و اعتقادی کرد، در دوره‌های دوم و سوم به وکالت مجلس شورای ملی از طرف اهالی کرمانشاهان انتخاب گردید و در موقع جنگ بین‌الملل اوّل جزء مهاجرین از راه عتبات به اسلامبول و از آنجا به آلمان رهسپار گردید و قریب هفت سال در برلن و فرانسه مقیم گردید، در ۱۲۹۹ هـ ش از طریق دریا به هندوستان و سپس به ایران مراجعت نمود، در کابینه‌های متأخر منصوب از طرف احمد شاه، بارها به وی پیشنهاد پست وزارت‌خانه‌های مختلف گردید، اما نپذیرفت و برای خدمت به همشهریان خود، کمر همت بست و از سوی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه و وزارت فوائد عامه به ریاست معارف و فوائد عامه کرمانشاه منصوب گردید.^{۱۶۵}

##PAGE=482##

(تصویر شماره ۱۱۶) آقا سید حسین کزازی (شهید معارف)

^{۱۶۴} (۳) - مقدمه تذکره شعرای کرمانشاه، ص (ل).

^{۱۶۵} (۱) - سالنامه کرمانشاه ۱۳۲۵ شمسی، ص ۶۶.

آقا سید حسین کزازی با ورود خود و آغاز اقدامات و فعالیت‌ها اوضاع فرهنگی کرمانشاهان را متحول ساخت و دگرگونی‌های همه‌جانبه و چشم‌گیری در زمینه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی این شهر به وجود آورد، او حاصل یک عمر تجربه علمی حوزه در ایران و عتبات را با اندوخته‌های فکری اروپا در هم آمیخت و آن تجارب را برای پی‌ریزی سیستم آموزشی و پرورشی دیار خود به کار بست، او که برای خدمت به زادگاهش ریاست معارف ایالتی را بر وزارت در تهران ترجیح داده بود، همین قدر باید گفت: ساختار فرهنگی کرمانشاه بنایی بود که بنیان و اساس آنرا مرحوم کزازی پی‌ریزی کرد، به ویژه افتتاح مدارس (نسوان) از تأسیسات آن مرحوم بود و همین امر بهانه معاندین شد و در صدد شهادت وی برآمدند و در سال ۱۳۰۲ ه. ش، به ضرب گلوله فریب‌خورده‌ای، مضروب و فردای آن شب قبل از ظهر، جهان فانی را وداع گفت؛ رحمة الله علیه.^{۱۶۶}

والده آقا سید حسین کزازی؛ صبیبه شادروان سید صالح کشمیری (هندی) بود، که سادات

##PAGE=483##

کشمیری کرمانشاه از بازماندگان و احفاد آن سید محترم محسوب و منسوبان مادری آقا سید حسین بشمارند. همسر دوم آقا سید حسن از طایفه حاجی‌زادگان کلهر بود، که سید احمد و سید محمد علی از همین وصلت متولد شده‌اند، شادروان آقا سید حسین کزازی، فرزند ذکور نداشت.

آقا سید احمد، روحانی مبارز و آزادیخواه و از همسنگران آقا سید حسین برادرش محسوب می‌شد و دیگر آقا سید محمد علی، که از یاران سالار الدوله و دوستان معاون الملک بود، خاندان سادات محترم کزازی در کرمانشاه کلا بازماندگان این دو برادر؛ آقا سید احمد و آقا سید محمد علی هستند، از آنجا که با انقراض قاجاریه و شهادت آقا سید حسین در طی هشتاد سال اخیر، مسیر فعالیت برجستگان این خاندان در امر ترویج فرهنگ نوین و اصلاح معضلات اجتماعی و سیاسی بوده است، در جای خود به بررسی نقش و تأثیرات این خاندان از مقطع اخیر خواهیم پرداخت.^{۱۶۷}

##PAGE=485##

خاندان میبدی

در زمره خاندان‌های مشهور علمی و مذهبی ساکن در کرمانشاه خاندان میبدی که با ورود آیت الله علامه حاج سید علی میبدی حلقه افاده و اقامه آنان آغاز می‌گردد.

^{۱۶۶} (۱) - برای اطلاع بیشتر ر. ک: (تاریخ مفصل کرمانشاهان، محمد علی سلطان، همین مجموعه ج ۵، صص ۸۶۲-۸۶۳).

^{۱۶۷} (۱) - مصاحبه با شادروان آقا سید محمود کزازی، کرمانشاه تابستان ۱۳۶۲ / مرحوم آقا سید محمود کزازی فرزند آقا سید احمد سابق الذکر از شخصیت‌های محترم و اندیشمند و بزرگوار این خاندان، که دارای اطلاعاتی عمیق و ارزشمند در مسائل مختلف پنجاه سال اخیر کرمانشاه بود و در مصاحبه‌های مکرر و مکرر با ایشان با سعه‌صدر تمام، مرا در معرفت به راز و رمزهای اوضاع اجتماعی و تاریخی و ... منطقه راهنما و یادآور و در مسیر پژوهش مشوق و دلیل راهم بودند، این مرحوم علاوه بر انجام رسالت خانوادگی فرزندان شایسته و موجب افتخار این دیار در کنار همسری والا پرورش داد؛ دکتر میر جلال الدین کزازی استاد دانشگاه- دکتر میر کمال الدین کزازی- میر جمال الدین کزازی و سیده منصوره کزازی سردبیر هفته‌نامه صغیر غرب در کرمانشاه، که همگی دارای تحصیلات عالیه و خدمتگزار فرهنگی و اجتماعی کشور هستند، فرزندان این فقید سعید می‌باشند.

وی از اعلام علمای امامیه و اکابر فقهای جهان اسلام در قرن چهاردهم هجری قمری، عالم عامل، فقیه، اصولی، محدث، مفسر، رجالی، محقق، مدقق، ادیب، شاعر جامع معقول و منقول که ذکر جمیل و وصف موزونش زینت بخش کتب تراجم است.

دانشمند معظم علامه سید حسن آل طه در کتاب «گنج جواهر دانش» آورده است: ... بدانکه از جمله علمای ربانی و آیات بزرگ سبحانی که در عصر و زمان خود عدیل و نظیر نداشته؛ سید اکمل افضل عماد الفقهاء الراسخین و علامة العلماء الراشدين آقای حاج سید علی مجتهد یزدی میبیدی اعلی الله مقامه الشریف است ... علامه کبیر شیخ آغا بزرگ تهرانی در مجلد چهارم «نقباء البشر» می نویسد: ... السید علی بن محمد علی الحسینی المیبیدی الیزدی الکرمانشاهی فقیه کامل و عالم عارف ... و قد بلغ مرتبه عالیہ فی العلم و العمل و تبحر و برع و اجازه استاذہ الاردکانی اجازه محترمه فی غایة الثناء مصرحاً ببلوغه مرتبة الاستنباط من الدلیل ... علامه گرانسنگ مرحوم خیابانی در «تاریخ علماء معاصر» او را ستوده و می نویسد: ... السید الفقیه المحقق المدقق الورع التقی الزکی حاج سید علی یزدی میبیدی اعلی الله مقامه و نور الله مرقده. و این سید اجل را تصانیف کثره است ... ستاره ادب ایران علامه علی اکبر دهخدا در چندین جای «لغت نامه» او را نام برده و در ذیل علی یزدی می نویسد: ابن محمد علی حسینی میبیدی یزدی وی لغوی و ساکن کرمانشاه بود و در سال ۱۳۱۳ ق. درگذشت ... اگر بنا شود اقوال بزرگان را بیان کنیم رساله ای مفصل می طلبد برای اطلاع بیشتر می توانید به:

ریحانة الادب ج ۶ ص ۵۰، اختران تابناک ج ۱ ص ۳۴۵، زندگانی سردار کابلی ص ۲۱۸، معجم

##PAGE=486##

المؤلفین عمر رضا کحاله. مزارات علامه فلسفی ج ۱ ص ۱۳۰، ترجمه روضات الجنات ج ۳ ص ۶۴۹، ایضاح الطریقه ج ۱ ص ۱۱۳ و ص ۲۸۳ معجم المؤلفین خان بابامشار، اعیان الشیعه ج ۸ ص ۳۰۷، فرهنگ رجال و غیرهم رجوع کنید.

معظم له به سال ۱۲۶۰ ه ق در یک خانواده علمی در شهرستان میبد از توابع یزد دیده به جهان گشود. نسبت عالیش به علامه کبیر صاحب سیف و قلم امیر قوام الدین مرعشی سرسلسله سادات قوامیه مرعشیه مازندران و از یاران علامه شیخ حسن جوری و سید عز الدین سوغندی از رهبران نهضت سربداران می رسد. بسیاری از اعلام فقهاء و حکما و علمای طراز اول امامیه مانند؛ علامه کبیر سلطان العلماء و میر داماد از این سلسله جلیله می باشند. این سلسله جلیله تا عصر شاه عباس صفوی در خطه مازندران با الهام از قیام سربداران خراسان حکومت داشته و بعد از یک بار انقراض توسط امیر تیمور گورکانی که در بسیاری از کتب تاریخ آمده است؛ برای بار دوم با حکم تبعید مولانا سید علی شرفاء مرعشی از مازندران به میبد یزد؛ توسط شاه عباس صفوی از هم پاشیده شد و سندی در این رابطه به خط مولانا حکیم میرزا علی اکبر یزدی از اعلام رجال یزد موجود است^{۱۶۸}. سید علی شرفا اولین کسی بود که از این خاندان معظم در شهرستان میبد به حکم اجبار رحل اقامت افکند و فرزندانش در اصفهان - یزد - شیراز - کرمانشاه پراکنده شدند و اکثراً از اعلام علم و دین بوده اند، نامه ای از مرحوم آیت الله حاج سید محمد قوامی میبیدی از اعلام علمای شیراز موجود است^{۱۶۹} که

^{۱۶۸} (۱ - ۲ - ۳ - ۴) - استاد خاندان میبیدی موجود در آرشیو شخصی حجة الاسلام آقا سید ناصر میبیدی.

^{۱۶۹} (۱ - ۲ - ۳ - ۴) - استاد خاندان میبیدی موجود در آرشیو شخصی حجة الاسلام آقا سید ناصر میبیدی.

در آن خطاب به مرحوم حضرت آیت ا... حاج سید محمد میبیدی نوشته‌اند که خود من در این اواخر در این خانواده بیش چهل مجتهد و مدرس و واعظ نمره اول را می‌شناختم.

مرحوم حاج سید علی میبیدی

به سال ۱۲۶۰ ه ق در چنین خانواده‌ای در شهرستان میبد چنانکه اشاره شد، به دنیا آمد. پس از رشد ابتدا مقداری از محضر علمای عصر خویش در ایران کسب فیض نمود آنگاه برای کسب مدارج عالیه به عتبات عالیات هجرت نمود و در کربلای معلی خوشه‌چین محضر فیاض شیخ عبدالحسین طهرانی ملقب به شیخ العراقین و شیخ محمد حسین فاضل اردکانی که از اعلام برجسته عصر خویش بودند؛ گردید تا به مقامات عالیه علم و اجتهاد نائل آمد. استادش فاضل در اجازه‌ای که برای ایشان تقریر نموده‌اند او را با وجود شاگردانی همچون آخوند خراسانی، سید محمد حسین شهرستانی و غیرهما از برترین شاگردان خود یاد کرده است و حدود شش خط لقب برای ایشان نوشته‌اند عین این اجازه با دست خط فاضل مذکور موجود است^{۱۷۰} و در مقام علمی آن اسوه علم و تقوی کافی است که بر رساله عملیه آن جناب علمین عاملین کاملین علامه کبیر سید محمد کاظم یزدی صاحب عروة الوثقی و علامه جامع سید اسماعیل صدر رضوان الله تعالی علیهما حاشیه زده‌اند. و یک نسخه از این رساله با حواشی آیات مذکور موجود است^{۱۷۱}.

معظم له بعد از کسب کمالات علمی و معنوی به همراه یکی از یاران خود آیت الله آقا اسد الله آل آقا معروف به امام جمعه از نوادگان وحید بهبهانی در سنه ۱۲۸۷. ق حدود ۱۲۵ سال پیش به

##PAGE=487##

کرمانشاه هجرت نمود و در آن دیار که سرزمین مهر و دوستی است رحل اقامت افکند و تا سال ۱۳۱۳ ه ق که سال وفات معظم له می‌باشد؛ حدود ۲۶ سال در کرمانشاه زیست و مشار الیه بین اقران خویش بود.

معظم له به سال ۱۳۰۰ ه ق بنابر سعایت حاسدان و دشمنان از کرمانشاه به اصفهان تبعید شد و بعد از یک اقامت دو ساله به کرمانشاه بازگشت. ایشان در خاطرات خویش می‌نویسد: در اصفهان به پیشنهاد ظل السلطان به مولانا شریعت اصفهانی قرار بر آن شد که علمای طراز اول اصفهان را جمع نموده و حقیر را امتحان کنند. آقای شریعت ریاست این مجلس را به حجة الاسلام آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی که از اعلام برجسته آن سامان بودند واگذار نموده و ایشان اقران علمای زمان خویش را در مجلسی برای مباحث علمی دعوت نمودند. خلاصه کلام آورده‌اند هرآنچه از حقیر سؤال نمودند در هر فرعی از فروع و اصول جواب‌گوی بودم بعد رخصت نموده و فرعی را خویش عنوان کردم که سکوت مجلس را فراگرفت آقای چهارسوقی اشاره نمودند که خود حل مسئله نمائید، جواب گفتم، پس ایشان قلم برداشتند و خطاب به شریعت اصفهانی نوشتند: که اینجانب مظلوم واقع شده‌ام حکم بفرمایند و بنابراین نتیجه آقای شریعت اصفهانی حکم مشهور خودشان را صادر کردند^{۱۷۲}.

^{۱۷۰} (۱-۲-۳-۴) - استاد خاندان میبیدی موجود در آرشیو شخصی حجة الاسلام آقا سید ناصر میبیدی.

^{۱۷۱} (۱-۲-۳-۴) - استاد خاندان میبیدی موجود در آرشیو شخصی حجة الاسلام آقا سید ناصر میبیدی.

^{۱۷۲} (۱) - ر ک: استاد همین بخش.

باری آن سید بزرگوار تا سال ۱۳۱۳ که سال وفات معزی الیه می‌باشد در کرمانشاه اقامت نمود و در این شهر مرجع عام و خاص بود و اقامه حدود می‌کرد.

تألیفات و آثار علمی ایشان

که بعضی از آنها در کتاب الذریعه فهرست شده عبارتند از: ۱- ارشاد المستمع ۲- وجیزه‌ای در بعض احکام ۳- رساله از آله اللّٰه ۴- کتاب الاستخارات ۵- دیوان اشعار «مجموعه شعرهای پراکنده بوده که توسط آقا سید ناصر میبیدی جمع‌آوری شده است» ۶- اصلاح البلاد ۷- منظومه الایرانیه ۸- رساله فی البدل ۹- بديع اللغة ۱۰- منظومه البطیخیه ۱۱- رساله تحصیل الولد ۱۲- وجیزه فی تذکره المتعلمین ۱۳- تفسیر بعضی آیات القرآن الکریم ۱۴- منظومه الحمامیه ۱۵- رساله حکم الخلوة بالاجنبیه ۱۶- رساله در احکام خمس ۱۷- رساله در مسئله ذؤابه ۱۸- شرح حدیث رأس مأته ۱۹- رساله عملیه ۲۰- رساله در احکام زکوة ۲۱- رساله فی الزواید ۲۲- سؤال و جواب ۲۳- وجیزه‌ای در سجده شکر ۲۴- منظومه السفر جلیه ۲۵- شرح قصیده لامیه (این قصیده از اشعار نغز شارح است) ۲۶- شرح منظومه البطیخیه ۲۷- رساله صحة الحیل فی دفع الرباء ۲۸- رساله فی صلوة المعادة ۲۹- کتاب الصلح ۳۰- وجیزه فی تحقیق ضمیر ۳۱- رساله در عبادات مخالفین ۳۲- عصمة الحجج ۳۳- رساله فی عقائد الشیخیه ۳۴- کشکول میبیدی ۳۵- وجیزه فی التحقيق ماء البئر ۳۶- کتاب المجلسیه ۳۷- وجیزه فی تحقیق محل الاقامه ۳۸- مفتاح السلامة ۳۹- ملحق مفتاح فی دفع وبا ۴۰- مقتل ۴۱- منظومه فی المنطق ۴۲- المواعظ ۴۳- رساله فی احکام المیت ۴۴- رساله در نبوت عیسی ۴۵- وجیزه فی النحو ۴۶- مثنوی نقل مجلس ۴۷- منظومه

##PAGE=488##

النیروزیه ۴۸- رساله فی وطی بهیمه ۴۹- هداية النصیریه ۵۰- سفرنامه مشهد و ده‌ها تألیف و تصنیف دیگر مانند؛ رساله‌ای در حجة شهره که یک نسخه از آن در مکتبه شیخ العراقین می‌باشد یا حاشیه بر حدائق الناضره که نسخ آن در کتابخانه مرحوم فیض مهدوی بوده است.^{۱۷۳}

آن جناب در کرمانشاه دو برادر داشته است یکی مولانا حاج میرزا حسن میبیدی متوفای ۱۳۰۴ ه ق که در مقبره خانوادگی میبیدی پشت مقبره ملا عبد الاحد کزازی واقع در سر قبر آقا مدفون است و بر مزارش سنگی است به خط کوفی و از حالانش اطلاع دقیقی در دست نیست. مرحوم حاج سید علی در اصلاح البلاد می‌نویسد: و در سال یک هزار و سیصد و چهار در روز بیست و هشتم ماه که روز قتل جناب امام حسن (ع) است بنابر مشهور مرحوم اخوی آقا سید حسن طاب‌تراه از دنیا رفت و اقامه مجلس مناسبی جهت تعزیه شد، حکمران مملکت مبلغی پول فرستاد که به مصرف غلیان و قهوه برسد در جواب نوشتیم؛ که بسیار اسباب زحمت شما شده و حقیر راضی نبوده‌ام چرا که ماها به قدر توانائی خود و مناسب باقی امور در همه کار حرکت می‌کنیم که چشم به راه غیر از خدا نباشیم و از حالت اجداد طاهرین خود (ع) به قدر مقدور بیرون نرویم و مردم بی‌تقصیر گرفتار طمع و خواهش‌های بیجای ما نباشند و به رغبت از ما خواهش مراتب علمی کنند تا کلام ما در آنها اثر کند و در فردای قیامت به غیر از ادای حقوق شرعیه که تکلیف خدائی است بر ما

^{۱۷۳} (۱) - عناوین آثار جز آنچه در الذریعه ثبت شده است، مابقی از افادات آقا سید ناصر میبیدی است که در گردآوری آثار نیای خاندان جد بلیغ دارند.

و اجداد ما متنی نداشته باشند. چون کاغذ را ملاحظه کردند بسیار برایشان گران آمد و دیگر در چندین سال خیالی نکردند.

راستی چه زیبا سروده است:

که به مردی قدم سپردندی

رحم الله معشر الماضین

کاش این ناکسان بمردندی

باری آنان چو زنده می نشوند

و دیگر مولانا سید محمد رضا میبیدی متخلص به حکیم نیازی از دانشمندان گمنام عصر خویش که در حکمت، فلسفه، عرفان و شعر جامع معقول و منقول بوده است از آن بزرگ یگانه دیوانی خطی باقی مانده است. دیوان فوق الاذکر نزد استاد ادب و شاعر گرانمایه کرمانشاه جناب استاد (پرتو) کرمانشاهی بود که آن بزرگوار آنرا به حجة الاسلام آقا سید ناصر میبیدی اهداء نمودند. تاریخ آن مربوط به عصر ناصری است و شاعر در مقدمه چنین توصیف شده است: ... از آن جمله طایف حرم عرفان شامخ قله ایقان سید سند حبر معتمد دانا به احکام شریعت سالک مسالک طریقت عارف به اسرار حقیقت حکیم تحریر فیلسوف کبیر آقا سید محمد رضا الحسینی المتخلص با حکیم نیازی است که صیت شعرش در عراق و فارس به گوش عوام و خواص ناس رسیده. آن بزرگوار به فنون ادب و کمال آگاه و بهر دری از ابواب حکمت برنا لاسیما در فنون طب که افلاطون را به شاگردی خوانده طبعش خوش طریقه اش مستقیم و در مقام شاعری در تازی و پارسی پرده از روی عروس مضامین گشوده ... الخ و از مرحوم آقا سید علی میبیدی چهار فرزند باقی ماند دو ذکور و دو اناث و فرزندان ذکور عبارتند از ۱- مرحوم آیت الله حاج سید جواد میبیدی که شمه ای از حالات ایشان را

##PAGE=489##

بیان خواهد شد و ۲- حجة الاسلام و المسلمین حاج سید کاظم میبیدی که از وعاظ برجسته عصر خویش بوده و حدود سنه ۱۳۳۰ ه ق وفات نموده است؛ از ایشان اشعار زیبا و خطهای گرانقدری خصوصا در زمینه خط ناخنی به جای مانده است. و اولاد اناث آن جناب یکی متعلقه حاجی عبد الله ایمانی تنباکو فروش بوده است که یکی از صبیبه های ایشان متعلقه میرزا حسن ایوانی عموی استاد ید الله بهزاد است و دیگری متعلقه مشهدی اسد الله حصارشکن بوده است.

(تصویر شماره ۱۱۷) آیت الله حاج سید محمد میبیدی

آیت الله حاج سید محمد میبیدی کرمانشاهی

حاج سید محمد میبیدی به سال ۱۳۱۴ ه ق در کرمانشاه متولد شد. هشت سال بیشتر نداشت پدرش به رحمت ایزدی پیوست و از همان سال تحت سرپرستی آیت الله حاج آقا رضا قمی واحدی قرار گرفت. از ده سالگی تلمذ در مکتب را آغاز نموده و تا سنه ۱۳۳۳ ه ق از محضر علمای کرمانشاه کسب فیض نمود آنگاه هجرت به عتبات عالیات نموده و خوشه چین معارف حقه از محضر اعلام بنامی همچون؛ میرزا عبد الهادی مازندرانی، میرزا هادی خراسانی، شیخ محمد

تقی میرزای شیرازی ثانی، حاج شیخ محمد علی قمی، حاج سید ابو الحسن اصفهانی و میرزا محمد حسین نائینی در کربلا، نجف اشرف گردید. معزی الیه در سن ۲۳ سالگی موفق به اخذ اجازه اجتهاد مطلق گردید، مشایخی که به ایشان اجازه اجتهاد باللفظ بحرم علیه التقلید داده‌اند عبارتند از: میرزا محمد حسین نائینی، سید ابو الحسن اصفهانی، حاج شیخ عبد الکریم حائری، میرزا هادی خراسانی و میرزا عبد الهادی مازندرانی. حاج آقا محمد میبیدی با سال‌ها تدریس و تحقیق در کرمانشاه و حوزه علمیه قم طلاب معظمی را تربیت نمود که بسیاری از آنان از اعلام حوزه و دانشگاه می‌باشند. استاد دکتر سید جعفر سجّادی استاد دانشگاه تهران در خاطراتش

##PAGE=490##

می‌گوید: بر حسب توصیه مرحوم آیت الله حاج میرزا ابو الحسن اصفهانی و بنا بر درخواست علمای روحانی دایر و از طلاب اصفهان و قم بدان سامان گسیل دارند و به همین جهت این جانب را با چند تن دیگر از طلاب بر حسب معرفی مرحوم آیت الله خادمی بدان سامان اعزام داشتند که بعد از چندی چند تن از طلاب قم از جمله آقای اشرفی (چهارمین شهید محراب) را بدان سامان اعزام کردند. در شهر کرمانشاه در مدرسه حاج شهباز خان به تعلیم طلاب مبتدی پرداختیم و خود نیز ضمن تدریس از محضر چند تن از علمای آن سامان مانند: مرحوم حاج شیخ حسن علامی و حاج شیخ هادی جلیلی و آقای میبیدی که از علمای باهر آن سامان بودند بهره‌ها بردیم^{۱۷۴} ... الخ. مرحوم آیت الله میبیدی از علمایی بود که از ابتدای نهضت روحانیت با مراجع قم خصوصا رهبر معظم انقلاب امام خمینی همفکری داشت. ایشان در اولین حرکت خود ۱۳۴۱/۸/۲۲ در یک نامه اعتراض آمیز به شاه مبنی در تبدیل تحلیف به قرآن کریم به کتاب آسمانی که نقیض قوانین مشروطیت بود، همگامی خود را با مراجع قم اعلام نمود^{۱۷۵}. و در هنگامی که حضرت امام خمینی (ره) از زندان ساواک آزاد شدند در قم به ملاقات اولین شخصی که رفتند آیت الله میبیدی بود^{۱۷۶}. در آن زمان ایشان در ردیف آیات معظم قم بودند و با مراجع عظام حوزه صداقت تام و همکاری داشتند^{۱۷۷}. در مدرسه حجتیه و مسجد سلماسی و محمدیه تدریس خارج فقه و اخلاق می‌نمودند.

استاد کیوان سمیعی سال‌های متمادی خوشه‌چین محضر ایشان بودند. استاد کیوان در مورد معزی علیه آوردند: آیت الله حاج آقا محمد میبیدی ... از بزرگان علمای کرمانشاه و از مدرسین کم‌نظیر سطوح فقه و اصول به شمار می‌رفت ... این مرد از استادانی بوده که حق تعلیم بسیار بر گردن من داشته است رحمه الله علیه^{۱۷۸}. مرحوم استاد کیوان سمیعی احترام تام برای ایشان قائل بود و می‌فرمودند: درسی را که دیگران با یک ساعت اینطرف و آنطرف کردن می‌گفتند مرحوم آقای میبیدی جامع و رسا در کمتر از بیست دقیقه بیان می‌کردند. در یکی از جلسات کمپانی که پنجشنبه‌ها در منزل علمای شهر برگزار می‌شد وقتی شرکت کردم دیدم مرحوم آقای علامی و مرحوم آقای میبیدی از جمله کسانی هستند که مجلس را با بیانات علمی به خود جلب می‌کنند و اکثر آقایانی که شرکت می‌کردند، غالبا گوش هستند. به راستی در فقه خیلی‌ها ایشان را تالی حاج آقا رضا همدانی می‌دانستند ... الخ. آیت الله میبیدی در ۱۴۰۲ ه، ق برحمت ایزدی پیوست.

^{۱۷۴} (۱) - کیهان فرهنگی سال دوم، مصاحبه با دکتر سید جعفر سجّادی

^{۱۷۵} (۲) - مسوده این نامه با امضاء آیات عظام حاج سید محمد میبیدی و حاج سید محمود لاری، نزد حجة الاسلام ناصر میبیدی موجود است

^{۱۷۶} (۳) - روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۳۷۸۳ تیر ماه ۱۳۷۱ قسمت مشاهیر علم و ادب

^{۱۷۷} (۴) - گنجینه دانشمندان، ج ۲ و ۶ (علمای قم و کرمانشاه)

^{۱۷۸} (۵) - کیهان فرهنگی سال دوم، مصاحبه با استاد کیوان سمیعی

حاج سید جواد میبیدی از اعلام و فقها و دانشمندان بنام عصر خویش. معظم له به سال ۱۲۸۵ هجری قمری در کاظمین دیده به جهان گشود و در خانواده‌ای که مهد علم و تقوی بود پرورش یافت

##PAGE=491##

در سن دو سالگی به همراه پدر به کرمانشاه آمد و بعد از رشد و نمو و تلمذ در نزد اساتید آن دیار بالاخص والد معظم خود در اوان جوانی برای کسب مدارج عالیه به عتبات هجرت نمود و سالیانی چند در کربلای معلی از محضر اساتید برجسته آن دیار خصوصاً مرحوم آیت الله العظمی حاج علی یزدی صاحب کتاب نفیس الزام الناصب کسب فیض نمود و از معظم له و دیگر اعلام موفق به اخذ اجازه گردید. معظم له بعد از رسیدن به مدارج عالیه فقاقت برای ترویج شریعت به سیره نیاکان خویش راهی ایران شده و در شیراز رحل اقامت افکند و تا سال ۱۳۱۳ ه ق یک سال قبل از وفات والد معظم خود علامه حاج سید علی میبیدی در شهرستان شیراز اقامه جماعت و حدود الهی می نمود، در سال فوق بنابر درخواست والد به کرمانشاه آمد و بعد از وفات پدر در مسجد معظم له اقامه جماعت نمود و مرجع عام و خاص بود؛ تألیفات و اشعاری دارند که در مکتبه فرزندش حاج آقا محمد میبیدی موجود است و نیز در انواع خط خصوصاً شکسته و ثلث ید طولائی داشته است از ایشان چهار فرزند به جای ماند، سه فرزند ذکور و یک اناث؛ فرزندان ذکور معظم له عبارتند از: ۱- مرحوم عالم عامل حضرت آیت الله العظمی حاج سید محمد میبیدی ۲- سید متقی و گرانقدر مرحوم (تصویر شماره ۱۱۸) حجة الاسلام و المسلمین حاج سید باقر میبیدی

حاج سید محسن میبیدی ۳- حضرت حجة الاسلام و المسلمین حاج سید باقر میبیدی متخلص به «کوثر کرمانشاهی» از ائمه جماعت و وعاظ محترم کرمانشاه معزی الیه اشعار نغز و زیبایی دارند که توسط حجة الاسلام آقا سید ناصر میبیدی جمع آوری شده است. صبیبه فاضله ایشان متعلقه مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد تقی مازندرانی بن مرحوم آیت الله العظمی حاج شیخ محمد حسن مازندرانی از شاگردان شیخ انصاری قدس سره می باشد.

سال وفات مرحوم آیت الله حاج سید جواد میبیدی سنه ۱۳۲۲ ه ق بوده و ایشان در نجف اشرف در وادی السلام مدفون می باشد.

##PAGE=492##

(تصویر شماره ۱۱۹) آیت الله حاج سید مجتبی میبیدی

آیت الله حاج سید مجتبی میبیدی

این بزرگوار فرزند مرحوم آیت الله حاج آقا محمد میبیدی از روحانیون برجسته و اهل تقوی و وثوق کرمانشاه. معظم له بعد از اتمام دروس مقدماتی در نزد علمای برجسته کرمانشاه به عتبات عالیات مهاجرت و از محضر اساتید برجسته آن سامان کسب فیض نموده است و در حوزه علمیه قم نیز از محضر آیات بزرگی همچون؛ حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی و غیره مستفید شدند معزی الیه اکنون از اعلام علمای کرمانشاه می باشند و با تدریس سطوح فقه و اصول زینت بخش حوزه علمیه کرمانشاه هستند و در مسجد مرحوم والد معظمشان اقامه جماعت می نمایند؛ مشایخ اجازه ایشان عبارتند از: آیات عظام امام خمینی، خوئی، گلپایگانی، میرزا عبد الهادی شیرازی، مرعشی نجفی و غیرهم، از آثار علمی

و اجتهادی ایشان است ۱- تقریرات درس بعضی از اساتیدشان ۲- حاشیه بر کل ابواب فقهی عروة الوثقی از تألیفات برجسته علامه حاج سید محمد کاظم یزدی.

حجة الاسلام سید ناصر میبدی

در سال ۱۳۳۸ در شهر کرمانشاه متولد شد و پس از طی دروس جدید به سال ۱۳۵۸ وارد حوزه علمیه گردید. ابتدا مدتی در شهر مقدس قم به تحصیل اشتغال ورزید و سپس در کرمانشاه در محضر سید استاد حضرت آیت الله حاج آقا مجتبی میبدی به کسب علوم و فضایل پرداخت و سپس در تهران از محضر حضرت آیت الله حاج شیخ مرتضی اردکانی تلمذ نمود و هم‌اکنون در شهر مقدس مشهد در حال دانش‌اندوزی از محضر آیات عظام حاج شیخ علی فلسفی، حاج سید کاظم مرعشی و علامه حاج شیخ محمد باقر ساعدی است.

آقا سید ناصر میبدی، سیادت و تقوی و عرفان و علم و هنر را بهم درآمیخته و با اندیشه‌ای احسن آینده‌ای روشن را در اعتلاء و آمال پیشینیان خاندان نوید می‌دهد و زینت محراب و منبرند.

##PAGE=493##

(تصویر شماره ۱۲۰) حجة الاسلام آقا سید ناصر میبدی

ایشان علاوه بر تحصیل علوم دینی در زمینه علوم ادبی و پارسی نیز تلاش و پیشرفت چشمگیری داشته و در قالب‌های کهن، کلاسیک و نیمایی و سپید شعر می‌سرایند.

آثارشان: فصل یغما، و مقالات؛ گذری بر دیار خاموشی، اوراق پراکنده و نیز مقدمات متعدد بر آثار دانشمندان می‌باشد.^{۱۷۹}

##PAGE=495##

اسناد

##PAGE=497##

سند شماره: دویست و چهار- ۲۰۴

موضوع: اجازه اجتهاد و روایت از آیت الله العظمی مولی محمد حسین اردکانی مشهور به فاضل اردکانی برای علامه آقا سید علی میبدی

تاریخ: ۱۲۹۴ قمری

^{۱۷۹} (۱) - در ارائه آثار و احوال و اسناد مربوط به خاندان میبدی جد بلیغ مینول داشتند؛ اجرشان مشکور باد انشاء الله

مهر: محمد حسین

##PAGE=501##

سند شماره: دویست و پنج - ۲۰۵

موضوع: ارجاع آقا محمد حسن بن علی هزارجریبی نوه آقا محمد باقر هزارجریبی معروف به شریعت اصفهانی به محکمه روحانیت و معرفتی از احوال علامه آقا سید علی میبدی، جوابیه حاوی نظریه آیت الله العظمی حاج میرزا هاشم چهارسوقی (برادر صاحب روضات) بخط شکسته

تاریخ: ۱۳۰۲ قمری

مهر: العبد الراجی محمد حسن بن محمد علی

##PAGE=502##

سند شماره: دویست و شش - ۲۰۶

موضوع: نامه علامه آقا سید علی میبدی به استادش آیت الله العظمی آقا عبد الحسین شیخ العراقین و جوابیه استاد مزبور در حاشیه در تحلیل و بررسی روایتی علمی و فقهی

تاریخ: ----

مهر: (امضاء) علی الحسینی

##PAGE=503##

سند شماره: دویست و هفت - ۲۰۷

موضوع: صفحه قرآن بخط کوفی اثر هنری علامه سید علی میبدی موجود در کتابخانه خاندان میبدی

تاریخ: ----

مهر: ----

##PAGE=504##

سند شماره: دویست و هشت - ۲۰۸

موضوع: تاریخ وفات علامه سید علی میبدی بخط آقا سید جواد فرزند ارشد ایشان موجود در کتابخانه خاندان میبدی

تاریخ: ۱۳۱۳ قمری

مهر: (امضاء) حرّره الاحقر ولده الاکبر

##PAGE=505##

سند شماره: دویست و نه - ۲۰۹

موضوع: اجازه اجتهاد و استنباط و روایت از کتب معتبر شیعه و تحریم تقلید غیر از آیت الله العظمی آقا عبد الهادی حائری مازندرانی با تأیید آیات عظام آقا سید ابو الحسن اصفهانی و حاج شیخ عبد الکریم حائری برای آیت الله حاج سید محمد میبدی

تاریخ: ----

مهر: عبده الراجی عبد الهادی - ابو الحسن الموسوی - عبد الکریم بن محمد جعفر

##PAGE=506##

سند شماره: دویست و ده - ۲۱۰

موضوع: نامه‌ای از آیت الله حاج سید محمد قیومی با نگرشی بر ساختار رجالی خاندان میبدی برای آیت الله حاج سید محمد میبدی

تاریخ: ----

مهر: (امضاء) الاحقر سید قیومی

##PAGE=507##

سند شماره: دویست و یازده - ۲۱۱

موضوع: گزارش تأسیس جامعه تعلیمات اسلامی کرمانشاه به تصدی آیت الله حاج سید محمد میبدی و اهتمام و نظارت علماء کرمانشاه

تاریخ: ۱۳۲۸ شمسی

مهر: (عنوان) هیئت مدیره جامعه تعلیمات اسلامی شعبه کرمانشاه

##PAGE=511##

سند شماره: دویست و دوازده - ۲۱۲

موضوع: تلگراف تقاضای انجمن نبرد با مسکرات کرمانشاه از آیت الله کاشانی ریاست مجلس شورای ملی و رونوشت به آیت الله حاج آقا محمد میبیدی (این انجمن از توجه و عنایت و استظهار آیت الله میبیدی برخوردار بود).

تاریخ: ۳۱ / ۱۱ / ۲۸

مهر: (عنوان) انجمن نبرد با مسکرات

##PAGE=512##

سند شماره: دویست و سیزده - ۲۱۳

موضوع: جوابیه آیت الله العظمی بروجردی برای آیت الله حاج آقا محمد میبیدی در مورد اهتمام و ادامه بنای مدرسه علمیه کرمانشاه

تاریخ: رجب ۱۳۷۳ قمری

مهر: حسین الطباطبایی

##PAGE=513##

سند شماره: دویست و چهارده - ۲۱۴

موضوع: جوابیه آیت الله العظمی امام خمینی به علما و بازاریان و ... کرمانشاه درباره تقاضای بازگشت آیت الله حاج آقا محمد میبیدی از قم

تاریخ: ۵ / ۷ / ۴۰ شمسی

مهر: (عنوان) خمینی

##PAGE=514##

۱۸۰

۱۸۷۷۲ تاریخ تشیع در کرمانشاه از آغاز تا امروز بانضمام پیشینه اعتقادی در غرب ایران ؛ ص ۵۱۴

سند شماره: دویست و پانزده - ۲۱۵

موضوع: استمداد حاج عبد الحسین متینی از اهالی کرمانشاه برای بازگشت آیت الله حاج سید محمد میبدی به کرمانشاه
ضمیمه روزنامه شاهد غرب

تاریخ: ۱۳۴۰ شمسی

مهر: (عنوان) عبد الحسین متینی

##PAGE=515##

سند شماره: دویست و شانزده - ۲۱۶

موضوع: اطلاعیه بشارت بازگشت آیت الله حاج آقا محمد میبدی به کرمانشاه (ضمیمه روزنامه خاک خسرو)

تاریخ: ----

مهر: ----

##PAGE=516##

سند شماره: دویست و هفده - ۲۱۷

موضوع: تلگراف آیت الله حاج آقا محمد میبدی برای آقای حاج آقا علی سامنی خطاب به اهالی کرمانشاه

تاریخ: ۲۱ / ۹ / ۴۰ شمسی

مهر: (عنوان) الاحقر سید محمد الحسینی المیبدی

##PAGE=517##

سند شماره: دویست و هجده - ۲۱۸

موضوع: اعلامیه پشتیبانی علمای کرمانشاه از مراجع قم و اظهار تأثر از اسائه به ساحت حوزه و روحانیت

تاریخ: ۱۳۴۲ شمسی

مهر: (عنوان) امضاءهای ذیل اعلامیه

##PAGE=518##

سند شماره: دویست و نوزده - ۲۱۹

موضوع: متن تلگراف آیت الله حاج آقا محمد میبیدی به آیت الله حاج سید عبد الله شیرازی در اظهار همدردی با زلزله‌زدگان طبس و قبول کودکان بی‌سرپرست این واقعه از سوی اهالی کرمانشاهان

تاریخ: شوال ۱۳۹۸ قمری

مهر: (امضاء) الاحقر السید محمد الحسینی المیبیدی

##PAGE=519##

سند شماره: دویست و بیست - ۲۲۰

موضوع: اعلامیه همدردی و تأسف آیت الله حاج آقا محمد میبیدی به آیات عظام قم در واقعه هجوم گارد به حوزه علمیه و صحن مقدس (ایام انقلاب اسلامی)

تاریخ: جمادی الثانی ۱۳۹۸ قمری

مهر: (امضاء) الاحقر السید محمد الحسینی المیبیدی

##PAGE=520##

سند شماره: دویست و بیست و یک - ۲۲۱

موضوع: اعلامیه آیت الله حاج آقا محمد میبیدی خطاب به علماء و اهالی کرمانشاه در جریان انقلاب اسلامی

تاریخ: صفر ۱۳۹۹ قمری

مهر: (امضاء) الاحقر السید محمد الحسینی المیبیدی

##PAGE=521##

خاندان نجومی

خاندان مذهبی، علمی، فرهنگی، هنری نجومی از جمله خاندان‌های برجسته در غرب کشور بشمارند که پس از ورود به این خطه؛ دیار کرمانشاهان را در عهد حکمرانی محمد علی میرزای دولتشاه (متوفی ۱۲۳۷ قمری) به عنوان مکان استقرار و تبلیغ و تدریس و تحصیل برگزیدند، و در تمام ابعاد مختلف اجتماعی و اعتقادی و فرهنگی درخشش و تلاش و تأثیر آشکار داشتند.

نیای اعلاء این خاندان در ورود به کرمانشاه؛ آقا میرزا اسمعیل سمنانی خراسانی از اجله سادات عالی درجات که با وجود حضور اعلام علمای عصر همچون؛ آقا محمد علی، شیخ عبد الجلیل زنگنه و شیخ احمد احسائی و ... نظر به تقوی و سیادت و زهد و علم و هنر در دار الدولة کرمانشاهان مورد اعتقاد و اعتناء اهالی و حکمرانان بوده است، بنابر آنچه در کتب تواریخ مسطور و در شجره طیبه سیادت این سلسله آمده است؛ از زمان ظهور حکومت‌های شیعی در گیلان و آذربایجان و رسمیت مذهب اثنی عشری در عهد دولت صفویه برجستگان این خاندان خاصه در دستگاه شاه اسماعیل صفوی مرتبه نقابت سادات و قاضی القضاة داشته و از افاضل عصر و از اجله دهر بوده‌اند، میر محمد تقی رضوی مشهور به خدایی مدفون در قبرستان قتلگاه (باغ رضوان) مشهد از آن جمله است. نگاهی مختصر به پیشینه علمی و مذهبی این خاندان می‌نمایاند که هرچند در طی اعصار شرایط برتری در مسیر افاده علم و هنر و مراعات زهد و تقوی میسر اعلام آنان بوده است، اما نظر به اوضاع مشؤم دوران قاجاریه روزگار به تبلیغ و تدریس بی‌تظاهر گذرانیدند، پدر آقا میرزا اسمعیل اوّل مرحوم آقا سید میرزا محمد رضا، از علمای بزرگ و ساکن کربلای معلی بوده است و ترجمه حال ایشان و شجره‌نامه مذکور با اجازه آیه الله العظمی شیخ محمد هادی بن بهاء الدین عاملی فتونی برای ایشان به تاریخ ۱۱۵۲ هجری قمری در جلد ۴۵ (چهل و پنجم) اعیان الشیعه به شماره ۲۱۵۲ آمده است و اجازه مذکور در پشت کتاب شرح لمعه‌ای نوشته شده که مرحوم آقا سید میرزا

##PAGE=522##

محمد رضا بر آن حواشی فاضلانه و محققانه نوشته است.

دیگر مرحوم میرزا عبد الرزاق پدر مرحوم آقا سید میرزا محمد رضا بوده که کتابی در عرفان داشته است و در الذریعه^{۱۸۱} ذکر شده و ترجمه حالش در طبقات الشیعه علامه تهرانی مسطور است.^{۱۸۲}

مرحوم آقا میرزا اسمعیل معروف به آقای بزرگ که عالمی راسخ و سیدی زاهد و متقی و در جمع خاندان‌های روحانی کرمانشاه که اکثریت از سلسله سیادت و شجره طیبه علوی و فاطمی نبودند، در سلک سادات عالی درجات در کمال سلوک عملی و اخلاقی و علمی جایگاهی خاص داشته و مورد توجه اهالی بوده است.

آقا میرزا اسماعیل

در شب چهارم محرم الحرام سنه ۱۲۵۶ هجری قمری هفت ساعت و اندکی از شب گذشته در کرمانشاه متولد شد. آثاری متعدد از مخطوطات این بزرگوار که اکثر تقریرات استادان ایشانست در اصول؛ از جمله تقریرات استاد عالم علام فاضل اردکانی که در کربلای معلی افاده فرموده است؛ در کتابخانه خاندان موجود می‌باشد. ذهن و ذكاء و دهای آقا میرزا اسمعیل در دوران تحصیل ایشانرا هم مباحثه بزرگانی چون؛ آیت الله العظمی حاج میرزا حسین شهرستانی قرار داد، علاوه بر مراتب اجتهاد علمی و فقهی، نمونه‌های خط نسخ، رقاع و شکسته‌ای که از آقا میرزا اسماعیل برجای مانده است شاهد واضح بر مقام استادی هنری این مرحوم می‌باشد، آقا میرزا اسمعیل در کرمانشاه پس از عمری سیادت علمی و هنری و نسبی در کمال متانت و وقار و سیادت و نجابت عمر مبارک خود را سپری نمود تا در سال ۱۳۱۸ هجری

^{۱۸۱} (۱) - الذریعه، ج ۱۷، ص ۲۷۷، شماره ۲۷۱.

^{۱۸۲} (۲) - اعلام الشیعه، قرن ۱۲، ص ۴۲۸.

قمری در سن ۶۲ سالگی به رحمت ایزدی پیوست و حسب الوصیه در مقابل مقبره آقا محمد علی بر کنار جاده زوار راه کربلای معلی مدفون می‌گردد، زیرا همیشه بدین وصیت مترنم بوده است که؛ می‌خواهم غبار زوار کربلا همیشه بر مزارم باشد، تاریخ فوت ایشان در الذریعه بعد از ۱۳۲۰ ه ق ثبت شده است که اشتباه می‌باشد.

در تأیید مقام تحقیق ایشان همین بس که بزرگمرد فقیه و اصولی شیخ الفقهاء و المجتهدین، آیت الله فی العالمین آقا شیخ حسن علامی رحمه الله علیه کرارا در شأن آن بزرگوار می‌فرمودند: ... در تاریخ کرمانشاه (با وجود علمای زیاد) چند نفر محقق عالیقدر می‌باشند که یکی از آنها مرحوم آقای بزرگ است؛ زیرا شادروان آقا شیخ حسن علامی همیشه از مرحوم آقا میرزا اسمعیل به آقای بزرگ تعبیر می‌فرموده‌اند. از مرحوم آقا میرزا اسماعیل چهار پسر و دو دختر بازماند، که همه آنها به رحمت ایزدی پیوسته‌اند.^{۱۸۳}

مرحوم آیه الله آقا سید جواد نجومی

به هنگام فوت مرحوم پدرش (آیه الله آقا میرزا اسمعیل) ۱۵ سال داشته است پس تولد ایشان در ۱۳۰۳ هجری قمری است و تاریخ ۱۳۰۵ که بر سنگ مزار ایشان نوشته شده، اشتباه است؛ شاهد واضح استدلالات مرحوم آیه الله حاج شیخ حسن علامی رحمه الله علیه که با مرحوم آیه الله آقا سید جواد نجومی همسن و سال و همراه بودند. این بزرگوار تا سن پانزده سالگی را در ظل تربیت و پرورش پدر ارجمندشان سپری کردند، که همان سال‌ها پایه‌های

##PAGE=523##

اعتقادی و علمی و هنری را برای او بنیان نهاده بود. مراحل تدریجی علوم صرف و نحو و معانی و بیان و فقه و اصول را نزد علمای محترم و محقق کرمانشاه فراگرفت و از نظر تقوا و جدّیت در تحصیل نزد اساتید و علما، محترم و بسیار مورد علاقه و محبت آنان بودند، که همگان بر فضیلت و شایستگی ایشان اعتقاد و اعتراف داشتند.

(تصویر شماره ۱۲۱) آیت الله حاج سید جواد نجومی - آقا میرزا رضا ایروانی

مدت شش ماهی هم برای استفاضه از محضر اعلام محققین عتبات عالیات در آن اماکن شریفه مشرف می‌گردد، اما رفتاری‌های گوناگون زندگی توفیق اقامت دائم را به او نمی‌دهد. لذا به زادگاه خود بازگشته و باز هم نزد علمای محقق و مجتهدین صاحب‌نظر شهر به استفاضه می‌پردازد و خود نیز علی‌الدوام به تدریس اشتغال داشته است. اواخر تحصیل آن جناب نزد آیه الله مؤسس و مجتهد و صاحب‌نظر نابغه مرحوم حاج شیخ حسن علامی بوده است. [استاد کیوان سمیعی] صاحب کتاب «زندگانی سردار کابلی» از آیه الله علامی نقل می‌کند؛ که می‌فرموده است: (اگر کسانی که من می‌شناسم مجتهدند؛ آقا سید جواد سید المجتهدین است^{۱۸۴}) و این کلام مرحوم علامی بدان جهت بوده است که او در اصول قائل به تجزّی در اجتهاد نبوده است و لذا خیلی از مجتهدین متجزّی را

##PAGE=524##

^{۱۸۳} (۳) - برای آگاهی بیشتر ر. ک: جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ج اول، صص ۵۱۰ - ۵۰۳.

^{۱۸۴} (۱) - زندگانی سردار کابلی، ص ۲۳۱.

قریب الاجتهاد می دانسته است. بین این دو بزرگوار مرحوم حاج شیخ حسن علّامی و آقا سید محمد جواد نجومی، صداقت و صفا دائمی در طول عمرشان برقرار و از کودکی تا به هنگام وفات هر دو، این مهر و محبت استوار بود^{۱۸۵}. در مجلد اول جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان به مرتبه هنری و ارائه آثاری از این بزرگوار پرداخته ایم^{۱۸۶} در اینجا به همین جمله بسنده می کنیم که خبرگان هنر خوشنویسی، آیه الله آقا سید جواد نجومی را در خط نسخ تالی وصال و نیریزی دانسته اند، آن بزرگوار در مسجد نواب کرمانشاه امامت صوری و معنوی داشت در این مساجد که بنا به اشاره فرید الملک قراقرلو^{۱۸۷}، شادروان آیه الله سلطان العلماء آل آقا امام جماعت بود و از مساجد معتبر و بلند آوازه شهر کرمانشاه بشمار می رود و از بناهای دوره حکمرانی محمد علی میرزای دولت شاه و بانی آن نواب عالییه صبییه هنرمند و مؤمنه فتحعلی شاه قاجار می باشد پس از حکایت عصر مشروطیت و پس از آن، محراب و منبر منتظر این مسجد باصفا، به اصرار اهالی و اشاره آیات عظام عصر به زیور تقوی و (تصویر شماره ۱۲۲) آیت الله حاج سید جواد نجومی در ایام کهولت

تهذیب و پرتو نور سیادت آیه الله آقا سید جواد (سید المجتهدین) آراسته گردید و در این سلسله به امر

##PAGE=525##

نقابت و سیادت و قضاوت و تدریس معقول^{۱۸۸} و منقول، و هنرورزی، امامت جماعت نیز افزوده گردید، این اقامت و امامت جماعت قریب سی و پنج سال در مسجد نواب به طول انجامید، بسیاری از معاریف و اتقیا و بزرگان پرهیزگار مهذب شهر در صورت امکان خود را به نماز جماعت مسجد مزبور به امامت آن بزرگوار می رسانیدند و به ایشان اقتداء می نمودند، آیه الله آقا سید جواد نجومی؛ در طول ایام امامت و تبلیغ و تدریس خویش هم چون نیاکانشان از پذیرش آداب مرسوم ابراز خلوص و ارادت مریدان پرهیز داشتند.

پس از عمری تقدس و تقوا و تدریس و تبلیغ در شب چهارشنبه هجدهم مرداد ماه ۱۳۴۶ شمسی دوم ماه جمادی الاولی ۱۳۸۷ قمری ساعت ده و ده (۱۰ / ۱۰) دقیقه بعد از ظهر سه شنبه هفدهم مرداد در سن ۸۳ سالگی به رحمت ایزدی پیوست و همان شب جسد مبارک آن مرحوم را غسل دادند و در مسجد مرحوم حاج محمد تقی اصفهانی تا صبح به امانت گذارده و صبح با تشییعی کم نظیر و به واقع بی نظیر نسبت به اوضاع اجتماعی و مذهبی آنروز در سطح شهر بر روی دوش (تصویر شماره ۱۲۳) تشییع آیت الله حاج سید جواد نجومی

اهالی مؤمن حمل و سپس به آرامگاه ابدی آن مرحوم (آرامگاه ابو حسین در قم مخصوص علما) انتقال یافت و با حضور اعلام علماء دفن گردید.

##PAGE=526##

^{۱۸۵} (۱) - فصلنامه چلیپا، شماره اول، تابستان ۱۳۷۰، صص ۶۳-۵۴.

^{۱۸۶} (۲) - جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ج اول، صص ۵۱۰-۵۰۳.

^{۱۸۷} (۳) - خاطرات فرید، ص ۲۲۶.

^{۱۸۸} (۱) - آقا سید اسماعیل ثانی در معقول از شاگردان شیخ شهاب کهنمویی عراقی معروف به اصفهانی، ر. ک: بخش فلاسفه و حکما این کتاب.

علاقه عجیب مردم به ایشان چه در حال حیاتشان و چه در تشییع و مجالس فاتحه و حتی بعد از سالها وفاتشان نشانه ارادت شدید آنان به آن مرحوم و دلیلی بزرگ بر تقدس و طهارت نفس و بزرگواری ایشان بود. (عاش سعیدا و مات سعیدا).

آیه الله آقا سید جواد نجومی؛ دارای کتابخانه‌ای بود که قریب هزار جلد کتاب در آن گردآورده شده بود که بیش از دویست جلد آن مخطوطات موقوفه بر خاندان و اولاد بود، آن کتابخانه به لطف الهی برجا و اکنون قریب ده هزار جلد کتاب در آن گرد آمده است.

بازماندگان آن جناب سه پسر و پنج دختر و نوادگان و نبیره‌ها هستند که جز استاد فقید سعید فرزند هنرمندشان مرحوم آقا سید ابو الحسن نجومی (متوفی آذر ۱۳۵۸ بر اثر سانحه اتومبیل)^{۱۸۹} مابقی در قید حیاتند.

در دوران مشروطیت و آمدن سالار الدوله به کرمانشاه رشته‌ای از فرزندان آقا میرزا اسماعیل اول، که از سردمداران مسائل اجتماعی و فرهنگی و هنری کرمانشاه بودند، و در واقع در امر استعداد هنری (تصویر شماره ۱۲۴) نشسته؛ آقا میرزا رضا - ایستاده؛ از راست، میرزا عبد الرزاق نجومی - آقا سید میرزا محسن نجومی - آقا محمد سیف السادات

همانند سایر اعضای خاندان ید بیضا داشتند، به اقتضای روز به سیاست متمایل شدند و سالار الدوله آنان را با خویش در زمره ملک المتکلمین و سید اکبر شاه شیرازی و ... همدستان گردانید و به (سیف السادات) ملقب ساخت که حضور آنان در کنار سران و رجال شهر چون حاج حسن خان کلانتر

##PAGE=527##

مکری و آقا قلی خان اسعد السلطنه و ... گویای این حدیث است^{۱۹۰}، هرچند این همراهی هوشیارانه ساخت سلسله کهنسال سادات نجومی را به غبار ماجراهای مزبور نیالود، اما با این همه آیه الله آقا سید جواد نجومی (رحمة الله علیه) که در آن اوان جوانی پرازنده و عالمی فاضل و سیدی مورد اعتقاد و اعتناء اهالی بود، حجره و درس بحث و فحوص را به شیوه طالبان علم و سالکان طریق زهد و پرهیز پاس داشت و بر قرابت دستگاه و کوبه رجحان داد، تا قافله سالاری خویش به سرمنزل مقصود رسانید.

پس از درگذشت این بزرگوار، خلف الصدق ایشان حضرت آیه الله حاج سید مرتضی نجومی زینت‌بخش محراب و منبر گردید، شخصیت علمی، مذهبی، هنری و اصالت ذاتی و نجابت آبایی این بزرگمرد بر کسی پوشیده نیست، عصاره آنچه حدیث آن گذشت در وجود ایشان متجلی گردیده (تصویر شماره ۱۲۵) آیت الله استاد حاج سید مرتضی نجومی در ایام تحصیل در نجف

^{۱۸۹} (۱) - جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ج اول، ص ۴۶۷.

^{۱۹۰} (۱) - ر. ک: جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ج پنجم، ص ۱۲۹۲ و ۸۷۰ و ...

است به علاوه آنکه دوران کودکی و رشد را در دامان صبیبه حضرت آیه الله علم الهدی آل آقا، مادر گرامیشان که در تقوی و پرهیز و عصمت و قداست زبانزد مؤمنات شهر بودند، گذرانیدند. شرح احوال و آثار ایشان در منابع و مآخذ متعددی آمده است^{۱۹۱} در اینجا نیز به اشاره‌ای هرچند مختصر به

##PAGE=528##

سخنی پیرامون مقام علمی و فقهی ایشان می‌پردازیم؛ حضرت العالم العلام، مصباح الظلام، زبدة الافاضل الاعلام حاج سید مرتضی بن سید جواد بن سید اسمعیل کرمانشاهی؛ از اجله علمای معاصرین و از برجستگان در علوم اسلامی، دارای آثار متعدد و متنوع در مسائل مختلف فقهی و اصولی و مقالات وزین در موضوعات تاریخی و هنری، در خوشنویسی و رنگ‌شناسی و جداول و صحافی و ابداعات مستظرفه مشهور جهان اسلام^{۱۹۲} و در صیانت و پاسداری مآخذ و منابع دینی و مذهبی از مراجع اهل قلم و پژوهشگران این عصر شمرده می‌شوند، رسالات ایشان به زبان‌های عربی و فارسی از برگزیده کنگره‌های علمی چند دهه اخیر بوده است.

این بزرگوار در بهمن ماه ۱۳۰۷ شمسی در کرمانشاه متولد و به پیروی از اسلاف بزرگوارشان در ایام شباب به تحصیل علوم دینیّه پرداخت، مقدمات را نزد مرحوم حجة الاسلام آقا سید حسین لاری و قوانین و شرح لمعه را از محضر والد ماجدشان تحصیل و چندی از سیوطی و شرایع را قبل و بعد در ظل تدریس مرحومان حجة الاسلام آقا سید محمود لاری و آقا شیخ حسن حاج آخوند تلمذ نموده‌اند، سپس جهت انجام سطوح عالیّه به نجف اشرف عازم و از حوزه درس آیات عظام؛ آقا سید احمد اشکوری رحمة الله علیه، آقای آقا سید عبد الاعلای سبزواری و آقا میرزا علی آقا فلسفی و آقا سید محمد روحانی مستفیض و خارج فقه و اصول را از حضور آیات گرامی مرحومان آقا میرزا محمد باقر زنجانی و آیت الله سید محسن حکیم و مرحوم آقا سید محمد شاهرودی و آقا سید عبد الهادی شیرازی دریافت و به أخذ اجازه اجتهاد و اجازه روایت کتبی و شفاهی از مرحوم آقا میرزا باقر زنجانی، آیت الله سید عبد الاعلای سبزواری و همچنین اجازه روایت از آیات عظام مرحوم آقا محمد صادق بحر العلوم و مرحوم حاج شیخ آقابزرگ تهرانی، حاج شیخ محمد علی اراکی و آیت الله حاج سید شهاب الدین مرعشی، شهید محراب آقا سید اسد اله مدنی و آیت الله سید محسن حکیم نائل گردید.

چنانکه گذشت زندگی هنری ایشان در مجلد اول مجموعه حاضر مسطور است - پس از رحلت مرحوم آیه الله آقا سید جواد نجومی، همانطور که استاد فقید شادروان کیوان سمیعی در زندگانی سردار کابلی مرقوم داشته‌اند، حضرت آیت الله حاج سید مرتضی نجومی زینت‌بخش محراب و منبر شدند^{۱۹۳} تشکیل حوزه درس و بحث و گسترش کتابخانه مرحوم آیت الله حاج سید جواد نجومی که امروز مهمترین کتابخانه غنی و ارزشمند استان کرمانشاهان شمرده می‌شود و فهرست مخطوطات آن نیز انتشار یافته است، و از هرسو مورد استفاده مراجعین از طلاب و استادان و دانشجویان دانشگاه‌های استان‌های غربی کشور می‌باشد، و نیز اکثری از استادان حوزه و تحصیل کردگان دانشگاهی کرمانشاه در هرفرصت با

^{۱۹۱} (۲) - کیهان فرهنگی، سال دوم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۶۴ / جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ج اول، ص ۵۰۷ / مجموعه هنری استادان خوشنویسی جهان اسلام، نشر موزه هنرهای معاصر و ...

^{۱۹۲} (۱) - برای اطلاع بیشتر ر ک؛ جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ج اول، مجموعه حاضر، ص ۵۰۷ و ... چون در اینجا بحث در مسائل علمی و فقهی است به همین اشاره بسنده می‌شود.

^{۱۹۳} (۲) - زندگانی سردار کابلی، ص ۲۳۱.

تشکیل جلسه و ترتیب برنامه به کسب فیض و حل معضلات علمی و اعتقادی از محضر ایشان می‌پردازند، ساعات روز از بام تا شام از هرقشر و صنفی، اهالی و

##PAGE=529##

(تصویر شماره ۱۲۶) آیت الله استاد حاج سید مرتضی نجومی

##PAGE=530##

ارادتمندان مراجع بیت ایشان هستند، ساعاتی به تدریس و بحث و برگزاری و اقامت جماعت و ملاقات با اهل علم و هنر و واردین از شهرهای مختلف و مجلس تفسیر و اخلاق در اغلب لیالی بعد از نماز مغرب و عشا با اصرار و استقبال مؤمنین و طلاب و ... با حضور ایشان برگزار می‌گردد و زمانی از روز درآمد و شد و تماس‌های تلفنی بازاریان و اهالی در حل و فصل امورات شرعی و طلب دعای خیر و طرح مسائل فردی و اجتماعی و شرعی می‌گذرانند و در واقع با قریب هفتاد سال سن، ادام الله بطول بقاء شمع جمع پیروان و معتقدان هستند، و علی‌وار و بی‌تظاهر و ریا چنانکه شیوه علمای اعلام علوی است در امور خیریه از هرنحو؛ احداث ابنیه؛ مساجد، تکایا، مدارس در هرنقطه استان به منظور ترویج مبانی مذهب حقه اثنی عشریه پیشگام و با دقت ویژه در امور جوانان و افراد آبرومند واجب الامداد سعی بلیغ دارند. موقعیت اجتماعی بیت این بزرگوار یادآور محضر نقباء علویان بغداد است. زیرا نظر به اوضاع اعتقادی در کرمانشاه که به هندوستان ایران اشتها دارد؛ اهالی از هرفرقه فکری و مذهبی، شیعه، سنی شافعی، اهل حق، اقلیت‌های مذهبی و ... وجود و صحبتشان را مغتنم دانسته و محضرشان را محترم و مقدس می‌شمارند.

در دوران انقلاب اسلامی؛ نظر به سوابق مبارزاتی حضرت ایشان در نجف و طرح تکثیر و ارسال نخستین کارت پستال مزین به تصویر امام^{۱۹۴} و ... بیرونی و کتابخانه بیت ایشان از پایگاه‌های اصلی دریافت پیام‌های حضرت امام از پاریس و تهران بود و نظر به اقبال قشر جوان و ارادتمندان ایشان اکثر قریب به اتفاق اعلامیه‌های صادره در کرمانشاه که به امضاء علماء اعلام می‌رسید، در مکان مزبور تحریر و تکثیر می‌شد و غالباً به خط حضرت ایشان نوشته شده است، جز پیام‌های دریافتی از پاریس که تایپ می‌گردید؛ پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز این دایره مهذب هم‌چنان از استوانه‌های فرهنگی و هنری و علمی اسلامی در منطقه بشمار است و مرجعی فروزان برای عموم علاقه‌مندان و معتقدان و شیفتگان و عاشقان فرهنگ اسلامی است، الواح متعدد تقدیر ارسالی و تقدیمی از سران برجسته نظام جمهوری اسلامی به حضرت ایشان شاهد واضح و گواه ادعاست و درخشش شخصیت علمی و فقهی این بزرگوار در کنگره‌های تخصصی حوزه‌های علمیه نشانگر مرتبه ایشان و افتخار شهر کرمانشاه است. فرزندان برومندشان از ذکور و اناث؛ بهره‌مند از استعدادهای ذاتی ذوق و هنرآبایی و به کردار و گفتار، پاسدار حریم سیادت و روحانیت خاندان نجومی و خلف الصدق والد ماجد خویش هستند^{۱۹۵}.

##PAGE=531##

^{۱۹۴} (۱) - ر. ک، کیهان فرهنگی، سال دوم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۶۴.

^{۱۹۵} (۲) - برای اطلاع بیشتر ر. ک؛ جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ج اول، مجموعه حاضر، ص ۴۶۸ - ۴۶۹.

(تصویر شماره ۱۲۷) ایستاده؛ مرحوم کنجوری - اسد الله بشیری - میرزا اسد الله حریری - نشسته؛ آقا سید هادی
نجومی -؟- آقا سید حسن علائی

##PAGE=532##

(تصویر شماره ۱۲۸) از راست آیت الله حاج سید جواد نجومی - آقا شیخ محمود کرمانشاهی - آقا سید حسن علایی -
آقا سید هادی نجومی

##PAGE=533##

اسناد

##PAGE=535##

سند شماره: دویست و بیست و دو - ۲۲۲

موضوع: زایچه ولادت مرحوم آقا میرزا اسمعیل نجومی در کرمانشاهان

تاریخ: محرم الحرام ۱۲۵۶ قمری

مهر: ----

##PAGE=536##

سند شماره: دویست و بیست و سه - ۲۲۳

موضوع: نسخه شجره مبارکه بخط آقا میرزا اسمعیل اول جد مرحوم آقا میرزا اسمعیل دوم

تاریخ: صفر ۱۱۲۳ قمری

مهر: (از واقف) محمد قلی ...

##PAGE=537##

سند شماره: دویست و بیست و چهار - ۲۲۴

موضوع: نمونه خط نسخ آقا میرزا اسمعیل نجومی

تاریخ: ----

مهر: ----

##PAGE=538##

سند شماره: دویست و بیست و پنج - ۲۲۵

موضوع: وصیتنامه آقا میرزا اسمعیل نجومی

تاریخ: جمادی الثانی ۱۳۱۱ قمری

مهر: اسمعیل حسینی

##PAGE=539##

سند شماره: دویست و بیست و شش - ۲۲۶

موضوع: اجازه اجتهاد از آیت الله العظمی آقا ضیاء الدین عراقی برای آیت الله حاج سید جواد نجومی

تاریخ: ----

مهر: الراجی ضیاء الدین

##PAGE=540##

سند شماره: دویست و بیست و هفت - ۲۲۷

موضوع: اجازه اجتهاد و روایت از آیت الله علامه حاج شیخ حسن علامی برای آیت الله حاج سید جواد نجومی با تأیید آیت الله العظمی حاج سید حسین طباطبایی

تاریخ: شوال ۱۳۴۷ قمری

مهر: حسین طباطبایی

##PAGE=541##

سند شماره: دویست و بیست و هشت - ۲۲۸

موضوع: تأیید اجازات و مراتب اجتهاد آیت الله حاج سید جواد نجومی از سوی وزارت معارف

تاریخ: ۸ / ۵ / ۱۳۱۷ شمسی

مهر: وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

##PAGE=542##

سند شماره: دویست و بیست و نه - ۲۲۹

موضوع: نمونه خط نسخ آیت الله حاج سید جواد نجومی

تاریخ:-----

مهر:-----

##PAGE=543##

سند شماره: دویست و سی - ۲۳۰

موضوع: وصیت نامه آیت الله حاج سید جواد نجومی

تاریخ: ۱۳۲۸

مهر:-----

##PAGE=544##

سند شماره: دویست و سی و یک - ۲۳۱

موضوع: عنوان پاکت آیت الله استاد حاج سید مرتضی نجومی از آیت الله العظمی آقا محمد باقر زنجانی (ایام تحصیل قریب به اجتهاد)

تاریخ: صفر المظفر ۱۳۷۸ قمری

مهر:-----

##PAGE=545##

سند شماره: دویست و سی و دو - ۲۳۲

موضوع: اجازه اجتهاد و روایت و تصدی امور شرعیه از آیت الله العظمی آقا میرزا محمد باقر زنجانی برای آیت الله استاد حاج سید مرتضی نجومی

تاریخ: ذیحجه ۱۳۸۰ قمری

مهر: محمد باقر

##PAGE=546##

سند شماره: دویست و سی و سه - ۲۳۳

موضوع: اجازه اجتهاد و روایت و تصدی امور شرعیه از آیت الله العظمی آقا سید عبد الاعلی سبزواری برای آیت الله استاد حاج سید مرتضی نجومی

تاریخ: ذیحجه ۱۳۸۰ قمری

مهر: عبد الاعلی الموسوی

##PAGE=547##

سند شماره: دویست و سی و چهار - ۲۳۴

موضوع: اجازه اجتهاد و روایت و تصدی امور شرعیه و تأیید مقامات علمیه از آیت الله علامه حاج آقابزرگ تهرانی برای آیت الله استاد حاج سید مرتضی نجومی

تاریخ: ذیحجه ۱۳۸۰ قمری

مهر: آقابزرگ

##PAGE=548##

سند شماره: دویست و سی و پنج - ۲۳۵

موضوع: یادداشت اجازه شفاهی روایت از آیت العظمی حاج شیخ محمد علی اراکی برای آیت الله استاد حاج سید مرتضی نجومی

تاریخ: جمادی الثانی ۱۳۸۷ قمری

مهر: (امضاء) مرتضی الحسینی النجومی الکرمانشاهانی

##PAGE=549##

سند شماره: دویست و سی و شش - ۲۳۶

موضوع: لوح افتخار از سوی حجة الاسلام و المسلمین دکتر سید محمد خاتمی وزیر ارشاد اسلامی بمناسبت برگزاری
نمایشگاه آثار هنری آیت الله استاد حاج سید مرتضی نجومی

تاریخ: ۱۳۶۳ شمسی

مهر: (امضاء) سید محمد خاتمی وزیر ارشاد اسلامی / حاج سید جوادی معاون امور هنری وزارت ارشاد اسلامی / ناصر
جواهرپور سرپرست موزه هنرهای معاصر

##PAGE=550##

سند شماره: دویست و سی و هفت - ۲۳۷

موضوع: صفحات آغاز و انجام از رساله اجازه اجتهاد و روایت آیت الله العظمی حاج سید محمد صادق بحر العلوم نجفی
برای آیت الله استاد حاج سید مرتضی نجومی

تاریخ: صفر ۱۳۸۸ قمری

مهر: (امضاء) محمد صادق آل بحر العلوم

##PAGE=552##

سند شماره: دویست و سی و هشت - ۲۳۸

موضوع: قطعه خط شکسته نستعلیق نقل از خط درویش عبد المجید اثر آیت الله استاد حاج سید مرتضی نجومی

تاریخ: ۱۴۰۱ قمری

مهر: ----

##PAGE=553##

سند شماره: دویست و سی و نه - ۲۳۹

موضوع: قطعه خط ثلث اثر آیت الله استاد حاج سید مرتضی نجومی

تاریخ: ۱۴۰۷ قمری

مهر: ----

##PAGE=555##

یکی از اعلام بنام و برجسته کرمانشاه عالم عامل، فقیه کامل، محدث جلیل سید ابراهیم موسوی کرمانشاهی می باشد که به حکم قضا بیستون معانی را ترک و در جوار حائر حسینی رحل اقامت افکنده معزی الیه در سلک اخباریون از اعلام بنام کربلای معلی بوده است.

اصحاب رجال و ارباب مقال ولادت آن بزرگوار را در کرمانشاه نوشته اند و از تاریخ دقیق آن اطلاع کاملی در دست نیست و اما در مورد وفات معظم له، شیخ آغا بزرگ تهرانی بنابر اینکه کتابی به خط سید ابراهیم به دست آورده و تاریخ کتابت آن سنه ۱۲۶۵ ه ق می باشد وفات آنجناب را بعد از سنه مذکور ضبط کرده است ولی علامه سید محسن امین در اعیان الشیعه می فرماید: ... توفی حدود سنه ۱۳۰۰ - الخ و در کتب دیگر همین حدود ۱۳۰۰ ه ق نوشته شده است.

اجدادش در شهرستان دزفول بوده اند و معلوم نیست که چند نسل از پدران آن بزرگوار در کرمانشاه سکونت داشته اند.

پدرش سید محمد کرمانشاهی از اهل فضل و تقوای زمان خود بوده و فرزندش سید احمد کرمانشاهی مؤلف قسطاس الاوزان، از شاگردان برجسته مولانا شیخ زین العابدین مازندرانی می باشد.

سید بعد از تکمیل بعض از علوم پایه در کرمانشاه هجرت به عتبات عالیات نموده و در جوار مرقد سید الشهداء علیه السلام رحل اقامت افکند. در آن حوزه مقدسه از محضر اعلام و اساتید برجسته وقت کسب فیض نمود. یکی از اساتید برجسته سید ابراهیم کرمانشاهی در آن حوزه مقدسه علامه نحریر شیخ حسن بن علی قراچه داغی (قراچه داغ نام معروف قره داغ است که از طرف فرهنگستان ایران چون شاخه های رود ارس از آن جاری شده و به ارس می ریزد به ارسباران مبدل گردید) معروف به «گوهر» می باشد که از تلامذه معروف شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی بوده است. اصحاب رجال امامیه اگر چه او را از تلامذه احسائی و رشتی نوشته اند اما در مورد شیخ حسن گوهر تعبیرات خوبی دارند و به خاطر تلمیذ بودن او را مورد طعن قرار نداده اند و در این باب علامه شهیر شیخ آغا بزرگ تهرانی آورده است: ... کان من تلمیذ الشیخ احمد بن زین الدین الاحسائی و تلمیذ السید کاظم الرشتی الحائری المتوفی ۱۲۵۹ و لکن لا یمكننا القول بانه من الشیخیه لمجرد تلمیذه علی المذكورین فقد کان المترجم من المتشرعه ... الخ. پس اگر چه شیخ احمد احسائی و سید کاظم رشتی پایه گذاران مکتب شیخیه دارای انحرافات در اصول و فروع تشیع می باشند؛ لیک شیخ حسن گوهر و شاگردش سید ابراهیم کرمانشاهی از آن امور مبرا بوده اند.

سید ابراهیم کرمانشاهی تألیفات برجسته ای دارد که از آن جمله می توان:

- ۱- اصول الدین ۲- حاشیه بر حدائق الناظره شیخ یوسف بحرانی ۳- رساله فی التخییر بین القرائه و التسییح فی الاخیرتین ۴- رساله فی زمان بین الطلوعین و انه من اللیل او النهار ۵- شرح و حدیث تعلموا الفرائض فانها نصف العلم را نام برد. مجموعه این رسائل در کتابخانه علامه شهیر شیخ

آغاز برگ طهرانی می‌باشد.^{۱۹۶}

ابو القاسم کرمانشاهی

عالمی فاضل بوده که سید میرزا محمد جعفر شهرستانی در رساله‌اش که در سال (۱۲۵۹ هـ ق) تألیف نموده او را داماد آقا محمد علی کرمانشاهی (آل آقا) معرفی نموده و او را به علم، فضل، ورع و کمال ستوده است.^{۱۹۷}

(تصویر شماره ۱۲۹) حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ ذکر اله احمدی

احمدی کرمانشاهی

حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ ذکر اله احمدی کرمانشاهی، از علما محقق و روحانیون اندیشمند و فاضل معاصر، به سال ۱۳۲۸ شمسی در یکی از روستاهای حوالی بیستون منطقه درو فرامان در خانواده‌ای مذهبی متولد گردید، پدرش حاج سلطانمراد از محترمین منطقه و معروف به تدین و صلاح و پرهیزند و روزگار به حاصل دسترنج خویش گذرانیده است؛ از کودکی تربیت فرزند را وجهه همت قرار داد و پس از طی مدارس متداول، در سال ۱۳۴۸ شمسی به منظور اشتغال به تحصیل علوم دینی به مدرسه آیت الله بروجردی در حوزه علمیه کرمانشاه فرستاد. سه سال برای تمهید طی مقدمات نمود و سپس جهت ادامه مراتب عالی راهی حوزه علمیه قم شد، در مدت چهار سال؛ مغنی و حاشیه ملا عبد الله یزدی را از استاد فشارکی، مختصر المعانی را از استاد امین و لمعه را از محضر آیت الله حاج سید ابو الفضل موسوی تبریزی و قوانین را از استاد دوزدوانی و رسائل را نزد استاد اعتمادی و مکاسب را قسمت‌هایی از آن نزد استاد علوی و ... دیگران تلمذ نمود و جلد اول

کفایه را از محضر آیت الله فاضل و جلد دوم کفایه را از سایر استادان آموخت و در دروس خارج فقه و اصول به مدت هفت سال شرکت جست و از محضر آیات عظام؛ آیت الله فاضل لنکرانی، آیت الله مشکینی و آیت الله حسین نوری همدانی استفاده نموده و به موازات حضور در دروس یاد شده، فلسفه را از محضر آیت الله محمدی گیلانی و آیت الله انصاری شیرازی استفاضه نمودند. ایشان از آغاز تحصیل، سلوک علمی خویش را با تحقیق و تألیف و ترجمه همراه ساخته، زندگانی برجستگان حوزه‌های علمیه را آئینه تمام‌نما و شمع راه خویش قرار داده و بدین سبب از حیات علمی پرباری برخوردار گردیدند.

در خلال تحصیل در ایام تبلیغی (محرم و ماه مبارک رمضان) در دوران خفقان همواره در افشای رژیم گذشته کوشا بود و تلاش پیگیر داشت و در منابع گیرا و پرمحتوی در اکثر شهرهای کشور به افشاگری و بیداری اقشار مردم پرداخت،

^{۱۹۶} (۱) - یادداشت‌های حجة الاسلام آقا سید ناصر میبیدی کرمانشاهی. ر. ک الذریعه

^{۱۹۷} (۲) - کرام البررة: ۴۷/۱،

پس توسط سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) شناسایی و تحت تعقیب قرار گرفت، در سال‌های ۵۵-۱۳۵۴ دو بار دستگیر و زندانی گردید.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری امام راحل (ق) به اشاره استادان حوزه علمیه قم، بر اساس ضرورت‌های انقلاب در برنامه‌های مدرسه عالی قضایی و تربیتی قم شرکت نمود و با پایان‌نامه قضایی به دریافت لیسانس در سال ۱۳۶۰ نائل گردید و سپس مقطع فوق لیسانس را در رشته حقوق با انجام پایان‌نامه ارجمندی تحت عنوان (جزا و جرم‌شناسی) از دانشگاه آزاد تهران دریافت داشت؛ بیش از دوازده سال است در اجرای اوامر مطاع امام راحل در امر خطیر قضا مشغول و در شهرهای خرم‌آباد- همدان- ملایر- بندرعباس و هم‌اکنون بیش از هشت سال است در کرمانشاه، ریاست دادگاه عمومی و اکنون (۱۳۷۷) مدیر کل دادگستری استان می‌باشد و با تمام اشتغال اجرایی از تدریس و تحقیق و مطالعه جدا نشده و در دانشگاه علوم رازی کرمانشاه و دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه؛ دروس معارف اسلامی- تاریخ- اخلاق و مبادی فقه و اصول را تدریس می‌نمایند. ایشان در سومین دوره انتخابات خبرگان با أخذ آراء مطلقه از کل ۲۷۷ / ۵۲۸ رأی ۳۸۶ / ۳۰۹ رأی را به خود اختصاص داد، که نشانگر حسن سلوک، توجه به سیر مراتب علمی و دینی و عنایت اهالی منطقه به وی می‌باشد.

آثار و تألیفات:

۱- سخن خدا، ترجمه کلمه الله مجموعه‌ای از احادیث قدسی، تألیف سید حسن شیرازی در ۴۳۰ صفحه، چاپ پنجم (ترجمه)

۲- قائم آل محمد (ص) نجاتبخش انسان‌ها، چاپ سوم (تألیف)

۳- اسلام و تعلیمات تربیتی (ترجمه)

۴- فقط زندگی در دولت مهدی (ع) (تألیف)

۵- مارکسیسم در آستانه سقوط (ترجمه)

۶- نقدی کوتاه بر نظریه مارکسیسم تألیف سید هادی مدرسی (ترجمه)

۷- رابطه همبستگی با خدا، تألیف سید صادق شیرازی (ترجمه)

##PAGE=560##

۸- آئین‌نامه جمهوری اسلامی تألیف آیه الله مجاهد سید محمد شیرازی که در بدو تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ترجمه و انتشار یافت.

۹- دورنمایی از زندگی پیامبر اسلام (ص) (ترجمه مصور)

۱۰- سیری در صحیفه سجادیه (دفتر تبلیغات اسلامی)

۱۱- علوم جدید از دیدگاه اسلام (چاپ ششم)

۱۲- گفتگویی در راه تفاهم تألیف آیت الله سید علی بطحایی (ترجمه)

۱۳- مقالات گوناگون و متعدد در مجلات و سالنامه‌ها و نشریات و تألیفات دیگر در دست که تدوین و تنظیم نهایی نشده‌اند.

##PAGE=561##

اسناد

##PAGE=563##

سند شماره: دویست و چهل - ۲۴۰

موضوع: تأییدات علمی از آیات عظام؛ نوری، فاضل لنکرانی و صانعی برای حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ ذکر الله احمدی

تاریخ: ۷۷-۱۳۶۷

مهر: حسین نوری، (امضاء) یوسف صانعی، محمد فاضل

##PAGE=564##

سند شماره: دویست و چهل و یک - ۲۴۱

موضوع: اجازه تصدی امور شرعیه و حسبیه از آیت الله آقا سید مهدی لاجوردی حسینی برای حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ ذکر الله احمدی

تاریخ: شعبان المعظم ۱۴۱۴ قمری

مهر: مهدی الحسینی لاجوردی

##PAGE=565##

سند شماره: دویست و چهل و دو - ۲۴۲

موضوع: اجازه تصدی امور شرعی و حسبی از آیت الله العظمی فاضل لنکرانی برای حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ
ذکر اله احمدی

تاریخ: ربیع الاول ۱۴۱۵ قمری

مهر: محمد الفاضل

##PAGE=566##

سند شماره: دویست و چهل و سه - ۲۴۳

موضوع: اجازه تصدی امور شرعی و حسبی از آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی برای حجة الاسلام و المسلمین
حاج شیخ ذکر اله احمدی

تاریخ: رمضان ۱۴۱۵ قمری

مهر: ناصر مکارم شیرازی

##PAGE=567##

سند شماره: دویست و چهل و چهار - ۲۴۴

موضوع: اجازه روایت از آیت الله عز الدین الحسینی الموسوی برای حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ ذکر اله احمدی

تاریخ: جمادی الثانی ۱۴۱۶ قمری

مهر: عز الدین الحسینی

##PAGE=568##

(تصویر شماره ۱۳۰) آیت الله حاج شیخ عطا الله اشرفی اصفهانی

##PAGE=569##

اشرفی

چهارمین شهید محراب آیه الله حاج شیخ عطا الله اشرفی اصفهانی در شعبان المعظم ۱۳۲۲ ه ق مطابق ۱۲۸۱ شمسی در
سده (خمینی شهر) اصفهان در خانواده ای روحانی و عالم متولد گردید.

وی یگانه فرزند ذکور مرحوم حجة الاسلام و المسلمین میرزا اسد اله نوه مرحوم حجة الاسلام میرزا محمد جعفر از علمای سده بود. جدّ اعلای ایشان از علمای جبل عامل بوده‌اند.

میرزا اسد الله؛ از ائمه جماعات و اهل منبر و دارای کمالات علمی و تقوایی بود و در سن هفتاد و پنج سالگی به رحمت ایزدی پیوست. والده ماجده آیت الله اشرفی از سادات و علویات معروف اصفهان و از سلسله سادات مؤیدی بودند که نیای این خاندان به کثرت کرامات شهرت دارد.

آیت الله اشرفی تحصیلات ابتدایی و مقدماتی را در سده (خمینی شهر) نزد مرحوم سید مصطفی تلمذ کرد، استعداد فراوان و حافظه قوی داشت - در نه سالگی نصاب الصبیان ابو نصر فراهی را از حفظ بود، در سن دوازده سالگی برای ادامه تحصیل راهی اصفهان شد و طی قریب ده سال دروس ادبیات و سطح فقه و اصول، همچنین یکدوره درس خارج اصول را در محضر استادان بنام این شهر آموخت. استادان برجسته ایشان در شهر اصفهان؛ مرحوم آیه الله سید مهدی درچه‌ای برادر مرحوم آیه الله سید محمد باقر درچه‌ای استاد بزرگ مرحوم آیه الله بروجردی، مرحوم آیه الله سید محمد نجف آبادی، مرحوم فشارکی، مرحوم مدرّس بودند.

شهید اشرفی علم را با فقر آموخت و عسرت و مشقت را چاشنی زندگانی علمی خویش ساخت، آورده‌اند که خود کرارا می‌فرمود؛ «دوشنبه خوراکم تمام می‌شد، سه‌شنبه دو ریال بولم را خرج می‌کردم چهارشنبه را که آخرین روز تحصیل بود، بدون غذا و پول می‌گذراندم» وی در هفته با دو قران گذران معاش می‌کرده و هر هفته راه میان اصفهان و زادگاهش را که دوازده کیلومتر است، پیاده می‌پیموده‌اند.

در سن بیست سالگی، برای ادامه تحصیل و نیل به مقامات عالیه علمی و درجه اجتهاد در سال ۱۳۴۳ ه ق رهسپار قم گردید، ابتدا مدت یکسال در مدرسه رضویه اقامت گزید، پس از آن در معیت آیه الله حاج شیخ عبد الجواد جبل عاملی به مدت دو سال در مدرسه فیضیه در حجره فوقانی شمالی سکونت کرد. سپس به حجره ۲۱ شمالی تحتانی فیضیه انتقال یافت. مدت بیست سال متوالی از عمر خود را به طور مجرد در همین حجره گذراند. در تمام طول مدت بیست و سه سال اقامت در قم تنها سه یا چهار ماه با خانواده همراه بود و بقیه این سنوات را تنها و مجرد بسر برد، علت تنهایی ایشان در این مدت طولانی، تنگدستی و فشار زندگی بود که حتی توانایی اجاره کردن یک اتاق را نداشت، زیرا ورود او به قم در زمان حیات مرحوم آیه الله حائری مؤسس حوزه علمیه قم بود و ایشان به طلاب جدید ورود شهریه نمی‌دادند، یعنی اوضاع طوری نبود که بتواند شهریه بپردازد.

مکرر می‌فرمود «من به نحوی درس خوانده‌ام که در این زمان احدی حاضر نیست حتی یک صدم آن را هم تحمل کند.» در این رابطه نمونه‌هایی از فشار زندگی و عدم توانایی مالی خودشان را شرح می‌دادند.

##PAGE=570##

به دو نمونه از آنها اشاره می‌کنم:

«زمانی در حجره‌ای با سه نفر دیگر در مدرسه نوریه اصفهان زندگی می‌کردیم. بسیاری از روزها نه چای داشتیم، نه نفت و قند. برای مطالعه در شب از نور چراغ نفتی توالت‌های مدرسه استفاده می‌کردم. در روزهای جمعه به یکی از مساجد

دور افتاده اصفهان می‌رفتم و از صبح تا عصر در آن مسجد درس‌های یک هفته را دوره می‌کردم. در مدت دوازده ساعتی که یکسره آن جا مطالعه می‌کردم غذای من فقط مقداری دانه ذرت برشته بود. چیز دیگری نداشتم.»

«در مدرسه رضویه قم مدتی با یک نفر طلبه هم حجره بودم و این شخص وضع مالی خوبی داشت. او همیشه از غذای طبخ شده استفاده می‌کرد ولی من قادر به تهیه آن نبودم. در این مدتی که من با این شخص در یک اتاق بودیم ادا متوجه نشد من کی شام و کی ناهار می‌خورم. من در حین مطالعه مقداری نان خالی در کنار کتاب‌ها قرار می‌دادم و یک طرف دیگر را مقداری کتاب روی هم می‌گذاردم تا او متوجه نشود و من در حالی که روی کتاب قرار گرفته بودم در حین مطالعه از آن نان خالی لقمه لقمه استفاده می‌کردم و اما وقتی او موقع غذا خوردنش می‌رسید غذای طبخ شده را حاضر می‌کرد و به بنده هم تعارف می‌کرد. من در جواب می‌گفتم غذا صرف کرده‌ام...»

«از ابتدای شروع به تحصیل تا پایان تحصیلات سطح فقه و اصول، من حتی یک کتاب ملکی از خودم نداشتم. تمام کتاب‌هایی که در اختیارم بود، وقفی بود.»

هرگاه از این گونه مطالب و شدت فشار زندگی دوران جوانی و تحصیلات خود بیان می‌فرمود ما [نزدیکان] با یک دنیا تعجب و شگفتی سخنان ایشان را باور می‌داشتند. اجمالا اگر انسان علم را با مشقت بیاموزد قدر آن را نیز می‌داند اما این گونه مشکلات اقتصادی و مالی برای تحصیل علم باور کردنی نیست و انسان شنیدن آن را هم نمی‌تواند تحمل کند چه رسد به چشیدن آن.

هجرت به حوزه علمیه قم:

شهید محراب در سن بیست سالگی برای ادامه تحصیل و نیل به مقامات عالیه علمی و درجه اجتهاد در سال ۱۳۴۳ هجری قمری رهسپار قم گردید. ابتدا مدت یک سال در مدرسه رضویه اقامت گزید. پس از آن در معیت آیه الله حاج شیخ عبد الجواد جبل عاملی به مدت دو سال در مدرسه فیضیه در حجره فوقانی شمالی سکونت کرد. سپس به حجره ۲۱ شمالی تحتانی فیضیه انتقال یافت. مدت بیست سال متوالی از عمر خود را بطور مجرد در همین حجره گذراند. در تمام طول مدت بیست و سه ساله اقامت در قم تنها سه یا چهار ماه با خانواده بود و بقیه این سنوات را تنها و مجرد به سر آورد. علت تنهایی ایشان در این مدت طولانی، تنگدستی و فشار زندگی بود که حتی توانایی اجاره کردن یک اتاق را نداشت. زیرا ورود او به قم در زمان حیات مرحوم آیه الله حائری مؤسس حوزه علمیه قم بود و ایشان به طلاب جدید الورد شهریه نمی‌دادند یعنی اوضاع طوری نبود که بتوانند بدهند. پس از فوت آیه الله حائری و ریاست مراجع و آیات ثلاث (مرحوم آیه الله خوانساری و آیه الله حجت و آیه الله صدر) هم به علت شهریه مختصری که می‌دانند ایشان نمی‌توانست خانواده خود را به قم بیاورد. در این زمان ماهانه فقط حدود هشت تومان شهریه دریافت می‌کردند. پس از ورود مرحوم آیه الله بروجردی قدس سره به قم نیز که شهریه طلاب فاضل

و متأهل به مبلغ چهل و پنج تومان رسید باز هم این مبلغ حتی زندگی پانزده روز یک خانواده را تأمین نمی‌کرد. روی این جهت آیه الله اشرفی به طور مجرد در مدرسه فیضیه قم زندگی می‌کردند و هرچند ماه چند روزی جهت دیدار فرزندان و خانواده خود به اصفهان می‌رفتند.

شهید آیه الله اشرفی تقریباً یک سال در جلسه درس مرحوم آیه الله حائری قدس سره شرکت داشته‌اند و پس از مرحوم آیه الله حائری چند سالی از محضر آیات ثلاث (مرحوم آیه الله حجت کوه کمره‌ای، مرحوم آیه الله حاج سید محمد تقی خوانساری، مرحوم آیه الله سید صدر الدین صدر) بهره‌مند شده‌اند. بیشتر مطالب درس این سه بزرگوار را نوشته‌اند که اکثر جزوات فقه و اصول درس آقایان موجود است.

شهید آیه الله اشرفی پس از ورود به حوزه علمیه قم مورد توجه خاص فضلا و علما به‌خصوص آیات و مراجع ثلاث قرار می‌گیرند و با توجه به موقعیت استثنائی آن زمان و شدت فشار روحی از طرف رژیم رضا خان پهلوی به طلاب و حوزه‌های علمیه و روحانیون، ایشان تمام این مشکلات را متحمل شده با استقامت بی‌نظیر خود به تحصیل ادامه می‌دهند و حتی در امتحانات اجباری که از سوی رژیم پهلوی تنظیم گشته بود شرکت می‌کنند و موفق می‌شوند جواز پوشیدن عمامه و لباس را دریافت دارند.

مراتب و مقام علمی شهید محراب:

شهید اشرفی با همه مشکلات و مسائل آن زمان، در تحصیل علوم اسلامی و دینی جدیت فرمود و پس از اندک زمانی از فضلا و مدرسین نامی و برجسته حوزه علمیه قم به شمار آمد و بسیار مورد توجه مراجع تقلید آن زمان قرار گرفت. او به‌خصوص بسیار مورد لطف و عنایت مرحوم آیه الله حاج سید محمد تقی خوانساری بود، طوری که آقای خوانساری اغلب بی‌آنکه قبلاً اطلاعی دهد به حجره ایشان می‌آمد و گاه علاوه بر شهریه مختصر رسمی که به همه طلاب می‌داد مبلغی به ایشان مرحمت می‌فرمود.

اولین اجازه اجتهاد صادره از سوی این عالم مجاهد و متقی به آیه الله اشرفی اصفهانی داده شد. در آن هنگام شهید اشرفی چهل ساله بود. پیش از آن نیز شهید اشرفی چندین اجازه در امور حسبیه از آقای خوانساری دریافت داشته بود. عین حکم اجتهاد همچنین اجازه‌ها و حکم امامت جمعه ایشان در پایان همین بخش آمده است.

مرحوم آیه الله خوانساری در آن زمان در مدرسه فیضیه اقامه نماز جماعت می‌کرد و در غیاب ایشان حضرت امام خمینی که در آن زمان از فضایل معروف و زهد و تقوای ایشان مورد قبول همه محصلین و طلاب حوزه بود به نیابت ایشان به امامت جماعت می‌ایستاد. در غیاب حضرت امام خمینی نیز با اصرار طلاب و فضلا آقای اشرفی اقامه جماعت می‌کرد که در یک نوبت امام خمینی نیز به ایشان اقتدا کردند. پس از رحلت مرحوم آیه الله خوانساری نماز جماعت در مدرسه فیضیه توسط آیه الله حاج شیخ محمد علی اراکی (اب الزوجه مرحوم آیه الله خوانساری) منعقد گشت و باز در غیاب ایشان، هروقت شهید محراب در قم تشریف داشتند، به نیابت از ایشان هم اقامه جماعت

می‌فرمودند. هرگاه ایشان به نماز جماعت در مدرسه فیضیه می‌ایستاد بدون استثنا همه طلاب و فضلا اقتدا می‌کردند. زهد و تقوای ایشان مورد قبول همه بود. این امر از پیام تاریخی امام نیز کاملاً مشهود است که فرمود «من قریب شصت سال بود ایشان را می‌شناختم» این جمله گویای همین مطلب است که امام در زمان مرحوم آیه الله حائری و آیات ثلاث با شهید محراب آشنا بودند و روی ایشان شناخت کامل داشتند.

در کنار استاد بزرگوارش مرحوم آیه الله العظمی بروجردی قدس سره:

مرحوم آیه الله بروجردی بنا به درخواست جمعی از فضلا و مدرسین حوزه علمیه قم از بروجرد به قم تشریف آوردند. شهرت مرحوم آیه الله بروجردی پس از مرحوم آیه الله العظمی اصفهانی (حاج سید ابو الحسن موسوی) بیش از سایر علما بود و مقام علمی ایشان بر احدی مخفی نبود. از جهت بیان نیز کم‌نظیر بود. پس از ورود ایشان به حوزه علمیه قم و شروع درس فقه و اصول پس از اندک زمانی توجه خاص فضلا و بزرگان حوزه را به خود جلب کرد، به نحوی که بزرگان علما و مراجع تقلید فعلی نیز به درس ایشان حاضر شدند و از درس ایشان کسب فیض کردند.

شهید محراب آیه الله اشرفی به نحوی شیفته درس و بیان مرحوم آیه الله بروجردی شد که می‌فرمود «من پس از اندک زمانی ناگزیر دروس دیگر مراجع تقلید را رها کردم و جدیت و کوشش نمودم که مطالب آیه الله بروجردی را جمع‌آوری کنم.» لذا طی مدت دوازده سال که آیه الله اشرفی در محضر درس ایشان حضور می‌یافت تمامی دروس آن مرحوم را می‌نوشت و این نوشته‌ها موجود است. ولی متأسفانه او نتوانست آنها را به چاپ برساند.

شهید محراب پس از اندک زمانی با مرحوم آیه الله بروجردی مناسبات نزدیک یافت، طوری که مرتب به دیدار ایشان می‌رفت. هروقت شهید اشرفی به اصفهان می‌رفت و باز می‌گشت مرحوم آیه الله بروجردی به دیدار شاگرد خود به حجره او در مدرسه فیضیه می‌آمد، همچنین سایر مراجع تقلید بخصوص مرحوم آیه الله خوانساری.

[شهید محراب که در حوزه علمیه قم به مرتبه بالایی دست یافته بودند و مورد توجه حضرت آیه الله بروجردی نیز بودند] بنابراین در سال ۱۳۳۵ شمسی، حسب الامر مرحوم آیه الله بروجردی و در معیت دو تن از علماء و مدرسین حوزه علمیه قم، برای تأسیس و تدریس در مدرسه مرحوم آیه الله بروجردی به کرمانشاه عزیمت فرمودند.

از همانزمان مرجع خاص و عام و از علمای بنام و مصدر خدمات مذهبی و علمی شدند. در جریان مبارزات روحانیون مسلمان ایران از سال‌های ۴۱- ۱۳۴۰ مخاطب حضرت امام (ره) و پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان نماینده ولی فقیه و امام جمعه کرمانشاه انتخاب تا در روز جمعه ۲۳ مهر ۱۳۶۱ شمسی محراب نماز جمعه کرمانشاه بخون نشست و امام جمعه و ولی فقیه، عالم

##PAGE=573##

عامل و فاضل کامل آیه الله حاج آقا عطا الله اشرفی به شهادت رسید.^{۱۹۸}

##PAGE=575##

^{۱۹۸} (۱) - محراب خونین باختار (کرمانشاه)، دکتر محمد اشرفی اصفهانی، صص ۵۴/۱۱۶، ۲۵-۱۹.

##PAGE=577##

(تصویر شماره ۱۳۱) دیدار آیت الله العظمی امام خمینی و آیت الله حاج شیخ عطا اله اشرفی اصفهانی (شهید محراب) در قم

##PAGE=578##

(تصویر شماره ۱۳۲) آخرین دیدار آیت الله العظمی مرعشی نجفی و آیت الله حاج شیخ عطا اله اشرفی اصفهانی (مهر ۱۳۶۱، قم)

(تصویر شماره ۱۳۳) آیت الله حاج شیخ عطا اله اشرفی اصفهانی، آیت الله صدوقی یزدی (کرمانشاهی)، حجة الاسلام دکتر محمد اشرفی اصفهانی (فرزند شهید محراب).

##PAGE=579##

(تصویر شماره ۱۳۴) از راست؛ آیت الله طاهری نماینده امام و امام جمعه اصفهان، آیت الله حاج شیخ عطا اله اشرفی نماینده امام و امام جمعه کرمانشاه، حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ عبد الخالق عبد اللهی

(تصویر شماره ۱۳۵) آیت الله اشرفی نماینده امام و امام جمعه کرمانشاه و آیت الله خادمی ریاست حوزه علمیه اصفهان

##PAGE=580##

(تصویر شماره ۱۳۶)

آیت الله اشرفی نماینده امام و امام جمعه کرمانشاه و آیت الله شیرازی امام جمعه مشهد مقدس (شهریور ماه ۱۳۶۱)

(تصویر شماره ۱۳۷) آیت الله اشرفی در امامت نماز جمعه کرمانشاه

##PAGE=581##

(تصویر شماره ۱۳۹ و ۱۴۰) دو صحنه از حضور اهالی کرمانشاه و اصفهان در تشییع آیت الله حاج شیخ عطا اله اشرفی (چهارمین شهید محراب)

##PAGE=583##

##PAGE=585##

سند شماره: دویست و چهل و پنج - ۲۴۵

موضوع: اجازه تصدی امور حسبيه از آیت الله العظمی خوانساری برای آیت الله حاج آقا عطا اله اشرفی

تاریخ: رجب ۱۳۵۳ قمری

مهر: محمد تقی الموسوی

##PAGE=586##

سند شماره: دویست و چهل و شش - ۲۴۶

موضوع: اجازه تصدی امور حسبيه از آیت الله العظمی آقا سید ابو الحسن اصفهانی برای آیت الله حاج آقا عطا اله اشرفی

تاریخ: ذیقعدة الحرام ۱۳۵۳ قمری

مهر: ابو الحسن الموسوی

##PAGE=587##

سند شماره: دویست و چهل و هفت - ۲۴۷

موضوع: اجازه مجدد تصدی امور حسبيه از آیت الله العظمی آقا سید ابو الحسن اصفهانی برای آیت الله حاج آقا عطا اله اشرفی

تاریخ: شعبان ۱۳۵۸ قمری

مهر: ابو الحسن الموسوی

##PAGE=588##

سند شماره: دویست و چهل و هشت - ۲۴۸

موضوع: اجازه اجتهاد از آیت الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری برای آیت الله حاج شیخ عطا اله اشرفی

تاریخ: ۱۳۶۲ قمری

مهر: محمد تقی الموسوی

##PAGE=589##

سند شماره: دویست و چهل و نه - ۲۴۹

موضوع: اجازه تصدی امور شرعیه و حسبیه از آیت الله العظمی بروجردی برای آیت الله حاج شیخ عطا اله اشرفی

تاریخ: ۱۳۶۸ قمری

مهر: حسین الطباطبایی

##PAGE=590##

سند شماره: دویست و پنجاه - ۲۵۰

موضوع: اجازه روایت و تأیید مراتب علمی و فقهی از آیت الله علامه حاج آقابزرگ تهرانی برای حاج شیخ عطا اله اشرفی

تاریخ: محرم ۱۳۸۰ قمری

مهر: آقابزرگ

##PAGE=591##

سند شماره: دویست و پنجاه و یک - ۲۵۱

موضوع: اجازه تصدی امور حسبیه و مطلق از آیت الله العظمی آقا سید محمد رضا موسوی گلپایگانی برای آیت الله حاج عطا اله اشرفی اصفهانی

تاریخ: صفر ۱۳۸۱ قمری

مهر: محمد رضا الموسوی

##PAGE=592##

سند شماره: دویست و پنجاه و دو - ۲۵۲

موضوع: اجازه تصدی امور حسبیه و مطلق از آیت الله العظمی حاج سید عبد الهادی شیرازی برای آیت الله حاج عطا اله اشرفی اصفهانی

تاریخ: ربیع الاول ۱۳۸۱ قمری

مهر: عبد الهادی الحسینی

##PAGE=593##

سند شماره: دویست و پنجاه و سه - ۲۵۳

موضوع: اجازه تصدی امور حسیه از آیت الله العظمی حاج سید محمود حسینی شاهرودی برای آیت اله حاج شیخ عطا
اله اشرفی اصفهانی

تاریخ: محرم الحرام ۱۳۸۴ قمری

مهر: (امضاء) محمود الحسینی الشاهرودی

##PAGE=594##

۱۹۹

۱۸۷۷۲ تاریخ تشیع در کرمانشاه از آغاز تا امروز بانضمام پیشینه اعتقادی در غرب ایران ؛ ص ۵۹۴

سند شماره: دویست و پنجاه و چهار - ۲۵۴

موضوع: اجازه تصدی امور حسیه و مطلق از آیت الله العظمی امام خمینی برای آیت الله حاج شیخ عطا اله اشرفی
اصفهانی

تاریخ: محرم الحرام ۱۳۸۴ قمری

مهر: روح اله الموسوی (امضاء)؛ روح اله الموسوی الخمینی

##PAGE=595##

سند شماره: دویست و پنجاه و پنج - ۲۵۵

موضوع: جوابیه آیت الله العظمی امام خمینی برای آیت الله حاج شیخ عطا اله اشرفی اصفهانی

تاریخ: محرم الحرام ۱۳۹۲ قمری

مهر: (امضاء) روح اله الموسوی الخمینی

سند شماره: دویست و پنجاه و شش - ۲۵۶

موضوع: جوابیه آیت الله العظمی امام خمینی برای آیت الله حاج شیخ عطا اله اشرفی اصفهانی

تاریخ: شعبان المعظم ۱۳۹۳ قمری

مهر: (امضاء) روح اله الموسوی الخمینی

سند شماره: دویست و پنجاه و هفت - ۲۵۷

موضوع: جوابیه آیت الله العظمی امام خمینی برای آیت الله حاج شیخ عطا اله اشرفی اصفهانی

تاریخ: محرم الحرام ۱۳۹۸ قمری

مهر: (امضاء) روح اله الموسوی الخمینی

سند شماره: دویست و پنجاه و هشت - ۲۵۸

موضوع: حکم امامت جمعه کرمانشاه از سوی آیت الله العظمی امام خمینی برای آیت الله حاج شیخ عطا اله اشرفی اصفهانی

تاریخ: ذیقعد ۱۳۹۹ قمری

مهر: (امضاء) روح اله الموسوی الخمینی

پیشان دینوری

ملا ابو القاسم معروف به ملا پیشان مرد دانشمندی به شمار میرفته که به زبان عربی و فارسی و ترکی جز زبان کردی آشنایی داشته و در دینور بدنیا آمده است. از سال تولد و وفات او اطلاع درستی در دست نیست فقط از مضمون یکی دو بیت از خود او معلوم است که مشارالیه در زمان شیخ رجب برسی مؤلف مشارق الانوار میزیسته و با او مدت پنجاه سال

دوستی و ارتباط نزدیک داشته و این شیخ رجب در سنه ۸۰۱ ه ق در قید حیات بوده است با این حساب ملا پریشان در نیمه اول قرن هشتم میزیسته و تا اوایل قرن نهم حیات داشته است.

از مطالعه اشعار ملا پریشان چنان استنباط می شود که دارای مذهب حروفیه بوده و این مذهب حروفیه را فضل الله نامی که افکار و اندیشه هایش متأثر بوده بر پایه اصالت حروف و تفسیر آنها و ظهور امام غایب به وجود آورده است.^{۲۰۰}

جلیل تبریزی سنقری

شیخ جلیل تبریزی الاصل و سنقری المسکن از تحصیل کردگان فرهیخته حوزه علمی نجف اشرف بوده است که در اوان اوج گیری نهضت مشروطیت از سوی علمای ثلاث مراجع؛ آیات عظام خراسانی، نائینی و تهرانی به کرمانشاه اعزام و مأمور سنقر گردید، از آنجا که در مکتوبات موجود در آرشیو اسناد مؤلف اهالی را به رجوع علمی و شرعی و مذهبی ایشان امر داده و اعلام نموده اند به نظر می رسد که در طی مراتب تحصیلی دارای مراتب عالیه بوده است.

در کندوکاو احوال علمی وی به مرجع مبسوطی دست نیافتیم؛ و در احوال سیاسی او جز آنکه احمد کسروی در تاریخ مشروطه و صاحب شهداء الفضیله اشاره دارد، مطلب جامعی بدست نیامد، گزارش گونه ای را در شهریور ماه ۱۳۷۳ بطور مسلسل در نشریه ندای خاوران درباره مرحوم شیخ جلیل منتشر می کردند که دو شماره از آن به عنایت بزرگوار ارزشمند آقای علی اشرف جلیلی؛ به دستم رسید، از آنجا که مطالب فاقد منابع و مأخذ و اعلام مخدوش بود و می بایست مورد بررسی مجدد قرار می گرفت بنابر این ما را در نیل به مقصود یاری نکرد، بهرحال در زمره علماء سلف در اینجا به این اشاره بسنده می شود، تا در ارائه احوال و آثاری هرچه کاملتر در جای خود حق مطلب اداء گردد، انشاء الله.

این بزرگوار در جریان نهضت مشروطیت به دست طرفداران حکومت استبدادی محمد علیشاه قاجار در سنقر به شهادت رسید.^{۲۰۱}

##PAGE=600##

^{۲۰۰} (۱) - جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان، صص ۷۱- ۷۲ / حدیقه سلطانی، ج ۱، صص ۱۵۶- ۱۴۶ / تذکره شعرای کرمانشاه صص ۱۲۲- ۱۲۱- تاریخ مشاهیر کرد، ج ۱، ص ۱۱۳

^{۲۰۱} (۲) - در شهرستان سنقر روحانیونی از اهل علم و تقوا که محل رجوع علمی و شرعی اهالی بوده اند، می زیسته اند که علمایی صاحب تألیف و برجسته در بین آنان یافت می شد از جمله؛ مرحوم حاج شیخ محمد غروی گلپایگانی سنقری مجتهد که از شاگردان مرحوم آیت الله حائری بود و صاحب تفسیری از سور مبارکه قرآن بودند؛ و سایر آقایان؛ حاج سید مهدی امام جمعه، حاج شیخ حبیب الله- پیشوایی، آقا سید محمد، آقا سید عباس، آقا سید اسماعیل شریف العلماء، آقا سید میر حسین حسینی، آقا سید محمد علی شرفپور، آقا سید قدرت الله اصولی، آقا شیخ عبد الله پیشوائی، مرحوم یعسوبی، حاج معین الذاکرین، شیخ محمد رضا انتظام الذاکرین، صدر الواعظین، صدر، شیخ محمد رضا نایب صدر، مرحوم مکی، ملا محمود ادیبی، میرزا ابو القاسم ادیبی، مرحوم قاضی، عماد الشریعه، شیخ محمد باقر افتخار الشریعه، شیخ محمد علی وطنی، شیخ محمد علی عرب، شیخ ابو تراب، سید آقا میر میرزاده، حشمت الذاکرین، آقا سید جواد حسینی، آقا شیخ محمد ابراهیمی، آقا شیخ علی اشرف مؤیدی، آقا شیخ حمزه حمزهای، آقا سید یحیی ناصری، حاج شیخ محمد مردانی و ... نامه های ۱۶ شهریور ۱۳۷۴ / ۳۰ شهریور ۷۴ شاعر ارجمند شیخ الشعراء جناب آقای علی اکبر اسدپور

در نامه مورخه یکم مهر ۱۳۷۴ مرقوم داشته اند نام یک نفر از آقایان روحانیون [سنقر] مرحوم مغفور که از مقام فرهنگی والای برخوردار بوده از قلم افتاده، آن بزرگوار مرحوم میرزا حاجی آقا مقلب به رئیس العلماء برادر مرحوم امام جمعه و در فعالیت های فرهنگی بسیار پرتلاش بوده و زمانی که مکتب خانه ها طبق دستور وزارت معارف برچیده شد. در آزمون گویا عده ای با تأسیس مدرسه به سبک جدید موافق نبوده اند که با ایستادگی آن مرحوم تدریس در مدارس جدید تبلیغ و افراد را ترغیب به تحصیل فرزندان شان در مدارس جدید نمودند و از این راه در اعتلاء و پیشرفت امور فرهنگی آن سامان خدمات بزرگ و شایسته ای انجام داده و نام نامی او در تاریخ فرهنگ سنقر ثبت است، با عذر از روح مقدس آن بزرگوار و ... ۴۰۰ / ۷ / ۷۴؛ تشکر از ایشان و آقای سعید اعتمادی را که در تهیه فهرست اسامی یاریگرشان بودند، بر خود واجب می دانم.

حائری طباطبایی

کرمانشاه در طی حیات اجتماعی و مذهبی خود میزبان بزرگان برجسته‌ای در حوزه علم و دین

##PAGE=601##

بوده است که در حوزه فکری و اوضاع فرهنگی و اعتقادی تأثیرات بارز داشته‌اند، از جمله این بزرگان یکی آیت الله حائری طباطبایی است که شادروان استاد کیوان سمیعی درباره او می‌نویسد: حاج سید حسین حائری طباطبایی، خانواده او روحانی و ساکن بین النهرین بوده‌اند، وی در کربلاء به دنیا آمده و همانجا به تحصیل پرداخته بود، دروس اجتهادی را خدمت فاضل اردکانی خوانده و از خواص شاگردان او محسوب می‌شده است، پس از رسیدن به مرتبه اجتهاد در دوره جوانی همراه برادر خود میر سید علی حائری معروف به (حائری شاه باغ) و خانواده‌های خود به ایران می‌آیند، حاج سید حسین در کرمانشاه اقامت می‌گزیند و میر سید علی به طهران می‌آید.

حاج سید حسین در کرمانشاه به تدریج نفوذ و اقتداری به هم می‌رساند و یکی از علماء متنفذ می‌گردد و برادرش در طهران وارد دستگاه قضایی کشور می‌شود و در وزارت دادگستری عالیت‌ترین مقام را پیدا می‌کند.

با اینکه مرحوم حائری طباطبایی؛ کرمانشاهی نبود و در آن شهر علماء با نفوذی از خاندان‌های آل آقا، جلیلی و فیض مهدوی وجود داشتند که سالیان دراز پدر در پدر پیشوایی مذهبی مردم کرمانشاه به آنان اختصاص داشت، معذالک نفوذ و اقتدار حاج سید حسین، به هیچ وجه کمتر از آنان نبود.

... [زمانی که] تازه مرحوم سید حسین کزازی رئیس معارف و فوائد عامه را کشته بودند چون قاتل خدمتگزار حاج سید بود [در مجامع] او عمل قتل کزازی را که می‌گفتند؛ علتش باز کردن مدارس دخترانه بوده، اول تقبیح می‌کرد، ولی بعد که آنها از آسیاب‌ها افتاد و موضوع اینکه او محرک قاتل بوده یا نبوده مسکوت گذارده شد، اظهار می‌داشت که قتل کزازی به علت انکار ضروریات شرع انور به دستور او انجام گرفته است.

... از بعضی علماء در قم شنیدم [استاد کیوان سمیعی (ر)] هنگامی که حاج سید حسین حائری به قم آمد و مرحوم آیه الله حاج شیخ عبد‌الکریم به مراتب علمی او آگاه شد از او خواست در قم بماند و به تدریس پردازد ولی او پس از چند ماه اظهار علاقه کرد؛ به مشهد برود و آنجا اقامت گزیند.

در مشهد مرحوم حاج شیخ مرتضی آشتیانی؛ از او پذیرایی شایان کرد و حتی خانه‌ای را به جهت او اجاره و دو خدمتکار مرد و زن برای خدمتش معین کرد و تا مدتی کرایه خانه و حقوق ماهانه خدمتکاران را پرداخت می‌نمود. او در مشهد امام جماعت مسجدی در انتهای بازار سرشور بود و در دانشگاه استاد فقه و اصول شد، ضمناً در خانه خود نیز به تدریس علوم مشغول گردید و جماعتی از طلاب همه روزه در حوزه درسش حضور می‌یافتند ... [در تدریس] بسیار بافراست و باهوش، سریع الانتقال و ماهر در فقه و اصول بود، خود گاه می‌گفت؛ من خلاق اصولم، در درس مسلط و خوش تقریر بود و چون فارسی را با لهجه عربی تکلم می‌کرد، سخن گفتن شیرینی داشت.

او یک پسر به نام علم الهدی و یک دختر به نام فخر الحاجیه داشت که پس از مهاجرتش به

##PAGE=602##

مشهد در کرمانشاه ماندند، پسرش لیسانسیه حقوق و از قضات عالیرتبه وزارت دادگستری بود.^{۲۰۲}

وی در همان شهر مشهد به رحمت ایزدی پیوست و همانجا در جوار امام هشتم به خاک سپرده شد، رحمه الله علیه.

(تصویر شماره ۱۴۲) آیت الله حاج شیخ محمد حسین زرنندی

زرنندی (معصومی راد)

امام جمعه و نماینده ولی فقیه در کرمانشاه، به سال ۱۳۱۱ هـ ش در روستای امیرآباد زرنند ساوه در خانواده‌ای مذهبی دیده به جهان گشود، پدرش حاج علی اکبر از محترمین محل که به پرهیزگاری و زهد زبانزد عموم و به (حاج مقدس) مشهور و روزگار به کشاورزی می‌گذرانده است، مادرش رقیه خانم از مؤمنات پارسا که از کودکی فرزند را با نظارت پدر در ظل تربیت و مراقبت داشتند و در پرورش شایسته وی جد بلیغ نمودند. آثار هوش و ذکاوت و استعداد در طی مراحل تحصیل متداول در وجود فرزندشان آشکار بود، گواهی‌نامه ششم نظام قدیم را با نمرات عالی دریافت داشت، اصرار دوستان و نزدیکان پدر بر این بود که راهی دانشگاه شود و به تحصیلات عالیه علوم پایه؛ پزشکی و ... مشغول گردد، اما توجه پدر و خانواده و علاقه شخصی به علوم اسلامی موجب عزیمت ایشان به حوزه علمیه قم گردید.

قریب سال ۱۳۳۰ شمسی وارد حوزه علمیه قم شدند و پس از طی مراحل مقدماتی، به محضر استادان؛ آیت الله فکور و آیت الله سلطانی (قدس سرهما) راه یافتند، دروس لازمه را با موفقیت

##PAGE=603##

تحصیل نموده به درک درس خارج اصول و فقه و فلسفه و اخلاق آیات عظام بروجردی و علامه طباطبایی و حضرت امام رحمه الله علیهم اجمعین نائل گردیدند و پس از اقامت ده ساله در ۱۳۴۱ شمسی همزمان با آغاز نهضت نوین روحانیت در ایران به رهبری حضرت امام (ره) به منظور تبلیغ عازم کرمانشاه شدند، همراه با روحانی مبارز آیت الله حاج شیخ مجتبی حاج آخوند، مدرسه علمیه حاج شهباز خان را دایر، فعالیت دوباره آن مرکز آغاز گردید و طلاب و خواستاران علوم دینی به محل مزبور روی آوردند، همزمان در مسجد هاشمی به اقامه نماز جماعت و تبلیغ و وعظ مشغول گردیدند. در سال ۱۳۴۵ هـ ش با سرکار حاجیه خانم حجازی از خانواده‌های محترم کرمانشاهی منسوب به یکی از طوایف کلهر وصلت کردند که تأثیری بسزا در موفقیت فعالیت‌های آموزشی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی ایشان داشت، حاصل این پیوند، هفت فرزند؛ سه دختر و چهار پسر است که همگی متولد کرمانشاه هستند، در حالی که هنوز چند سالی از ازدواج ایشان نگذشته و دختر و پسر خردسال داشتند، مدرسه علمیه حاج شهباز خان به جهت ارتباط با بیت حضرت امام (ره) و تبلیغ پیام ایشان و توزیع رساله و ... در سال ۲- ۱۳۵۱ مورد تهاجم مأموران سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) قرار گرفت و با مراقبت‌های شدید امنیتی مدیر و مدرسین و طلاب و حتی افراد مربوط

^{۲۰۲} (۱) - زندگانی سردار کابلی، صص ۲۲۳-۲۲۴-۲۲۷-۲۲۸.

دستگیر و تحت بازجویی قرار گرفتند، مؤلف که در همسایگی مسجد حاج شهباز خان و در جوار منزل حضرت آیت الله زرنندی میزیستم و ایام تحصیل در دبیرستان را می‌گذراندم، از نزدیک شاهد فداکاری این بانوی محترمه در شدائد و مضایق فراهم آمده آن روزگار بودم، که با وجود کودکان خردسال، مراقبت و رسیدگی و سرکشی به زندان را با حفظ تمامی شئون اهل بیت روحانیت چگونه اداره می‌نمودند، اجرشان مشکور باد.

به هرحال آیت الله زرنندی در طی مبارزات، دو نوبت به مدت یک سال ایام محکومیت خود را سپری کردند، با پیروزی انقلاب اسلامی؛ عضو هیئت امنای کمیته انقلاب اسلامی بودند و سپس سرپرستی کمیته امداد امام خمینی (ره) در استان کرمانشاه، سرپرستی کمیته توزیع ارزاق عمومی، مسئولیت سازمان تبلیغات اسلامی در استان را عهده‌دار شدند، در سال ۱۳۶۱ به عنوان نماینده مردم استان کرمانشاه، با کسب آراء مطلق به مجلس خبرگان رهبری راه یافتند، در ایام تصدی امامت جمعه شهید محراب آیت الله اشرفی اصفهانی، که انیس و همراه و همفکر یکدیگر بودند، آیت الله زرنندی به عنوان امام جمعه موقت نماز را در کرمانشاه برگزار می‌کردند، پس از شهادت آیت الله اشرفی، مدتی کوتاه آیت الله جنتی و آیت الله موحدی کرمانی تصدی برگزاری نماز جمعه را داشتند و سپس آیت الله زرنندی در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۶۳ ه. ش، از سوی حضرت امام خمینی (ره) به عنوان نماینده معظم له و امام جمعه کرمانشاه منصوب شدند.

در دوران دفاع مقدس حضوری مؤثر و همیشگی در جبهه‌ها داشتند و در طی دوران جنگ شهرها، شهر و مردم کرمانشاه که مورد حملات موشکی متوالی و بمباران دشمن قرار داشتند، در حین تخلیه شهر و متفرق شدن اهالی در حوالی و حومه با برنامه‌ریزی و هماهنگی و تماس با مسئولین و استان‌ها با جذب صدها تن مواد غذایی و پوشاک و کمک‌های ضروری برای آوارگان

##PAGE=604##

تلاش وصف‌ناپذیر داشتند، در خطرناک‌ترین روزها لحظه‌ای وقفه در برگزاری نماز جمعه پیش نیامد و اکنون نیز خدمات و مسئولیت‌های ایشان در جبهه فرهنگی تدریس و تربیت طلاب و اداره مدارس علمیه استان، احیاء زکاة در میان روستاییان، تبلیغ و تأکید به انجام تکالیف دینی اهالی، ریاست ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان، ریاست ستاد اقامه نماز استان، ریاست شورای فرهنگ عمومی استان، ریاست هیئت امنای کتابخانه‌های استان، نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه رازی، عضو هیئت امناء دانشکده علوم قرآنی و ... را به عهده دارند و به موازات اشتغال به امور اجرایی برگزاری منظم کلاس‌های تفسیر و اخلاق و اقامه نماز جماعت در مدارس و ادارات و شرکت‌ها و نظارت بر امور موقوفات استان که شخصا امین و ناظر موقوفات حاج محمد تقی اصفهانی هستند و در احیاء موقوفات مزبور موجبات برآوردن نیات خیریه واقف را فراهم فرموده و در امور خیریه از قبیل؛ خرید همه ساله لباس و کفش برای مساکین و فقرا و اطعام ایتم و خرید منزل برای طلاب در حال تحصیل و بنا و مرمت مساجد و حسینیه و درمانگاه‌ها و کمک در سایر امور خیریه اقدام، و آرامگاهی شایسته در محل دفن آیت الله العظمی فاضل تونی بشروی (ره) که به دستور ایشان بررسی و کشف و مشخص گردیده، بنا شده است که مورد توجه اهالی و معتقدان می‌باشد.

بیت ایشان از بام تا شام پذیرای مراجعین از هرحرف و طبقه‌ای می‌باشد و در حل مشکل افراد سعی بلیغ می‌فرمایند، و در برخورد با واردین نهایت تواضع را دارند، در تقریر متین و به آهنگی آرام قرین به سکوت لب به سخن می‌گشایند و

در چهره نشان از دها و دقتی خاص دارند، در سومین دوره انتخابات خبرگان با قریب یکصد و نود هزار رأی برای بار سوم به نمایندگی از سوی اهالی انتخاب شدند.

حجة الاسلام و المسلمین حاج احمد آقا خمینی در دیدار با طلاب حوزه‌های علمیه کرمانشاه در تاریخ ۶۹ / ۷ / ۲۴ درباره آیت اله زرنندی می‌گوید: (شما برای دفاع از آقای زرنندی امام جمعه محترم آمدید، من در جریان مسائل آنجا و جاهای دیگر بودم، شما با اوضاع و احوالی که بوجود آوردند، متأثر هستید.

آقای زرنندی از دوستان خوب امام هستند از جوانی با امام بودند، همه مسئولین کشور ایشان را به صلاح و سداد می‌شناسند، حالا مسائلی اتفاق افتاده اما از آنجا که مردان حق بدنبال این هستند که آنچه امام گفته عمل کنند؛ لذا ناراحت نیستند.

ایشان انشاء ا... در مسند امامت جمعه به وظیفه خود عمل می‌کنند و امام جمعه عزیز همه ما هستند و ما از ایشان در آن منطقه استفاده می‌کنیم. سلام مرا به حضرت آقای زرنندی برسانید و بگوئید همانطور که شما توانستید خدمات خوبی به جمهوری اسلامی بکنید، همین حالا هم ادامه بدهید.^{۲۰۳}

##PAGE=605##

از لب لباب خاطره ایشان در ملاقات با امام راحل (ره) این که می‌فرمودند: در سال ۱۳۶۱ خدمت حضرت امام (ره) شرفیاب شدم، در آن شرفیابی به جز حضرت امام و بنده [آیت الله زرنندی] کس دیگری نبود، عرض کردم؛ اگر من [آیت الله زرنندی] برای انقلاب مفید نبوده‌ام، ولی این ادعا را دارم که مضر هم نبوده‌ام - زیرا آن موقع در کرمانشاه به علت جوسازی عوامل؛ تهمت‌ها و شایعاتی بر علیه ایشان وجود داشت - حضرت امام (ره) فرمودند؛ خیر اینطور نیست، ذکر خیر شما اینجا زیاد است و بعد فرمودند: به احمد در رابطه با شخصی که موجب این قضایا شده است، بگو که در دستگاه قضایی با وی برخورد کنند و سپس حقیر از حضرتش اجازه مصرف وجوهات جهت ساخت مدارس علمیه در استان خواستم، فرمودند: مطلقا مجازید، بهر نحو که صلاح می‌دانید دخل و تصرف کنید.^{۲۰۴}

##PAGE=607##

اسناد

##PAGE=609##

سند شماره: دویست و پنجاه و نه - ۲۵۹

موضوع: حکم تصدی حوزه علمیه کرمانشاه از سوی آیت الله العظمی امام خمینی برای آیت الله حاج آقا مجتبی حاج آخوند و آیت الله حاج شیخ حسین آقا زرنندی

^{۲۰۳} (۱) - از متن اعلامیه طلاب حوزه علمیه کرمانشاه در ایام انتخاب.

^{۲۰۴} (۱) - با تشکر از جناب آقای هادی معصومی فرزند ارجمند حضرت آیت الله زرنندی که در تنظیم و انجام و ارسال مصاحبه جد بلیغ نمودند.

تاریخ: ربیع الثانی ۱۴۰۳ قمری

مهر: (امضاء) روح اله الموسوی الخمینی

##PAGE=610##

سند شماره: دویست و شصت - ۲۶۰

موضوع: حکم تصدی امام جمعه کرمانشاه از سوی آیت الله العظمی امام خمینی برای آیت الله زرنندی

تاریخ: رمضان ۱۴۰۵ قمری

مهر: روح اله الموسوی - امضاء (روح الله الموسوی الخمینی)

##PAGE=611##

سند شماره: دویست و شصت و یک - ۲۶۱

موضوع: استفتاء یکی از اهالی کرمانشاه از آیت الله العظمی امام خمینی و جوابیه ایشان دال بر تأیید مراتب فقهی و وکالت شرعی آیت اله زرنندی

تاریخ: ---

مهر: روح اله الموسوی

##PAGE=612##

سردار کابلی

کسی که به فرموده شیخ آقابزرگ تهرانی: من اکبر علماء الشیعة فی هذا القرن: یعنی از بزرگترین علمای شیعه در این قرن است. همانطور که مرحوم سید محسن امین و حاج شیخ آقابزرگ از ایشان تعبیر به شیخ حیدر قلی نموده‌اند. مقام عالی و منزله آن جناب در فضل و کمال و تقوا و قدس و نزاهت و عدالت مایه سربلندی است.

(تصویر شماره ۱۴۳) سردار نور محمد خان کابلی، شیر آقا ناظر خرج، علامه سردار کابلی در ایام شباب

در هر صورت، علامه متقی و بزرگوار مرحوم شیخ حیدر قلی سردار کابلی فرزند عالی مقام سردار نور محمد خان کابلی بدون شک از بزرگان فضل و کمال و تحقیق و تتبع عصر حاضر بود. بزرگمردی فقیه، محدثی عالیقدر، رجالی کبیر، ادیبی بارع، ریاضیدانی بی‌بدیل و بحق توان گفت که او جامع علوم معقول و منقول بود، با تواضعی چشمگیر و نفسی مهذب و

مؤدب که برآستی چنان از رذائل دور و به فضائل نفسی آراسته بود که هرانسانی جمال ظاهر و کمال باطن را در او یکجا بروشنی در

##PAGE=613##

می یافت، صورتی بسیار نورانی و زیبا داشت، با آن همه صفا و خلوص و تتبع و گسترده‌گی معلومات، هرانسان با کمال و منصف و متبعی از محضر او لذت می برد بلکه سیر نمی شد. ایمان و اعتقادی چون سخت ترین کوهها و ارادت و اخلاصی بی مانند و بی نظیر نسبت به خاندان عصمت و طهارت داشت. افسوس که اگر این شخصیت بزرگوار در مجامع علمی و مراکز تحقیقی و حوزه‌ای حضور داشت خیلی بیش از اینها به علو مقام و اعتلاء مکانت علمی و تتبع او همگان واقف می گشتند. متأسفانه این مصیبت از دیرباز بوده است و اعلام بزرگی در شهرهای غیر علمی این چنین مجهول القدر مانده اند.

ولادت علامه بزرگوار

، در ساعت دوم روز سه شنبه هجدهم محرم ۱۲۹۳ هجری قمری مطابق با ۲۵ بهمن ۱۲۵۴ هجری شمسی در کابل به دنیا آمد. پدر بزرگوار و محترمش سردار نور محمد خان بسبب کشمکش بین امرای افغانستان در سال ۱۲۹۷ قمری مجبور به مهاجرت به هندوستان و اقامت در لاهور گردیدند و مدت هفت سال - از سال ۱۲۹۷ تا سال ۱۳۰۴ هجری قمری - با عائله و بستگان خود در آن شهر اقامت گزیدند.

تحصیلات علامه سردار کابلی

به جهت نبوغ فکری و استعداد ذاتی در پنج سالگی در لاهور مشغول تحصیل شده و در مدت هفت سال، تحصیلات مقدماتی مدرسه‌ای و ریاضیات و زبان انگلیسی و اردو و اندکی هندی و سانسکریت را یاد می‌گیرد. در سال ۱۳۰۴ هجری قمری پدرش سردار نور محمد خان با جمعی از عائله به عراق مهاجرت می‌کند و در عتبات عالیات اقامت می‌گزیند که اغلب اوقات، در نجف اشرف و کاظمین علیهما السلام بوده است.^{۲۰۵} در آنجا هم مرحوم علامه بزرگوار ما که از او بعنوان سردار کابلی بطور مطلق تعبیر می‌کنیم از استادان و علمای عصر و محضر دو شخصیت بزرگوار تحقیق و تتبع: خاتم المحدثین و ثالث المجلسین مرحوم حاج میرزا حسین نوری و سید العلماء العاملین سید صدر الدین حسن بن هادی کاظمی رضوان الله تعالی علیهم اجمعین کمال

^{۲۰۵} (۱) - «مرحوم سردار نقل می‌فرمود که: در عراق ما بیشتر در نجف و کاظمین اقامت داشتیم و در سالهایی که در عراق بودیم (از سال - ۱۳۰۴ - ۱۳۱۰ قمری) محدث نوری از ملازمین مجتهد بزرگ حاج میرزا حسن شیرازی اعلی الله مقامه بود و در سامراء اقامت داشت، ایامی که پدرم به سامراء می‌رفت بیشتر روزها میهمان محدث نوری می‌شد زمانی پدرم از وی دعوت کرد که به کاظمین بیاید و مدتی میهمان ما باشد. آن مرحوم این دعوت را پذیرفت. روزی در کاظمین از خانه بیرون رفت و تنها من در خدمتش بدم، در میان بازار زنی را دید که کتابی در دستش بود و می‌خواست بفروشد. محدث نوری کتاب را از دست زن گرفت و گوشه‌ای ایستاد چند دقیقه آن را نگاه کرد. آنگاه از فروشنده قیمت کتاب را پرسید. زن مبلغ گزافی گفت که به نظر من خارج از میزان معمول بهای چنان کتاب کوچکی بود، اما با کمال تعجب دیدم محدث نوری بدون اینکه تقاضای تخفیف قیمت کند از بغل خود کیسه‌ای بیرون آورد و شروع به شمردن پول برای او نمود و چون پولش کمتر بود به زن فرمود بابت بقیه قیمت کتاب لیاده مرا قبول می‌کنی؟ زن نظری به لیاده انداخت چون دید پارچه‌اش خوب است و تازه دوخته شده قبول کرد. بلافاصله آن عالم جلیل عیاش را به دست من داد و لیاده را از تن بیرون کرد و به او داد. سپس عبا را گرفت و به دوش انداخت و با کتاب شتابان به خانه مراجعت نمود، در خانه چند ساعت متوالی مشغول مطالعه کتاب شد. من پرسیدم چه کتابی است که به نظر شما این مبلغ ارزش داشت؟ در جواب فرمود قیمت این نسخه زیاده‌تر از اینهاست اگر زن مبلغ بیشتری گفته بود و من عبا و قیام را هم می‌دادم و کتاب را می‌گرفتم. پس از آن فرمود این کتاب اصل زید زراد است که یکی از اصول مهمه اصحاب ما می‌باشد» (زندگانی سردار کابلی، ص ۴۹ - ۵۰)

استفاده را می‌برد.^{۲۰۶} در عین اینکه خود هیچ‌گاه از مطالعه و تحقیق باز نمی‌ایستاد و همین روش را تا آخر عمر و تا به آن هنگام که چشم مبارکش مساعدت کرد، ادامه دارد. مدت شش سال از عمر آن جناب، در آن محیط فضل و کمال با نهایت تلاش و بهره‌برداری گذشت. او به همراه خانواده و پدر در سال ۱۳۱۰ هجری قمری به کرمانشاه منتقل و در آنجا سکونت دائمی گزید و تا پایان عمر - سه‌شنبه چهارم جمادی الاولی ۱۳۷۲ هجری قمری - ساکن این شهر شد.

فضایل و کمالات

بعد از اقامت در کرمانشاه، مسافرت‌های متعددی نمود و از اهل فضل و کمال - آنان را که شایسته استفاده می‌دید - با کمال تواضع استفاده می‌برد. در مدت اقامت در کرمانشاه دائماً مشغول مطالعه و تحقیق و تتبع بودند و همین امر سبب شد تا کتابخانه‌ای ارزشمند و شایسته گرد آورند که متأسفانه بعد از وفات ایشان متفرق گردید و مخصوصاً اغلب کتابهای مخطوط آن کتابخانه ظاهراً به کتابخانه مرکزی دانشگاه فروخته شده است؛ چون بنده ضمن مطالعه فهرستهای کتابخانه مرکزی جابجا می‌دیدم از کتابهایی که نام برده و معرفی می‌شود، به تملک و خط سردار در پشت کتاب، اشاره می‌شود و اصلاً مرحوم سردار از خوشنویسان خوب خطوط نسخ، رقاع، نستعلیق و شکسته بود. نمونه‌های این خطوط را در کتاب غایة التعديل آن مرحوم که به خط مبارکش به چاپ رسیده است می‌توان دید. در بعضی حسینیه‌ها و تکایای کرمانشاه هم خطوط نسخ آن مرحوم را که صرفاً جهت اظهار ارادت و دلبستگی به آستان مقدس حضرت ابی عبد الله الحسین (ع) مرقوم داشته است می‌توان زیارت نمود حتی خط انگلیسی ایشان هم بسیار خوب و زیبا بود و اسامی کتب انگلیسی مخصوصاً دایرة المعارف انگلیسی را (آنطور که یاد می‌آید) بسیار زیبا و چشمگیر پشت آن کتابها نوشته بودند و افسوس که با تفرق کتابخانه ایشان حواشی و تعلیقات آن مرحوم بر کتابها هم، دیگر قابل جمع‌آوری نیست.

مرحوم علامه کابلی از آن جهت که شیفته و تشنه مطالعه و تحقیق و تتبع بودند، اولاً از نظر مراجعه و صحت قرائت و درک صحیح مطالب هر کتابی در ادبیات عرب، فارسی، انگلیسی، اردو و هندی مقامی والا و بخصوص در ادبیات عربی و انگلیسی تبحر و تتبعی بسیار عالی داشت^{۲۰۷} و ثانیاً

^{۲۰۶} (۱) - «سردار حکایت می‌کرد که: علامه سید حسن صدر در ایامی که شاید چهارده یا پانزده سال از عمر من گذشته بود مرا امر کرد «الفیه» ابن مالک و متن «تجريد الکلام» خواجه نصیر الدین طوسی را ازبر کنم و برای حفظ الفیه يك جلد «مصباح المنیر» فیومی و برای حفظ تجريد، يك جلد شرح فارسی ملا صالح روغنی قزوینی بر «نحج البلاغه» به من هدیه فرمود و نیز حکایت می‌کرد که هر زمان همراه پدر شرف اندوز مجلس این عالم بزرگ می‌شدم در موضوعات ادبی پرسشهایی از من می‌فرمود و گاهگاه خود به مناسبت اشعاری میخواند که امر می‌نمود آن‌ها را بنویسم و حفظ کنم. (زندگانی سردار کابلی، ص ۵۱-۱۲).

^{۲۰۷} (۲) - استاد کیوان سمیعی مؤلف کتاب «زندگانی سردار کابلی» می‌نویسد: «بعثت تسلطی که وی بر زبانهای اردو، انگلیسی، عربی و هندی داشت در ایام جوانیش مرحوم مخبر السلطنه هدایت و مرحوم میرزا عبد الرزاق خان مهندس بغایری او را به عنوان مترجم رسمی به وزارت خارجه ایران و سفارتخانه‌های انگلیس و امریکا و عراق معرفی کرده بودند. ولی با وجود دعوتهای مکرر از طرف اولیاء وزارت خارجه ایران و متصدیان سفارتخانه‌های مزبور و ترغیب و تشویق دو شخص مذکور این کار را در هیچ‌جا نپذیرفت و بعدها که من در تهران این موضوع را از مرحوم میرزا عبد الرزاق خان شنیدم، وقتی به کرمانشاه رفتم از خودش علت استنکاف از قبول چنین کاری را جویا شدم، او این ابیات را خواند:-

مطالب علمی و تحقیقی کتابها را به شایستگی دریافت و برای خود در طول سالها خلوص و طهارت نفس در راه علم و عبادت، عمل و تقوا، مقامی بسیار عالی پیدا نموده و خداوند معالی و مآثر و مجمع فضائل و فواضل گردیده بود. چهره‌ای بس زیبا و نورانی داشت که براستی حکایت از نورانیت باطن و زیبایی خدایی می‌کرد که بر او افاضه گردیده بود (سَيِّمَاهُمُ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ)^{۲۰۸} کمال خضوع و خشوعی که در نماز و عبادت و تبتل و تبذل الی الله داشت، درست مصداق این روایت کتاب علل و عیون بود: حضرت رضا از پدرش از جدش سلام الله علیهم اجمعین روایت می‌فرماید که امام علی بن الحسین علیهما السلام را پرسیدند:

ما بال المتجهدين بالليل من أحسن الناس وجها.

چگونه است متجهدان و شب‌زنده‌داران چنین زیبا و نیکو رویند، فرمود:

لأنهم خلوا برّبهم فكسناهم الله من نوره^{۲۰۹}

اینان با خدای خویشتن خلوت و راز و نیاز کرده‌اند، خداوند هم از نور خودش آنان را پوشانده است.

قداست نفس و خلوص و تقوای آن مرحوم سبب بود که نسبت به اعلام علماء عظام، ارادتی خاص و علاقه و احترامی وافر نشان دهد و از طرفی هم همه اهل تألیف و تصنیف و تحقیق و تتبع آرزومند زیارت او و استفاده از محضرش بودند که خود شاهد بودیم علمای اعلامی که از عتبات عالیات به کرمانشاه می‌آمدند یا از راه کرمانشاه به عتبات می‌رفتند، شائق و مشتاق زیارت آن مرحوم بودند و گهگاه هم در این ملاقاتها اجازه و استجازه روایتی هم صورت می‌گرفت. مثلاً در سفر مرحوم حاج شیخ آقابزرگ به ایران و کرمانشاه، به آن مرحوم اجازه روایت عنایت فرمودند. البته بحث از مشایخ اجازه‌ای ایشان بحثی جداگانه است.

مشایخ اجازه

یکی از مشایخ اجازه ایشان محدث عالیمقام بزرگوار مرحوم حاج شیخ عباس قمی

او همچنین بر زبان عبری مسلط بود و در ادبیات آن زبان تحقیقاتی داشت، بعض نظریات «اب انستاس ماری کرملی» دانشمند مسیحی مشهور عراق را راجع به فقه اللغة برخی کلمات عبری تخطئه می‌کرد و در باب لغت عربی نیز پاره‌ای آراء او را که در رساله‌های در انتقاد قاموس عربی «الباستان» تألیف عبد الله بستان ادیب لغوی لبنان اظهار داشته بود در حواشی نسخه‌ای از همان رساله رد نمود، بر بعضی کتب لغوی و ادبی زبان عبری حواشی و تعلیقات و توجیهات و تنبیهاتی نوشت که ارزش فراوان دارد و چنانکه علامه حاج آقابزرگ تهرانی در جزء اول قسم ثانی کتاب «اعلام الشیعه» ذیل ترجمه آن جناب نوشته است، یکی از همین قبیل کتابها که عبارت از قاموسی در لغت عبری بوده و تعلق به سردار داشته و او حواشی و تعلیقات زیاد بر آن نوشته بوده است اکنون در تملک آقای دکتر حسینی محفوط از فضلاء معروف عراق می‌باشد که مرحوم حاج آقابزرگ آن را دیده و معرفی کرده است. (زندگانی سردار کابلی، ص ۱۰۰-۱۰۲)

^{۲۰۸} (۱) - سوره فتح (۴۸): ۲۹.

^{۲۰۹} (۲) - علل الشرایع ط بیروت، ص ۳۶۶.

است من از مرحوم سردار شنیدم که فرمودند:

من از مرحوم حاج شیخ عباس واقعا متعجب گردیدم؛ زیرا هیچ بیت غزلی را نخواندم مگر آنکه آن مرحوم تمام غزل را از حفظ خواند و می فرمودند، واقعا تعجب کردم که شخصی محدث با این مقام از زهد و تقوا و عبادت و توغل و تضرع در احادیث ائمه طاهرین، این قدر شعر و غزل حفظ داشته باشد. مثل اینکه حاج شیخ در جوانی به ادبیات فارسی و عربی و فصاحت و بلاغت عنایتی داشته است و از عبارت ایشان در الکنی و الالقاب ج ۲ در ترجمه حریری صاحب مقامات نیز می توان این مطلب را یافت که می فرماید: و إني كنت في عنفوان الشباب مولعا بمطالعة هذا الكتاب فمن الله تعالى على ببركات اهل البيت عليهم السلام و مطالعة أحاديثهم و كلماتهم و مواعظهم أن ظهر لي أن مطالعة هذا الكتاب و أمثاله يسود القلب و يذهب بصفائه و لو أراد الانسان الادب و البلاغة و الفصاحة و الحكمة و المواعظ النفاضة، فعليه بكتاب نهج البلاغة فإن التفاوت بينه و بين سائر الكتب كالتفاوت بين امير المؤمنين و سائر الناس

و باقی الناس کلهم التراب

على الدرّ و الذهب المصفى

یکی دیگر از مشایخ اجازه ایشان مرحوم سید محسن امین عاملی است که تقریظی هم بر کتاب غایة التعديل علامه بزرگوار ما نوشته و آن را از نفائس المصنفات شمرده است. ترجمه آن مرحوم را هم در مجلد ۲۹ اعیان الشیعه با تجلیل فراوان ذکر نموده است و در مقام ادب عربی مرحوم سردار همین بس که مرحوم سید امین که خود از ادبا و شعرا بزرگ است و غالبا اشعار عربی گویندگان فارسی را به بهانه آنکه در کلامشان عجمه ای است نمی پسندیده و ذکر نمی کرده، ولی اشعار و قصائدی از ایشان در کتاب خود اعیان الشیعه آورده است.

یکی دیگر از مشایخ اجازه ایشان مرحوم حاج شیخ آقابزرگ تهرانی است که در کتاب نقباء البشر شرح حال مفصل ایشان و تألیفاتشان را به تفصیل ذکر فرموده اند.^{۲۱۰} همانطور که مرحوم سید محسن هم تألیفات ایشان را که تا سال ۱۳۵۲ قمری نوشته بوده (یعنی سال مسافرتش به ایران) در کتاب اعیان الشعه آورده اند و چه بجاست تعبیر مرحوم شیخ آقابزرگ درباره ایشان که می فرماید:

و بالجملة فهو من نوابغ الرجال و أبطال العلم و فرسان البيان و أساطين الفضيلة، أحاط بالعلوم القديمة و الحديثة معقولا^{۲۱۰} و منقولا^{۲۱۰} فخيرها و تضلّع فيها، و ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء.

او از نابغه های دوران و پهلوانان علم و جولان دهندگان بیان و ستونهای فضیلت بود، و به علوم قدیم، معقول و منقول احاطه پیدا کرده آنها را بررسی نمود و در آنها مهارت پیدا کرد و این است فضیلتی خداوندی که به هر که بخواهد عنایت کند.

^{۲۱۰} (۱) - نقباء البشر، ج ۲، ص ۶۹۳، شماره ۱۱۳۳

مرحوم حاج شیخ آقابزرگ می‌فرماید: در سال ۱۳۶۵ که به عزم زیارت حضرت رضا علیه السلام به کرمانشاه وارد شدم بنا به درخواست و اصرار ایشان دو روز تمام را از اول صبح تا به شب در حضور و تفحص در کتابخانه و تألیفات ایشان به سر بردم و برآستی او را از نظر مقام علمی،

##PAGE=617##

شخصیتی کم‌نظیر دیدم. از من طلب اجازه کرد و من اجازه‌ای بلندپایه برای او نوشتم و مکانت و فضل او را به کمال ستودم و اضافه بر فضائل علمی، عالمی صالح، عابدی با عبادت بود و زهدی بسیار و ورع و تقوایی شدید داشت که اوقات شریف خود را بین کتاب و محراب تقسیم نموده و حق هرکدام را به خوبی ادا نموده بود، خوشا بر او و عاقبت نیکوی او.

این کلمات مرحوم شیخ آقابزرگ رحمه الله علیه درباره ایشان است.

مرحوم علامه بزرگوار ما غیر از این سه نفر از مشایخ اجازات، از چهار نفر دیگر اجازه روایت دارند که عبارتند از سید حسن صدر، میرزا محمد علی رشتی نجفی، حاج سید عباس لاری مقیم کرمانشاه و حاج سید یحیی خراسانی.

(تصویر شماره ۱۴۴) علامه سردار کابلی در ایام شیب

کتابخانه و تألیفات

همانطور که اشاره نمودیم آن مرحوم دارای کتابخانه‌ای بسیار عالی بود که همه آن کتابها را دیده بود و برای همه آنها چه مخطوط و چه مطبوع فهرست نوشته بود.

گهگاه بر حواشی کتب، تعلیقات و تحقیقات و اصلاحاتی داشتند و کم کتابی بود که آن مرحوم

##PAGE=618##

قلمی در آن نزده باشد، با خط زیبا و جمیل خود تألیفات خودش و بعضی از مجموعه‌ها و رساله‌های قدمای اصحاب و حتی بعضی اربعینها را نیز نوشته بود. وجود کتابخانه مجهز و علو مقام فضل و علم آن جناب و اشتغال دائمی او به مطالعه و مراجعه به کتب، سبب بود تا حقا از اصحاب نظر و ارباب فوائد گسترده نادره باشد و تألیفات و تصنیفاتش مشحون از تحقیقات و فوائد و علم و فضل گردد. مخصوصا از آن جهت که با ضمانت شرعی مطلب می‌نوشت و تألیف و تصنیف می‌کرد لذا کتابهایش همگی خالی از انحراف، با سلامت مسلک و تقید تام به ورع و تقوا و امانت و توجه به معارف اهل بیت طاهرین نوشته شده است.

تألیفات آن جناب را همه کسانی که ترجمه حال ایشان را نوشته‌اند کم و بیش ذکر کرده‌اند و مرحوم حاج شیخ آقابزرگ در نقباء البشر جلد دوم مفصل‌تر ذکر نموده‌اند.

شادروان استاد آقای کیوان سمیعی کتابی مفصل و ارزشمند به نام زندگانی سردار کابلی نوشته و به چاپ رسانده‌اند که بجای خود بسیار ارزشمند و قابل تقدیر است و تألیفات و تصنیفات جناب ایشان را مستوعبا ذکر کرده‌اند و نسبت به بعضی تألیفات و تصنیفات ایشان مفصلتر صحبت نموده‌اند؛ زیرا مرحوم سردار از ریاضیدانهای بزرگ و صاحب‌نظر و حقا" در مسائل هیئت و قبله و مثلثات و جبر و مقابله از اشخاص کم‌نظیر بود و لذا تصنیفات ایشان بخصوص در این رشته بسیار ممتّع و استوار و متین و پرفایده است و این تصنیفات را هم شادروان استاد کیوان سمیعی مفصلتر متعرض شده و شرح و بسط داده‌اند. تألیفات و تصنیفات مدّونه ایشان بالغ بر سی جلد است که پنج جلد آنها به چاپ رسیده است: ترجمه انجیل برنابا، تحفة الاجلة، قبله‌شناسی، مناظرات و غایة التعديل که این آخری از خط مبارک و میمون خود ایشان افست گردیده است.

مرحوم سید محسن امین در اعیان الشیعه می‌گوید: رساله قبله او از بهترین کتابهایی است که در این فنّ تألیف گردیده است و از آنجا که خود اهل فنّ بود و مخصوصا بعضی از اندازه‌گیریهای طول و عرض بلاد را از طرف قدما مخصوصا بنابر هیئت بطلمیوسی به کمال صحت نمی‌دانست، لذا در اغلب مساجد کرمانشاه با قدری انحراف به دست راست نماز می‌گزارد و براستی دو کتاب تحفة الاجلة به عربی و قبله‌شناسی آن جناب از تحف عالم تألیف و تصنیف است و اصولا" همه کتابهای آن بزرگوار چنین است، غایة التعديل ایشان حقا" بسیار متین و استوار است.

متخصص علم هیأت در کتاب تحفة الاجلة به دقت و علمیت کامل، متعرض طرق متعدد راهیابی به سوی قبله و تعیین دقیق طول و عرض بلاد و سایر افادات مثل صحت قبله محراب رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اشاره فرموده است و اعتراض خیلها من جمله علامه بزرگوار مجلسی قدس الله تعالی نفسه الزکیة را وارد ندانسته و سبب اعتراض وارد نبودن قدما به دقائق علم هیئت و ریاضیات و اعتماد آنان به هیئت بطلمیوسی دانسته است و مخصوصا قدما به سبب متابعت از تعیین طولهای بلاد به حسب هیئت بطلمیوسی، اشتباهات بسیار زیادی کرده‌اند که یکی از آنها بخصوص درباره طول و عرض مکه است که قدما طول مکه مکرّمه را از جزائر خالادات ۷۷ درجه و ۱۰ دقیقه گرفته‌اند و این خود اشتباه است؛ زیرا مطابق با تحقیق دقیق متأخرین از محققین اهل فنّ،

##PAGE=619##

طول مکه مکرّمه از جزائر خالادات ۵۷ درجه و ۵۷ دقیقه و ۵ ثانیه است و از مرصد گرینویچ لندن ۳۹ درجه و ۵۰ دقیقه یا به تعبیر دیگر قریب ۴۰ درجه تمام است، معلوم می‌شود که خطّ طول هردو شهر یعنی مدینه منوره و مکه مکرّمه تقریبا یکی است بنابراین قبله مدینه بر خط نصف‌النهار جنوبی خودش واقع می‌شود. پس محراب رسول خدا که کاملا" به نقطه جنوبی است در کمال صحت و صواب است. و مرحوم علامه بزرگوار ما می‌فرماید: که این خود از معجزات کریمه و آیات عظیمه خداوندی است که با گذشتن قرنهای متوالی تا به امروز باقی است، و پر واضح است که توجه رسول اکرم در آن هنگام بر خط قبله حقیقی و بدون انحراف، کاشف از این است که آن حضرت مؤید به روح القدس بوده و به نور حضرت حق متعال ناظر بوده است، حقایق بر او پوشیده نبوده و در هیچ قضیه و امری به قدر سرمویی از حقیقت منحرف نبوده است، و به نور پروردگارش منور و بر راه مستقیم پویا بوده است.

نام تألیفات و تصنیفات ایشان را از کتاب سردار کابلی نوشته دانشمند محترم شادروان استاد کیوان سمیعی که اخیرا" انتشار داده‌اند نقل می‌نمائیم:

- ۱- الاربعين في فضائل امير المؤمنين در چهار جلد.
- ۲- جمع اشعار ابی طالب به صورت دیوان شعر.
- ۳- غاية التعديل في معرفة الاوزان و المكائيل که در سابق مفصلا از آن ذکرى نمودم.
- ۴- تبصرة الحر في تحقيق الكرّ.
- ۵- شرح خطبه حضرت زينب در کوفه.
- ۶- العلم الشاخص في أسرار ظلل الشاخص در اعمال فلکی.
- ۷- شرح قصيده لاميه ابی طالب.
- ۸- تحفة الاجله في معرفة القبلة در علم هیئت که سابقا به آن مفصلا اشاره کردیم.
- ۹- كشف القناع في تحقيق الميل و الذراع.
- ۱۰- شرح تهذيب المنطق.
- ۱۱- تحفة الاحباب في بيان آیات الكتاب.
- ۱۲- الدر النثير در سه جلد.
- ۱۳- رساله‌ای در نقد تفسير طنطاوی.
- ۱۴- ترجمه کتاب التحصين في صفات العارفين از عربی.
- ۱۵- ترجمه کتاب هندسه تا دتتر در مساحت ابتدایی از انگلیسی.
- ۱۶- ترجمه الكنز المبدول للغنی و الفقیر از عربی.
- ۱۷- ترجمه انجیل برنابا از انگلیسی و عربی.
- ۱۸- ترجمه و شرح دعای ندبه.
- ۱۹- شرح حدیث امیر المؤمنین در بیان قطر و محیط شمس و قمر و بیان اختلاف افقی شمس مطابق با اکتشافات عصر حاضر.

۲۰- مناظرات در ترجمه المراجعات تألیف علامه شرف الدین عاملی

۲۱- قبله شناسی.

۲۲- مصباح القواعد در ریاضیات جدید.

۲۳- مناهج العرفان فی علم الاوافق.

۲۴- رساله‌ای در استخراج اوزان مرکب.

۲۵- رساله‌ای در اسرار جفر جامع در ۲۸ صفحه.

۲۶- رساله‌ای در معرفت «جو» که در راهنمایی وزن مروارید نوشته شده است.

۲۷- شرح دعای صباح.

۲۸- العلق النفیس فیما یطرب به الجلیس.

۲۹- نظم باب حاديعشر.

۳۰- رساله فارسی در معرفت تواریخ مشهوره.

اینها تألیفات و تصنیفاتی است که از آن مرحوم به تدوین و جمع رسیده است. افادات و حواشی او بر کتابهای کتابخانه‌اش بسیار و به تفرق آن کتابها متفرق گردیده و جمع آن عمر نوح و صبر ایوب می‌خواهد.^{۲۱۱} علامه سردار کابلی در سی‌ام دیماه ۱۳۳۱ هجری شمسی در کرمانشاه برحمت ایزدی پیوست و جنازه به نجف انتقال یافت او با تشییع علمای اعلام در کنار والد محترمش مقابل غسالخانه قدیم نجف در وادی السلام بخاک سپرده شد، رحمه الله علیه.

##PAGE=621##

(تصویر شماره ۱۴۵) علامه سردار کابلی و علمای اعلام کرمانشاه

##PAGE=622##

عبدالمحمد بن بدر الدین عبد الله کرمانشاهی

^{۲۱۱} (۱) - از مقاله نجوم است، مجله نور علم، دوره پنجم، شماره اول، ۴۹، صص ۷۸-۵۰ به قلم آیت الله استاد حاج سید مرتضی نجومی با تلخیص.

مؤلف کتاب: رساله فی اصول الدین (فارسی است و در تهران دو بار در سالهای ۱۲۸۴ ه ش و ۱۳۱۰ ه ش چاپ شده است).^{۲۱۲} ایام حیات او را در نیمه دوم قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم (؟- ۱۳۰۳ ه ق) نوشته‌اند.

عبد اللهی

آیت الله حاج شیخ عبد الخالق عبد اللهی از علماء متقی و زهاد و عامل به احکام شرع انور و از آمرین به معروف و ناهیان از منکر که به صلاح و علم و عمل آراسته و قریب به سی سال است تاکنون (۱۳۷۸ شمسی) که در کرمانشاه به تبلیغ و تدریس و وعظ و خطابه و امامت و اقامت اشتغال دارند. پدرش مرحوم محمد علی از مؤمنین دار العباد اصفهان است، آیت الله عبد اللهی بسال ۱۳۰۵ شمسی در اصفهان متولد شد، مقدمات و دروس سطح را عمدتاً از محضر آقا شیخ حسن نجف آبادی و خارج فقه را در اصفهان از حلقه درس آیات شیخ حسین خادمی و آقا رحیم ارباب رحمة الله علیهما و سپس به بلده طیبه قم مهاجرت، سه سال از درس فقه آیت الله العظمی بروجردی و به موازات، شش سال از درس خارج فقه و اصول آیت الله العظمی امام خمینی و همچنین مدتی نیز خوشه چین افادات، درس خارج آیت الله العظمی گلپایگانی رحمة الله علیهم اجمعین بودند.

فلسفه و تفسیر را از محضر آیت الله علامه طباطبائی مستفید شدند، قبل از اقامت دائم در کرمانشاه سالها در ایام محرم و صفر و رمضان بمنظور تبلیغ و منبر به کرمانشاه می آمدند، پس از کسب اجازات در این شهر مستقر شدند، ایشان از حضرات آیات عظام؛ امام خمینی، گلپایگانی، اراکی، خامنه‌ای، بهجت، فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی دارای اجازات تصدی امور شرعی و حسیه هستند. از زمان ورود به کرمانشاه شیوه مرضیه اذان صبح در منزل را احیاء کردند و از همانزمان امامت جماعت در مسجد صباغ را عهده دارند.

در دوران مبارزه روحانیت بخاطر استقامت در مبارزات و انتقادات در سخنرانی‌هایشان چند بار دستگیر و یکبار به تهران انتقال یافتند.

پس از پیروزی انقلاب درس اخلاق و مکاسب شیخ انصاری در حوزه علمیه کرمانشاه و هم چنین در دانشکده‌های کشاورزی، پزشکی و علوم همین شهر درس‌های معارف و اخلاق را تدریس می نمایند و در صدا و سیما مرکز کرمانشاه نیز درس‌های احکام معارفی را بازگو می فرمایند.

صاحب فرزندان صالح و متدین که از کمالات پدر بهره مند و خدمتگزار جامعه اسلامی هستند از جمله؛ حجة الاسلام حاج آقا احمد عبد اللهی که در کسوت روحانیت منشأ خدمات مذهبی و تبلیغ احکام و آداب اسلامی هستند.

##PAGE=623##

(تصویر شماره ۱۴۶) آیت الله حاج شیخ حسن علامی

علامی

از اجله علمای معاصرین که عدم حضور در حوزه‌های علمیه خورشید استعداد و تسلط و فقاهاست وی را پوشانید، صاحب گنجینه دانشمندان با اشاره‌ای از احوال وی یاد کرده است و استاد کیوان سمیعی در اثر ارزشمند سردار کابلی در شأن والای آن بزرگ چنین نوشته‌اند که؛ حاج شیخ حسن علامی - وی برخلاف کسانی که تحت عنوان علماء معاصر کرمانشاهی نام برده شدند از خانواده روحانی و اهل علم نبود، پدرش بازرگان متوسط الحالی از مردم اصفهان بود که به کرمانشاه آمده و در آنجا به کار و کسب مشغول شده بود، چهار پسر داشت که اهل علم آنها همین شخص بود، او طالب تحصیل علوم دینی شد و برادرانش همان کار پدر را انتخاب کردند.

با اینکه او ریاست و دستگاه و حتی زندگی مرفهی نداشت ولی بلاشک یکی از فحول علماء و اکابر محققین در علوم دینی بود نه تنها در کرمانشاه بلکه تا آنجا که من آگاهی دارم در سراسر ایران شاید پنج نفر به پایه علمی او نمی‌رسید، مردی محقق، مدقق، فاضل، جامع معقول و خوش ادراک بود.

مقدمات و مقداری از فقه و اصول را در کرمانشاه فراگرفت پس از آن به عتبات رفت و در نجف جزء شاگردان آیه الله آقا ضیاء الدین عراقی قرار گرفت، طولی نکشید که به سبب استعداد ذاتی و کوشش زیاد در راه تحصیل علم مورد توجه استاد واقع شد. او با آقا میر سید علی یثربی کاشانی و آقا سید کاظم عصار هم‌مباحثه بوده و هر سه از بهترین شاگردان آقا ضیاء الدین بشمار می‌رفته‌اند و من خود از مرحوم عصار شنیدم که می‌گفت، ما هم‌مباحثه و شریک درس بودیم اما آقا ضیاء الدین

##PAGE=624##

احترام بیشتری برای آقا شیخ حسن قائل بود و به حرف‌ها و سؤالاتش زیاده‌تر توجه نشان می‌داد، مرحوم یثربی نیز می‌گفت: آقا شیخ حسن با سکونت در کرمانشاه علم خود را ضایع ساخت، اگر در نجف می‌ماند لایق‌ترین کسی که می‌توانست به جای آقا ضیاء الدین قرار گیرد او بود، هنگامی که مرحوم یثربی این مطلب را بیان کرد من به ایشان عرض کردم اتفاقاً دیگران هم درباره خود شما که در کاشان مانده‌اید، همین نظر را دارند.

اینها اظهارنظرهای دو نفر از شرکاء درس او بود که هر دو در زمان خود از مشاهیر علماء بشمار می‌رفتند، وقتی من از مرحوم علامی سؤال کردم که چرا شما به یکی از مراکز علمی مهاجرت نمی‌فرمایید؟ فرمود: شرعاً این کار اشکال دارد، شخص به منظور تحصیل علم به هر جا می‌تواند برود و باید برود اما پس از تحصیل علم جهت رفع نیازمندی‌های اهالی باید به همان محل خود برگردد، وقتی دلیل این مطلب را خواستم آیه ۱۲۲ سوره توبه را خواند: **فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنْذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ** و این آیه صریح است که طالبان علم دین باید به همان جا بازگردند که در پی کسب علم از آنجا بیرون رفته‌اند.

با وجود شخصیت علمی فرد و ممتازی که داشت چون ملازاده نبود که محراب و منبر ارثی به او برسد با آنهمه مساجد بی‌نمازگزار که در کرمانشاه موجود بود در اوایل کار حریفان بی‌انصاف به او میدان نمی‌دادند در یکی از آن مساجد به امامت و موعظه مردم پردازد، سال‌ها هریک از ارادتمندانش که مجلس روضه‌خوانی در خانه خود برپا می‌کرد از او دعوت می‌نمود در آنجا نماز جماعت بخواند و در آخر مجلس اصول عقائد بگوید، مدت‌ها وضع چنین بود تا اینکه

مرحوم حاج دلالت‌باشی کریمی مسجد کوچکی بنا کرد و از او دعوت به عمل آورد در آنجا امام جماعت گردد، در سال‌های آخر عمر هم در مسجد ترک‌ها پیشنماز گردید.

اصول عقائد را با دقت و موشکافی و تفصیل بیان می‌کرد و من اکنون که آن مجالس و آن مستمعین را به خاطر می‌آوردم یقین دارم که هیچ کدام سخنان او را درک نمی‌کرد و به قول دوست فاضل فقید ما مرحوم محمد حسین جلیلی، آقای علامی فقط می‌خواست آنچه را خوانده است یادش نرود و تذکره کند والا می‌دانست آنها حرف‌هایش را نمی‌فهمند. به راستی اینگونه افراد از لحاظ فکری در میان کسان و همشهریان خود غریب هستند، و از همان علمائی بود که پیغمبر فرمود: بر غربت آنان رحم کنید آخر کار هم در همان محیط در بسته کرمانشاه پس از قریب هشتاد سال زندگی وفات یافت و در گوشه مسجد ترک‌ها به خاک سپرده شد، رحمة الله علیه و جزاه الله عنی خیر الجزاء.

مرحوم علامی از علمائی بود که در گردن من حق استادی زیاد داشت، قریب به نصف کتاب گوهر مراد لاهیجی و تمام شرح منظومه سبزواری و تعدادی کتب اصول را نزد او خواندم. در تدریس سلیقه خاصی داشت بسیار به حاشیه می‌رفت و چون آرام و شمرده حرف می‌زد و فواصل بین کلماتش زیاد بود این امر موجب می‌شد که مدت تعلم و تعلیم کتابی به طول انجامد و شاگردش

##PAGE=625##

خسته شود بی‌سبب نبود که مدرسین پیشین می‌گفتند: علیکم بالمتون لا بالحواشی.^{۲۱۳}

آیت الله حاج سید مرتضی نجومی درباره مرحوم آیت الله علامی می‌نویسد: مرحوم آیت الله «سید شهاب الدین نجفی مرعشی» که گستره معلومات و بزرگی فضل ایشان مشهود اهل تحقیق است چند سالی را در کرمانشاه در محضر آیت الله مرحوم «حاج شیخ حسن علامی» تلمذ نموده است.

ایشان پس از اتمام تحصیل در نامه به یکی از بزرگان نجف چنین می‌نگارد: «من (مرعشی نجفی) در کرمانشاه به شخصیتی برخورددم که به جرأت در هیچکدام از مراکز و حوزه‌های دینی تا این تاریخ چنین بزرگمرد محقق و نابغه‌ای عجیب در فکر و تحقیق ندیده‌ام» مرحوم آیت الله آملی آقای حاج میرزا هاشم (لاریجانی) می‌فرمودند: که از مرحوم محقق عراقی آقا ضیاء الدین محقق و مدرس عالی مقام و بی‌مانند نجف اشرف مکرر شنیده‌ام که می‌فرمود: «من افتخار می‌کنم شاگردی مثل علامی داشته‌ام».^{۲۱۴}

استاد کیوان سمیعی ادامه می‌دهد که: شاگرد میرزش مرحوم آقا سید جواد نجومی بود و تا زمانی که یاد دارم مرحوم نجومی نزد آقای علامی درس می‌خواند، نوبتی به ایشان عرض کردم: این درس خواندن شما تمام نمی‌شود؟ فرمود: اگر من و آقای علامی صد سال عمر کنیم و هر روز او درس بدهد و من درس بخوانم باز آقای علامی حرف برای گفتن دارد و من هم گوش برای شنیدن دارم.

^{۲۱۳} (۱) - زندگانی سردار کابلی، ص ۲۳۰.

^{۲۱۴} (۲) - زندگانی سردار کابلی، صص ۲۳۲ - ۲۲۹.

این بیان مرحوم نجومی که خود از اعلام علماء بود از طرفی حکایت از وفور معلومات علامی می‌کرد و از طرف دیگر عطش شدید خود او را در فراگیری علم نشان می‌داد، اطلبوا العلم من المهد الى اللحد.

اگر می‌خواهید از نظر مرحوم علامی هم درباره آقای نجومی آگاه شوید باید بگوییم که وی بارها می‌گفت اگر کسانی که من می‌شناسم مجتهدند آقا سید جواد سید المجتهدین است، فرزند برومند آن سید جلیل آقای حاج سید مرتضی نجومی امروز زینت‌بخش محراب و منبرست، خط‌نسخ و ثلث را مانند نیاکانش استادانه می‌نویسد و در علم و فضیلت و تقوی یادگار پدر می‌باشد.^{۲۱۵}

معجم المؤلفین از آثار استاد حاج شیخ حسن علامی؛ ۱- القضاء ۲- الاجازة ۳- رسائل فی الخيارات را نام برده است.^{۲۱۶} یادداشتهای مرحوم آیت الله علامی با نظارت حضرت آیه الله نجومی نخستین گردید و در کتابخانه آستان قدس رضوی و کتابخانه آیه الله نجومی نگهداری می‌شود.

آیت الله علامی در سال هزار و سیصد و چهل و نه شمسی در سن هشتاد و پنج سالگی درگذشت رحمت الله علیه

محمد کرمانشاهی

علامه تحریر سالک الهی شیخ محمد کرمانشاهی از علماء برجسته عصر صفویه و از معاصر شاه عباس کبیر صفوی (- ۱۳۰۸ ه ق) که در اصفهان و نجف اشرف به تحصیل و تحقیق اشتغال داشته است؛ مسقط الراس او را شهر کرمانشاه و مدفن و مزارش را در جوار حضرت مولی الموحیدین

##PAGE=626##

نوشته‌اند.

پدرش شیخ عبد الحسین کرمانشاهی از علماء اهل فضل و جدش شیخ حسن در کرمانشاه می‌زیسته است، و بنابر آنچه در اواخر کتاب فتوحات عباسی آمده و مرحوم سید محسن امین جبل عاملی در کتاب ارزنده اعیان الشیعه یادآور شده است نسبتش به مالک بن حارث بن عبد نعوث نخعی (مالک اشتر) سردار و امین امیر المؤمنین علی علیه السلام می‌رسد.

علامه شیخ محمد کرمانشاهی؛ بعد از هجرت از کرمانشاه به اصفهان، ابتدا مدتی در آن حوزه علمیه که مجمع فحول و اعلام برجسته جهان اسلام بوده است، تلمذ نموده و بعد به نجف اشرف هجرت نموده و در آن حوزه مقدسه سالیان متوالی در ردیف اعلامی همچون؛ ملا عبد الله شوشتری، سید محمد بن علی موسوی عاملی (صاحب مدارک الاحکام) و شیخ حسن بن شهید ثانی (صاحب معالم) خوشه‌چین محضر فیاض فقیه اهل البیت، ملا احمد مقدس اردبیلی از مفاخر علمای امامیه و دیگر اعلام به نام آن حوزه مقدسه بوده است.

^{۲۱۵} (۳) - کرمانشاه و روات آن، ۲ - ۱.

^{۲۱۶} (۴) - معجم المؤلفین: ۹ / ۲۱۵.

از جمله تألیفات ارزشمند علامه شیخ محمد سالک کرمانشاهی می‌توان؛ کتاب فتوحات عباسی را نام برد، کتاب مزبور در شرح اسماء الله الحسنى می‌باشد که با کمال تأسف ناتمام است. این کتاب را علامه تحریر سید محسن جبل عاملی (امین) رضوان الله تعالی علیه در شهر همدان به خط زیبای مؤلف رؤیت کرده است و می‌فرماید وجه نام کتاب به «فتوحات عباسی» شاید آن بوده که به نام شاه عباس صفوی تألیف شده باشد.

شادروان سید محسن جبل عاملی (امین)؛ (م، / ۱۲۸۴ ف، ۱۳۷۱ ه ق) درباره این بزرگمرد کرمانشاهی می‌نویسد: شیخ محمد فرزند عبد الحسین فرزند حسن کرمانشاهی نجفی مشهور به جزائری از تألیفات اوست؛ کتاب فتوحات عباسی مشتمل بر جمیع اسماء الله الحسنى و خواص آنها به (زبان) فارسی. نسخه‌ای از آنرا یافتیم در همدان به خاطر فاخر، گویا خط مؤلف باشد، به درستی که مؤلف در آخر کتاب ذکر نموده از ذریه مالک اشتر است و احتمالاً کتاب را به نام شاه عباس صفوی تألیف کرده باشد^{۲۱۷}

محمد اسماعیل هرسینی کرمانشاهی

(معروف به کاتب ۱۲۴۶، ق) او به دستور آقا محمد جعفر بن محمد باقر اصفهانی در سال ۱۲۴۶ ه ق ادعیه را در کتابی گرد آورده که هم‌اکنون به نام (أدعية المأثورة) یا (مجموعه الادعية) شناخته می‌شود.^{۲۱۸}

محمد تقی کرمانشاهی

آیت الله العظمی میرزا محمد تقی کرمانشاهی زنگنه، مشهور به شیرازی

میرزا محمد تقی فرزند حاج میرزا محبعلی بن میرزا محمد علی گلشن شیرازی [کرمانشاهی

##PAGE=627##

الاصل از طایفه زنگنه] در سال ۱۲۷۰ هجری قمری متولد شده وی از فحول علمای امامیه، مجتهد و ادیب و از شاگردان؛ فاضل اردکانی و حاج میرزا محمد حسن شیرازی بوده، و شعر نیز می‌سروده، بعد از وفات استادش، حاج میرزا محمد حسن شیرازی؛ در سامره متصدی اداره حوزه علمیه و تدریس بوده و بعد به نجف رفته و مرجع تقلید اکثر شیعیان قرار گرفته است. از تألیفات او؛ شرح منظومه رضاعیه‌ی سید صدر الدین عاملی - القصائد الفاخرة فی مدح العترة الطاهرة و شرح مکاسب شیخ مرتضی انصاری و ...

میرزای شیرازی؛ برادرزاده قآنی شاعر مشهور عهد قاجاریه است، وفاتش در دهه اول ذیحجه سال ۱۳۳۸ ه ق در نجف اتفاق افتاده و جنازه‌اش در یکی از حجرات صحن مقدس مدفون گردیده است.^{۲۱۹} اما شادروان استاد محمد حسین جلیلی درباره او می‌نویسد:

^{۲۱۷} (۱) - یادداشت‌های حجة الاسلام آقا سید ناصر میبیدی.

^{۲۱۸} (۲) - الذریعه: ۱/ ۳۹۹، ۲۰/ ۹۶،

^{۲۱۹} (۱) - تاریخ برگزیدگان و عده‌ای از مشاهیر ایران و عرب، امیر مسعود سپهر/ ریحانة الادب، ج ۴، ص ۱۲۳.

- معروفترین عالم روحانی ایل زنگنه، مرحوم حجة الاسلام میرزا محمد تقی شیرازی است. وی فرزند میرزا محمد علی و خلف میرزا مجبعلی که بزرگترین فرزند گلشن زنگنه شاعر معروف می‌باشد. میرزا محمد علی پدر میرزا محمد تقی و برادرزاده میرزا حبیب قآنی شیرازی شاعر معروف، از علمای جلیل و امام و پیشوای مسجد نو شیراز بوده است. وی در سامراء در محضر میرزا محمد حسن شیرازی (میرزای بزرگ) شاگردی نموده و میرزای ثانی لقب یافته است.

پس از درگذشت آقا سید کاظم یزدی در هیجدهم رجب ۱۳۲۷ هجری قمری، میرزا محمد تقی شیرازی به پیشوایی شیعه برگزیده شد، او برای استقلال عراق اقدامات مؤثری فرمود، میرزا نه تنها در دانش و فقاهاست از بزرگان روزگار خود بود، بلکه در اخلاق نیز مردی وارسته و کم‌نظیر محسوب می‌شد.

درگذشت او در ذیحجه ۱۳۳۹ ه ق اتفاق افتاد، جسدش را در یکی از حجرات صحن حضرت حسین (ع) به خاک سپردند.^{۲۲۰}

محمد زکی کرمانشاهی

حاج محمد زکی قرمسینی (کرمانشاهی)، وی پدر و مادری سنی داشت، اما خود به تشیع گروید و از عالمان بنام شد، نادر [شاه افشار] او را قاضی عسکر سپاه خود کرد، اما وی را در سال ۱۱۵۹ به قتل رسانید، جزائری می‌گوید: وی را در معسکر آذربایجان دیده و با وی به گفتگو پرداخته است.

[الاجازة الکبیره، ص ۱۴۰] گفته شده که محرک شاه در قتل وی، ملا علی مراد افندی، از سنیان مشاور شاه در امر اتحاد مذاهب اسلام بوده است. [الکوالب المنتشرة، ص ۷۵]

مولا حیدر علی رساله‌ای در اثبات کفر مخالفین نوشته و در برابر آن رساله‌ای با عنوان الرد علی مولانا حیدر علی فی تنجیس غیر الامامی و اخراجهم عن الاسلام، حاج محمد زکی قرمسینی نوشته است.^{۲۲۱}

##PAGE=628##

محمد زمان کرمانشاهی

میر عبد اللطیف خان شوشتری درباره او نوشته است: دیگر از معاریف آن شهر [کرمانشاه] مولانا محمد زمان پیشنهاد بود که به امامت جماعت قیام داشت، به علوم عربیت مربوط و از مقدسین روزگار بود.^{۲۲۲}

شیخ آقابزرگ تهرانی درباره او آورده: از علما و فضلا و موثقین معروف کرمانشاه بود.^{۲۲۳}

محمد علی کرمانشاهی

^{۲۲۰} (۲) - ایل زنگنه، یادداشت‌های خطی استاد محمد حسین جلیلی.

^{۲۲۱} (۳) - تاریخ تشیع، ص ۸۱۵

^{۲۲۲} (۱) - تحفة العالم، ص ۱۷۸.

^{۲۲۳} (۲) - طبقات اعلام الشیعه: ۶ / ۲۹۳

از مصنفات اوست: ۱- مشکاة العارفین (در یک مقدمه و پنج شعله است که هر شعله نیز به پنج اشعه تقسیم شده است)
۲- معرفة الائمة (در هفتاد و یک مجلس نگاشته شده است) وی هردو کتاب را به نام ناصر الدین شاه نوشته است.^{۲۲۴}

محمد نجف واعظ کرمانشاهی

از علماء صاحب تصنیف که کرمانشاهان از وی مطاع فضل خرید و هوای خراسان وری کرد و بلندآوازه گردید گرچه تا زمان تألیف زندگانی سردار کابلی برای اکثر خواص این دیار ناشناخته بود، استاد کیوان سمیعی درباره وی می‌نویسد:

حاج محمد نجف کرمانشاهی از علماء و فضلاء بوده که به کار وعظ و منبر اشتغال داشته سال‌ها پیش از مظلوم به مشهد رفته و در همانجا فوت کرده بوده است، من از علماء معمر و فضلاء و صاحبان ذوق مشهد که او را دیده بودند وصفش را شنیده بودم و چون در آغاز جوانی از کرمانشاه بیرون رفته و دیگر بازنگشته بوده در کرمانشاه شناخته نبود ولی در اصفهان و مشهد شهرت داشت.

مرحوم میرزا عبد الرحمان مدرس در «تاریخ علماء خراسان» صفحه ۱۱۲ تا ۱۱۴ بدینگونه او را معرفی کرده است: العالم الاجل الاشرف الذی هو فی بحار الفضائل درة الصدف، مولانا الحاج محمد نجف، ثواه الله من الجنة غرفا یالها من غرف، محدثی فاضل و فقیهی کامل، مولد شریفش بلده کرمانشاهان. گوید: در اوائل حال مشغول کسب بوده در سن جوانی به زیارت مشهد مقدس تشرف جسته و از برکت مجاورت آستان قدس به شوق تحصیل افتاده در اندک زمانی ترقی‌های بی‌پایان حاصل نموده، فقه و اصول و درایت و اخبار و تفسیر و رجال را تکمیل نمود، از ریاضیات و الهیات بهره وافر برداشت، مدتی لباس کسوت پوشید قدم در طریقت گذاشت، مشغول سیاحت بلاد و سیر حالات عباد شد چندین مرتبه حج بیت الله الحرام گزارد و به ادراک زیارت حضرت رسول (ص) و ائمه اطهار فائز آمد. چندی در اصفهان توقف به هم رسانید عازم تهران و پس از زمانی قاصد خراسان گردید و تا آخر عمر مجاورت گزید، در ضبط اخبار و حفظ احوال رجال همی کوشید، مشربش به طریقه اخباریین نزدیک بود و سن شریفش از نود سال تجاوز نمود، در سال هزار و

##PAGE=629##

دویست و نود و دو (قمری) به رحمت ایزدی پیوست و در یکی از رواق اطراف حرم مطهر مدفون گشت.

کتبی که آنجناب تصنیف فرموده از این قرار است: (تنقیح المرام فی علم الکلام) کتاب (خلاصة الانساب) کتاب (غناء الادیب عن فهم مغنی اللیب) کتاب (خلاصة العروض) کتاب (الحدیقه فی علم قیافه) (کشف الغوامض فی علم الفرائض) (شرح خطبة الزهرا) سلام الله علیها (شرح دعای کمیل) (شرح جوشن) (شرح دعای صباح) (شرح شرایع الاسلام) کتاب (جامع الاحادیث) و مسودات دیگر نیز هست و بیشتر تصانیف او رسائل و مختصر است رحمة الله تعالی.

انتهی بعبارة. ^{۲۲۵}

^{۲۲۴} (۳) - الذریعه: ۱۵ / ۳۱۹، ۱۶ / ۸۹

^{۲۲۵} (۱) - زندگانی سردار کابلی، ص ۲۵۰ - ۲۴۹.

(تصویر شماره ۱۴۷)

آیت الله آقا سید حسین معصومی

(تصویر شماره ۱۴۸)

حجة الاسلام و المسلمین آقا سید محمود

معصومی لاری

آیت الله آقا سید حسین معصومی لاری فرزند مرحوم آقا سید حسن بن سید معصوم موسوی لاری در حوالی سالهای ۱۳۱۲-۱۵ قمری به روز بیستم ماه جمادی الثانی (ولادت حضرت زهرا) سلام الله علیها در لارستان فارس متولد گردید.

آقا سید ناصر میبدی درباره حاج محمد نجف کرمانشاهی و اختلاف اقوال درباره ایشان آورده اند که، مرحوم محمد حسن خان مراغی (اعتماد السلطنه) ملقب به «صنیع الدوله» متوفی ۱۳۱۳ هـ ق [وزیر دار الترجمة و انطباعات ایران در عهد ناصر الدین شاه قاجار؛ در کتب المآثر و الآثار و مطلع الشمس مولانا محمد نجف واعظ کرمانشاهی را به اشتباه چنین توصیف نموده است:

الف- المآثر و الآثار: مولانا محمد نجف مشهدی اصلاً کرمانی بود و مشرب عرفان و طریقه اخباریان داشت در يك هزار و دویست و نود و دو مجاورا به مشهد مقدس درگذشت.

ب- مطلع الشمس: مولانا الحاج محمد نجف، اصلاً از کرمان است. فقیهی عارف مشرب و اخباری مذهب بود در هزار و دویست و نود و دو به مشهد مقدس مجاورا درگذشت.

بنابراین مبنا علامه سید محسن امین در کتاب اعیان الشیعه و شیخ آغابزرگ طهرانی در مجلدات الذریعه الی تصانیف الشیعه که هردو کتاب های اعتماد السلطنه از ماخذ آنها بوده واعظ کرمانشاهی را محمد نجف کرمانی ضبط نموده اند.

با رخصت از اهل ادب اگرچه ما را حدی نیست اما در این بیان به چند دلیل قول فوق را رد می نمایم:

اولا- بنابر قول مورخ و دانشمند گرانقدر معاصر استاد بزرگوار و شیخ اجازه حقیر مولانا علامه محمد باقر ساعدی دامت برکاته.

کتاب تاریخ علمای خراسان تألیف میرزا عبد الرحیم مدرس از جمله مأخذ و مدارک کتاب مطلع الشمس اعتماد السلطنه می باشد و اعتماد السلطنه در توصیف مرحوم مدرس و تاریخش آورده است: تاریخی ملیح در احوال رجال متأخرین خراسان نگاشته و به این خدمت لائق که در احیا آثار و تخلید مآثر علما دویست و اندی ساله آن مملکت پرداخته است بر کافه متأخرین و بیوتات سلاسل سلف حق عظیم اثبات کرده شکر مساعی جمیله وی بر جمله واجب است ... پس بنابر قول حقیر احتمال آن می رود که با کاتب در نوشتن اشتباهها کرمانشاه را کرمان نوشته یا آنکه اشتباه و سهو قلم از خود مؤلف بوده، یا آنکه چون صاحب ترجمه مولانا محمد نجف کرمانشاهی مسلک اخباری داشته و کرمان خصوصاً در آن زمان مرکز شیخیه و اخباریون از عرفا بوده گمان برده است که از کرمان باشد و احتمال دیگر شاید دلیلی داشته بر این امر که متأسفانه ذکر نکرده است.

ثانیا- قول میرزا عبد الرحیم مدرس به صواب نزدیکتر است زیرا مرحوم مدرس صاحب ترجمه مولانا محمد نجف واعظ کرمانشاهی را در مشهد مقدس درك نموده و يك سال قبل از وفات واعظ کرمانشاهی یعنی سنه ۱۲۹۱ به منصب مدرسی اول آستان قدس رضوی (ع) نامزد شده و در مدرسه فاضلیه به تدریس می پرداخته و با اکثر علمای به نام وقت در رفت و آمد بوده است. و بنابر فرموده علامه ساعدی دامت برکاته: مولانا محمد نجف کرمانشاهی از کسانی بوده که مؤلف تاریخ علمای خراسان، درك حیاتش را نموده و در اوایل و اواسط کار (تألیف علمای خراسان) وفات یافته و قریب به ۱۳ سال معاصر مولانا محمد نجف واعظ کرمانشاهی بوده است. ضمناً کتاب تاریخ علمای خراسان را در سنه ۱۲۹۴ به انجام رسانیده که قریب به فوت واعظ کرمانشاهی می باشد.

ثالثاً- استاد بزرگوار ما جناب آقای کیوان سمعی (ره) در کتاب زندگانی سردار کابلی ذیل ترجمه مظلوم کرمانشاهی آورده است:

حاج محمد نجف کرمانشاهی از علما و فضلا بوده که به کار وعظ و منبر اشتغال داشته سال ها پیش از مظلوم کرمانشاهی به مشهد رفته و در همانجا فوت کرده بوده است، من از علما معمر و فضلا و صاحبان ذوق مشهد که او را دیده بودند وصفش را شنیده بودم و چون- در آغاز جوانی از کرمانشاه بیرون رفته و دیگر بازنگشته بوده در کرمانشاه شناخته نبود ولی در اصفهان و مشهد شهرت داشت.

(یادداشت های حجة الاسلام آقا سید ناصر میبدی با تشکر)

همه قبیله او عالمان دین بودند، و وی در عرضه علم و تقوی و سیادت پرورش یافت و از ایام صباوت به تحصیل علوم متداول دینیه پرداخت، به ایام نوجوانی مقدمات ادبیات عرب را از صرف و نحو و اشتقاق و ... در محضر آقا سید عبد الحسین موسوی لاری تحصیل نمود و باتفاق ابن عم خویش آقا سید عباس معصومی لاری عازم حوزه مقدسه نجف اشرف گردید و هردو به تحصیل مراجل عالیہ علوم از فقه و اصول پرداختند و از محضر آیات عظام میرزا حبیب اله رشتی، میرزا

##PAGE=631##

نائینی و مرحوم مامقانی موفق به کسب اجازه اجتهاد و تصدی و تدریس گردید، سپس بدستور آیت الله العظمی میرزای شیرازی به اتفاق آقا سید عباس سابق الذکر جهت تبلیغ و تدریس علوم دینیه مأمور کرمانشاه شدند.^{۲۲۶}

و در کنگاور تا دوران متحد الشکلی تصدی امور اسناد و ازدواج و طلاق داشتند و سپس در آن هنگام استعفا نمود. روی به تدریس آورده در کرمانشاه مستقر شدند، هنگامی که به دستور آیت الله العظمی آقا سید ابو الحسن اصفهانی، علمای اعلام کرمانشاهان اقدام به تأسیس مدرسه علمیه نمودند، آقا سید حسین معصومی از مؤسسين و مدرسين مدرسه علمیه مزبور بودند و در کنار آیات، حاج شیخ هادی جلیلی، حاج سید محمد میبدی، حاج شیخ حسن علامی و ... برای نشر علوم اسلامی جد بلیغ داشتند، این مدرسه در آغاز از بودجه شخصی علماء و سپس از وجوهات ارسالی آیت الله العظمی آقا سید ابو الحسن اصفهانی اداره می‌شد.

علاوه بر تدریس، آثاری در زمینه‌های ضروری علوم اسلامی از مرحوم آیت الله آقا سید حسین معصومی به یادگار مانده است از جمله:

۱- رساله المنیه فی حرمت حلق اللحیه

۲- رساله فواید حسینیة فی رد شبهات نصرانیة

۳- رساله مفتاح تفاسیر و کشف الآیات (چاپ شده)

آیت الله آقا سید حسین معصومی؛ علاوه بر اجتهاد و ترک تقلید از سوی آیات عظام، آقا سید ابو الحسن اصفهانی و حکیم و بروجردی رحمه الله علیهم اجمعین تصدی در امور شرعی و حسبیة داشتند و وکیل تام الاختیار در امور مزبور بودند و نظر به اعتناء و اعتقاد اهالی به ایشان و زهد و تقوی و تدریس در ارجاع وجوهات و انجام خیرات و صالحات باقیات در کرمانشاه پیشقدم و مشارالیه بین الاقران بودند و در احداث و بنای مساجد متعدد و تعمیر و تکمیل تکایا و حسینیة‌ها و خرید منزل برای طلاب و ائمه جماعات جد بلیغ داشتند.

^{۲۲۶} (۱) - برای پایه علمی و فقهی آقا سید عباس همین بس که از مشایخ اجازه علامه سردار کابلی بوده و همچنین؛ مرحوم آقا سید عباس معصومی لاری صاحب رساله احکام عملیه محظوظ بوده است، آقا سید عباس پس از عمری تدریس و تبلیغ در کرمانشاه در اردیبهشت ۱۳۰۹ شمسی درگذشت و در گورستان (قبر آقا) بخاک سپرده شد. رحمه الله علیه.

از نشانه‌های بارز شخصیت دینی و اجتماعی ایشان تألیف بین قلوب اهل علم بود که علی الدوام در ایام حیات موجب اجتماع علما و دیدار آنان و طرح مباحث علمی و مذهبی و تشکیل مجالس با حضور آن بزرگواران بود. رحمة الله علیهم اجمعین.

آیت الله آقا سید حسین لاری در روز عرفه (عید قربان) در سال ۴-۱۳۳۳ در کرمانشاه برحمت ایزدی پیوست و بطور امانی در گورستان (قبر آقا) بخاک سپرده شد و سپس به وادی الاسلام نجف اشرف انتقال داده شد.

سلسله روحانیت در بازماندگان این مرحوم منقطع نشد از جمله فرزندان ایشان، حجة الاسلام و المسلمین حاج سید جعفر معصومی لاری متولد آذر ۱۳۰۹ شمسی در کرمانشاه از اوان صباوت به

##PAGE=632##

تحصیل علوم دینیہ پرداخت و مقدمات و ادبیات را از محضر آقا سید محمود معصومی لاری فرزند مرحوم آقا سید عباس سابق الذکر فراگرفت، و فقه و اصول را به مدت دوازده سال در مدرسه علوم دینیہ کرمانشاه از افادات آیت الله حاج شیخ شجاع الدین جلیلی و حاج شیخ عبد الجواد امام سدهی بهره‌مند گردید، اکنون (۱۳۷۸ شمسی) در تهران از خطبای صاحبنام و ائمه جماعات بشمارند، دیگر حجة الاسلام آقا سید مسعود معصومی لاری نواده آیت الله آقا سید حسین و فرزند بازرگان نیکنام آقا سید صادق معصومی لاری که در بلده طیبہ قم به تحصیل علوم دینیہ اشتغال دارند و همچنین حجة الاسلام و المسلمین حاج سید مجتبی معصومی لاری نواده دیگر و فرزند شادروان آقا سید حسن که در کسوت اهل علم می‌باشند و نیز حجة الاسلام و المسلمین آقای صادقی همشیرزاده آقایان معصومی و از روحانیون بشمارند.

##PAGE=633##

موسی بن جعفر کرمانشاهی

معزی الیه بعد از اتمام مقدمات و سطوح نزد علمای بنام کرمانشاه هجرت به عتبات عالیات نموده و در جوار حائر حسینی (ع) برای اكمال مبانی اصول و فقه و معارف عالیہ خوشه‌چین محضر آیات عظامی همچون علامه تحریر آیت الله العظمی حاج سید علی بن محمد علی میبیدی [متوفای محرم ۱۳۱۳ ق، ۱۲۷۴ خ، ۱۸۹۵ م] و علامه تحریر آیت الله العظمی حاج سید محمد حسین شهرستانی [متوفای ۱۳۱۵ ق، ۱۲۷۶ خ، ۱۸۹۷ م] گردید. اساتید معظم آن بزرگوار از شاگردان برجسته شیخ الفقها و المجتهدین شیخ محمد حسین فاضل اردکانی قدس سرهم [متوفای ۱۳۰۲ ق] بوده‌اند که حضرت شیخ هردو را به نیکی ستوده و در اجازه‌ای که برای علامه میبیدی در اجتهاد و روایت تقریر نموده‌اند بعد از ذکر شش خط لقب و تجلیل از او اشاره کرده است که او سرآمد شاگردان من می‌باشد نسخه اصل این اجازه که چهار صفحه است موجود می‌باشد. موسی بن جعفر کرمانشاهی به غیر از دو استاد بزرگوارش چند سالی نیز از محضر علامه تحریر آیت الله العظمی حاج سید اسماعیل صدر [متوفای جمادی الاولی، ۱۳۳۷ ق] که بعد از فوت استاد معظم خود میرزای شیرازی صاحب فتوای تنباکو برای تدریس از سامرا به حائر حسینی (ع) هجرت کرده بود (سال ۱۳۱۲ ه ق) کسب فیض

نموده است. تذکرا اگر چه علامه امین در کتاب اعیان الشیعه در ردیف اساتید آن بزرگوار نامی نیز از سید محمد علی شهرستانی فرزند خلف علامه شهرستانی برده است این نکته بعید است و قابل تأمل.

مجتهد کرمانشاهی جزو مشایخ اعلام بنامی همچون علامه تحریر آیت الله العظمی حاج سید شهاب الدین مرعشی نجفی و علامه تحریر آغابزرگ تهرانی صاحب کتاب الذریعه و غیره رضوان الله تعالی^{۲۲۷} علیهم اجمعین می باشد و خود از طریق اساتید مذکور روایت می کند از ملا محمد حسین فاضل اردکانی و او از عم خود مولانا محمد تقی اردکانی و او از سید الفقها و المجتهدین مولانا محمد باقر شفتی (حجت الاسلام مطلق) و او از مشایخ معظمی همچون مولانا شیخ جعفر کاشف الغطاء، سید محسن علامه اعرجی، سید العلما مولی علی صاحب ریاض و فقیه قمی صاحب قوانین و این مشایخ عظام همگی روایت می کنند از علامه کل وحید بهبهانی و او از پدرش مولانا محمد اکمل و او از علامه مجلسی به طریقی که معروف است در کتب رجالیه.

از تألیفات برجسته آن بزرگوار می توان:

۱- تحقیق الاحکام در فقه که علامه تهرانی آنرا به خط مؤلف دیده و در مجلد سوم ص ۴۸۱ الذریعه فهرست نموده است.

۲- شرح تبصره المتعلمین فی احکام الدین تألیف شیخ جمال الدین ابی منصور الحسن بن سدید الدین یوسف بن علی بن المطهر حلی (علامه حلی)، کتاب تبصره از متون فقه اسلامی به گونه فتوایی دوره ای و مختصر است از اول بحث طهارت تا آخر مباحث دیات این کتاب از کتب درسی

##PAGE=634##

مبادی فقه تشیع بوده که قریب به چهل شرح بر آن نوشته شده است که در میان آنها شرح های برجسته ای از علامه محمد بن عاشور کرمانشاهی، ملا محمد مهدی بن محمد محسن فیض مهدوی کرمانشاهی و صاحب ترجمه مجتهد کرمانشاهی به چشم می خورد. شرح مورد نظر از اول کتاب تا آخر احکام مشکوک می باشد که در کتابخانه حجت الاسلام و المسلمین حاج سید عباس کاشانی در کربلا موجود است.

۳- کتاب الطهارت این کتاب از اول احکام وضو الی آخر خلله بوده که میرزای شهرستانی در ۲۰ ع ۱- ۱۳۱۲ ه ق بر آن تقریظی نوشته است و نسخه اصل آن در کتابخانه کاشانی مذکور موجود است.

۴- اللقطات این کتاب تقریرات بحث استادش علامه حاج سید اسماعیل صدر رضوان الله علیهما اجمعین بوده و اصل آن نیز در کتابخانه کاشانی مذکور موجود است.

۵- گویا آن بزرگوار کتابی نیز در مباحث منطق داشته اند بنابر نوشته بعضی از اصحاب رجال.^{۲۲۸}

^{۲۲۷} (۱) - کیهان فرهنگی، سال سوم، بهمن ماه ۱۳۶۵، شماره ۱۱، ص ۲۵.

^{۲۲۸} (۱) - صحبت های حجة الاسلام آقا سید ناصر میبیدی.

حالات روحی و معنوی او را سید محسن امین در مجلد ۱۰ چاپ جدید اعیان الشیعه که به سال ۱۴۰۳ هـ ق در مطبعه دار التعارف للمطبوعات بیروت به چاپ رسیده است متذکر و به نیکی یاد نموده است، تاریخ تولد این بزرگوار مشخص نیست اما وفات او به سال ۱۳۴۰ هـ ق در حائر حسینی بوده و در آنجا مدفون است.

(تصویر شماره ۱۴۹) حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا حسن ممدوحی

##PAGE=635##

ممدوحی کرمانشاهی

بارها از بعضی طلاب فاضل و تلامذه حوزه علمیه قم، سخن و یادمان یکی از مدرسین فاضل معقول را که از اهالی کرمانشاه و در آن آستانه مبارکه به افاده علوم دینیّه اشتغال دارند، می شنیدم و آرزوی شناسایی و معرفت احوال آنجناب را داشتم که به مصداق جوینده یابنده است؛ سعادت درک و آشنایی ایشان را یافتم و به یاد سخن صائب افتادم که گفت:

بیگانگی نگر که من و یار چون دو چشم همسایه ایم و خانه هم را ندیده ایم

او؛ حاج میرزا حسن ممدوحی فرزند مرحوم حاج محمد حسین ممدوحی کرمانشاهی زاد الله فی اکرامه، بود، جناب حجة الاسلام و المسلمین حاج میرزا حسن ممدوحی، به سال ۱۳۱۸ شمسی در کرمانشاه متولد شد، پس از اتمام تحصیلات متداول در ۱۳۴۰ شمسی عازم قم گردید و به تحصیلات علوم دینیّه روی آورد اگر چه این رغبت نظر به محیط تربیتی و خانوادگی با ذات وی عجین شده بود اما در عنفوان شباب دل از دیار و نزدیکان گسستن و روی به بلادی دیگر نهادن، با سختی های فراوان و به ویژه عکس العمل وابستگان مواجه می شد اما؛ چون به شوق کعبه مقصود گام برمی داشت از نیش و سرزنش، انکاری بدل راه نمی داد و روی به راه نهاد، به منظور تسکین نزدیکان به محض ورود به دیار مقدس قم و سکونت مدرسه حجتیه، پیوسته با اعلام منزل و درس و استاد و همدرسان، موجبات رضایت آنان و آرامش خود را فراهم می ساخت.

اگر چه تربیت و تحصیل اسلامی فرزند آرزوی خانواده بود اما به خاطر حضور در جمع نزدیکان عنایتی به امور اقتصادی وی نگردید تا شاید از اشتیاق وی کاسته شود و به زادگاه خویش بازگردد، اما از آنجا که هرچه خدا خواست همان می شود، گرمی درس و بحث حلقه درس استادان که یکی از اعظام و از تلامذ سیدنا الاستاد علامه طباطبایی بود، او را چنان مست وادی معرفت کرد که، ظواهر و وابستگی را فراموش کرد، به طوری که در طول ایام هفته سخنی غیر ضروری بر زبان او و یارانش جاری نمی شد و ناملایمات امری عرضی و بی تأثیر بودند.

اظهار داشتند که؛ در اولین روزهای پوشیدن کسوت روحانیت، بهترین پوششی که به همراه داشتم به عبا و عمامه ای مندرس تبدیل شد، زیرا هزینه تهیه ای نبود و من که در پوشیدن به حد وسواس مقید بودم یک لاقبا عاشق دایره علم

شدم و یکباره تمامی آن هوس‌ها بریخت و تمام همت‌ها از همه‌جا، متمرکز در نقطه مقصد گردید و کوچکترین توجهی به ظواهر؛ خوراک و پوشاک و ... نماند.

دل سپردن به تحصیل علوم دینی در آن سال‌ها که سیستم حکومت کشور و اداره اوضاع را از جمیع جهات برخلاف اسلام و منطبق بر کفر و دست‌آوردهای غرب مهیا ساخته بود جز از عشق زلال سرچشمه نمی‌گرفت و کار هرکس نبود، استاد حاج میرزا حسن ممدوحی مایه کاری خود را از مرحوم پدرش که شخصیتی اندیشمند و اهل دانش و از معارف کرمانشاه بود، داشت، زیرا مرحوم حاج محمد حسین تحصیلات حوزوی خوبی داشت و در کنار امر تجارت و بازار پیوسته به تحصیل و مطالعه اشتغال داشت و مؤلفات مفید از خود به یادگار گذاشت که از آن جمله دو عنوان منتشر

##PAGE=636##

شده‌اند.

فرزند ارزشمندش نیز به راستی ایام صعب طلبگی را تلف نکرد، پس از طی دوره سطوح عالی و ورود به درس خارج فقه و اصول، گرایش فراوانی به فلسفه و عرفان نظری پیدا کرد و همزمان به فقه و اصول و فلسفه که سه درس اساسی را تشکیل می‌دهند، در هر سه درس شرکت می‌کرد.

با گذراندن هفت سال دوره درس اصول حضرت آیت الله شیخ هاشم آملی و پانزده سال خارج فقه حضرت آیت الله العظمی گلپایگانی دیگر احساس نیاز به شرکت در دروس نداشت، در تحصیل فلسفه پس از طی دوره منظومه سبزواری، به درس اسفار، نابغه عصر علامه دهر یگانه علم و عمل آیت الله العظمی طباطبایی حضور یافت، اما پس از مدتی حضرت علامه دروس رسمی را تعطیل فرمود، ولی درس‌های غیررسمی برای عده‌ای از افاضل در منزل خود و یا جلسات سیار در منزل دوستان اهل علم برگزار می‌فرمود که بیش از دوازده سال در آن جلسات که معمولاً رمزهای تحقیق بود، آقا میرزا حسن حضور می‌یافت. عشق به علم و باطن خروشان این عالم محقق و جستجوگر به غواصی در بحر مزبور تسلی نمی‌یافت و دوره بقیه اسفار و نیز الهیات شفا در فلسفه و فصوص الحکم در عرفان را در محضر آیت الله جوادی آملی و نیز مصباح الانس و تمهید القواعد صائن الدین بن ترکه در عرفان نظری را در خدمت آیت الله حسن‌زاده آملی گذراند؛ البته مباحث عرفان نظری پس از گذراندن دوره‌های فلسفه مشاء و متعالیه میسور است که فاصله آن از فلسفه در حد فاصله منطق از فلسفه است.

آقا میرزا حسن ممدوحی از نخستین سال‌های ورود به حوزه، به تدریس اشتغال داشت و به طور مرتب از ادبیات؛ اعم از صرف و نحو و علوم بلاغی تا مباحث اصولی و فقهی و کلامی و فلسفی و عرفانی را تدریس نموده و بعضی متون را مانند؛ کفایة الاصول و رسائل و اشارات و شرح منظومه را مکرر به بحث گذاشته‌اند.

ایشان اکنون به تدریس خارج فقه، اسفار، و بعض از کتب فن عرفان نظری اشتغال دارند و دارای تألیفات متعددی از جمله؛ شرح صحیفه سجادیه- رساله‌ای در انسان‌شناسی علم امام- رساله‌ای در تقیه و ... می‌باشند که هنوز چاپ و منتشر نشده‌اند ولی رساله‌ای به نام (حکمت حکومت) در زمینه ولایت فقیه و دفع اشکال‌های متوهمه دارند که در مراحل طبع و نشر است. کثر الله امثالهم.

ائمہ جمعہ کرمانشاہ از عہد زندیہ تا عصر حاضر

۱- آیت اللہ حاج شیخ عبد الجلیل کرکوکى زنگنه

۲- آیت اللہ آقا محمد علی بهبهانی کرمانشاهی، متوفی ۱۲۱۶ ه ق

۳- آیت اللہ آقا محمد جعفر آل آقا، متوفی ۱۲۵۷ ه ق

۴- آیت اللہ آقا عبد الله آل آقا، متوفی ۱۲۸۹ ه ق

۵- آیت اللہ آقا اسد الله آل آقا، متوفی ۱۳۲۴ ه ق

۶- آیت اللہ آقا ابو علی آل آقا، متوفی ۱۳۵۷ ه ق - ۱۳۱۷ شمسی.

##PAGE=637##

۷- حجة الاسلام آقا قاسم آل آقا، متوفی ۱۳۱۷ ه ق - ۱۳۲۰ شمسی.

برگزاری نماز جمعہ تا پیروزی انقلاب اسلامی متوقف بود تا

۸- آیت الله اشرفی اصفهانی نماینده ولی فقیه و امام جمعہ کرمانشاہ شد. و در ۲۳ / ۷ / ۱۳۶۱ به شہادت رسید.

۹- آیت الله احمد جنتی، قلبی به امامت جمعہ کرمانشاہ منصوب گردید.

۱۰- آیت الله موحدی کرمانی در ۲۷ / ۸ / ۶۱- دوم صفر ۱۴۰۳ به عنوان امام جمعہ و نماینده ولی فقیہ در کرمانشاہ منصوب گردید.

۱۱- آیت الله حاج شیخ محمد حسین معصومی زرنندی ۲۲ رمضان ۱۴۰۵ ه ق به عنوان نماینده ولی فقیہ و امام جمعہ کرمانشاہ برگزیده شد کہ تاکنون (۱۴۲۰ ق - ۱۳۷۸ شمسی) امامت ایشان ادامه دارد.

##PAGE=638##

سادات شیعی کرمانشاہ قضات محلی شیعی

##PAGE=639##

(تصویر شماره ۱۵۰) نشسته از سمت چپ؛ کودک حاج سید معین پسر معاون - سید محمد شیرازی معاون الذاکرین، (نشسته در وسط بر صندلی) سید اکبر اشرف الواعظین، (نشسته) سید اصغر شاہ برادر سید اکبر شاہ.

ایستاده- از چپ به راست؛ سید محمد عماد الواعظین معروف به عماد شیرازی کارمند بعدی قند و شکر ۲- برادرزاده آقای اشرف ۳- لسان الواعظین فرزند اشرف الواعظین ۴- سلطان الواعظین فرزند اشرف الواعظین ۵- صدر المحققین خواهرزاده اشرف الواعظین ۶- آقا محقق (قاضی بعدی دادگستری) ۷- برادرزاده آقای اشرف

ایستاده- ردیف آخر از راست؛ ۱-؟ ۲- سید ناصر شیرازی معروف به ناصر اشرافی نواده دختری آقای اشرف ۳- آقا حسین شیرازی (دکتر شیرازی دامپزشک بعدی) ۴ و ۵- (?) از همین خانواده هستند.

##PAGE=640##

سادات شیرازی

در یک‌هزار و پنجاه سال قبل حضرت محمد عابد فرزند بزرگوار حضرت ابا ابراهیم موسی ابن جعفر (ع) که در علم و تقوی برجسته اهل زمان بوده، جهت تبلیغ دین و مذهب از حجاز به ایران مهاجرت نموده و در شیراز اقامت فرمودند و تشیع اهالی فارس از برکات تبلیغات آن حضرت و اولاد امجاد او می‌باشد.

بقعه و بارگاه ایشان مطاف اهالی است؛ این بقعه معروف به سید میر محمد است و بعد از وفات آن حضرت فرزند محترمشان، حضرت ابراهیم مجاب به این خدمت بزرگ مشغول و پیوسته در مدت هزار سال این خاندان جلیل که از نژاد پاک آل رسول می‌باشند بر منبر تبلیغ و هدایت برقرار بوده و خدماتی بزرگ در نشر حقایق و ظهور عالم تشیع در آن صفحات نمودند تا در اواخر سلطنت محمد شاه قاجار مرحوم آقا سید حسین شیرازی (طاب ثراه) که بیست و دومین فرزند حضرت محمد عابد بودند؛ به تهران [آمده] و آنجا را مرکز تبلیغات قرار داده و منبر و وعظ و تبلیغ را برقرار نموده است.

از آخر سلطنت ناصر الدین شاه ریاست این خاندان جلیل به جناب ناصر الاسلام و المسلمین مرحوم آقا سید اکبر شاه اشرف الواعظین (طاب ثراه) منتقل و مورد توجه عموم بوده تا در سنه ۱۳۲۷ ه ق موقعی که از عتبات عالیات مراجعت به ایران نمودند، اهالی کرمانشاهان که همیشه خدمتگزار دین و مذهب و علم و عالم بوده‌اند، تقاضای توقف ایشان را نمودند، محض خدمت و اداء وظیفه اجابت دعوات اهالی را نموده و در تمام مدت اقامت در این شهر وجود ایشان درس علم و عمل و ثبات قدم و استقامت در راه حق بود تا در بیست و یکم شعبان سال ۱۳۲۵ شمسی به رحمت ایزدی پیوست. جنازه ایشان به عتبات عالیات حمل و در جوار قبر مقدس حضرت امام حسین دفن گردید، آقا سید اکبر شاه در آغاز جلوس رضا شاه، بر علیه او به اقداماتی دست زد و مدتی به کنگاور و قصرشیرین تبعید گردید، و در بازگشت از تبعید گوشه انزوا اختیار کرد، تا درگذشت.

فرزندان او یکی آقا سید اسماعیل لسان الواعظین در کرمانشاه معروف به (آقا لسان) و دیگری آقا سید محمد سلطان الواعظین شیرازی؛ از وعاظ طراز اول تهران بودند.^{۲۲۹}

سادات موسوی اجاق (میان دربند)

^{۲۲۹} (۱) - سالنامه کرمانشاه ۱۳۲۵، ص ۶۴ / دیوان غیبت، ص ۲۷۲، تاریخ مفصل کرمانشاهان ج پنجم، ص ۷۴۲ - ۷۴۱.

خاندان موسوی اجاق از سلسله سادات سامره که در اوان سلطنت محمد شاه قاجار (۱۲۶۴ - ۱۲۵۰ ه ق) جد سادات مزبور (سید حیدر موسوی) از بغداد به منطقه شک میدان کلهر مهاجرت نموده است، به سبب زهد و پرهیزگاری و تقوی و انتساب به ائمه اطهار مورد توجه و احترام اهالی قرار می‌گیرد و در محل مزبور به ساختمان تکیه‌ای اقدام می‌نماید، من بعد زیستگاه گرمسیری سید حیدر و من تبع او تکیه شک میدان در دامنه شیاکوه گیلان غرب بوده که به مبلغ چهل تومان

##PAGE=641##

خریداری و مقر گرمسیری خود قرار می‌دهند، ساکنان منطقه و اهالی با تقدس و احترامی خاص بدان مقام می‌نگریستند و هنوز نیز پس از قریب یکصد و پنجاه سال قمری، ایلات کوچ‌رو تربت اجاق تکیه شک میدان را برای حفاظت رمه و حشم مبارک دانسته در مسیر کوچ به عنوان تبرک بر می‌دارند.

پس از سید حیدر فرزندش سید کلبعلی معروف به شیخ کلبعلی، به دینور کوچ می‌کند و در روستای خلیل اله ساکن شده، کرامات و خوارق عادات از وی نقل می‌نمایند، از جمله آب را به مصرف سوخت چراغ رسانیدن و ... چشمه شیخ در محل مزبور از یادگارهای اوست.

سید زین العابدین فرزند شیخ کلبعلی نیز همانند، پدر مورد احترام و تقدس اهالی منطقه بوده است، تا آنکه دوره ریاست خاندان مزبور، به آقا سید صالح اجاق می‌رسد، وی زاهدی خداترس و سیدی مبارک و صاحب نفس که اهالی از هرسو برای رفع آلام و رفع مشکل ایام روی به تکیه او می‌گذارند.

حبیب الله خان کلیایی؛ بنا به اعتقادی که به ایشان داشته، ملک (وزمله) را برای مقر و مخارج تکیه، به ایشان هبه می‌نماید، بزرگان و خوانین و سردمداران دولتی و نظامی، حریم زیستگاه آقا سید صالح را محترم می‌داشتند و اشاره ایشان در رتق و فتق امور اهالی تأثیر قطعی و بسزا داشت، شادروان سید عبد الکریم غیرت کرمانشاهی، در یادداشت‌های خود به ارادت ایلات و طوایف میان دربند به جناب آقا سید صالح اجاق اشاره دارد.^{۲۳۰}

در آغاز سلطنت پهلوی و انقراض قاجاریه، که استفاده از سیاه چادر ممنوع شد و ایلات کوچ‌رو، تخته قاپی شدند، در میان دربند، تنها سیاه چادر باقی مانده در ارتفاع ورمنجه و وزمله، سیاه چادر آقا سید صالح اجاق بود که بنا به روایات منقول به دستور رضا شاه مأموران از انداختن آن خودداری کردند.

در ایام حیات آقا سید صالح اجاق، وابستگان به آن جناب در باغچه و قطار قشلاق می‌کردند، مهاجرت و حضور این سلسله سادات، در بین عشایر موجب عنایت اهالی و ایلات و طوایف به احکام و آیین دینی و ایجاد ملاذ و محلی برای دادخواهی در اوج سلطه ملوک الطوایفی باید دانست، سال‌هاست که آرامگاه آن حضرت، زیارت‌گاه معتقدان و صاحب‌دلان است، لیالی متبرک و ایام مبارک مراسم مذهبی در محل مزبور برگزار می‌شود، اهالی از هرسو با آوردن نذر و نیاز بدان سلاله پاک ائمه هدی متوسل می‌شوند، شب‌های جمعه مقبره آقا سید صالح را زوار در بر می‌گیرند و در ماه محرم و روز عاشورا مراسم عزا و سوگواری خامس آل عبا را در حریم آرامگاهش با خلوص تمام برگزار می‌نمایند.

پس از رحلت جناب آقا سید صالح اجاق (ره) در ۱۳۵۵ ه ق - ۱۳۱۴ شمسی به سن ۷۵ سالگی اهالی میان دربند و توابع و کرمانشاه به بازماندگان آن جناب همچنان اعتناء و ارادت و توجه داشته و

##PAGE=642##

(تصویر شماره ۱۵۱) از چپ آقا سید حشمت الله - آقا سید عزت الله فرزندان آقا سید کریم موسوی اجاق

مرحوم آقا سید کریم که در ۱۸ / ۱۲ / ۵۹ در یکصد و ده سالگی بدرود حیات گفت و اخوانش در مسائل محل مورد رجوع بوده‌اند، نشانگر این واقعیت انتخاب دو تن از احفاد آن بزرگوار در دوره‌های متوالی مجلس شورای اسلامی است.

##PAGE=643##

(تصویر شماره ۱۵۲) حجة الاسلام و المسلمین شادروان سید آیت الله اجاق

اولین شادروان حجة الاسلام و المسلمین سید آیت الله اجاق از سادات عالم این سلسله که در دوران نمایندگی منشاء خدمات ارزنده برای ساکنان منطقه بود، که اجل مهلتش نداد و به همراه همسر و فرزندش در سانحه اتومبیل در دهم آذر ۱۳۷۳ به سن ۴۱ سالگی درگذشت. رحمة الله عليهم و دیگر سید مجتبی اجاق که در حال حاضر (۱۳۷۷ ق) نمایندگی مردم کرمانشاه را در مجلس شورای اسلامی به عهده دارد.^{۲۳۱}

##PAGE=645##

سادات قمشه

سادات محترم قمشه ماهیدشت از سلسله مشهور به تقوی و تشیع و انتساب به خاندان عصمت و طهارت از دیرباز در منطقه کرمانشاهان سکونت داشته‌اند، در تحولات اوایل صفویه به اتفاق سران زنگنه از بین النهرین به حومه کرمانشاه کوچ نموده و سکونت تخته قاپی اختیار کرده‌اند و به نظر می‌رسد که در دگرگونی‌های آن روزگار به تشیع گرایش یافته باشند، زیرا مرحوم سید محمد سعید غیرت در یادداشت خود آورده است: سادات سامره‌ای ماهیدشتی ساکنین روستاهای ماهیدشت (قمشه و غیره) ... چنانکه شنیده‌ام؛ [در اصل] اهل سنت و از سادات فرادوق سامره شمال عراق بوده‌اند که امرای زنگنه به این منطقه دعوت و کوچ داده‌اند و موقوف علیهم موقوفات شیخ علی خان زنگنه در استان مزبور و اطراف بوده‌اند و هم‌اکنون سادات ماهیدشتی بسیارند و همه شیعه‌اند.^{۲۳۲}

سید یعقوب ماهیدشتی شاعر بلندآوازه و هنرمند و موسیقیدان و خوشنویس کرد که در کردستان‌ات اشتها تمام دارد از این سلسله جلیله بوده است،^{۲۳۳} بزرگان سادات قمشه علی‌الدوام تا عصر حاضر از محترمین مورد اعتقاد و اعتناء اهالی و در نظر حکمرانان و امراء معزز و مقبول بوده از آرایش متداول روز میرا و متمایل به انزوا بوده‌اند.

^{۲۳۱} (۱) - مصاحبه با آقایان سید احمد (اشرف)، سید محمود اجاق، زمستان ۷۵، با تشکر از ایشان.

^{۲۳۲} (۱) - کنز العرفان، دیوان حضرت میر محمد صالح الحسینی النعمة اللہی الماهیدشتی، باهتمام محمد علی سلطان، ص ۱۲.

^{۲۳۳} (۲) - ر. ک دیوان سید یعقوب ماهیدشتی، بخط فریبا مقصودی، چاپ دوم، باهتمام محمد علی سلطان

قضات شرع و ائمه جماعت کندوله که به خاندان آخوندها معروفند در عصر پادشاهان صفویه به دینور و در زمان محمد شاه قاجار طی صدور احکام مرسوم به کندوله منتقل شده‌اند. اولین شخصیت این خاندان ملک بیستون نامیده می‌شده و از آن زمان نسل بعد نسل در مقام قاضی شرع و امور ثبت و سند معاملات شرعی تا عصر حاضر انجام وظیفه و خدمت داشته‌اند. فرزندان به نام‌های ملا ناصر، ملا محمد علی، ملا آقا جان، ملا محمد کاظم، ملا خیر الله و ملا حاجی که یکی پس از دیگری در این سمت منسوب بوده‌اند، آخرین فرد این خانواده که به این سمت اشتغال داشت، میرزا زین العابدین بود.

##PAGE=646##

۲۳۵

قضات هرسین (*)

قضات هرسین معروف به طایفه قاضی، آنچه به تواتر از معمرین و اهالی محل استماع شد، از بازماندگان زندیه مهاجر به هرسین بوده که به تحصیل علوم دینی روی آورده و به سابقه سنیه آبایی سال‌های متمادی به سمت قضاوت در هرسین و توابع اشتغال داشته و از سوی حکام و سلاطین به دریافت احکام و فرامین و مقرری معزز بوده‌اند، در منطقه مزبور نافذ القول و با رؤسای ایلات و شهری منسوب به ویژه در نهضت مشروطیت و پس از آن قاضی هرسین در امورات اجتماعی و سیاسی دخالت مستقیم داشته‌اند.

##PAGE=647##

متأخرین عرفاء فلاسفه حکماء

##PAGE=648##

(تصویر شماره ۱۵۳) بدیع الملک میرزا

بدیع الملک

بدیع الملک میرزا فرزند امامقلی میرزا عماد الدوله علاوه بر مقام حکومت و سیاست^{۲۳۴} از دانش اندوختگان و فلاسفه بنام عصر قاجاریه بشمار است مقام علمی او تا بدانجاست که آقا علی زنوزی معروف به استاد الاساتید کتاب بدایع

^{۲۳۴} (*) - برای شناخت مناطق یاد شده در بخش‌های این کتاب به جلد اول جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان رجوع شود.

^{۲۳۵} سلطانی، محمد علی، تاریخ تشیع در کرمانشاه از آغاز تا امروز بانضمام پیشینه اعتقادی در غرب ایران، ۱ جلد، [بی نا] - تهران، چاپ: اول، ۲۰۰۱ م.

^{۲۳۶} (۱) - جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، ج ۴، ص ۳۵۹.

الحکم پاریسی خود را در جواب سؤالات همین بدیع الملک میرزا تألیف نموده و در تهران در سال ۱۳۱۴ هـ ق طبع و منتشر شده است^{۲۳۷}؛ از تألیفات ارزنده این دانشی مرد سیاستمدار کرمانشاهی در فلسفه از (عماد الحکمه) می توان نام برد که در آغاز آن آورده است؛ و بعد: چنین گوید اقل العباد المنسوب الی الموحّدين - رزقة الله سعادة معرفة التوحيد - بدیع الملک عماد الدولة بن عماد الدولة امام قلی بن محمد علی بن فتحعلی شاه قاجار - اسکنهم الله فی غرقات الجنان - که بر أهل معرفت پوشیده نیست که در فنّ حکمت مسئله که اساس معرفت بلکه حقیقت حکمت است، همان مسئله وجود است، که بین حکما و محققین محلّ گفتگو و معنابه است؛ و غالب مطالب دیگر فروع این مسئله هستند. و «رساله مشاعر» از مصنفات خاتم المحققین و اکمل المدققین و صدر المتألهین استاد الحکما و المتأخرین ملا صدرای شیرازی - رحمة الله علیه -

##PAGE=649##

کافیست در این باب بلکه اوفی است از هر کتاب. و این بنده آن کتاب را در خدمت جناب مستطاب عمدة الحکماء و المتألهین و زبدة العلماء المتشرعین المحقق کامل و العارف الواصل آقا میرزا علی اکبر یزدی المدرّس - دام أفضاله - استفاده نمود، و بیانات را جمع و تحریر نموده، و به نظر استاد رسانید و آنرا کتابی نمود موسوم به «عماد الحکمة» به ملاحظه اینکه مسئله مزبوره چنانکه اشاره بدان شد، عماد فنّ حکمت است. و أرجو أن يكون لی أجرا فی الاخرة و تذکارا فی الدنيا.

و اعلم، یا من ينظر الی هذا الكتاب، انّ علم الحکمة واجب لمن كان له قدرة علی التفکر، كما قال أمير المؤمنين و امام الموحّدين علی بن أبی طالب - علیه السلام - «رحم الله امرأ أعدّ نفسه، و استعدّ لرمسه، و علم من أين و فی أين و الی أين.» و قال سقراط أبو الحکم - قدّس سره - ليس حياة العاری عن الحکمة حياة. و قال أفصح الشعراء سعدی شیرازی - علیه الرحمة:

تا نفسی داری و نفسی بکوش

حیف بود مردن بی عاشقی

بار گرانی است کشیدن بدوش

سر که نه در راه عزیزان بود

و لا قصد بالعشق الا العشق الحقیقیّ و معرفة الله و توحیده.^{۲۳۸}

حسن کرمانشاهی^{۲۳۹}

از سال تولد این حکیم محقق آقا میرزا حسن کرمانشاهی بدرستی آگاه نیستیم و لکن به اماره وفات وی به میانه هشتاد و نود سالگی به ۱۳۳۶ هجری قمری، آنرا بین سنوات ۱۲۵۶ - ۱۲۴۶ هجری قمری تخمین می کنیم از دور قمر.^{۲۴۰}

^{۲۳۷} (۲) - شرح حال رجال ایران، ج ۱، ص ۱۸۹ - ۱۹۰.

^{۲۳۸} (۱) - شرح کتاب مشاعر ملا صدر (عماد الحکمه) - ص ۷۵.

^{۲۳۹} (۲) - منوچهر صدوقی سها، تاریخ حکما و عرفاء متأخرین صدر المألهین، صص ۶۰ - ۶۳.

تحصیل و اساتید: قال طهرانی؛ ... ولد فی کرمانشاه فنشاء بها فأخذ الاولیات و مقدمات العلوم عن لفیف من الاعلام و الافاضل ثم هاجر الی طهران فاکمل الثقلیات، فلازم الحکیمید الجلیلین؛ الآقا علی الزنوری و السید ابی الحسن الجلوہ^{۲۴۱}.

اکمال: از دیگر اساتید وی از قمشه‌ای که بگذری علی الظاهر آقا میرزا حسن نوری بوده است پور برومند آخوند ملا علی نوری قدست اسرارهم اجمعین.

آثار: دری که از خواص تلامیذ آن بزرگوار بوده است؛ گوید: از جمله مصنفات او حواشی فراوانی است که بر اسفار و شرح اشارات و شفاء نوشته، تعلیقات شریفش که بر طبیعیات و الهیات شفاست ... تسلط آن مرحوم را بر فهم کلمات شیخ کاملاً می‌رساند^{۲۴۲۲۴۲}

تدریس و محل آن: قال طهرانی: (... حتی برع و اشتهر امره و عین مدرسا فی مدرسة سپهسالار

##PAGE=650##

القديم^{۲۴۴} الشهير بطهران فاستمر علی التدریس بها الی ان توفي^{۲۴۵}

شمایل: حدیث کرد مرا (سها) شیخ الفقهاء الاصولیین آقای لواسانی (طاب ثراه) به پیش از نیم روز شنبه پنجم اردیبهشت چهل و نه که آن بزرگوار قالبی داشت؛ نحیف و عینک بر دیده می‌نهادی.

وفات: سرانجام این بزرگ که بقية السیف حکماء مشاء بود و به روایت آقای داناسرشت صیرفی را از استاد خویش آقای دری (طاب ثراه) تلمیذ وی، تدریس شفاء به طهران بدو منتهی می‌گشت به سال ۱۳۳۶ هجری قمری با عمری میانه هشتاد و نود از این عالم درگذشت و بدان حال چنان در پنجه درویشی بود؛ که روایت آقای لواسانی را بهر کفن و دفن او معطل ماندند تا آقای میرزا مهدی آشتیانی بدان مهم قیام فرمود، قدس الله اسرارهم اجمعین.

لطیفه: کیوان به جایی گوید: که گاهی به حوالی عید، میرزا که اسیر پنجه درویشی بود، از اثاث البیت تدارک عیدی می‌فرمود. با او گفتند: که مقداری از علم خویش به حاج محمد حسن کمپانی بفروشید، گفت: چون شود؟ گفتند: شما می‌شوید بی علم و با پول و او می‌شود بی پول و با علم، فرمود: اگر چنین است، نمی‌فروشم.^{۲۴۶}

که به مردی قدم سپردندی

رحم الله معشر الماضین

کاش این ناکسان بمردندی

باری آنان چو زنده می‌نشوند

^{۲۴۰} (۳) - مجله ارمغان: دوره (۴-۳)، ص ۲۱۳-۲۰۸؛ همان، ص ۶۰.

^{۲۴۱} (۴) - اعلام الشیعه، النجف، العلمیه ۱۹۵۴، ج ۱، ص ۳۷۳؛ همان، ص ۶۱.

^{۲۴۲} (۵) - کنز الحکمه، ج ۲، ص ۱۵۶؛ همان ص ۶۱.

^{۲۴۳} (*) - مجموعه تعلیقات میرزا حسن کرمانشاهی را علامه شیخ آقابزرگ تهرانی در مجلد هفتم الذریعه الی تصانیف الشیعه، ص ۱۰۹ ضبط نموده است.

^{۲۴۴} (۱) - ایزد گشسب نیز گوید: طاب ثراه که فخر الحکماء آقا میرزا حسن کرمانشاهی، در مدرسه سپهسالار قلم درس می‌گفت؛ همان، ص ۹۹.

^{۲۴۵} (۲) - الاعلام، ص ۲۷۳؛ همان، ص ۶۱.

^{۲۴۶} (۳) - کیوان‌نامه، طهران، ۱۳۱۱، ج ۲، ص ۶۹/ همان، ص ۶۹/ همان، ص ۶۱.

شاگردان:

۱- آقا میرزا احمد بن حسن الآشتیانی (۱۳۵۹-۱۳۰۰) قدس سره: تلمیذ تمهید و شرح فصوص و مصباح و الهیات اسفار آقا میرزا هاشم و الهی و طبیعی شفاء و شرح اشارات و سفر نفس و امور عامه و جواهر و اعراض اسفار آقا میرزا حسن [کرمانشاهی]^{۲۴۷}.

۲- آقا سید مرتضی لنگرودی: (عصر پنجشنبه ۱۹ صفر ۱۳۸۳- حوالی ۱۳۰۶) تلمیذ ... اسفار و شرح اشارات و شرح فصوص آقا میرزا محمود و آقا میرزا حسن.^{۲۴۸}

۳- آقا شیخ مهدی امیر کلائی مازندرانی: (...-۱۳۰۲) تلمیذ آقا میرزا هاشم و آقا میر شهاب و آقا میرزا حسن [کرمانشاهی]^{۲۴۹}

۴- آقا احمد بن هادی بن محمود بن محمد علی بن آقا باقر البهبهانی: متولد ۱۲۹۱، تلمیذ آقا میرزا حسن و آقا میرزا هاشم.^{۲۵۰}

۵- شیخ رئیس ابو الحسن میرزا: تلمیذ آقا میرزا حسن [کرمانشاهی]^{۲۵۱}

۶- آقا شیخ عبد الله کجوری: تلمیذ آقا میرزا حسن، افادت سید الفضلاء و الشعراء آقای آقا سید

##PAGE=651##

عبد الکریم امیری فیروزکوهی المتخلص بالامیر دام بقاء من بنده [سها] را.^{۲۵۲}

۷- آقا میرزا حبیب الله بن محمد جعفر ذو الفنون عراقی: (۱۳۶۷- ليله چهارشنبه ۲۱ ذ ق ۱۲۷۸) تلمیذ آقا میرزا حسن [کرمانشاهی]^{۲۵۳}

۸- آقا میرزا لطفعلی صدر الافاضل: دانش تلمیذ آقا میرزا حسن [کرمانشاهی]^{۲۵۴}

^{۲۴۷} (۴)- تاریخ حکما و عرفاء متأخرین صدر المتألهین، ص ۶۷.

^{۲۴۸} (۵)- همان، ص ۶۸.

^{۲۴۹} (۶)- همان، ص ۶۸.

^{۲۵۰} (۷)- همان، ص ۶۸.

^{۲۵۱} (۸)- همان، ص ۶۸.

^{۲۵۲} (۱)- همان، ص ۶۸-۶۹.

^{۲۵۳} (۲)- همان، ص ۶۹.

^{۲۵۴} (۳)- همان، ص ۶۹.

۹- آقای آقا سید ابو الحسن رفیعی قزوینی، (طاب ثراه): متوفای لیلہ دوشنبہ اول محرم الحرام ۱۳۹۵ با عمری دراز، مدفون به قم المحمیه زاده‌ها الله شرفا تلمیذ آقا میرزا حسن کما سمعنا عنه [سها]^{۲۵۵}

۱۰- آقا سید حسین بن السید محمود الطباطبایی القمی: (۱۳۶۶-۱۲۸۲) تلمیذ آقا میرزا حسن [کرمانشاهی]^{۲۵۶}

۱۱- آقا شیخ اسد اله ایزدگشسب گلپایگانی ناصر علی: از مشایخ بعضی از سلاسل نعمۃ اللهیه صاحب رسائل متعدده، تلمیذ آقا میرزا حسن [کرمانشاهی]^{۲۵۷}

۱۲- آقا میرزا فضل الله آشتیانی: (ربیع الاول ۱۳۸۲- جمادی الاول ۱۲۹۸) تلمیذ آقا میرزا حسن [کرمانشاهی]^{۲۵۸}

۱۳- آقابزرگ بن السید ذبیح الله خراسانی: از احفاد سید مهدی شهید متوفای سلخ جمادی الاخری ۱۳۵۵ تلمیذ آقا میرزا حسن [کرمانشاهی]^{۲۵۹}

۱۴- آقا ضیاء الدین الدری الاصفهانی: (۶ ج ۲، ۱۳۷۵-۱۲۹۳) از خواص تلامیذ آقا میرزا حسن [کرمانشاهی]. خود گوید:

(... در علوم عالیہ بیشتر مایل و شائق به علوم عقلیه بودم و لکن به واسطه نبودن استادی که متخصص در این فن باشد (یعنی در اصفهان؟) ناچار در سنه ۱۳۱۹ مسافرت به طهران نمودم. در آن ایام طهران مرکز علمای اعلام و حکماء عظام بود.

من دو ماه در مجلس درس مدرسین حکمت حاضر می‌شدم و از میان آن‌ها رئیس الحکماء و المتألهین و نخبۃ الاساتید و المدققین مرحوم مغفور آقا میرزا حسن کرمانشاهی اعلی الله مقامه را اختیار کردم. الحق حکیمی بود ماهر و فیلسوفی متبحر.)

[کنز الحکمه، ص ۱۵۵]^{۲۶۰}

۱۵- آقا میر سید محمد فاطمی قمی: تلمیذ آقا میرزا حسن [کرمانشاهی]^{۲۶۱}

۱۶- آقا شیخ محمد کاظم تربت حیدری: متوفای ۱۳۲۳ [شمسی]- تلمیذ آقا میرزا هاشم و آقا

##PAGE=652##

^{۲۵۵} (۴)- همان، ص ۶۹-۷۰.

^{۲۵۶} (۵)- همان، ص ۷۰.

^{۲۵۷} (۶)- همان، ص ۷۰.

^{۲۵۸} (۷)- همان، ص ۷۰.

^{۲۵۹} (۸)- همان، ص ۷۰.

^{۲۶۰} (۹)- همان، ص ۷۴.

^{۲۶۱} (۱۰)- همان، ص ۷۴.

میرزا حسن کما سمعنا [سها] عن ولده الاجل العارف المكاشف الشيخ محمد رضاء الربانی ادام الله افاضاته.^{۲۶۲}

کیوان سمیعی

استاد غلامرضا کیوان سمیعی نظر به طی مراحل تحصیل و اندیشه خاص و برداشت تخصصی از علوم فلسفه و عرفان و تصوف و بینش ویژه آن بزرگوار باید در این بخش به بررسی احوال و آثار او پرداخت. شادروان استاد کیوان سمیعی در شرح حال و طی مراتب علمی خود می‌نویسد:

این شرح حال را زمانی می‌نویسم که به هفتاد سالگی رسیده و حاصلم از این عمر طولانی جز نادانی و پشیمانی نیست. اگرچه پیداست کسی که عمری را به باطل گذرانیده و از هفتاد سال زیستن در جهان امروز فقط باد به دست دارد، ترجمه حالش دارای نکات جالب و مطالب آموزنده نخواهد بود که نوشتن آن به خواندنش بیارزد. اما چون با این حال، عزیزی تقاضای نوشتن کرده است که به قول حریری در آغاز «مقامات»: اشارته حکم و طاعته غنم - اشارتش فرمان و قبولش درمانست - لهذا از انجام خواسته او خود را ناگزیر می‌بینم و از آنجا که شرح حال را به تفصیل تمام تقاضا فرموده (تصویر شماره ۱۵۴) کیوان سمیعی

##PAGE=653##

به نوشتن این سطور می‌پردازم، هرچند حاصل آن سیاه کردن روی سفید اوراقی باشد:

تاریخ تولد این بنده - کیوان سمیعی - سال یکهزار و دویست و نود و دو (۱۲۹۲) خورشیدی در شهر کرمانشاه بوده است. هنگامی که به سن رشد و تمیز رسیده بودم بارها از پدر و مادرم می‌شنیدم که می‌گفتند: «پیش از تو دارای دو پسر از دو حمل بودیم که با کمال تأسف یکی در دو سالگی و دیگری در حدود سه سالگی مرد، چون وقوع این حادثه موجب بیمناکی ما شد و پنداشتیم صاحب هرفرزندی شویم در کودکی خواهد مرد، بنابراین به امید توسل به مشهد مقدس رفته چندین شب در حرم حضرت رضا علیه السلام به زیارت و دعا مشغول شدیم، با گریه و استغاثه از خدای مهربان و بخشنده خواستیم پسری به ما عنایت کند و او را از ما نستانند. در آن حرم شریف و مکان مقدس با قاضی الحاجات عهد کردیم و پیمان بستیم که اگر به این آرزو رسیدیم پسر خود را به تحصیل علوم دینی واداریم تا مجتهد شود و به هدایت مردم قیام کند.

این عهد و پیمان را با خدا بستیم و آرزومند به کرمانشاه بازگشتیم. پس از قریب دو سال خداوند تو را به ما مرحمت فرمود و چون با توسل به حضرت رضا خداوند بخشنده این موهبت را به ما ارزانی داشت لهذا نامت را غلامرضا نهادیم».

با این مقدمه که دلالت بر خلوص نیت و ساده‌دلی پدر و مادرم می‌کرده است، من در تاریخ مزبور به دنیا آمدم، دو ساله و سه ساله شدم و نمردم، اما تنها پسر خانواده گردیدم، چون به پنج سالگی رسیدم مرا به دبستان نصرت فرستادند که

مدیرش مرحوم میرزا حاجی آقا مهدوی بود. وقتی به کلاس سوم یا چهارم رسیدم، پدرم بنا به عهد و پیمانی که با خدا بسته بود، معلمی به خانه دعوت کرد که عصرها پس از تعطیل مدرسه «امثله» و «صرف میر» به من بیاموزد.

دیری نپایید که آنها را آموختم و پدرم مرحوم میرزا باقر توحیدی را دعوت کرد که عصرها «عوامل» و «صمدیه» را نزدش بخوانم، هنگامی که دوره دبستان را به پایان بردم، علاوه بر این دو کتاب؛ «کبری» در منطق و «شرح انموذج» در نحو را هم که از کتب مختصر و مقدماتی محسوب می‌شوند، نزد مرحوم شیخ عزیز الله واعظ خوانده بودیم. خداوند هردو را غریق رحمت کند.

نوبت تحصیلات عالیه‌تری رسید، به دبیرستان رفتم و طبق معمول خود عصرها همچنان به فراگیری علوم عربیه اشتغال داشتم و چون می‌خواستم به خواندن شرح سیوطی بر «الفیه» ابن مالک شروع کنم، خدمت حاج آقا محمد میبیدی از علمای مورد احترام و وثوق اهالی کرمانشاه که خانه‌اش نزدیک به خانه ما بود معرفی شدم. تلمذ من نزد او طولانی گردید، پس از شرح سیوطی، حاشیه ملا عبد الله بر «تهذیب» در منطق، قریب به نصف شرح جامی بر «کافیه» ابن حاجب در نحو، «معالم الاصول» و جلد اول «قوانین الاصول» در علم اصول و اکثر «شرح لمعه» در فقه را خدمتش خواندم.

او از استادانی بود که بر گردن من زیاد حق تعلیم داشتند. (رحمة الله علیه و علیهم)

در آن سال‌ها که از طرفی دوره متوسطه را در دبیرستان می‌گذراندم و از طرف دیگر این کتاب‌ها را می‌خواندم، پدرم بار دیگری بر بارهایم افزود. او با اینکه می‌خواست درس عربی بخوانم و مجتهد شوم که - هرگز نشدم - چون در عین حال نمی‌خواست به سلک روحانیان لباس آنان درآیم - خودم

##PAGE=654##

و مادرم هم نمی‌خواستیم - از این رو یک نفر معلم به خانه دعوت کرد که شب‌ها حساب و زبان انگلیسی به من بیاموزد تا آماده تصدی مشاغل دولتی و خدمت در بانک‌ها شوم، او خود نیز اداری و بیش از چهل سال کارمند بانک شاهی بود و به همین سبب به نام «آقا محمد صادق بانک» شهرت داشت.

بدین‌گونه روز و شب درس می‌خواندم تا دوره دبیرستان را به پایان بردم. در این هنگام هفده هیجده ساله بودم و بنا به علاقه و پیشنهاد پدر و مادر ازدواج کردم، ولی اگر با من موافق باشید این کار اندکی زود بود. با اینکه پدرم می‌خواست همان زمان به کار اداری مشغول شوم و ضمناً به خواندن علوم عربی و دینی ادامه دهم خود بر آن شدم فقط دنبال تحصیل علم بروم.

نوزده ساله بودم به قم رفتم. در آن موقع تازه آیه الله سید محمد حجت به قم آمده بود و اوایل کار «رسائل» درس می‌گفت. من با کت و شلوار، در حالی که عبایی به دوش داشتم، در حوزه درس رسائل او حضور یافتم. نزد میرزا محمد علی شاه‌آبادی هم که از مدرسین معروف معقول بود «مبدأ و معاد» ملاصدرا را خواندم. بعد از اقامت در قم که چندان طولانی نبود به کرمانشاه بازگشتم و پس از توقف کوتاهی رهسپار مشهد شدم. در آن شهر مقدس از درس «مطول» شیخ محمد تقی راموز مشهور به ادیب نیشابوری ثانی که از شاگردان میرزا شیخ عبد الجواد ادیب نیشابوری مدرس آستان

قدس بود استفاده کردم، ولی سعادت عمده‌ام تلمذ در خدمت حکیم عالیقدر و وارسته مرحوم آقابزرگ عسگری بود که از حکماء معروف به شمار می‌رفت و در بی‌اعتنایی به زخارف دنیا و پشت پا زدن به هرگونه جاه و مقام کمتر نظیر داشت. وی در آن زمان در منزل خود صبح‌ها و عصرها دو حوزه درس داشت که در یکی شرح خواجه بر «اشارات» و در دیگری «اسفار» را تدریس می‌کرد. پسرش آقا میرزا مهدی نیز که در علم و اخلاق خلف الصدق پدر بود «شرح منظومه» سبزواری را درس می‌گفت.

من به هرساله درس حاضر می‌شدم و مورد مهر این پدر و پسر بزرگوار بودم. بارها مرحوم آقابزرگ به شاگردانش می‌فرمود: فلانی به ماهیت علم بیشتر توجه دارد تا به منافع احتمالی دنیایی آن، وگرنه او هم به لباس ما درمی‌آمد و من خود می‌دانستم با این سخن آن مرد حکیم و عارف علاوه بر تشویق در تحصیل می‌خواهد مرا به سوی عالم حقیقت و معنی سوق دهد. روان پاک خود و فرزندش شاد و یادش گرامی باد.

پس از چندی از مشهد به تهران آمدم و در آغاز ورود با مرحوم شریعت سنگلجی آشنا شدم. او در فن خود مبرز و پرمطالعه بود. هفته‌ای یک شب در مدرسه‌ای واقع در محله سنگلج منبر می‌رفت و بیشتر مسائل علم کلام را مطرح می‌کرد. مطالب منابرش به هم پیوسته بود و برای خواص سخن می‌گفت. بعدها هم که محله سنگلج را خراب کردند، در خیابان فرهنگ دار التبلیغی بنا نهاد و در آنجا به کار خود ادامه داد. به شنیدن بیانات منبریش علاقه داشتم و ضمناً بنا بر انسی که با او و برادرانش - آقا محمد و آقا مهدی - گرفته بودم اکثر روزها وقت عصر به خانه‌اش می‌رفتم و همیشه برادرانش نزد او بودند. دوستی من با آن سه برادر به حدی صمیمانه بود که وقتی در سال ۱۳۲۲ خورشیدی شریعت وفات یافت و در سال بعد به مناسبت نخستین سال درگذشتش خواستند در همان دار التبلیغ

##PAGE=655##

مجلس یادبودی منعقد کنند، آقا محمد فرمود؛ چون در این مجلس به سبب تأثر شدید من نمی‌توانم درباره مرگ چنین برادری صحبت کنم، به پاس دوستی صمیمانه‌ای که با او داشتی از تو می‌خواهم درباره‌اش سخنرانی کنی، ولی آنچه را می‌خواهی بگویی، بنویس که برای چاپ به جراید بدهیم. من این تقاضا را با علاقه پذیرفتم، متن سخنرانی مرا هم در پایان همان مجلس به خبرنگاران جراید داد که در چند روزنامه از جمله روزنامه هفتگی رستاخیز ایران چاپ شد.

در تهران به حوزه درس کسانی که به تدریس فلسفه و حکمت و علم عرفان اشتغال داشتند حضور می‌یافتم. ضمناً با بسیاری از دانشمندان و فضلاء و شعراء و انجمن‌های ادبی آشنا گردیدم. به دیدار حاج شیخ عبد الله حائری (رحمتعلی شاه) و حاج شیخ عباسعلی کیوان قزوینی که پس از سال‌های متمادی همقدمی و همفکری در تصوف، نقیض یکدیگر شده بودند رفتم و با وجود حفظ مراوده گاه‌به‌گاه با مرحوم حائری، با مرحوم کیوان خصوصیتی پیدا کردم که بعدها هروقت به تهران می‌آمدم به دیدارش می‌شتافتم، زمانی هم شرح قیصری بر «فصوص الحکم» محی الدین را نزدش به درس خواندم.

مدت اقامت من در این شهرها جمعا بیش از چهار پنج سال نبود، آن هم به این ترتیب که هر جا بودم، فصل زمستان را به کرمانشاه بازمی‌گشتم و با پدر و مادر و خانواده خود به سر می‌بردم اما در عین حال وقت را بیهوده نمی‌گذراندم و برای کسب علم خدمت سردار کابلی و حاج شیخ حسن علامی و علمای دیگر می‌رفتم.

در کرمانشاه متوجه گردیدم که چشمه فیاض علم و معرفت و انسانیت در زادگاه خودم و در دسترس قرار دارد، در حالی که من از آن غفلت کرده‌ام. این چشمه فیاض وجود علامه عالیقدر، جامع علوم معقول و منقول، ریاضیدان بزرگ حیدر قلیخان سردار کابلی یکی از نوادر روزگار بود. او به چندین زبان آشنایی داشت و افزون بر همه صاحب کمالات انسانی بود. هنگامی که خواستم کتابی نزدش بخوانم زود به این درخواست پاسخ نداد. چند هفته از مطالب کتبی که من آنها را درسی خوانده بودم سؤالاتی می‌کرد و کتاب‌هایی را می‌داد که صفحاتی از آنها را بخوانم، بعد موضوعاتی را که خوانده‌ام تقریر کنم و توضیح دهم. وقتی از بوته این آزمایش - که نمی‌دانم باغش یا بی‌غش بود - بیرون آمدم؛ فرمود: چون می‌خواهی به اصطلاح علوم قدیمه را بخوانی که فی الجمله از آنها آگاهی یافته‌ای، باید اول نکته‌ای را بگویم بعد پیشنهادی به تو کنم؛ اما نکته این است که؛ هریک از علوم و فنون مختلفه که علمای قدیم ما تدوین یا تأسیس کرده‌اند دارای اصول و ضوابط و قواعدیست که هرچه کتاب در آن علم و فن نوشته شده به اجمال یا به تفصیل - بی‌ذکر امثله و شواهد یا با ذکر امثله و شواهد - همان‌ها مورد بحث مؤلفین قرار گرفته است - عباراتناشتی و حسنک واحد - احیاناً مؤلفی هم استنباط جدیدی از آن اصول کرده یا قاعده تازه‌ای بنا نهاده یا فرعی را از اصلی متفرع ساخته است. بنابراین مطالب کتب بسیاری که در هریک از آن علوم و فنون تألیف گردیده همه با هم شباهت دارد و فقط طرز بیان و سلیقه و روش تحریر و تقریر مؤلفین آنها متفاوت می‌باشد.

حال که چنین است؛ پیشنهاد می‌کنم در این علوم هرکتابی را که می‌خواهی نزد من بخوانی، خود

##PAGE=656##

شروع به مطالعه کن و مواردی را که نمی‌فهمی به ذهن بسپار یا یادداشت بردار تا همان موارد کتاب را با هم مباحثه کنیم.

این پیشنهاد را پذیرفتم و اگر چه چند کتاب مانند؛ «سی فصل» خواجه نصیر الدین طوسی در اسطرلاب و شرح قاضی زاده رومی بر «ملخص» چغمینی در هیئت و دو سه کتاب دیگر را از اول تا آخر نزدش خواندم. ولی از آن زمان تا هنگامی که در کرمانشاه اقامت داشتم، یعنی تا سال ۱۳۲۲ خورشیدی کتب بسیاری را در موضوعات مختلفه مطالعه کردم که فقط برای حل مشکلات الفاظ و درک مفاهیم فنی و علمی آنها، به او رجوع نمودم. در هفته، دو بار لااقل به خدمتش می‌رفتم و به ندرت این قاعده به سبب موانعی از جانب او یا من به هم می‌خورد. در اکثر دید و بازدیدها که با اشخاص، مخصوصاً با اهل علم و فضل داشت، اظهار علاقه می‌فرمود من هم حضور داشتم باشم.

روانش شاد و یادش گرامی باد.

در کرمانشاه نزد حاج شیخ حسن علامی «گوهرمراد» لاهیجی و «شرح منظومه» سبزواری و بعضی متون فقه و اصول را خواندم. او از محققین علماء و از جامعین علوم معقول و منقول بود، درکی نافذ و ذهنی وقاد داشت و اگر در یکی از حوزه‌های معارف اسلامی مانند؛ نجف، قم، اصفهان و مشهد به تدریس می‌پرداخت و او را چنانکه بایست اهل فن می‌شناختند، بر بسیاری از مشاهیر علماء حتی مراجع تقلید تقدم می‌یافت. (رضوان الله علیه)

به طوری که پیش از این اشاره نمودم، اگر در آغاز جوانی مانند امروز فکر می‌کردم مصلحت خود و کشور را در آن می‌دانستم که به تحصیل علوم جدیده بپردازم، ولی با اینکه آن روز فاقد چنین تشخیصی بودم، باز چندان ناراضی نیستم

که از میانه علوم و فنون متداوله به فلسفه و ادبیات رغبت فراوان داشتم، هرچند در موضوع فلسفه زود دریافتم که این علم «مانند اکثر علوم و فنون» قرن‌هاست در خاور زمین از حرکت بازایستاده و بیش از هزار سال است که به ندرت حکیم و فیلسوفی توانسته بر گفته‌ها و نوشته‌های ابن سینا مطلب قابل توجهی بیفزاید. بنابراین آگاهی از فلسفه به این نحو که در خاور زمین تحصیل می‌کنند فقط به درد تاریخ علم می‌خورد که بدانند در روزگاران گذشته فلاسفه ما چنین اندیشه‌هایی درباره جهان و طبیعت داشته‌اند. اما همین علم در مغرب زمین، در بین اروپاییان پس از قرون وسطی، به سرعت مراحل پیشرفت را طی کرده و در هرزمان فیلسوفان آنجا آراء تازه و مسائل عمیقی بر آن افزوده‌اند به طوری که بدون آگاهی از آنها کسی آشنا به فلسفه نخواهد شد. نتیجه آنکه امروزه فلسفه را باید از فلاسفه و صاحب‌نظران اروپایی آموخت و به خواندن کتب آنان باید روی آورد تا فلسفه امروز را که شامل عصاره افکار حکمای قدیم و نتیجه آراء دانشمندان ادوار بعد است؛ بیاموزیم. نه تنها فلسفه ابن سینا را تقریباً در هزار سال پیش که آن هم به نوبه خود با تحریقاتی در ترجمه، بیان فلسفه ارسطو در زیادتر از بیست و چهار قرن پیش بوده است و اگر حقیقت را بخواهید، حال علوم دیگر هم که ما می‌آموزیم چنین است، مگر نه این است که در این گونه علوم کتب درسی ما کتبی می‌باشند که چندین قرن متمادی است بنای تعلیم و تعلم ما بر همان‌ها قرار گرفته است؟ آیا مفهوم این امر آن نیست که قرن‌هاست ما چیز تازه‌ای نیاموخته و به

##PAGE=657##

اصطلاح درجا زده‌ایم؟ در حالی که دیگران هرروز پیشروی کرده و با مسائل و موضوعات علمی نوینی آشنا شده‌اند. گویا مصلحت آن باشد که بیش از این وارد معقولات نشوم و در این موضوع به همین اشاره بسنده کرده، به نوشتن بقیه شرح حال مشغول گردم.

مطلبی که مربوط به اوایل عمر من است و آن را موهبتی می‌شناسم که در آن زمان کمتر کسی از همسالانم از آن بهره‌مند بود و به منظور ادای حق پدرم اکنون که مناسبت پیش آمده، آن را سزاوار نوشتن می‌دانم. این است که: او با اینکه از لحاظ مالی و سواد و اطلاعات از اشخاص معمولی و به اصطلاح از طبقه متوسط و اوساط الناس بود، معذالک در تربیت من جدی بلیغ مبذول می‌داشت و با این حال اگر مشاهده می‌فرمایید به جایی نرسیده‌ام، سبب این امر قصور او در تربیت نبوده، بلکه تقصیر من در تحصیل بوده است و شاید هم بیش از این استعداد نداشته‌ام.

از زمانی که به دبستان می‌رفتم، یعنی از پنج سالگی مرا با خود تقریباً به تمام محافل و مجامعی که می‌رفت؛ همراه می‌برد، مانند دید و بازدیدهای خانوادگی، مهمانی‌های دوستانه، مجالس وعظ و روضه، دیدار علماء در روزهای نوروز و اعیاد مذهبی و غیره و غیره، به همین سبب هنوز دهساله نشده بودم که بیشتر علمای بزرگ و وعاظ معروف و بسیاری از طبقات مختلف کرمانشاه را می‌شناختم و آنان نیز مرا می‌شناختند. او تا پیش از ازدواجم با من، با محبت و از آن به بعد با احترام رفتار می‌کرد. زیرا هم یگانه پسر بودم و هم مرا درس خوانده می‌دانست و می‌پنداشت چیزهایی را می‌دانم که او نمی‌داند. نسبت به توانایی خود تا آنجا که خواسته‌هایم معقول بود مرا در مضیقه مالی قرار نمی‌داد. از سن هفده هیجده سالگی به بعد دوستانی از هر طبقه - بلی از هر طبقه - پیدا کردم که در خانه پدر از آنان دعوت و پذیرایی می‌نمودم. مادرم نیز از دل و جان به خدمت میهمانانم بر می‌خاست و چه خوب و بجا بود قطره اشکی را که هم‌اکنون به یاد مهربانی‌های پدر و مادر در گوشه چشمم حلقه بسته است، به عنوان سپاسگزاری می‌توانستم برپای عزیزشان بریزم و بر دستشان بوسه زنم. خداوند روانشان را شاد و از من خشنود گرداند.

برخی از دوستانم پیرمردانی بودند که هرچند تطابق سنی نداشتیم اما توافق روحی بین ما ایجاد انس و علاقه بسیار کرده بود. گل سرسبد آن دوستان عزیز و اهل وجد و حال مرحوم آقا شیخ علی علماء بود که از دانشمندان و عرفای بزرگ به شمار می‌رفت و تا پایان عمر آن مرد آزاده و روشنفکر، مراتب ارادت من و محبت او روزبه‌روز در ازدیاد بود. درود بر روان پاکش.

چنین بود عهد کودکی و آغاز دوره جوانی من که به خوشدلی گذشت، ولی دریغا که روزگار بر یک حالت نماند و از آن پس بسی ناملايمات دیدم و بسی سختی‌ها کشیدم.

لا مَكْتَّ اللَّهُ دُنْيَانَا فَقِیمَتَهَا

لیست تقی عند ذی لت بقیراط

در آن اوقات گاه‌به‌گاه در زندگیم تصادفاتی رخ می‌داد که از وقوع آنها خرسند می‌شدم. مثلاً پدرم چندی مرا به مرحوم حاج میرزا یحیی یزدی سپرد که به من حسابداری دوبل بیاموزد. او در این فن استاد بود و سال‌های دراز در تجارتخانه‌های بزرگ بغداد و کرمانشاه به شغل منشیگری و حسابداری اشتغال داشته و به زبان عربی خوب می‌گفت و خوب می‌نوشت. زمانی که من با او آشنا شدم، در

##PAGE=658##

سرای حاج معین واقع در راسته بازار یهودیان، خود به تجارت اشتغال داشت. چند ماهی هرروز قریب دو ساعت به تجارتخانه‌اش می‌رفتم و به فراگیری فن حسابداری می‌پرداختم. تصادفاً او شاعر هم بود و انواع شعر- مخصوصاً غزل- را خوب می‌گفت. تخلصش غزالی بود و اغلب چند تن از شعرای معروف کرمانشاه به حجره‌اش می‌آمدند و مدتی را با خواندن اشعار خود بسر می‌بردند. من که از پیش تا حدی به اشعار سعدی و حافظ و دیگران خو گرفته بودم با دیدن آنان متمایل به شاعری شدم. از این‌رو، رطب و یابسهای به هم بافتم و جهت اصلاح به آن جمع ارائه می‌دادم. همین امر سبب شده بود که با مرحوم غزالی انس بیشتری بگیرم و بعدها نیز در اوقات فراغت به حجره‌اش بروم، اما مرحوم سردار کابلی مرا تا زمانی که به درس خواندن اشتغال دارم، از شعر گفتن منع فرمود و امر و نهیش برای من متبّع بود. رحمت خدا بر همه باد.

در جوانی، چندی به تصوف و عرفان گراییدم و در پی یافتن انسان کامل و ارباب سیر و سلوک به هرسو شتافتم. می‌توانم ادعا کنم که تقریباً تمام رهبران و اقطاب سلاسل را که در ایران وجود داشتند- اعم از شیعه و سنی- دیدم و از نزدیک با آنان آشنا شدم. دیدار و صحبت برخی برایم مغتنم بود، اما نتوانستم به هیچ یک دست ارادت بدهم، زیرا من تصوف را برای تهذیب نفس می‌خواستم و آقایان مشایخ و اقطاب برای امور دیگر. در کار مریدان که دقت کردم، دیدم ذوق و احساس مشترک بوده است که بیشتر آنها را در یک‌جا به نام فرقه و سلسله گرد آورده است، نه مشاهده خیر و برکت یا کرامت شیخ و قطب! و همین است علت عمده گرایش اکثر مردم به فرقه‌های مختلف و جماعت‌های گوناگون که زاینده غریزه اجتماعی بودن بشر است.

علاوه بر تصوف همواره علاقه داشتم از ادیان و مذاهب و آراء و عقاید علمی و فلسفی تازه و کهنه جهان آگاهی‌هایی کسب کنم. به همین سبب تا آنجا که برایم مقدور بود کتبی درباره فرهنگ‌ها و تمدن‌های اقوام و ملل مطالعه می‌کردم. همیشه می‌کوشیدم مستقیماً از علمای هرکیش و آیینی و صاحبان هرفکر و عقیده‌ای مطلبی اخذ کنم یا از نوشته‌های خود آنها مسأله‌ای را جستجو نمایم، نه از قول و نوشته دیگری راجع به دیگری که اکثر آلوده به افتراء و بهتان است. نتیجه بررسی‌هایم در این باب آن است که فهمیدم اختلافات ادیان و آراء و افکار ارباب ملل و نحل مولود عوامل تاریخی و اقتصادی، شرایط محیط، اوضاع اجتماعی، شدت و ضعف ادراکات و مسائلی از این قبیل است که هیچ یک نباید موجب تعصبات جاهلانه و رد و انکار بیخردانه و دشمنی و ستیزگی و کشت و کشتار افراد بشر گردد.

در جهان هیچ چیز جانکاهتر از این نیست که بر اثر تعصبات جاهلانه صاحب اندیشه‌ای نتواند آنچه را به درست یا به غلط فهمیده است بگوید و بنویسد. من وقتی آزادی اهل علم را در بیان عقاید علمی و دینی خود در قرن‌های سوم و چهارم هجری در مراکز فرهنگی، حتی در بغداد، مرکز خلافت اسلامی می‌خوانم که بدون بیم و هراس می‌توانستند هرچه را فهمیده‌اند؛ بگویند و بنویسند، حسرت می‌خورم و می‌گویم کاش در آن زمان‌ها زندگی می‌کردم یا امروزه در محیطی بودم که مردمش چنان هستند. اما افسوس که اولی غیرممکن و دومی غیرمقدور است.

##PAGE=659##

چه می‌گفتم که دور افتادم از راه - سخن در شرح زندگانی خودم بود که به دوره جوانی رسیدم. به تدریج احساس کردم زمان آن فرارسیده که باید شغلی را پیشه خود سازم تا از دوش پدر ناتوان و متوسط الحال بار مخارج خود و خانواده‌ام را بردارم. مدت کوتاهی به تجارت پرداختم، چون بر رموز فنی و غیرفنی این کار آشنا نبودم، توفیقی نیافتم و آن را رها کردم. تصمیم گرفتم به کاری اداری پردازم. با اینکه بنا به سابقه تحصیلات مقتضی و مناسب بود، در وزارت دادگستری یا وزارت فرهنگ که آن ایام عدلیه و معارف می‌گفتند به جستجوی کار برخیزم و استخدام در هریک از آنها هم برایم میسر بود. معذالک چون نه برای شغل قضایی جرأت و قوت قلب داشتم و نه برای تدریس علاقه و حوصله. لهذا به خدمت بانک کشاورزی درآمد و سال‌های متمادی در اداره حقوقی آنجا به کار مشغول گردیدم، اما در همه وقت و همه حال با کتاب مطالعه و معاشرت ارباب فضل و کمال بسر بردم.

کتابی را که در آن اوقات بیش از همه می‌خواندم و اگر فی المثل صد بار دیگر آن را بخوانم، از خواندنش سیر نمی‌شوم، تاریخ ابن خلکان است که همیشه در سفر و حضر مونس شب‌ها و همدم روزهایم بوده و هست و چنین است جاذبه کتاب خوب و مفید نسبت به دوستداران کتاب.

تجارتم در کرمانشاه و خدمت اداریم در تهران بود. سی سال تمام در آن بانک به کار اشتغال داشتم و در همانجا هم به سن بازنشستگی رسیدم. از این مدت دو سال (از ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۰) به مأموریت کاشان رفتم و در آن شهر نیمه‌کاشی شدم. چنان انس و علاقه به مردم عادی و اهل ذوق و ادبش پیدا کردم که کاشان برایم شهر دوم و پس از کرمانشاه محبوبترین شهرها شد.

تو به غربت دیده‌ای بس شهرها

گفت معشوقی به عاشق کای فتی

زندگانی اجتماعی من یکنواخت طی نگردید. در عمر بی‌اهمیت و بی‌ارزش خود فراز و نشیب‌های بسیار پیمودم، خوبی‌ها و بدی‌ها دیدم، نوش‌ها و نیش‌ها چشیدم، سرد و گرم روزگار را با تمام وجود حس کردم و آنچه امروز پس از هفتاد سال می‌دانم، این است که زندگی را باید بر پایه عشق و محبت بنا نهاد تا هم تو از خلق بیاسایی و هم خلق از تو بیاسایند. این معنی تخیل شاعرانه نیست بلکه یک قاعده علمی و اجتماعی است که اشخاص خردمند و سلیم النفس در صحت آن تردید نمی‌کنند، زیرا هرچیز در جهان عکس العمل و نتیجه‌ای دارد و محبت هم خواه ناخواه محبت می‌آورد که باعث برخورداری از عمر و آسایش و آرامش همه است.

از عمر هفتاد ساله بی‌حاصل خود، قریب سی سال را در کرمانشاه و بقیه را جز مدتی کوتاه در تهران به سر بردم. از سن هیجده سالگی به نوشتن مقالاتی در موضوعات مختلف پرداختم و نخستین مقاله‌ام تحت عنوان «سعادت یعنی چه؟» در مجله «دعوت اسلامی» به چاپ رسید. تا وقتی در کرمانشاه اقامت داشتم، در جراید آنجا مانند: روزنامه بیستون و روزنامه ملی کرمانشاه و غیر آنها، مقالاتی منتشر می‌ساختم و چون به تهران آمدم گاه‌به‌گاه به مناسبتی در جراید و مجلات مرکز مطالبی می‌نوشتم.

##PAGE=660##

شاید علت عمده رغبت نداشتنم به نوشتن کتاب مستقل، علاوه بر آنچه در مقدمه کتاب تحقیقات ادبی ذکر گردیده، این بوده است که دارای شغل فرهنگی نبوده‌ام تا تألیف و تصنیف و تصحیح متون قدیمه علمی و ادبی کمک به پیشرفت کارم کند. بلکه بالعکس پرداختن به این امر سبب می‌شده نتوانم چنانکه باید با دقت و جمعیت حواس از عهده کار حساس اداری خود که مسئولیت انجام آن را پذیرفته بودم؛ برآیم. اما با این وصف به حکم علاقه‌ای که همواره به مطالعه و تحقیق مسائل دینی، فلسفی، عرفانی و ادبی داشتم، هرزمان فرصت و حوصله می‌یافتم در این زمینه‌ها مطالبی به رشته تحریر می‌آوردم. ولی بنابر وسواس یا انصافی که در خود گمان می‌بردم کمتر آنها را منتشر یا لااقل نگهداری می‌کردم. صرف‌نظر از این سخنان، آنچه در موضوعات مذکور تاکنون نوشته‌ام به طور کلی به سه صورت بوده است:

اول- حواشی و تعلیقات، که در کناره‌های کتب، مخصوصاً کتب ادبی و فلسفی نوشته‌ام؛ این آثار بیشتر مربوط به اوایل عمر و دوران تحصیل بوده است و در حال حاضر اکثر آنها را در اختیار ندارم، زیرا در سال ۱۳۲۲ خورشیدی که به تهران مهاجرت کردم بر اثر حوادثی که ناگفتنش اولی است، ناگزیر گردیدم کتابخانه‌ای را که در کرمانشاه فراهم آورده بودم به معرض فروش درآوردم و در نتیجه آن کتاب‌ها با آن حواشی و تعلیقات از دستم به در رفتند و اکنون که به یاد آنها می‌افتم هم دچار غم و اندوه می‌شوم و هم گرفتار ناراحتی! اما غم و اندوه از جهت آن است که کتاب‌های مزبور یا نسخه‌های خطی نفیس بودند یا بهترین چاپ‌ها که مانند آنها را بعدها هرگز به دست نیاورم. اما ناراحتی از لحاظ این است که حواشی و تعلیقات آنها را زمانی نوشته‌ام که می‌پندارم دارای خطاها و اشتباهات لفظی و معنوی باشند. کسی که از لغزش‌های بسیار در هفتاد سالگی مصون نیست چگونه از آنها در حدود بیست سالگی مصون بوده است؟ اگر آن کتاب‌ها امروز در اختیارم بودند حواشی و تعلیقات خود را مرور نموده، اشتباهات را یا تصحیح می‌کردم یا آنها را از

کناره‌های صفحات می‌ستردم و چون به این دو کار دسترسی ندارم می‌گویم کاش آن اسناد گستاخی و جهالت من اینک همه نابود و محو شده باشند.

دوم- مقالات است، که گاه‌به‌گاه در جرائد و مجلات منتشر گردیده‌اند، چون پاره‌ای از آن مقالات مفصل و در چند شماره روزنامه یا مجله‌ای چاپ شده‌اند. اگر فرصت و حوصله می‌داشتم، می‌توانستم آنها را یا با تجدیدنظر به صورت رساله‌هایی یا با جرح و تعدیل و افزودن مطالبی به صورت کتاب‌هایی درآورم. ولی این آرزویی است که فقط بر جوانان عیب نیست، من که به سن پیری و ناتوانی رسیده‌ام آیا چنین آرزوهایی برایم عیب شمرده نمی‌شود؟ اگر نمی‌شود امیدوارم توفیق این کار را بیابم. یشیب ابن آدم و یشب فیه خصلتان، الحرص و طول الامال. وقتی شیخ اجل سعدی شیرازی فرصت مردم پنجاه ساله را برای تدارک مافات پنج روزی دانسته و فرموده است:

ایکه پنجاه رفت و در خوابی مگر این پنج روزه دریابی

جهت مردم هفتاد ساله، چه فرصتی باقی خواهد ماند که در آن بتوانند به جبران غفلت‌ها و قصورهای روزگار جوانی برخیزند؟ با این همه زمان فرصت هراندازه کوتاه باشد، باید گفته حکیم

##PAGE=661##

نظامی را تا دم آخر مورد توجه قرار داد:

جز من و تو هرکه درین طاعتند صیرفی گوهر یکساعتند

سوم- تعداد هشت یا نه جلد کتاب و رساله است که تاکنون از آنها «شرح حال طیب اصفهانی» به ضمیمه دیوان طیب در سال ۱۳۴۷ و «تحقیقات ادبی» در سال ۱۳۶۱ به چاپ رسیده. کتاب «زندگی سردار کابلی» در زیر چاپ و کتاب «اوراق پراکنده» راجع به موضوعات متفرقه در دو یا سه جلد آماده چاپ است. امیدوارم فرصت و توفیق طبع همه را بیابم.

از اینها گذشته بر چند کتاب و دیوان شعر هم مقدمه‌هایی نوشته‌ام که اسامی برخی از آنها بدین قرار است:

۱- قبله‌شناسی، تصنیف سردار کابلی ۲- مناظرات، ترجمه المراجعات که متن عربی از سید شرف الدین عاملی از علمای لبنان و ترجمه فارسی آن از سردار کابلی می‌باشد؛ این دو کتاب در سال ۱۳۲۴ به چاپ رسیده‌اند. ۳- اوصاف الاشراف، از خواجه نصیر الدین طوسی، چاپ تابان ۱۳۳۶.

۴- تذکره مختصر شعرای کرمانشاه، از باقر شاکری ۱۳۳۷. ۵- دیوان صابر همدانی، چاپ اول ۱۳۳۷، چاپ دوم ۱۳۶۱.
۶- شرح محمد بن یحیی لاهیجی بر گلشن راز شبستری ۱۳۳۷ و پس از آن تاکنون شش بار به همان تاریخ و وضع
افست گردیده. ۷- دیوان هادی رنجی ۱۳۴۱. ۸- دیوان شعری که با خط نستعلیق حسین مظلوم و تخلص کی‌فر به
چاپ رسیده ۱۳۴۲. ۹- دیوان طبیب اصفهانی ۱۳۴۷. ۱۰- تحقیق در یک مسأله فقهی (ریش تراشی)، از دکتر سید
حسن صفوی ۱۳۴۹.

۱۱- دیوان آزاد همدانی ۱۳۳۶. جز اینها بر چند کتاب و دیوان دیگر هم مقدمه‌هایی نوشته‌ام که بعضی را خود
نخواسته‌ام به نام من انتشار یابند و بعضی دیگر را هم حریفان با سماجت گرفته و با وقاحت به نام خود به چاپ
رسانیده‌اند. تهی‌دستی ادبی را بنگرید که از همچون من نادان فقیری هم سرقت روا داشته‌اند. این حکایت شاید شنیدنی
باشد که یکی از آنان در برابر گله دوستانه و مؤدبانه من گفت: اگر از دریای علم و معرفت شما!! نباید این اندازه بخیل
باشید؟ به راستی یاللعجب! امیدوارم خداوند بخشنده مرا و آنان را با لطف و کرم خود بی‌نیاز گرداند تا به این حد محتاج
نباشیم که اکل میته بر ما روا باشد.

از طبع فضول نیز گاه و بیگاه نظم‌هایی سر می‌زد و چون به آن اندازه که دقایق سخن نیک را می‌شناختم، در سخنان
منظوم خود حسن لفظ و لطف معنایی نمی‌دیدم که بتوانند حتی خودم را خوشحال سازند. از این‌رو، به نگهداری اکثر آنها
دل نمی‌بستم، اما با این حال قریب یک هزار و پانصد بیت، بیشتر به صورت غزل موجود است که فقط به علت اینکه
بیان‌کننده حالات مختلف روحی و اثری از عواطف و احساساتم بوده‌اند آنها را نگهداری کرده‌ام. زیرا یادگار خاطره‌هایی
هستند که در این پایان عمر با یاد آنها خود را مشغول می‌دارم. آری؛ بشر در جوانی با واقعیات سروکار دارد و در پیری
با خاطرات! خواجه شیراز به دوره پیری و زمان محرومیت از لذات طبیعت رسیده بوده که با یاد روزگار جوانی و
برخورداری از مواهب زندگانی، خود را خوش می‌داشته و امثال این ابیات می‌گفته است:

##PAGE=662##

رقم مهر تو بر چهره ما پیدا بود

یاد باد آنکه نهانت نظری با ما بود

معجز عیسویت در لب شکرخا بود

یاد باد آنکه چو چشمت به عتابم می‌کشت

جز من و یار نبودیم و خدا با ما بود

یاد باد آنکه صبحی زده در مجلس انس

الخ ...

این بود آنچه در عین افسردگی و ملالت خاطر توانستم به قلم آرم و به دوست عزیز استاد بهزاد کرمانشاهی تقدیم کنم.^{۲۶۳}

استاد کیوان سمیعی در پنجم مرداد ۱۳۷۳ شمسی در تهران درگذشت و در مقبره الشعراء بهشت زهرا به خاک سپرده شد

##PAGE=663##

(تصویر شماره ۱۵۵) از راست به چپ، نشسته بر صندلی؛ میرزا بهرام مستوفی (البرزی) رئیس دفتر وزیری، شیخ شهاب حکیم، شاهزاده محمد حسن میرزا فرزند محمد هادی میرزا دولتشاهی، بنان السلطنه میرزا آقا خان مستوفی (شهلائی).

نشسته جلو، (از چپ) میرزا احمد خان معتضد الدوله - میرزا الله دوست سالک، میرزا نعمت الله جیحون آبادی (حاج وهاب بعدی در اوان شباب و تحصیل در کرمانشاه) - معتمد دفتر - برادر اصفهانی -

ایستاده ... (۴) میرزا جواد خان بنان الدوله، (۵) کودک خردسال، میرزا مهدی خان معتضد الدوله دوم بر دست مستخدم، رضوان کندی (مرید شیخ شهاب)، میرزا صادق خان.

##PAGE=664##

شهاب

از زمانی که نشان این خورشید بی نشان را در مقدمه وزین تذکره مختصر شعرای کرمانشاه به قلم شادروان استاد کیوان سمیعی (رحمة الله علیه) به اشاره‌ای با صفت (شیخ شهاب حکمی الاسلوب) دیدم؛ در بدر به دنبال آفتاب به جستجو پرداختم شیخ شهاب الدین حکیم (شیخ اشراقی) در هاله‌ای از غبار ایام مانده بود تا یافتم در اثر ارزشمند حکماء و عرفا متأخرین صدر المتألهین، دوست محقق و دانشمند آقای منوچهر صدوقی سها از وی اینگونه یاد کرده بود:

شیخ شهاب الدین محمد بن موسی العراقي البزجلوئی: متوفای ۱۳۱۳ قمری، شارح دعای افتتاح مطبوع به ۱۳۲۴ [شمسی] رک؛ دهگان، گزارش نامه: ص ۲۱۸

مرحوم استاد بدیع الزمان بشرویه رحمة الله [فروزانفر] را شنیدم [سها] به صبح روز ۱۶ / ۹ / ۱۳۴۵ که این بزرگ به شیخ الاشراق نام بردار می‌بود و به کرمانشاه اقامت می‌فرمود و به ندامت حسام الملک قره‌قلو [قراگزلو] می‌گذرانید و او را قصیدتی است به مدح حسام از پی نیاز تخت پوستی را بدو و این است بیتی از آن قصیدت:

به که تاج و تخت خود خاقان چین بخشد به
ما^{۲۶۴}

اشهد الله بخشش از این حکم رانم تخت پوست

^{۲۶۳} (۱) - مقدمه رازدل بزرگی چند از اشعار استاد کیوان سمیعی به اهتمام محمد علی سلطان

^{۲۶۴} (۱) - تاریخ حکماء و عرفاء متأخرین صدر المتألهین، منوچهر صدوقی سها، س ۱۲۳.

و میرزا احمد دیوان بیگی صاحب حدیقه الشعراء در شرح احوال وی از قول حسینقلی خان سلطانی آورده است که؛ در سال هزار و دویست و نود و نه جزوی از اشعار معاصران و خودش، حسینقلی خان سلطانی از کرمانشاهان فرستاده و شرح حال ایشان [شهاب اصفهانی] را نوشته و از اسم اصلی و مسکن ایشان فراموش کرده و بعد فقیر [میرزا احمد دیوان بیگی] تحقیق کردم؛ اسمشان میرزا محمد و از اهل اصفهان اند؛ عین عبارت سلطانی این است:

«جناب مستطاب مولوی ثانی شهاب الدین الفیلسوف الحکیم از فحول تلامذه جناب رضوان ماب حکیم صمدانی عارف ربانی مقرب حضرت باری مرحوم حاجی سبزواری قدس الله روحه العزیز است، و همین لقب شهاب الدین شیخ اشراق و اشراقعلی شاه که لقب طریقت است از آن جناب یافته و الحق سزاوار است. از متبحرین علما و متألّهین حکماست. در محاسن اخلاق و ملکات حمیده بی عدیل و بدیل و در ثبات قدم و ادای حقوق محبت محبان صادق بی نظیر و مثیل.

اوقات توقف بنده [- سلطانی] در اصفهان در سال ۱۲۸۵ (قمری)، بسیار شبانروز در خدمت جنابش بسر برده اکنون هم که سال همایون فال هجرت به شماره ۱۲۹۹ [قمری] رسیده و آخر شهر شوال است؛ سه ماه است از عتبات عالیات مراجعت کرده، در کرمانشهان توقف اختیار فرموده و طالبان علوم حکمیه را افاضه فیوضات می فرمایند، مصنفات عدیده نیز از ایشان به نظر رسیده و زیارت شده، مجمل

##PAGE=665##

سخن:

اذ لا یحیط بکنه مدح

المدح فی حقه قدح

فارغ است از مدح و توصیف آفتاب

مدح و توصیف است تخریق حجاب

نظر به ارتفاع شئونات و درجات علمیه، جناب او را به شاعری نام بردن و ستودن از کمال ادب مستبعد بود. پس از آن که از تدریس علوم و تکمیل رسوم و خوض در تحقیق و تدقیق و توصیف و تنمیق فراغی حاصل می فرمایند، فواید آبدار از اشعار به سلک نظم منسلک می دارند به طرزى که حکما و عرفا و علما را سزاوار است. تیمنا این اشعار بلاغت شعار از ملتقطات خاطر ایشان است که فقیر [حسینقلی خان سلطانی] ثبت نموده و القلیل یدل علی الکثیر و الجرعة تدل علی الغدیر.

و بعض اشعار که نسخه فرستاده بودند؛ این است:

من غرر مقالاته فی کتابه الموسوم باشراقیات منه

گرچه جان را سوخت سودای غم جانان ما
ما دل و دین دادگان کوی عشقیم از ازل
شد ز فقر و نیستی اندر ره سلطان عشق

از غم جانان ما فارغ مبادا جان ما
ثابت و پاینده بادا تا ابد پیمان ما
عرصه گاه لامکانی ساحت میدان ما

عزیزدار چنان اهل آشنایی را
بیا به میکده تا بنگری ز ساغر می
به پای خم بنشین زاهد ار صفاطلبی

که در دو دیده خود نور و روشنایی را
فروغ جلوه انوار کبریایی را
به رهن باده نه این خرقة ریایی را

جهان ز مقدم اردیبهشت گشت بهشت
به غیر دوست نجویند اهل بیت و حرم
ز لوح خاطر خود نقش خوب و زشت بشوی
به یمن همت شاهان زدیم پا به فلک

خوشا حریف ظریفی که می زدست نهشت
به غیر یار نخواهند خلق دیر و کنشت
چو عاقبت به فنا می کشد چه خوب و چه زشت
اگر چه سر چو گدایان نهاده ایم به خشت

در میکده دربان شو، پیمانه دمام زن
از عقل مبرا شو، دیوانه و شیدا شو
سجاده تقوی را رهن می صافی کن
هستند حجاب جان هم صورت و هم معنی

بی دغدغه سلطان شو پا بر حشم جم زن
از شمع چه می جویی، بر نیر اعظم زن
دیباچه دانش را باطل کن و بر هم زن
آن آب چو آتش گیر، آتش به دو عالم زن

دیده‌ام خیره شد از دیدن ماه عجیبی
هرکجا جلوه خورشید کلاه عجیبی

ما گدایان در ملک قناعت شاهیم
فقر ملک عجیبی دارد و شاه عجیبی

آه سوزان من و اشک چو خوناب روان
هر نفس آتش دل راست گواه عجیبی

حاصلم در همه عمر از غم خوبان چه بود
درد و داغ عجیبی، ناله و آه عجیبی

مهر می‌ورزم و دلبر ز سر کینه وری
می‌کند باز نگاهم به نگاه عجیبی^{۲۶۵}

***** صاحب طرائق الحقائق در کرمانشاه او را درک کرده و چنان می‌نماید که به مذاق یکدیگر خوش نیامده‌اند (!!!؟) زیرا درباره او می‌نویسد: پنجشنبه ششم، بازدید معارف آداب شیخ شهاب الدین حکمی الاسلوب رفته [امیر حسین خان حسام الملک] را با وی محبتی است، اما سخنانش خام و عقایدش ناتمام بود (!!!؟) شنیدم یکسال بعد در همان دیار [کرمانشاه] بدرود عالم ناپایدار نمود.^{۲۶۶}

سپس در جستجوی احوال و روزگارش در کرمانشاه از بازماندگانش برآمدم تا شاید روایات یادگار از تکرار گذشتگان خانواده در این مجموعه درج گردد و به فراموشی سپرده نشود، مرحوم آقا فخر الدین جلیلی داماد و همسر نواده پسری شیخ در دیداری اظهار داشت: مرحوم شیخ شهاب کهنمونی عراقی (اراکي) الاصل به اصفهانی مشهور ساکن و مدفون به کرمانشاه به همراه اقبال الدوله کاشانی به کرمانشاه آمده^{۲۶۷} در کوچه معروف به سید هندی منزل محقری برای او تهیه دیده و گهگاه برای استفاده از محضر او را به دیوانخانه می‌خوانده‌اند، یکی از بزرگان متمول اصفهانی به نام (برادر) همراه او به عنوان سرسپرده و مرید به کرمانشاه می‌آید و پرستاری فرزندان را به عهده می‌گیرد و در منزل خود مجلس تدریس علوم فلسفی و عرفانی می‌گسترده، قشریون به اطلاع زعیم روحانیت شهر مرحوم شیخ عبد الرحیم جلیلی می‌رسانند که شیخ شهاب به تدریس زندقه اشتغال ورزیده و شیخ برای تحقیق در امر سرزده به مجلس درس ایشان وارد و مباحث و کلمات را واضح و بی‌شک و ریب خوانده و گزارش‌گران را به کیفیت امر آگاه و تدریس ایشان را بلامانع اعلام و در مسجد عماد الدوله کرسی درس بر ایشان قائل می‌شوند. خاندان وزیری، شهبایی، آقا شریف آل آقا، مشرف و

^{۲۶۵} (۱) - حدیقة الشعراء دیوان بیگی، به تصحیح و تحشیه دکتر عبد الحسین نوایی، ج ۲، صص ۹۰۲ - ۸۹۹.

^{۲۶۶} (۲) - طرائق الحقائق، معصومعلی شاه شیرازی، به تصحیح محمد جعفر محبوب، ج ۳، ص ۶۷۱.

^{۲۶۷} (۳) - چنانکه آمد؛ صاحب طرائق الحقائق و استاد بدیع الزمان فروزانفر ویرا در ایام حکمرانی حسام الملك همدانی در کرمانشاه یکی ملاقات کرده و دیگری ملازم دانسته است که اصح می‌نماید.

... از سرسپردگان ایشان بودند. از جمله مریدان ایشان مرحوم رضوان کزندی شاعر معروف کرمانشاهی کزندی الاصل می‌باشد. ۲۶۸-۲۶۹

از قرار اطلاع شیخ نظراتی در اندیشه تناسخ داشته است و این امر موجب شایعه عوام دستاویز

##PAGE=667##

نامجویان معارض گردیده است.

بازماندگان شیخ دو فرزند پسر؛ یکی ابو الفرج و دیگری عنایت از مأمورین عالیرتبه دولتی (گمرک) که تحصیلات خود را در مدرسه آلیانس به اتمام رسانیده به زبان فرانسه آشنا بودند.

دکتر عطا اله شهاب پور فرزند ابو الفرج و نواده شیخ اشراق (شهاب) است، وی مدیر مجله نور دانش و از مبلغین مذهبی روشنفکر معاصر و از دوستان حشمت السلطان دولتشاهی و عضو وحدت نوین جهانی بود.

شیخ شهاب؛ در ایام نزع وصیت می‌نماید که ویرا در قبرستان عمومی شهر دفن و هیچگونه آثاری بر مزار ایشان نگذارند. با اینکه دارای مریدان برجسته و متمول و سرشناس بود به وصیت ایشان عمل و بی‌نشان در قبرستان عمومی کرمانشاه مدفون است.

از دیگر مسائلی که در مورد ایشان در افواه جاری است اینکه دهه‌های اواخر عمر هیچگاه رختخواب نگسترد و شبانگاهان را به مناجات و لحظه‌ای خواب در سجود می‌گذراند، رحمة الله علیه.

از لحاظ مشرب طریقتی آنچه از مریدان و بازماندگان شیخ تفحص نمودم با شادروان میرزا الله دوست سالک همراه بود و اندیشه بزرگان مشعشی را همانند افرادی از فحول علما پیشین در نظر داشته است.

رضوان؛ شاعر معروف دیوان خود را به شیوه مولانا و (شمس) به نام (شهاب) تخلص نموده است. ابیات زیر نمونه‌هایی از آن دست است: ۲۷۰

در سینه خود (رضوان) از مدح (شهاب الدین) ز آیات جلی هردم نقش و رقمی بینی

۲۶۸ (۴) - حاج میرزا احمد شیرازی درباره رضوان آورده است: اسمش میرزا نصر الله است. در سال هزار و دویست و نود و نه به اتفاق شهاب الدین اشراق ... به کرمانشاه آمده و در زمره مخلصین معزی الیه و ملتزمین خدمتش بوده.

ر ک؛ حدیقة الشعراء، ج اول، صص ۶۷۴-۶۷۳.

۲۶۹ (۵) - کزندی الاصل بودن میرزا نصر الله رضوان به اعتبار سخن صاحب الذریعه و آگاهی متواتر مطلعین سالمند.

۲۷۰ (۱) - آیت الله حاج آقا بزرگ تهرانی، درباره دیوان رضوان می‌نویسد: دیوان رضوان کزندی، کان من الصوفیه بکرمانشاه، رأیت دیوانه عند المرحوم صادق وحدت (ادیب حضور) للمتوفی به طهران ۱۳۳۷ ر. ک؛ الذریعه ج ۹، ص ۳۷۰، شماره ۲۱۹۱.

طرح يک رنگی چو (رضوان) با (شهاب) انداختی

ذره فانی بُدی باقی شدی چون آفتاب

ز متاع هردو عالم نکنیم جستجویی

دل ما به مهر حیدر ز (شهاب) شد منور

گفتا که از این هردو دیدار (شهاب) اولی

گفتم مه من خوشتر یا ماه سما (رضوان)

اگر چه باختہ ئی پاکباز کم زده ئی

براه عشق محمد شهاب دین (رضوان)

رعدسان جانب هربادیہ دل سرد مَرو

رو چو (رضوان) به (شهاب) آر و برو گرم چو
برق

##PAGE=668##

(تصویر شماره ۱۵۶) آقا شیخ علی علماء

علماء

درباره احوال و آثار این بزرگوار جز اشاره‌ای مختصر در حواشی یکی دو کتاب مطلبی شایسته موجود نبود تا استاد فقید شادروان کیوان سمیعی، کتاب ارزنده زندگانی سردار کابلی را به رشته تحریر درآورد و حق مسلم علمی و دینی و فرهنگی این بزرگمرد به سابقه مؤانست با استاد فقید در آن مقام کما هو حق ادا گردید و حق نیز چنان بود که آشنایی چنان قلم بدست گیرد و بنویسد که؛ آقا شیخ علی علماء از فضلاء و علماء و عرفاء معروف کرمانشاه بود، پدرش حاج ملا باقر دامغانی پس از تحصیل مقدمات در مسقط الرأس خود شهر دامغان به نجف اشرف می‌رود، در آنجا فقه و اصول می‌آموزد و هنگام بازگشت به ایران ساکن کرمانشاه می‌شود و تأهل اختیار می‌کند، چون طائفه حاجی‌زادگان یعنی اعقاب حاج شهباز خان رئیس ایل کلهر در زمان محمد شاه قاجار و بانی مسجد و حمام معروف به او ارادت پیدا می‌کنند در مسجد حاج شهباز خان که از مساجد با روح و پر رونق کرمانشاه بوده او را به امامت برقرار می‌سازند، به تدریج شهرتی می‌یابد و از علماء موجه شهر می‌شود.

##PAGE=669##

فرزندش آقا شیخ علی در کرمانشاه به دنیا می‌آید و پس از طی دوره کودکی به تحصیل مشغول می‌گردد، مقدمات عربیت و ادبیت و فقه و اصول را نزد پدرش و سائر علماء شهر می‌آموزد و سپس به طهران می‌آید، درین شهر در درس اصول و فقه حاج میرزا حسن آشتیانی و حوزه درس فلسفه میرزای جلوه حاضر می‌گردد، از مدرسین دیگر علوم منقول و معقول نیز بهره می‌گیرد و پس از سالی چند به کرمانشاه بازمی‌گردد، در آن شهر ابتداء در سلک علماء اعلام انتظام می‌یابد و به تدریس فقه و اصول و فلسفه می‌پردازد، هنگامی که پدرش به جوار رحمت حق می‌شتابد طائفه حاجی‌زادگان و مریدان پدرش با تشریفات لایق و حضور چند تن از علماء او را جهت امامت به مسجد حاج شهباز خان می‌برند ولی بعد از چند روز هنگامی که در محراب آماده شروع نماز مغرب بوده و مأمومین هم صف‌های نماز را آراسته‌اند بدون مقدمه محراب را ترک می‌کند و به منبر می‌رود و خطاب به حاضرین می‌گوید: «ای مردم در مذهب ما عدالت از شرائط امامت در نماز جماعت است، شما از حالات و اعمال من آگاهی ندارید، مرا عادل می‌دانید و به من اقتداء می‌کنید بنابراین شما مأجورید اما من که خود را می‌شناسم و می‌دانم عادل نیستم نمی‌خواهم با ادعاء عدالت، بار سنگین گناهی را بر بارهای دیگر گناهانم بیفزایم، از امشب من از پیشنمازی کنار می‌روم شما هم نمازهایی را که به امامت من خوانده‌اید قضاء کنید».

^{۲۷۱} (۲) - مصاحبه با آقای فخر الدین جلیلی داماد خاندان شهاب‌پور با تشکر از ایشان و با استفاده از دیوان رضوان نسخه خطی کتابخانه آقا- فخر الدین جلیلی، کتابخانه

استاد هادی ارفع، تابستان ۱۳۶۵، کرمانشاه

این را می‌گوید و از منبر پایین می‌آید، حاضرین هرچه اصرار می‌کنند با او سخن بگویند پاسخ هیچکس را نمی‌دهد و به خانه می‌رود و دیگر راضی به امامت نمی‌شود در صورتی که مسجد حاج شهباز خان معروفترین مساجد کرمانشاه بوده و امامت در آن عنوانی محسوب می‌شده است.

من این حکایت را در کودکی شنیده بودم و هنگامی که به سنین جوانی رسیده و با آقای علماء معاشر و مصاحب شده بودم چگونگی آنرا از خودش سؤال کردم جواب داد حقیقت و واقعیتی را گفتم، حال ریاکاری و زهدفروشی نداشتم و نمی‌خواستم برای اینکه مرید جمع کنم و دستم را ببوسند، خود را محدود و مقید سازم، آری به راستی مردی آزاده و وارسته بود و ذاتا حالت تدلیس و ریا نداشت و همین کار نشانی از وارستگی و بیداری وجدانش بوده است و بعد از علماء مرحوم حاج آخوند و پس از او پسرش مرحوم حاج شیخ حسن امام جماعت مسجد مزبور شدند.

مرحوم علماء پس از کناره‌گیری از کار امامت مسجد راه منبر را پیش گرفت و از همان آغاز همطراز و همردیف میرزا محمد علی مظلوم که در آن اوقات در کرمانشاه اقامت داشت گردید اما منبر مانع شهرت علمی او شد.

عموما اهل ذوق و فضل و ادب کرمانشاه میرزای مظلوم را خوش بیان‌تر و آقای علماء را ملاتر و عالمت‌تر می‌دانستند، استاد علامه سردار کابلی می‌فرماید: میرزا محمد علی بگفتن وقایع تاریخی و خواندن اشعار مناسب و توجیه و تأویل ابیات مثنوی علاقه زیاد نشان می‌داد و آقا شیخ علی به طرح موضوعات علمی و مسائل فلسفی بیشتر می‌پرداخت.

این دو واعظ شهیر در کرمانشاه عدیل و نظیر نداشته و هردو دوست صمیمی و معاشر و مصاحب یکدیگر بوده‌اند، مرحوم علماء زیاد از دوران مصاحبت خود با میرزای مظلوم با حسرت

##PAGE=670##

تمام یاد می‌کرد و از فقدان همدمی چون او تأسف می‌خورد، می‌شنیدم هروقت کسی از کرمانشاه به مشهد می‌رفته و میرزا را می‌دیده او هم نخستین بار احوال علماء را می‌پرسیده و تأسف و تحسر خود را از دوری چنین دوستی ابراز می‌داشته؛ شاعری فراق را چنین نفرین کرده است:

بر افتی ای فراق از روزگاران جدا کردی تو یاران را ز یاران

پیش از آنکه در سال ۱۳۰۴ خورشیدی داشتن نام خانوادگی برای ایرانیان به حکم قانون ضروری شود؛ آقا شیخ علی معروف بهمین نام «علماء» بوده، در آن سال کلمه مزبور نام خانوادگی‌اش گردید.

مرحوم علماء در فلسفه و حکمت متبحر بود و بخصوص از شرح منظومه محقق سبزواری و کتب ملاصدرا استحضاری تمام داشت و هردو منظومه منطق و حکمت سبزواری را به نام‌های «الآلی المنتظمه» و «غرر الفرائد» از اول تا آخر در حفظ داشت و اغلب در منبرهای علمی خود از آن‌ها جهت توضیح و اثبات مطالب عرفانی و فلسفی شاهد می‌آورد،

بسیار سزاوار بود که به جای منبر، تدریس شرح منظومه و اسفار را پیشه خود می‌ساخت ولی گویا در کرمانشاه شاگردانی در این علوم نمی‌یافته است.

در عرفان و تصوف نیز مهارت داشت و تا اواخر عمر «فتوحات مکیه» و کتب صدر الدین قونبوی را مطالعه می‌کرد، اساساً شوق مطالعه‌اش شدید بود و هر کتابی که مربوط به علوم معقول بود و تازه به دستش می‌رسید؛ سعی می‌کرد هرچه زودتر آنرا بخواند و تا پایان عمر چنین بود.

از کودکی من او را می‌شناختم و اکثر شب‌ها به دیدار و شنیدن سخنانش نائل می‌شدم زیرا در بیشتر شب‌های هفته مردان فامیل ما هریک در خانه‌های خود مجلس روضه‌خوانی برپا می‌کردند و بدون استثنا در کلیه آن مجالس آقای علماء منبر می‌رفت، من هم اکثر اوقات همراه پدرم حضور داشتم و بیاناتش را می‌شنیدم اگر چه چیزی نمی‌فهمیدم. هنگامی که به سنین نزدیک به بلوغ رسیده بودم گاهی مطالبی را که در کتب عرفان و تصوف می‌خواندم و درک نمی‌کردم در همان مجالس از او قبل یا بعد از منبر رفتنش می‌پرسیدم که با محبت پاسخ می‌داد. شبی از او معنی «تجرد» را در این دو تعریف که حکماء از نفس و عقل کرده‌اند، پرسیدم: النفس جوهر مجرد من الماده ذاتا لا فعلا. و:

العقل جوهر مجرد من الماده ذاتا و فعلا. سؤال کردم که اگر نفس در احساس و عقل در ادراک خود مجرد از ماده هستند، چگونه است که هرچه رشد و صحت بدن زیاده‌تر می‌شود احساس و ادراک آنها هم بیشتر می‌شود؟ ضمن اینکه پاسخی به من داد به پدرم که در کنارش نشسته بود توصیه کرد تا هر وقت بخواهم بگذارم درس بخوانم، من اضافه کردم هر کتابی هم می‌خواهم برایم بخرد، این سخن مایه خنده هر دو شد و پدرم گفت: اگر تو پولی برای من بگذاری!

وی برخلاف دوستش میرزای مظلوم به شاعری رغبت نداشت اما محفوظات شعریش از فارسی و عربی زیاد بود: به مطالعه تفسیر طنطاوی و سائر تألیفات او که کوشیده است مسائل علوم جدید طبعی را با آیات قرآن و احادیث نبوی منطبق سازد، سخت علاقه‌مند بود و از مطالعات خود در این باب ضمن منابر مفصلش بهره می‌گرفت.

وی با یگانه پسرش صدر الدین (معروف به آقا صدری) که به کار بازرگانی مشغول بود به تمام

##PAGE=671##

معنی ارتباط دوستانه داشت و من تقریباً از سن هجده سالگی با این پدر و پسر مصاحب و معاشر و همواره از حاضران محفل انس آنان و دوستانشان بودم. در هرماه دو سه بار مجالس انس آنان در منزل خودشان و دوستانشان به ترتیب و به نوبت تشکیل می‌شد و مصاحبت و معاشرت من با آن جمع تا زمان مهاجرت به طهران ادامه داشت، همیشه مورد مهر و علاقه او بودم و هرچند کتابی را به عنوان درس نزد او نخواندم ولی از مصاحبت و معاشرتش زیاد بهره می‌گرفتم زیرا کمتر مجلسی منعقد می‌شد که بین ما صحبت از مسائل فلسفه و عرفان به میان نیاید. روزی غزلی را که تازه گفته بودم برایش خواندم با اینکه بگفتن شعر علاقه نداشت و معتقد بود هرچه باید گفت پیش از ما گفته‌اند معذالک آنروز قریحه‌اش به جوش آمد و به همان وزن و قافیه این بیت را گفت:

چه غم از سرزنش واعظ و از پند کشیش

من که از مسجد، از دیر به کلی سیرم

نوبتی دیگر که باز غزلی گفته بودم و برایش خواندم باز به همان وزن و قافیه این بیت را گفت:

تا بدیدم آن هلال ابروی پیوسته را شهره در شهر و دیارم با انامل کرده‌اند

در طول سال‌ها معاشرت جز این دو بیت از اشعار خودش چیز دیگر نشنیدم.

خلاصه؛ مرحوم علماء مردی حکیم و عارف و خوش ذوق بود و بی‌تکلفی و بیرائی، تواضع، صداقت، وفاداری و صمیمیت جزء ملکات فاضله‌اش بود و من حکایت‌ها از پایداری او در دوستی و حفظ الغیب دوستانش دارم. در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در کرمانشاه وفات یافت و از آثار قلمی او کتابی باقی ماند که مطالب گوناگونی را در آغاز کار به صورت یادداشت جهت منابرش نوشته بود، حاشیه‌ای هم بر شرح منظومه حکمت سبزواری داشت که اغلب عبارات کتب ملاصدرا مخصوصاً اسفار را در توضیح مطالب آن کتاب نقل کرده بود. روانش شاد و یادش گرامی باد.^{۲۷۲}

شادروان آقا شیخ علی علماء را نظر به مقام علمی و ژرف‌بینی در فلسفه و تصوف و عرفان و علوم انسانی و تبری از نام و تمسک به محبت حضرت دوست در زمره عرفاء این مجموعه لازم به درج دانستم.

##PAGE=672##

(تصویر شماره ۱۵۷) آقا میرزا محمد علی مظلوم کرمانشاهی

مظلوم

آئینه احوال و همنشین نیکو خصال و همال و همدل و همراه آقا میرزا محمد علی مظلوم شادروان آقا شیخ علی علماء بوده که در طی سال‌ها انس و دیدار و مجالست با استاد کیوان سمیعی شرحی گسترده از اندیشه و علم و فرهیختگی آن بزرگمرد بارها بر استاد فقید خوانده و در مباحث و یادها بی‌نام وی مجلسی به پایان نبرده است اگر چه در آثاری چون؛ تذکره مختصر شعرای کرمانشاه، گلستان جاوید، حواشی دیوان غیرت کرمانشاهی و ... نام و یادی از آقا میرزا محمد علی مظلوم رفته است؛ اما سخن استاد کیوان سمیعی دگر است، ایشان می‌نویسند که:

مظلوم در شهر کرمانشاه سال ۱۲۷۸ هجری قمری به دنیا آمده و در همان شهر به تحصیل مقدمات عربیت و فقه و اصول و حکمت و اکتساب معارف ذوقی پرداخته و از جوانی به کار وعظ و خطابه مشغول شده است، به مطالعه کتب ادبی و تصوف و عرفان سخت مشغوف بوده و چنانکه دوست و همکارش مرحوم آقا شیخ علی علماء نقل می‌فرمود؛ علاوه بر محفوظات بسیار از شعر، حدیث، تاریخ و عبارات حکماء و عرفاء، علی التحقیق ثلث مثنوی مولانا حتی حکایات

^{۲۷۲} (۱) - زندگانی سردار کابلی، صص ۲۵۹-۲۵۴.

طولانی را ازبر داشت و باز مرحوم علماء نقل می فرمود؛ که بیاد ندارم مجلس وعظ و خطابه مظلوم را شنیده باشم که آنرا بدون استشهاد به ابیات مثنوی به پایان برده باشد.

##PAGE=673##

وی در سال ۱۲۹۴ شمسی به مشهد مقدس رفت و مجاور آستان قدس رضوی گردید و در همانجا به سال ۱۳۰۷ بدرود حیات گفت، سه چهار سال پس از درگذشت او هنگامی که به قصد تحصیل من (کیوان سمیعی) به مشهد رفتم از ارباب فضل و ادب آنجا نظیر اوصافی را که مرحوم علماء درباره اش می گفت؛ زیاد می شنیدم. همگی او را بر عالم و واعظ دیگر کرمانشاهی به نام حاج محمد نجف که پیش از او به مشهد رفته و شهرت فراوانی یافته بوده ترجیح می دادند.

در عصر ما؛ الفت اصفهانی، جلال همایی، فروزانفر، دکتر قاسم غنی، محمد علی بامداد و چند تن دیگر که تخصص در تاریخ و مسائل تصوف داشتند صوفی و داخل طریقت نبودند و حتی کسانی وجود داشته و دارند که با کمال تخصص در موضوعات تصوف و علم عرفان اصلا مسلمان نبوده اند مانند تنی چند از خاورشناسان که در قرن نوزدهم و بیستم با کوشش های فراوان و تحقیقات عالمانه خود شالوده تصوف شناسی درست را برای محققان آینده پی ریزی کرده اند.

صوفیه عموماً به موضوع سرسپردگی و مریدی و مرادی و تلقین ذکر اهمیت فراوان می دهند بلکه آنرا اساس تصوف می دانند اما حقیقت این است که اگر مقصود از تصوف تهذیب نفس و ترک - یا لاقول تعدیل - مشتهیات غریزی و طبیعی باشد، تشرف به فقر به این صورت که طالب پنج چیز تهیه کند و همراه پیر دلیل با آداب و رسوم خاصی خدمت قطب برسد و او پس از گرفتن آن پنج چیز مقداری نصیحت کند و ذکر را که یکی از اسماء الله است به طالب که از آن به بعد مرید نامیده می شود تلقین نماید پس از آن صفا کنند و مرید و مراد هریک پی کار خود روند و فقط در مجالس فقری یکدیگر را ببینند، چنین کارهایی تهذیب نفس برای کسی به وجود نمی آورد و به همین جهت است که در ادوار اخیر رهبران و پیشوایان سلاسل تصوف از طی مراحل سلوک و مراقبت از حالات روحی و اطوار نفسانی مریدان گفتگو نمی کنند و بیشتر به گفتن فوائد ذکر و خاصیت اتصال مریدان به سلسله صحبت می کنند و مدعی هستند نفس ارادت به درویشان و پیوستگی به سلسله مثمر ثمرات بسیارست و البته هریک سلسله خود را مثمر ثمرات می داند، و چون اینگونه سخنان را هر کسی نمی پذیرد بنابراین گروه بسیاری هستند که با وجود علاقه شدید به تصوف دنبال دست دادن و دست گرفتن و مریدی و مرادی نرفته و نمی روند.

میرزا محمد علی مظلوم و آقا شیخ علی علماء نیز از کسانی بودند که با وجود علاقه به تصوف و اطلاعات وسیع از مسائل تصوف و علم عرفان و حتی محشور بودن با صوفیان و درویشان، صوفی و درویش به معنی اصطلاحی نبودند، این دو تن از دوران شباب رفیق حجره و گرمابه و گلستان بوده و هردو به کار وعظ اشتغال داشته اند.^{۲۷۳}

آقای ساعدی خراسانی در ذیل تاریخ «علماء خراسان» نوشته است که: میرزا محمد علی مظلوم از وعاظ معروف و عالیمقام عصر حاضر کرمانشاه مدتی در مشهد مقدس سکونت داشته و منبر عرفانی و ذوقی او هم اکنون زبانزد محافل و مجالس اهل ذوقست، اشعار و غزلیات فراوان دارد

^{۲۷۳} (۱) - زیرا در دفاتر گلستان جاوید ویرا از خدمت رسیدگان حاج آقا بزرگ کرمانشاهی و حضرت آقای سید اسمعیل احاق (صادقعلی شاه) دانسته که از سوی صادقعلی شاه مأمور و مأذون به دستگیری در مشهد بوده اند.

تخلص «مظلوم» می‌کرده. آقای ساعدی پس از نقل ابیاتی از او می‌نویسد: مشارالیه صبح روز دوم جمادی الثانی سال ۱۳۴۷ در مشهد وفات یافت و در حجره اول صحنه کهنه طرف راست متصل به بازار مدفون شد.^{۲۷۴}

در هنگام اقامت در مشهد بارها من به همین حجره رفته و بر مزارش فاتحه خوانده‌ام، عکس بزرگ او بر دیوار مقبره‌اش نصب گردیده و مزارش به عنوان یک مرد عارف و وارسته مورد توجه اهل دل و ارباب حال مشهد می‌باشد، اما باید دانست که وی با وجود علاقه‌ای که به تصوف داشته برخلاف آنچه که بعضی نوشته‌اند طبق گفته دوستش مرحوم علماء و سائر دوستانش در کرمانشاه و مشهد وارد سلسله‌ای نبوده است.

به کار شعر و شاعری عنایت زیاد مبذول می‌داشته و با اینکه در بیانات منبریش به موضوعات تصوف و عرفان بسیار می‌پرداخته معذالک اشعارش رنگ و بوی ادبی و حال و وجد بیشتر از تصوف و قلندرآبی دارد، تعداد ابیاتش کم نیست زیرا من در آغاز جوانی در کرمانشاه نزد میرزا علیمحمد شاکر دیوانی دیدم که حاوی اشعار وی بود که مظلوم در مدت اقامتش در کرمانشاه گفته بوده قریب سه هزار بیت، اشعار دیوان مزبور که همه غزل بود بر روی اوراقی به قطع خشتی نوشته شده و گمان دارم به خط همان میرزا شاکر بود، پس از او هم دیوان مزبور را بارها نزد پسرش مرحوم باقر شاکری که از دوستان من بود، می‌دیدم و مسلماً مظلوم بعد از مهاجرت به مشهد در آنجا که زمینه شاعری برایش بیشتر فراهم بوده، زیادتر از آن مقدار شعر گفته است.

خود او را من ملاقات نکرده اما دو پسر او را دیده بودم؛ یکی از آنها که بزرگتر بود شیخ حسن نام داشت مانند پدر به کار وعظ و خطابه مشغول بود، در مشهد سکونت داشت و گاهی به کرمانشاه می‌آمد و در همانجا مکرر او را بر فراز منابر می‌دیدم، برادر کوچکتر علی نام داشت در کرمانشاه مقیم و از استادان موسیقی بود، تار را بسیار خوب می‌نواخت و آواز را با شور و حال می‌خواند، اشعار خوب زیاد در حفظ داشت و گاه در حین نواختن تار و خواندن آواز می‌گریست و دیگران را نیز به گریه می‌انداخت و مردی آداب‌دان بود و در جمع دوستان ما جای داشت، چون برخلاف سیره پدر و برادر شغلی انتخاب کرده بود یاران در محافل انس از راه بذله‌گویی به او «علی ظالم» می‌گفتند نه «مظلوم» که نام خانوادگی‌اش بود و من در غزل «به یاد جوانی» از جمله او را در نظر داشته‌ام که گفته‌ام:

از هرطرف به محفل ما شور می‌فزود

آوای تار و نغمه عشاق خوش‌نوا

هریک لطیفه‌ای سره می‌گفت و می‌شنود

یاران نکته‌سنج و حریفان بذله‌گوی

^{۲۷۴} (۱) - ضمیمه تاریخ علماء خراسان ص ۳۱۴ و ۳۱۵ / در گلستان جاوید آمده است؛ مرحوم مظلوم به سال ۱۳۰۷ هجری شمسی به سن ۶۷ سالگی در مشهد وفات یافت و در جوار آستان قدس رضوی ضلع جنوبی صحن عتیق (مقبره نجد السلطنه) به خاک سپرده شد / آقا سید ناصر میبیدی در یادداشت‌های خود آورده‌اند؛ ... این حجره چند سالی است با چند حجره دیگر اتصال پیدا نموده و به کفشداری تبدیل شده است ایکاش برای حفظ آثار ملی حداقل عکس او را برنگی داشتند و ...

میرزا محمد علی مظلوم از مفسرین مثنوی مولانا به شیوه معمول بین شارحین قدیمی آن کتاب گرائقدر بوده و مراد ما از آن شیوه این است که: هریک از شارحین قدیم کوشیده است مقاصد گوینده

##PAGE=675##

را بر وفق دانسته‌ها و اندیشه‌های خود شرح کند، یکی اصطلاحات و سخنان محیی الدین را اساس فهم و توضیح مطالب مثنوی قرار داده، دومی اصطلاحات متصوفه، سومی آراء و نظریات حکماء و حتی شخص حکیم و عارفی مانند؛ حاج ملاهادی سبزواری بر پایه عقائد ملاصدرا در مسائل فلسفه و حکمت آنرا شرح کرده است و هیچیک در صدد برنیامده نخست کتب و مدارک و مآخذ مورد مطالعه و منابع فکری مولانا را بازشناسد و بعد مقصود خود مولانا را دریابد، این کاریست که تاکنون فقط رینولد الن نیکلسون و بدیع الزمان فروزانفر بدان پرداخته بودند و کار درست و علمی هم همین بوده است.

میرزای مظلوم نیز از قرار مسموع مثنوی را با احادیث و اخبار و ذوق شخصی تفسیر می‌کرده که البته آنچه درین باب می‌گفته ارتباط به عقیده خودش داشته نه به مقصود مولانا ولی ظاهراً بیانی گیرا و شیوا داشته و به آنچه می‌گفته معتقد بوده است.

مرحوم مظلوم جز غزل، گاه‌بگاه قصیده هم می‌گفته است و از قصائد مشهوره او «وافوریه» می‌باشد که مخمسی دارای نکات ادبی و تشبیهات خوب ابتکاریست، دیوان اشعارش لایق چاپ و قابل مطالعه ارباب ذوق و حال می‌باشد، امیدست که به طبع برسد. اینک غزلی را از او که هرچند مشهورست ولی چون بارها فرزندش با نواختن تار و آهنگ پرسوز برای ما خوانده بود، همانرا به یاد ایام جوانی نقل می‌کنیم:

در دست کسان دست تو دیدن نتواند

دل بار فراق تو کشیدن نتواند

از نازکی طبع شنیدن نتواند

گر خواهمش آگه کنم از سختی هجران

شک نیست کمان تو کشیدن نتواند

دل گر دل شیرست و گر رستم دستان

جز بر سر بام تو پریدن نتواند

بال و پر این مرغ وفاکیش مکن کاو

در بادیه عشق دویدن نتواند

مجروح چنان پای خرد گشت که دیگر

بی‌نقل کس این باده چشیدن نتواند

آمیز بیوسی و بده جام بلا را

کس گوهر عشق تو خریدن نتواند

منگر بگدایی من ای خواجه که جز من

جز بر خط سبز تو چریدن نتواند

آهوی دلم کز دو جهان کوی تو بگزید

هرگز گلی از شاخ تو چیدن نتواند

دهقان تو میندیش که کس از شرر خار

##PAGE=676##

(تصویر شماره ۱۵۸) طهماسب قلی خان وحدت کرمانشاهی

وحدت

با این که مقدمه‌ای مبسوط بر دیوان این بزرگوار نگاشته و منتشر شده است اما نوشته مرحوم شمس العرفا نیک‌ترین نمونه احوال اوست که می‌نویسد:

قدوة السالکین و انیس العارفین ماهج منهج شریعت سالک مسلک طریقت البصیر به نور معرفة الله الخبیر به اسرار اهل الله الکاشف لدقایق التوحید المتحقق مقام التفرید و التجرید المغفور المبرور طهماسب‌قلی‌خان کرمانشاهی طاب ثراه آنچه خود از آنجناب اصغا نمودم و آنچه از مخلصین و ثقات و مریدین ایشان استماع نمودم اینک به رشته تحریر می‌آورم؛ طهماسب قلی‌خان پسر رستم‌خان از خوانین محترم ایل کلهر^{۲۷۶} و با اصالت فطرت و با کمال و جودت بوده و از اول سن به تقوی و به صفای نیت معروف در اول شباب به تحصیل علوم ظاهری نحو و صرف و منطق و کلام و معانی و بیان و فصاحت و عروض به قدر القوه در مدرسه حاج شهباز خان مجموعه از تمام آنها به دست آورده و در همان مدرسه آقا میرزا حسن نامی بوده

##PAGE=677##

صاحب اخلاق نیک و مشغول به ریاضت بوده و مدتی مرحوم خان در خدمت و در تحت تربیت ایشان و با دستورات او به مراقبت صادقانه صالحه اشتغال داشته‌اند حالات غریب و مشاهداتی عجیب روی می‌داد مدتی بعد او را میرزا حسن از کرمانشاه به سمت عتبات مسافرت نموده و در تربت حسینی به رحمت الهی واصل و مرحوم خان برای ملاقات میرزا حرکت نمودند به فوت ایشان آگاه شدند. تأثر و تألم زیاد به ایشان رخ داد و در کربلای معلی متوجه و تمنای تربیت از آن تربت پاک و از آن موجد افلاک شدند ناگاه قدری تربت در پای ضریح افتاده دیدند برداشته با احترامات لازمه آنرا حفظ نمودند و یافتند که باید معاودت نمود مراجعت به کرمانشاه و از کرمانشاه به سمت همدان ره سپر شدند و خدمت مرحوم آخوند ملا ولّی الله که از خدمت رسیدگان مرحوم مبرور حسینعلیشاه طاب ثراه؛ بود رسیدند و در تزکیه و تجلیه و اربعینات و ذکر و دوام فکر مدام چند سال به امر ایشان اشتغال داشتند، و بعد از فوت مرحوم آخوند تنها به طهران آمدند و در مسجد آقا محمود کرمانشاهانی در حجره سی سال متجاوز مقیم و در تربیت جمعی از صادقان و صالحان

^{۲۷۵} (۱) - زندگانی سردار کابلی، کیوان سمعی، صص ۲۵ - ۲۴۷.

^{۲۷۶} (۱) - برای آگاهی از پیشینه ایل جلیل کلهر و طایفه همان که طهماسب‌قلی خان منسوب بدان طایفه است. ر ک؛ ایلات و طوایف کرمانشاهان ج ۱ / ۲ - ۲ / ۲ که مجلدات دوم و سوم جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان را دربر می‌گیرد.

قیام نمودند و فقیر مکرر خدمتشان رسیده و استفادات کامله در لیالی و ایام از آنجناب می نمودم و بیداری شب و امساک از لذایذ و شهوات نفسانی ایشانرا مشاهده می نمودم و مصاحبت با مساکین و مجالست با فقراء را طالب بودند و از اغنیاء و صاحبان مناصب متجنّب بودند و الحق چند نفر از اهل هرسین و کرمانشاه که از ارادتمندان به آنجناب بودند و از سالکین آگاه و راهروان سحرگاه بودند رحمة الله عليهم اجمعین از کرامات ایشان نقل بسیار نموده اند سن مبارک ایشان از هفتاد گذشته بود در رمضان هزار و سیصد و یازده به مقام اتحاد و به موطن اصل فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر مأوی گزید و در صحن ابن بابویه به مفاد آیه شریفه **خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ** غنودند و ارادتمندان سنگی برای نشانه و علامت با تاریخ روی قبر شریفش فرش نمودند.

##PAGE=681##

فهرست منابع و مآخذ

الف

آئین زروانی، دکتر مسعود جلالی مقدم، تهران، ۱۳۷۲

آثار الحجة، بخش یکم و پنجم. محمد شریف رازی - کتابفروشی برقی، قم، ۱۳۷۳ - ۱۳۳۸ ش.

الامام الصادق، محمد ابو زهره، بیجا، دار الفكر العربی، بی تا

احزاب سیاسی و انجمن های سری در کرمانشاه، محمد علی سلطانی، تهران، انتشارات سها - ۱۳۷۸

آثار البدایة و النهایة اسماعیل بن عمر ابن کثیر، بیروت مکتب المعارف ۱۳۹۴. ق

احسن الودیعه فی تراجم اشهر مشاهیر مجتهدی الشیعه او تنمیه روضات الجنات، الجزء الثانی، تالیف محمد مهدی الموسوی الاصفهانی الکاظمی (الکاظمینی)، مطبعة الایام، بغداد

احیای فرهنگی در عهد آل بویه، جوئل. ل. کرمر، ترجمه محمد سعید حنایی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۷۵ ش

اخبار الطوال ابو حنیفه الدینوری، بیروت دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۰. م

اعیان الشیعة. شیخ محسن امین، باهتمام حسن امین بیروت، دار التعارف ۱۴۰۳. ق

الائمة الاثنی عشر، شمس الدین محمد بن طولون بیروت، ۱۹۵۸.

الفصول المهمة فی معرفة الائمة علیهم السلام، علی بن محمد احمد المالکی معروف به ابن الصباغ، نجف، ۱۹۵۰.

الفهرست محمد بن اسحاق ندیم، ترجمه رضا تجدد. کتابخانه ابن سینا تهران ۱۳۴۳.

الاعلام، خير الدين زركلي، دار العلم للملايين، بيروت، ۱۹۹۰ - ۱۳۶۱. ش

المآثر و الآثار، اعتماد السلطنة، بكوشش ايرج افشار، تهران، اساطير ۱۳۶۳. ش

ايلات و طوايف کرمانشاهان، محمد علي سلطاني، نشر سها - تهران - ۱۳۷۲.

ايل زنگنه (رجال)، يادداشت‌های خطی محمد حسين جليلی.

(ت)

تاريخ يعقوبی. احمد بن ابی يعقوب د (ابن واضح)، ج ۲ - ۱، ترجمه محمد ابراهيم

##PAGE=682##

آيتی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی تهران، ۱۳۷۴

تاريخ شيعه و فرقه‌های اسلام و ... محمد جواد مشكور. تهران، انتشارات اشراقي، ۱۳۵۵

تاريخ تشيع در ايران، رسول جعفريان، ج ۲ - ۱، انتشارات انصاريان، ؟ ۱۳۷۵

تاريخ مفصل کرمانشاهان، محمد علي سلطاني، ج ۴ - ۳ تهران - انتشارات سها، ۱۳۷۵

تاريخ رجال ايران، مهدي بامداد، ج ۶ - ۱ تهران، انتشارات زوار، ۱۳۵۷

تاريخ ايران، جان ملكم، ترجمه ميرزا حيرت. تهران، انتشارات فرهنگسرا، ۱۳۵۷

تاريخ مختصر، احزاب سياسی ملك الشعراء بهار، ج ۲ - ۱ تهران، انتشارات امير كبير ۱۳۵۷

تاريخ مشاهير كرد، ج ۲ - ۱ بابا مردوخ روحاني، انتشارات سروش، ۱۳۷۱

تاريخ برگزیدگان و عده‌ای از مشاهير ايران و عرب، امير مسعود سپهرم. تهران -

تاريخ حکماء و عرفاء، متأخرين صدر المتألهين، منوچهر صدوقی سها. انجمن اسلامی حکمت و فلسفه. تهران ۱۳۵۹.

تاريخ ادیان، علي اصغر حکمت، ابن سینا، تهران، ۱۳۴۵

تاريخ ادیان، جان بی. ناس، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، تهران، ۱۳۷۹. چاپ دهم.

تحفة العالم و ذیل تحفه، مير عبد اللطيف شوشتری، صمد موحد، تهران، طهوري، ۱۳۶۳

تذكرة الخواص، سبط ابن الجوزي، طبع نجف، ١٣٦٩ هـ

تذکره مختصر شعرای کرمانشاه. باقر شاکری، کرمانشاه، ١٣٣٧

تشیع و مشروطیت در ایران، بخش ین، عبد الهادی حائری

(ج)

جغرافیای تاریخی و تاریخ مفصل کرمانشاهان، محمد علی سلطانی، ج ٥ - ١.

انتشارات سها تهران ١٣٧٣

جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان. علی محمد ساکی خرم آباد، کتابفروشی محمدی، ١٣٣٨

(ح)

حدیقه سلطانی، محمد علی سلطانی، ج ١. تهران، ١٣٦٣

حدیقه الشعراء، دیوان بیگی، ج ٣ - ٢ - ١ باهتمام، دکتر عبد الحسین نوایی، انتشارات زرین تهران ١٣٦٣

(خ)

##PAGE=683##

خاطرات فرید الملک همدانی، محمد علی خان فرید الملک باهتمام مسعود فرید، تهران، انتشارات زوار، ١٣٦٢

خاندان نوبختی، اقبال آشتیانی، طهوری، تهران، ١٣٥٧ ش.

(د)

دیوان رضوان نسخه خطی، کتابخانه آقا فخر الدین جلیلی، کتابخانه استاد هادی ارفع.

دیوان سید یعقوب ماهیدشتی، باهتمام محمد سعید غیرت، تهران، ١٣٣٨

دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، زیر نظر مصطفی میر سلیم.

دائرة المعارف بزرگ اسلامی. زیر نظر محمد کاظم یجنوردی تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی

الذریعه الى تصانیف شیعہ، حاج شیخ آقابزرگ طهرانی (محمد محسن)، بیروت دار الاضواء

(ر)

رازگشا، کیوان قزوینی، باهتمام محمود عباسی، (؟)، تهران، ۱۳۷۶

راز دل (برگی چند از دیوان کیوان سمیعی)، باهتمام محمد علی سلطانی، انتشارات زوار، تهران ۱۳۶۳

رساله ایران در دو سده واپسین، احسان طبری.

روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۳۷۸۳، تیر ۱۳۷۱، قسمت مشاهیر علم و ادب.

روزنامه اطلاعات، ۱۸ و ۳۰ / ۲ / ۱۳۵۲.

روضة الجنات فی احوال العلماء و السادات، سید محمد باقر خوانساری اصفهانی، بیروت، ۱۴۱۱ هـ

ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، میرزا عبد الله افندی، سید احمد محسنی اشکوری، مرعشی، قم ۱۴۰۱ هـ

ریحانة الادب، میرزا محمد علی مدرس تبریزی، کتابفروشی خیام، تهران، ۱۳۶۹ هـ

ریاض السیاحه، زین العابدین شیروانی، انتشارات سعدی، تهران، ۱۳۳۹ ش

(س)

سالنامه غرب، مرتضی مهدوی، ۱۳۲۶ ش

سالنامه کرمانشاه، ستاره دو عالم علم و عرفان ۱۳۲۵ ش

ستاره‌ای از آسمان علم و تقوی زندگینامه آیت الله عظمی شیخ محمد حسن حجتی - حجج اسلام آقا شیخ محمد و آقا شیخ محمد علی حجتی هرسینی، کرمانشاه، طاق بستان، ۱۳۷۳

(ش)

شرح کتاب مشاعر ملاصدرا (عماد الحکمة)، عماد الدوله ثانی اصفهان، نشر صدرا ۱۳

##PAGE=684##

شهداء الفضیله، عبد الحسین امینی تبریزی، مطبعة العزی، نجف، ۱۳۵۵ هـ ق

شیعه در اسلام، سید محمد حسین طباطبایی، دکتر سید حسن نصر کتابخانه بزرگ اسلامی، تهران ۱۳۵۴.

(ض)

ضمیمه تاریخ علماء خراسان. محمد باقر ساعدی، مشهد

طرائق الحقایق، معصومعلی شاه شیرازی، به تصحیح محمد جعفر محبوب، انتشارات سنایی، تهران.

طبقات اعلام الشیعه، حاج شیخ آقابزرگ طهرانی (محمد محسن)، مشهد، دار المرتضی، ۱۴۰۴. ق

طبقات اعلام الشیعه، حاج شیخ آقابزرگ طهرانی، باهتمام علینقی منزوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ ه. ش.

عقیده الشیعه، دوايت دونالدسن، عربی، مصر ۱۹۶۴.

علماء معاصرین، حاج ملا علی واعظ خیابانی تبریزی، خطاط میر خوشنویس، تهران، ۱۳۶۶ قمری

عقیده الشیعه الامامیه، السید هاشم معروف، بیروت، ۱۹۵۶.

(ف)

فوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفری، حاج شیخ عباس قمی، تهران، کتابخانه مرکزی، ۱۳۷۲.

فصلنامه جلیلیا، شماره اول، تابستان ۱۳۷۰

(ق)

قصص العلماء، تنکابنی.

(ک)

کتاب الرجال، احمد بن علی بن احمد النجاشی، ایران بی تا.

کرمانشاه و روات آن (مقاله)، آیت اله حاج سید مرتضی نجومی. (سمینار کرمانشاه شناسی)

کرام البرره فی القرن الثالث بعد العشره (طبقات اعلام شیعه)، شیخ آقابزرگ طهرانی، سعید، مشهد.

کرام البرره فی القرن الثالث بعد العشره (طبقات اعلام الشیعه)، شیخ آقابزرگ طهرانی، ج ۱، المطبعة العلمية، نجف، ۱۳۷۴ ه ق

کرام البرره فی القرن الثالث بعد العشره (طبقات اعلام الشیعه)، شیخ آقابزرگ طهرانی ج ۲، المطبعة القضاء، نجف ۱۳۷۷ ه ق

کلمات مکنونه من علوم اهل الحکمة، فیض کاشانی، تهران ۱۳۱۸.

الکني و القاب، حاج شيخ عباس قمي تهران، مكتبة الصدر، ۱۳۹۷، ق

کنز العرفان، دیوان حضرت میر محمد صالح الحسنی النعمة اللهی الماهیدشتی، محمد علی سلطانی. تهران، ۱۳۶۸

کشف الغمه فی معرفة الاثمه، علی بن عیسی اربلی، بیروت، دار الكتاب اسلامي، ۱۴۰۱. ق.

کیهان فرهنگی، سال دوم، شماره ۲، اردیبهشت ماه ۱۳۶۴.

کیهان فرهنگی، سال سوم، شماره ۱۱، بهمن ماه ۱۳۶۵.

کیوان نامه، کیوان قزوینی، طهران، ج ۲.

(گ)

گزارش سفر ریاست جمهوری آیت اله هاشمی رفسنجانی به استان کرمانشاه، استانداری کرمانشاه ۱۳۷۵.

گنجینه اسناد، سید محمد علی شهرستانی. سال پنجم، شماره ۱۸ / ۱۷.

گنجینه دانشمندان، محمد شریف رازی، کتابفروشی اسلامیة، تهران، ۱۳۵۲. ش.

(م)

ماهنامه ۱۵ خرداد.

منتهی المقال فی احوال الرجال، ابو علی محمد بن اسماعیل الرجالی تهران ۱۲۹۹.

مسند الامام رضا، شیخ عزیز اله عطاردی، مشهد کنگره بزرگداشت.

مجمع الفصحاء، رضا قلی هدایت، ج ۵ باهتمام مظاهر مصفا، امیر کبیر، تهران ۱۳۴۰.

مجله التواریخ گلستانه، ابو الحسن گلستانه، باهتمام مدرس رضوی - ابن سینا، تهران، ۱۳۴۴

مجموعه هنری استادان خوشنویسی جهان اسلام - نشر موزه هنرهای معاصر و ...

مجله نور علم، دوره پنجم، شماره اول ۱۳۴۹.

مجله ارمغان، دوره - (۳ - ۴ ش.).

محراب خونین باختران (کرمانشاه)، محمد اشرفی اصفهانی.

مرآت الاحوال جهان‌نما، آقا احمد بن محمد علی کرمانشاهی، علی دوانی، امیر کبیر، تهران - ۱۳۶۲ ش.

مرآت الاحوال فی معرفة الرجال، احمد بن محمد علی بهبهانی - نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه، شماره ۲۱۷۴

مسند الامام رضا، شیخ عزیز اله العطاردی، طبع تهران، ۱۳۹۲ هـ

معجم المؤلفین تراجم مصنفی الکتب العربیه، عمر رضا کحاله، دار احیاء التراث العربی، بیروت

معجم الادباء، ابو عبد الله یاقوت حموی، تحقیق احمد فرید رفاعی، مصر ۱۹۳۸.

##PAGE=686##

مقدمه خیراتیہ در ابطال طریقہ صوفیہ، ج ۱. آقا محمد علی کرمانشاهی، بنیاد وحید بهبهانی - قم - ۱۳

مقدمه تنبہ الغافلین - بنیاد وحید بهبهانی - قم - ۱۳۷

منتہی المقال - شیخ ابو علی، میرزا محمد علی کشمیری.

مکارم الآثار، میرزا محمد علی معلم حبیب‌آبادی، اصفهان، کمال، ۱۳۶۲ ش

(ن)

نجوم السماء فی تراجم العلماء، میرزا محمد علی کشمیری، چاپ قم. مکتبۃ بصیری، ۱۳۹۴ ق.

ندای خاوران، شماره ۷۸، نیمه اول مرداد ماه ۱۳۷۵ ش.

نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، (طبقات اعلام الشیعه)، مطبعه سعید، مشهد.

نقباء البشر فی القرن الرابع عشر (طبقات اعلام الشیعه)، شیخ آقابزرگ طهرانی، ج ۱، المطبعه، نجف، ۱۳۷۳ هـ ق.

نقباء البشر فی القرن الرابع عشر (طبقات اعلام الشیعه)، شیخ آقابزرگ طهرانی، ج ۲، المطبعه، نجف، ۱۳۷۵ هـ ق

نقباء البشر فی القرن الرابع عشر (طبقات اعلام الشیعه)، شیخ آقابزرگ طهرانی، ج ۳، المطبعه الآداب، نجف ۱۳۸۱ هـ ق

نقباء البشر فی القرن الرابع عشر (طبقات اعلام الشیعه)، شیخ آقابزرگ طهرانی، ج ۴، لمطبعه الآداب، نجف ۱۳۸۸ هـ ق

(و)

وحید بهبهانی، علی دوانی، انتشارات امیر کبیر، تهران، - ۱۳

وفیات الاعیان، ابو العباس احمد بن محمد ابن خلکان، تحقیق احمد فرید الرفاعی، مصر، ۱۳۴۸.

آرشیو- آلبوم

آرشیو کتابخانه آستان قدس رضوی (مشهد)

آرشیو کتابخانه حسینیه حاج علی اصغر اکبرپور (کرمانشاه)

آرشیو کتابخانه حسینیه آیت الله جلیلی (کرمانشاه)

آرشیو کتابخانه آیت الله فقیه حاج شیخ جعفر فیض مهدوی (کرمانشاه)

آرشیو کتابخانه شادروان استاد کیوان سمیعی (محل کتابخانه کرمانشاه - دانشکده ادبیات دانشگاه رازی)

آرشیو کتابخانه شادروان محمد حسین مدنی کرمانشاهی (تهران، کاخ گلستان)

##PAGE=687##

آرشیو کتابخانه آیت الله نجومی (کرمانشاه)

آرشیو کتابخانه مؤلف (کرمانشاه)

آلبوم خاندان آل آقا (آقا نظام الدین آل آقا - آیت الله حاج سید مرتضی نجومی)

آلبوم بیت آیت الله اشرفی (ملحقات مجموعه چهارمین شهید محراب)

آلبوم خاندان جلیلی

آلبوم خاندان حاج آخوند

آلبوم خاندان حجتی هرسینی

آلبوم خاندان شهرستانی (گنجینه اسناد) سازمان اسناد ملی ایران

آلبوم خاندان فیض مهدوی

آلبوم خاندان محمدی عراقی

آلبوم خاندان میبدی

آلبوم خاندان سادات موسوی اجاق

آلبوم خاندان نجومی

اسناد

اسناد خاندان آل آقا

اسناد بیت آیت الله اشرفی (ملحقات مجموعه چهارمین شهید محراب)

اسناد خاندان حاج آخوند

اسناد خاندان حجتی هرسینی

اسناد خاندان شهرستانی (گنجینه اسناد) سازمان اسناد ملی

اسناد خاندان فیض مهدوی

اسناد خاندان کاظمی

اسناد خاندان محمدی عراقی

اسناد خاندان میبدی

اسناد خاندان نجومی

مصاحبه

مصاحبه با آیت الله حاج شیخ عبد الجلیل جلیلی

مصاحبه با آیت الله حاج شیخ حسام الدین جلیلی

مصاحبه با حجة الاسلام حاج شیخ صلاح الدین جلیلی

##PAGE=688##

مصاحبه با آیت الله حاج شیخ مجتبی حاج آخوند

مصاحبه با حجة الاسلام حاج شيخ محمد حجتى هرسينى

مصاحبه با آيت الله فقيد حاج سيد جواد خرماهى

مصاحبه با آيت الله حاج شيخ محمد حسين زرندى

مصاحبه با آقا محمد صادق فيض مهدوى

مصاحبه با سرکار خانم گيتى فيض مهدوى

مصاحبه با شادروان سيد محمود كزازى

مصاحبه با شادروان استاد غلامرضا كيوان سميعى

مصاحبه با حجة الاسلام آقا سيد جعفر لارى

مصاحبه با آقا ميرزا حسن ممدوحى

مصاحبه با آقا سيد اشرف موسى اجاق

مصاحبه با آقا سيد محمود موسى اجاق

مصاحبه با آيت الله حاج سيد مرتضى نجومى

يادداشت

يادداشت حجة الاسلام حاج شيخ على آل كاظمى

يادداشت حجة الاسلام حاج شيخ ذكر اله احمد

يادداشت آقاى سعيد اعتمادى (سنقر)

يادداشت آقاى على اكبر اسدپور (سنقر)

يادداشت حاج شيخ عبد الجليل جليلى

يادداشت آقاى على اشرف جليلى (سنقر)

يادداشت حجة الاسلام آقا صلاح الدين جليلى

یادداشت حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد حجتی هرسینی

یادداشت آقا سید محسن خرمشاهی / یادداشت آقا هادی زرنندی (معصومی راد)

یادداشت آیت الله حاج شیخ جعفر فیض مهدوی

یادداشت شادروان آقا محمد رضا فیض مهدوی (شجره)

یادداشت آقا میرزا حسن ممدوحی

یادداشت آقای مهندس جمال الدین محمدی عراقی

یادداشت‌های حجة الاسلام آقا سید ناصر میبیدی

یادداشت‌های آیت الله حاج سید مرتضی نجومی^{۲۷۷}

##PAGE=689##

نمایه

|

ابراهیم بن آقا احمد بن آقا محمد علی ۷۱

ابراهیم موسوی کرمانشاهی ۵۵۷

ابو الحسن اصفهانی ۷۷، ۲۸۵، ۳۱۶

ابو الحسن رفیعی ۶۲۵

ابو الحسن علی بن علی عسکری ۲۷، ۱۷

ابو الحسین احمد بن حسین بن عبید الله عضایری ۱۹

ابو الحسین محمد بن مفضل قرمیسینی ۲۴، ۲۳

ابو الفرج ۶۶۸

^{۲۷۷} (*) ذکر احوال و آثار خاندان‌های شیخ الاسلام کرمانشاهی، صدوقی یزدی، میبیدی همانطور که در ویرایش متن آمده و مواردی که در متن و پاورقی اشاره شده، عیناً از یادداشت‌های ارسالی حجة الاسلام آقا سید ناصر میبیدی نقل گردیده است مشخصات و ارجاعات مزبور مربوط به بررسی ایشان است با سپاس مجدد.

ابو الفضل برقعى قمى ۷۹

ابو القاسم اصفهانى ۱۴۳

ابو القاسم رئيس العلماء ۷۱

ابو القاسم کرمانشاهى ۵۵۸

ابو بکر عمر ۲۷

ابو تراب ۷۷

ابو جعفر عمرى ۲۶

ابو حنیفه ۱۹

ابو عبد الله بن فتحويه دينورى ۲۷

ابو على امام جمعه ۶۲، ۶۳، ۶۴

احمد آل آقا نهاوندى ۳۶۸، ۷۹

احمد بن ابى روح ۲۶

احمد شاه ۳۲۲، ۳۱۸

احمد عبد اللهى ۶۲۲

احمد كسروى ۵۹۹

احمد نجفى ۱۴۲

آخوند خراسانى ۶۶، ۴۸۶، ۷۹

آخوند ملا عبد الاحد ۴۷۹

اديب نيشابورى ۶۵۵

آديته‌وند ۴۵۸

اردشیر بالکان ۱۳

اسد الله آل آقا ۴۸۶، ۶۱، ۶۲، ۶۳

اسحاق احمر ۲۶

اسماعیل ۱۲۹

اسماعیل صدر ۶۳۳

اشراقعلی شاه ۶۶۵

اشرف اصفهانی ۵۷۳، ۵۷۱، ۶۰۳

اشکانیان ۱۳

اصفهان ۵۰

اصفهانی ۳۲۱، ۳۲۳

اعتماد السلطنه ۵۹، ۷۶، ۳۳۶

اقبال الدوله کاشانی ۶۶۷

آقا احمد ۴۵، ۵۸، ۷۹، ۵۶، ۴۱، ۷۶، ۴۲، ۵۴، ۴۸۰، ۴۱، ۷۳، ۶۵۱، ۷۸

آقا اسماعیل ۵۳

آقا اکمل الدین ۷۶

آقا باقر ۶۳

آقا باقر هزارجریبی ۱۲۹

آقابزرگ تهرانی ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۴، ۱۳۲، ۴۷

آقابزرگ عسگری ۶۵۵

آقا دوانی ۳۰۹، ۳۳

آقا رحيم ارباب ۶۲۲

آقا رحيم ابن آقا محمد هادی ابن آقا محمد صالح ۷۶

آقا سيد ابو الحسن ۱۳۶

آقا سيد ابو طالب ۳۲۲

آقا سيد احمد تفرشی ۲۸۳

آقا سيد حسن ۴۸۰

آقا سيد حسين كزازی ۴۸۰، ۴۸۳، ۴۸۲، ۵۲۸

آقا سيد علی ۴۸، ۷۵

آقا سيد علی صاحب رياض ۵۷، ۶۶

آقا سيد محمد حسين شهرستانی ۳۱۰

آقا شيخ هادی ۱۳۷

آقا شريف آل آقا ۶۶۷

آقا عبد الصمد کرمانشاهی ۱۳۲

آقا عبد الله مجتهد کرمانشاهی ۵۹، ۷۶، ۶۰

آقا عبد المحمد ۶۵

آقا علی اکبر الهی آل آقا ۷۷

آقا قاسم ۶۳

آقا قلی خان اسعد السلطنه ۵۲۷

آقا ملا رضا ۳۳۵

آقا محمد ۱۳۱، ۱۳۲، ۲۷۲

آقا محمد ابراهیم ۳۸

آقا محمد اسماعیل ۷۴، ۲۷۸۴۱

آقا محمد باقر وحید بهبهانی ۱۲۹

آقا محمد بن حاج نبی بن آقا محمد تقی ۷۰

آقا محمد بن آقا کمال ۵۶

آقا محمد جعفر ۵۳، ۴۵، ۴۸، ۴۷، ۴۱

آقا محمد حجتی ۲۸۵

آقا محمد صادق ۶۵

آقا محمد صالح ۷۵،

آقا محمد علی بهبهانی کرمانشاهی ۴۳، ۳۴۳، ۳۴۴

آقا محمد علی ۵۳، ۴۴، ۴۲، ۵۷، ۴۱، ۶۹، ۵۶، ۷۵، ۵۲، ۵۵۸، ۵۰، ۴۲، ۴۱

آقا محمود ۴۱، ۵۰، ۵۲، ۷۶

آقا میرزا اسمعیل ۵۲۲

آقا میرزا جعفر شهرستانی ۳۱۱

آقا میرزا طاهر تنکابنی ۳۷۲

آقا میرزا علی اکبر یزدی ۶۵۰

آقا وحید بهبهانی ۵۷

آل آقا ۳۳، ۴۸، ۷۹

آیت الله العظمی حایری یزدی ۱۴۳

آیت الله العظمی اصفهانی ۱۴۳

الله قلی خان ۳۷، ۳۸، ۳۹

امام ابو جعفر محمد بن علی الجواد ۱۷

امام ابو حنیفه ۲۲

امام ابو محمد حسن بن علی عسکری ۱۷

امام جمعه کرمانشاهی ۵۹

##PAGE=690##

امام قلی میرزای عماد الدوله ۶۵

امام مالک بن انس ۲۲

امام محمد بن الحسن مهدی آل محمد ۱۷

امام خمینی ۱۳۸، ۱۴۴، ۲۸۶، ۳۴۴، ۳۴۹، ۳۵۳، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۹۰، ۴۹۲، ۵۷۱، ۶۰۳، ۶۲۲

امیر احمدی ۳۱۷

امیر فیصل ۳۱۳

امیر قوام الدین مرعشی ۴۸۶

انگلستان ۴۱، ۳۲۳، ۳۱۶

انوشک روان ۱۶

آیت الله اجاق ۶۴۳

آیت الله العظمی اراکی ۶۲۲

آیت الله العظمی اصفهانی ۵۷۲

آیت الله آقا احمد ۵۳، ۷۸، ۴۷۹

آیت الله آقا محمد جعفر کرمانشاهی ۴۶

آیت الله العظمی بروجردی ۳۵۱، ۵۶۹، ۵۷۲، ۶۰۳، ۵۷۰، ۶۲۲، ۶۳۱

آیت الله العظمی بهجت ۶۲۲

آیت الله جنتی ۶۰۳

آیت الله جوادی آملی ۴۵۸

آیت الله العظمی حائری ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱

آیت الله حاج شیخ محمد صدوقی ۳۴۴

آیت الله العظمی حجت ۵۷۰

آیت الله العظمی حکیم ۶۳۱

آیت الله العظمی خامنه‌ای ۶۲۲

آیت الله خرمشاهی ۳۰۱، ۳۰۲

آیت الله خزعلی ۴۵۸

آیت الله العظمی خوانساری ۵۷۰، ۵۶۱

آیت الله العظمی خویی ۴۹۲

آیت الله سلطانی ۴۵۸، ۶۰۲

آیت الله العظمی شهرستانی ۳۲۰، ۳۲۱

آیت الله شیخ عطا الله اشرفی اصفهانی ۵۶۹

آیت الله شیخ محمد حسین زرنندی ۶۰۲، ۶۰۵، ۶۰۴

آیت الله العظمی صدر ۴۶۱، ۵۷۱، ۵۷۰

آیت الله العظمی طباطبایی ۶۲۲

آیت الله طالقانی ۴۵۸

آیت الله العظمی فاضل لنکرانی ۶۲۲

آیت الله العظمی فاضل ۴۵۸

آیت الله فاضل تونی بشروی ۶۰۴

آیت الله فکور ۶۰۲

آیت الله العظمی گلپایگانی ۴۵۵، ۶۲۲، ۴۹۲، ۴۶۱، ۴۵۸

آیت الله مجتبی عراقی ۳۵۱

آیت الله العظمی محمد تقی خوانساری ۳۵۱

آیت الله العظمی مدرس ۴۵۵

آیت الله العظمی مرعشی نجفی ۴۶۱، ۴۹۲، ۴۵۸

آیت الله العظمی مکارم شیرازی ۶۲۲

آیت الله موحدی کرمانی ۶۰۳

آیت الله نجومی ۶۷، ۳۴

آیت الله العظمی نوری همدانی ۴۵۸

آیت الله یثربی ۱۴۳

ایران ۴۱، ۳۲۰، ۶۹، ۶۳

ائمہ شیعه امامیه ۱۸

ب

بابل قدیم ۱۳

باقر بهبهانی ۶۵۱

باقر العلوم ۱۸

باقر شاکری ۶۷۵

باقر هزارجریبی ۵۶، ۱۲۵

برج خاموشان ۱۰

بروجردی ۶۹، ۷۹، ۱۴۲، ۱۴۴، ۲۵۸

بسمل کرمانشاهی ۳۶۷

بشرویہ ۵۶

بصرہ ۳۴۴

بندر عباس ۵۶، ۵۷

بنگالہ ۵۷

بہاء الدین ۵۳

بہاء الدین عاملی فتونی ۵۲۱

بہبہانی ۷۹

بہرام اول ۱۴

بیستون ۶۶۰

پ

پاتک ۱۴

پازند ۱۳

پریشان دینوری ۵۹۹

پلوٹارک ۱۱

ت

تاریخ رجال ایران ۴۰

تتمه امل الامل ۵۰

تحفة العالم ۳۷

تربت حیدریه ۵۶

تشیع ۱۷

تقی ستوده ۱۴۴

تنقیح الحاق ۲۵

تون ۵۶

تهران ۵۰، ۷۳، ۷۴، ۳۳۶، ۵۹۹

ج

جابر بن حیان ۲۲

جابر بن عبد الله انصاری ۷۸

جان ملکم ۴۱

جبلی ۲۵

جبل عاملی ۵۶۹، ۵۷۰

جعفر شهرستانی ۲۰۹، ۲۱۰

جعفر کبیر ۵۸

جعفر معصومی ۶۳۱

جليل تبریزی سنقری ۵۹۹

جمال الدين ۶۳۳

جمال الدين جلالی ۱۴۰، ۱۴۱

جواد تبریزی ۱۴۴

ح

حائری قمی ۳۷۴

حاج آقا احمد ۷۴

حاج آقا احمد آل آقا کرمانشاهی ۷۳

حاج آخوند ۲۷۴

حاج آقا اکبر بن آقا محمد تقی ۶۸

حاج آقابزرگ تهرانی ۱۳۰، ۳۶۷، ۳۷۴

حاج آقابزرگ کنگاوری ۳۵۴، ۳۵۵

حاج آقابزرگ محمدی عراقی ۳۵۲، ۳۵۳

حاج آقا روح الله خمینی ۱۳۸

حاج آقا عبد الله آل آقا ۷۴

حاج آقا مجتبی ۲۷۲

حاج آقا محمد ۷۳

حاج آقا محمد مهدی فیض ۳۷۱

حاج آقا مصطفی جلیلی ۱۴۰

حاج رضا قمی واحدی ۴۸۹

حاج سید احمد شیرازی ۳۶۷

حاج سید حسین قزوینی ۴۱

حاج سید علی مجتهد یزدی ۴۸۵

حاج سید علی میبدی ۴۸۵

حاج سید مبارک کرمانشاهی ۳۰۲

حاج سید جواد میبدی ۴۸۸

حاج سید موسی زنجانی ۳۰۳

حاج شیخ عبد الجلیل ۱۳۱

حاج شیخ عبد الخلیل ۱۳۱

حاج شیخ عبد الکریم حائری ۳۴۴

حاج شیخ علی دوانی ۷۸

حاج شیخ علی دوانی ۵۳

حاج شیخ مجتبی عراقی ۳۵۰

حاج شیخ محمود محمدی عراقی ۳۵۵

حاج شیخ محمد هادی ۱۳۶

حاج شیخ هادی ۲۶۹

حشمت السلطان دولتشاهی ۶۶۸

حاج مرتضی مهدوی ۱۳۶

حاج میرزا محمد شهرستانی ۵۰

حاج میرزا حسن میبیدی ۴۸۸

حاج میر محمد حسین اصفهانی ۴۱

حاج ملا سمیعا ۳۶۸

حاج ملا حسن ۳۶۸

حاج محمد تونی ۲۸

حاج محمد تقی مازندرانی ۴۹۱

حاج محمد تقی اصفهانی ۶۰۴

حاج محمد میبیدی ۴۹۱

حاج محمد تقی اصفهانی ۲۷۰

حبیب الله خان کلیایی ۶۴۱

حدائق ۳۷

حدیث‌کشی ۲۵

حزقیال نبی ۱۱

حسام السلطنه ۳۶۸

حسام الدین جلیلی ۱۴۳، ۱۴۴

حسن بن علی دینوری ۲۶

حسن بن اسد الله ۶۱

حسین بن احمد راوندی دینوری ۲۵

حسن حاج آخوند ۲۷۱

حسن خان کلانتری مگری ۵۲۷

حسین خان امیر برق ۳۷۱

حسن زاده آملی ۶۳۶

حسین طباطبایی ۱۳۸

حسن علامی ۶۵۷، ۱۳۶، ۳۰۱، ۶۵۶

حسن کربلایی ۱۴۲

حسن کرمانشاهی ۶۵

حسن موسوی بجنوردی ۱۳۸

حسین حلی ۱۳۸

حسین خرمشاهی ۳۰، ۳۰۳

حسین راوندی دینوری ۲۵

حسین زرنندی ۲۷۳

حسین شیرازی ۶۴۰

حسین طباطبایی ۳۴۴

حسینقلی خان سلطانی ۶۶۵، ۶۶۶

حسینعلی همدانی ۲۶۸

حضرت معصومه (ع) ۷۹

حلوان ۱۶

حمیمه ۱۸

حیدرآباد ۵۸

حیدرقلی خان ۶۵۶

حیدر موسوی ۶۴۰

خ

خراسانی ۷۰، ۵۹۹

خوانساری ۲۸۵

خورکان ۱۶

خیراتیہ ۴۴

خیر الحاج رحمت اللہ ۵۶

د

دراویدیان ۹

دعوات ۶۸

دوانی ۴۰

دھریون ۱۹

دوانی ۴۰

دین اسلام ۱۷

ر

رحیم آل آقا ۳۰۱

رشید الدین فضل اللہ ۲۸

رضا شاہ ۴۵۵ - ۳۲۱

رضا ہمدانی ۴۹۰

رضوان ۶۶۸

رکینه ۹۹

روضات ۵۹-۳۶

رياض الجنة ۳۵

##PAGE=693##

ز

زاگرس ۱۳-۱۶

زروان ۱۵

زنوزی ۴۳

زیدیه ۱۸

س

ساعدی خراسانی ۶۷۴

سالار الدوله ۴۸۳، ۵۲۶

ستار خان ۳۷۱

سراب نیلوفر ۱۳

سردشت ۱۲

سردار کابلی ۶۱۲، ۶۱۳، ۴۸۵، ۵۲۸، ۶۱۸، ۶۵۶

سردار سپه ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۴

سعدی ۶۶۱

سلطان العلماء آل آقا ۵۲۴

سلطان احمد ۳۱۵

سید ابو الحسن نجومی ۵۲۶

سید ابو الحسن موسوی ۵۷۲

سید ابو الحسن شهرستانی ۳۱۶

سید ابو الحسن اصفهانی ۶۳۱، ۴۶۱، ۴۵۴، ۴۸۹، ۳۷۲، ۳۷۴

سید ابو الفضل موسوی تبریزی ۵۵۸

سید ابو القاسم ۵۶

سید ابو طالب ۳۲۱

سید احمد کرمانشاهی ۵۵۷

سید احمد اشکوری ۵۲۸

سید احمد خوانساری ۳۵۰

سید اسد اله مدنی ۵۲۸

سید اکبر شاه شیرازی ۵۲۶

سید المجتهدین طباطبائی نجفی ۵۵

سید باقر میبدی ۴۹۱

سید جعفر اعرجی ۶۱

سید جعفر معصومی لاری ۶۳۱

سید جعفر سجادی ۴۸۹

سید جمال الدین اسدآبادی ۳۴۷

سید جواد نجومی ۵۲۲، ۴۹۰، ۵۲۶، ۵۲۵، ۵۲۴، ۵۲۸، ۵۲۷، ۶۲۵

سید حسن لاری ۲۷۴

سید حسین صدر ۶۱۷

سید حسین آل طه ۴۸۵

سید حسین حائری طباطبایی ۶۰۰، ۶۰۱

سید حسین خرمشاهی ۳۰۳

سید حسین قزوینی ۳۶۸

سید حسین کزازی ۶۰۱

سید شهاب الدین مرعشی نجفی ۳۶۷

سید صالح کشمیری ۴۸۲

سید صدر الدین کاظمی ۶۱۳

سید طاووس ۲۵

سید عباس سابق ۶۳۲

سید عباس لاری ۶۱۷، ۶۳۰

سید عبد الاعلی سبزواری ۵۲۸

سید عبد الحسین واحدی ۴۵۶

سید عبد الحسین موسوی لاری ۶۳۰

سید عبد الهادی شیرازی ۵۲۸

سید علی حائری ۶۰۱

سید علی شرفاء مرعشی ۴۸۶

سید علی طباطبایی ۳۶۸، ۳۳۷، ۳۷

سید علی میبدی ۴۹۱، ۴۸۶

سید کریم ۶۴۲

سید کلبعلی ۶۴۱

سید کاظم رشتی ۵۵۷

سید کاظم عصار ۶۲۳

سید کاظم مرعشی ۴۹۲

سید کاظم میبدی ۴۸۹

سید کاظم یزدی ۶۲۸

سید مجاهد ۵۸

##PAGE=694##

۲۷۹

سید مجتبی معصومی لاری ۶۳۲

سید یحیی میبدی ۴۹۲

سید محسن امین عاملی ۶۱۸، ۳۶۸، ۵۵۷، ۶۱۶

سید محسن جبل عاملی ۱۲۹، ۱۳۰

سید محسن حکیم ۵۲۸

سید محمد باقر درچه‌ای ۵۶۹

سید محمد تقی خوانساری ۵۷۱

سید محمد حسین شهرستانی ۴۸۶

سید محمد رضا ۵۶، ۵۵

سید محمد رضا میبیدی ۴۸۸، ۵۲۸

سید محمد شفیع بروجردی ۴۸۰

سید محمد شاهرودی ۵۲۸

سید محمد کاظم یزدی ۴۸۶

سید محمد کرمانشاهی ۵۵۷

سید محمد نجف آبادی ۵۶۹

سید محمد موسوی عاملی ۶۲۶

سید محمد میبیدی ۳۰۱، ۴۸۶، ۴۸۹، ۶۳۱

سید محمود دلاوری ۵۲۸

سید محمود مولوی اصفهانی ۳۷۲

سید مرتضی لنگرودی ۶۵۱

سید مرتضی نجومی ۲۳، ۵۲۷، ۵۲۸، ۶۲۵

سید مسعود معصومی لاری ۶۳۲

سید معصوم موسوی ۶۳۰

سید مهدی درچه‌ای ۵۶۹

سید محمد جعفر شهرستانی ۵۵۸

سید میرزا محمد رضا ۵۲۱

سید میر محمد ۶۴۰

سید ناصر میبیدی ۳۳۷، ۴۸۸، ۴۹۲

سید یحیی خراسانی ۶۱۷

سید یعقوب ماهیدشتی ۶۴۶

ش

شاپور اول ۱۴

شاه عباس صفوی ۶۲۵

شجاع الدین جلیلی ۱۴۲، ۱۴۳

شرح قواعد علامه ۵۶

شرح قیصری ۶۵۶

شریعت اصفهانی ۷۰

شریعت سنگلجی ۶۵۵

شوش ۱۶

شهاب الدین ۶۶۵

شهاب الدین حکمی ۶۶۷

شهاب الدین مرعشی ۱۳۸، ۶۳۳

شهباز خان ۱۳۶، ۱۷۱

شهرستانی ۳۲۱، ۳۲۴

شهر مدائن ۱۴

شیخ ابو علی ۴۳، ۴۴

شیخ احمد احسائی ۵۸، ۵۲۱، ۵۵۷، ۵۲۱

شیخ احمد کاشف الغطاء ۴۵۴

شیخ آغابزرگ تهرانی ۳۳۶، ۴۸۵، ۵۲۸، ۵۵۷، ۶۱۲، ۶۱۶، ۶۱۸

شیخ الاسلام محمد بن عاشور کرمانشاهی ۳۳۷

شیخ انصاری ۳۴۷، ۶۲۲

شیخ بهایی ۴۴، ۵۵

شیخ بهاء الدین ۵۳

شیخ بهاء الدین عراقی ۳۵۳، ۳۵۴

شیخ جعفر کاشف الغطاء ۱۲۹

شیخ جعفر کبیر ۵۷

شیخ جواد تبریزی ۱۴۴

شیخ حبیب الله اراکی ۳۴۹

شیخ حسن حاج آخوند ۵۲۸

شیخ حسن علامی ۲۷۲، ۴۹۰، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۸، ۶۲۳، ۶۲۴

##PAGE=695##

۶۲۵، ۶۳۱

شیخ حسن قراچه‌داغی ۵۵۷

شیخ حسن نجف‌آبادی ۶۲۲

شیخ حسین خادمی ۶۲۲

شیخ حمید روحانی ۴۵۸

شیخ حیدری ۳۰۳

شیخ خیراله حیدری ۴۵۷

شیخ ذکراله احمدی ۵۵۸

شیخ رجب برسی ۵۹۹

شیخ زین العابدین مازندرانی ۵۵۷

شیخ شجاع الدین جلالی ۶۳۲

شیخ صدوق ۳۴۴

شیخ عباس قمی ۶۱۵، ۶۱۶

شیخ عبد الجلیل زنگنه ۵۲۱

شیخ عبد الجواد امام سدهی ۶۳۲

شیخ عبد الحسین تهرانی ۴۸۶

شیخ عبد الحسین کرمانشاهی ۶۲۶

شیخ عبد الرحیم ۱۳۲

شیخ عبد الکریم ۳۲۰، ۶۰۱

شیخ عبد الکریم حائری ۳۵۰

شیخ علی ۶۳، ۶۷۱

شیخ علی آقا کاظمی ۴۵۸، ۴۵۹

شیخ علی آل کاظمی ۳۶۷، ۴۵۷، ۴۶۰

شیخ علی خان زنگنه ۲۸

شیخ علی علماء ۶۵۸، ۶۷۳

شیخ علی فلسفی ۴۹۲

شیخ علی نقی ۲۹

شیخ کربلایی ۶۴۲

شیخ فرج الله کاظمی ۶۴۱، ۴۵۴، ۴۶۰

شیخ فرج الله هرسینی ۴۵۵، ۴۵۶

شیخ فیض الله حیدری ۳۰۳

شیخ غلامحسین تبریزی ۴۵۵

شیخ غلامحسین دارابی شیرازی ۴۶۰

شیخ کربلایی ۶۴۲

شیخ مجتبی حاج آخوند ۶۰۳

شیخ محمد باقر مازندرانی ۳۳۷

شیخ محمد بن شیخ صادق ۵۶

شیخ محمد تقی اصفهانی ۵۶

شیخ محمد تقی کرمانشاهی ۳۳۶

شیخ محمد جعفر نجفی ۴۸

شیخ محمد حسن مازندرانی ۴۹۱

شیخ محمد حسن نجفی ۱۳۳

شیخ محمد حسین فاضل اردکانی ۴۸۶

شیخ محمد حسین معصومی زرنندی ۶۳۷

شیخ محمد رشتی ۴۶۰

شیخ محمد رضا کاظمی ۴۵۷، ۴۶۰، ۴۶۱

شیخ محمد علی ۵۶

شیخ محمد علی اراکی ۵۲۸، ۵۷۱

شیخ محمد علی قمی ۴۸۹

شیخ محمد کاظم شیرازی ۳۷۴

شیخ محمد کرمانشاهی ۶۲۵

شیخ محمد کنگاوری ۳۴۹

شیخ محمد هادی جلیلی ۱۳۶

شیخ مرتضی ۱۳۵، ۳۱۲

شیخ مرتضی آشتیانی ۶۰۱

شیخ مرتضی اردکانی ۴۹۲

شیخ مفید ۱۹، ۳۴۴

شیخ موسی ۵۶

شیخ مهدی امیر کلایی مازندرانی ۶۵۱

شیخ مهدی خالقی ۳۱۵، ۳۲۱

شیخ هادی ۱۳۵، ۱۳۷، ۲۷۰

شیخ هادی تهرانی ۱۳۵

شیخ هادی جلیلی ۱۳۶، ۴۹۰، ۶۳۱

شیخ هاشم آملی ۶۳۶

شیخ یوسف بحرانی ۴۳

##PAGE=696##

ص

صالح ۵۵

صالح اجاق ٦٤١

صائبان ١٤

صلاح الدين ١٤٥

صلاح الدين جليلي ١٤٤، ١٤٥، ٣٠٣

صدوق ٢٣

صوفيه ٥٨

ض

ضياء الدين عراقي ٧٧، ١٤٣، ٢٨٥، ٣٧٤، ٣٧٢، ٦٢٣، ٦٢٥

ضياء الدين فيض مهدوي ٣٧٤

ط

طاق بستان ١٣

طبس ٥٦

طهماسبقلي خان کرمانشاهی ٦٧٧

ع

عبد الله حائري ٢٨٥، ٣٢١، ٦٥٦

عبد الجليل ١٣٠، ١٢٩، ١٣٢، ١٣٨

عبد الله بن معاويه ٢٣

عبد الاحد ١٣٠، ١٣١، ١٣٢

عبد الرحمان ١٣٢

عبد الله نظري ٦١٠، ٥٩، ٦٦، ١٤٥

عبد الاحد ۱۳۰، ۱۳۱

عبد الجليل ۱۲۱، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۸

عبد الصمد الكركوتي ۱۳۲، ۱۳۰، ۱۳۱

عبد الرحمان ۱۳۲

عبد العلي جليلي ۱۳۵

عبد الصحمد ۱۳۱، ۱۳۰

عبد الكريم کرمانشاهی ۶۲۷

عبد الهادي شیرازی ۳۴۹

عبد الله سوم ۷۴

عبد الاحد کزازی ۴۸۸

عبد الخالق عبد الهی ۲۷۳

عبد الجليل ۱۳۱

علي شهرستانی ۷۶، ۳۱۷

علامه ملا محمد ۳۳۶

علامه طباطبائی ۶۰۳

مراد خان زند ۳۰

علي اشرف جليلي ۵۹۹

علماء خراسان ۶۷۴

علي زنوزی ۴۶۹

عطا اله شهاب ۶۶۸

علامه حلی ۱۸، ۲۷

علیشاه ۴۱، ۵۱

عراق ۶۳، ۳۵۰

عالم مطلق ۱۸

عماد الدوله ۶۷، ۷۰

عزیز الله ۲۷۳

عظیم آباد ۵۷۰

عبدالمحمد بن بدر ۶۲۲

عبدالله کجواوی ۶۵۱

عبدالرحیم جلیلی ۶۶۷

عبدالحسین ۶۳، ۶۳۰

عبدالکریم غیرت ۶۴۱

عبدالخلیل زنگنه ۱۲۹

عبدالله ۵۹، ۶۱، ۶۳، ۶۶

عبدالمحمد ۶۶، ۶۷

علی بن عبدالله ۲۵

ف

##PAGE=697##

فارسنامه ناصری ۲۸

فاضل اردکانی ۵۲۲، ۶۰۱، ۶۲۷

فاضل ربانی ۴۵

فتحعلی شاه ۳۹، ۳۳۵، ۳۴۳

فتح الله محلوجی ۳۱۶

فردوس التواریخ ۴۲

فرج الله کاظمی ۴۵۳

فرهاد میرزا معتمد الدوله ۳۴۸

فرید الملک قراگوزلو ۷۱، ۵۲۴

فرید الملک همدانی ۲۷۰

فشارکی ۴۵۸، ۵۶۹

فقه جعفری ۲۰، ۲۱

فقه جعفری ۲۰، ۲۱

فیض آباد ۵۷

فیض کاشانی ۳۶۷

فیض مهدوی ۴۴۸

ق

قاسم امام جمعه ۶۴

قاسم بن عیسی ۲۳

قاضی عسکر ۶۲۷

قباد ۱۶

قرمیین ۱۲۹

قشم ۵۶

قطانی ۲۶

قم ۵۰، ۵۳، ۵۶، ۶۹

ک

کاشف الغطاء ۵۶

کاظمین ۵۶

کریلا ۴۵، ۵۵، ۵۶، ۵۹، ۳۲۳، ۳۲۴

کزند ۲۸

کشف الحق ۱۸

کمیل بن زیاد ۵۵

کیوان سمعی ۶۲، ۶۳، ۷۸، ۴۸۰، ۴۹۰، ۵۲۸، ۵۲۳، ۶۰۱، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۳، ۶۲۵، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۶۳، ۶۷۳، ۶۶۹

کیوان قزوینی ۶۵۶

گ

گاتاها ۱۱

گلیایگانی ۱۴۴، ۶۳۶

گلشن زنگنه ۶۲۷

گواماتا ۹

گوستی ۱۴

م

ماجده ۵۵

مانوی ۱۳

مانی ۱۲

مانیکوس ۱۳

مجتبی اجاق ۶۴۳

مجتبی میبدی ۳۰۳

محدث قمی ۴۷

محدث نوری ۵۰

محسن اعرجی ۵۸

محسن امین ۶۳۴

محسن جبل عاملی ۱۳۳

محمد ابراهیم ۳۱۱

محمد ابن آقا محمود بن آقا محمد علی ۷۳

محمد اسماعیل ۱۳۲

محمد اسماعیل هرسینی کرمانشاهی ۶۲۶

محمد باقر بهبانی ۶۳

محمد باقر خوانساری ۳۶

محمد باقر زنجانی ۵۲۸

##PAGE=698##

محمد باقر سلطانی ۱۴۴

محمد باقر وحید بهبانی ۱۲۹

محمد باقر کرهرودی ۳۴۷، ۳۴۸

محمد بن عاشور ۶۳۴

محمد بن یحیی لاهیجی ۶۶۲

محمد تقی بن آقا محمد جعفر ۶۸

محمد تقی راموز ۶۵۵

محمد تقی ستوده اردکانی ۱۴۴

محمد تقی شیرازی ۴۸۹، ۶۲۶

محمد تقی فیض ۳۶۸، ۳۷۵

محمد تقی کرمانشاهی ۶۸

محمد جعفر ۶۱، ۵۶، ۳۸

محمد جعفر ذو الفنون عراقی ۶۵۲

محمد جعفر فیض مهدوی ۳۷۲، ۳۷۳

محمد حجت ۶۵۵

محمد حجتی ۲۸۶

محمد حسن حجتی ۲۸۳

محمد حسن ۱۳۴

محمد حسن میرزا ولیعهد ۳۲۲

محمد حسن نجفی ۱۳۳

محمد حسین جلیلی ۶۲۴، ۶۲۷

محمد حسین خان ۳۳

محمد حسین شهرستانی ۳۱۰، ۳۱۱

محمد حسین فاضل اردکانی ۶۲۳

محمد حسین مرعشی ۳۱۱

محمد حسین مامقانی ۶۷

محمد حسین نائینی ۴۵۴، ۴۸۹

محمد خالصی زاده ۳۱۵

محمد رضا طبسی ۷۹

محمد رضا فیض مهدوی ۳۷۴

محمد زمان کرمانشاهی ۶۲۸

محمد زکی کرمانشاهی ۶۲۷، ۲۸

محمد سلطان الواعظین شیرازی ۶۴۰

محمد شاه قاجار ۶۴۰

محمد شریانی ۶۷

محمد طباطبایی ۳۵

محمد صادق بحر العلوم ۵۲۸

محمد صادق بن جعفر کرمانشاهی ۶۵

محمد صدر ۳۱۸

محمد عابد ۶۴۰

محمد عراقی ۳۵۰

محمد علی ۶۱، ۶۳، ۳۱۱، ۶۵۱

محمد علی بهبهانی ۴۷۹

محمد علی خان زنگنه ۳۹

محمد علی شاه ۷۱، ۵۹۹

محمد علی شاه آبادی ۶۵۵

محمد علی شهرستانی ۳۰۹، ۳۱۶، ۳۱۸، ۳۱۹

محمد علی کرمانشاهی ۶۳، ۶۲۸

محمد علی کرمانشاهی بهبهانی ۵۲

محمد علی مرعشی ۳۱۰

محمد علی میرزای دولتشاه ۷۷، ۵۲۴، ۵۲۱

محمد علی میبیدی ۶۳۳

محمد علی وحید بهبهانی ۴۸

محمد کاظم تربت حیدری ۶۵۲

محمد کاظم کاظمی ۴۵۶

محمد کاظم یزدی ۷۰، ۲۶۸

محمد کرهرودی ۳۶

محمد کریم بن حاج آقا اکبر ۶۹

محمد مجاهد ۵۸

محمد مجاهد تبریزی ۱۳۸

محمد مجتهد عراقی ۳۵۱

محمد مجتهد کنگاوری ۳۵۲

محمد معصومی ۶۳۲

محمد مهدی طباطبایی ۳۷

محمد مهدی فیض مهدوی ۳۷۴، ۶۳۴، ۳۷۲

محمد کرمانشاهی ۳۶۸

محمد میبدی ۲۷۲، ۴۹۰، ۴۹۲، ۶۵۴

محمد نجف ۶۷۴

محمد نجف واعظ کرمانشاهی ۶۲۸

##PAGE=699##

محمد نوروزی ۳۵

محمد هادی ۱۳۶

محمد هادی جلیلی ۱۳۵

محمد هاشم چهارسوقی ۴۸۷

مدائن ۱۶

مدرس ۵۶۹

مذهب جعفری ۲۲

مذهب مغانی ۱۶

مرآت الاحوال ۴۰، ۴۱، ۴۵

مرتضی جلیلی ۱۴۰، ۱۴۱

مرتضی طالقانی ۱۴۳

مرشدآباد ۵۷

مرعشی نجفی ۱۴۴، ۵۲۸، ۶۲۵

مریم بیگم ۲۶۸

مزدک ۱۶

مزدکیان ۱۶

مزدکی ۱۳

مزدیسنی ۹

مسلم بن عقیل ۵۵

مشعشی ۶۶۸

مشهد ۵۶، ۵۷، ۳۲۰

مصدق ۴۵۶

مصطفی جلیلی ۱۴۱

مظلوم ۶۷۶

معتزله ۱۸

معصومعلی شاه ۴۰-۳۹

معصومی لاری ۶۳۰

مقام الفضل ۳۷-۳۹

مقدس اردبیلی ۶۲۶

مگاو ۹

مگوسیا ۱۰

ملا باقر دامغانی ۶۶۹

ملا آقا جان ۶۴۶

ملا احمد نراقی ۴۵۳

ملا جامی ۶۴۶

ملا حسین ۲۶۷

ملا حمزه قائنی ۵۸

ملا صالح مازندرانی ۵۵

ملا صدرا ۶۷۱

ملا عباسعلی کرمانشاهی ۴۸۰

ملا عبد الاحد ۱۳۲

ملا عبد الاحد کزازی ۴۸۰

ملا عبد الجلیل ۱۲۹

ملا عبد الله ۲۸

ملا عبد الله شوشتری ۶۲۶

ملا عبد الله یزدی ۵۵۸

ملا علی کنی ۳۴۸

ملا علی واعظ خیابانی تبریزی ۳۶۸

ملا محسن ۶۹

ملا محمد رضا کرمانشاهی ۳۴۴، ۳۴۵

ملا محمد صالح مازندرانی ۶۵

ملا محمد کاظم ۳۳۶، ۶۴۶

ملا ناصر ۶۴۶

ملا هادی سبزواری ۶۷۶

ملک المتکلمین ۵۲۶

ملک فیصل ۳۲۰

منابع عبری ۹

منتهی المقال ۳۵

منصور محسن ۶۳۳

منظومه سبزواری ۶۸

موسی العراقی ۶۶۵

موسی زنجانی ۳۰۳

مولانا شریعت اصفهانی ۴۸۷

مولانا شیخ جعفر ۳۳۶

مولانای عاشور کرمانشاهی ۳۳۵

مولانا محمد مهدی کرمانشاهی ۳۴۴

مولی نوروز علی بسطامی ۳۳۶

میثم تمار ۵۵

میرزا ۶۷۸

میرزا ابو طالب کرمانشاهی ۳۴۴

میرزا ابو القاسم جابلاقی ۴۵

میرزا ابو القاسم شوشتری ۵۷

میرزا ابو القاسم کلانتر ۳۳۶

میرزا ابو القاسم ۴۱

میرزا ابو القاسم نوری ۳۳۶

##PAGE=700##

۲۸۰

میرزا احمد بن حسن آشتیانی ۶۵۱

میرزا احمد دیوان بیگی ۶۶۵

میرزا اسد اله ۵۶۹

میرزا اسماعیل اول ۵۲۶

میرزا اسمعیل سمنانی خراسانی ۵۲۱

میرزا باقر توحیدی ۶۵۴

میرزا باقر زنجانی ۱۳۸، ۵۲۸

میرزا تقی قاضی تبریز ۵۶

میرزا زین العابدین طبیب ۵۵

میرزای جلوه ۶۷۰

میرزا حبیب الله ۶۵۲

میرزا حبیب الله رشتی ۶۳۰

میرزا حبیب قآنی شیرازی ۶۲۷

میرزا حسن آشتیانی ۶۷۰

میرزا حسن ایوانی ۴۸۹

میرزا حسن ممدوحی ۶۳۵، ۶۳۶

میرزا حسن موسوی بجنوردی ۱۳۸

میرزا حسین ۶۶

میرزا حسین تهرانی ۳۷۰

میرزا حسین شهرستانی ۵۲۲

میرزا حسین نائینی ۳۱۶

میرزا حسین نوری ۶۱۳

میرزا خلیل ۶۶

میرزا خلف آقا سید حسین نهاوندی ۵۶

میرزا زین العابدین امام جمعه ۳۳۶

میرزا شفیع خان ۱۳۰

میرزا شیرازی ۴۵۵، ۶۲۷، ۶۳۱

میرزا صالح ۳۰۹

میرزای قلی ۵۷

میرزا عبد الرحمان مدرس ۶۲۸

میرزا عبد الرزاق ۵۲۲

میر عبد الطیف شوشتری ۳۴۴، ۳۹

میرزا عبد الهادی شیرازی ۴۹۲

میرزا علی آقا فلسفی ۵۲۸

میرزا علی آقا مشکینی ۱۴۴

میرزا لطفعلی ۶۵۲

میرزا محمد ۶۶۵

میرزا محمد تقی رضوی ۵۲۱

میرزا محمد تتکابنی ۴۰

میرزا محمد تقی شیرازی ۴۵۴

میرزا محمد تقی کرمانی ۵۲

میرزا محمد جعفر ۵۶۹

میرزا محمد حسین شهرستانی ۳۲۳

میرزا محمد حسن شیرازی ۶۲۷

میرزا محمد کرمانشاهی ۳۴۵

میرزا محمد علی رشتی نجفی ۶۱۷

میرزا محمد علی مظلوم ۶۷۰

میرزا محمد مجاهد تبریزی ۱۳۸

میرزا محمد مهدی شهرستانی ۵۸

میرزا مهدی ۶۵۵

میرزا مهدی آشتیانی ۳۷۲

میر سید علی طباطبایی ۴۶

میر سید علی یثربی کاشانی ۶۲۳

میرزا هادی خراسانی ۴۸۹

میرزا هاشم لاریجانی ۶۲۵

میرزا یحیی یزدی ۶۵۸

ن

ناطق ۱۳۱

نائینی ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۷۴، ۵۹۹، ۶۳۱

نبوکد نصر ۹

نبوی آل آقا ۷۰

نجف ۵۵، ۷۷، ۷۹، ۳۲۳، ۳۴۹

نصیر الدین طوسی ۶۵۷

نواب صفوی ۴۵۵، ۴۵۶

نهیج الصدق ۱۸

نور علیشاه ۵۱

##PAGE=701##

و

وحدت ۶۷۷

وحید بهیانی ۳۳، ۴۱، ۴۳، ۵۰، ۵۲، ۵۹، ۳۱۰، ۳۳۶، ۴۸۶

ولید ۱۵

ه

هادی جلیلی ۱۳۶

هاشمی رفسنجانی ۳۵۳، ۳۵۴

هانی ۵۵

هدایت الله خان گیلانی ۳۹

هرودت ۱۰

هند ۵۸، ۶۳

هندوستان ۵۷

ی

یار محمد خان کرمانشاهی ۳۷۱

یثربی ۱۴۳

یزد ۳۴۴، ۵۶

یوسف بحرانی ۳۷

یهود ابن یعقوب ۵۵

##PAGE=702##

* پیروان شیعه اثنی عشریه قلمرو گسترده شهرستان‌ها و شهر کرمانشاه را از شرق تا غرب و شمال شرقی و جنوب استان را دربر می‌گیرند.

(نقشه ویژه موضوع کتاب ترسیم شده است)^{۲۸۱}

^{۲۸۱} سلطان، محمد علی، تاریخ تشیع در کرمانشاه از آغاز تا امروز بانضمام پیشینه اعتقادی در غرب ایران، ۱ جلد، [بی نا] - تهران، چاپ: اول، ۲۰۰۱ م.